

کارنامه سه ساله

جشن سومین سالگرد انتشار کتاب ماه ادبیات و فلسفه در دهم آبان ماه سالجاری، همزمان با میلاد حضرت امام حسین (ع) با حضور جمعی از نویسندگان، صاحبان نظر، مترجمان، منتقدان، ناشران و استادان رشته‌های ادبیات و فلسفه دانشگاه‌ها در خانه کتاب برگزار شد. در این مراسم احمد مسجدجامعی، علی اصغر محمدخانی، دکتر محمد خوانساری، سیدفرید قاسمی، دکتر محمود فتوحی و احمد غلامی درباره نشریات نقد کتاب و جایگاه کتاب ماه ادبیات و فلسفه سخن گفتند و کارنامه سه ساله این نشریه مورد نقد و بررسی قرار گرفت. آنچه در پی می‌خوانید گزارش مشروح این مراسم است.

احمد مسجدجامعی هزینه نقد

خدمت حضار بزرگوار عرض سلام و تبریک دارم و تشکر و تقدیر از همکاران صمیمی خودم که زحمات تهیه و انتشار این مجموعه نشریات را برعهده دارند و منت و امتنان از اساتید بزرگواری که در همکاری با این مجموعه نشریات افتخار می‌دهند.

نیت من برای حضور در این جمع برای تشکر از شما بزرگواران بود، در حین صحبت‌هایی که آقای دکتر خوانساری و آقای دکتر فتوحی داشتند، بعضی موارد هم به نظر من رسید که شکل‌گیری نشریه را تداعی کرد. نشریات کتاب‌ماه در حوزه اطلاع‌رسانی و نقد و بررسی کتاب است. حوزه اطلاع‌رسانی از حوزه‌های نسبتاً مغفول در مسئله کتاب بود. وضعیت جدید جامعه ما با توجه به گسترش فضا‌های فرهنگی، مخاطبان فرهنگی و رشد مصرف کالا‌های فرهنگی اقتضا می‌کرد که تحولی در نوع اطلاع‌رسانی به وجود آید. یعنی الان بطور متوسط ۳۰۰ عنوان کتاب در هفته در زمینه ادبیات و فلسفه

منتشر می‌شود. دیگر، این شیوه که ما به ویتترین کتابفروشی‌ها مراجعه کنیم و از جدیدترین انتشارات این حوزه مطلع شویم، کارساز نیست. نه وضعیت شهرها و شرایط زندگی ما این اقتضا را دارد و نه آنکه جمع‌آوری این مجموعه کتاب در ویتترین یک کتابفروشی میسر و ممکن است. به همین دلیل از وضعیت انتشارات کتاب بی‌خبر می‌مانیم. عده‌ای از شما بزرگواران هم در داوری کتاب سال حضور مؤثری دارید، من این وضعیت را مشاهده کرده‌ام که داوران عزیز ما با اینکه در این حوزه‌ها اشراف داشتند، بعضی از کتابها را ندیده بودند و موقعی که با این کتابها برخورد می‌کردند برایشان تازگی داشت که عجب چنین کتابهایی هم منتشر شده! به خصوص اگر نویسندگان صاحب‌نام نبودند و به تعبیر ما نوقلم بودند و نخستین آثارشان عرضه می‌شد، این عدم اطلاع بیشتر می‌شد. از این رو بود که ضرورت ایجاد نهاد اطلاع‌رسانی به صورت متشکل و سازمان یافته، درازمدت و پایدار به چشم می‌خورد. وظیفه اصلی مجموعه خانه کتاب و کتاب ماه همین مسئله بود که مخاطبین را در جریان جدیدترین آثاری که در این حوزه منتشر می‌شود قرار دهند. خوشبختانه استقبال خوبی هم از این بخش به عمل آمد.

ما در حوزه‌های دیگر هم شاهد بودیم بعضی از مراکز علمی و دانشگاهی هم داوطلبانه به این حوزه وارد شدند و در جهت اطلاع‌رسانی کارهایی را انجام دادند. به عنوان نمونه چکیده‌هایی که در اینجا تهیه می‌شود، به زبانهای دیگر هم ترجمه کردند؛ یعنی هم‌اکنون به زبان عربی و انگلیسی ترجمه‌هایی از سوی گروه‌های بیرون از ارشاد تهیه می‌شود. بخشی از کارهای آنها در نمایشگاه امسال در فرانکفورت عرضه شد. این نشان می‌دهد که در فضای فکری و فرهنگی جامعه ما، علاقه‌مندان مرجعی را پیدا کردند تا از طریق آن با جدیدترین آثار منتشر شده آشنا شوند. خوشبختانه ما اکنون در موقعیت بهتری قرار داریم و تأثیر این فعالیت‌ها را می‌توان در اقتصاد نشر مشاهده کرد. امسال برای نخستین بار بود که ناشران ما در نمایشگاه فرانکفورت توانستند قرارداد مستقیم با ناشران خارجی منعقد کنند. درحقیقت این نظام اطلاع‌رسانی، زمینه مناسب برای این کار را فراهم کرد که امیدواریم در طول زمان به بار بنشیند.

وظیفه دومی که کتاب ماه برعهده دارد، گسترش فرهنگ نقد است. «نقد» برای آنها که به آن می‌پردازند هزینه اجتماعی بالایی دارد. یعنی فضای فکری و

که مشارکت و همکاری جدی‌تری داشته باشند، آلمانیها علاقه‌مندی زیادی به این قضایا داشتند، متأسفانه به دلایلی سال گذشته نتوانستیم این نشست‌ها را بین حوزه زبان و ادبیات فارسی و حوزه آلمانی زبان برگزار کنیم، لیکن امیدواریم جزو برنامه‌های سال جاری و سال آینده باشد، به ویژه در آستانه سال ۲۰۰۱ که بحث گفتگوی تمدن‌ها مطرح است، حوزه ادبیات و فلسفه دو زمینه اساسی و جدی است که می‌تواند چارچوب مباحث گسترده را بین اندیشمندان ما و سایر کشورها فراهم کند و امیدواریم که این نشریات هم بتوانند در حد خود به این مسئله کمک کنند و ما شاهد تداوم کار و بهبود کیفیت هرچه بیشتر این آثار باشیم. از همه شما عزیزان هم که همکار صمیمی این نشریات هستید صمیمانه تشکر می‌کنم و آرزوی توفیق دارم.

اهمیت نقد علی اصغر محمدخانی

بررسی کتاب صورت می‌پذیرد، امیدواریم که تداوم این نشست‌ها به تدریج زمینه شکل‌گیری قواعد، معیارها و چارچوب‌های بررسی و نقد کتاب را که مورد قبول عموم متفکران و نویسندگان باشد، فراهم کند.

من در پایان بار دیگر از دوستان به ویژه جناب آقای محمدخانی که با درایت این کار را شروع کردند و همچنان که اساتید بزرگوار اشاره کردند از کار معمولی از لحاظ فرم و شکل و کم حجم، البته با دقت علمی بالا، شروع کردند و هر روز شاهد بهتر شدن نشریه بودیم، صمیمانه تشکر می‌کنم و برای ایشان و اساتید محترم همکار این نشریات آرزوی توفیق دارم و امیدوارم که در دوره جدیدی که این فعالیت را آغاز می‌کنیم، در حوزه فعالیت‌های مربوط به زبان و ادب فارسی در حوزه جغرافیای فرهنگی ایران، نه فقط جغرافیای سیاسی ایران بتوانیم گام‌های بلندتری را برداریم. این مجموعه نشریات شاید از قلیل‌ترین نشریاتی باشند که عمر نسبتاً طولانی و مفیدی داشته‌اند، به دلیل همان هزینه‌های اجتماعی نقد کمتر نشریه‌ای در این حوزه دوام داشته، ولی با توجه به تداوم این نشریات، جای این هست که ما بتوانیم وارد عرصه‌های خارج از مجموعه ایران، مراکز ایران‌شناسی، مراکز اسلام‌شناسی و حوزه‌های فکری و حوزه‌های اندیشه و ادبیات بشویم، مقدماتی هم فراهم شد، در نمایشگاه امسال برای نخستین بار اتحادیه نویسندگان عرب خودش استقبال کرد و در نمایشگاه آثاری را انتخاب، عرضه و یا ترجمه کردند. البته این بعد از بسترسازی و اطلاع‌رسانی و مراداتی بود که ایجاد شده بود. بعضی کشورهای اروپایی از جمله فرانسویها و ایتالیایی‌ها حضور فعالی داشتند، سفیرشان در ملاقاتی که با ما داشت تقاضا کرد

ذهنی جامعه ما چندان با این مسئله همراه نیست. من خاطرم می‌آید که بعضی از نقدهای کتاب را دوستان بارها در تجربه مطالعه می‌کردند، بررسی می‌کردند، احیاناً اگر خرده یا نکته‌ای که احساس می‌شد خارج از شئون باشد با ظرافت و دقت ویرایش می‌کردند. اما با همه اینها بعد از انتشار نقد ما پیوسته با این مسئله و مشکل مواجه بودیم و حتی مشکلاتی که بعضاً زبانش از عرف معمول محاورات فرهنگی هم خارج می‌شد. از این حیث به نظر من فداکاری دوستان همکار در این مسئله زیاد بوده، هزینه اجتماعی نقد کتاب، نقد فکر، نقد اندیشه در کشور ما بالاست و در قبال این هزینه اجتماعی، فواید کمی بر آن مترتب است. بنابراین بسیاری از اهل فکر و فرهنگ ترجیح می‌دهند اصلاً وارد این حوزه نشوند، یعنی به یک تألیف، ترجمه یا تحقیق بپردازند. چرا که محیط علمی ما در حوزه نقد حساسیت‌های ویژه خودش را دارد و با این مسئله از سر همراهی و همدلی برخورد نمی‌کند.

خوشبختانه کتابهای ماه در حوزه‌های مختلف از جمله در ادبیات و فلسفه توانستند این روند را پی‌گیرند و شیوه‌های جدیدی را هم به کار گرفتند. معمولاً ما نقد اثر را با حضور صاحب اثر شروع کردیم که نقد غایبانه نباشد و حرف‌های طرفین در این بحث شنیده شود. امیدواریم با این شیوه‌هایی که به کار گرفته شده، نشریه در زمینه دیگر کار خود که بررسی و نقد کتاب است توفیق بیشتری حاصل کند. بگذریم از مواردی که در زمینه نقد ادبی و نقد هنری معیارهای مورد قبول جامعه فرهنگی ما هنوز هم مشخص نیست. یکی دیگر از کارهایی که کتاب ماه ادبیات و فلسفه متولی آن شد، برگزاری نشست‌هایی است که درباره نقد و

ابتدا میلاد خجسته امام حسین (ع) را خدمت مهمانان گرامی تبریک و تهنیت می‌گوییم. سی‌وششمین شماره کتاب ماه ادبیات و فلسفه امروز منتشر شده و ما به چهارمین سال فعالیت خود وارد می‌شویم. درست سه سال پیش شب تولد حضرت

مراسم سومین سالگرد انتشار کتاب ماه ادبیات و فلسفه



فاطمه زهرا (س) در منزل آقای مسجدجامعی بودیم و در آنجا بنیان انتشار کتاب ماه ادبیات و فلسفه گذاشته شد و بسیار خوشحالیم که امروز هم همزمان و توأمان زادروز امام حسین (ع) و سومین سالگرد انتشار کتاب ماه ادبیات را جشن می‌گیریم.

همانطور که دوستان می‌دانند اولین شماره کتاب ماه ۸ صفحه مطلب داشت و همراه با فهرست آثار چاپ شده منتشر شد، در صورتیکه در سال سوم ۸۰ صفحه مطلب داریم و طبیعتاً فهرست کتاب‌ها نیز بیشتر شده، چرا که در این سال‌ها انتشار کتاب گسترده‌تر بوده است. باید اضافه کنیم که هدف اصلی کتاب ماه پرداختن به دو بعد بود: یکی اطلاع‌رسانی چرا که در ماه حداقل در حوزه ادبیات حدود سیصد کتاب منتشر می‌شود. بسیاری از علاقمندانی که به این کتاب‌ها دسترسی ندارند، مخصوصاً در شهرستان‌ها و حتی در خود تهران، نشریه‌ای لازم بود که در چارچوب آن، این اطلاع‌رسانی انجام گیرد، حتی محققان و نویسندگانی که می‌خواستند از وضع نشر آگاه شوند باید به کتابفروشی‌های جلوی دانشگاه مراجعه می‌کردند. اما انتشار کتاب ماه این فرصت را به آنان داد تا در خانه خود با دقت بیشتر در جریان نشر کتاب قرار بگیرند، و این اولین هدف انتشار کتاب ماه بود.

بعد دوم نقد بود، که با این شمار کتابهایی که در ماه و سال منتشر می‌شود و با غیاب سنگینی نقد در کشور، بسیاری از افراد می‌خواهند بدانند که در حوزه شعر، تحقیقات ادبی، رمان و... کارها در چه مقیاس و اندازه‌ای است. ما برای تقویت این جنبه، سعی کردیم فضای بحث و گفتگو در زمینه آثار و نقد آثار را تقویت کنیم و دست کم برای یافتن معیارهایی برای نقد جستجویی بکنیم تا خوانندگان یا به عبارت بهتر مخاطبان، خود برای نقد آثار تا حدی با این معیارها آشنا شوند. ما وارد این حوزه نشده‌ایم، اما فکر می‌کنم همه کسانی که دستی در کتابخوانی دارند، اهمیت نقد را می‌دانند و می‌دانند که چرایی و چگونگی این نقدگریزی و نقدستیزی داستان جداگانه‌ای دارد و خود تحقیقی گسترده و وقت‌گیر است که اتفاقاً خیلی می‌تواند کارساز باشد. اما واقعیت این است که نقد خود به خود به خانه ما نمی‌آید و ما بالاخره باید فضای نقد را خودمان به وجود آوریم، چرا که از لحاظ نظری به این کار نیاز داریم، زیرا کتاب‌هایی که در حوزه نقد ادبی است به خوبی ترجمه شده و در دانشکده‌های ادبیات نیز تلاش‌هایی در این زمینه صورت می‌گیرد و لازم است که با مبانی نظری نقد

بیشتر برخورد شود. این بود که ما سعی کردیم از لحاظ نظری به کتاب‌هایی بپردازیم که در حوزه ترجمه و تألیف درباره نقد منتشر می‌شود و نقدهایی که به صورت عملی صورت می‌گیرد برپایه محکمی استوار باشد.

اما درباره روند انتشار کتاب ماه باید به مطالبی اشاره کنم. کتاب ماه ادبیات هیئت تحریریه‌ای دارد که جلسات آن روزهای سه‌شنبه تشکیل می‌شود و اعضای آن عبارت‌اند از: آقای دکتر محمود فتوحی، عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت معلم، آقای دکتر محمد دهقانی، عضو هیئت علمی دانشگاه سمنان که در تهران نیز در دانشکده هنر تدریس می‌کنند. آقای دکتر سیدمحمود یوسف‌ثانی، مدرس فلسفه و مسؤول دبیرخانه کتاب سال، خانم بلقیس سلیمانی که فوق‌لیسانس فلسفه هستند و کارشناس رمان، دوستان دیگری هم تا چند ماه اخیر عضو هیئت تحریریه کتاب ماه بودند از جمله: آقای مجتبی بشردوست، مدرس ادبیات که چون مشغول تنظیم پایان‌نامه دکتری خود هستند، مدتی است که از حضور ایشان در هیئت تحریریه محروم هستیم.

شیوه کار ما آن است که کتاب‌هایی که در ماه منتشر می‌شود با توجه به شناختی که از صاحب‌نظران داریم در اختیار آنان می‌گذاریم تا نقد و تحلیل نمایند. اما در حال حاضر بیشتر حجم کار مربوط به مقالاتی است که صاحب‌نظران و مخاطبان می‌فرستند. با توجه به تحول کیفی و کمی که در زمینه انتشار کتاب ماه ایجاد شده در ماه حدود ۲۵ مقاله از سراسر کشور و خارج از کشور به دفتر کتاب ماه می‌رسد و این نشان می‌دهد که اهل فن از این مجله استقبال کرده‌اند.

مقاله‌هایی در کتاب ماه چاپ می‌شود که حداقل دو نفر از اعضای هیئت تحریریه آن را براساس ضوابطی که از پیش تعیین شده تأیید نمایند و اگر مقاله امتیازات لازم را داشته باشد چاپ خواهد شد.

در کنار انتشار کتاب ماه سعی داشتیم یک فعالیت جنبی نیز داشته باشیم و فضای بحث و گفتگوی فراهم کنیم، این بود که نشست‌هایی را با حضور منتقدان، مؤلفان و مترجمان تشکیل دادیم و اولین نشست ما هم در هفته کتاب در سال ۷۶ بود که بررسی کمی و کیفی کتاب‌های ادبیات و فلسفه در سال ۷۵ بود که با حضور آقای دکتر علی محمد حق‌شناس، مرحوم محمدحسن لطفی، استاد عزت‌الله فولادوند، آقای علیرضا ذکاوتی قراگزلو و استاد رضا سیدحسینی برگزار شد.

نشست بعدی درباره نیچه بود، با عنوان نیچه در بوتۀ نقد که دو روز طول کشید و بعد هم نشست‌های بعدی را برگزار کردیم، از جمله: تحلیل نقد نورترپ فرای با حضور آقای دکتر صالح حسینی و دکتر سعید ارباب شیرانی. و ما همچنان در هر ماه به این بحث و گفتگوها ادامه دادیم و اوج آن امسال (۱۳۷۹) در سرای اهل قلم در سیزدهمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب بود که تقریباً حدود چهل نشست با حضور مؤلفان، منتقدان و مترجمان انجام شد. در چند ماهه اخیر نیز جلسه‌های بحث و گفتگو داشتیم، از جمله: نقد رمان درخت انجیر معابد با حضور آقای احمد محمود، ترجمه آثار گونتر گراس با حضور آقای عبدالرحمن صدریه که در این جلسه کفجه ماهی و طبل حلبی نقد و بررسی شد و حتی ترجمه آلمانی به فارسی کتاب با ترجمه آلمانی به انگلیسی آن مقایسه شد. از دیگر نشست‌هایی که در کتاب ماه ادبیات و فلسفه برگزار شد، منطق وجهات بود که با حضور آقای دکتر ضیاء موحد برگزار شد.

در این سال دو همایش نیز داشتیم. همانطور که می‌دانید شورای فرهنگ عمومی روزهایی را به بزرگداشت فرهیختگان ادب و فرهنگ ایران و اسلام اختصاص داده است که در تقویم‌ها نیز ثبت شده است. مثلاً روز بیستم مهرماه روز حافظ، روز اول اردیبهشت روز سعدی و اول خرداد روز ملاصدراست. درباره سعدی و حافظ در استان فارس همایش‌هایی برگزار می‌شود. اما امسال در تهران همایش سهروردی را در هشتم مرداد ماه، برگزار کردیم که عده‌ای از سهروردی‌پژوهان نیز در این همایش شرکت داشتند.

همایش مولوی‌پژوهان را نیز در هشتم مهرماه برگزار کردیم و حدود ۴۰ نفر از کسانی که درباره مولوی و آثار او کار کرده و یا دانشجویانی که پایان‌نامه خود را در این زمینه انتخاب کرده بودند، شرکت داشتند که دستاوردهای زیادی به همراه داشت، از جمله اینکه زمینه تشکیل بنیاد مولوی و نیز انتشار گاهنامه‌ای با عنوان مولوی فراهم شده است.

اما چون بیشتر فعالیت‌های فرهنگی در تهران صورت می‌گیرد، به منظور بهره‌وری از توانایی‌های فرهنگی شهرستان‌ها سعی کردیم نشست‌هایی در نمایشگاه‌های استانی که هر ماه در یکی از شهرستان‌ها برگزار می‌شود، برگزار کنیم. از جمله در تبریز چندین نشست برگزار کرده‌ایم.

در شیراز جلسه‌ای با حضور زنده‌یاد دکتر محمدحسن لطفی درباره آثار ارسطو داشتیم. همینطور

حُسن‌های کتاب ماه را مدیون تلاش دوستان می‌دانم و تمام نقایص را خود می‌پذیرم، آن را به حساب سردبیر بگذارید.

محمد خوانساری

در راه کمال

ابتدا این روز خجسته سومین روز شعبان را که مصادف است با ولادت سومین امام همام حضرت آبی عبدالله خدمت حصار تبریک عرض می‌کنم و ثانیاً سومین سالگرد تأسیس مجله کتاب ماه ادبیات و فلسفه را. بنده صحبت مهمی نداشتم که عرض بکنم ولی چون جناب آقای محمدخانی اصرار کردند بنده را مأخوذ به حیا کردند، چون مطلبی که برای حضار محترم قابل عرضه باشد ندارم و کسانی در مجلس تشریف دارند که شایسته‌ترند در این مباحث صحبت بکنند. عرض شود که کتاب ماه خوشبختانه به همت متولیان آن پیوسته از بدو تأسیس تاکنون راه کمال را پیموده و مرتب بهتر از قبل شده است، برعکس خیلی از مجلات که مثلاً سابق قبل از انقلاب شروع به کار می‌کردند و شماره‌های اول خیلی پرمحتوا و وزین بود و جلب توجه می‌کرد ولی مدتی که می‌گذشت، به تدریج انحطاط مجله شروع می‌شد و به ضعف می‌گرایید و می‌رسید به دوره و من نمونه و ننگینه فی‌الخلق، بعد هم هر قوی اول ضعیف گشت و سپس مُرد و بالاخره به محاق تعطیل کشیده می‌شد. از این دست مجلات زیاد دیده‌ایم. ولیکن بحمدالله این مجله به عکس از لحاظ

فلسفی باشیم و آنها را معرفی و نقد کنیم. نکته دوم اینکه در حوزه مباحث نظری نقد کاستی‌هایی داریم. به اعتقاد من تا در حوزه نقد مباحث نظری را تقویت نکنیم نقد عملی خوبی هم نخواهیم داشت، ما باید سیر تحول نقد ادبی را از ابتدا بررسی کنیم و ببینیم چه دوره‌هایی را گذرانده و به کجا رسیده‌ایم.

سومین کاستی ما این است که در حوزه ادبیات جهان در کتاب ماه به سطح مطلوبی نرسیده‌ایم و در اینجا از اهل قلم درخواست می‌کنم در این باره ما را یاری دهند. در کتاب ماه ادبیات نیز سعی داریم تا کتاب‌هایی که در حوزه ادبیات و فلسفه در سطح جهان است انعکاس دهیم و استفاده کنیم. چهارمین نقضی که بر ما وارد است این است که در معرفی کتاب ماه به خارج از کشور کوتاهی کرده‌ایم. باید در این زمینه تلاش بیشتری کنیم، چون با تماس‌هایی که با افراد خارج از کشور داشتیم، مشاهده کردیم که علاقه‌مندند از وضعیت نشر آگاه شوند، به همین دلیل باید زمینه‌های اجرایی این کار را فراهم سازیم، از طرفی خیلی‌ها تعجب می‌کردند که چگونه ممکن است در ماه این تعداد کتاب در ایران منتشر شود.

کاستی دیگر این است که نقد در حوزه ادبیات معاصر ما در سطح مطلوبی قرار ندارد به خصوص در شعر، به همین دلیل باید توجه بیشتری به این حوزه نماییم.

در اینجا از همه دوستانی که در این سه سال در انتشار کتاب ماه تلاش کرده و نقشی ایفا نموده‌اند، سپاسگزاریم. از جمله دوستان در بخش حرفه‌چینی، تنظیم و صفحه‌آرایی خلاصه کتاب‌ها، آرشيو، بخش توزیع، تصحیح و نمونه‌خوانی، فنی، هنری، دوستان پیک و تمام دست‌اندرکاران کتاب ماه.

در پایان صحبت‌هایم یادآور می‌شوم که تمام

نشست کلاسیک‌های زبان‌شناسی با حضور دکتر هرمز میلانیان و دکتر کورش صفوی در شیراز برگزار شد که متن کامل آن نشست در شماره ۴۵ کتاب ماه ادبیات و فلسفه به چاپ رسید. در نمایشگاه خرم‌آباد و خراسان و چند استان دیگر نشست‌هایی داشته و خواهیم داشت. چرا که یکی از دستاوردهای مهم این برنامه‌ها علاقه‌مند کردن بسیاری افراد به کتاب و کتابخوانی است.

در همدان هم نشستی با حضور آقای غلامی، آقای دکتر اذکایی و آقای ذکاوتی داشتیم و اگر بتوانیم در شهرستان‌های دیگر به غیر از مراکز استان‌ها نشست‌های فرهنگی داشته باشیم، دبیران فاضل و گرانقدری که در شهرستان‌ها هستند می‌توانند از نزدیک با مؤلفان و مترجمان آشنا شوند و به این طریق استفاده کنند.

از کارهای دیگری که در این مدت پیگیری کرده و ادامه خواهیم داد، ارتباط با گروه‌های آموزشی دانشگاه‌هاست. یکی از جهت فراهم آوردن زمینه‌ای برای تهیه مقالات و یکی از این جهت که دانشجویان از کتاب ماه ادبیات به عنوان مأخذی برای دروسهای خود استفاده می‌برند و با تازه‌های کتاب نیز آشنا می‌شوند.

طبیعتاً کتاب ماه نقص‌های بسیاری دارد که در اینجا به آنها اشاره می‌کنم و از دوستان می‌خواهم که در رفع این نواقص ما را یاری نمایند. یکی اینکه در زمینه فلسفه ضعف داریم، در واقع در کتاب ماه ادبیات و فلسفه، ادبیات بر فلسفه می‌چربد! علت اساسی آن هم این است که کتاب‌هایی که در حوزه ادبیات منتشر می‌شود نسبت به کتاب‌های فلسفی بیشتر است، یعنی در ماه بین ۴۵-۴۰ کتاب در حوزه ادبیات داستانی و حدود ۵۰ کتاب در حوزه شعر منتشر می‌شود. طبیعتاً نقد کتاب هم در این حوزه می‌تواند بیشتر باشد، اما این کم‌کاری ما را توجیه نمی‌کند، بلکه باید در جهان به دنبال انتشار کتاب‌های



تبریک بگوئیم و سپاسگزار باشیم از مدیر محترم مجله و سردبیر محترم مجله که مجله‌ای اینچنین ابرومند عرضه می‌کنند و انشاءالله روز بروز رو به بهروزی و بهبودی باشد.

محمود فتوحی

جریانی مبتنی بر نقد جدی

با عرض سلام و ادب خدمت استادان و دوستان عزیز که دعوت ما را پذیرفتند و از دور و نزدیک قدم رنجه فرمودند. البته با توضیحات مفصلی که آقای محمدخانی فرمودند فکر نمی‌کنم چیزی برای گفتن باقی مانده باشد. اما چون مقرر شده بود که گزارشی از مسایل و شیوه کار هیئت تحریریه را خدمت میهمانان عزیز عرض بکنم، حسب الامر دقایقی وقت عزیزتان را می‌گیرم و پیشاپیش پوزش می‌طلبم.

طبعاً عرصه مطبوعات، عرصه پرمخاطره‌ای است، شاید کم مخاطره‌ترین عرصه آن، قلمرو تحقیقات ادبی و فلسفی باشد که مخاطبان خاص دارد و حوزه جنجال‌های عام نیست.

روز اولی که خدمت آقای محمدخانی رسیدیم بنا را بر این گذاشتیم که جریانی راه بیاندازیم مبتنی بر نقد جدی در حوزه کتاب، دوستانی بودند که به مساعدت ایشان پای درین راه نهادیم. از آغاز هم مشکلات عدیده‌ای فرا راه ما پدیدار گشت. هنوز بیشتر از دو سه نقد جدی منتشر نشده بود که پیغام و پغام‌های فراوان از گوشه و کنار به گوشمان می‌رسید. این واکنش‌ها

زمینه چه تیراژه‌های بالایی دارد. شرح منظومه شهید مطهری صدها هزار نسخه از آن تا بحال چاپ شده، اسباب خوشبختی است که اینهمه مسائل جدی رونق دارد نه چیزهای مبتذل.

برای رفع خستگی حضار محترم عرض کنم که استاد ما مرحوم فاضل تونی از استاد خودشان آقای میرزا هاشم اشکوری که در تهران فلسفه و عرفان تدریس می‌کرده نقل می‌کردند که او مکرر می‌گفت که این متاع ما یعنی فلسفه اسلامی نه پیش از مشروطه رونق داشت نه بعد از مشروطه. پیش از مشروطه که ما (فلاسفه) مکفر بودیم و زندیق بودیم چپ چپ به ما نگاه می‌کردند و کارمان رونقی نداشت و در حاشیه بودیم، بعد مشروطه که شد و مشروطه‌طلبان می‌گفتند ما روشنفکریم، اهل تفکر و اینها، گفتیم خوب متاع ما هم که تفکر و استدلال است پس لابد دیگر با آمدن مشروطه رونق می‌گیرد، همینکه مشروطیت تثبیت شد گفتند اینها افکار پوسیده قرون وسطایی است و به درد نمی‌خورد، بنابراین ما نه پیش از مشروطه کارمان رونق داشت و نه پس از مشروطه، ولی حالا اگر مرحوم اشکوری زنده بود، واقعاً شاد می‌شد که فلسفه واقعاً مورد علاقه جوانها واقع شده، و همانطور که اشاره فرمودند باید انشاءالله این قسمت از صفحات مجله قویتر شود تا تشنگی جوانها را فرو بنشانند، به هر حال هر اثری که برای جامعه سودمند باشد این قانون طبیعت و ناموس الهی است که می‌ماند، «و اما ما ینفع الناس فیمکث فی الارض» در قرآن کریم است که سیل می‌آید و موج می‌آورد، حیرت‌انگیز و رعب‌آور و کف زیادی می‌کند، اما بعد این موجها و کفها می‌خوابد، «اما الزبد فیذهب جفاء» و اما ما ینفع الناس فیمکث فی الارض، یعنی آنچه مفید است و دردی را دوا می‌کند می‌ماند حالا هر چیزی که خلای را پر کند یا حاجتی را برآورده سازد آن خواهد ماند و این مجله خوشبختانه مصداق همین است و ما باید

حجم ضعیف بود، حتی جلد کاغذی داشت و به تدریج روز به روز قویتر، پرمحتواتر و وزین تر شده است و این واقعاً جای تبریک دارد و شکی نیست که این کار ساده‌ای نیست، البته خیلی زحمت دارد تا مجله‌ای، کتابی، حتی یک مقاله خوب عرضه شود. و اشاره کردند که حدود مثلاً ۳۰۰ کتاب در ماه منتشر می‌شود، پیدا کردن و جمع کردن اینها، فهرست‌بندی و عرضه کردن اینها کار آسانی نیست و البته خیلی هم چشمگیر نیست. کارهای معنوی آنطور که باید جلب توجه نمی‌کند اما کارهای مادی مثلاً وقتی عمارتی بالا بلند ساخته می‌شود، یک چیز ملموس و محسوس و اعجاب‌برانگیز است ولی کارهای معنوی آنطور جلب توجه نمی‌کند مگر برای اهلش که فقط آنها می‌فهمند. بَرَى النَّاسِ دُهْنًا فَيُقَوِّرُ ظُفَايَا

وَلَمْ يَذَرِ مَا يَجْرِي عَلَى رَأْسِ سَمْسِمٍ
مردم روغن کبچد را داخل شیشه صاف و زلال و پاک می‌بینند، اما نمی‌دانند بین دو سنگ آسیا بر سر کبچد چه آمده تا این روغن خارج شده است.

این مجلات و تحقیقات هم همینطور است، خیلی زحمت دارد و کار می‌برد اما خوشبختانه زحماتی که کشیده شده هدر نرفته و همین که تیراژ رو به تزاید است نشان می‌دهد که جامعه بخصوص تیپ جوان استقبال می‌کنند، تشنه هستند، می‌خواهند و می‌طلبند، و این استقبال جوانان واقعاً مغتنم است. البته هرچند وقت یکبار موجی ایجاد می‌شود از نظر ادب و فلسفه و اینجور مباحث. پیش از انقلاب مثلاً ایده‌های مارکس و انگلس و اینها خیلی متداول بود و خواننده زیادی داشت، یا موجی دیگر آمد به عنوان فرویدیسم و آثار فروید زیاد خوانده می‌شد و طرفدار داشت و همینطور یک مدت روانشناسی، یک مدت جامعه‌شناسی، اما خوشبختانه بعد از انقلاب موجی که هست در زمینه ادبیات و فلسفه است که مورد استقبال است و می‌بینیم که کتابها در این



تعدادی از دوستان را مایوس و دلسرد کرد و بعضاً هم از کار دست کشیدند. گفتیم حال که کار را شروع کرده‌ایم باید به جایی برسانیم. اهدافی که در این جمع با همت آقای محمدخانی پیگیری می‌کردیم این بود که بیشتر در جهت پرورش ذوق کتابخوانی و کتابخوانان و کمک به اعتلای ذوق و جمال‌شناسی جامعه قدم برداریم، یعنی هدف عمده ما بالا بردن سطح توقع و انتظار خوانندگان کتاب بود. این بازار مکاره کتاب که در کشور ما رونق گرفته و تالیف و نشر افزایش یافته البته امر خجسته و مبارکی است، اما برای جامعه کتابخوان ایرانی جدا کردن کتاب خوب یا مطلوب از نامطلوب در میان این همه عنوان‌های مختلف کار دشواری است. می‌خواستیم راهی نشان دهیم که برای مخاطب، انتخاب کتاب آسان باشد. دیگر این که مجله کتاب ماه منعکس‌کننده ذوق خوانندگان ورزیده کتاب باشد، یعنی نشریه بازتابی باشد از ذوق‌های فرهیخته و ورزیده تا مؤلفان بدانند چه کسانی کتاب را با جدیت می‌خوانند و در پی کتاب خوب هستند. در واقع می‌خواستیم انتظار مخاطبان و خوانندگان را در این نشریه منعکس کنیم. و البته روز به روز این انتظار را بالا ببریم، چون معتقدیم که مؤلف و نویسنده قطعاً برای پاسخ دادن به انتظارات و نیازهای جامعه می‌نویسند.

هدف دیگر این بود که نقش نقد و انتقاد و منتقد را در جامعه به عنوان یکی از ارکان اصلی در حرکت به سوی جامعه مطلوب علمی مطرح کنیم. نقد و منتقد جهت‌دهنده به ذوق هستند، در واقع این منتقدان هستند که به ذوق‌های پریشان یا ذوق‌هایی که حرفی برای گفتن دارند و محملی برای خلاقیت می‌یابند، جهت می‌دهند. کارکرد نقد در اینجا همسو کردن ذوق آفرینش و خلاقیت هنری با ذوق مصرف‌کننده آثار ادبی است. وقتی نقش نقد در جامعه جدی گرفته شود قطعاً همه چشم‌ها را معطوف خود خواهد ساخت و خلاقیت‌ها با خواست عصر و زمان متناسب‌تر خواهد بود.

هدف دیگر ما این بود که منبع مورد اعتمادی برای ارزیابی آثار ادبی فراهم کنیم تا طیف گسترده خوانندگان ما که دانشجویان و دانشگاهیان هستند با مراجعه به این منبع مورد اعتماد بتوانند به آثار مطلوب خود دست یابند.

از دیگر اهداف ما فراهم‌سازی فضای گفتگوی عقلانی است، فضایی که در آن بتوان امکان یک مناظره مبتنی بر استدلال را فراهم آورد. به همین منظور تأکید ما در انتخاب مقالات بیشتر بر سندیت و صحت قضاوت‌ها و داوریه‌های منتقدان است. اینها

مجموعه‌ای از اهدافی بود که ما بر سر آن پیمانی بستیم تا در کتاب ماه ادبیات و فلسفه به آن تحقق بخشیم. اما تحقق این اهداف مشکلات فراوانی به دنبال داشت. بزرگترین مشکل ما انتقادناپذیری اهل فرهنگ ماست. اکثر ما توقع داریم که توده عام جامعه ما اهل نقد و انتقاد باشند، در حالی که تجربه نشان می‌دهد که حتی نخبگان جامعه ما پذیرای نقد جدی نیستند. ناشر، مؤلف، حتی هواداران برخی نویسندگان و شاعران، هیچکدام پذیرای نقد نیستند. ما نقدهایی را در مجله درج کردیم که دقیقاً مبتنی بر استدلال بوده، نقدهایی که حتی در سراسر مقاله به دشواری می‌توان رد پای تأثر و احساس یا خصومت را یافت، اما انبوهی ناراحتی و شکوه و شکایت و پیام‌های پی‌درپی را به دنبال داشت. ما هم بارها گفته‌ایم که این نقد کتاب است و اگر غیرمنطقی و نادرست است و پاسخ دارد، این گوی و این هم میدان. این مشکل بزرگ فرهنگ ماست و به همین دلیل اهل قلم را ورود به عرصه نقد حذر می‌کنند.

مشکل دومی که در کار نقادی گریبانگیر منتقد است، یکی دانستن نقد با خصومت است از جانب مخاطبان. غالباً اگر کسی نقدی می‌نویسد، چنین استنباط می‌شود که از سر خصومت نوشته است. این نوع درک از نقد، ناشی از روح مطلق‌گرای حاکم بر فرهنگ ماست. ما همیشه کسی را که در زمینه‌ای اهل فن است مطلق و تمام عیار می‌دانیم و جایی برای نقدش خالی نمی‌گذاریم. او را تقدیس می‌کنیم. در همین راستا مشکل بزرگ مجله، عدم دستیابی به کسانی است که اهل خطر باشند. هستند کسانی که هم توانایی علمی دارند و هم اهل منطقند و زبده و پخته و آزموده و فرهیخته، اما وقتی برای نقد کتاب یا نقد موضوعی دعوت می‌شوند، معمولاً استقبال نمی‌کنند و خود را به مخاطره نمی‌افکنند، چرا که فضا را مناسب نقد نمی‌بینند.

مشکل دیگر ما فقدان معیارهای دقیق نظریه‌های نقد است. ما بر سر حداقل معیارها و شاخص‌های نقد متفق نیستیم. مجموعه مقاله‌هایی که در زمینه نقد داستان یا شعر به ما می‌رسد کمتر نشانگر حرکت و هماهنگی و همسویی است، یعنی حرکتی که معنادار و حاکی از یک نوع آگاهی برتر حاکم بر طبقه فرهیخته جامعه باشد، یعنی شاخص‌ها و معیارهای روشن و مشخصی در نقد انواع مختلف ادبی و نقد کتاب در دسترس منتقدان نیست و نقد تأثیری و ذوقی غالب است. فقدان این شاخص‌ها و معیارها، پراکندگی نقد و آرای انتقادی را به دنبال می‌آورد، حتی در داوریه‌هایی

که نسبت به مقاله‌های رسیده داریم گاهی اوقات به مشکلات جدی برمی‌خوریم.

از دیگر مشکلات ما جدی نگرفتن برخی از بدیهیات و امور ضروری جامعه ماست. بارها بر سر این موضوع بحث داشته‌ایم که آیا آثار عامه‌پسند را می‌توان در کتاب ماه ادبیات و فلسفه مورد بحث قرار داد؟ مثلاً رمان‌هایی که مخاطبان انبوه دارند یا شعرهایی که از نظر خلاقیت‌های ادبی مراتب پایینی تری دارند، اما توده عظیم مردم ما طالب این آثارند. آیا اصلاً اینها قابل بحث هستند یا نه؟ عده‌ای بر این باور بودند که ورود به این مباحث شأن کار ما را پایین می‌آورد و پرداختن به ادبیات عامه‌پسند و بازاری دون شأن مجله ماست. من فکر می‌کنم که این یک نقص فرهنگی است، یعنی اگر ما به این پدیده‌ها (ادبیات بازاری) توجه نکنیم، در واقع مخاطبان خود را منحصر کرده‌ایم به گروه فرهیخته جامعه و در نتیجه هدفمان که عبارت است از اعتلای ذوق عمومی جامعه، تحقق پیدا نخواهد کرد. این که جوان‌ترها جدی گرفته نمی‌شوند نقص بزرگی است. حتی خود ما در هیئت تحریریه تردید داریم که آیا درباره نویسنده و شاعر جوان‌تر می‌شود مطالبی چاپ کرد؟ علاوه بر شخص، موضوع هم برای ما اهمیت داشته، من شخصاً در نقد به این مسئله قائلم که بیشتر باید به روش انتقاد و آن روحی که بر منتقد حاکم است توجه کنیم. در حقیقت باید دید منتقد از چه زاویه‌ای به پدیده مورد انتقاد خود می‌نگرد و این نگاه چه نوع نگاهی است و اگر قدری در این مسئله تأمل بکنیم در جهت پرورش و اعتلای ذوق قدمی برداشته‌ایم. اینها مشکلاتی است که مختصراً خدمت دوستان عرض کردم.

ما برای ارزیابی مقالات پرسشنامه‌ای به داوران می‌دهیم که هفت شاخص دارد که عبارت‌انداز: تازگی موضوع، روشمندی که خود عبارت است از: طبقه‌بندی، انسجام، اعتبار روش، نتیجه‌گیری، روشنی و صراحت در تعریف اصطلاحات و سلامت و رسایی زبان، صحت و اصول نگارش، تناسب محتوا با حجم مقاله و عنوان مقاله، اعتبار منابع و ارجاعات و تناسب نقد با اهداف نشریه که هریک امتیازات خاص و ضرابی را دارد که مجموعاً صد امتیاز می‌شود و اگر مقاله‌ای از دو داور امتیاز ۷۰ را کسب کرد برای چاپ پذیرفته می‌شود، البته حتی المقدور سعی می‌کنیم که از درج نقدهای تبلیغی، احساسی و طرفدارانه خودداری کنیم. آرزوی ما و دوستان هیئت تحریریه و به خصوص سردبیر محترم این است که به یاری خداوند مجله‌ای شایسته و درخور

شان مخاطبان فرهیخته و مشکل‌پسندان عرضه کنیم.

سید فرید قاسمی

سیر نشریات نقد و کتاب در ایران

با سلام و عرض ادب و احترام به حضار محترم، ابتدا آغاز چهارمین سال حیات کتاب ماه ادبیات و فلسفه را به تمام دست‌اندرکاران و علاقه‌مندان این مجله تبریک می‌گویم و توفیق روزافزونشان را آرزو مند.

همان‌گونه که مستحضرید چاپ کتاب در ایران ۳۷۳ سال پیشینه گسسته و ۱۸۹ سال پیشینه پیوسته دارد. اولین کتاب در ۱۰۴۸ قمری در جلفای اصفهان چاپ شد و پس از تعطیل چاپخانه کلیسای وانک، و به دنبال آن توقف فعالیت‌های انتشاراتی در آنجا، چاپ و نشر کتاب در ایران تقریباً تا سال ۱۲۳۳ قمری که رساله‌های فتح‌نامه و جهادیه در تبریز چاپ شدند، متوقف گردید.

معرفی کتاب نیز عمری به درازای عمر نشر کتاب در ایران دارد. در لایه‌های کتابها و اوراق بازمانده از گذشته، اعلانیایی دیده می‌شود که در یک رویه تک برگ، اطلاعاتی از جمله عنوان، نام نویسنده و مترجم، محل فروش و بهای یک کتاب را در آن آورده‌اند. گویا این اعلانیها که ابزار آگاهی‌رسانی از نشر کتاب بوده در زمان انتشار کتابها به شکل‌های مختلف از جمله دیوارکوب در معرض دید عموم قرار می‌گرفته‌اند.

اخبار و اطلاعات درباره کتاب در مطبوعات ایران با انتشار نخستین نشریه ادواری ایران در عهد محمدشاه

قاجار شروع شد. خبر آتش‌سوزی کتابخانه‌ای در ایتالیا و پرداخت حق الزحمه یک مترجم اولین خبرهای مربوط به کتاب در مطبوعات ایران‌اند.

بر اساس نسخه‌های موجود مطبوعات، نخستین اعلانیهای کتاب و اولین فهرست کتابهای موجود در بازار در روزنامه وقایع اتفاقیه در عهد ناصرالدین شاه چاپ شده‌اند.

۵۰ سال پس از چاپ اولین کتاب فارسی در ایران و ۳۰ سال پس از انتشار اولین نشریه ادواری در ایران، نخستین نشریه ادبی با عنوان روزنامه ملت سنه ایران (روزنامه ملتی) در تهران انتشار یافت که به شکل و محتوایش به دلیل چاپ شرح حال و نمونه آثار شاعران انتقاد شد. مشهورترین نقدکننده این نشریه آخوندزاده بود که نظر او را درباره این نشریه بارها چاپ کرده‌اند. اما پاسخ مرتضی قلی‌خان پسر میرزا علی محمدخان نظام‌الدوله در رد نظر آخوندزاده به طور کامل در هیچ کجا به چاپ نرسیده، چون نسخه خطی منحصر به فردش در مخزن کتابخانه‌ای نگاهداری می‌شود که سالهاست در آن به روی همگان بسته است. به هر حال نخستین نشریه ادبی ایران ۳۶ شماره دوام آورد و پس از آن سالها نشریه ادبی در ایران منتشر نشد. دلیل عمده عدم انتشار نشریه‌های ادبی در آن دوران این بود که منورالفکران و روزنامه‌نگاران اعتقادی به انتشار مطبوعات ادبی نداشتند.

به طور کلی از کوششهایی که اصحاب مطبوعات برای اطلاع‌رسانی کتاب در قبل از صدور فرمان مشروطیت در ایران انجام داده‌اند، می‌توان به درج اخبار و اعلان کتاب در «روزنامه‌ها»، چاپ مطالبی در این زمینه در نشریه‌های تربیت چاپ تهران و گنجینه فنون چاپ تبریز اشاره کرد.

مهم‌ترین کوشش در این حوزه را محمدعلی تربیت در تبریز انجام داد. تربیت از سال ۱۳۱۶ تا ۱۳۲۶ قمری

سالانه فهرست کتابهای تازه چاپ را انتشار می‌داد. در سال نخست پس از صدور فرمان مشروطیت بیش از یکصد عنوان نشریه به جمع مطبوعات کشور افزوده شد و به موازات آن چاپ و نشر کتاب نیز رونق گرفت. معارف، بهار، پروین، علم و تربیت، رستاخیز ادبی، اقبال، دانشکده، ارمان، علم و اخلاق، فرهنگ از زمره نشریاتی‌اند که در فاصله صدور فرمان مشروطیت تا کودتای ۱۲۹۹ به مباحث مربوط به کتاب می‌پرداختند. از کودتای ۱۲۹۹ تا شهریور ۱۳۲۰ نیز آینه، آموزش و پرورش، بازارگاد، تعلیم و تربیت، شرق، گنجینه دانش، گنجینه معارف، مهر، نامه تمدن، ایران امروز، همایون و چند نشریه دیگر مطالبی راجع به کتاب داشته‌اند.

در سال ۱۳۱۱ خورشیدی یعنی ۱۱۸ سال پس از چاپ اولین کتاب فارسی در ایران و حدود ۹۸ سال قمری یا ۹۶ سال خورشیدی پس از انتشار اولین نشریه در ایران، نخستین نشریه خاص درباره کتاب در تهران به همت مرحوم محمد رضائی انتشار یافت. چهار شماره برجای مانده از این نشریه اطلاعات نسبتاً کاملی درباره کتاب و به طور کلی نشر از آغاز سال ۱۳۰۱ تا پایان ۱۳۱۰ خورشیدی را در بردارد.

دومین نشریه درباره کتاب ماهنامه‌ای است با نام خوشه که در خرداد سال ۱۳۲۱ خورشیدی منتشر شد. این نشریه نیز در ۳۰ مهر ۱۳۲۱ با انتشار چهارمین شماره متوقف گردید.

دو شماره با عنوان مجموعه راهنمای کتاب را در آذر ۱۳۲۵ و آبان ۱۳۲۶ انتشارات علی‌اکبر علمی در تهران طبع و نشر کرد. بعضی می‌گویند که این نشریه شماره سوم نیز داشته است.

در دهه بیست جامعه اهل کتاب شاهد ظهور سخن، یادگار، یغما، اندیشه و هنر، و جهان نو بودند که در این میان سخن و یغما با بیش از سی سال انتشار، نقش



مهمی در نقد و معرفی کتاب ایفا کردند. همچنین در این دهه نشریه‌هایی همچون کبوتر صلح و مردم آدینه نیز به معرفی کتاب می‌پرداختند. در این دهه پروانه انتشار نشریه‌ای با عنوان کتاب صادر شد، اما گویا منتشر نشد. نیم قرن اخیر با آنچه پیشتر اتفاق افتاده بود، متفاوت است:

دهه سی شاهد انتشار کتابهای ماه، انتقاد کتاب، راهنمای کتاب، صدف، کتاب شما، فرهنگ ایران زمین، نشریه کتابخانه ملی تبریز و سالنامه کتابهای ایران (کتابشناسی ایران) بوده است. همچنین در حوزه کتابهای دینی با انتشار مجله درسهایی از مکتب اسلام در قم فصل تازه‌ای در این زمینه گشوده شد.

انتشار کتابشناسی ملی ایران، بررسی کتاب، کتابداری، گزارش شورای کتاب کودک (گزارش شورای عالی کتاب)، نامه انجمن کتابداران ایران، و در کنار این نشریه‌ها نقد و معرفی کتاب در آرش، پیکار، جوانان، نگین، وحید، کارنامه کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، رودکی، فرهنگ و زندگی، کتاب هفته، مقالات و بررسیها، قصه و روزن حاصل تلاشهای دهه چهل در این حوزه است.

در دهه پنجاه گزارش کتاب، آشنایی با کتاب، کتاب امروز، نقد و تحقیق، کتابهای خواندنی، کتاب نقد، نشریه فنی مرکز مدارک علمی، پویه، الفبا، فصلنامه کانون (نسل نو)، اطلاع‌رسانی، فهرست سالانه اتحادیه ناشران و کتابفروشان، آیندگان ادبی، کتاب توس و چند مجموعه دیگر که در شکل و هیأت کتاب به وسیله ناشران انتشار یافتند، تعدادی به ارائه فهرست کتابها و مقاله‌ها و برخی به ارزیابی، معرفی و نقد و بررسی کتاب می‌پرداختند.

یکی دو سال اول انقلاب که بازار کتاب‌های موسوم به جلد سفید داغ شد، جزوه‌هایی ادواری نیز با همان شیوه درباره کتاب چاپ و منتشر شد.

به سبب رشد کمی مطبوعات و کتاب در اوایل انقلاب اخبار و اطلاعات کتاب در مطبوعات سهم بیشتری پیدا کرد. اما کوشش جدی در این زمینه در مجله آینده دیده می‌شود. آینده دوره پنجم که از بهار ۱۳۵۸ شروع به انتشار کرد در حقیقت ادامه مجله راهنمای کتاب بود.

نقد آگاه، کتابهای تازه ماه، ناشر، کتابدار، کتاب جمعه و نشریاتی که از سوی کانون نویسندگان ایران منتشر می‌شد، نیز قابل ذکراند.

انتشار نشر دانش از سال ۱۳۵۹، کیهان فرهنگی، پیک کتاب و کتابنامه در سال ۱۳۶۳ و قلمرو در سال ۱۳۶۶ موجب شد تا دسترسی به فهرست کتابهای تازه و آگاهی از چگونگی نشر کتاب سهل تر شود. کتابشناسی ملی ایران نیز از سال ۱۳۶۵ دوره جدیدی را آغاز کرد. در سال ۱۳۶۹ نیز فصلنامه کتاب و مجله‌های

آینه پژوهش و ارغوان منتشر شدند. از دیگر مجموعه‌ها و نشریه‌های دهه شصت که نیم نگاهی به مسائل کتاب داشتند می‌توان از دانشگاه انقلاب، کیهان اندیشه، آدینه، دنیای سخن، کتابمای ایران، نشریه کتابخانه، کتابشناخت، سیمرغ، صحیفه (ضمیمه روزنامه جمهوری اسلامی)، گلچرخ (ضمیمه روزنامه اطلاعات که بعدها مستقل شد)، ادب و هنر (ضمیمه روزنامه کیهان)، رشد ادب فارسی، خاوران و کتاب صبح نام برد. همچنین برگزاری نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران نیز سبب انتشار نشریه‌ای با عنوان سخنگو گردید. نشریه نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران در سالهای بعد با نام‌های دیگری از جمله خبرنامه، کتاب و کتابخوانی و کتابنامه منتشر شد. در ایام برگزاری این نمایشگاه و نیز به مناسبت هفته کتاب در دهه اخیر نشریه‌های مختلفی ویژه‌نامه کتاب انتشار داده‌اند.

از دیگر نشریه‌های اوپسین سال دهه شصت کلک است که گرداننده آن هم اکنون مجله بخارا را با همان سبک و سیاق منتشر می‌کند. در این مجله، اخبار کتاب و معرفی کتاب جایگاه ویژه‌ای داشته و دارد. کلک دوره جدید نیز به شیوه دیگر به مقوله کتاب می‌پردازد.

از کوششهای آقای کریم امامی در تکثیر جزوه‌هایی با عنوان «از میان کتابهای تازه» حاوی فهرست کتابهای تازه در سالهای پس از انقلاب نیز باید ذکری به میان آید.

در دهه هفتاد جز یک وقفه کوتاه فهرست کتابهای ماه را در مجله نمایه آورده‌اند. همچنین در این دهه افزون بر بعضی از روزنامه‌ها و مجله‌ها که ستون و یا صفحه معرفی کتاب دارند شهر کتاب، نقد کتاب، تازه‌های کتاب، پیک روز، کتاب هفته، هفته کتاب، پیام کتابخانه، رویش، کتاب نقد، نقدنامه کتاب، کتاب جهان کتاب، دنیای کتاب، نشر و نوشتار، گزارش کتاب، کتاب ماه، خبرنامه نشر آتش، آگاهی نامه پخش مهراندیش و وادی کتاب نیز منتشر شدند.

اما آنچه این دهه به ویژه سالهای اخیر را از تمام ادوار متمایز می‌کند کوششهایی است که در زیر مجموعه خانه کتاب ایران به سامان می‌رسد. انتشار هفته‌نامه‌ای با عنوان کتاب هفته و ماهنامه‌هایی تحت عنوان کتاب ماه در موضوعات مختلف - هشت موضوع - کوششهای ماندگاری است که قدر و قیمت و ارزش آنها بیش از امروز در آینده شناخته خواهد شد.

یکی از این ماهنامه‌ها، کتاب ماه ادبیات و فلسفه است که اگر مسابقه‌ای در بین ماهنامه‌های خانه کتاب ایران برگزار شود یکی از فینالیست‌ها خواهد بود و در میان مجله‌های مشابه جایگاه ویژه‌ای پیدا کرده، چراکه تلاش پی‌گیری برای ارتقای کیفی آن به عمل می‌آید و هر چه از عمرش می‌گذرد از حیث محتوا غنی تر می‌شود. از نظر شکل هم مدیر محترم هنری و صفحه‌آرای

محترم، طراحی بامنتقی دارند، اما نکته‌ای را به این عزیزان یادآور شوم که این مجله مخاطبانش مشخص‌اند. خوانندگان کتاب ماه ادبیات و فلسفه بیش از آن که به شکل توجه داشته باشند در قید محتوا هستند و شکل مجله باید در خدمت محتوای آن باشد. از اندکی از چاشنی‌های تصویری که بیشتر باید در مجله‌های عمومی استفاده شود، بپرهیزند. تعادل صفحه‌ها و به طور کلی طراحی این مجله باید با فرهنگ مخاطبانش هماهنگی بیشتری داشته باشد. البته این عزیزان نیز در این جهت حرکت می‌کنند و شکل ظاهری مجله را نسبت به سال قبل بهتر کرده‌اند اما هنوز نگرانی‌هایی که چشم خواننده را به سوی خود می‌کشاند در صفحات دیده می‌شود که لازم است چاره‌ای نیز برای این نگرانی‌ها مخصوصاً نام نویسنده‌ها بیاندیشند.

در پایان آرزوی سلامت و موفقیت برای تمام متولیان خانه کتاب ایران به ویژه دست‌اندرکاران نشریه‌های این مجموعه دارم. این عزیزان بدانند قطعاً تلاشهای سالهای اخیر آنان در تاریخ خواهد ماند و آیندگان از این دوره به عنوان یکی از پربار و بارترین ادوار از حیث تلاشهای جنبی در زمینه کتاب یاد خواهند کرد.

دریک

موقعیت مطلوب

احمد غلامی

شاید اغراق نباشد اگر بگوییم اغلب نشریات ما دارای استراتژی ثابت و حساب شده‌ای نیستند و شاید اغراق نباشد بگوییم بیشتر نشریات ما در شرایط تاکتیکی قرار دارند.

نشریات ما بیشتر از این جنبه آسیب می‌بینند که نمی‌دانند برای چه متولد شده‌اند، در چه زمانی به بالندگی خواهند رسید و چه زمانی مرحله زایش و تولید فرهنگی آنان است. یا ساده‌تر، از کجا شروع کرده و به کجا خواهند رسید و اگر در این راه دچار مصائب اقتصادی و سیاسی شدند با چه تمهیدی از این بحران بگریزند.

باید اعتراف کرد، پایین بودن فرهنگ مطالعه یا عادت نداشتن به مطالعه نشریات یومیه و غیره زیربنای دو مشکل عمده‌ای است که نشریات را تهدید می‌کند:

۱- سیاسی ۲- اقتصادی

و زمانی که خواننده وسیع به معنای واقعی خود ندارد

نشریه‌ای، به خصوص نشریاتی با هزینه‌های سنگین نمی‌توانند موقعیت «استراتژیک» خود را تعریف کنند و چپش برنامه‌های آن درمواضع استراتژیک کاری سخت و دشوار است. از این رو اغلب این نشریات اگر وابسته به نهادهای دولتی نباشند ناگزیرند دائم خود را با مواضع تاکتیکی تعریف کنند و یا صریح‌تر بگویم برای جلب خواننده و اهداف نه چندان بلندمدت دست به اقداماتی تاکتیکی بزنند، این رویکرد تاکتیکی گاه سیاسی، گاه اجتماعی و گاه هنری است.

احتمالاً شما فراموش نکرده‌اید رویکرد نشریات را به چهره‌های «فتوژنیک» خانم‌ها در دوره‌های خاص و یا گرایش به حوادث و جنایت‌هایی که گاه به قصد درشت‌نمایی می‌شد برای حفظ موقعیت و بقای یک روزنامه، دست‌اندازی به ذائقه سطحی مردم به خصوص آن ذائقه‌هایی که از محرومیت‌های سیاسی و اجتماعی ناشی می‌شود، عریان‌ترین شکل سوءاستفاده از تاکتیک‌های روزنامه‌نگاری است که بزرگترین خسران آن ایجاد موجی کاذب از خوانندگان بی‌ثبات است...

استفاده از تاکتیک‌های روزنامه‌نگاری در نشریاتی که رویکردی سیاسی دارند موضوعی پیچیده‌تر و تأمل برانگیزتر است. استفاده از تاکتیک‌های روزنامه‌نگاری در نشریات سیاسی صرفاً جنبه اقتصادی ندارد. به خصوص در روزنامه‌هایی که کارکردی اساسی در محبوبیت یا عدم محبوبیت شخصیت‌های سیاسی

دارند و طیفی از خوانندگان حرفه‌ای گرایشی جدی به این نشریات سیاسی دارند.

در شرایطی که تعدادی از نشریات به دلایل سیاسی تعطیل شده‌اند، نمی‌شود با تسامح و تساهل در این زمینه به اظهار نظر پرداخت. چون هر گفتاری در این زمینه و در این شرایط موجب سوءبرداشت و یا سوءاستفاده می‌شود و آلوده به اغراض سیاسی می‌گردد، اما آنچه را که به جرات می‌توانم بگویم این است که اغلب نشریات ما به خصوص نشریات سیاسی هرگز نتوانستند خود را در یک موقعیت استراتژیک تعریف کنند. شتاب تحولات، احساسات تند سیاسی و سبقت‌های مجاز و غیرمجاز در تندروی‌های سیاسی نمی‌گذاشت نشریات سیاسی خود را منظم و ساختارمند تعریف کنند و راهکارهای درازمدت برای ارتقای فرهنگ سیاسی مخاطبان خود ارائه دهند. البته یادآوری دو نکته در اینجا ضروری به نظر می‌رسد: ۱- روزنامه‌هایی که دولتی هستند و کنش و واکنش‌های فعال در مردم ایجاد نمی‌کنند.

۲- روزنامه‌هایی که تشکیلات حزبی دارند و با مانیفست یک حزب اداره می‌شوند از این قاعده مستثنی هستند، چون داشتن مخاطب از طیف‌های گوناگون در اولویت برنامه‌های این نشریات نیست. در این میان وضعیت ماهنامه‌های سیاسی، فرهنگی، فلسفی، یا ادبی و هنری معقول‌تر است.

در دو دهه گذشته ماهنامه‌ها و بعضاً فصل‌نامه‌های بسیاری بوده‌اند که با تعریف و استراتژی مشخصی توانسته‌اند هرگز در موقعیت تاکتیکی قرار نگیرند و با اهداف تعیین شده راه به سرمنزل مقصود ببرند. و تأثیری اساسی و بعضاً زیربنایی در خوانندگان خود بگذارند. برای اینکه ذهنیت خود را هویدا کنیم که منظور نظرم چه نشریاتی است برای نمونه یکی دو تا از آنها را مثال می‌زنم: کیان، بخارا، پیام امروز، و این سه نمونه از نمونه‌های بسیاری از نشریات خصوصی که با پشت سرگذاشتن دشوارترین راه‌ها در خدمت ارتقای کیفی خوانندگان خود بوده‌اند. و اندک نشریاتی دولتی هستند که با هزینه‌های گزاف توانسته‌اند این چنین موفق باشند. دو نمونه از این اندک نشریات دولتی که می‌تواند ذهنم را برای شما هویدا کند نام می‌برم: ارغنون و کتاب ماه ادبیات و فلسفه. در اینجا می‌خواهم تحلیل مختصری از ماهنامه ادبیات و فلسفه ارائه دهم.

کتاب ماه ادبیات و فلسفه از جمله نشریاتی است که تعریف مشخصی از وضعیت «استراتژیک» خود دارد و کمتر رویکردی تاکتیکی به مسائل دارد. با اشاره‌ای ساده اما نه جامع و با کمی تسامح می‌توان گفت: شما با دنبال کردن نشریه کتاب ماه ادبیات و فلسفه می‌توانید پی ببرید چه مقالاتی در این نشریه به شأن چاپ می‌رسند و چه نوع مقالاتی، حتی هر چند پرمحتوا و

وزین جایی در این نشریه ندارند. کتاب ماه ادبیات و فلسفه در روند تکاملی خود، خود را برای خوانندگان این گونه تعریف کرده که به دنبال چه مقالاتی در کتاب ماه ادبیات و فلسفه بگردند و خود را برای نویسندگان و هنرمندان چنان بیان کرده که کدام یک از آثار قلمی خود را به این نشریه ارسال دارند. با این تحلیل می‌توان نتیجه گرفت که این مجله نه نویسنده کاذب و نه خواننده کاذب دارد، اگرچه تیراژ آن حیرت‌انگیز نیست. البته من تیراژ بالا را حسن می‌دانم اما نه به هر قیمتی. وقتی نشریه‌ای خواننده‌ای کاذب و نویسنده‌ای کاذب ندارد نیاز به کذب ندارد.

کتاب ماه ادبیات و فلسفه اگر چه با پول بیت‌المال منتشر می‌شود، می‌توان ادعا کرد که این نشریه مانند برخی از نشریات دولتی دیگر پول مردم را حیف و میل نمی‌کند. این مجله با رویکردی فرهنگی درصدد قوی کردن بنیان‌های فکری و فرهنگی خوانندگان است و به موضوعات زیربنایی چون فلسفه، ادبیات و نقد می‌پردازد.

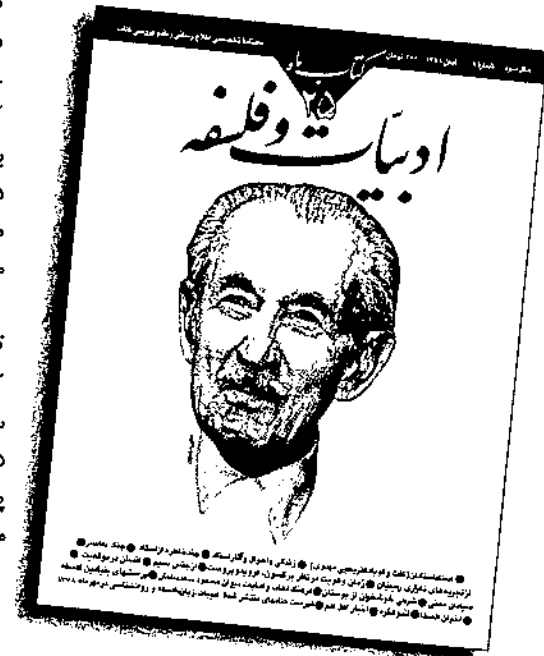
کتاب ماه ادبیات و فلسفه با درک منظومه علوم انسانی تلاش می‌کند بین ادبیات و فلسفه، ادبیات کلاسیک و ادبیات معاصر که در دانشگاه‌های ما بسیار فقیر است ارتباطی دوسویه برقرار کند و با درکی درست به مقوله نقد ادبی بپردازد که در دهه‌های گذشته کمتر مجله‌ای شجاعت سرمایه‌گذاری جدی روی این مقوله داشته است.

کتاب ماه ادبیات و فلسفه اگر چه از نام‌آشنایان فلسفه و ادبیات سود می‌برد اما مقهور نام آنها نیست، تا از هر نام‌آشنای مقاله بگیرد چه با مضمون مجله موضوعیت داشته باشد یا نداشته باشد آن را به چاپ برساند و کشکولی تهیه کند که همه چیز می‌توان در آن پیدا کرد و هیچ چیز را نمی‌شود خواند.

این مجله با حفظ محتوای غنی به گوشه کنار این آب و خاک می‌رود و فرهیختگان منزوی را که به دور از پایتخت و تبلیغات هستند می‌جوید و ارج می‌نهد، شاید اغراق نیست که بگوییم سنگینی بار محتوایی مجله به همین نشست‌های ادبی، فکری و فرهنگی است.

آنچه از هزینه دیگر شایان توجه است دورنمایی است که کتاب ماه ادبیات و فلسفه برای خود در نظر گرفته است. حضور بهترین دانشجویان دکترای فلسفه و ادبیات و منتقدان جوان داستان نویسی در تحریریه این مجله نشان از آن دارد که تربیت نیروی انسانی کارآمد و فرهیخته نیز یکی از برنامه‌های بلندمدت این ماهنامه است.

امید است کتاب ماه ادبیات و فلسفه روزی بتواند با همین نیروهایی که اینک گمنامند عرصه ادبیات، فرهنگ و فلسفه را ارتقا بخشد، چنین آرزویی دور مباد...



شرح دیوان منسوب به امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب (ع) مشهورترین اثر میبدی است که آن را در سال ۸۹۰ هـ. ق تألیف کرده است. «کلمات علیه غرا» که شرح منظوم کلمات امیرمؤمنان علی علیه السلام است به قلم مکتبی شیرازی نوشته شده است. بحث و گفتگو درباره این دو کتاب از نظر خوانندگان محترم می‌گذرد.

■ محمدخانی: در ادامه نشست‌هایی که کتاب ماه ادبیات و فلسفه، درباره برخی کتاب‌های منتشر شده برگزار می‌کند، در این جلسه دو کتاب کلمات علیه غراء و شرح دیوان منسوب به امام علی (ع) بررسی می‌شود. کتاب نخست اثر مکتبی شیرازی است که آقای دکتر عابدی تصحیح کرده‌اند و کتاب دوم اثر قاضی میبدی است که به تصحیح آقایان اشک شیرین و رحمانی انتشار یافته است. درباره کلمات علیه غراء که شرح منظومی است از حدود صد کلمه منسوب به امیرالمؤمنین (ع)، می‌دانیم که در زبان فارسی، پیش از آن هم، آثار دیگری، مانند مطلوب کل طالب رشیدالدین وطواط به وجود آمده است. در اینجا ضمن عرض تبریک به مناسبت فرارسیدن میلاد حضرت علی (ع) از آقای دکتر عابدی می‌خواهیم که سیر تاریخی این کتاب‌ها را بیان کنند و سپس درباره مکتبی شیرازی توضیح دهند.

■ دکتر عابدی: به نام خدا و عرض تبریک به مناسبت این روز مبارک. در همان نخستین آثاری که به زبان فارسی به وجود آمده و ما می‌شناسیم، کم و بیش، نشانه‌هایی از تأثیر قرآن کریم و احادیث نبوی و سخنان بزرگان صدر اسلام، پیداست. این تأثیر، البته، در آثار موجود از قرون اولیه چندان مشهود و برجسته نیست. به دلیل این که برای مؤلفان و معتقدان مسلمان، این دوره، دوره آموزش و یادگیری است و مخاطبان هم چندان با معارف اسلامی آشنایی ندارند، اما چندی نمی‌گذرد که در متون فارسی، نظم یا نثر، به تدریج نتایج این تأثیر آشکار می‌شود.

درباره سخنان امیرمؤمنان علی (ع) هم چنین است. با اینکه می‌دانیم، نهج‌البلاغه در حدود سال ۴۰۰ هجری جمع‌آوری شده است، ولی خطبه‌ها و اقوال آن حضرت که در منابع و متون عربی، و در دسترس خوانندگان بوده، به تدریج در ذهن‌ها و زبان‌ها وارد شده و نتایجی را در زبان فارسی پدید آورده است. اولین کارهایی که به استقلال در ترجمه و نظم سخنان علی (ع)، در حوزه ادبیات فارسی پیدا شده، برای ما ناشناخته است و به درستی نمی‌دانیم نخستین کسی که به این کار اقدام کرده، چه کسی بوده است. در جایی از تفسیر روض‌الجنان ابوالفتح رازی سخنی نزدیک بدین عبارت آمده است که: «شاعر پارسیان این سخن امیرمؤمنان را به نظم آورده است.» تألیف و تنظیم این کتاب ارجمند در حدود سال ۵۵۰ انجام گرفته و محققاً آن شاعر پارسی‌گوی، پیش از آن سال‌ها زندگی می‌کرده است. آیا او کسی مانند «بختیاری» بوده است؟ این بختیاری همان کسی است که در اواخر قرن پنجم می‌زیسته و داستان یوسف و زلیخا را هم، چنان که در سرآغاز یوسف و زلیخای طغان‌شاهی (و منسوب به فردوسی) آمده، به نظم آورده و همچنین مثنوی کوتاهی، در ترجمه منظوم سخنان بزرگان و از جمله کلماتی از امام (ع)، از او در پایان دیوان ناصر خسرو (با مقدمه محققانه تقی‌زاده) به طبع رسیده است. بی‌تردید پیش از رشید وطواط (م: ۵۷۳)، کسانی بوده‌اند که مجموعه‌هایی گردآورده‌اند و سخنانی از بزرگان دین را انتخاب و شرح کرده و به رشته نظم کشیده‌اند و رشید وطواط با توجه به کار آنها، صد کلمه

علی (ع) و فراهم آورده جاحظ را در مطلوب کل طالب، به عربی و فارسی تفسیر و شرح کرده و مفهوم سخن را در قطعه‌ای دوبیتی ساخته است. این کار و به این صورت، بی‌گمان کاری بی‌سابقه نیست، ولی ما از چگونگی آن سابقه آگاهی نداریم. اما مطلوب کل طالب، از همان روزها، چنان که از فراوانی نسخه‌ها و تأثیر بسیار آن در آثار پس از خود برمی‌آید، به صورت کتاب درسی درآمده و سال‌های متمادی، در اغلب مراکز فرهنگی مورد توجه و مطالعه بوده است. در مقدمه مطلوب کل طالب (از انتشارات بنیاد نهج‌البلاغه) به تفصیل نشان داده شده است که این کتاب چه تأثیر شگرفی در خاطر مؤلفان گذاشته، و بعد از آن، سلسله‌ای از رسائل و کتبی به وجود آمده است که از جمله آنها خردنمای جان افروز است.

در خردنمای جان افروز، ادیب فاضلی به نام ابوالفضل مستوفی صد سخن منسوب به امیرمؤمنان علی (ع) را به شیوه‌ای تازه شرح کرده است؛ یعنی در صدر سخن، مطلبی از بزرگان و معاریف ایرانی و غیرایرانی را آورده و سپس سخنی از امام (ع) را که با آن مناسبت و موافقت داشته، در تأیید آن افزوده و آنگاه سخن خود را با ابیاتی از فردوسی به پایان برده است. مؤلف خردنمای جان افروز، با این کار اندیشه‌هایی را که به زبان و بیان گوناگون، نثر و نظم، عربی و فارسی، عرضه شده‌اند، سنجیده و تطبیق کرده است. این رساله که شامل صد سخن از علی (ع) و اقوالی از بزرگان و فرزندان تاریخ است، در اواخر قرن ششم یا اوایل قرن هفتم تألیف شده و حدود سیصد بیت از شاهنامه را در

علی (ع) در آیین شعر

خود دارد که از این جهت هم قابل توجه و دارای ارزش دیگر است.

در همان سال‌های تألیف خردنمای جان‌افروز، محمد بن غازی ملطیوی، به پیروی از مطلوب کل طالب، در آسیای صغیر (ترکیه امروز) بریدالسعاده را در همین زمینه نوشت. محمدبن غازی، پیش از آن مرزبان‌نامه را با نام روضة العقول به فارسی ترجمه کرده بود که آن هم مانند بریدالسعاده به طبع رسیده است.

از اعضای دیگر این مجموعه، رساله‌ای است ظاهراً مربوط به سیدحسن غزنوی که هنوز به چاپ نرسیده است. از آن روزگار به بعد، یعنی پس از حمله مغولان، حوزه‌های فرهنگی در ایران، به طور کلی تغییر یافت. فرهنگ شیعی به تدریج تضییع و رونق گرفت، و ظهور نهج البلاغه و حضور آن بسیار بیشتر از گذشته شد. چنانکه می‌دانیم مشهورترین شرح‌های نهج البلاغه در قرن هفتم نوشته شده است: شرح ابن ابی الحدید معتزلی و شرح کمال‌الدین ابن میثم بحرانی شیعی. در متون فارسی هم نشانه‌های آشکاری از این ظهور و حضور می‌توان دید. مثلاً، در جهانگشای جوینی که متنی تاریخی است یکی دو عبارت از خطبه معروف به شقشقیه آمده است. در اوایل قرن هفتم است که ما در متون فارسی نهج البلاغه را به عنوان مجموعه‌ای از سخنان علی (ع) می‌بینیم. در شعر فارسی هم چنین است. در دیوان اوحدی مراغه‌ای، در گذشته اوایل قرن هشتم برای اولین بار اسم نهج البلاغه آمده است.

نکته قابل یادآوری این است که عبارتی از خطبه شقشقیه در شرح شطحیات روزبهان بقلی (م: ۶۰۶) آمده است که نشان می‌دهد بخشهایی از این خطبه در قرن ششم زبانزد آشنایان متون عربی و دینی بوده است. □ محمدخانی: کارسیدحسن غزنوی چه نام دارد و

آیا از چگونگی آن اطلاعی داریم؟

■ دکتر عابدی: سیدحسن غزنوی، شاعر معروف (م: ۵۵۶) قرن ششم است و دیوان او چاپ شده است. گفته‌اند نسخه‌ای از کار او که ترجمه منظوم وصیت‌نامه امیرمؤمنان (ع) به فرزندش امام حسین (ع) است، در ترکیه موجود است و آن هم اکنون از دسترس ما دور است.

نسخه‌هایی که از ترجمه این وصیت‌نامه در ایران هست، هیچ اشاره‌ای به نام شاعر ندارد، اما چون ابیاتی از آن در راحة الصدور راوندی (تألیف سال‌های آخر قرن ششم) آمده و مؤلف آن، بخشی از قصاید سیدحسن غزنوی را هم در کتاب خود آورده است، می‌توان احتمال داد که این ترجمه منظوم وصیت‌نامه، همان کار شاعر غزنوی باشد.

□ محمدخانی: آقای دکتر ما به سابقه این آثار تا کلمات علیّه غراء تا حدودی پی بردیم، حالا درباره خود مکتبی توضیح دهید و این که او بجز کلمات علیّه، چه کارهای دیگری داشته، گویا با تأثیرپذیری از لیلی و مجنون نظامی، منظومه‌ای هم ساخته است. و ضمناً گفته‌اند که شاگرد جلال‌الدین دوانی هم بوده است، لطفاً در این باره توضیحاتی بفرمایید.

■ دکتر عابدی: مکتبی شیرازی، در نیمه دوم قرن نهم و نیمه اول قرن دهم زندگی می‌کرد، و از اشاره‌ای که در لیلی و مجنون او هست، می‌توان دریافت که از شاگردان ملا جلال‌الدین دوانی (م: ۹۰۸) است و از وی تشویق‌ها هم دیده است، و گویا مدتی را هم به مکتب‌داری مشغول بوده و تخلص او (مکتبی) هم بر این معنی دلالت دارد. اما در آن روزها، اواخر قرن نهم، فارس وضع آرام و امنی نداشت و از همین رو مانند بابافغانی و اهلی شیرازی از زادگاه خود بیرون آمد و بیشتر عمر خود را بیرون از شیراز گذراند. مکتبی هم،

مثل بسیاری از شاعران آن روز، آرزو داشت، به تقلید نظامی، خمسه‌ای بسازد. لیلی و مجنون او که از مشهورترین نظیره‌های لیلی و مجنون نظامی است از اینجاست و کلمات علیّه او را هم باید، نظیره‌ای برای هفت پیکر نظامی دانست.

شکل و شیوه کلمات علیّه در نوع خود بی‌سابقه است، بدین معنی که هرچند شاعر کلمات امام (ع) را از نثراللطالی (فراهم آمده امین‌الاسلام طبرسی) انتخاب کرده و در کار خود به اشرف مراغی (م: ۸۶۴) توجه داشته، ولی طرز کار او در ترجمه و شرح کلمات، مانندی ندارد. مکتبی ابتدا هر سخن را در چند بیت ترجمه کرده و آنگاه برای توضیح و تأیید آن داستانی را پرداخته است. اصل این داستان‌ها غالباً از متون معروف فارسی مانند شاهنامه، مرزبان‌نامه، منطق‌الطیر و مانند آن است که به گونه دیگری بازسازی شده‌اند. زبان مکتبی در کلمات علیّه، بسیار ساده و نزدیک به زبان محاوره است و زبان ستایی و عطار را به یاد می‌آورد. با این تفاوت که کلمات و تعبیر تازه عصری و چه بسا ناحیه‌ای تعلق آن را به قرن نهم و فارس و گاهی هند نشان می‌دهد. از جمله این کلمات‌اند: لم زدن (= لمیدن)، بر طرف (= مخالف)، عینک، اشرفی، غُلُو (= هیاهو، شلوغ)، موکش (= موجین)، چله (= ریسمان)، آب خوردنی (= زمانی به اندازه یک آب خوردن) به حکم ضرور، جو (جان؟) به عزرائیل نمی‌دهد، و جز آنها. تفصیل این مطالب را در مقدمه و تعلیقات کتاب می‌توان دید.

□ محمدخانی: آقای دکتر، در کتاب از گذشته ادبی ایران دیدم که دکتر زرین‌کوب گفته‌اند کلمات علیّه منسوب به مکتبی شیرازی است، می‌خواستم در این باره توضیحی بدهید.

■ دکتر عابدی: رای استاد موفق و زنده‌یاد دکتر



زیرین کوب برای ما عزیز است و تشکیک در آن چندان آسان نیست، ولی من گمان می‌کنم که ایشان در اینجا به سخن بزرگانی مانند ملک‌الشعرای بهار، سعید نفیسی و دکتر صفا اعتماد کرده‌اند و آن استادان هم، بجز ملک‌الشعراء، ظاهراً فرصت آن را نیافته‌اند، حتی بنا حداقلی دقتی که معمولاً در کارهای خود داشته‌اند، این رساله را از ابتدا تا انتها بخوانند. استاد مرحوم بهار، دست‌نوشته‌ای از کلمات علیه در اختیار داشته و مقاله استواری هم درباره آن نوشته است. در این مقاله، در انتساب کلمات علیه به مکتبی شیرازی تردید کرده، اما در این رد و تردید، جز اشاره‌ای به سبک سخن، حجت قاطعی ایراد نفرموده است. اما وقتی ما کلمات علیه را، در حوزه واژگان، با بعضی از آثار قرن نهم و اوائل دهم، و مخصوصاً با لیلی و مجنون مکتبی شیرازی می‌سنجیم — به این دلیل در حوزه واژگان که مقدمه کلمات علیه افتاده و مقایسه دقیق از جهات دیگر تقریباً ناممکن است — می‌بینیم مشترکات زبانی به حدی است که به سادگی نمی‌توانیم تصور کنیم گوینده کلمات علیه کسی جز مکتبی شیرازی، شاعری متعلق به اوائل قرن دهم و سراینده لیلی و مجنون باشد. برای نمونه کلمه‌ای مانند «عینک» با همان معنای امروزی، برای اولین بار در این دو کتاب به کار رفته است. یا تعابیری مانند «بستن نردبان = ساختن و برپا کردن آن»، «منزل انداختن = منزل کردن»، «عکس روی در آینه = تصویر، به کنایه فرزند» و... به غیر از این دو کتاب در آثاری مانند مثنوی، بوستان، جام جم، یا آثار جامی، اهللی و بابا فغانی نیامده است.

از طرف دیگر اختلافی هم که در زبان کلمات علیه و لیلی و مجنون به نظر می‌رسد با توجه به موضوع و موقعیت سخن ظاهراً طبیعی است. لیلی و مجنون داستانی عاشقانه است و به تقلید شعر نظامی (لیلی و مجنون او) ساخته شده، پس عرصه صنعتگری و تصویرسازی است. حال آن که کلمات علیه، مجموعه‌ای است در اخلاق و موعظه، ناگزیر به تناسب دریافت مخاطب، با زبان محاوره است و جای حضور تعابیر گفتاری و عامیانه.

بنابراین، در حد تحقیقی که انجام گرفته است می‌توان گفت گوینده کلمات علیه بی‌تردید مکتبی شیرازی است، مگر این که روزی دست‌نوشته‌ای کامل و تمام از آن به دست آید و بر امر دیگری دلالت کند.

■ دکتر فتوحی: ابتدا از جناب دکتر عابدی برای توضیح مبسوط و روشنی که دادند و نوعی سبک‌شناسی دقیقی هم بود تشکر می‌کنم و اشاره می‌کنم که در مقدمه کتاب هم به روش سبک‌شناسی مبتنی بر واژگان اثبات کرده‌اند که متن از آن مکتبی شیرازی است. اما من درباره محتوای کلمات علیه سوالی دارم و آن این است که: آیا محتوای این کلمات هفتادگانه‌ای که در کتاب آمده است با نهج البلاغه تناسبی دارد و آیا می‌توان قرابتی معنایی میان آنها پیدا کرد؟

■ دکتر عابدی: ملاحظه بفرمایید، نهج البلاغه بخشی از سخنان امیرمؤمنان (ع) است که در موقعیت‌های مختلف و غالباً به حکم مناسبت‌هایی، در ایام حکومت آن حضرت، ایراد و نوشته شده است.

پیداست که غرض اصلی گوینده و نویسنده در بیشتر این سخنان به تناسب حال مخاطب واقعی، طرح مسایل خاصی بوده است. به بیان دیگر محتوای اصلی و عمده نهج البلاغه، غالباً، با جامعه انسانی و مسائل آن ارتباطی مستقیم دارد و چه بسا اساس اندیشه‌ای را پی می‌ریزد که تا همیشه می‌توان برای حل بسیاری از مشکلات اجتماعی از آن هدایت گرفت. این درونمایه اصلی، با تأسف باید گفت، از نخست، مورد غفلت واقع شده است و در طول تاریخ شارحان هم به آن توجه درخور و بایسته‌ای نکرده‌اند، و حتی آن سید بزرگ، شریف رضی هم، چنانکه می‌دانیم، در فراهم آوردن آن، اصل «بلاغت» را در پیش چشم داشته است. بنابراین اصولاً، مجموعه‌هایی را که از سخنان امیرمؤمنان (ع)، یا از اقوال منسوب به آن حضرت پدید آمده است، نمی‌توان با بخش عمده نهج البلاغه مقایسه کرد. از طرف دیگر، این مجموعه‌ها به تناسب شخصیت و مایه ادبی و قدرت انتخاب گردآورندگان فراهم آمده و برای علاقه‌مندان جوان ترجمه و شرح و احیاناً منظم شده است؛ چنانکه مطلوب کل طالب را رشید وطواط به نام بزرگ‌زاده‌ای نوشته است و سال‌های سال، تا نزدیک به روزگار ما، مبتدیان آن را می‌خوانده‌اند. کلمات علیه و امثال آن را هم باید حداکثر در چنان حدی شمرد؛ یعنی از زمره پندنامه‌هایی که با مسایل اجتماعی کمتر مربوط است و می‌خواهد جوانان و مبتدیان را با موعظی حکمت‌آموز آشنا کند و مسایل اخلاقی را در صورت سخنی زیبا، بخصوص از زبان شخصیتی که در تاریخ بشر و فضایل و خصایل انسانی مثل غلیاست، طرح و توصیه نماید.

■ دکتر فتوحی: آنچه از مجموعه کلمات در این کتاب بر می‌آید، بیشتر از نوع حکمت عامه و آموزه اخلاقی است تا آموزه فلسفی — حکمی، و به نظر می‌رسد که اغلب آنها حکم مثل سائر را دارند، خواستم میزان سندیت این کلمات را بدانم. آیا جنابعالی در پی آن بوده‌اید که سندی برای آنها پیدا کنید؟

■ دکتر عابدی: چنان که عرض کردم تمامی این کلمات از ثر اللثالی گرفته شده است که در اصل شامل حدود سیصد کلمه است و گفته‌اند که آن را شیخ بزرگ، امین الاسلام طبرسی (م: ۵۴۸) فراهم آورده است. کهن‌ترین دست‌نوشته موجود از ثر اللثالی همان است که ابن‌الساجی در ۷۲۹ و در اصفهان نوشته و خود او هم هر سخن را به بیتی فارسی ترجمه کرده است؛ و می‌دانید که در تصحیح متون یافتن مأخذ منقولات و سند اقوال و نقد و ارزیابی آنها البته کار جنبی پرفایده‌ای است و علاوه بر تصحیح و تأیید متن به ارزش و اعتبار آن هم می‌افزاید. بنده هم در اینجا هم برای یافتن سابقه‌ای از این کلمات در حد توان جستجو کردم، چنانکه در مطلوب کل طالب و خردنمای جان افروز چنین بود و نشانی اغلب سخنان منسوب به امام (ع) را در منابع حدیث و متون گذشته یافتیم؛ اما در اینجا، جز آنچه در تعلیقات کتاب آمده است، به نتیجه‌ای نرسیدم.

البته در اینجا سخن گفتنی دیگری نیز هست و آن این است که گیریم که این سخنان دلنشین و حکمت‌آموز، به زبان اهل حدیث مسند و مستند نباشند.

و آنها را بزرگی و ادیبی به امام علی بن ابی‌طالب (ع) نسبت داده باشد، باز هم امروز معرفی آنچه در پناه و پیرامون آن عظمت و حرمت پدید آمده است، کاری دل‌انگیز و لازم است.

■ ارومیه‌چی‌ها: آقای دکتر عابدی، خوب است در این جلسه نمونه‌ای از حکایات و تمثیل‌های کلمات علیه را که در کتب دیگری مانند مرزبان نامه، شاهنامه و غیر آن، سابقه دارد، بخوانید.

■ دکتر عابدی: همه داستان‌های این کتاب به تناسب موضوع و مخاطب خود، و با توجه به مقام مکتبی در شاعری خواندنی و زیباست. وقتی شما این شاعر را با نظامی مقایسه نمی‌کنید و او را به عنوان یکی از شاعران درجه دوم و سوم قرن نهم و دهم می‌شناسید، انتظار آن نیست که در اینجا فصاحت سعدی را ببینید، یا تصویرسازی‌های نظامی را در این کتاب بخوانید. اما در عین حال همه کتاب در حد و جای خود خواندنی است و نظایر این نمونه، بسیار دارد.

جوده الکلام فی الاختصار

سخن ار چه بزرگوار بود

نیکی آن در اختصار بود

[ملاحظه می‌فرمایید که بیت ترجمه‌ای از آن سخن است، اما شاعر این معنی را به چند صورت دیگر هم گفته است:]

همچو طومار ورد خویش مساز

سخن بی حد و زبان دراز

زینت آدمی چورشته در

سخن اندک است و معنی پر

سخن پر دلیل بی‌هنری است

که صدای جرس نشان خری است

یکی از مردمان پخته سخن

سخنی گفت نزد میرختن

که شتر مرغ نام مرغی هست

پای تا سر به شکل اشتر مست

گر بیاید فرو برد که خورد

آهن گرم و آبگینه سرد

شه چو آگه نبود از کارش

خنده زد بر دروغ گفتارش

گفت اگر مرغ باشد اشتر تن

چون خورد آبگینه و آهن

اهل مجلس ملامتش کردند

به ظرافت علامتش کردند

مرد شرمنده زان میان برخاست

سوی بغداد رفت از آنجا راست

یک شتر مرغ از کناره شط

به ختن برد بهر دفع غلط

به شدن آمدن دو سال گذشت

همه عمرش در این خیال گذشت

چون شتر مرغ پیش شاه آورد

دعوی خویش را گواه آورد

آهن و آبگینه هم می‌خورد

هم بدانسان که گفته بود آن مرد

شاه گفت ای همه فعال تو نیک
راست شد آنچه گفته بودی نیک
هر چه فهمند معنیش به دوسال
نتوان گفت پیش اهل کمال

و این داستان، همان طوری که در جای خود نشان داده ایم، در قابوسنامه، مرزبان نامه و هفت اورنگ جامی آمده است.

□ سیدعرب: آقای دکتر، فرمودید که از آغاز قرن هفتم به بعد نام نهج البلاغه در متون فارسی مطرح شده و برای نخستین بار هم در شعر اوحدی به آن اشاره رفته است، با توجه به این که در اواخر قرن چهارم و اوائل قرن پنجم است که نهج البلاغه تدوین شده، چگونه است که این همه سال سکوت بوده و اثری از آن را نمی بینیم؟

■ دکتر عابدی: بله، نهج البلاغه در حدود سال ۴۰۰ هجری تدوین شده است، اما در متون فارسی قرن پنجم و ششم نشانه ای از تأثیر آن نمی بینیم، و بر مبنای بررسی متون نظم و نثری که چاپ شده و در دسترس ما بوده است، حتی نمی توان حکم کرد که، مثلاً، مفسر معروف شیعی، ابوالفتح رازی هم که سخنان بسیاری از امام (ع) را در تفسیر خود آورده است، آن را از نهج البلاغه گرفته است.

برای توضیح مطلب عرض کنم که در اغلب متون فارسی، بخصوص آنچه در حوزه اخلاق و تعلیمات اخلاقی و اجتماعی است، سخنانی از بزرگان آمده است. از بزرگان و مشاهیر یونان و ایران و از بزرگان صدر اسلام - البته حضور و حکایت احادیث نبوی حکایت دیگری است - و چه بسا اصل این سخنان را در منابع عربی - قرون اولیه می توان یافت و در این میان آنچه به امام

علی (ع) مربوط است نه تنها کم نیست که بالنسبه از بسیاری از بزرگان هم بیشتر است؛ اما به قطع نمی توان گفت که نویسنده فلان کتاب نهج البلاغه را خوانده و از آن اخذ کرده است، آنچه می توان گفت و حضور احتمالی نهج البلاغه را در مراکز فرهنگی ما تأیید می کند این است که، همان طوری که عرض کردم، برای نخستین بار روزبهان بقلی شیرازی (م: ۶۰۶) است که در شرح شطحیات خود به بخشی از خطبه شقشقیه (خطبه سوم در نهج البلاغه) اشاره کرده است و محمود بن محمد اصفهانی (م: ۶۱۲)، نویسنده دستورالوزاره نخستین کسی است که نهج البلاغه را مجموعه سخنان علی (ع) معرفی می کند و بخش هایی از آن را هم در کتاب خود می آورد. اما در شعر، اولین شاعر، اوحدی مراغه ای است که در ضمن قصیده ای به نام «نهج البلاغه» تصریح دارد. آیا در قرون پنجم و ششم، این کتاب گرانقدر را در مدارس و مراکز فرهنگی به درس می خوانده اند یا در بعضی از حوزه ها تدریس می شده است؟ وجود شرح هایی مانند شرح بیهقی و کیدری و راوندی هریک به گونه ای این معنی را تأیید می کند.

□ محمدخانی: با سپاس از آقای دکتر عابدی. کتاب دیگر شرح دیوان منسوب به امیرالمؤمنین علی (ع) است، تألیف قاضی میبدی که آنهم با حدود بیست سال اختلاف هم قرن و هم دوره کتاب مکتبی شیرازی است. این کتاب را آقای اشک شیرین و آقای رحمانی تصحیح کرده اند. از ایشان می خواهم که درباره مؤلف کتاب و نیز جزئیات کار تصحیح مطالبی را بیان کنند.

■ اشک شیرین: قاضی میرحسین میبدی از شاگردان ملاجلال دوانی (از علمای قرن نهم) است که آثار متعددی دارد و برخی آنها چاپ شده اند، مثل:

جام گیتی نما و شرح هدایه اثریه که اولین اثر اوست و در جوانی آن را تألیف کرده و جزء کتب درسی در حوزه ها تدریس می شده و بارها در ایران چاپ سنگی شده. و منشآت وی که جدیداً به وسیله انتشارات میراث مکتوب طبع شده است. آثار دیگری هم دارد که نام و مشخصات آنها را در مقدمه آورده ایم و سعی شده به نسخه ای از آنها مراجعه کنیم تا بلکه به صحت و سقم انتساب آنها به قاضی دست بیاییم. و بعضی را که موجود نبوده اند و فقط اسمی از آنها در کتابهای فهراس و تواریخ آمده به کتابهای منبع اشاره کرده ایم. تعدادی هم رسالتی کوچک هستند که منسوب اند به قاضی میبدی، مثل: شرح حدیث حقیقت و رساله فی شیح الشیء فی الماء و شرح حورائیه.

اما مهمترین اثر وی همانطور که خود و دیگران نقل کرده اند شرح دیوان منسوب به حضرت علی (ع) است.

در صحت و سقم انتساب همه آنچه تحت عنوان دیوان مولای متقیان جمع آوری شده حکم قطعی نمی توان کرد. بعضی فقط رجزها را سروده آن امام همام، علیه السلام، دانسته و برخی گفته اند که بسیاری از این اشعار سروده دیگران و انشاد امام است، نه انشاء ایشان. بهر صورت در تفاریق کتب پیشینیان ابیاتی از قول آن حضرت آورده شد. به عنوان مثال در تاریخ طبری، فتوح ابن اعثم و احیاء العلوم غزالی و... و برخی به تدوین آنها اهتمام نموده اند. من جمله ابوالاحمد عبدالعزیز بن یحیی، بن احمد بن عیسی جلودی از دی بصری (م ۳۳۲) نخستین کسی است که به گردآوری اشعار اقدام کرده. بعد از او ابو عبدالله محمد بن عمران بن سعید بن عبدالله مرزبانی بغدادی (م ۲۸۴)، از مشایخ شیخ مفید، اشعار امام را تدوین کرده اند. و همچنین ابوالحسن علی بن احمد فنجرودی نیشابوری (م ۵۱۲ یا ۵۱۳) اشعاری تحت عنوان سلوة الشیعة یا تاج الاشعار تدوین کرده و... اما هیچیک از این مجموعه ها از تطاول ایام مصون نمانده است. آنچه در دست است، گردآورده ابوالحسن قطب الدین محمد بن حسین بیهقی نیشابوری کیدری (م ۵۷۶) است که پس از فراغت از شرح نهج البلاغه به جمع آوری اشعار امام (ع) پرداخته و آن را به انوارالقول من اشعار وصی الرسول مسمی نموده است. همین مجموعه موجود است که بارها در ایران و ممالک اسلامی طبع شده و بعضی هم به ترجمه این اشعار مبادرت کرده اند. اما تا آنجا که ما اطلاع داریم پیش از قاضی کسی در صدد شرح آن برنیامده است.

قاضی میبدی خود را ملهم دانسته که به شرح دیوان مبادرت نماید، آنجا که گوید: «از عالم غیب اشارت سنز، از رب رسید که این دیوان رفیع ایوان وسیع میدان ر شرحی می باید نوشت و تخم سعادت ابدی در اراضی قابلیت می باید کشت، بنابراین... قدم درین بحر عمیق نهادم و در مدینه علم را به مفتاح تحقیق گشادم و در تنقیح مقاصد و توضیح معاهد آن قصب سبق از اقران ربودم و احتراز از ایجاز و الغاز و اجتناب از اطباب و اسهاب التزام نمودم... و هر چند که به یقین معلوم نیست که این بحر از خاشاک شعر غیر صافی است، اگر یک بیت شعر اوست، مرا در دنیا و عقبی کافی است.»



ممدود عابدی

برای آمادگی خواننده جهت درک اشعار حضرت علی، مقدمه‌ای در دویست صفحه آورده است که علوم معقول و منقول را به نحوی تلفیق کرده و از حکمت اسلامی اعم از فلسفه مشاء، تصوف، کلام و حکمت اشراق بهره برده است و از امهات کتب اسلامی در مقدمه مطالبی آورده است و در واقع تحقیق جامع و مانعی است. به همین لحاظ این مقدمه تحت عنوان فواید سبعة به صورت جداگانه هم کتابت شده و نسخه‌های خطی فراوانی از آن در کتابخانه‌ها موجود است و این خود اهمیت این بخش از کتاب را می‌رساند. از شرح دیوان هم خوشبختانه نسخه‌های متعددی موجود است و دو بار هم چاپ شده. یکبار در ایران به صورت مستقل چاپ سنگی شده و یکبار هم در هامش شرح نهج‌البلاغه نواب محمدبن محمد لاهیجانی، مشهور به میرزا محمدباقر به چاپ رسیده است.

ما سعی کردیم تقریباً همه فهرس کتب خطی را مطالعه کرده و چند نسخه خوب و قدیمی را جهت کار تصحیح انتخاب کنیم، اگر چه نتوانستیم نسخه‌ای به خط مؤلف پیدا کنیم، ولی قدیمی‌ترین نسخه‌ای را یافتیم که با نسخه اصلی سه سال اختلاف دارد. چنانکه شارح در پایان کتاب تصریح کرده، در سال ۸۹۰ تألیف کتاب تمام شده و سه سال بعد (۸۹۳) شخصی به نام شهاب بن محمدالبیضاوی در شیراز از آن نسخه برداری کرده و در صفر سنه ۸۹۴ در همانجا آن را مقابل هم کرده است. لذا این نسخه، نسخه معتبری است.

در اینجا ما از هفت نسخه استفاده کردیم، یک نسخه چاپ سنگی و شش نسخه خطی که باز آنها را به دو گروه تقسیم کردیم: چهار نسخه خطی در گروه اول که نسخه ملک قدیمی‌ترین نسخه است و در ۸۹۳ کتابت شده، که وصف آن گذشت، بیشتر آن را اصل قرار دادیم و اختلاف نسخه‌های دیگر در حواشی منعکس شده است. خود قاضی دیوان را با نسخه‌های دیگر تطبیق داده است، چون در جاهایی قید کرده که این لفظ یا بیت در نسخه دیگر به طور دیگری آمده است. بعد از مقدمه، یعنی فواید سبعة قاضی بعد از ابیات حضرت علی (ع)، معانی لغات و نکات صرفی و نحوی را بیان می‌کند و بعد ابیات را به فارسی ترجمه کرده و آنگاه مضامین اشعار را به رباعی درمی‌آورد. قاضی شاعر است و در زبان فارسی، زبان سلیس و بلیغ و شیوایی دارد. چون بعضی از اشعار را حضرت علی (ع) در جنگها به صورت رجز خوانده و اگر به وقایعی اشاره داشته، حکایت آن را نیز بعد از ترجمه تحت عنوان نکته یا حکایت آورده است.

■ محمدخانی: آقای اشک شیرین لطفاً به دیگر آثار قاضی میبیدی در حوزه کلام و فلسفه اشاره نمایید.

■ اشک شیرین: قاضی در کلام، فلسفه، نجوم و ریاضی آثاری دارد و در منشآتش گفته است: «هیچ علم از علوم عقلی و نقلی نیست که کتب مشکل آن بی مطالعه نتوانم گفت، و هیچ جوهر از جواهر دانش نیست که کنه آن را به الماس تفکر نمی‌توانم سفت، چون دل متوجه به مطلعی عالی است و دماغ از سودای غیر آن خالی است، هرگز تفاخر به آن علوم ندارم و خود را در سلک جاهلان می‌شمارم.»

وی ریاضی و نجوم تدریس می‌کرده، چنانکه

حواشی دارد بر کتاب تحریر اقلیدس خواجه، در علم کلام حاشیه شرح طوابع الانوار قاضی بیضاوی، در فلسفه، غیر از شرح هدایه که ذکر آن گذشت، شرح حکمة العین دبیران کاتبی قزوینی، در منطق شرح التسمیه، در تصوف هم شرحی به گلشن راز به وی نسبت داده شده است. دیوان شعری هم داشته که در تذکره‌ها اشعاری از وی نقل شده و نمونه‌ای در مقدمه آورده‌ایم، ولی اثری از دیوان او نیافتیم.

قاضی در صرف و نحو و ادبیات عرب هم دستی داشته و کتاب کافیة این حاجب را شرح کرده که در جایی آن را ندیدیم ولی در کشف‌الظنون و دیگر فهرس ذکر آن آمده است.

■ محمدخانی: آقای دکتر امامی لطفاً درباره تصحیح دیوان منسوب به حضرت علی (ع) توضیحاتی بفرمایید.

■ دکتر امامی: این کتاب چاپ دومش در سال ۱۳۷۵ از سوی انتشارات اسوه منتشر شد. دیوان امام علی (ع) را قطب‌الدین ابوالحسن محمدبن الحسین بن الحسن بیهقی نیشابوری کیدری (قرن ۶) که از علاقمندان به حضرت علی (ع) است و شرحی نیز بر نهج‌البلاغه دارد علاقمند شد تا کارهای مختصر و رساله‌های کوچکی که در گردآوری اشعار امام بود، مجدداً جمع‌آوری نماید و از آن دیوانی به نام انوار العقول پدید آورد که جامع رساله‌های کوچک و ابیات معدود و محدود قبلی بود.

اما توجه من به دیوان حضرت علی (ع) از روزگاری شروع می‌شود که در آستان قدس رضوی با این کتاب آشنا شدم و در هر فرصتی به کتابخانه می‌رفتم، دیوان را ورق می‌زد و ابیاتی را حفظ می‌کردم. اما انگیزه اصلی، علاقه یک ناشر به ترجمه دیوان امام بود و از بنده هم خواستند که این دیوان را ترجمه کنم. مدتی در این باره فکر کردم و چون کم و کیف این دیوان و ماهیت انتساب آنرا می‌دانستم، علاقه شخصی خودم بر آن مضاف شد و این بود که آن را ترجمه کردم. ابتدا قرار شد که دیوان ترجمه و سپس تصحیح شود همان کاری که درباره تجارب الامم نیز انجام شد، ولی متأسفانه از سال ۴۹ تا بحال هنوز ناتمام مانده است. اما چون اشتیگی‌های بسیاری در چاپهای متعدد این دیوان مشاهده نمودم از جمله چاپهای سنگی ایران، هند و چند جای دیگر و چاپهای بازاری بیروت و مصر که اختلاف و اغلاط بسیار داشت و نیز در شماره ابیات هم اختلاف بسیار بود و گاه قصایدی اضافه بود، به این کار اقدام نمودم.

به هر حال حب حضرت علی (ع) سبب شده که هر کس در گوشه‌ای از جهان کاری در خور همت خود انجام دهد و گاه صحنه‌هایی از زندگی حضرت را به شعر درآورده‌اند و در طی سالیان متمادی اینها جمع‌آوری شده و به صورت دیوان حضرت علی (ع) درآمده است.

میبیدی نیز بر مبنای کار بیهقی، صاحب اصل انوارالعقول کار خود را تصحیح کرده است. در مقدمه دیوان هم برای اینکه چگونگی انتساب دیوان به حضرت علی (ع) را بیان کنم پنج نمونه شعر آورده‌ام که آشکارا می‌گوید که این دیوان منسوب به حضرت علی (ع) است نه از آن وی. در واقع حضرت علی (ع) انگیزه پدید آمدن این دیوان است نه انشادکننده یا

سراینده، البته شعرهایی از حضرت علی (ع) در متون معتبر تاریخی و ادبی آمده است که برخی از آنها در این دیوان هست. میبیدی نیز گفته است که اگر یک بیت از اشعار حضرت علی (ع) در این دیوان باشد ما به فیض خود رسیده‌ایم. سخنان حضرت علی (ع) در نهج‌البلاغه، رجزهای ایشان در جنگ و یا شعرهایی که در نهج‌البلاغه از شاعران دیگر نقل کرده است و یا رجزهایی که در میدان جنگ، حریفان حضرت سروده‌اند، مجموعه اینها تشکیل دهنده دیوان امام علی (ع) است که در تألیف اولیه عنوان انوار العقول دارد. و کیدری بعدها به روال نخست گردآوری کرده است. علاوه بر پنج عنوان شعری که عرض کردم، اخیراً در مدینه دیوانی از امام دیدم که چاپ بیروت بود و در این کتاب تمام شعرهایی را که در دیوان موجود است به منابع اصلی ارجاع داده و نام شاعر را هم آورده است. و بحق می‌بینیم که این دیوان منسوب به حضرت علی (ع) است. از طرفی در دیداری که با مقام معظم رهبری داشتم (در نمایشگاه کتاب) ایشان از کارهای من سؤال کردند و من از جمله کارهایم از دیوان نام بردم. ایشان گفتند می‌خواهید تحقیق کنید که کدام شعر از آن حضرت است و کدام نیست. گفتم، نه چنین کاری نمی‌کنم زیرا در این صورت دیگر دیوانی نمی‌ماند، زیرا آنچه به حضرت علی (ع) منسوب است خیلی بیشتر از شعرهایی است که احتمالاً از آن ایشان است.

■ محمدخانی: دیوان‌هایی که به حضرت علی (ع) منسوب است مانند آنچه میبیدی نوشته با دیوانی که کیدری جمع‌آوری کرده چه مقدار اختلاف دارد و آیا تحقیقی در این باره صورت گرفته است؟

■ اشک شیرین: قاضی همان دیوانی که قطب‌الدین کیدری جمع‌آوری کرده و نسخه‌ای که در دست داشته با نسخ دیگر مقابله کرده و در بعضی مواضع به اختلاف نسخ اشاره شده است.

■ سید عرب: ابتدا از آقای محمدخانی که جلسات نقد و بررسی کتاب را تشکیل می‌دهند تشکر می‌کنم و نیز از آقایان: دکتر عابدی، اشک شیرین، دکتر امامی و رحمانی که کار تصحیح و ترجمه این آثار نفیس را انجام داده‌اند و نیز از ناشران محترمی که کار چاپ و انتشار این کتابها را بر عهده دارند، از جمله آقای ایرانی تشکر می‌کنم.

درباره شرح دیوان میبیدی باید بگویم که وقتی این کتاب را تورق می‌کردم دیدم که میبیدی در خانه‌ای که پرورش یافته نام سهروردی صوفی و سهروردی حکیم متداول بوده و پدرش رشف النصایح شهاب‌الدین عمر سهروردی را ترجمه کرده و خودش نیز طبق آنچه در متن کتاب آمده، شرح دیوان حضرت علی (ع) را در دوران پختگی علمی یعنی تقریباً ۲۰ سال پیش از وفاتش نوشته. و در جای‌جای این دیوان به مناسبت از سهروردی یاد کرده و در جایی به غلط حکیم سهروردی را خواهرزاده شهاب‌الدین عمر سهروردی دانسته. (ص ۲۴) و از بین آثار سهروردی از تلویحات خیلی یاد می‌کند و نقل قول فراوان از تلویحات او می‌آورد و حتی خواب مشهور سهروردی را هم که در مصنفات جلد ۱

آمده نقل می‌کند.

همانطور که مطلع هستید میبیدی در زمان حیات و در اوج کارش از سوی فقهای عصر خودش به خاطر برخی آراء فلسفی تکفیر هم شده است. میبیدی هم در پاسخ به تکفیر مخالفانش گفته که: «حقیقت حال آنکه من به ترکیب جسم از هیولا و صورت قایل نیستم و در این مسئله، مذهب اشراقیان دارم.» یعنی یک رگه‌های اشراقی در این اثر وجود دارد و در جایی دیگر در همین دیوان بدون آنکه منبع نقل قول خود را بیان کند، می‌گوید: «سهروردی قایل به تجرد نفوس حیوانات است.» این قول را پیگیری کردم و دیدم در ثلاث الرسائل در شرح هیاکل النور، مرحوم جلال‌الدین دوانی آورده است و شرح قطب‌الدین شیرازی بر حکمة الاشراق را هم دیده و به کرات استناد کرده است. یا توجه به تأثیری که میبیدی از استادش جلال‌الدین دوانی که به عنوان یکی از حلقه‌های اشراقی پس از سهروردی محسوب می‌شود، آیا به نظر جنابعالی می‌توان این تصور را کرد که میبیدی هم یکی از حلقه‌های اشراقی بعد از سهروردی است یا خیر؟

■ رحمانی: البته قاضی بیشتر به جمع بین اقسام و شعب حکمت اسلامی نظر داشته تا اینکه پیرو یک حوزه فکری فلسفی باشد و به جمع حکمت اشراق، فلسفه مشاء و تصوف و کلام اعتقاد داشته، چون خودش در مکاتیب و منشآتش تصریح کرده است که از همه نظریات باید برای استحکام بنیاد اعتقادی اسلامی استفاده کرد، چنانکه در جام‌گیتی‌نما می‌گوید: «طریق اسلم آن است که طالب، قرآن و حدیث را میزان سازد و عقاید خود را از آن تصحیح کند و بعد از استحکام عقاید

دینی، در کلمات متکلمین و حکما و صوفیه نظر کند، و از هر جا استفاده نماید، تا آن عقاید به مزید استحکام و رسوخ موصوف گردد و به درجه یقین رسد.» از اینرو نمی‌توان ایشان را به یک حوزه‌ای خاص از حکمت منسوب کرد.

■ سید عرب: در شیراز حوزه‌ای داریم که یکی از قسمت‌های مهمش به لحاظ معنوی، اشراقی بودن آنها است که در رأسش دشتکی‌ها و جلال‌الدین دوانی است که اخیراً شرحی بر هیاکل النور از عهد آل مظفر منتشر شد. این حوزه به لحاظ اشراقی بودن مهم است و سلسله‌النسب معنوی میبیدی یزدی به شیراز و نزد دوانی می‌رسد و همانگونه که بیان شد میبیدی سعی می‌کند که از ساحتی دیگر به جمع میان علوم و معارف برسد که ناشی از پختگی علمی اوست. اما گمان می‌کنم تصریحی که به سهروردی و آثار او دارد، میل اندیشه فلسفی او را به اشراقی بیش از مشاء آشکار می‌کند. در ضمن خواهی که بعد از اینکه می‌گوید بنده در این مسئله مذهب اشراقی دارم، بلافاصله می‌گوید که خواهی نصیر نیز چنین است، که این «چنین است» یا به اشراقی بودن آن برمی‌گردد یا به ترکیب جسم از هیولا و صورت.

■ اشک شیرین: آقای سید عرب فرمودند که پدر قاضی، یعنی خواهی معین‌الدین معلم یزدی کتاب سهروردی را ترجمه کرده، منظور سهروردی متصوف است، نه شیخ شهاب‌الدین سهروردی صاحب حکمة الاشراق.

■ سید عرب: بله، منظورم این است که توجه به بزرگان سهرورد در خانه‌ای که میبیدی در آن بزرگ شده

است و رشف النصایح شهاب‌الدین عمر سهروردی را پدرش معین‌الدین میبیدی (پدر میبیدی) ترجمه کرده. ■ محمدخانی: شاید این نکته را غیر از دیوان منسوب به امیرالمؤمنین (ع) در دیگر آثارش هم بتوان مشاهده کرد و میبیدی را نوعی شارح سهروردی دانست. آیا شما این مسئله را پیگیری کرده و در دیگر آثار او دیده‌اید؟ یعنی رگه‌هایی از مکتب سهروردیه در آثار میبیدی به چشم می‌خورد؟

■ اشک شیرین: البته میبیدی مستقیماً به شرح هیچکدام از آثار شیخ شهاب‌الدین سهروردی نپرداخته، شرح هدایه اثیری به هم کتابی در حکمت مشاء است و از مضامین آن نمی‌توان به مذهب مختار وی در حکمت پی برد چون این اثر را در عنقوان شباب تألیف کرده است. ولی در آثار کلامی و عرفانی او باید جستجو کرد، اما از مضامین شرح دیوان برمی‌آید که تصوف و اشراق در افکار او غلبه دارد.

■ ایرانی: ضمن تشکر از سردبیر کتاب ماه ادبیات و فلسفه که مجلس مبارکی در سال مبارک امام علی (ع) برگزار نموده است. مرکز نشر میراث مکتوب اقتضای دارد که در این سال شرح دیوان منسوب به حضرت علی (ع) را منتشر نموده و سال گذشته کتاب منهاج الولاية فی شرح نهج البلاغه ملاعبدالباقی صوفی تبریزی و کلمات علیه غرا را به چاپ رسانده است و شرح نهج البلاغه نواب لاهیجی را نیز در دست انتشار دارد. درباره مسئله منسوب بودن این آثار نکته‌ای را اضافه می‌کنم که معروفترین منظومه صد کلمه منسوب به حضرت همان منظومه جاحظ است که به صورت چاپ عکسی بنیاد دایرةالمعارف اسلامی به صورت نفیس منتشر کرده است و چاپهای دیگری نیز از این کلمات وجود دارد. اما در مورد شرح دعای صباح و بعضی از ادعیه حضرت هم درباره سند و بعضاً درباره متش بحثها و مناقشاتی وجود دارد. درباره دیوان حضرت هم که از لحاظ سند بحث است. آنچه که به طور کلی در تاریخ ادبیات ما وجود دارد این است که این آثار براساس احادیث و روایات شریفه به نظم کشیده شده و تألیف شده است، بنابراین از نظر مفهوم و محتوا که برگرفته از احادیث و روایات است در این مطالب چندان شکی نیست. البته در بعضی از روایات جای بحث است، چنانکه در خود نهج البلاغه و در بعضی خطبه‌ها مناقشات و مباحثاتی شده است، اما با توجه به علو و تعالی کلمات و مضامین بزرگان استفاده کرده‌اند که این کلمات متعلق به حضرت است و نمی‌توانیم بگوییم چون سندی بر آن نیافته‌ایم خدشه‌ای بر آن وارد شود. در بسیاری از روایاتی نیز که به دست ما رسیده این بخش‌ها وجود دارد و چون مضامین ارزنده هستند و با باقی روایات قابل تطبیق است، انتسابش به حضرت علی چندان دور نیست.

■ محمدخانی: با تشکر از آقای دکتر عابدی و مصححانی که در انتشار این آثار زحمت کشیده‌اند، باید به نکته‌ای اشاره کنم و اینکه این دیوان برای اهل فن و متخصصان تألیف و گردآوری شده است. اگر برای جوانان نیز گزیده‌ای فراهم شود که بتوانند به راحتی از آن استفاده کنند بسیار مناسب خواهد بود.

بازتأسیس امامی



مفهوم و مقام تاریخی همان لحظه یا آن مفروض را ندارد و بنابراین نمی‌تواند به شناخت و هماهنگی با جهان آنی و بلاواسطه خود دست یابد. بنابراین در دوره از خود بیگانگی، متعیناتی که انسان در جهان برون فکنده و احداث کرده است در نظر او همچون موجوداتی مستقل جلوه گر می‌شوند.

اما در سیر تاریخ به واسطه بسط تدریجی عنصر آزادی سرانجام از خود بیگانگی به کنار می‌رود و در مرحله فرجامین، یعنی در مرحله‌ای که روح مطلق خود را در بالاترین مرحله تکاملی‌اش متشکل، و متحقق می‌سازد، ما شاهد آشتی و تطابق میان جهان و عقل (یا خودآگاهی) خواهیم بود. به گفته مارکوزه، برای هگل، همچنان که برای افلاطون نیز، دیالکتیک هم یک نیروی شناخت است و هم یک روش شناخت. زیرا وجود، که همان واقعیت حقیقی می‌باشد، دارای ماهیتی دیالکتیکی است.^۹ هگل خود می‌نویسد: «[امر] انتزاعی و غیرواقعی را نمی‌توان عنصر [تشکیل‌دهنده فلسفه] دانست، بلکه امر واقعی - یعنی امری که خود را مستقر می‌سازد - امری است که فی‌نفسه زنده است، و صرف مفهوم آن بیانگر وجودش می‌باشد».^{۱۰} و می‌افزاید: «[خود] روند آفریننده‌ی آنات و لحظاتی است و در همه آنها جریان دارد»؛ «کل این حرکت تشکیل‌دهنده یا قوام‌بخش عنصر مثبت (یا ایجابی) و حقیقت همان [روند] است».^{۱۱}

در ارتباط با موضوع دیالکتیک، مفاهیم برون فکنی و از خودبیگانگی اهمیت خاصی دارند؛ مفسرین هگل نیز به این مفاهیم توجه زیادی داشته‌اند. مثلاً گنورگ لوکاج در کتاب مشهور خود موسوم به هگل جوان تأکید می‌کند که در نظام فلسفی هگل تعابیر برون فکنی^{۱۲} و از خودبیگانگی^{۱۳} دارای نقشی اساسی هستند.^{۱۴} وی سه جنبه یا وجه را در مفهوم هگل از برون فکنی، و به تبع

تشریح یا، به تعبیر خود هگل، «استدلال و استنتاج تاریخی»^{۱۵} سؤال اصلی همانا نحوه در نظرآوردن کلیت (یا جامعیت) است. به نظر هگل کلیت (یا جامعیت) با آزادی و هماهنگی همسان و همانند است.

در زمانه هگل جستجو برای احراز مفهوم کلیت و مفهوم هماهنگی و نیز یاد حسرت‌بار وجود فرضی آنها در گذشته‌های دور (بویژه در یونان باستان)، مشغولیت چندان جدید و بدیعی نبود. رمانتیک‌های آلمان پیش از هگل و معاصر با وی جملگی چنین کوشش و آرزویی داشتند. اما تازگی فلسفه هگل در این بود که وی درواقع اثبات کرد که فعالیت عقلانی انسان سرانجام او را قرین با جامعیت و تمامیت خواهد ساخت. در این ارتباط می‌توان گفت که تاریخ فلسفه هگل اساساً از فلسفه تاریخ او الهام پذیرفته است، و فلسفه تاریخ او نیز ناشی از حرکت تاریخی انسان (به عنوان تجلی عقل) بسوی آزادی است. یعنی آزادی از یک وضعیت گسیخته و منقطع به جهت احراز یک وضعیت کامل و یکپارچه. اما باید توجه داشت که در یافتن یک لحظه حرکتی دوسویه میان گسیختگی و یکپارچگی وجود دارد، که این حرکت دوسویه در عین حال نیروی لازم را جهت حرکتی مشترک فراهم می‌آورد. تحقق این حرکت مشترک جلوه‌ای از ماهیت دیالکتیکی واقعیت است. در این خصوص همچنین می‌توان افزود که دیالکتیک همانا ساختن منطقی و وجودشناختی فعالیت انسان در بستر تاریخ است.

انسان جهت تحقق وجود خود، ناگزیر از عینیت بخشیدن به خویش در جهان، و بنابراین نفی جهان است. در اینجا نکته شایان توجه این است که در طی تاریخ نتایج عینیت یافتگی^{۱۶} انسان به از خودبیگانگی^{۱۷} او انجامیده‌اند، زیرا در یک آن مفروض، به علت جدایی ذهن^{۱۸} از عین^{۱۹}، انسان توانایی درک

مباحث متنوع فلسفه هگل راجع و ناظر به موضوع کلیت یا جامعیت^{۲۰} هستند و خود نیز بر سازنده یک نظام کلی فلسفی می‌باشند. هر جزیی از این نظام فلسفی به اجزاء و جنبه‌های دیگر و در عین حال به کل هیئت فلسفی آن مرتبط است. در نوشته حاضر مختصراً به وجوهی از این نظام فلسفی، بویژه مفهوم عینیت یافتگی، اشاره می‌شود.

در ابتدا می‌توان خاطرنشان ساخت که هگل هیچ‌گاه فلسفه خود را به مثابه فلسفه‌ای مشابه یا هم‌تراز با فلسفه‌های دیگر در نظر نمی‌گرفت، یعنی برآن نبود تا فلسفه‌ای بر فلسفه‌های موجود افزوده باشد، بلکه فلسفه خود را به منزله سرانجام تمام فلسفه‌های گذشته می‌دانست. نظام فلسفی هگل بنای رقابت یا مجادله با فلسفه‌های گذشته را ندارد بلکه می‌کوشد تا عنصر معقول^{۲۱} هر فلسفه‌ای را در خودش گنجانیده و نگاه دارد. به سخن دیگر فلسفه هگل می‌کوشد تا از وجه عقلانی فلسفه‌های پیشین برآیندی به دست دهد و بیش از هر چیز دیگر جایگاه آنها را در روندی تاریخی که خود مشخص می‌کند، یعنی همان روند تکامل عقل در تاریخ، بشناسد. بنابراین تاریخ فلسفه هگل با اسلوبی نسبی‌گرایانه به فلسفه‌های گذشته نمی‌نگرد بلکه آنها را برحسب عنصر عقلانی و محتوای حقیقی^{۲۲} شان در نظر آورده و می‌کوشد تا از همین حیث حرکت و روند تکاملی آنها را تشریح نماید. در این

ملاحظات درباره مفهوم عینیت یافتگی در فلسفه هگل

علی قیصری

آن مفهوم از خودبیگانگی، در نظر می‌آورد. نخست آنکه به زعم لوکاچ مفهوم هگل از برون فکنی بیش از هر چیز بیانگر «رابطه پیچیده ذهن [و] عین است». این رابطه پیچیده دارای یک ویژگی کلی یا خصلت جهان شمول نیز هست که «به گونه‌ای جدایی‌ناپذیر به تمام افعال اقتصادی و اجتماعی انسان پیوسته است».^{۱۵}

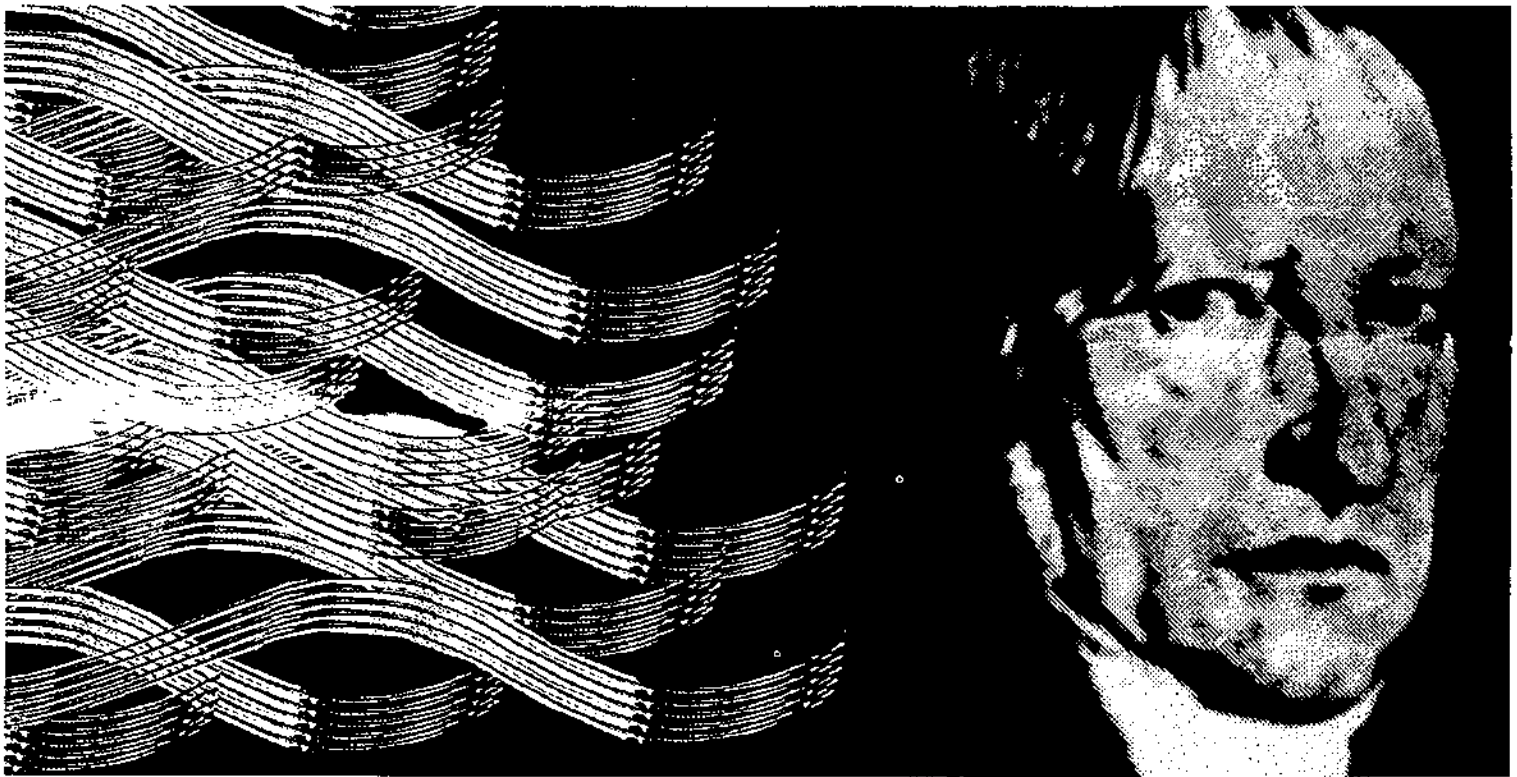
در اینجا پرسش اصلی معطوف است به موضوع تکامل تاریخی عقل (یا روح) و مفهوم عینیت جامعه که این نیز جلوه‌ای از همان تکامل روح است و نه برعکس. اصالت و استقلال «افراد اجتماعی شده» در گرو کار و «فعالیت»^{۱۶} آنها است. لوکاچ در این جا هگل را به خاطر این که از دوگانگی موجود در فلسفه‌های پیشین (اعم از ماتریالیست و ایده‌آلیست) فراموش می‌رود می‌ستاید. به زعم لوکاچ ماتریالیست‌های پیش از هگل از اشتی دادن میان اهمیت فعالیت ذهنی انسان با عینیت آنچه عمده به مثابه قوانین «طبیعی» جامعه دانسته می‌شود ناتوان بودند، و ایده‌آلیست‌ها (بویژه کانت و فیخته) نیز برای ضرورت و عینیت وجودی مستقل از آزادی و فعالیت انسان قائل بودند.^{۱۷} در حالی که، دست‌کم برحسب تفسیر یا قرائت مارکسیستی لوکاچ، هگل توانست از راه فلسفه عمل به یکی از مسائل اساسی فلسفه یعنی مسئله آزادی و ضرورت، پاسخ دهد.

به نظر لوکاچ وجه دوم در استنباط هگل از مفهوم برون فکنی، شباهت آن است با برداشت مارکس از مفهوم «خرافه کالاپرستی»^{۱۸} که در جلد اول کتاب سرمایه مورد بررسی قرار گرفته است. سرانجام، وجه سوم در مفهوم هگل از برون فکنی به گفته لوکاچ عبارت از این است که در روند فرجام‌گرایی تاریخ جهانی، برون فکنی دارای نوعی جهان شمولی فلسفی می‌باشد. لوکاچ خود نیز از همین تعبیر در پرداخت نظریه مشهورش راجع به مفهوم «تبدل به شیئی»^{۱۹}، مطرح در

کتاب تاریخ و آگاهی طبقاتی^{۲۰}، تأثیر پذیرفته بود. بزعم لوکاچ تاریخ عینیت یا موضوعیت خارجی^{۲۱} را می‌توان به شکل زیر ترسیم کرد: «عینیت یا موضوعیت خارجی همانا لحظه‌ای دیالکتیکی است در سیر [تاریخی] ذهن [و] عین همسان و اینهمان»^{۲۲} هنگام بازگشت آن به خودش از راه «برون فکنی».^{۲۳} در اینجا به نظر می‌رسد که لوکاچ میان مفاهیم «عینیت یافتگی» و «از خود بیگانگی» تفاوتی قائل نشده است. توضیح آنکه، مفهوم هگل از «عینیت یافتگی» به این صورت است که ذهن (یا روح)^{۲۴} در روند تکاملی خود ناگزیر است خود را عینیت بخشد تا اینکه در مرحله تاریخی دیگری همین بُعد عینیت یافته (که اینک نسبت به روح حالتی خارجی یافته است) به اصل خود بازگردد: به عبارت دیگر، «عینیت یافتگی» ویژگی اصلی تکامل روح در تاریخ است. اما، همانگونه که برخی از منتقدین اشاره کرده‌اند، استنتاج هگل، آنجا که عینیت یافتگی و از خود بیگانگی را همانند می‌گیرد، کلاً حالتی شبه تاریخی^{۲۵}، بلکه غیر تاریخی^{۲۶}، پیدامی‌کند چون صرفاً بر مفاهیمی انتزاعی (مانند عینیت یافتگی و از خودبیگانگی) استوار است.^{۲۷} دیگر اینکه دیدگاه هگلی با وجود همه تأکیدی که بر مقوله تاریخ دارد، در عمل با پیشفرض نمودن فرجامی برای تاریخ به نحوی پیشین و مقدم بر تجربه (apriori)، کلاً نافی واقعیت زنده و حرکت تاریخ می‌گردد.^{۲۸} در صورتیکه تئوری از خودبیگانگی در آرای مارکس با آنچه در بالا گفته آمد تفاوت دارد. به نظر مارکس، هگل در خصوص مفاهیم عینیت یافتگی، (یا برون فکنی انسان در طبیعت و جامعه) و از خود بیگانگی دچار اشتباه شده بود.^{۲۹} مارکس تأکید داشت که هر عینیت یافتگی لزوماً سبب از خودبیگانگی نمی‌شود. بلکه تنها در شرایط اجتماعی متضاد (مثلاً در نظام سرمایه‌داری) است که

عینیت یافتگی به از خود بیگانگی می‌انجامد. به سخن دیگر، نیروی خلاقه «من»^{۳۰} جهان «غیرمن»^{۳۱} را می‌آفریند، اما هر فعل عینیت بخش (یعنی آفرینش «غیرمن» از راه «من») الزاماً به از خود بیگانگی منجر نمی‌شود.

با اینحال می‌باید به نگرشی که در فلسفه هگل نسبت به ساخت واقعیت وجود دارد توجه داشت. از نظر هگل واقعیت دارای ساختی مستقل از آگاهی نیست و به خودی خود دارای جوهری مستقل و تجزیه‌ناپذیر نمی‌باشد. از اینرو معرفت به آن نیز نمی‌تواند براساس موندلورژیک^{۳۲} (مثلاً آنگونه که گاه در برخی تفاسیر از آرای کانت دیده می‌شود) استوار باشد. هگل میان وجود فی نفسه و متأصل^{۳۳} از یکسو و جهان پدیدار^{۳۴} از سوی دیگر، قائل به جدایی ماهوی نبود، بلکه واقعیت موجود را در عین حال متشکل از هر دو وجه بالقوه و بالفعل (ذات و نمود) می‌دانست؛ طرح کلی کتاب پدیدارشناسی روح نیز ناظر بر همین پایه و اساس است. از سوی دیگر به نظر وی تجلی کامل وجود فی نفسه در جهان پدیدار نهایتاً تنها از راه دولت صورت می‌بندد.^{۳۵} عقل فقط در حیطه دولت امکان دست یافتن به خود آگاهی (یعنی آزادی) را پیدا می‌کند.^{۳۶} بنابراین عقل کلی یا روح جهان شمول (و مطلق) فقط در دولت جهان شمول (و مطلق) متجلی می‌شود، و این تجلی برای آن عین آزادی است. البته مقصود هگل در اینجا، همانطور که بسیاری از مفسرین او هم یادآور شده‌اند، عمده به ایده دولت معطوف است تا ارجاع به نمونه‌ای موجود و مشخص.^{۳۷} باید توجه داشت که در نظریه هگل راجع به دولت، و به طور کلی در نگرش او راجع به واقعیت، نکته‌ای ظریف اما بسیار مهم وجود دارد و آن عبارت است از نسبت عقل با عالم واقع. چکیده نظر هگل را می‌توان اینطور بیان کرد که آنچه عقلانیست واقعیست (بیانی که عکس آن



London: Merlin Press, 1970, p.117.

28. Ibid.

29. Jean Hyppolite, *Etudes sur Marx et Hegel*, Paris, 1955; English translation by John O'Neill, *Studies on Marx and Hegel*, London: Heinemann, 1969, p.81.

30. Ego

31. Non-Ego

32. Monadological

33. Noumenal

34. Phenomenal

35. G.W.F. Hegel, *Grundlinien der Philosophie des Rechts*, Ed. J. Hoffmeister, Hamburg, 1955, originally published in Berlin, 1821. English translation by T.M. Knox, *Hegel's Philosophy of Right*, Oxford, 1942. See, for example, & 257.

36. See, for example, Charles Taylor, *Hegel and Modern Society*, Cambridge: Cambridge University Press, 1979, p.51.

37. See, for example, Shlomo Avineri, *Hegel's Theory of the Modern State*, Cambridge: Cambridge University Press, 1972, p.177.

38. G.W.F. Hegel, *Die Vernunft in der Geschichte*, Hamburg, 1955.

برای ترجمه فارسی این اثر، نگاه کنید: گ. و. هگل، عقل در تاریخ، ترجمه حمید عنایت، تهران، ۱۳۵۶، از جمله بنگرید به بخش «مواد تحقق روح» (ص ۱۵۱-۱۷۰).

39. For a critique of further misinterpretations of Hegel see, for example, Herbert Marcuse, *Reason and Revolution: Hegel and the Rise of Social Theory*, reprinted, London:

Routledge & Kegan Paul, 1973, see in particular, sections 3 and 4 of the Conclusion, "Fascist 'Hegelianism'" and "National Socialism Versus Hegel," pp. 402-409 and 409-419 respectively.

translated by Duncan Smith.

10. G.W.F. Hegel, *Phänomenologie des Geistes*, Georg Lasson edition, p.31- [originally published in 1807, later edition by J.Hoffmeister, Hamburg, 1952]. Quoted in Marcuse, *op cit.*, p. 18. For an English translation, see G.W.F. Hegel, *The Phenomenology of Mind*, translated by J.B. Baillie, London, 1931.

11. Ibid., p.18.

12. Externalization (*Entäusserung*)

13. Alienation (*Entfremdung*)

14. Georg Lukacs, *The Young Hegel: Studies in the Relation between Dialectics and Economics*, translated from German by Rodney Livingstone, London: Merlin Press, 1975, Part IV, chapter 4: "Entäusserung" ('externalization') as the central philosophical concept of *The Phenomenology of Mind*, pp. 537-568.

15. Ibid., p.539.

16. Praxis

17. Lukacs, *op cit.*, p.540.

18. Commodity fetishism

19. Reification

20. Georg Lukacs, *History and Class Consciousness: Studies in Marxist Dialectics*, translated by Rodney Livingstone, London: Merlin Press, 1971, see in particular, chapter on "Reification and the Consciousness of the Proletariat," pp. 83-222.

21. Objectivity

22. Identical subject-object

23. Lukacs, *The Young Hegel*, p.541.

24. Mind, Spirit (Geist)

25. Pseudo - historical

26. Ahistorical

27. Istvan Meszaros, *Marx's Theory of Alienation*,

الزاماً صادق نیست). توضیح آنکه در سیر تکاملی عقل در تاریخ آنچه باقی می ماند و نهایتاً عالم واقع را تشکیل می دهد جلوه ای است از صور معقول.^{۴۸} پس هر آنچه فعلاً جلوه ای از عقلانیت نیست در روند تکامل عقل در تاریخ محتوم به زوال و نابودیت و ناگزیر است تا دیر یا زود جای خود را به صورتی معقول بدهد. وارونه سخن هگل به این صورت است که گفته شود آنچه واقعیت عقلانی هم هست، و سپس ادعا گردد که وضع موجود معقول ترین صورت ممکن می باشد. پیداست که این دو تفسیر متفاوت بلکه متضاد با یکدیگرند. تفسیر اخیر تفسیری است غیرانتقادی و ایستا و در جهت توجیه و تثبیت وضع موجود.^{۴۹} در حالی که تفسیر نخست تفسیری است انتقادی و ناظر به اصول فکری فلسفه هگل و در جهت تغییر و تعالی وضع موجود.

* طرح نخست این مقاله در سال ۱۳۵۹ به زبان انگلیسی تهیه شده بود که اینک متن فارسی آن پس از تغییرات و بازنویسی به نظر می رسد.

یادداشت ها:

1. Totality
2. Rational element
3. Truth content
4. Historical reasoning
5. Objectification
6. Alienation
7. Subject
8. Object
9. Herbert Marcuse, "On the Problem of the Dialectic," in *Telos*, No.27, Spring 1976, pp.12-39, here p. 18. Based on Herbert Marcuse, "Zum Problem der Dialektik," *Die Gesellschaft*, Vol. II (1930), part I, and Vol. VIII (1931), part II. Part I was translated by Morton Schoolman. Part II was



در واکنشی نسبت به باورهای مورد تأکید روشنگری، بوسیله جریانی که امروز به نام رمانتیسیسم شناخته می‌شود ساخته و پرداخته شدند. بیانگر باور که هر فرد بعنوان برجسته‌ترین نظریه‌پرداز اولیه آن شناخته شده است بر آن بود که انسان موجودی بیانگر است که عالیت‌ترین شکل کرد و کار و تحقق خود را در هنر، در بیان هنری احساسات و آرمان‌های خود، بدست می‌آورد. هر فرد و متفکرین هم نظر او با به چالش خواندن درک روشنگری از انسان (که انسان را بیشتر بسان فاعل شناسائی و عامل دخل و تصرف در طبیعت می‌دید) بر وحدت بیانگرانه انسان و همچنین پیوستگی و وابستگی او به طبیعت و جامعه تأکید می‌ورزیدند. آنها انسان را نه ترکیبی از جسم و ذهن بلکه وحدتی بیانگرانه از هر دو می‌دیدند، و هر نوع جدایی انسان از طبیعت خود و طبیعت برون را تهدیدی برای سرزندگی انسان می‌شمردند.

نظریه آزادی ریشه‌ای به نوبت خود در تقابل با توضیح علی‌کنش‌های انسان از جانب متفکرین روشنگری شکل گرفت. روسو، پيشاهنگ و کانت، بنیانگذار اصلی این بحث بودند، که آزادی اخلاقی به معنای تصمیم‌گیری برخلاف تمامی تمایلات و در تطابق با امر درست اخلاقی است و از این لحاظ آزادی ریشه‌ای است. طبق نظر کانت حکم اخلاقی حکمی بی‌چون و چرا است. در جدایی کامل از جستجوی خوشی و لذت معنا پیدا می‌کند و برخاسته از قوه تعقل انسان است. عقل به انسان حکم می‌کند که در تمامی موارد مشابه یکسان عمل کند و این به صورت یک حکم صوری در زمینه اخلاق، شیوه عمل را برای انسان مشخص می‌سازد. به این سان آزادی خود خواستگی است و فراخوانی به کمال - به مبارزه با تمایلات و خواست‌های شخصی و کنش بر مبنای اصولی جهان‌شمول.

اتمیسم، شناخت‌شناسی و فایده‌باوری گرفتار ساخته است. تفکر مدرن بطور عمده این درک را پذیرفته که فرد انسان در رقابت و مبارزه با دیگر هموعان خود به هویتی یکه و امکان تأمین نیازهای مادی خود دست می‌یابد. در این تفکر همچنین انسان بسان سوژه وجود و هویتی مستقل از جهان برون، جهان عینی، دارد و تنها در بستر شناخت به جهان عینی وصل می‌شود و سپس در آن دخل و تصرف می‌کند. در نهایت، تفکر مدرن شاخص خیر و خوشبختی انسان را حاصل جمع خیر و خوشبختی یکایک انسان‌ها می‌داند. یعنی آن کنش و برنامه‌ای را درست و ارجح می‌شمرد که بیشترین میزان خوبی و خوشی را برای بیشترین تعداد افراد به ارمغان می‌آورد.

تیلور معتقد است که این دید تصویری تک بعدی و واژگونه از انسان و موقعیت او در جهان ترسیم می‌کند. تیلور انسان را موجودی می‌داند که تنها در ارتباط و وابستگی به جامعه و جهان می‌تواند به حیات ادامه دهد. به باور او شخص در بستر ارتباط تنگاتنگ با دیگران و گشودگی به دیگران از طریق بیان زبانی تمایلات و آراء خود، به هویتی انسانی دست می‌یابد؛ طبیعت نیز نه دیگر انسان که همانا رگ و ریشه او، ما و او زمینه بروز وجود او است؛ جامعه و طبیعت نه جایگاه و منبع تأمین حیات انسان که گستره جنب و جوش و عروج و شکوفایی او بسان موجودی صاحب اندیشه، کلام، نظام عقیدتی و نظام ارزشی است. تیلور چون هگل را فیلسوفی می‌داند که مهمترین و ژرف‌ترین نظریه‌ها را در این مورد طرح کرده، دست به کار تبیین و معرفی نظریاتش شده است.

در دید تیلور، هگل فیلسوفی است که دو اندیشه مهم دوران مدرن، بیانگر باوری (expressivism) و آزادی ریشه‌ای را با یکدیگر تلفیق می‌کند. تیلور توضیح می‌دهد که هر دو اندیشه در آلمان اواخر قرن هجدهم،

هگل بطور عام بعنوان یکی از بزرگترین اندیشمندان دوران مدرن شناخته شده است. رد تأثیر افکار و نظریه‌های او را می‌توان نزد برخی از برجسته‌ترین اندیشمندان قرن نوزدهم و بیستم از کسی برکگور و مارکس گرفته تا پراگماتیست‌های آمریکایی و هابرماس یافت. شهرت نظریه‌های این افراد، به هر رو، باعث شده که برخی از اندیشه‌های خود هگل در بوته فراموشی بیافتد. در زمینه فلسفه سیاسی این امر بعدی فاحش‌تر از سایر زمینه‌ها دارد. شهرت نظریه‌های مارکس باعث شده که مردم و بسیاری از متفکرین به هگل صرفاً بعنوان پس زمینه درک مادی مارکس از تحولات اجتماعی بنگرند. این در حالی است که هگل خود در زمینه مسائل اجتماعی و سیاسی صاحب نظریه‌های پیچیده و ژرفی است که فقط لایه‌هایی از آن در مارکسیسم انعکاس می‌یابند.

در این رابطه چارلز تیلور فیلسوف کانادایی کوشیده است تا اهمیت و موضوعیت مسائل و مفاهیم طرح شده از جانب هگل را به ما بشناساند. تیلور صرفاً هگل شناس نیست. او بعنوان متفکری درگیر مباحث فلسفی مدرن، می‌کوشد تا در نوشته خود راجع به هگل نشان دهد که فهم و بررسی مسائل مدرن بدون بهره‌گیری از مفاهیم و شیوه‌اندیشیدن هگل امری کم و بیش ناممکن است. تیلور بدنبال آن است که درک ما از جامعه مدرن را از کزیدگی و یک جانبه‌نگری برهاند و بر آن باور است که در این مورد هگل نکات و مباحث مهمی را طرح کرده است. تیلور بر آن است که روشنگری، به خاطر تأکید یک جانبه‌اش بر عقلانیت (صوری)، فردیت و علم باوری، تفکر مدرن را در بن بست

موضوعیت و محدودیت‌های آزادی رادیکال

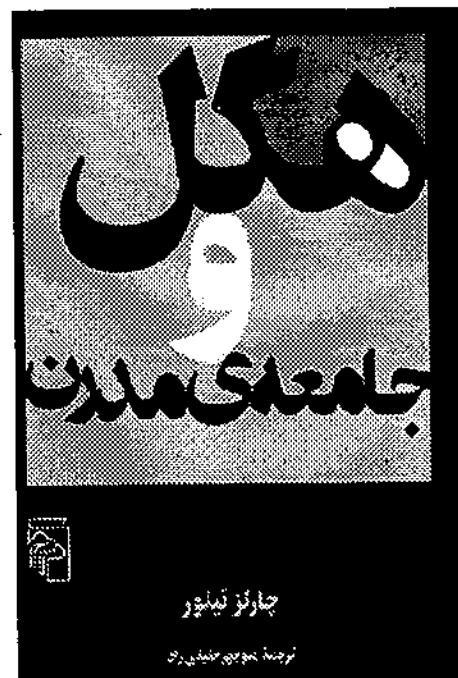
محمد رفیع محمودیان

هگل و جامعه مدرن

چارلز تیلور

منوچهر حقیقی راد

نشر مرکز، چاپ اول، ۱۳۷۹



اولین چیزی که در رابطه با دو نظریه بیانگر باوری و آزادی ریشه‌ای می‌توان گفت این است که آنها ظاهراً قابل تلفیق نیستند. آزادی با زندگی در جمع، خودآگاهی با وحدت با طبیعت، و خرد و اخلاق با تصدیق و بیان میل و حساسیت در تناقض است. دو قطب این تناقض البته اصولی آرمانی و شوربرانگیز هستند. اما مسئله این است که هر یکی بدون دیگری ایده‌ای ناقص و حتی خطرناک می‌نماید و همزمان وحدت آنها امری کم و بیش محال جلوه می‌کند. هگل خود بیش از هر کس دیگری به این امر واقف است. او روح (یا گایست) را مرکز عروج وحدت دو اصل خودسامانی عقلایی و وحدت بیانگرانه معرفی می‌کند، اما تصریح می‌کند که این وحدت بیواسطه نیست و در فرایند تکامل روح بدست می‌آید؛ روحی که انسانها محمل هستی آن به مثابه آگاهی، عقلانیت و اراده‌اند. هگل می‌داند که عقلانیت در برگیرنده آگاهی نسبت به تناقض‌ها است، اما شکی نیز ندارد که هم‌نهادی نهایی می‌باید، هم جدایی و هم وحدت دو قطب تناقض را در برگیرد: برای او «مطلق... همانی همانی و ناهمانی‌ست، تقابل و یگانگی هر دو یا یکدیگر در آن وجود دارند».

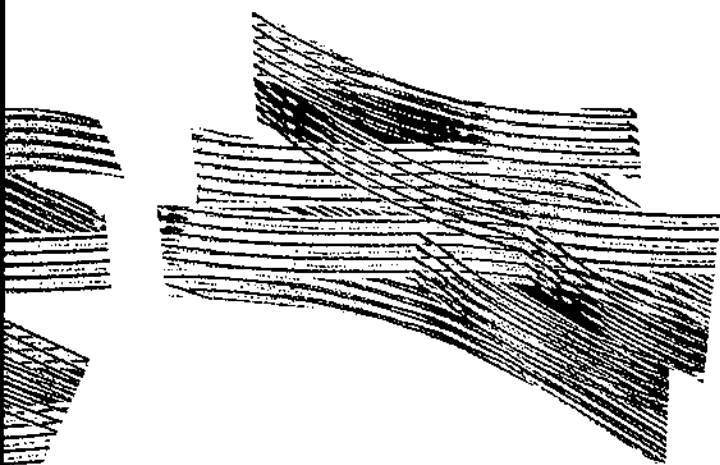
در این رابطه بخشی از تلاش هگل معطوف به آن است که نشان دهد تقابل و همانی در اساس با یکدیگر پیوسته‌اند. شیوه تفکر دیالکتیکی مورد نظر او درست در این چارچوب مطرح می‌شود. او می‌کوشد نشان دهد تقابل میان آزادی و طبیعت، فرد و جامعه، سوژه‌شناسا و جهان او، و میان روح متناهی (انسان) و روح نامتناهی (خدا) نمی‌تواند نافی وحدت آنها باشد. این پروژه را او بوسیله نظریه تن‌یافتگی سوژه به انجام می‌رساند. سوژه اندیشه‌ورز به نظر او تنها به صورت تن‌یافته از هستی برخوردار است. سوژه انسانی عرصه

تناقض‌های درونی است. از یکسو تن‌یافته است و از سوی دیگر برای رسیدن به کمال با گرایش‌های طبیعی خود مبارزه می‌کند. به این صورت همانی و تقابل با یکدیگر در وجود انسان به هم پیوسته‌اند.

برای هگل روح نیز همچون سوژه انسانی تن‌یافته است. روح نمی‌تواند هستی جداگانه‌ای از جهانی که خود آنرا بر پای نگاه می‌دارد و در آن متجلی می‌شود داشته باشد. روح در ارواح متناهی تن‌یافته است و خودآگاهی به معنای آگاهی به همین امر است. در غایت‌مندی نیز هستی دارد و معطوف به تحقق خرد، آزادی و خودآگاهی است. خرد، آزادی و خودآگاهی بطور کلی در او به یکدیگر پیوسته‌اند: آزادی بدون خودآگاهی ممکن نیست و خودآگاهی آنگاه کامل است که در شفافیت اندیشه مفهومی و نه شهود مه‌آلود بیان می‌شود. روح از آنجا که مطلق و در برگیرنده کلیت جهان است می‌بایست به گونه‌ای ریشه‌ای آزاد باشد. آنچه او بدان تحقق می‌بخشد داده شده نیست بلکه خود آنرا تعیین کرده است. آزادی ریشه‌ای آن به هر رو با ساختار چیزها ناسازگار نیست. حرکت در انطباق با ضرورت عقلایی و مفهومی، بدون آنکه بر هیچ پیش‌گذارده‌ای تکیه داشته باشد نفی‌کننده آزادی نیست، تضمین‌کننده آن است. روح در دنبال کردن ضرورت عقلایی، قید و بندی خارجی را نمی‌پذیرد، از ذات خویش تبعیت می‌کند.

روح بطور مداوم در حال نقض خود است. هر مرحله‌ای از تکامل خود را با نقض آن مرحله پشت سر می‌گذارد، در عین حال که تناقض عاملی است که آنرا به جلو می‌راند. تناقض البته در ذات چیزها و نه در سطح یا ورای آنها پدیدار می‌شود. روح به تمامی در هر مرحله از وجود خود تبلور می‌یابد. ولی در هر موقعیت و پدیده این

غایت، کارکرد و عملکرد آن است که با وضعیت کلی آن موقعیت و پدیده تناقض و تضاد پیدا می‌کند و آنرا درهم شکسته و متحول می‌سازد. تناقض «برای هستی جزئی، و نه برای کل، مرگبار است». کل با در برگرفتن تناقض و سازگار ساختن آن با همانی بر جای می‌ماند. در گستره تاریخ، روح به شناختی از اینکه خود به راستی چیست می‌رسد و به این شناخت بیانی عینی می‌بخشد، یعنی آنرا در جهان به تحقق می‌رساند. اساساً هدف تاریخ آن است که روح را به چنین شناختی برساند. به هر رو روح باید برای شناسایی خود، تن‌یافتگی مناسبی در زندگی اجتماعی انسان‌ها بیابد. از نظر هگل همانا دولت این تن‌یافتگی مناسب است. اما نه هر دولتی، بلکه دولتی تماماً عقلانی. بسیاری با بدفهمی هگل را متهم ساخته‌اند که او دولت را بطور کلی مقر تن‌یافتگی روح یا امر مطلق و عبارت دیگر خدا می‌داند. این درک، این نکته را نادیده می‌گیرد که در دید هگل دولت آغازین، تن‌یافتگی بسیار ناقصی برای روح است و فقط هنگامی که دولت تماماً عقلایی شد روح تن‌یافتگی کامل خود را بدست می‌آورد. عقلانیت دولت نزد هگل به معنای آزادی اراده همگانی است. آزادی به معنای ریشه‌ای آن آزادی اراده است. اراده تا آنجا آزاد است که چیزی بیرونی و بیگانه (همانند ارضاء امیال) را نمی‌خواهد، بلکه خود را، خواستن را می‌خواهد. از سوی دیگر آزادی، بیان عملی اندیشه است و از این رو نمی‌توان اندیشه را انکار کرد ولی از آزادی سخن گفت. در یک کلام، آزادی اراده، آزادی خرد اندیشنده است. اما آزادی اراده، آزادی صوری و بی‌محتوایی نیست. خود را یا خواستن تنها آنگاه شکلی مشخص و عقلایی به خود می‌گیرد که این خود یا خواستن دارای محتوایی معین، البته محتوایی خود بنیان نهاده شده



باشد. پرسش اینک این است که این محتوا از کجا ریشه می‌گیرد و چه ویژگی‌هایی دارد. این نکته را نیز باید در نظر داشت که این محتوا هم باید به اراده فرد و هم به اراده کلیت آحاد جامعه، بدون آنکه هیچ انفصال ولی در عین حال هیچ انطباقی بیواسطه را بین آن دو بوجود آورد، مضمونی مشخص ببخشد.

اخلاق عینی برای هگل اخلاقی است که بر خلاف وظیفه اخلاقی مطمح نظر کانت که صوری و مجرد است و تنها ذهنیت فردی را مورد خطاب قرار می‌دهد، به وظایف اخلاقی فرد بعنوان جزئی یا عضوی از یک جماعت درقبال آن جماعت اشاره دارد. این وظایف نه در تضاد یا استقلال از هنجارها و رسوم اجتماعی بلکه بر مبنای آنها بنا نهاده شده‌اند. معلوم است که بجا آوردن آنها تنها در بستر یک زندگی فعال اجتماعی و هماهنگی با زندگی اجتماعی یک جماعت ممکن است. فرد در خود یا بسان فرد متمیزه شده نمی‌تواند حتی به درک آنها نزدیک شود. این فقط در کناکش با جماعت و در برآورده ساختن آنچه که جماعت از انسان می‌خواهد است، که می‌توان به موقعیت درک و بجا آوردن آنها رسید.

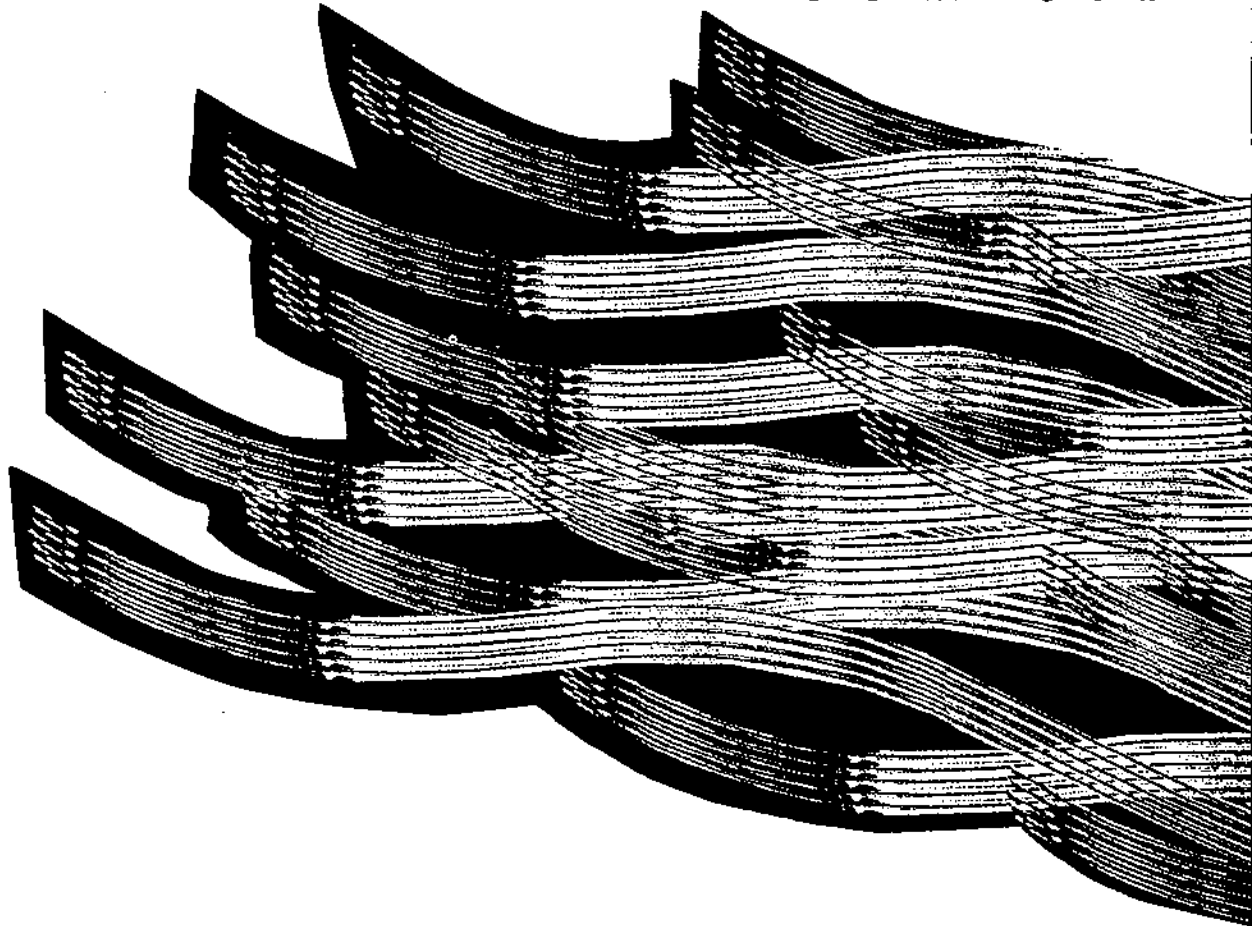
آیا ما به نکته‌ای نابهنجار، نقطه‌ای خطرناک در اندیشه هگل نرسیده‌ایم؟ آیا این همان درکی نیست که بسیاری بر اساس آن هگل را بنیانگذار اندیشه‌ای تمامیت‌خواه و جوهر درکی فاشیستی و کمونیستی از جامعه و دولت می‌دانند؟ آیا مفهوم اخلاق عینی چیزی جز ستایش ایده اضمحلال فرد در جامعه و استقرار دولتی یگانه با داورهای و ارزش‌های عامیانه در جامعه است؟ برخی از متفکرین لیبرال چنین اندیشیده‌اند. اما تیلور به ما می‌گوید که این برداشتی مبتذل و غلط از آموزه‌های هگل است. مفهوم اخلاق عینی اشاره به

قواعد و رسوم و رسوم جاافتاده اجتماعی ندارد که معمولاً مقدم بر حضور فرد در جامعه تبیین و تعیین شده‌اند، بلکه به مجموعه قواعد و رسوم متحول اجتماعی اشاره دارد. فرد، خود در تعیین سرنوشت آن، البته به سهم خود، نقش ایفا می‌کند. همزمان اخلاق عینی در تقابل با اخلاق فردی تعریف نمی‌شود. فردیت خود اساساً زاده جامعه مدرن و دید اخلاقی آن نسبت به موقعیت فرد در رابطه با دیگران است. این اخلاق عینی مدرن است که انسان را برمی‌انگیزد تا خودسامان بیاندیشد و رفتار کند. از سوی دیگر دولت عقلایی برای هگل دولتی نیست که به سیاق دولت‌های موجود به موثرترین شکل نظم و ثبات را در جامعه برقرار می‌سازد. دولت عقلایی مورد نظر او دولتی برخاسته از اراده همگانی، دولتی تفکیک یافته به قوای گوناگون مستقل ولی در عین حال بنیاد شده بر اراده همگانی است. در چنین دولتی همه چیز از بنیاد، توسط خرد و اراده انسانی اندیشیده و تصمیم‌گیری می‌شود. در آن حتی حقوق فردی تضمین شده بیرون از سپهر اقتدار حاکمیت، حقی مانند حق مالکیت وجود ندارد. مردم خود در فرآیند بحث و گفتگو در مورد تمامی امور زندگی مشترک اجتماعی خود تصمیم می‌گیرند.

با اینهمه هگل بر این نکته پای می‌فشارد که اراده همگانی تهی از محتوا نیست و هرگاه بنحوی صوری تعریف شود، کارکردی خطرناک پیدا می‌کند. اخلاق عینی به اراده همگانی محتوا می‌بخشد و ساختار تفکیک یافته جامعه هرکس را از جایگاه معینی در فرآیند تصمیم‌گیری و اعمال اراده برخوردار می‌سازد. بدون این محتوا و ساختار، اراده هرگونه قید و بندی را از دست می‌دهد و به نیرویی ویرانگر تبدیل می‌شود، نیرویی که همه چیز را ویران می‌سازد تا طرحی تخیلی

و خودانگیخته درافکند. به گمان هگل این درست حادثه‌ای است که در دوران ترور انقلاب فرانسه، زمانی که ژاکوبین‌ها می‌کوشیدند ساختار جامعه را یکسره تغییر دهند و دموکراسی مشارکتی ناب را مستقر سازند بوقوع پیوست. ژاکوبین‌ها عملاً خود به نام توده‌ها حکومت می‌کردند و ترور را اعمال می‌کردند؛ چه در غیاب نهادهای سنتی مدنی مردم امکان مشارکت در فرایند بحث و تصمیم‌گیری نداشتند؛ هر چند که طرح ژاکوبین‌ها برای سازماندهی یکسره متفاوت جامعه کاربرد خشونت‌ی لجام گسیخته و ترور را ضروری می‌ساخت، زیرا به شکل دیگری نمی‌شد اراده‌ای خاص را به نام اراده‌ای همگانی معرفی کرد و مخالفین را از میان برداشت.

بطور کلی باید گفت هگل به حقانیت آزادی ریشه‌ای و نه حقانیت آزادی مطلق باور دارد. او آزادی مطلق را غیر قابل تحقق شمرده و آرمانی می‌داند که دربرگیرنده ضد خود، ترور و سرکوب است. او نسبت به ایده همسان‌گرایی یا همگونی و فردیت تهی از هرگونه تفکیک مشکوک است. مطلق برای او همانی همانی و ناهمانی است. همانی محض نمی‌تواند وجود داشته باشد. اقتدار همسان سیاسی و برابری مدنی و حقوقی افراد باید با تمایزات اجتماعی و فرهنگی همراه باشد تا جامعه یکسره به گستره‌ای از نیستی تبدیل نشود. جامعه‌ای که در آن همه دارای کارکردهایی مشابه، شیوه زندگی و افکاری مشابه هستند، جامعه‌ای است که در معرض متمیزه شدن قرار دارد. بدون وابستگی به گروه و طبقه خاصی یا اتکاء به شیوه زندگی خاصی، فرد نمی‌تواند در حیات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی جامعه شرکت کند. این از طریق واسطه طبقه، موسسات اقتصادی و جنبش‌های اجتماعی است که فرد در



ساختار دولت و فرایند تصمیم‌گیری و اداره امور جایگاه معینی بدست می‌آورد.

در این مورد همانگونه که تیلور نیز بدان اشاره می‌کند هگل نکته جالب و مهمی را طرح می‌کند. جامعه مدرن بیش از پیش به صورت کلیتی یکدست و تهی از هرگونه سرفصل مشترک عقلایی (بین اعضا آن) درآمده است. فرایند همسان‌سازی همه را از نظر اقتصادی و سیاسی برابر نساخته ولی بخش‌هایی عمده از مردم را قانع کرده که یا به هیچ طبقه خاصی تعلق ندارند یا به یک طبقه همگانی متوسط تعلق دارند. هرکس می‌کوشد خود را بر مبنای علائق و آراء شخصی از دیگران متمایز سازد و تعلق خاطر و وابستگی خود را به دیگران به کمترین حد ممکن کاهش دهد. آنچه اکثر مردم را به یکدیگر پیوند می‌دهد همانا وابستگی متقابل کارکردی یا حرفه‌ای آنها در عرصه اقتصاد و جامعه است. انتظار اصلی آنها از جامعه نیز آن است که نیازها، امیال و اهداف آنها را برآورده سازد. در واقع ملاک حقانیت جامعه برای آنها درجه برآورده شدن نیازها، امیال و اهدافشان است. مشخص است که در چنین شرایطی جامعه در خطر اضمحلال و تفکیک به گروه‌بندی‌های عملاً موجود باقیمانده از گذشته قرار دارد. تنها راه حفظ قوام جامعه و تضمین اقتدار دولت هم تکیه به ناسیونالیسم و هویت تاریخی قومی است. گروه‌های قدرتمند و نخبگان با دامن زدن به شور قومی افراد آنها را به احساس و ابراز هویت ملی و تاریخی خود برمی‌انگیزانند؛ هویتی که چه بسا ریشه در شیوه زندگی و هویت سیاسی و اجتماعی پیشامدرن آنها داشته باشد. فهم این مطلب که چنین هویت و همبستگی برخاسته از آن، همانگونه که در ایران شاهد آن بوده و هستیم به

هیچ وجه خصلتی عقلایی ندارد، کار دشواری نیست. همزمان هنگامی که نوبت مشارکت حساب شده در فرایند تصمیم‌گیری و اداره امور اجتماعی می‌رسد شوری نزد مردم وجود ندارد. آرمانی و دردی مشترک کسی را بدان سمت نمی‌کشاند. ناسیونالیسم هم در این مورد حرفی برای گفتن ندارد. فرد تعلق خاطری به دیگران، به زندگی جمعی ندارد که بخواهد برای سمت و سوی دادن بدان در فرایند تصمیم‌گیری و اداره امور شرکت کند. سپهر فعالیت او بیشتر محدود به زندگی شخصی و خانوادگی یا فعالیت جمعی با گروه خرد هم‌کیشان و هم‌فکران خود - جمعی بشدت متحول و در حال تغییر مداوم ترکیب اعضا - خواهد بود.

تنها راه حل این معضل، راه حلی که مورد توجه هگل نیز هست، استقرار دیگربرابره گونه‌ای تمایزگذاری با معنا، عملاً از دسترس جامعه مدرن خارج است. تمامی وابستگی‌ها و دلبستگی‌های داده شده اقتصادی و اجتماعی به دیگران یا از بین رفته یا در حال اضمحلال است. فرد دیگر نمی‌پذیرد آزادی و خودسامانی خود را باتن در دادن به قید و بند مذاکره و مصالحه با دیگران محدود سازد. با هیچ استدلال عقلایی نیز نمی‌توان فرد را تشویق به پیوستن به جمع‌های قوام یافته فرهنگی، سیاسی و فرهنگی کرد. بسیاری از اوقات چنین جمع‌هایی بیش از آن بوروکراتیک یا بنیادگرا هستند که فرد بتواند در آنها آزادی و معنا را تجربه کند. اتخاذ هویت‌هایی ساختگی و دلخواهی نیز چندان کارساز نیست. بدین وسیله شاید فرد جایگاه معینی در جهان و جامعه بدست آورد، اما مشکل این است که فرد از آنجا که به اختیار، چنین هویت‌هایی را برای خود برمی‌گزیند خود را مقید به

پذیرفتن تمامی جوانب آن و وظایف و قیودی که همراه با آن است نمی‌داند. چه بسا که او بهنگام مواجهه با جنبه‌هایی از هویت انتخابی که او را به دیگران یا رهیافت‌هایی مشخص متصل می‌سازد هویت جدیدی را برای خود دست و پا کند.

به هر رو هر چند راه حل هگل و اساساً هر راه حلی کارساز نیست ولی اهمیت کار هگل در این است که این مشکل را با تمام عظمت مطرح و بررسی کرده است. آرمان مورد نظر هگل به هر رو جذابیت و قدرت خود را حفظ کرده است. جستجوی همزمان آزادی ریشه‌ای و وحدت بیانگرانه هنوز در جنبش‌های اجتماعی و نزد اندیشمندان بسان یک غایت و آرمان مطرح است. اگر در قرن نوزدهم هم جنبش کارگری در سوسیالیسم و در گستره تولید و سازماندهی خودانگیخته نظم اجتماعی، تلفیق آزادی رادیکال و وحدت بیانگرانه را می‌دید، امروز جنبش محیط زیست در حفظ سرزندگی طبیعت و زندگی اجتماعی تحقق آزادی رادیکال و وحدت بیانگرانه را ممکن می‌بیند. هر دو، جنبش آزادی مجرد انسان در رهایی از طبیعت یا ساختار زندگی اجتماعی را نه آزادی که نوعی تن در دادن به سلطه سرمایه یا منطق تولید متکی به حداکثر بهره‌وری از منابع طبیعی و انسانی می‌شمرند. در سطحی دیگر اندیشمندانی نظیر تیلور، مکینتایر، ساندل و والزر که جماعت‌گرایان (کمونیست‌ترین) نام گرفته‌اند براین نکته پای می‌فشارند که آزادی و پویایی انسان در غیاب وابستگی او به



آخرین اثر امین مآلوف

امین مآلوف نویسنده سرشناس لبنانی طی سخنانی در مادرید گفت: «انسان نسبت به تکنولوژی عقب مانده است».

مآلوف به مناسبت انتشار آخرین کتاب داستانی خود به نام سفر بلداساره توسط مؤسسه انتشاراتی «الپائسا» به مادرید سفر کرده است.

وی در کتاب جدید خود، بار دیگر داستانی تاریخی را عرضه می‌کند و اینچنین به زمینه‌ای بازمی‌گردد که بیشترین موفقیت را در آن کسب کرده است. از جمله آثار وی در این زمینه شیر آفریقا است که خوانندگان بسیاری در جهان پیدا کرد.

مآلوف در داستان جدید خود به قرن هفدهم بازمی‌گردد و صحنه‌هایی از آشفتگی و سقوط را طراحی می‌کند. این کتاب، سرگذشت مسافری است که در جست‌وجوی کتابی از تمام منطقه مدیترانه می‌گردد تا به لندن می‌رسد. وی از این طریق شرایط آن زمان را که همراه سلطه نفرت و بیگانه‌ستیزی بوده است تشریح می‌کند، دورانی که عجیب با شرایط کنونی جهان مشابهت دارد.

مآلوف در ارتباط با این کتاب گفت: «من به تاریخ علاقه‌ای وافر دارم و این امر به طور طبیعی در نوشته‌های من ظاهر می‌شود. بازگشت به گذشته، نوعی ورود به زمان حال است و از نظر شخصی نیز وسیله‌ای برای فاصله گرفتن از واقعیت نامطلوب کنونی وطنم به منظور رسیدن به مقطعی است تاریخی که این منطقه ارزش بسیار داشته باشد».

مسأله هویت و دعوت به مذاکره و ارتباط فرهنگی در آثار این انسان آرام و صبور حضور دائمی دارد و به گفته خودش تلاشی برای عرضه و شناخت از فرهنگ‌های مختلف است.

وی همچنین درباره مسأله «همزیستی» گفت: «رشد ناسیونالیسم در شرایطی که هر روز شمار بیشتری از مردم جهان سوم برای بازشدن مرزهای اروپا فریاد می‌کشند، پذیرفته نیست».

وی ادامه داد: همزیستی فرایندی حساس و پیچیده است که با حکمت کافی با آن برخورداری نمی‌شود. وقتی در مورد همزیستی صحبت می‌شود باید توجه داشت که این امر شامل مسائل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است و لازمه عنایت به همه این امور رفتاری هوشمندانه و دقیق است.

مآلوف در زمینه شرایط کنونی جهان معتقد است که انسان نسبت به فن‌آوری عقب مانده است و می‌گوید: «در این شرایط، فن‌آوری استفاده ناصحیح از علم، دستکاری زن‌ها و سلاح‌های خطرناک می‌تواند پی‌آمدهای بسیار وخیمی در پی داشته باشد».

به نظر وی راه حل این مسأله در دو کلمه خلاصه می‌شود: حکمت و مسؤولیت‌پذیری.

مهمترین بحث‌های آن حول محور مقوله آزادی و ارتباط فرد با جامعه و جهان انکشاف می‌یابند. پیام اصلی کتاب (اگر بتوان چنین چیزی را در رابطه با یک نوشته عمیق و پیچیده گفت) این است که در جامعه مدرن سرنوشت انسان چیزی نیست جز آنکه برای آزادی ریشه‌ای و وحدت بیانگرانه، البته در تلفیق با یکدیگر، مبارزه کند. بدون آزادی ریشه‌ای، وحدت بیانگرانه و بهم پیوستگی تبیین یافته آنها با یکدیگر، انسان معاصر ایرانی، همانند دیگر هم‌نوعان خود در دیگر نقاط جهان نخواهد توانست وجود انسانی را بیان کند و تحقق بخشد.

به هر رو کتاب تیلور به گونه‌ای ترجمه شده که خواننده ایرانی می‌تواند آن را با شور و لذت (قرائت) بخواند. مترجم کتاب، منوچهر حقیقی راد موفق شده که هم مفاهیم مورد استفاده هگل و هم مفاهیم مورد استفاده تیلور را به شکلی قابل فهم به فارسی برگرداند. بعلاوه او توانسته نثر تیلور را بدون آنکه معنا و عمق آن را بازستاند به فارسی ترجمه کند و انسجام نوشته و تسلسل مفاهیم و اندیشه‌ها را حفظ کند. اگر تیلور با کتاب خود همه خوانندگان آثار فلسفی، شیفتگان هگل و علاقمندان به شناخت معضلات جامعه مدرن و راه‌های فائق آمدن بر آن را مدیون خود ساخته، مترجم نیز با کار خود همه کسانی را که در ایران به فلسفه هگل، مباحث فلسفه سیاسی و شناخت سرنوشت و پی‌جویی‌های انسان در جوامع مدرن علاقه دارند، مدیون خود ساخته است. در مجموع کتاب تیلور، چه از نظر دقت نظر به کاررفته در نوشتن آن، چه از نظر محتوا و چه از نظر ترجمه دقیق فارسی آن نوشته‌ای است که باید مورد توجه خواننده ایرانی قرار گیرد.

جماعت فرهنگی و اجتماعی معینی و نیرو گرفتن از یک منبع فرهنگی و اجتماعی، سردرگمی و سرگشتگی را به دنبال می‌آورد. اگر مارکس به آزادی‌های فردی، مورد نظر لیبرال‌ها همچون پدیده‌ای پوچ و تهی از مضمون می‌نگریست که به زندگی عملی خیل عظیمی از جمعیت ارتباطی پیدا نمی‌کند، جماعت‌گرایان نسبت به آزادی‌های فردی جوامع معاصر چنین نگرشی دارند. به نظر آنها فرد بدون اتکا به هویت تبیین یافته فرهنگی، سیاسی و اجتماعی نمی‌تواند راه خود را در زندگی و جامعه بازشناسد و بسان موجودی سرزنده و فعال به زندگی ادامه دهد.

بطور کلی، هگل امروز هم همانند قرن نوزدهم، زمانی که اندیشمندانی مانند فویرباخ، مارکس و کی‌یرکگور با میراث فکری او در حال مجادله بودند، فیلسوفی مطرح است. بجز جماعت گرایان، اندیشمندانی مانند پراگماتیست‌های آمریکایی، هابرماس، کوژو و هونز را می‌توان متأثر از افکار او برشمرد. کتاب هگل و جامعه مدرن تیلور که خود فشرده‌ای از کتاب قطوری در مطالعه تمامی جنبه‌های اندیشه هگل است، در بازاندیشیدن میراث فکری هگل در چند دهه اخیر نقش موثری ایفا کرده است. تیلور به راستی یکی از بهترین بررسی‌ها را راجع به هگل در چند دهه اخیر به رشته تحریر درآورده است و توانسته بخوبی اهمیت نقطه نظرات هگل را برای انسان درگیر با معضلات جوامع معاصر روشن سازد. مهمتر از همه، کتاب تیلور که اکنون به فارسی ترجمه شده راه را بر تفسیرهای سطحی از نظرات هگل و همچنین معضلات انسان مدرن می‌بندد. برای خواننده معاصر ایرانی کتاب تیلور از این لحاظ می‌تواند جالب باشد که

سعدی اینک به قدم رفت و به سر باز آمد

مرد دیگر جوان نبود - پنجاه سالی را - بیش و کمتر پشت سر داشت و این سن و سالی بود که در آن بسیاری از همسالان او به زهد و توبه می‌گرائیدند و به عمر به غفلت تلف شده خویش تأسف می‌خوردند. اما او هنوز همان سعدی سال‌های بیست، سال‌های «افتد و دانی» بود. سی سالی از عمرش در غربت گذشته بود و بعد از این همه دوری، تولای مردان این پاک بوم، او را به شیراز می‌کشانید. با قافله و دور از قافله به فارس برمی‌گشت و شوق دیدار عزیزان خاطرش را برمی‌انگیخت. وقتی شیراز را ترک کرده بود بیست سالی بیشتر نداشت و اکنون که از شام به شیراز باز می‌گشت، با آنکه بار یک عمر پنجاه ساله را بر دوش داشت سختی‌های غربت که هرکس دیگر را، در چنان احوالی که او آن را گذرانده بود، خسته و افسرده می‌کرد، چیزی از شور و شیدایی سال‌های جوانی او نکاسته بود. زندگی در بغداد، در دمشق، در حلب به صورت طالب علم و واعظ و مسافر و سقا، و بارها سفر به حجاز با قافله حاج، سواره یا با پای پیاده، تمام شاهد و شرنک یک عمر آکنده از ماجراهای تجربه‌آموز - کوچک یا بزرگ - را به کام او ریخته بود و او با این حال همچنان زندگی را با کنجکاو، با علاقه و با شوق خوشباشی می‌نگریست، آن را دوست می‌داشت، و می‌کوشید وجود خود را از تمام آنچه تجربه آن به انسان هدیه می‌نماید سرشار سازد.

شاعر بود و هرچند هنوز شعر او، که هر جا سفر کرده بود مورد تحسین شعرشناسان واقع گشته بود، در شیراز شهرت پیدا نکرده بود. در قافله‌یی که او، از بغداد تا

اصفهان یا از اصفهان تا فارس با آن همراه بود، کسانی که از دوستان سال‌های گذشته با او برخورد پیدا می‌کردند، از ذوق شعرش آگاه بودند. در طی این سی سال دوری او به هر جا سفر کرده بود یاران و آشنایان را از چاشنی اشعار شوخ و لطیف خویش - که به پارسی یا تازی - چیزی چشانده بود و در اطراف دنیایی که او در طی این سی سال سیاحت به آن سرزمین‌ها قدم نهاده بود کسانی بودند که چیزی از اشعار او را شنیده بودند یا از حفظ داشتند. در فارس، در حوزه دربار شاهزاده ابوبکر اتابک فارس هنوز چیزی از این شعر شهرت نداشت و یک ادیب وابسته به این دربار، که درباره شعر و عروض و بدیع کتابی به نام المعجم به این اتابک جوان اهدا کرد (۶۳۰)، هیچ نمونه‌یی از شعر این شاعر شیرازی که نام او از نوعی انتساب با خاندان اتابک خیر می‌داد، نشنیده بود. اگر شنیده بود، برای خشنودی و دلنوازی از اتابک هم که بود چیزی از آن را درین کتاب خویش بر طریق نمونه می‌آورد. اینکه شعر وی، در آن ایام هنوز در فارس شهرت نداشت ظاهراً از این معنی ناشی بود که او برخلاف رسم شاعران ستایشگر عصر، از آنجا که بود - بغداد یا دمشق - شعر مدیحه به دربار اتابک هدیه نمی‌کرد و با آنکه به خاطر انتساب پدرش به دربار اتابک سعد در دستگاه این اتابک تازه - ابوبکر سعد - ناشناخته نبود، چنان که خود نیز بعدها خاطرنشان ساخت، «سر مدحت پادشاهان نداشت» و لاجرم در شیراز عهد اتابک ابوبکر، که او از شام آهنگ بازگشت به آن را داشت هیچ کس او را در ردیف شاعران حرفه‌یی، امثال مجد همگر یزدی، امامی هروی و امثال آنها، نمی‌شناخت و هرکس او را در قافله‌یی که از بغداد یا اصفهان به فارس می‌آمد می‌دید او را به عنوان واعظ و فقیه و دانشمند به جا می‌آورد.

بازگشت به شیراز برای وی، در پایان سال‌ها دوری

و آوارگی، بازگشت به بهشت گمشده بود. بهشت گمشده‌یی که یک سفر دراز آهنگ، وی را طی سال‌ها از آن جدا کرده بود. اکنون درین سال‌های پنجاه سالگی جستجوی آرامش و سکون، که در خارج از شیراز همه جا جسته بود و همه جا از آن محروم مانده بود، او را به شیراز می‌خواند. سال‌های افتد و دانی را در حدود بیست سالگی در شیراز پشت سر گذاشته بود و اکنون خاطره آنها را در شیراز می‌جست. در پنجاه سالگی احساس پیری، احساس گذشت عمر خاطرش را جز در لحظه‌های گذرا دچار دغدغه نمی‌کرد. زنده‌دلی، او را چنان نگاهداشته بود. در صحبت یاران هنوز در همین راه بازگشت زیبایی‌های انسانی هم مثل زیبایی‌های باغ و صحرا او را به شور و وجد می‌آورد. هنوز آن اندازه از شور عاشقی بهره داشت که لطف جمال خوبروی او را در مطلق لغزش قرار دهد. سال‌ها در کوچه‌های غبارآلود بغداد یا در بازارهای پر سر و صدای دمشق جز ترانه تازی و جز صدای ساربان و آهنگ رقص شتر نشنیده بود. سال‌ها در سرزمین‌های دورافتاده واقع در دامان بیابان‌ها جز صدای جغد و آهنگ زاغ و زغن زمزمه‌یی به گوشش نخورده بود، و سال‌ها جز در زیر سایه چادرهای اعرابی سکون و قراری نیافته بود. و اکنون در بازگشت به شیراز مثل همان سعدی سال‌های جوانی فتنه شاهد، سودا زده باد بهار بود، هنوز عاشق نغمه مرغان سحر مانده بود و هنوز به لذت‌هایی که در سال‌های قبل از عزیمت به بغداد، در باغ‌های اطراف، در کنار مصلی و آب رکنی و در صحرای گازرگاه شیراز خاطر او را نوازش داده بود می‌اندیشید. با چه شور و شوقی از شام به شیراز کشیده شده بود.

راه دراز او را خسته نمی‌کرد. از شوق عزیزان سر از پا نمی‌شناخت. با شور و شوق سال‌های جوانی راه می‌پیمود. متاع او مختصر بود، از تعدادی نسخه‌های

عبدالحسین زرین کوب

بازگشت به شیراز

خطی، و پاره‌یی اشعار خود یا دیگران که در بیاض‌ها یا در حاشیه کتاب‌ها یادداشت کرده بود و قسمتی از آنچه وی آن را غزلیات قدیم می‌خواند در آن جمله بود، تجاوز نمی‌کرد. همین نکته او را از دغدغه حرامیان عرب و رهنان جبال، که درین سال‌های هرج و مرج ناشی از تاخت و تاز مغول و خوارزمیان در همه جا فراوان بود فارغ می‌داشت. آنچه او همراه داشت و حرامیان و راهداران به آن دسترس نداشتند و در هر مرز و سرحدی هم برای قدرتمندان و ستمکاران شهرها و ولایات در حکم یک اسلحه و درخور اخذ و ضبط محسوب می‌شد و مرد آن را، تقریباً به شکلی که در عصر ما آن را قاچاق می‌خوانند عبور می‌داد و با خود همراه می‌برد، نبوغ طغیانگر او بود — که دنیای عصر را آن‌گونه که بود نمی‌پسندید و دوست داشت آن را آن‌گونه که باید باشد بسازد و تأثیر کلام او هم — با چالاک‌ی و زبان‌آوری که او در وعظ و تکلم داشت ممکن بود حکام و ارباب قدرت را دچار دغدغه سازد و با این حال او این «تیغ زبان» را دوست داشت در دنیا وسیله ایجاد صلح و سلم و آسایش سازد و از اینکه نبوغ بی‌مانندش بی‌سر و صدا و به‌صورت قاچاق از هر مرزی عبور می‌کرد تعجب نداشت.

در اصفهان که بر سر راه بازگشت بود، یک توقف کوتاه دیدار با دوستی از یاران عهد جوانی را برایش ممکن کرد. این یار عیار، که سعدی قبل از جنگ تتر (۶۲۴) با او دیدار کرده بود، در طی این چند سال چقدر پیر شده بود! آخرین بار که شاعر شیراز با او دیدار کرده بود، مرد پهلوانی بی‌همانند بود — گاووز و تیرانداز و جنگ‌آور، که کمر بند دشمن را می‌گرفت و او را از زین در می‌ربود و از جا برمی‌آورد. با آنکه بعد ازین آخرین ملاقات شاعر به عراق و شام رفته بود و سال‌ها از آن می‌گذشت، باز دیدار عیار جنگجو وی را دچار حیرت و

حتی نومیدی — کرد. مرد پیر شده بود، پیری خمیده قامت و زرد روئی. در سرش یک موی سیاه نمانده بود و خستگی او را به شدت از پا درآورده بود. پیش از وقت پیر شده بود، و حتی از شاعر شیراز که او را در آخرین دیدار سال‌ها از خود جوان‌تر دیده بود پیرتر به نظر می‌رسید. در جواب این یار از ره رسیده که با حیرت و تأسف از سرگذشت او پرسیده بود، او تجربه جنگ تتر را که در آن با وجود دلاوری و پایداری ناچار به فرار گشته بود موجب این خستگی و پیری پیش از وقت خویش خوانده بود. داستان این جنگ، این اندیشه را به خاطر سعدی القاء کرده بود که پیروزی به نیروی بازوی انسان نیست، به تقدیر و بخشایش داور است. اما توصیف این جنگ بعد از سال‌ها، اندیشه سعدی را به روزهای سختی که به‌خاطر تهدید تتر، فارس به خطر افتاده بود و اتابک شیراز، ابوبکر سعد زنگی با اظهار متابعت و ارسال خراج و هدیه، فارس را از آن تهدید رها نیده بود، می‌کشاید. در واقع در همان ایام بود، که وی شیراز را ترک کرده بود و از راه اصفهان عزیمت بغداد کرده بود (ح ۶۲۳).

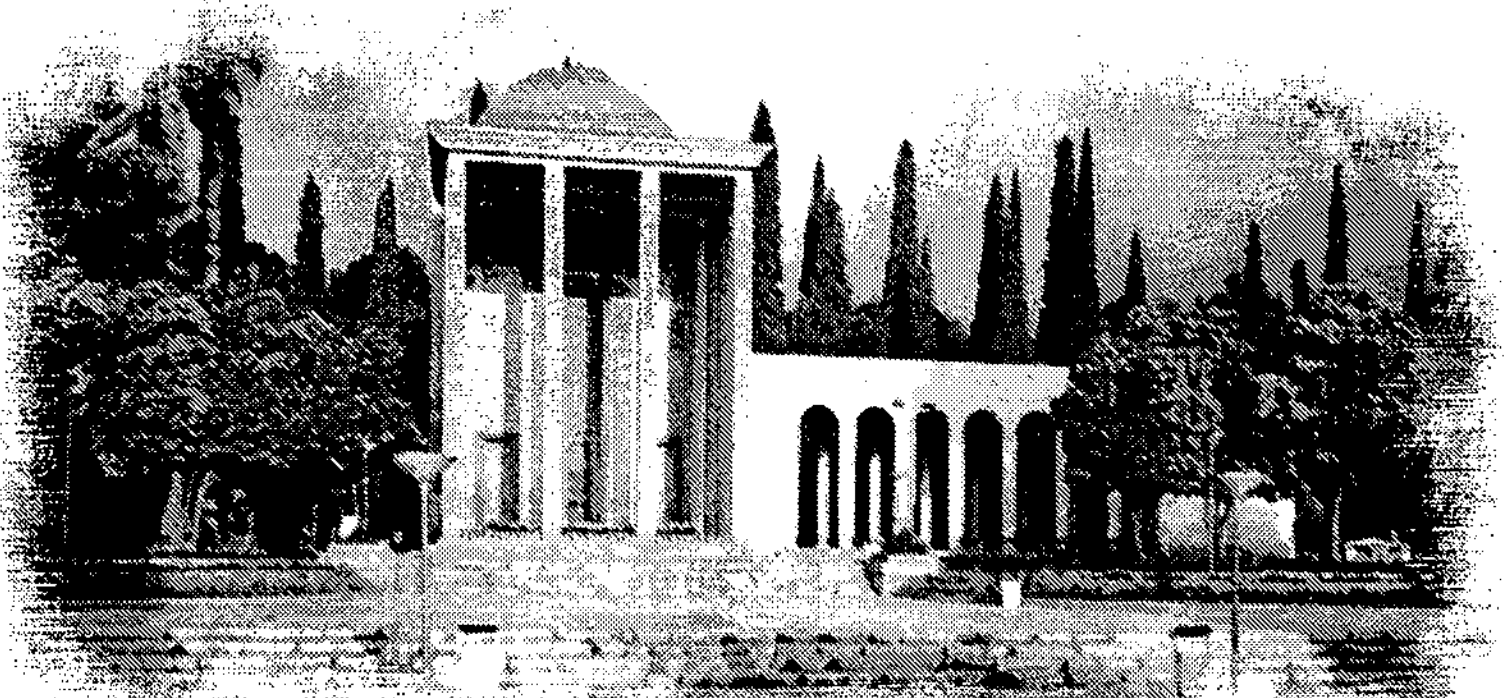
اندک زمانی بعد از خروج وی از اصفهان بود که جنگ تتر در تعقیب سلطان جلال‌الدین خوارزمشاه اصفهان را معرض تهدید ساخته بود. این یک جنگ سهمگین بود که اصفهان را یک‌چند از تهدید مغول رها نید.

وقتی جلال‌الدین به این حدود رسید سپاه مغول که در تعقیب او بود به ری رسیده بود و آهنگ اصفهان داشت. هرگونه بود اهل اصفهان در کنار جلال‌الدین و یارانش در مقابل سپاه مغول دست به پیکار زدند. جنگ مغلوبه شد، و چون یک دسته از یاران خوارزمشاه در مقابل دشمن جا خالی کرد، جلال‌الدین به پایداری سخت ناچار شد. آنها که با وی ماندند داد دلیری دادند. در بین یارانش کسانی بودند که از پیکان دشمن به

شکل خارپشت درآمده بودند (نسوی / ۱۷۰) و پشت به دشمن نکرده بودند. عده‌ای هم از همان آغاز پشت کرده بودند و همراه غیاث‌الدین برادر سلطان از مقابل به دشمن کنار کشیده بودند. سلطان در مبارزه با دشمن چنان جلالت و قوت قلبی نشان داده بود که سرداران مغول را به تحسین واداشته بود. جنگ سختی بود که یک مورخ عصر آن را «روز فرع اکبر» خواند (جهانگشا ۱۷۰/۲)* و یک منشی سلطان جلال‌الدین که در رکاب وی جنگ‌های بسیار دیده بود خاطرنشان می‌کرد که هیچ کس چیزی همانند آن به یاد نداشت (نسوی / ۱۷۱).

این که هول چنان واقعه‌یی یار عیار سعدی را که بعد از کوشش و ایستادگی بسیار، ناچار به فرار هم شده بود، در طی یک واقعه چنان پیر کند و از پای درآورد، سختی روزگاری را که سعدی به خاطر آشوب‌های آن ناچار شده بود در آخرین روزهای فرمانروایی سعد زنگی (۶۲۳) آن را ترک کند نشان می‌داد و خاطره آن سال‌ها وی را از ایمنی نسبی که اکنون بعد از سی سال بر راه‌های فارس حکمروا بود خرسند می‌کرد.

با قافله‌یی که از اصفهان به فارس می‌رفت به خاطره سال‌های جوانی، سال‌های روزگار سعد زنگی که پدرش با دستگاه او ارتباط داشت باز می‌گشت. در قافله همه او را به نام سعدی می‌خواندند، و این نام برای خود او هم، مثل بسیاری از همسفران که او را جز با همین نام خطاب نمی‌کردند، نام سعد زنگی اتابک شیراز را به خاطر می‌آورد. درست است که در همین ایام یک شاهزاده دیگر، از همین خاندان اتابک سعد، در شیراز می‌زیست و گه‌گاه از جانب پدر خویش و اتابک ابوبکر هم به دربارها یا لشکر کشی‌ها می‌رفت اما نام خود او هم به خاطر نام جدش سعد شده بود، و سعدی که در مدت غیبت از شیراز و در طی تمام مسافرت‌های



سی ساله اش غالباً همه جا به همین نام خوانده می شد نمی توانست نام خود را از نام این شاهزاده جوان که خودش هنوز وی را ندیده بود گرفته باشد. بیشتر اهل قافله، که سدی به اقتضای خوی آمیزگاری که داشت با همه آنها بی دغدغه، بی نفاق، و بی سوءظن می آمیخت او را با همین نام می خواندند. دیگران هم که تا حدی از دور، از فاصله یی بیگانه مجذوب حالت شادمانه، مردم آمیز و در عین حال پر وقار وی بودند او را به نام های رسمی ترش می خواندند - ابو عبد الله، مصلح الدین، شیخ مشرف الدین - و درین نگهداشت حرمت، بسا که نام خود و پدرش را با هم می آمیختند. شاید کسانی هم بودند که سدی را نام او می پنداشتند - چرا که سدی به عنوان نام شخصی هم در آن عصر بی سابقه نبود - اما ظاهراً هیچ کس نام او را به خاطر انتساب به یک نیای عرب - سعد بن عبادۀ خزرجی - منسوب نمی پنداشت چون این نسبت در بین هیچ یک از قبیلۀ شیخ که همه نیز عالمان دین بودند سابقه پیدا نکرده بود - و سعد بن عبادۀ هم به خاطر آنکه در مجمع سقیفه از قبول بیعت با خلیفه سر پیچیده بود و به شام هجرت کرده بود کسی نبود که انتساب به او مایۀ فخر و اعتباری باشد و طالب علم شیرازی که در جوانی عازم بغداد بود، با انتساب به این نام که هیچ یک از علماء قبیلۀ او هم آن را در نسبت خویش به کار نبرده بود برای خود مایۀ امتیازی بجوید. برای او و برای کسانی که با شیراز و تاریخ فارس آشنایی داشتند اینکه نام او از نام سعد زنگی، اتابک معروف و محبوب فارس، گرفته شده بود امری طبیعی و مقبول بود و جایی برای تردید باقی نمی گذاشت.

هر چه بود سدی همان سدی بود، اگر نام وی هم با نام خاندان اتابک ارتباط داشت خود او در مدت دوری از شیراز، هرگز در صدد بر نیامده بود یا ارسال مدیحه یا اظهار تعزیت و تهنیتی خود را در دربار اتابکان به عنوان شاعر مطرح کند و اینکه در آغاز ورود به شیراز انشاء وی، چنان که خودش می گوید، بی رونق مانده بود و قبل از آن هم در عهد اقامت شمس قیس رازی در شیراز، نام وی به عنوان شاعر هرگز درین شهر به گوش ادیبان مجلس اتابک نخورده بود این دعوی را تأیید می کند.

درین هنگام که او به شیراز باز می گشت، شیراز در حیطۀ قدرت اتابک ابوبکر بود، پسر سعد زنگی که بعد از پدر در تمام فارس به عنوان اتابک فرمانروایی داشت و

گاه با خلیفه و گاه با مغول سازش می کرد اما به هرگونه بود فارس را به تدبیر و عدالت از هرج وفته یی که در آن ایام همه جا در اطراف حکمفرما بود ایمن نگهداشته بود. امنیت فارس در آن سال های آشوب، به حدی رسیده بود که از همه جا خلاق را به شیراز می کشاند و ایمنی و عدالت حاکم در فارس تعداد کسانی را که در آن روزگار از هر جا روی به فارس می نهادند هر روز می افزود و در همین احوال بود، که سدی به شوق دیدار پا کان پارس و بازدید از موطنی که سسی سال پیش آن را در حال آشفتگی و پریشانی و ناایمنی ترک کرده بود (۶۲۳)، با قافله شام به بغداد آمده بود و ظاهراً به سائقۀ شوق دیدار عزیزان، بی آنکه در آن میعادگاه سال های جوانی زیاده درنگ نماید، به قافله یی که از آنجا عزیمت عراق یا فارس را داشت پیوسته بود و درین ایام (ح ۶۵۳) در پایان سی سال اقامت در دیار غربت به شیراز باز می گشت.

برخلاف آن یار عیار اصفهانی، شاد و سرزنده بود. عمر بر او گذشته بود اما پیرش نکرده بود. محنت و غربت و آوارگی و گرسنگی و بیماری را آزموده بود اما در پنجاه سالگی چیزی از شور و شوق جوانان بیست و پنج ساله کم نداشت. خواه پیاده و خواه سواره همراه قافله ها سفر می کرد، با مردم می آمیخت، به خطاب شیخ، به خطاب شیخ شیراز، به خطاب سدی، به یک گونه جواب می داد و با همه همسفران، با دوستی، با خوش طبعی و با دوست رویی برخورد داشت. با عربی زبانان قافله به عربی سخن می گفت، با فارسی زبانان به فارسی حرف می زد و با همشهریان به زبان شیرازی یا کارزونی گفت و شنود می کرد و با همه نکته ها می گفت، حکمت ها خاطرنشان می کرد و ازدیده ها و شنیده ها یاد می کرد. با جوانان کاروان از تجربه های عشقی خویش یاد می کرد، با پیران از سفرهای دور و دراز سخن می گفت و از همه کسانی که گوش به سخنانش می سپردند دلربایی می کرد و از اینکه گه گاه شنیده ها را هم به صورت دیده ها روایت کند پاک نداشت.

شیخ شیراز جهان دیده این قافله ها بود. مخاطبانش هم تمام آنچه را وی از خاطره های جوانی، از شگفتی های شهرهای دور، از روزگاران شاد از یادرفته نقل می کرد از مقولۀ حرف هایی تلقی می کردند که بارها در شهر و در سفر از زبان جهان دیدگان عصر شنیده بودند. بارها در زیر چادرهای بیابان ها، در کنار بارهای کنار راه

افتاده و شترهای خسته، در زیر سقف های کاروانسراهای پر رفت و آمد، در مقابل نقل قصه های شگفت انگیز و احیاناً پاورنا کردنی این جهان دیدگان خود را تسلیم جاذبۀ خیال های دل انگیز کرده بودند. بارها دهانشان از حیرت بازمانده بود، چشم هاشان از شفقت به اشک تشسته بود، و خاطره هاشان از آشنایی با دانسته های غالباً تصور ناپذیر در کنجکاو، در هول و در شوق غرق شده بود و با این حال هیچ یک از آنها، از این نبوشندگان بی خیال سرگشته در بیابان ها، با قصه گوی جهان دیده به خاطر آنکه داستانش تا چه حد ممکن است راست یا دروغ باشد، یا به این سبب که آن داستان را در سفرهای دیگر جهان دیده یی دیگر از سرگذشت خویش یا از دیدار خویش در سرزمینی دیگر و در زمانی به کلی غییراز آنکه وی می گفت شنیده بود به وی در نمی پیچید و با این گونه کشمکش ها، وقت خوش خود و یاران را ناخوش نمی کرد. چرا که او هم مثل قصه گوی این اندازه می دانست که در چنین قصه گویی ها - و البته برای آنکه وقت یاران را شاد و خوش سازد - جهان دیده، بسیار گوید دروغ. اما این را هم میدانست که این دروغ ها ناظر به فریب خلق نیست، ناظر به سرگرم کردن یاران است و نه از مقولۀ کذب، بلکه از مقولۀ شعر و قصه باید شمرده آید، با تمام زیبایی ها و دلنوازی ها که در شعر و قصه هست.

این گونه سفرها برای خود او دل انگیز بود، به او مجال آن می داد تا به قول صوفیان عصر در آفاق و انفس سیر کند، دنیا را چنان که هست بیازماید، دنیا را چنان که باید باشد در خاطر خویش طرح نماید و از اینکه همه چیز را چنان که هست مایۀ شادی، مایۀ خرسندی و مایۀ دلنوازی بیابد خود را خرسند بیابد. مرد عاشق زیبایی بود، جهان را زیبا می دید و به هرگونه زیبایی که به صورت انسانی تجسم می یافت عشق می ورزید. بعد از سال ها که در نظامیه درس خوانده بود. بعد از سال ها که در شام و حجاز وعظ گفته بود، و بعد از سال ها که در مجالس صوفیان و فقیهان عصر از هر خرمنی خوشه یی چیده بود هنوز در حدود پنجاه سالگی همچنان شاعری شیفته، سودایی و زیبا پرست باقی مانده بود. فقه خوانده بود و بارها در مجالس قاضیان عصر، در هر شهر و دیار به صورت فقیه کهن جامۀ تنگدست ظاهر شده بود و تبخیر خود را در فقه و فتوی نشان داده بود. اما هرگز، خود را به دردسر مقام قاضی

دچار نکرده بود، از اینکه در میان دو خصم واقف به حق به آنکه از شناخت خویش مطمئن باشد درباره حق که او خود از حقیقت آن جاهل است داوری کند خود را کنار کشیده بود، با این حال اگر مفتی ملت اصحاب شرع نبود، مفتی ملت «اصحاب نظر» مانده بود و از این موضع که تمام دنیا را در صلح، در تسلیم و در شادی مستغرق نشان می داد خود را خرسند می یافت.

از شام که زیبایی طبیعت، زیبایی صنعت و زیبایی انسانی وی را سال ها بدانجا پای بند نگه داشته بود، این روزها دلش کنده شده بود. از بغداد که در آنجا درس خوانده بود و از صحبت صوفیان، واعظان و طالبان علم در آنجا لذت ها کسب کرده بود، به سرعت گذشته بود. در همدان در عبور از سرای اغلمش که آنجا را وقتی مدت ها بعد از عهد اغلمش که در سال های کودکی او (ح ۶۱۲) زندگی را بدرود کرده بود - همچنان باز پر از رفت و آمد دیده بود، توقف نکرده بود. عبور بر آن درگاه خاطره قاضی همدان را که با نعلبند پسری سرخوش داشت و درین عشق کارش به رسوایی کشیده بود به یادش آورده بود و این قاضی - که سعدی خود آنها را هرگز ندیده بود - در هاله هایی از ابهام از پیش نظرش گذشته بود. در اصفهان، با شتابی که برای بازگشت به شیراز داشت از یاران سال های جوانی خبر گرفته بود، دیدار آن دوست عیار جنگجو، که سال ها پیش در طی یک جنگ هولناک به آستانه پیری زودرس رسیده بود خاطرش را لحظه ای چند در حیرت و

تأسف غرق کرده بود و با این حال، هیچ حادثه ای در طی این راه او را از شوق شتاب آمیزی که برای بازگشت به شیراز داشت مانع نیامده بود.

مرد، شاعر بود اما از اینکه مثل شاعران حرفه ای عصر دایم از این دربار به آن دربار برود، از این قبله به آن قبله رو کند، برای هر ممدوحی مدیحه سرایی کند، برای هر وزیر و ندیم و دبیر دربار شعرهای خوشایند بسراید، و در عین حال در دل به ریش همه کس بخندد و به همه کس دروغ بگوید نفرت داشت. واعظ و مدرس هم بود اما درین کارها هم به اینکه «حرفه ای» شود، در مدرسه ای به بحث در فقه و کلام و ادب بنشیند، در مسجدی سجاده نشین گردد، در باب هر مسأله که خاطر عامی ساده دلی را دچار خارخار و سوسه می نماید حکم و فتوی بنویسد علاقه نداشت و ظاهراً آن جمله را تزییع عمر یا دام صید می پنداشت، حتی از اینکه مثل واعظان عصر، ذوق سخنرانی را وسیله جلب مریدان و معتقدان عوام سازد و آنچه را خود به عمل کردنش جز به الزام وقت تن در نمی دهد از مریدان با ابرام، و با تهدید و تحذیر، مطالبه نماید و آنها را، بر وفق معمول عصر، به توبه ای که بارها شکستگی آن را آزموده است وادار سازد کراحت داشت و با آنکه همه قبیله او عالمان دین بودند، از اینکه، مثل برادر خود، یک دکان بقالی بگشاید و با خرید و فروخت و داد و ستد با همه گونه مردم بجوشد و مثل همه مردم دور از هرگونه خودنمایی و خودفروشی زندگی کند، شاید در دل لذت بیشتر می یافت و از تصور

آنکه، در شیراز برایش پیش آید فرصت چنین زندگی آرام بی سر و صدایی پیدا کند شاید خاطر را خرسند می دید.

با این حال مرد، اهل سخن بود، و ذوق سخن او را طالب مستمع می کرد. به علاوه وقتی با چشم عبرت و شفقت در آنچه در پیرامونش می گذشت نظر می کرد، همه جا گمراهی ها، سرگشتگی ها و بی سامانی های تأثر انگیز انسان ها می دید. این همه نیز، از او می خواست که به جای جستجوی تن آسانی یک زندگی آرام و بی سر و صدا برای خویش، برای رهایی این مردم از لجه های نادانی و گمراهی تلاش کند، به جای آنکه گلیم خویش را از موج بیرون کشد غریقی را از کام موج بیرون کشد. بی آن که با تظاهر به زهد و قدس دروغین به خود برسته بر عام خلق برتری بفروشد، بدون آنکه قرآن را چون دگران دام تزویر سازد و کلام حق و آنچه را مایه راهنمایی و ارشاد خلق است در مقابل دریافت پول و مزد به گوش آنها برساند و آنچه را در آن ایام «مجلس گفتن» خوانده می شد برای خود حرفه ای، اما نه با سادگی و بی آزاری حرفه برادر خویش سازد، به وعظ بی ریا بپردازد و اگر هم در شیراز، که بعد از سی سال دوری دیگر با اوضاع و احوال آن آشنایی نداشت، به شعر و شاعری وادار شود، حرمت انسانی را از دست ندهد. به آنها که به علت جاه و مقام به هرچه می گویند مردم از ناچاری سر تسلیم فرود می آورند و هر ناپسندی را به خاطر آنکه از دهان محکوم کننده آن ها بیرون می آید می پسندند یا پسندیده می دارند تا آنجا که ممکنش هست با موعظه، با نصیحت، و حتی با ملامت برخورد کند و اگر برای الزام آنها به عدالت و نیک سیرتی ضرورت بیند، ستایش گونه ای نثار کند تا آنها را برای شنیدن حرف حق آماده دارد.

در حدود پنجاه سالگی از شام و بغداد که طول اقامت در آن سرزمین ها خاطرش را به شدت به دیدار شیراز شایق کرده بود، به دیار پدران آهنگ داشت و با شور و شوق یک شاعر و یک عارف بیزار از خودنمایی و خودفروشی رایج در نزد اهل علم به سرزمین محبوبی که شادی ها و رؤیاهایش را در آنجا پشت سر گذاشته بود بازمی گشت. اما درین مدت دوری نه تجارتی کرده بود و نه مالی اندوخته بود، با همان کوله بار کتاب ها و با همان جیب و کیسه خالی از اندوخته های معمول در نزد جهانگردان دیگر، به سرزمین پدران بازمی گشت، جز



زبان شیرین و طبع شادمانه و خاطر آکنده از حکمت و اندیشه متاع دیگری در بار خویش نداشت.

در شیراز، و حتی در بغداد و همدان و اصفهان که این بار در یک عبور شتاب‌آلود آنها را پشت سر گذاشته بود و در عین حال همه جا در آن شهرهای بین راه با دوستان و حتی با کسانی که شعر وی، با وعظ وی، و با مایه‌یی که از فقه و کلام و ادب داشت آشنایان تازه برایش پیدا کرده بود برخورد کرده بود، و همه جا کسانی را طالب این متاع بی‌مانند خویش یافته بود، با آنکه مرکب خونین مغول این سرزمین‌ها را هنوز تهدید می‌کرد، و از داستان آنچه «تتر» حتی در شهرهای دوردست کرده بود مردم این نواحی هنوز در وحشت و بیم و ناامنی به سر می‌بردند، باز سرزمین جبال و عراق سرزمین شادی و لهو و خوشباشی بود. باز در همدان مردم ترانه‌های شادمانه‌یی را که در کوهستان‌ها خوانده می‌شد یا از خانقاه‌های شهر بیرون می‌آمد و فیهلویات خوانده می‌شد دوست می‌داشتند و شعر دردی را که با زبان خود آنها تفاوت‌هایی داشت نیز با شوق و لذت می‌خواندند، حتی اتفاق می‌افتاد که شعر زیبایی، وقتی از زبان شاعری خوب‌روی و خوش ادا خوانده می‌شد، طالب علمی را مثل فخرالدین عراقی از همدان تا هند به دنبال خواننده بکشاند. در اصفهان هم که شیخ شیراز ظاهراً جز چند روزی در آن مجال درنگ نیافت شعر عاشقانه و آنچه شعر «تحقیق» خوانده می‌شد، همچنان مثل دوران حیات کمال اسمعیل (۶۳۸) و پدرش جمال‌الدین عبدالزاق (۵۸۰)، نزد مردم با شور و علاقه تلقی می‌شد و لاجرم در هر دو جا، متاع سعدی خریداران ناشناخته اما جان و دل‌باخته‌یی را ممکن بود به وی جلب سازد و او را درین شهرها به اقامت یا لامحاله به توقف طولانی، که رسم شاعران و واعظان عصر بود وادار نماید.

در بین یادداشت‌ها و نوشته‌هایی که جزو باروبنه مختصر و مجردانه این مسافر شاد و بی‌اندوه و سودا زده، به زاد بوم او شیراز برده می‌شد و ضرورت سبکبازی در طول یک همچو مسافرت دراز آهنگ آن را هرچه بیشتر سبک و کم‌مایه الزام می‌نمود، سعدی مجموعه‌یی از «غزلیات قدیم» خویش را که درین سالهای غربت و هجرت در سرزمین‌های عرب به فارسی سروده بود همراه داشت و طبع شادمانه و خاطر شورانگیزش نیز، هنوز در طی سفر گاه غزل‌های تازه و اندیشه‌های

پر جاذبه‌یی به وی الهام می‌کرد. غزلیات قدیم که در بین یادداشت‌های پراکنده‌اش یا لای اوراق کتابهایش بود، تجربه عشق‌ها و هیجانهای شادمانه و شورآمیز جوانی‌های گمشده بود. جوانی‌های گمشده‌اش در طی خط سیری که اکنون آن را به طور معکوس طی می‌کرد او را به افق‌های دور برده بود. در این افق‌ها او دنبال عقل و سکون گشته بود که فقط عشق و آن هم یک عشق ریشه‌دار و استوار می‌توانست آن را به وی ببخشد. اما این عشق هیچ جا او را به سکون و قرار نرسانده بود. هنوز سایه‌هایی را که در پشت الفاظ زیبا و تراش خورده غزلیات قدیم می‌گذشت در مرور بر آنها از پیش چشم می‌گذرانید. شاهدان بغداد، زیبارویان شام، و تمام دلبران بازاری که در کشتی‌ها، در کاروان‌ها و در خانقاه‌ها از او دلتوازی کرده بودند در توالی ردیف‌ها و قافیه‌های این غزلیات به وی سلام می‌دادند و در همان افق‌های دوردست محو می‌شدند، و او در بین همسفران این کاروان بازگشت، از نشئه دیدار طیف و خیال اشباح آنها گه گاه گیج و محو و مات به نظر می‌رسید.

که می‌داند که او در طی این بازگشت، گه گاه به ضرورت اعیاد، مراسم و موقعیت‌های نابیوسیده به الزام این همسفران چند بار وادار شده بود برای آنها به «مجلس گفتن» بپردازد و آنها را با این گونه مجالس مفتون زیبایی بیان و حتی دلدادۀ اندیشه‌های اخلاقی یا ابیات پندآمیزی که از خود درین مجلس‌ها بر زبان می‌آورد کرده باشد با این حال وی در طی این سفر که با همه سفرهای گذشته‌اش تفاوت بسیار داشت با چنان شور و شوقی پا در رکاب داشت که شاید نمی‌توانست در تمام مسیر این راه دراز آهنگ با حرکت آهسته قافله‌ها، که مکرر در طی راه به خاطر دادوستدهای بازرگانان کاروان مجبور به توقف‌هایی بیش و کم طولانی می‌شد همراه گردد و شاید مکرر ترجیح داده بود مجردوار و تنها یا با عده‌یی معدود از جوانان سبکدل یا سبکبار از قافله پیش بیفتد و دور از صدای زنگ شترها، جدال ساریان‌ها، به موازات راه کاروان رو حرکت کند و لامحاله قسمتی از راه را در تنهایی، و فارغ از قیل و قال فروشنده‌گان، قصه‌گویان و قوالان کاروان در خلوت اندیشه‌های خویش یا در صحبت جوانان پاک و شاد و چالاک کاروان طی نماید.

در صحبت این دوستان معدود، یا در تنهایی خلوت شاعرانه خویش در چنین احوالی ترجیح می‌داد هرجا

هوس می‌کند دل به زیبایی‌های طبیعت بسپارد. در کنار جویی یا دامنه تپه‌یی با آب و درخت و گل و گیاه همراه گردد. از «نعره بلبل» مدهوش شود، از صدای غوکان آنگیز به هیجان آید و با زوزه دوردست بدان بیابان هم‌نوايي نماید. به آن احوال که ادراک آن دل و جانی دیگر ورای جان و دل سوداگران، زراندوزان، و جاه‌پرستان و آنها که جز خور و خواب و خشم و شهوت آرمان دیگر ندارند، لازم دارد دست بیابد و لمحہ‌یی چند در سکوت روحانی با آهنگ خاموش‌گونه نجوای آرام کاینات به تسبیح درآید و با نمازی عاشقانه که از حوصله ادراک عوام و آنها که از حواس روح بیگانه‌اند خارج است معراج روحانی کسانی را که توجه به رد و قبول عام خلق، قبله آنها را از آنچه روی همه کاینات به پیشگاه او توجه دارد برنگردانده است تجربه کند و خود را یک لحظه در نامتناهی وهم‌انگیز آنچه ماورای قبله نااهلان است مستغرق و مستهلک نماید.

در چنین تجربه‌های نادر و در همراهی با قافله‌یی که سرشار از قیل و قال‌ها، شادی‌ها و امیدها و در عین حال آکنده از دغدغه‌ها و محنت‌های یأس‌انگیز بود، شاعر شیراز که در شعر غرق بود و در شیراز هنوز هیچ‌کس، تقریباً هیچ‌کس، از شاعری و شعر او آگاهی نداشت بعد از سالها دوری و درگیری از لطف آب و هوای ملک فارس که در دنبال از اعمال اصفهان به آن اقلیم قدم می‌نهاد نشئه دیگر می‌یافت و گذشته‌های دور و نزدیک را از پیش چشم ناباور و حیرت‌زده خویش - که گویی سی سال را در یک رویای از خاطر گریخته سرکرده بود - عبور می‌داد.

شام و سرزمین‌های واقع بین دمشق و بغداد که وی آن نواحی را به تازگی ترک کرده بود درین ایام - حدود سالهای ۶۵۰ یا قدری دیرتر - روزهایی بحرانی را می‌گذرانید. تاخت و تاز هول‌انگیز و آشوب و تاراج بی‌رحمانه خوارزمی‌هایی که به همراه سلطان جلال‌الدین جوان به این نواحی آمده بودند تازه فروکش کرده بود (ح ۶۴۴)، اما اختلاف بین سران شام و مصر هنوز دوام داشت. صلیبی‌ها از یک سو و حشیشی‌ها - اسمعیله شام - از سوی دیگر تمام این نواحی را طی سالها در تهدید و در خطر فرو برده بودند. اختلاف فرمانروایان مصر و شام به تجاوزگری صلیبی‌های فرنگ میدان داده بود. در بغداد، خلیفه المستعصم بین امرای شام و نواحی شمال عراق - جزیره - نفاق‌افکنی

می‌کرد. بین آنها واسطه‌آشتی می‌شد، از آن‌ها رشوه می‌گرفت، امانت‌هایی را که از آنها می‌گرفت احياناً پس نمی‌داد و خود را در افواه عام بی‌اعتبار و بدنام می‌کرد (۶۵۳).

جنگ‌های دایم که امرای شام و مصر و احياناً فرمانروایان شام و جزیره - شمال عراق - را در مقابل هم قرار می‌داد تمام این نواحی را هر روز بیش از پیش معروض تهدید اسمعیلیان شام و شیخ‌الجبل و حشمت‌انگیز آنها می‌ساخت و موجب دوام سلطهٔ فرنگ - صلیبی‌ها - در قدس و فلسطین می‌شد. اندیشه درین ماجراها، شیخ شیراز را به یاد ماجرای اسارت خویش بردست صلیبی‌ها می‌انداخت که او را در خندق طرابلس - در شام - به کار گل هم واداشته بودند. خاطرهٔ یک ازدواج ناخواسته، که برای رهایی ازین اسارت بی‌رویی تحمیل شده بود و او به زحمت توانسته بود ازین اسارت بی‌نام خود را رهایی بخشد، تبسم تلخی را بر لبهای شیخ می‌شکفانید و وجدانش را در آمیزه‌یی از شرم و شکر و تأسف و شادی غرق می‌کرد. شیخ خوف‌انگیز شیخ‌الجبل، که از کوهستان‌های شام تا صحراهای عراق و فارس هرکس را که در دل نسبت به فعالیت شوم و اسرارآمیز این فرقهٔ شیعه با نظر ناموافق می‌اندیشید تهدید می‌کرد سایه‌یی از ترس و تزلزل و ناایمنی بر خاطر شوخ و شادمانهٔ شیخ شیراز می‌افکند و در اقلیم فارس هم احساس امنیت را از وی دور می‌داشت. سعدی هدف شیخ‌الجبل نبود اما هیچ واعظ، هیچ

متکلم و هیچ متفکر سنی در آن زمان در شام وجود نداشت که در لحظه‌هایی سایهٔ فدائیان او را - و گر چند فقط برای ترساندن دیگران باشد - پشت سب خود احساس نکند. ازین گذشته، شاعر عاشق‌پیشه و صلح‌جوی مرد جنگ نبود، از جنگ که به هر حال همواره جز نوعی کمین کردن برای صید نفوس بی‌گناه نبود نفرت داشت و ظاهراً هرگز این تصور که در گیرودار حوادث عصر سلاح برگزید و در کنار جنگجویان شام و مصر با صلیبی‌ها به جنگ پردازد یا همراه بقایای خوارزمی‌ها و سپاه مسلمانان مصر و جزیره، در مقابل تهدید مغول مقاومت نشان دهد از مخیلهٔ او نگذشته بود، اما احساس می‌کرد در شام و حتی در بغداد زمین زیر پای انسان می‌لرزد، و شور حیات به سکوت گورستان تبدیل می‌شود و اختلاف امرای مسلمانان، صلیبی‌ها را با مغول متحد می‌کند و دنیایی را که وی به دوام و ثبات آن دل بسته بود به پایان خود نزدیک می‌سازد.

اینکه سالها پیش یاران دمشق را رها کرده بود و سر در بیابان قدس نهاده بود از احساس این ناایمنی سرچشمه می‌گرفت و در عین حال برای هرگونه گریز از درگیری شخصی بود. او نیز مثل بیشترین مسلمانان شام دوام جنگ‌های صلیبی را ناشی از ناسازگاری‌ها و دشمنی‌های کودکانهٔ فرمانروایان عصر می‌دید و چون نمی‌توانست در رفع خطر نقشی ایفا کند دور شدن از خطر را ضرورت حیاتی و اجتناب‌ناپذیر یافت. احتمال اتحاد صلیبی‌ها با خانان تاتار هم شایعه‌یی بود که شام

و نواحی مجاور را در یک وحشت بی‌نام دچار می‌داشت و هرگونه شوق و علاقه‌یی را برای ادامهٔ اقامت در انسان، لااقل در مسافری که هیچ رشتهٔ ناگستنی او را با آن پیوند نمی‌دهد، از بین می‌برد.

برای سعدی که سالها، شاید از حدود بیست سالگی در سرزمین‌های عرب زیسته بود اکنون در تمام این نواحی هیچ جاذبه‌یی که خاطرش را برانگیزد وجود نداشت. او حتی به صنعای یمن هم رفته بود و مثل یک طالب علم، یک واعظ و یک فقیه کوشیده بود آرامشی را که در شام از دست داده بود در آنجا باز یابد و این نیز برایش ممکن نگشته بود. در صنعای حتی زن گرفته بود، عزم اقامت کرده بود، اما مرگ طفلی که اینجا برایش به دنیا آمده بود، این اقامت را برایش دشوار ساخته و او را باز به اندیشهٔ رحیل انداخته بود. بغداد، در راه بین شام و شیراز، هنوز رویاهای دلتناز سالهای جوانی را به خاطرش می‌آورد، اما در آنجا، خلیفه را بازپیچ دست درباریان یافته بود و با آنچه از احوال دستگاه خلافت شنیده بود، بغداد را هم در حال انفجار دیده بود و همه چیز او را به شیراز می‌خواند.

شیراز را در سالهای آشوب، در سالهایی که کشمکش ترک و تاتار، جنگ و گریز مغولان و خوارزمیان راه‌های آن را دچار ناامنی کرده بود ترک کرده بود و اینک با امنیت شکننده‌یی که اتابک ابوبکر در آنجا برقرار کرده بود به آن باز می‌گشت. با آنکه سالها در بغداد، در دمشق، در حجاز و در سرزمین‌های دور تر زیسته بود عشق به شیراز او را یک لحظه هم ترک نکرده بود. خاطرهٔ سالهای کودکی و روزهای شاد جوانی او را به این شهر می‌کشاند. در شیراز بزرگ شده بود و هرچند خاندان مادریش ظاهراً از کازرون برخاسته بود، تا او چشم باز کرده بود خود را در زیر آفتاب نواز شکر و آسمان جادویی قام شیراز یافته بود. از بغداد که در مدرسهٔ نظامیه‌اش سالها درس خوانده بود، از دمشق که مسجد امویش او را بارها به اعتکاف و عبادت کشانده بود، از بلبلک و جامع روحانیش که در کنار بناهای دیرینه‌روز عهد دنیای شرک سربرافراشته بود، از صنعای که در آنجا یک طفل نورسیدهٔ خود را به خاک سپرده بود، از طرابلس شام که در آنجا اسیر قید صلیبی‌های فرنگ شده بود، و از حلب که یک تن از بزرگانش وی را در آنجا در قید اسارت یک زن بدخوی تندزبان انداخته بود خاطره‌های تلخ و شیرین در پیش چشم داشت. اما هیچ



چیز حتی مجالس وجد و سماع بغداد و عشقه‌های جوانی که در آن شهر پر ولوله تجربه کرده بود برایش جاذبه شیراز را نداشت.

این شهری بود که او در آن جا به روی زندگی چشم باز کرده بود. پدرش از ملازمان اتابک سعد و از پارسیان پارس بود و در آنجا به خاک رفته بود. مادرش که در سالهای بلوغ وی که گاه از وی بانگ درشت شنیده بود و آزرده خاطر گشته بود، در همین شهر عمر به سر برده بود. خویشان قبیله‌اش که همه عالمان بودند و بعضی از آنها در شیراز یا کازرون طبیب و منجم و فقیه نام‌آوری هم به‌شمار می‌آمدند هم در همین شهر عمر سز می‌کردند. برادرش هنوز بر در سرای اتابک دکان بقالی داشت و دوستان مکتب و یاران دوران جوانیش هنوز در شیراز عمر می‌گذراندند. با آن‌که همه قبیله او عالمان دین بودند، برادرش ترجیح داده بود مدرسه و چاه و غرور فقیهانه را پشت سر بگذارد و در بین سایر مردم به زندگی ساده‌یی که وجدانش را از هر مسؤولیت سنگین دور دارد بسنده نماید. خود او نیز، مثل این برادر، از اینکه در جرگه عالمان درآید ابا کرده بود.

هرچند در بغداد و بعلبک و در هر جا که ضرورت پیش آمده بود که گاه کلمه‌یی چند بر طریق موعظه بر زبان رانده بود، اما او منبر و عطف را هرگز به بازار نصیحت فروشی تبدیل نکرده بود. هرچند در نظامیه بغداد فقه خوانده بود و از محضر استادان شهر تفسیر و تاریخ و کلام و حکمت آموخته بود، اما هرگز مسند قضا، مسند تدریس و مسند فتوی را نجسته بود. هرگز عطف را حرفه خویش نساخته بود و هرگز تا یاد داشت مؤذن، خطیب، یا امام هیچ مسجدی نشده بود. در مکه سقایی کرده بود، در راه حج بارها پابرهنه یا پیاده با قافله‌های حاج همراه شده بود، در طرابلس تن به کار گل داده بود اما هیچ جا نه سر به عمل دیوان فرو آورده بود نه از وجوه اوقاف و نذور و صدقات معیشت کرده بود. هرچند در بسیاری موارد هم به شعر بیش از عطف علاقه ورزیده بود، شعر را مثل شاعران عصر وسیله کسب معیشت نساخته بود.

بعد از سالها توقف در غربت، جاذبه شوق او را به سوی شیراز خوانده بود. سی سال درس و وعظ و سیاحت که بین او و شیراز سالهای جوانیش فاصله انداخته بود در حرارت شور و شوقی که او را از شام به شیراز می‌کشاند محو شده بود. در پنجاه سالگی با همان ذوق و هیجان سالهای جوانی خود را در راه بازگشت به شیراز شاد و سرزنده می‌یافت. در پیش چشم مشتاق و کنجکاو او، دیگر هیچ چیز جز شیراز و خاطره‌هایی که او را بدانجا مربوط می‌کرد جلوه نداشت. تمام آن سالهای غربت مثل یک رویای گریخته از خاطرش محو یا به کلی بی‌رنگ شده بود. از آن سالها که او شیراز را به قصد

تحصیل در نظامیه بغداد ترک کرده بود مدت درازی گذشته بود اما او هرچه به شیراز نزدیک می‌شد این سالها را از پیش چشم دور می‌یافت، و خود را با سالهای کودکی که در شیراز گذرانده بود نزدیک تر می‌دید. گویی سالهای کودکی و آغاز جوانی تا اندک فاصله‌یی از دروازه شیراز به استقبالش آمده بود.

از پدرش چیز زیادی به یاد نداشت اما سیمای او در پیش نظرش مجسم بود. این سیمای رنگ باخته اما شیرین و موقر بازگشت او را به خانواده‌یی که دیگر پدری نداشت خوش آمد می‌گفت. سعدی درین سیمای موقر سلامت‌های نه‌چندان تلخ و نصیحت‌های نه‌چندان عتاب‌آمیز پدر را منعکس می‌یافت: لحنی گرم و لبریز از محبت و صفا، با رهنمونی‌های آکنده از دلسوزی و مهربانی. کدام کس دیگر غیر از پدرش می‌توانست در آن سالهای دور وی را چنین گوشمالی‌ها داده باشد و در خاطر وی هنوز همچنان عزیز، محبوب و شیرین مانده باشد؟

آن روز عید را به یاد می‌آورد که با قدم‌های کوچک کودکانه، شاد و مست و مغرور دنبال پدر می‌دوید و به هرچه در پیرامونش بود با کنجکاو و شوق می‌نگریست و ناگهان در یک لحظه خود را سرگرم بازپچه‌ها و شادی‌های بچه‌ها دید، از پدر گم شد و با چه اضطراب و وحشتی گریه و مویه سردادا و ناگاه گوش‌های کوچک خود را در بین انگشت‌های مردانه پدر یافت که آنها را با آمیزه‌یی از مهر و خشم و خشونت آهسته کشید و با لحنی که در آن تنبیه بیشتر از نوازش منعکس بود خم شده در گوش وی زمزمه کرد:

چند بار بگفتم از دامنم دست مدار!

و کودک که حس کرده بود پدر نیز به اندازه او از گم‌شدنش دچار وحشت و اضطراب شده بود ترسیده بود. باز از آن شب‌زنده‌داری فراموش نشدنی یادش آمد که در خدمت پدر نشسته بود، همه شب را هم دیده بسته بود و مصحف عزیز را در کنار گرفته بود. آن شب هم وقتی بر گرد خود نگریسته بود و دیگران را خفته یافته بود، با لحنی آکنده از طعن و تعریض کودکانه و تاحدی شاید برای آنکه عبادت و شب‌زنده‌داری خود را به رخ پدر کشیده باشد زیر لب زمزمه کرده بود که شب دارد به صبح می‌رسد و

از اینان یکی سر بر نمی‌دارد که دوگانه‌یی برای یگانه بگزارد!

اما پدر با همان لحن آرام و عتاب‌آمیز خویش، در حالی که در دل بر احوال خفتگان، که روز پر محنت آنها را عذرخواه بازماند از شب‌زنده‌داریشان می‌یافت، با نظر شفقت می‌نگریست گفته بود:

جان پدر تو نیز اگر بختی به که در پوستین خلق افتی!

و کودک ازین تنبیه پدرانۀ چقدر لذت برده بود. یاد پدر، روزهایی را که از فقدان او رنج برده بود، روزهایی را که در خانه با ترحم، اما نه بی‌طعن و ایذاء، وی را یتیم خوانده بودند به خاطرش می‌آورد. دردهایی را که در آن روزها احساس می‌کرد، اندوه جانگزی را که فراق ابدی آن حامی و تکیه‌گاه عزیز بر جانش ریخته بود به یاد می‌آورد و به یاد می‌آورد که مرد با آنکه در خانه نبود، در همان سالهای کودکی وی با چه شور و دلهره‌یی برای آسایش او صرف وقت کرده بود!

از مادرش هم هرچه به یاد می‌آورد، برایش مایه رقت، مایه رافت و مایه دلنازای بود. در سالهایی که سایه پدر را از دست داده بود، بال عطف او وی را با چه مهر و دلسوزی در حمایت گرفته بود. چقدر از رنج او رنج برده بود و از لبخند او شادی واقعی احساس کرده بود. شیخ، درین بازگشت که بعد از سالها مسافرت خشونت‌ها و تندیه‌های جوانی را از دست داده بود وقتی یاد روزهایی می‌افتاد که به غرور جوانی بانگ بر مادر زده بود و او، بی آنکه صدایش را بلند کند در گوشه‌ای نشسته بود و آهسته اشک ریخته بود و زیر لب نالیده بود که:

مگر خردی را فراموش کرده‌یی که امروز درشتی می‌کنی!

حتی از قصه همسایه‌یی یادش آمد که مادری، در مقابل خشونت‌های پسر، گهواره کودکی او را پیش رویش آورده بود که وقتی کودک بودی توی این گهواره نمی‌توانستی مگس را از خود برانی! روزی هم در قعر گور چنان خواهی بود که نتوانی از خویشتن دفع مور کنی. و سعدی وقتی به این قصه می‌اندیشد از آنچه در غرور جوانی در حق مادر کرده بود دلش به رقت می‌آمد و یاد مادر را مایه دلنازای می‌یافت.

اما اکنون، درین سالهای پنجاه سالگی، بعد از آن همه دریدری و بی‌سامانی نه جاذبه مهر پدر بود که او را به شیراز می‌کشید و نه چشم‌های نگران و نماناک مادر انتظارش را داشت. با اینهمه با شوق تب‌آلود به شیراز می‌رفت و چیزی که او را از شام و روم به آنجا می‌کشید فقط عبارت بود از:

تمنای مردان این پاک بوم، تمنای دیدار پاکان شیراز.

جهانگشای: و لشکر مغول تا به اصفهان آمدند و از آنجا به تعجیل تمام بی‌هیچ مکث در مدت سه شبانه روز به ری راندند. ۶۱۲

●● مقایسه شود با قول نسوی: سیرت جلال‌الدین / ۱۷۱
بازگشت به شیراز، بخشی از کتاب جدید زنده‌یاد دکتر عبدالحسین زرین‌کوب است که درباره زندگی و آثار سعدی است و به زودی به همت انتشارات سخن منتشر خواهد شد.

کعبه تسکین‌کده و دیر تسلی‌گاه است
ناله سر کن، همه جا خانه فریادرس است
(۲۲۸)

بردار سر از خواب گران، موسم باغ است
حاجت طلب از سایه گل، پای چراغ است
یک دشت به معموری صحرای دلم نیست
تا چشم کند کار سیه خانه داغ است
(۲۳۱)

آبروی دودمانی تاک هم بر باد رفت
دختر رز را عسس صد بار باستان گرفت
(۲۳۹)

مستی ام گل کرد و ز پا کان ملامت می کشم
دیر افتادم به فکر خود ندامت می کشم
خار خار دل ز چشم خواب راحت برده است
انتظار خنده صبح قیامت می کشم
(۲۳۳)

در این بهار که هر برگ نقش گلزاری است
درون سینه دلم پاشکسته بیماری است
در این چمن نگرفتم به کام دل قدحی
به فرق سایه ابرم شکسته دیواری است
(۲۴۵)

خوش نشین گلشن بی رنگ و بوی خویش باش
سبزه زرد کنار خشک جوی خویش باش
گل زمین را همچو ابر از آب بیشرمی مکن
همچو گوهر پاسبان آبروی خویش باش
(۳۰۴)

آن سبکروحم که می گیرد صبا را در بغل
همچو خونگرمی که گیرد آشنا را در بغل
(۳۰۸)

ترکیبات را با ساده ترین و نزدیکترین معنا و نشانی شعر
شاهد فراهم آورده است و گاهی به کاربرد همان
تعبیرات در خراسان امروز هم اشاره نموده که موجب
مزید فایده است.

اینکه بنده بر ارزشمندی کار مصحح و محقق کتاب
تأکید دارم از این جهت است که متأسفانه در غالب موارد
میان دوغ و دوشاب فرق گذاشته نمی شود و نقد به معنی
درست در مطبوعات ما نادر است. اگر کسی یک دیوان
حافظ یا مثنوی چاپ قدیم را تجدید چاپ یا افسست کند
و با چند برگ مقدمه به طبع برساند و منتشر کند با کسی
که یک کار اصیل و دست اول عرضه نماید ظاهراً
تفاوتی نمی گذارند و شاید اجر مادی آن چاپ‌کننده
دیوان حافظ یا مثنوی چند برابر کسی باشد که یک
دیوان چاپ نشده را واقعاً بازسازی کرده و به طبع سپرده
است. فقط اهل تحقیق تشخیص می دهد که هر
کارکنی چه رنجی برده است نه بسازیفروشهای ادبی:

نه همچو شیشه می گریه ام اثر دارد
نه میفروش ز سوز دلم خبر دارد!
صرفنظر از چند قصیده و یک مثنوی ناقص، کار
عمده میررضی دانش غزل است و اشعار نابی دارد که
اگرچه او را در ردیف بزرگان ممتاز و قدر اول قرار
نمی دهد اما خواننده ژرف بین درمی یابد که میررضی
شاعری صاحب طبع و دارای اندیشه و احساس بکر بوده
است. با چند شعر از او این معرفی را پایان می دهیم و
اهل مطالعه را به ملاحظه اصل دیوان توصیه
می نمایم:

حسرت آب بقا، جوش هوئی و هوس است
نیم جانی که توان خورد غم عشق، بس است

میررضی دانش مشهیدی (متوفی بعد از
۱۰۸۳ هـ. ق) از شاعران مشهور سبک هندی است که
تاکنون دیوانش به طبع نرسیده بود. شهرت میررضی
دانش به این بیت بسیار معروف است:

تاک را سیراب کن ای ابر نیسان در بهار
قطره تا می می تواند شد، چرا گوهر شود؟!
محمد قهرمان شاعر و محقق که دیوانهای معتبری
از سبک هندی را با دقت و حسن سلیقه به طبع رسانده
در گردآوری و فی الواقع بازسازی دیوان میررضی دانش
کار طاقت فرسایی را متحمل شده که شرح آن در مقدمه
دیوان آمده است. اساس کار، نسخه پرغلطی بوده که
محقق کتاب با تورق تذکره ها و کتب لغت و جنگها
هرچه از این شعر یافته بدان ضمیمه کرده و در آخر کار
تصویر نسخه کهنی به دستش افتاده که آن نسخه نیز
دارای اوراقی سوخته و فرسوده بوده است. کار محمد
قهرمان در بازسازی این دیوان شبیه کار
باستان شناسهاست و یا کسانی که از تکه پاره های کاسه
کوزه شکسته ای سعی می کنند چیزی شبیه اصل آن را
به دست دهند. با همه این زحمات قسمتهایی از کتاب
(خصوصاً در مثنویات) ناخوانا مانده و به همان صورت
چاپ شده است. مصحح و محقق کتاب، فرهنگی هم در
آخر کتاب تهیه کرده و اهم لغات و کنایات و تعبیرات و

دیوان میررضی

علیرضا زکاوئی قراگزلو

دیوان میررضی دانش مشهیدی

تصحیح محمد قهرمان

انتشارات تاسوعا، چاپ اول، ۱۳۷۸



ادونیس یکی از خوش‌اقبال‌ترین نویسندگان و شاعران عرب است که تاکنون دواثر او به همت کاظم برگ‌نیسی به فارسی ترجمه شده است. کتاب پیش‌درآمدی بر شعر عربی نخستین کتابی است که در چند سال گذشته منتشر شد و ترانه‌های مهیار دمشقی در سال ۱۳۷۸ به دست‌آوردان ادبیات معاصر عرب عرضه شد و از کتابهای درخور اعتناست که در این حوزه منتشر شده است. نشر ترجمه کتاب کاملاً روان، چشم‌نواز و خوش‌خوان است. درباره این اثر گفتگویی با برگ‌نیسی کرده‌ایم که می‌خوانید.

شد. وی مقالات انتقادی متعددی نوشته که در مجله شعر و مجله المواقف چاپ شده، و بعدها به صورت کتاب درآمده است. البته کارهای دیگری هم دارد. مثلاً کتابی به نام الشعر العربیه که من قسمتی از این کتاب یعنی دو سخنرانی از این دو کتاب را که در کلژ دوفرانس پاریس ایراد کرده بود، به کتاب پیش درآمدی بر شعر عربی افزوده‌ام.

آخریاً توجه ایشان به قرآن از زاویه زبان شاعرانه قرآن - بخصوص در جزءهای آخر - جلب شده که در آن زمینه هم آثاری را منتشر کرده است.

□ ظاهراً ادونیس دوره‌های مختلف شعری داشته است.

در حال حاضر به کجا رسیده است؟

■ اگر بخواهیم تاریخ مشخصی را برای آغاز شعر معاصر عرب ذکر کنیم - که البته این کار لزومی هم ندارد - باید بگوییم که معمولاً سال ۱۹۴۷ را سال تولد شعر معاصر عرب در نظر گرفته‌اند.

تاریخ بسیاری از شعرهایی که در مجموعه اول ادونیس چاپ شده، حتی به سال ۱۹۴۶ هم برمی‌گردد. شعر ادونیس در این مرحله، یعنی مرحله پیش از ترانه‌های مهیار دمشقی، مثل شاعران دیگر آن نسل، فضایی کم و بیش رمانتیک داشت و با گرایش شدیدی به مسائل سیاسی روز آمیخته بود. اما به تدریج گرایشهای سیاسی خود را از دست داد و به سمت شعری حرکت کرد که نام آن را شعر جهان شمول گذاشته است. در شعر جهان شمول، همه چیز درهم آمیخته می‌شود. در اینجا دیگر مرزی میان گذشته و حال وجود ندارد. تصویرها مصالحی هستند برای ساختن دنیایی که

امروزه در شعر معاصر عرب مطرح هستند.

□ لطفاً به بعضی از دفترهای شعر ایشان و آثاری که در

زمینه نقد ادبی نوشته‌اند اشاره بفرمایید؟

■ در زمینه دفترهای شعر، به نظر من، همین ترانه‌های مهیار دمشقی اولین نقطه عطف در کارهای ادونیس است. شعرهای این دفتر را در سالهای ۱۹۶۰ و ۱۹۶۱ سروده است. دومین مجموعه شعر مهم که نقطه عطف دیگری است و تحولی در شعر ادونیس به شمار می‌آید مفرد به صیغه جمع نام دارد. در میان مجموعه شعرهای او کتابهای مهم دیگری هم وجود دارد، از جمله مجموعه شعری به نام المسرح و المرايا یعنی «صحنه و آینه‌ها» یا مجموعه شعر هجرت در خطه‌های شب و روز یا آخرین دفتر شعر مفصل ایشان که بیش از هزار صفحه است به نام الکتاب که شخصیت اصلی آن را را متنبی - شاعر معروف عرب - تشکیل می‌دهد، و در واقع ادونیس در الکتاب توی جلد متنبی رفته، یا به عبارت دیگر نقاب متنبی را به چهره زده است. الکتاب از نظر آرایش هم حالت خاصی دارد. مثلاً حاشیه دارد، حتی بعضی از کلمات معنا شده است. معمولاً شاعران چنین کارهایی را در دفترهای شعر خود نمی‌کنند.

در زمینه متون سه جلد گزیده شعر عربی دارد و مقدمه‌ای نسبتاً مفصل برای این سه جلد نوشته که من آن را به اسم «پیش‌درآمدی بر شعر عربی» ترجمه کرده‌ام.

کتابی هم در مورد سوررئالیسم دارد به اسم الصوفیه و السورریالیه که در آن رابطه عرفان و سوررئالیسم را بررسی کرده است. چاپ اول این کتاب در ۱۹۹۴ منتشر

□ ترانه‌های مهیار دمشقی کتابی از ادونیس است که جنایعالی آن را ترجمه کرده‌اید و با مقدمه‌ای مبسوط و عالمانه در سال گذشته منتشر شده است. در سالهای اخیر درباره ادبیات عرب و مخصوصاً ادبیات معاصر عرب، آثار درجه اول کمتر داشتیم و شناخت ما از ادبیات معاصر عرب و همچنین شناخت جهان عرب از ادبیات معاصر ما رضایت‌بخش نیست. از شما می‌خواهم که ابتدا ما را بیشتر با ادونیس آشنا کنید تا بحث درباره کتاب را آغاز کنیم.

■ خیلی مختصر بگویم که ادونیس یک شاعر سورری‌الاصل است، در کشور سوریه به دنیا آمده اما سالهاست که در لبنان زندگی می‌کند و در واقع شناسنامه لبنانی گرفته است. وی در سال ۱۹۳۰ به دنیا آمد و تحصیلات خود را تا درجه دکتری در بیروت ادامه داد. در حال حاضر چند سالی است که در پاریس ریاست انستیتوی ادبیات عرب را بر عهده دارد. کار اصلی وی به شعر و نقد منحصر می‌شود. اولین دفتر شعر ادونیس در سال ۱۹۵۰ چاپ شد و از آن تاریخ به بعد دفترهای شعر فراوانی منتشر کرده است. می‌توان گفت یکی از پرکارترین شاعران دنیای عرب به حساب می‌آید. در زمینه نظریه پردازی شعر و نقد، استاد برجسته و مسلمی است و شعر کلاسیک عربی را بطور جدی مطالعه کرده و از آن گزیده‌ای فراهم آورده که در سه جلد منتشر شده است. کارهایش را کم و بیش در کشورهای غربی از جمله فرانسه و انگلستان و حتی در آمریکا ترجمه کرده‌اند. بعضی از مجموعه‌های شعر او به چند زبان فرانسوی، انگلیسی، آلمانی و حتی سوئدی ترجمه شده است. به هر حال یکی از مهمترین شاعرانی است که

گفتگو با کاظم برگ نیسی

ترانه‌های مهیار دمشقی

نیست. کلام موزون در کلام منتثر ادغام می‌شود. از تکنیک‌هایی استفاده می‌شود که در تناسبات به کار می‌رود، و در این میان تأثیر بعضی از مکتب‌های ادبی مثل سوررئالیسم کاملاً محسوس است. خلاصه دنیایی به وجود می‌آید که در آن «گنگ خوابیده» تلاش می‌کند تا با «عالم کر» ارتباط برقرار کند. قبلاً اشاره کردم که ادونیس نگاه خاصی به سوررئالیسم دارد و آن را با تصوف و عرفان ارتباط می‌دهد. آخرین نقطه عطف شعر ادونیس را می‌توان شعر نثر دانست که در شعر غربی نزدیک به یک قرن سابقه دارد. البته ادونیس وزن را کاملاً کنار گذاشته و هر جا که احساس ضرورت کرده، از آن استفاده کرده است. فکر می‌کنم ورود به دنیای شعر ادونیس به بحث نسبتاً مفصلی احتیاج دارد. به طور کلی می‌توان گفت شعر ادونیس شعری است که امروزه آن را شعر مدرن می‌نامیم. شعرهای ادونیس، مظهر شعر عربی مدرن است. شعر مدرن شعری است که دیدگاه کلاسیک و سنتی را کنار گذاشته است. طرز تلقی امروز ما از شعر با طرز تلقی چند قرن پیش تفاوت بنیادی دارد.

در شعر مدرن آنچه در وهله اول مهم است، آفریدن یک دنیاست. یعنی هر شاعری به تناسب دنیایی که می‌آفریند و زبان خاصی که برای بیان آن انتخاب می‌کند، هویت متمایز و سبک منحصر به فرد خود را

می‌پروراند.

ادونیس معتقد است که شعر مدرن، مبهم، مردد و غیرمنطقی است. به عبارت دیگر، شعر را نوعی جستجو می‌داند. شاعر از سؤال‌های مشخصی آغاز نمی‌کند، چون به تعبیر ادونیس، اگر از سؤال‌های مشخصی آغاز کنیم لاجرم به جواب‌های مشخص و از پیش آماده می‌رسیم. بنابراین، شعر برای ایشان نوعی جستجو است، جستجو در زبان، در رویاها (به معنای وسیع کلمه)، در هویت انسان امروز و انسان آینده.

یکی از تکنیک‌های مهمی که در ترانه‌های مهیار به کار رفته، تکنیک نقاب است، یعنی طرح شعر از زبان یک شخصیت تاریخی. در ترانه‌های مهیار دمشقی، نقاب‌های متعددی هست که غالباً نام هر شعر هویت آنها را مشخص می‌کند.

□ به نظر شما آیا شعر ترجمه‌پذیر است یا خیر؟

■ در زبان‌شناسی بحثی درباره‌ی کل قضیه ترجمه مطرح است که آیا اصلاً ترجمه امکان‌پذیر است یا خیر؟ یک زبان‌شناس مشهور، ژرژ مونی (Georges Mounin) در کتاب مسائل نظری ترجمه می‌گوید که ترجمه در مقام نظر امکان‌پذیر نیست. برای اینکه مثلاً چگونه می‌توان برای یک کلمه‌ای در زبان مبدأ واژه‌ای در زبان مقصد انتخاب کرد که تمام معانی، بارها و سایه روشن‌های این کلمه را برساند. با این همه ترجمه عملاً

اتفاق می‌افتد. هر چند در مقام نظر ممکن نیست. اگر محال بودن ترجمه بحثی است در حوزه‌ی نظر که در عمل باید آن را کنار گذاشت و پذیرفت که ترجمه در عمل امکان‌پذیر است. طبیعتاً ترجمه شعر مشکلاتی بیش از ترجمه نثر دارد، چون شعر به شکل بسیار عمیقی با احساس سر و کار دارد و از کلماتی استفاده می‌کند که رنگ و بو و حتی بار ارزشی آنها در زبان مبدأ و مقصد تغییر می‌کند. مثلاً در زبان فارسی، پروانه مظهر خودسوزی، فداکاری و عاشقی است، ولی در شعر کلاسیک عرب، پروانه مظهر حماقت است. یا کودک در زبان فارسی مظهر راستگویی است (می‌گوییم حرف راست باید از زبان بچه شنید) اما در زبان عربی مظهر دروغگویی معصومانه و ناشی از اشتباه یا تخیل و خیالیافی است.

اگر در شعر مثلاً بخواهید پروانه را به فارسی ترجمه کنید بار معنایی و یا پشتوانه‌ی سنتی در سرفرازین می‌شود. به هر حال دشواری هست، ولی ترجمه عملاً اتفاق می‌افتد. و من هم در حد توان سعی کرده‌ام که زبان ترجمه را به زبان اصلی شعر نزدیک کنم. شعرهای عربی ترانه‌های مهیار موزون است و گاهی هم مقفی. در آغاز سعی کردم که به بعضی از شعرها وزن و قافیه بدهم و بعد پشیمان شدم. دیدم که بهتر است به انتقال معنا و فضا اکتفا کنم؛ هر چند هنوز نشانه‌هایی از وزن در ترجمه فارسی بعضی از شعرها باقی مانده است.

□ آیا شما این امر را با شاعری هم مورد مشورت قرار

دادید؟

■ با شاعر خیر، ادونیس طی مکاتباتی که با یکدیگر داشتیم، این پیشنهاد را کرد. من در واقع پیشنهاد ایشان را قبول نکردم، به این دلیل که اگر این ترجمه را هر شاعری می‌دید زبان این ترجمه به زبان این شاعر نزدیک می‌شد. در حالیکه کتاب دارای زبان مستقلی است و ربطی به زبان خاصی در شعر امروز فارسی ندارد.



□ یک مقدار درخصوص کار ادونیس توضیح دهید، اینکه مثلاً نقد هم دست کمی از شعر نداشته است. موازین خاص ادونیس را در حوزه نقد برای ما عنوان کنید و اینکه نقد ادبی معاصر عرب چه جایگاهی دارد؟

■ این بحث درازدامن و پیچیده‌ای است. می‌توان گفت که عربها در زمینه مباحث انتقادی پیش از آنچه که در زبان فارسی دیده می‌شود با آثار غربی آشنا هستند و رابطه آنها با ادبیات غربی گسترده‌تر و عمیق‌تر است. بسیاری از کتابهای مربوط به بحث‌های نظری در زمینه نقد ادبی هنوز به فارسی ترجمه نشده اما در زبان عربی برای خواننده قابل دسترسی است. بنابراین، مقدار زیادی از مباحث نقد ادبی در ادبیات امروز عرب تحت تأثیر دستاوردهای نقد ادبی در غرب است؛ خواه در زبان و ادبیات فرانسه و خواه در زبان انگلیسی. مقدار قابل توجهی از کارهایی که زبان‌شناسان و منتقدان ادبی فرانسه ارائه کرده‌اند به عربی ترجمه شده، مثلاً همه کارهای «بارت» به این زبان ترجمه شده است. این رابطه نزدیک میان نقد عربی و نقد غربی تا اندازه زیادی مشخص می‌کند که مبادی و اصول مورد نظر شما چیست. در زبان عربی امروز، مجله‌های متعددی هست که کار آنها صرفاً نقد ادبی است، اعم از تألیف و ترجمه. حتی می‌توانم این را هم اضافه کنم که بعضی از این مجله‌ها صرفاً به ترجمه مباحث انتقادی غربی می‌پردازند.

شعر از نظر ادونیس به مثابه یک نوع ادبی مطرح نیست، بلکه جوهره خلاقیت ادبی است. او از کلمه نوشتن استفاده می‌کند. شعر یعنی نوشتن. بنابراین،

همه مباحث مربوط به نقد رمان یا رمان‌نویسی یا تئاتر و نمایشنامه‌نویسی به نحوی زیرمجموعه شعر قرار می‌گیرند. جدایی شعر عربی از زبان کلاسیک و نگاه گذشته تحت تأثیر تحولی است که شعر امروز در سراسر دنیا پیدا کرده است. به اعتقاد وی، مدرنیسم، مشکل اصلی دنیای عرب امروز است. بنابراین ادونیس تمام مباحثی را که در زمینه مدرنیسم مطرح می‌شود به نحوی به مباحث مربوط به نقد ادبی سرایت می‌دهد. البته عرض کردم که خیلی هم مایل نیستم چیزهایی را که در مقدمه نوشته‌ام در اینجا تکرار کنم. در مقدمه به ابهام اشاره کرده‌ام. از نظر ادونیس ابهام یکی از ویژگیهای ذاتی شعر است. اما البته نباید به حد معما و چیستان برسد. در مقدمه در مورد نوع استفاده‌ای که ادونیس و شعر معاصر عرب از سوررئالیسم می‌کند، نمونه‌ای را مطرح کرده‌ام. اجازه بدهید وارد اصول نشویم، چون بحث دیگری است. طلند.

□ البته در کتابهایی که طی سالهای اخیر از شعر ترجمه شده است، باید گفت مقدمه‌ای که خود شما بر کتاب نوشته‌اید و نیمی از کتاب را تشکیل می‌دهد امتیاز بزرگی برای این کار است. خواننده‌ای که می‌خواهد کتاب ادونیس را بخواند ابتدا باید با دنیای ادونیس و نظریات او آشنا شود. نکته جالب توجه در مقدمه این است که منابع مورد استفاده شما از منابع جدید در جهان عرب است. یکی از کارهایی که شده — غیر از ترجمه شعر — مقدمه شماست که خواننده را با این نظریه و جهان آشنا می‌کند و خود، کار مستقلی است. شما کار ترجمه را از چه زمانی شروع کردید؟ آیا مشغول کار

جدیدی هستید یا خیر؟

■ شاید از ۱۷ یا ۱۸ سالگی بود که تقریباً شروع به ترجمه کردم (از دوره دبیرستان) اما منتشر نکردم. کاری که در حال حاضر تقریباً در آستانه تمام شدن است دیوان حلاج است که مرحوم ماسینیون کار کرده بود. این کار «آسان نمود اول ولی افتاد مشکلها». فکر می‌کردم ماسینیونی که پنجاه سال از عمر خود را بر سر حلاج گذاشته، حق مطلب را در تصحیح متن عربی دیوان حلاج ادا کرده باشد، ولی دیدم که چنین نیست، ترجمه او از دیوان حلاج هم نیاز به تصحیح دارد. وقتی بعضی از اطلاعات آمده در مصیبت‌نامه حلاج را دنبال کردم، به اشتباهاتی برخورد کردم که به آسانی قابل اصلاح نبود. با این همه باید بگویم که مصیبت‌نامه حلاج بهترین کاری است که درباره زندگی و اندیشه‌های حلاج انجام گرفته و گمان می‌کنم که تا مدت‌ها همچنان بی‌رقیب می‌ماند. به هر حال کار من با دیوان حلاج فقط ترجمه نبود، بلکه به نوعی درگیر تصحیح متن عربی شعرهای حلاج هم شدم. امیدوارم این کار به زودی تمام شود.

□ این ترجمه هم مثل ترانه‌های دمشقی تحقیق لازم دارد یا فقط تصحیح و ترجمه است؟ آیا شما تحقیق مفصلی هم راجع به شعر حلاج دارید؟

■ البته غیر از متن عربی شعرها و ترجمه آن، تعلیقاتی هم نوشته‌ام که به مفاهیم و اصطلاحات عرفانی حلاج و احیاناً اطلاعات دیگری که خواننده احتیاج دارد مربوط می‌شود.



□ لطفاً در مورد کارهای دیگر خود هم بگویید؟

■ من چند رمان ترجمه کرده‌ام، ولی هنوز منتشر نشده است. البته بعد سه نمایشنامه ترجمه کرده‌ام که یکی از آنها چند سال پیش در تئاتر شهر اجرا شد. گزیده‌هایی از شعر کلاسیک عربی دارم. عجیب اینکه علی‌رغم رابطه کهنسال بین دو زبان فارسی و عربی، هنوز این کارها نشده است. من درگیر این کارها شدم و اکنون کار بسیاری از گزیده‌ها تمام شده است و احتیاج به یک مقدمه نسبتاً مبسوط دارد. مثلاً شهرت متنبی در شعر عربی مثل شهرت حافظ در شعر فارسی است. متأسفانه در زبان فارسی حتی گزیده‌ای از دیوان او وجود ندارد. حکایت «ابوالعلا» حکایت دیگری از آرزوهاست، نمی‌دانم می‌توان به او رسید یا خیر. آرزو دارم که کل آثار ابوالعلا به فارسی درآید. برای ابوالعلا جایگاه خاصی در نظر گرفته‌ام. وی متفکری است که از زبان شعر برای بیان حرفهای خود استفاده کرده است.

□ سؤال دیگر اینکه بحران شعر جهانی است. آیا این

بحران در شعر امروز عرب هم وجود دارد؟

■ عربها در مقاله‌ها و حتی در کتابهای نقد ادبی به کرات از بحران شعر سخن گفته‌اند تا جایی که به موضوعی کهنه تبدیل کرده‌اند.

از ادونیس پرسید می‌گوید خورشید بحرانی ندارد. اگر بحرانی وجود دارد مربوط به مخاطب یا خواننده است. بحرانی است که در موقعیت وجود دارد. خود شعر با بحران مواجه نیست، برای اینکه خود شعر نوعی بحران درونی است. بنابراین، نه با بحران روبرو است و نه مشکلی دارد. اگر مشکلی هست از سطحی بودن

شاعران امروز است. اگر چنین مسایلی وجود دارد به جامعه ما مربوط می‌شود. از نظر ایشان، البته جامعه شرقی بیشتر با این بحرانها مواجه است. اما خود شعر نوعی خلاقیت هنری است و بحرانی ندارد.

□ آیا شما اطلاع دارید که شناخت ادونیس از ادبیات فارسی چه مقدار است؟

■ ادونیس، یکی از کسانی است که خیلی تمایل دارد به ایران بیاید. می‌دانید که ادونیس شیعی مذهب است و ایران همیشه به صورت خاصی برای ایشان وسوسه‌انگیز بوده است. ظاهراً وی دو واحد هم در دانشگاه زبان فارسی خوانده است.

با برخی شاعران معاصر ایران دیدار داشته و آشناست. فکر نمی‌کنم آشنایی خاصی با ادبیات فارسی داشته باشد، مگر بعضی از شاعران بزرگ زبان فارسی که به عربی ترجمه شده‌اند، مثلاً قسمتی از شعر مولوی، یا شعر حافظ. بیشتر شعر عرفانی فارسی برای او جالب توجه بوده است.

□ شناخت مغرب زمین از شعر ادونیس چگونه است؟

■ تقریباً ۵ یا ۶ عنوان از کارهای ایشان به زبانهای انگلیسی و فرانسوی ترجمه شده است. خود ترانه‌های دمشق نیز به فرانسه ترجمه شده است. ایشان جایزه بین‌المللی شعر را از مرکز ژنو دریافت کرده‌اند. به عنوان یک شاعر عرب در غرب هم معروف و مشهور است؛ اما در زبان فارسی هنوز چنان که باید و شاید او را نمی‌شناسند. البته اضافه کنم که شعر او دنیای خاصی است که ورود به آن چندان آسان نیست. حال روی پسند با عدم‌پسند بحثی نمی‌کنم، ولی در اهمیت و تأثیر

چشمگیر او در شعر معاصر عرب جای تردید وجود ندارد. او یکی از قله‌های بلند شعر معاصر عرب است.

□ شما مکاتباتی درباره کتاب با ادونیس داشته‌اید، آیا

ادونیس کتاب را دیده؟ نظر وی در این مورد چه بوده؟ شنیده‌ام که او از انتشار این کتاب شگفت‌زده شده است؟

■ بله ایشان این کتاب را دیده و یکی از دوستان برای ایشان برده است. وی هم از حیث چاپ و هم از حیث ترجمه (چون بعضی از دوستان ایرانی در بیروت از چند و چون ترجمه با او صحبت کرده بودند) بسیار شگفت‌زده شده بود.

□ ظاهراً ادونیس با همسرش پژوهش‌هایی هم در این مورد داشته است؟

■ همسر ادونیس از منتقدان ادبی خیلی مهم در جهان عرب است. اگر بخواهیم از سه یا چهار نفر منتقد نام ببریم یکی از آنها خالد سعید (همسر ادونیس) است.

□ آیا ادونیس به صورت انفرادی کار می‌کند یا با کمک

همسرش فعالیت می‌نماید؟

■ برخی کارهای مشترک کرده‌اند که بیشتر در زمینه گزینش متون بوده است. اما در زمینه نقد بطور مستقل کار کرده‌اند. در زمینه گزینش بعضی از شعرهای کلاسیک کارهای مشترکی دارند. من فهرست کارهایی را که ادونیس با همکاری خالد سعید درآورده است، در مقدمه ترانه‌های مهیار دمشق آورده‌ام.

□ از حضور شما تشکر می‌کنیم و منتظر انتشار ترجمه دیوان حلاج به قلم شما هستیم.



ادونیس

الف. منصور اوجی (متولد ۱۳۱۶، شیراز) تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در زادگاهش به پایان رساند. سپس در رشته‌های فلسفه و علوم تربیتی و نیز زبان و ادبیات انگلیسی درس خوانده؛ دانش‌سرای عالی [دانشگاه تربیت معلم بعدی]، دانشگاه شیراز. سال‌ها به تدریس در زمینه تحصیلی‌اش پرداخته. هنوز هم می‌پردازد.

سروده‌هایش از دهه ۱۳۴۰ به بعد، به استمرار در مطبوعات ادبی و دفترهایی مستقل نشر یافته. طبیعت و ابدیت، دو دغدغه مهم ذهنیت شاعرانه وی است. بدان توجه‌ها شده. این دفترها و مجموعه‌ها را از وی می‌شناسیم: باغ شب (۱۳۴۳)، شهر خسته (۱۳۴۶)، خواب و درخت و تنهایی زمین (۱۳۴۹)، این سوسن است که می‌خواند (۱۳۴۹)، مرغ سحر (۱۳۵۷)، شعرهایی به کوتاهی عمر (۱۳۵۸)، صدای همیشه (۱۳۵۹)، کوتاه مثل آه (۱۳۶۸)، حالی است مرا (۱۳۶۸)، در روشنائی صبح (منتخب شعر استان فارس + مجموعه‌ای از سروده‌های شاعر: مرا بشنود، ۱۳۷۰) و هوای باغ نکردیم (برگزیده‌ای از شعرها، به انتخاب هوشنگ گلشیری، ۱۳۷۲).

ب. دفتر میوه‌ها، چون دیگر مجموعه‌های شاعر، دفترهایی است معطوف به شعر، طبیعت، عشق، اندوه و مرگ. با دفتر میوه‌ها، لحظه‌ها و ذهنیت شاعرانه و سلوک معنوی شاعر را از نظر می‌گذرانیم. از لحظه‌های شاعر تا ابدیت خیال‌های شاعرانه راهی نیست. اگر گاه هست، می‌توان آن را به روشنائی و نوری که در سروده‌هایش به دید می‌آید، فرو گذاشت. یا نادیده گرفت. این نور و آن ابدیت، شعرها را از اندوه‌ها و

دل‌زدگی‌های غالب روشنفکرانه دور می‌کند. این، شاید یکی از نخستین نکته‌هایی است که در بررسی قطعه‌های گوینده باید به دید آورد. از این موضوع، به نکته‌ای دیگر هم می‌توان رسید. گردش‌های ذهنی و زبانی اوجی میان عشق، شعر، مرگ و طبیعت به جریان است. خوش‌باشی‌ها و شادخواری‌ها و سرزندگی‌هایی لطیف را می‌شود در این گردش‌ها یافت. کمی از حافظ، کمی از خیام، مهربانی و نکته‌سنجی در مجموعه‌ای از زندگی نمود می‌یابد. در لحظه‌هایی چهره‌نمودی هم آشکاری می‌یابد. اما این نومیدی، اغلب بیان‌شکلی از حسرت‌های روح است. آن هم از دور. و با ساییانی بر چشم‌ها. و اهمه‌هایی نیست که خواننده را به برزخ رنج و سکون بکشاند:

— «نه این پنجره
نه این شکوفه نارنج
و نه این گنجشک صبح
هیچ‌کدام به تنهایی کفایت شعری را نمی‌کنند،
هیچ‌کدام
که سراپا، چشم باید و هوش
چشم به راه تلنگری، بی‌گاه، بر رگ جانت»
[دفتر میوه‌ها، ۲۰]

— «هر شعر خوش‌گلی‌ست
می‌پرسی از زبان و من از خاک گویمت
چون خاک، هر زبان
این در گل است زنده و آن در سرود تو
(یعنی کلام شاعر)
مرده است خاک، مگر که به جایی رسد کز آن
دیگر گلی به زیر چنین تاق، نشکفت
و مرده هر زبان
آن دم که واپسین سرود سرایش خوراک خاک»
[دفتر میوه‌ها، ۲۸]
بادل‌بستگی وسیع به زندگی و خاطره‌های انسانی،

نوعی زیست‌نگاری لحظه به لحظه پیش کشیده می‌شود. از دوردست خاطره‌های انسانی هم نشانه‌هایی می‌توان یافت. اما اغلب، گام‌های شاعرانه حاصل سیری ذهنی در روزگار ماست. زندگی و حس‌های شاعرانه بر قلمروی اندیشگی‌ها برتری می‌یابد. البته ایده‌هایی که شاعر به هم‌سخنی با آن‌ها رغبت دارد، ایده‌هایی است کهن، گاه بش کهن. اما حس‌های شعری، در برابر مفاهیم کلی، هرگز رنگ نمی‌بازد. به انعطاف، راهی را در دل کلام می‌جویند. به ابدیت هم می‌رسد. هرچند، گاه چون ماهی لغزانی از کف می‌گریزد. به هر روی، بهره‌هایی زیبا و خیال‌انگیز از رومانتیسیسم را نباید در سروده‌های وی به فراموشی سپرد:

— «می‌آید از کجای جهان، از کجای جان؟
معلوم نیست!
اما به ناگهان، می‌آید
تا رد خنجش را بگذرد
و حمله می‌برد به چهره‌ات این تیغه شیار
مثل هجوم سار، به رویای کودکان
مثل هجوم سار
گرد ملال»

[دفتر میوه‌ها، ۱۱۲]
— «چای را به زیر سایه درخت‌ها
چای را به ضلع غربی حیاط
چای را به عصر می‌برند
خیره در گذشته‌ها
خیره در دهان مرگ
آب را خطاب می‌کنند
خاک را خطاب می‌کنند و
عطر را»
[دفتر میوه‌ها، ۱۳۴]
صورت‌هایی از شهود آنی در ذهن و زبان روی

شاعری با شیراز عصرهای تابستانی‌اش

می دهد. گاه با باورهای کودکانه به رازهای جهان پیوند می یابد. به هر روی، نمی توان نادیده انگاشت که سادگی های شعری او جوی، از دل دشواری ها و پیچیدگی های کلامی و ذهنی بیرون آمده. نیکی کار در این است که دل مشغولی های دیگر، از جمله شکل انتزاعی زبان، هرگز خدشه ای به آن هسته نخستین وارد نکرده. بی تردید سروده هایی از این دست را باید از یک محور حس و فکر، تحلیل و داوری کرد. محوری که به لحاظ سنت ادبی، اغلب یک بیت یا حتی یک مصراع نام می گرفت. در شعر جدید، کلمه های حس و فکر نخست، میان سطریه هایی چند منتشر می شود. سطرهایی که در اشعار منصور او جی، شعرهایی است کوتاه. گاه بازتاب آغاز بیت یا مصراع به پایان شعرهایش هم تداعی می یابد:

— «می باش که تا گلی ز ما بویی
از سینه خاک
ما آمده ایم تا که برگردیم
تا سینه خاک»

[دفتر میوه ها، ۱۴۲]

«شعر»، خود نیز از جمله دغدغه های پیوسته شاعر است. بدین جهت، سروده های او و بیژن جلالی (۱۳۷۸-۱۳۰۶) را می توانیم در کنار هم قرار دهیم. از قضا، اقلیم های معنوی این دو نیز از هم دور نیست: ابدیت، طبیعت، منتهی جلالی، به تک گویی هایی مناجات گونه می رسد، آهسته و آرام. اما کلمه های او جی، از دل هیجان های ذهنی می گذرد، پرشور و بی قرار:

— «کودکان، از گذر خاطره می آیند
و به دنبال گلی گم شده می گردند
ماه را، می بینند
سیب را، می چینند
آب را می نوشند

دلو را با لگدی در کمر چاه می اندازند
جغد را خواب می آشوبند

و تو می پرسی از خویش پس از بیداری در صبح
خزانی بس دور:
راستی را چه گلی بود گلِ فندق؟»

[دفتر میوه ها، ۱۴۶]

و این، زیبا ترین شعر این دفتر است. شعری که می تواند آشنا را غریب کند. و غریب را آشنا. جهان شاعرانه ای که از پس این شعر آفریده می شود، از یک فرایند ذهنی پیچیده برآمده. بی آن که تمایلی به تجرید را بنیاد نهد. یا به نمود بگذارد. در مقابله، گذرایی چند به شعر بی وزن، اندکی ما را از فضای معهود سروده های او جی دور می کند. شاید از آن رو که وزن و موسیقی، به شکلی درهم تنیده، جزیی از قلمروی ذهنی — زبانی شاعر و ایده های او شده. و گسیختن از آن، به هیچ روی آسان نیست. البته ظرافت های نگاه شاعرانه، هم چنان در شعرها حفظ شده:

— «دیگر بار، کودکان، به کشف جهان می آییم
شور سفید را می چشیم
روشن روان را می نوشیم
گرد سرخ را دندان می بریم
و پرندۀ صبح را می شنویم
و نام می گذاریم
نمک را
آب را
سیب را
و گنجشک را
و می رویم، تا دیگر بار جهان به کشفمان برخیزد
در دیاری دیگر
و در کودکی
دیگر»

[دفتر میوه ها، ۱۸]

شعرهای منصور او جی و زادگاهش، شیراز به شکلی غریب به یک دیگر پیوسته شده اند. برای من تصور شیراز پس از ۱۳۴۰ بدون او جی، و او جی شاعر بدون شیراز بسیار دشوار است. بهتر است بنویسم ناممکن. او شاعری است که از شهر خود الهام ها می گیرد. شهرش را زندگی می کند. از زادگاه خویش دل نمی کند. مثل یک هم شهری بسیار بزرگ: حافظ. لحظه ها و «آن» های شیراز، شعرهای گوینده را به رغم «تو» بودن به دامان «قول و غزل» می بزد. از آن سوی، رد این «قول و غزل» ها را می شود به راحتی تا شیراز عصرها و عطرها ی نارنج و «صندلی های راحتی کنار چمن» پی گرفت. تا رد ممتد خانه های پرلهوچه و پردرخت:

— «سپید و پنجه پر و خوش
شکوفه هاش
بگو که ماه بتابد
— بر این شگفتی رفتار —
بر عطرهاش
شکفته شادتر از سبز
به پیش چشم تماشا:
درخت شرقی نارنج
درخت شهره شیراز»

[دفتر میوه ها، ۱۳۳]

منصور او جی و شعرهایش: شاعری با شیراز عصرهای تابستانی اش.

در نخستین دوره جشن فرهنگ فارس که از طرف اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی فارس در تالار حافظ در شیراز برگزار گردید بهترین های نشر فارس معرفی شدند. در زمینه شعر امروز کتاب شاخه ای از ماه اثر منصور او جی با دریافت لوح سپاس و تندیس سرو بلورین بهترین کتاب شعر سال شناخته شد.

کامیار عابدی

دفتر میوه ها

منصور او جی

انتشارات نوید، شیراز، چاپ اول، ۱۳۷۹



ادبیات داستانی اختصاص داده، چونانکه از شانزده گفتار کتاب، یازده گفتار آن درباره داستان است. نثر کتاب ساده و روشن و رساست، و چون بگفته نویسنده مخاطب آن «در درجه اول، دانشجویان مقطع کارشناسی ادبیات فارسی و علاقمندانی در این حدود هستند» زبان کتاب درخور کارکرد آن است.

نویسنده در بحث از هر نویسنده یا مترجم، اثر یا آثار و نثر او را از سه دیدگاه مضمون و محتوا، ویژگی و نقدها بررسی کرده و پیداست که دامنه بحث در هر یک از این سه دیدگاه، با اهمیت نویسنده یا مترجم نسبت مستقیم دارد، هرچند که این قاعده گاهی رعایت نشده است.

بر روی هم، کتاب به روش پژوهشی دانشگاهی پرداخته شده و به علت سادگی و سامان روشمندانهاش نوآموزان را به کار می آید و پیداست که دیگران نیز می توانند از آن بهره مند شوند. در خلال صفحات کتاب، نکته هایی به چشم می آید که یادآوری آنها برای آراسته تر کردن آن در چاپ های بعدی بی فایده نیست.

۱- در صفحه ۲۶ آمده است «مسالك المحسنين داستان سفر گروهی به جنگل های شمال کشور است» در حالیکه می دانیم این اثر طالیوف داستان سفر اکتشافی گروهی به قله دماوند است.

۲- عنوان مقاله های علی اکبر دهخدا در روزنامه صوراسرافیل، «چرند و پرند» نوشته شده که درست آن «چرند پرند» است. (ص ۲۷)

۳- در صفحه ۲۷ نوشته شده است: «همچنین نباید تأثیر نسیم شمال را فراموش کرد که گرچه شعر می گفت! اما با کاربرد زبان عامه در شعر و ادبیات، خدمت زیادی به سادگی و عامیانی زبان کرد.» در اینجا اشتباهی روی داده و نام روزنامه نسیم شمال با نام مدیر آن اشرف الدین حسینی گیلانی خلط شده است. نسیم شمال عنوان روزنامه بود و پیداست که روزنامه شعر نمی گوید. شعر را در آن چاپ می کنند. شهرت این روزنامه سبب شده که مردم نام آن را به مدیرش بدهند

شعر فارسی در تاریخ هزار ساله اش، چونان سروی سایه افکن، نهال نثر را در سایه گسترده خود پنهان کرده و از رشدی بایسته بازش داشته است. تنها در دوران معاصر بود که نثر، روزهایی به روشنائی گشود، و از بند تصنع و تکلفی که منشیان و مترسلان فضل فروش بر دست و پایش بسته بودند رها شد و به میان مردم آمد و کم کمک جایگاه شایسته یافت. به رغم تذکره نویسان گذشته که نثر را چنان سزاوار نیافته اند که درباره اش قلم بفرسایند، و برخلاف فرهنگ نویسانی که آن را درخور عنایتی ندانسته اند که چون شعر از آن نیز برای واژه های گواهی آورند، دانشوران روزگار ما، با این آگاهی که نثر نه همان در عالم ذوقیات چونان شعر، دماغ پرور و سرمست کننده تواند بود که ابزار ناگزیر ارتباط اجتماعی است و جایگاهش در ادب فارسی معاصر چون و چرا بر نمی تابد. و بدین سبب است که به آن عنایت کرده برای نشان دادن مقام و کارکرد و موضعش در ادب معاصر قلم فرسوده اند. کتاب «کارنامه نثر معاصر» از جمله آثاری است که نویسنده آن کوشیده است تا نثر فارسی معاصر را در چهار حوزه داستان، نمایشنامه، نثر علمی و ترجمه، به روشی پژوهشگرانه بررسی کند. کتاب در شانزده گفتار تدوین شده و در مقدمه بیشتر گفتارها کلیاتی درباره یکی از نوع های ادبی به کوتاهی شرح داده شده است. نویسنده در نخستین گفتار سیر تاریخی ادب داستانی را در جهان در قالب چهار حلقه اسطوره، افسانه، رمانس و رمان بررسی کرده و در هر مورد توضیحی سودمند داده است. نویسنده به درستی بیشتر کتاب را به

که البته در یک اثر پژوهشی نباید چنین باشد. ۴- در صفحه ۲۸ میرزا ملکم خان ناظم الدوله در عداد کسانی که به تاریخ ایران باستان گرایش داشتند آمده است؛ اما چنین نبوده است. ملکم همه تلاش و اندیشه خود را در راه نوسازی ایران به کار می برد، و اگر گاهی از شاهان گذشته اساطیری یا تاریخی نام می برد به قصد ریشخند کسانی بود که راه و رسم گذشته را می پسندیدند و اندیشه نو را که او منادی آن بود، تاب نمی آوردند.

۵- در صفحه ۳۱، حسن مقدم، محمد مقدم و اثر او نمایشنامه «جعفرخان از فرنگ آمده»، «جعفر خان از فرنگ برگشته» نوشته شده است. گویا چنانکه نویسنده محترم در مقدمه کتاب نوشته «بیشتر مطالب از حافظه نقل شده اند»، و پیداست که حافظه چندان امین نیست، و از این گونه اشتباهات پیش می آورد.

۶- یونسکو (سازمان تربیتی و علمی و فرهنگی ملل متحد) در ۱۳۲۴ (۱۹۴۵ م) تأسیس شده است، اما نویسنده مطلب را به گونه ای نوشته اند که خواننده تصور می کند این سازمان پیش از ۱۳۱۵ تأسیس شده است؛ «[جمال زاده] بعدها کارمند یونسکو شد و مدتی نماینده دانشجویان ایرانی در دانشگاه های اروپا بود. در حدود داستان های آتش پرست، آب زندگی، آخرین لبخند، سایه مغول، تخت ابونصر و نمایشنامه پروین دختر ساسان، از گذشته طلایی ایران سخن می گوید» در صورتیکه می دانیم داستان «آب زندگی» به گذشته طلایی ایران اشاره ای ندارد. این داستان از فرهنگ توده مایه گرفته، و به اوضاع عصر نویسنده و جوامع معاصر او توجه دارد، و به روش آرمانشهرنویسان، شهری آرمانی (کشور همیشه باهار) را که در آن دانایی و دادگری و مهربانی فرمانروایی می کند، در برابر شهرهای تبا شده (کشور زرافشون و کشور ماه تابون) قرار می دهد.

۸- نویسنده در صفحه ۴۹، در بازگفت علت های موفقیت هدایت «مخالف خوانی» او را مهمترین عامل دانسته اند و این راهی است سزاوار تأمل. اگر



حجت الله اصیل

کارنامه نثر معاصر

حمید عبداللهیان

انتشارات پایا، چاپ اول، ۱۳۷۹

کارنامه نثر معاصر

مخالف خوانی هدایت مهمترین عامل موفقیت او بوده است، بایست اثری چون یوف کور کم خواننده ترین نوشته هدایت باشد. آنچه رمز موفقیت هدایت و علت اقبال همگان به آثار او است، نه مخالف خوانی، که جوهر هنری نهفته در آن آثار و صداقت هدایت در تجسم شخصیت ها و صحنه های داستان هایش است. در حقیقت آنچه اثری ادبی را به اوج می رساند، آن لطیفه نهانی است که نام آن هنر است. هرگاه این هنر توانایی نفوذ در روح آدمی را داشته باشد و او را به دنیای هنرمند با دلهره ها، اندوه ها و شادی هایش درآورد، هنری است موفق و بیشتر آثار هدایت، صرف نظر از موضوع آنها چنین است. قیاس دو کتاب از بزرگان ادب فارسی موضوع را روشن تر می سازد. گرشاسپ نامه، سروده اسدی طوسی در برخی از ظرایف و دقایق شعری چشمگیر است، اما در قیاس با شاهنامه آن جوهر هنری یا به گفته حافظ آن «آنی» را که دل از خواننده می رباید ندارد. چنین است که سروده استاد طوس را هزار سال بر سر کوی و برزن و در خانه ها و قهوه خانه ها و زورخانه ها... خوانده اند و می خوانند، اما گرشاسپ نامه در پشت مخازن تاریک کتابخانه ها جا خوش کرده و اگر خواننده بیابد، پژوهنده ای کنجکاو است که می خواهد در تاریخ ادب فارسی سره و ناسره را بررسد، نه خواننده تشنه هنر ناب.

۹- تاریخ درگذشت علی دشتی ۱۳۵۷ (ص ۶۴) نیست. گویا وی در ۱۳۶۰ درگذشته است.

۱۰- تاریخ تولد هوشنگ گلشیری ۱۳۲۲ نوشته شده که ۱۳۱۶ درست است.

۱۱- به عوامل روی آوری نویسندگان به روستانویسی باید این نکته را افزود که تشکیل سپاه های مختلف چون سپاه دانش، سپاه بهداشت، سپاه ترویج و... و گسیل کردن جوانان درس خوانده به روستاها، میان شهر و روستا پلی پدید آورد که توجه به روستا را افزون کرد. نخست تک نگاری ها آغاز شد که نمونه نیکوی آن «طالب آباد» اثر جواد صفی نژاد بود و

کارهای آل احمد. آنگاه کار به عرصه داستان نویسی کشید و ادبیات روستانویسی شکل گرفت.

۱۲- نویسنده در صفحه ۱۵۰، از نثر ادبی و علمی سخن می گوید و نمونه های نیکوی نثرنویسان این حلقه ها را چون دکتر شفیعی کدکنی، شادروان دکتر غلامحسین یوسفی، شادروان دکتر عبدالحسین زرین کوب و دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن معرفی کرده است. اما بحث از نثر در این دو عرصه بدون یاد نام کسانی چون محمدعلی فروغی، دکتر حمید عنایت و دکتر امیرحسین آریانپور ایتر است. فروغی دانشوری دوفرهنگه بود با دانشی عمیق و نثری که بهترین نمونه نثر سیاسی و اجتماعی و نثری سهل و ممتنع بود که در آن هر واژه به دقت تمام برگزیده شده بود. حمید عنایت در عصر خویش در نثر از سرآمدان بود. نثری زیبا، نجیب و استوار و معتدل داشت. تنها نثر ترجمه عنایت بود که با نثر فروغی در این زمینه پهلوی می زد. دکتر امیرحسین آریانپور نیز از نویسندگان موفق است که نثری پخته و تر و تازه و استوار دارد. با اینکه در آوردن واژگان پارسی تا حدی افراط می کند، گزینش و کاربرد استادانه آنها نثر وی را دلپذیر می سازد. شناخت نثر آنان برای جوانان تازه کار بسیار ضروری است.

۱۳- در صفحه ۱۷۱ نوشته شده است: «میرزا حبیب اصفهانی از نخستین دانشجویان ایرانی اعزام شده به فرنگ بود...» تا آنجا که ما آگاهی داریم، میرزا حبیب برای تحصیل به هیچ کشور فرنگی نرفته است. او در ایران و عتبات درس خواند، سپس برای جان بردن از اتهامی که به وی زدند، به عثمانی پناه برد، و در ۱۳۱۵ دور از وطن درگذشت.

بر روی هم کتاب سودمند و خواندنی است، و به آنان که می خواهند درباره نثر پارسی معاصر اطلاعاتی داشته باشند، یاری می رساند. موادی که یادآوری کردیم، سودمندی کتاب را مخدوش نمی سازد. شاید که برخی شان خطای چاپخانه ای باشد، که در چاپ های بعدی قابل اصلاح است.

فرد کندی

فرزین پور محبی

ناشر: مولف، چاپ اول، ۱۳۷۹

فردکندی، داستان بلندی از فرزین پور محبی است که روی جلد خود عبارت «نخستین داستان طنز عجیب و غریب جهان» را یدک می کشد. البته از جهاتی این اثر هم عجیب است و هم غریب. غریب است از این رو که فضایی تخیلی دارد و از خلاقیت ذهنی نویسنده آن حکایت می کند و پرداخت ویژه آن یعنی آفرینش داستان های ایزودیک که به هم می پیوندند و یک داستان واحد را تشکیل می دهند تا در قالب به تصویر کشیدن زندگی مردی عجیب، بیانگر نظرگاه های فکری نویسنده در زمینه زندگی و مرگ باشند، نیز مؤید این توان است.

اما کتاب، عجیب است، از این نظر که نویسنده خود در دیباچه اقرار کرده است «با آگاهی کامل از دردسرهای حرفه ای طنزنویسی به این رشته روی آورده است». ولی به نظر می رسد که وی چندان متوجه ظرایف کار طنزنویسی نیست. حیف است استعدادهایی که می توانند در طول زمان با کار مستمر به سبک قابل قبولی در عرصه طنز یا ادبیات دست یابند، با ارتکاب چاپ داستان کوتاه و بلند در قالب کتاب، به ورطه مشکلات چاپ و نشر افتند و امکان محک زدن ذوق و توان خود را نیز پیدا نکنند.

برخی از جمله ها در صفحات ۳۸، ۴۰، ۵۰، ۶۰ یا کلماتی چون «تشنه واره»، «به طرز مشمزه ای» و... در کتاب نمایانگر ضعف در نوشتار است. به این عبارت توجه کنید:

«با این اوضاع، پس از چندگاهی، شهر، مملو از ابراز تأسف مردمانی یا سرهای قبلاً تکان داده شده گردید.» (ص ۴۰)

در عین حال، قلم نویسنده، از توان طنزنویسی او چه از زاویه نگاه طنزآمیز به موضوع و چه به کارگیری عبارت های طنزگونه در آثارش حکایت دارد. عباراتی مثل «وی به دلیل به پاداشتن کفش های پاشنه بلند، معمولاً چند سانت بیش از دیگران به خدا نزدیک تر نشان می داد.» و یا «بعد نیز پوزدی ازها (دشمنان) را به خاک مالیده، بدین وسیله سر و صورت آنها را کشیف کنند.» شاهدی بر این مدعا است که در صورت دستیابی نویسنده به نثری پیراسته تر، می تواند عمق و قدرت بیشتری یابد.

رویا صدر

تلاشی ارزنده و سودمند که به شکل کتاب درسی ادبیات فارسی (۵ و ۶) ویژه دانش آموزان سال سوم رشته ادبیات و علوم انسانی در مقطع متوسطه ارائه شده قابل تقدیر و ارجح‌گزاری است.

اما نواقص و کاستی‌هایی هم در آن وجود دارد که جهت اصلاح در چاپ‌های بعدی در این سیاهه ارائه می‌گردد.

■ فهرست مطالب:

مؤلفان در تنظیم فهرست (مطالب یا دروس) کتاب دقت تمام کرده و تلاشی فراوان به کار برده‌اند تا فهرست کتاب، دقیق و کامل تنظیم شود اما با این وصف ناهماهنگی‌هایی در تهیه فهرست دیده می‌شود که در زیر بدان پرداخته می‌شود:

— عنوان درس اول طبق عناوین دروس فصل‌های بعد باید به صورت درس اول: تجمیذیه و نعت: ستایش خدا... و عنوان کامل درس بیست و ششم طبق نظر مؤلفان در مورد سایر دروس باید به صورت مکتب‌خانه، ص ۱۸۰، آی فلفل ترشی ص ۱۸۳، سقوط از بام ص ۱۸۴ ثبت شود.

— عنوان درس سی و پنجم بهتر است از «زاهد و پادشاه: گلستان سعدی و...» به «حکایت‌هایی از سعدی و...» تغییر یابد. همچنین لازم به ذکر است که عنوان قسمت دوم این درس — «بیداد ظالمان» — ثبت نشده است.

— نیز بهتر است در عنوان درس سی و هفتم عدد

(۳) قبل از «سالگرد» بیاید نه قبل از ادبیات عاشورایی.

— نابسامانی در تعیین منابع دروس:

اصل بر این بوده است که در فهرست، همراه با عناوین دروس، نویسنده آن درس را معین نمایند اما در موارد زیر به جای نام نویسنده، نام اثر او آمده است.

درس پنجم، قسمت دوم درس دهم، درس بیست و هشتم، قسمت دوم درس سی و هشتم. همچنین برای درس سی و پنجم و قسمت اول و سوم درس سی و هشتم، هم نام مؤلف ذکر شده هم نام اثر که این امر باعث چندگانگی در این زمینه شده است.

— بهتر است چون کتاب‌های ادبیات فارسی سال‌های اول و دوم، عناوین شعرهای حفظی در فهرست آورده شود.

■ واژه‌ها و ترکیبات و اعلام:

۱- بسیاری از لغات و ترکیبات مشکل کتاب، معین و معنی نشده‌اند، موارد زیر تنها بخشی از آنهاست:

سمند و تمهید ص ۹، بوی ص ۱۱، مجمر و لخت ص ۱۶، دارالخلافة، جلد ص ۲۱، وراق و تابع ص ۲۲، دوک ص ۲۳، سیاست، ستار العیوب، بوالفضول، شایبه و سلک ص ۲۴، دیرک ص ۲۷، منجم باشی ص ۲۸، یله ص ۴۵، توفیر و کرخ ص ۴۷، قبضه، پوده ص ۵۰، اشباع، خیک ص ۵۳، رافضی ص ۵۹، وبال ص ۶۰، ادب درس و ادب نفس ص ۶۲، تشقی ص ۸۳، منشور ص ۸۴، صاحب دیوان رسالت، حاکم لشکر ص ۸۵، نماز خفتن ص ۸۷، نوباه ص ۸۹، سخیف ص ۹۴، خدم، حشم ص ۹۵، وفور، کیاست، اهمال، حمیت ص ۹۶، فاقه و نفاذ ص ۹۷، مواثیق ص ۹۸، غدر ص ۱۰۷، وقوف، حلول، مفارقت، اعظم اصحاب، مندفع ص ۱۱۰، اجله، اقدام ص ۱۱۲، مرضع، مکمل، الوان تهنیت، کرزار، خَمَل

ص ۱۱۳، ایام کبیهه ص ۱۱۴، عتاب، نزاکت ص ۱۲۴، اشرفی ص ۱۲۶، روبل ص ۱۳۳، نیک اختری ص ۱۳۷، ممر، ترکش ص ۱۶۷، موبد، یسار، وداد ص ۱۶۸، جرگه چی ص ۱۶۹، گلون ص ۱۷۴، چرتکه ص ۱۷۵، افاقه، لله ص ۱۸۴، ارسی ص ۱۸۵، سجاده بر روی آب افگندن ص ۲۴۶، عور ص ۲۵۳.

۲- واژه‌های زیر در فهرست واژگان آمده‌اند در حالی که در متن دروس فاقد علامت ستاره‌اند: (شماره‌هایی که در مقابل هر واژه ذکر گردیده، مربوط به صفحه‌ای است که واژه مذکور در آن به کار رفته است).

فاخر ص ۱، رز ص ۱۶، مستطاب ص ۲۳، خرده‌مایه ص ۲۴، گزاف ص ۲۵، کز و فر، دَفینه ص ۲۶، صله ص ۲۸، باطنی ص ۵۹، وحوش و متابعت ص ۹۳، اتباع ص ۹۴، دمدمه ص ۹۷، سورچی ص ۱۲۹، خطر ص ۱۳۸، معالج ص ۱۹۳، عدل ص ۲۶۱.

۳- واژه‌های ماحضر ص ۱۶۱ و تَلَمذ ص ۱۷۵ علامت ستاره دارند اما در فهرست واژگان نیامده‌اند.

۴- واژه‌های ذیل در فهرست واژگان آمده‌اند در حالی که متن دروس و کتاب فاقد چنین لغاتی هستند: اشکوب، افراز، إفراز، امان دادن، باج، بطالت، بفتا، ترب، تسبیح، چنان، چرخ، خراج، خَلو، خیار بالنگ، راج، راست، ربع مسکون، رحلت، سُدره، سماع، سمر، سور، شبات، شخنه، صغیر، طویله، عراق، عشاق، لفاظی، لولی، مرده‌ریگ، مصرع، مقامات، ممارست، مهین، نحوی، نخشی، وِرس، یوز.

۵- معمول است که لغات و ترکیبات مشکل را در اولین کاربرد معنی می‌کنند و در موارد بعدی ارجاع می‌دهند. واژه‌های زیر در کاربردهای بعدی خود نشاندار شده‌اند:

لغت	اولین کاررفت	کار رفتی که نشان دار شده
غذار	ص ۳ س ۲	ص ۱۰۳ س ۱۹
سبیل	ص ۴ س ۳	ص ۱۰۱ س ۷
تیمار	ص ۱۶ س ۱۲	ص ۹۳ س ۵
مُطله	ص ۱۹ س ۸	ص ۱۰۸ س ۱
بیاض	ص ۲۴ س ۱۶	ص ۱۰۴ س ۹
نغز	ص ۲۵ س ۱۶	ص ۲۸ س ۲۶
لاف	ص ۲۹ س ۲	ص ۲۱۹ س ۱۹
شور	ص ۴۷ س ۱۱	ص ۴۷ س ۱۹
مُحال	ص ۴۹ س ۱۶	ص ۶۱ س ۲۴
کاکل	ص ۵۱ س ۲۱	ص ۱۱۱ س ۸
خراج	ص ۵۹ س ۷	ص ۲۲۴ س ۱۲
غِزِه	ص ۵۹ س ۱۵	ص ۱۰۱ س ۱۲
غذار	ص ۵۹ س آخر	ص ۱۰۱ س ۱۰
مقام	ص ۶۰ س ۱۰	ص ۹۵ س ۲۴
زرق	ص ۶۰ س ۲۳	ص ۶۲ س ۲۱
ثقت	ص ۶۱ س ۲۰	ص ۹۶ س ۱۵
قباله	ص ۸۵ س ۲	ص ۸۶ س ۱۱
مصلی	ص ۸۷ س ۱۵	ص ۱۰۷ س ۱
مکاوحت	ص ۸۸ س ۲۱	ص ۱۰۸ س ۹
تعهد	ص ۹۲ س آخر	ص ۹۳ س ۵
بهایم	ص ۹۴ س ۱۱	ص ۱۹۵ س ۴
مألوف	ص ۹۵ س ۲۵	ص ۱۰۳ س ۴
تأمل	ص ۹۶ س ۱۳	ص ۱۰۱ س ۱۵
نقض	ص ۹۸ س ۲۳	ص ۱۰۳ س ۵
تقریر	ص ۱۰۷ س ۵	ص ۱۶۱ س ۸
مهیّب	ص ۱۲۴ س ۱۰	ص ۲۵۸ س ۹

۶- واژه‌های زیر مربوط به قسمت‌هایی از کتاب است که در چاپ ۷۹ حذف شده است، اما واژه‌های مربوط به آنها حذف نشده‌اند (شماره صفحه از چاپ ۷۸ است).

تعلیق (۶۴)، مبرم (۶۴)، دزاعه (۸۵)، پرویزن (۱۱۱)، کافور، قنات (۱۱۱).

۷- در تهیه اعلام این کتاب نیز چون کتاب‌های قبلی هیچ قاعده و ضابطه و شیوه خاصی ملاحظه نمی‌گردد. بعضی از اعلام آشنا ذکر گردیده و بسیاری از اعلام دور از ذهن نادیده گرفته شده‌اند. به حتم و یقین می‌توان گفت که اعلام نادیده گرفته شده به اندازه اعلامی است که در فهرست آمده‌اند، به عنوان مثال اعلام درس هشتم، تاریخ بیهقی، که در فهرست اعلام ثبت نشده است آورده می‌شود:

علی حاجب، ارسلان خان، بقراخان، آدم، اریارق، خوارزم، بونصر مشکان، بُست، فضل بن ربیع، احمد عبدالضمد.

■ توضیحات:

الف: در کتاب‌های جدید، بخش توضیحات برای توضیح عبارات مشکل و جنبه‌های کلیدی متن در نظر گرفته شده است. اما این بخش همیشه چنین نیست و گاهی نیز واژه‌های مشکل در این بخش معنی شده‌اند حال آن که این واژه‌ها قاعدتاً باید در فهرست واژگان بیایند. موارد زیر اینگونه‌اند:

ش ۵ ص ۲۹ - بیاض: پاک‌نویس کردن، در ضمن این واژه در فهرست واژگان نیز آمده است.

ش ۱ ص ۶۳ - برخیره: بیهوده.

ش ۳۶ ص ۹۰ - نماز پیشین: نماز ظهر.

ش ۴ ص ۹۹ - حالی: فوراً، در آن حال، در آن

لحظه.

ش ۲ ص ۱۴۶ - حوصله: توانایی، قدرت، قابلیت.

ش ۳ ص ۱۷۳ - به طور: مثل، مانند.

ش ۳ ص ۱۸۷ - طوافی: فروشنده دوره گرد، در

ضمن همین واژه در فهرست واژگان نیز آمده است.

ب: اشکالات و نارسایی‌ها:

در توضیح، معنی و اشارات بعضی از توضیحات، اشکالات و گاهی نادرستی‌هایی دیده می‌شود از جمله:

۱- توضیح شماره ۳۲ ص ۹۰ زائد است چون واژه مربوط در ص ۸۴ با علامت ستاره معین شده و در فهرست واژگان نیز توضیحات مربوط به آن آمده است.

۲- توضیح شماره ۹ و ۱۰ صفحه ۱۳۹ در توضیح

این دو بیت ناصر خسرو قبادیانی:

تو را خط قید علوم است و خاطر

چو زنجیر مر مرکب لشکری را

تو با قید بی‌اسب پیش سواران

نباشی سزاوار جز چاکری را

آمده است: «شاعر در این دو بیت خطاب به دبیر (کاتب

و نویسنده) او را به کسب علم ترغیب می‌کند و می‌گوید:

تو ثبت‌کننده علم (کاتب) هستی نه صاحب علم (عالم).

مانند نگهبان اسب جنگی که با صاحب اسب جنگی

تفاوت دارد. بنابراین، تا زمانی که صاحب اسب نشوی

(عالم نشوی)، هم چنان نوکر و زیردست خواهی ماند...»

به این توضیح چند ایراد وارد است:

اولاً با قرینه ابیات ماقبل و کلمات «خط و خاطر»،

خطاب شاعر به نویسنده و دبیر نیست بلکه او نویسنده

(نویسندگان) و شاعر (شاعران) را خطاب قرار می‌دهد.

ثانیاً آنها را به کسب علم دعوت نمی‌کند بلکه به

«فهم علم» دعوت می‌کند و به آنها می‌گوید شما چون



ادبیات فارسی (۵) و (۶)

اصغر ارشاد سرابی و ...

شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران، چاپ دوم، ۱۳۷۹

دانش‌ها را فقط حفظ کرده‌اید مانند لشکری‌ای هستید که زنجیر اسب را در دست داشته باشد و معتقد است که آنها علوم را فقط کسب کرده‌اند در حالی که فهم خود را در آن به کار نبسته‌اند و به قول خود شاعر آنها از اسب علم فقط آفسارش را در دست دارند در حالی که عالمان واقعی (سواران) کسانی‌اند که بر اسب علم و دانش سوار گشته‌اند و همه زیر و بم آن را فهمیده‌اند و به همین جهت است که در ابیات بعد می‌گوید: شما اگر می‌فهمیدید «محمود غزنوی را همپای عمار و بوذر مدح نمی‌کردید و قیمتی در لفظ دری را در پای خوکان نمی‌ریختید».

ثالثاً در این دو بیت هیچ مقایسه‌ای بین نگهبان اسب جنگی و صاحب اسب جنگی نشده است. در مجموع معنای این دو بیت با توجه به ابیات ماقبل و مابعد آنها چنین است: شاعر خطاب به نویسنده‌گان و شاعران درباری می‌گوید: شما فقط خط و ذهن و قریحه (ابزار کسب دانش) را دارید نه خود دانش را و به همین جهت در مقابل عالمان واقعی چاکران و غلامانی بیش نیستید.

■ اشکالات محتوایی و چاپی:

۱- در صفحه (۱) در مورد تحمیدیه‌ها آمده است که: «سرشار از سوز و شور و لطافت و هنر و زیبایی‌اند و چون از مضامین آیات قرآنی و احادیث نبوی و سخنان پیشوایان دین متأثرند، بر خواننده تأثیری خاص می‌گذارند».

در این عبارت، نقصان مفهوم محسوس است. اگر همین مفهوم به صورت زیر بیان شود کامل‌تر نیست؟ سرشار از سوز و شور و لطافت و هنر و زیبایی‌اند و چون آیات قرآنی و احادیث نبوی و سخنان پیشوایان دین یا مضامین آنها در این نوشته‌ها و سروده‌ها درج شده است بر خواننده تأثیری خاص می‌گذارند.

همچنین در همین صفحه و در ادامه مطالب آمده است که: «در همه تحمیدیه‌های زبان فارسی نوعی براءت استهلال دیده می‌شود» این سخن نیز تحقیق بیشتری را می‌طلبد و به همین سادگی نمی‌شود این

حکم کلی را صادر کرد، به عنوان مثال براءت استهلال تحمیدیه‌های گلستان سعدی یا شاهنامه فردوسی در کدام قسمت آنهاست؟ به نظر می‌رسد بهتر است در بیان نظریات خود دقت بیشتری بنماییم.

۲- در صفحه ۲۵، سطر (۴)، ترکیب «رطب و یابس» به نشان ستاره نیازی ندارد چون این ترکیب در بخش توضیحات آمده است (و ثانیاً در فهرست واژگان نیز نیامده است).

۳- در صفحه ۸۵، سطر (۹) واژه‌های ترکیب «موزه میکائیلی» با نشان ستاره معین شده‌اند تا در بخش فهرست واژگان معنی شوند، به نظر می‌رسد درست آن است که توضیحات مربوط به این ترکیب (یک جا) در بخش توضیحات درس بیاید. در ضمن واژه میکائیلی در فهرست واژگان میکالی آمده است.

۴- صفحه ۹۵، سطر (۹)، با توجه به توضیحات بهتر است که عدد (۹) در پایان سطر و جمله بیاید.

۵- صفحه ۱۶۸، سطر (۱۳)، عدد (۳) مربوط به واژه «به طور» است نه فرنگی پس باید بر روی آن گذاشته شود.

۶- اشکالات مربوط به درس در محراب عشق، صفحه ۱۹۳:

کلمات «فرائض، سنن، نوافل و فضایل» مربوط به عبارت «صبر کردند تا از فرائض و سنن فارغ شد و به نوافل و فضایل نماز ابتدا کرد. مرد معالج آمد و گوشت بر گرفت و استخوان وی بشکست و پیکان بیرون گرفت و علی اندر نماز بر حال خود بود» (از داستان پیکان فرو گرفتن از استخوان حضرت علی (ع) اندر حال نماز) در فهرست واژگان به ترتیب: واجبات دینی مثل «نماز و روزه»، «مقدمات و امکانات» (؟) نماز و واجبات آن است تا پایان سلام نماز، «نمازهای مستحبی که واجب نیستند مثل آیه‌ها و دعاها» که بعد از نماز می‌خوانند، «مستحبات نماز» معنی شده است.

گذشته از اشکالاتی که در معانی مذکور وجود دارد؛ مثلاً امکانات نماز یعنی چه؟ نمازهای مستحبی که واجب نیستند یعنی چه؟ نمازهای مستحبی مثل آیه‌ها

و دعاها یعنی چه؟ بین معانی مذکور با متن تناقض وجود دارد؛ اگر فرائض، نماز و اگر سنن، واجبات نماز تا پایان سلام است دو جمله «صبر کردند تا از فرائض و سنن فارغ شد» و «علی اندر نماز بر حال خود بود» با هم تناقض پیدا می‌کنند، همین تناقض در مورد معانی ارائه شده برای نوافل و فضایل با متن به وجود می‌آید؛ اگر نوافل و فضایل مستحبات بعد از نماز باشد با جمله «و علی (ع) اندر نماز بر حال خود بود» تناقض پیدا می‌شود. اما راه حل: فرائض و سنن در این عبارت به معنای واجبات قبل از نماز چون وضو و منظور از نوافل و فضایل نیز مستحبات قبل از نماز چون اذکار، اوراد، ادعیه، اذان و اقامه است و با این توجیه تمام آن تناقضات برطرف می‌گردد.

۷- صفحه ۲۰۶، سطر ۱۶، ترکیب «ناکجا آباد» در توضیحات آمده، اما شماره مربوط در متن بر روی آن نیامده است.

۸- در صفحه ۲۴۱، بخش توضیحات درس نیامده است.



۹- صفحه ۲۴۶، سطر ۱۰، واژه «مقمر» به غلط «مقمر» چاپ شده است.
۱۰- صفحه ۲۵۷، سطر ۱۱، واژه «حبسیه» به غلط «حبسیه» چاپ شده است.
۱۱- در صفحه ۲۶۰ بیت ۵، علامت ستاره بر روی ترکیب «چاه مقنع» زائد است چون در کتاب، اعلام فاقد علامت اند.

■ فهرست واژگان، اعلام، منابع و مآخذ:
الف: اشکالات معنایی واژگان:

۱- استغنا: این واژه در صفحه ۲۵۱ در متنی از منطلق الطیر عطار به کار رفته است و معنی عرفانی آن مد نظر است نه معنای لغوی آن.
۲- براءت استهلال: تعریف این اصطلاح چون واژه‌ها و ترکیب‌های دیگر از فرهنگ معین ضبط شده است. مسلماً بهتر است که در معنی و تعریف واژه‌ها و ترکیباتی که فرهنگ اصطلاحی خاص دارند از آنها استفاده شود زیرا این گونه فرهنگ‌ها با دقت بیشتری فراهم آمده‌اند. محض مقایسه، تعریف همین اصطلاح از فرهنگ معین (که اساس معانی کتاب است) و کتاب واژه‌نامه هنر شاعری^(۱) آورده می‌شود: در فرهنگ معین در ذیل این واژه آمده است: «آن است که نویسنده یا شاعر در ابتدای کتاب یا مطلع قصیده، الفاظی چند ایراد کند که خواننده به محض خواندن آنها از مقصد و مراد نویسنده و گوینده آگاه شود.»

و در واژه‌نامه آمده است: «آن است که شروع و مقدمه سخن به گونه‌ای باشد که با موضوع مورد بحث گوینده و آنچه می‌خواهد بیان کند تناسب داشته باشد و این کار باید با ظرافت و استادی انجام پذیرد... نمونه‌هایی از کاربرد این صنعت را در مقدمه بعضی از داستان‌های شاهنامه می‌توان یافت که فردوسی متناسب با داستان‌هایی که می‌خواهد بیان کند مقدمه‌ای سروده است تا ذهن خواننده را برای اصل داستان آماده کند.»

۳- بقاع: این واژه جمع «بقعه» به معنی مکان‌های مقدس است. این واژه به صورت مفرد معنی شده است و

برخلاف قیاس «مکان مبارکه» ذکر شده است.
۴- پشتواره: این واژه در صفحه ۲۸۸ و جمله «همه عمر برو بازو زدم و مال به دست آوردم تا تو کافر دل پشتواره بندی و ببری؟ از داستان شولم شولم کلیله و دمنه آمده، معنای مشخص این واژه «کوله بار، کوله پشتی، و کیسه‌ای که برای حمل خواربار و لوازم دیگر بر پشت بپندند» می‌باشد در حالی که در معنی این کلمه در فهرست آمده است: «باری که بر پشت حمل کنند.»

۵- جهاز: فقط اولین معنی ارائه شده برای این واژه مناسب جمله‌ای است که در آن به کار رفته است و ذکر معانی دیگر لزومی ندارد و بی‌مورد است.

۶- حرس: اولاً جمع حارس و به معنی نگهبانان و پاسبانان است ثانیاً به معنی زندان نیز می‌باشد. در ذیل «والی حرس» آمده که جمع است.

۷- دماغ: این واژه در بیت ذیل از خاقانی آمده است:

سیل خون از جگر آرید سوی بام دماغ

ناودان مژه را راه گذر بگشایید
و به معنی مغز سر می‌باشد نه «اندیشه و فکر» که در واژه‌نامه آمده است، در ضمن نیازی به آمدن این واژه در واژه‌نامه نیست چون معنای این کلمه در معنای بیت در قسمت توضیحات درس آمده است.

۸- سچل: علاوه بر معنی ای که برای آن ذکر شده است به معنی ثبت کردن و تأیید کردن در صفحه ۶۴ به کار رفته است.

۹- فز: در مورد یاد شده، صفحه ۱۷ به معنای جلال و شکوه است نه فروغ ایزدی.

۱۰- گز: منظور نام درخت است نه «تیر بی پر...» (و این واژه که در صفحه ۱۶ نشاندار گردیده با موصوف خود «درخت» به کار رفته است).

۱۱- مُسَوِّده: به غلط «مُسَوِّده» ضبط شده است.
ب: به هم ریختگی القیابی واژه‌نامه:

آمدن «افهام» قبل از «افواه»، «جته» قبل از «جبر»، «جدل» بعد از «جذام، جرب و جزم» «جزم قبل از جدل و

جری»، «خليفة شهر قبل از خلود»، «صبيه قبل از صبوحي»، «نيام و نير اعظم» قبل از «نواخت، نوافل و نواله» نمونه‌هایی از موضوع مطروحه است.
ج: اختلاط واژه‌نامه با فهرست اعلام:

واژه‌های «زمینج، ذوالفقار» چون اسم علم هستند باید در فهرست اعلام بیایند نه در فهرست واژگان.
د: به هم ریختگی القیابی اعلام:

آمدن «اشیل» در بین کلمات حرف «الف»، «تولی» آخرین کلمه حرف «ت» به عنوان اولین کلمه حرف فوق، «ثابت محمودی» در میان کلمات حرف «ت»، «سامانی، منصور بن نوح» قبل از «زوزنی، خواجه بوسهل»، «صفی، فخرالدین علی» قبل از «صفوی، شاه اسماعیل»، «مطلع الانوار» قبل از «مشهد اردهال، مشیری، فریدون، مصباح الهدایه و مفتاح الکفایه» به هم ریختگی القیابی فهرست اعلام را نشان می‌دهد. همچنین در شرح حال فردوسی آمده است که: «وی که در خانواده‌ای دهقان متولد شده بود، شاهنامه را پس از اتمام کتاب شاهنامه، آن را به سلطان محمود غزنوی تقدیم کرد ولی بنا به دلایلی، این اثر حماسی مورد توجه سلطان قرار نگرفت و فردوسی را رنجیده خاطر کرد.» که به هم ریختگی جملات بارز است و احتیاج به توضیح نیست.

ه: به هم ریختگی القیابی منابع و مآخذ:

آمدن «انسان کامل» بعد از «انواع ادبی»، «برف و سایه‌ها و...» بعد از «بوستان سعدی»، «دیوان فخرالدین عراقی» بعد از «دیوان فروغی بسطامی و فیضی دکنی»، «دیوان کمال الدین اسماعیل» بعد از «دیوان میرزا حبیب خراسانی»، «فصلی از عاشقانه‌ها» بعد از «فن نثر (که به اشتباه نشر چاپ شده است) در ادب فارسی»، «گلستان سعدی» بعد از «گلشن راز»، «منتخبی از داستان‌ها و...» بعد از «منشآت قائم مقام قراقرانی» نشان می‌دهد که در این قسمت نیز از نظر القیابی اشکال هست.

پی‌نوشت:

۱- واژه‌نامه هنر شاعری، میمنت میرصادقی (ذوالقدر)، کتاب مهناز، چاپ اول، ۱۳۷۳.

نامک پاره‌ای از دشواری‌های شاهنامه را حل کرد و بعد از آن نیز چندین فرهنگ برای این کتاب تألیف شده است.

طبیعی است که خوانندگان - بحق - انتظار دارند هر کتابی که در این زمینه چاپ می‌شود گامی به پیش باشد و اشکال‌های فرهنگ‌های قبلی را نداشته باشد و اطلاعات بهتر و دقیق‌تری به خواننده بدهد. اما کتاب واژه‌نامه شاهنامه که اخیراً توسط انتشارات فرزانه روز چاپ شده است این توقع را برآورده نمی‌کند.^۱ گرچه در مورد غلط‌ها و اشکالات کتاب می‌توان - متأسفانه - بیش از حجم خود کتاب نوشت، در اینجا تنها به ذکر بعضی نکات پرداخته می‌شود.

۱- یک دست نبودن روش تألیف کتاب

علی‌رغم اینکه اولین شرط و ویژگی یک فرهنگ باید رعایت روش یکسان در سراسر کتاب باشد، این امر در فرهنگ شاهنامه رعایت نشده است. این عدم رعایت روش یکسان بخصوص در ارائه شواهد بسیار چشمگیر و مشهود است و برای کلمات به دلخواه شاهد داده‌اند و این امر هم تابع هیچ منطق و دلیلی نیست و در مقدمه نیز به علت آن اشاره نشده است. حال آنکه در فرهنگ تخصصی یک متن همه واژه‌ها باید الزاماً دارای شاهد باشد.

برای مثال در صفحه ۷۲ واژه‌های تبیره، تبیره‌زنان، تپش، تپنچه، تختگاه، تخم، تذرو، تراک، ترسا، ترشش، ترف و ترفند شاهد ندارند. حال اگر فرض را بر این بگیریم که مؤلف تنها برای واژه‌هایی که مهم می‌دانسته‌اند شاهد آورده‌اند می‌بینیم که در همین صفحه کلمه‌های تخش، ترشش، تپنچه و تختگاه حتماً نیازمند شاهد است تا معنای آنها را تأیید کند. در حالی که در همین صفحه برای واژه‌های تری به معنی رطوبت، ترازو به معنی برج میزان و ترگ به معنی کلاه شاهد آورده‌اند.

در صفحه ۷۳ این کلمه‌ها شاهد دارند: ترکش به

کتاب‌های فرهنگ با توجه به هدف مؤلف و نیاز خوانندگان به صورت‌های مختلف تألیف می‌شوند، مانند فرهنگ‌های عمومی، که خود شامل فرهنگ‌های بزرگ و متوسط و کوچک و یا فرهنگ دوره‌ای خاص یا زبان طبقه‌ای خاص و... می‌شود و نیز فرهنگ‌های اختصاصی که حاوی اصطلاحات یک علم خاص است. فرهنگ‌های متون از جمله فرهنگ‌های اختصاصی است که برای کمک به خواننده جهت فهم دقیق و درست متن مورد نظر تألیف می‌شود. طبیعی است هرچه متنی بیشتر مورد توجه مردم باشد نیاز به فرهنگ اختصاصی آن نیز بیشتر است.

کتاب شاهنامه از دیرباز در میان ایرانیان، و حتی غیرایرانیان، جایگاه والایی داشته است. وجود نسخه‌های خطی فراوان این کتاب در کتابخانه‌های جهان یا نزد مردم، نشان‌دهنده این امر است که مردم تا چه اندازه به این کتاب رغبت داشته‌اند و علی‌رغم حجم بسیار آن، نسخه‌ای از آن را برای خود تهیه می‌کرده‌اند و آنان نیز که سواد نداشته‌اند و یا امکان تهیه نسخه برایشان نبوده آن را از نقال‌ها و قوال‌ها می‌شنیده‌اند.

در سال‌های اخیر این توجه هم‌چنان چشمگیر است و پس از دیوان حافظ هیچ کتاب فارسی نیست که به اندازه شاهنامه تصحیح و چاپ شده باشد. چاپ‌های متعددی از جمله چاپ ماکان، موهل، بروخیم، رضانی، دکتر دبیرسیاقی، شاهنامه چاپ مسکو و اخیراً تصحیح دکتر خالقی از جمله اینهاست. علاوه بر آن، کتاب‌ها و مقاله‌های بسیاری نیز در مورد این کتاب سترگ نوشته شده است. از جمله کتاب‌هایی که برای فهم بهتر شاهنامه نوشته شده است فرهنگ‌های شاهنامه است که در زمان معاصر بخصوص پس از کار ارزشمند وولف شکل تازه‌ای گرفت. پس از آن شادروان نوشین در واژه

معنی تیردان، ترک‌وار به معنی مانند ترکان، ترگ به معنی کلاه‌خود. تفت به معنی زود و چابک. تفت، همی تفت، تفتن، به معنی رفت، می‌رفت، گرم و تند رفتن راه‌نوردی. اما این کلمه‌ها شاهد ندارند: ترنج به معنی میوه درخت بالنگ. ترنگ ترنگ‌ترنگ به معنی صدای برخورد اسلحه. تریاک به معنی پادزهر و داروی ضد زهر و سم و ترینه به معنی نوعی آش و...

این سنت در تمام صفحات کتاب رعایت شده است، البته برای رفع این ایراد در جایی نیز (مثل زیر مدخل بنده) ۳ شاهد آورده‌اند.

این عدم رعایت یکدستی ظاهراً تنها چیزی است که در سراسر کتاب رعایت شده و تنها اختصاص به شواهد ندارد. برای مثال دو مدخل روشن روان و روشن کمان پشت سر هم چنین است:

روشن روان (روشن صفت مقدم است برای روان):

روان روشن

روشن کمان: کنایه از آسمان روشن

و دیگر توضیح درون پراتنز را نداده‌اند یا دو کلمه مرکب با «سان»:

بیمارسان (بیمار + سان = ستان)

شارسان (به مراعات وزن)

و یا

بزیب (صفت مانند بخرد)

بنفرین (ب صفت ساز + نفرین)

و این شیوه در همه موارد اعم از ضبط کلمه، هویت دستوری، ریشه کلمه، ترکیب کلمه، ارائه معانی و دادن شواهد تکرار شده است.

۲- کاستی‌ها

گرچه در پشت جلد کتاب به صراحت تأکید شده است: «فرهنگ حاضر شامل معنی تمام واژه‌ها و شرح اعلام و اماکن شاهنامه و پاسخگوی مراجعات هر کسی است که نسخه‌ای از این کتاب جاودان در اختیار داشته باشد...» اما تنها در ۴ صفحه اول کتاب این واژه‌ها نیامده است: آباد، آبار، آب‌بند، آب‌داده، آبروی.

آبستن. آبکش. آبپوشی. آتش. آتش‌آمیز. آتشکده. آجین. آخر. آخر. آذرنگ. آراستن. آرایش. آرزو. آرغده. آری. آزاد.

در فرهنگ اختصاصی یک متن، مهم‌تر از واژه‌های بسط، معنی ترکیب‌ها و تصویرها و کنایه‌های خاص شاعر است که معمولاً در فرهنگ‌های عمومی دیده نمی‌شود و فرهنگ اختصاصی متن باید پاسخ‌گوی این نیاز مهم خوانندگان باشد. زیرا معنی واژه‌های بسط را در هر فرهنگ متوسط و بزرگ عمومی نیز می‌توان یافت. ولی متأسفانه در این کتاب به این مهم توجهی نشده است. برای مثال تنها در دو صفحه اول کتاب این ترکیب‌ها و تصویرها نیامده است: آب از تارک برتر گذشتن. آب از مغز برتر گذشتن. آب بر آتش ریختن. آب بر آتش زدن. آب به جوی چون مشک شدن. آب تیره به جوی اندر آمدن. آب در زیر کاه. آب روشن سیاه گردانیدن. آب مژگان برافشاندن. آب بستن. آبروی تیره کردن. آب زرد. آب شرم. آب شرم به چشم آوردن. آب شنگرف. آب فسرده. آب و آتش شدن. آب و رنگ دادن. آتش از آب برآوردن. آتش از آب ندانستن. آتش از آهن فرو ریختن. آتش از دریا برانگیختن. آتش بر سر آمدن. آتش به جایی افتادن. آتش اندر کنار کردن و...

اما کاستی‌ها تنها محدود به واژه‌ها و ترکیب‌ها نمی‌شود و در معناهای بیان شده نیز کاستی‌های بسیاری دیده می‌شود. برای مثال در معنی اولین واژه این کتاب یعنی «آب» تنها ۵ معنی ذکر شده است: ۱- نوشیدنی معروف ۲- رود یا دریا ۳- رونق و طراوت و تازگی ۴- آبرو، حیثیت و شأن ۵- گریه، اشک.

حتی اگر مؤلف محترم همه بسامدهای «آب» را در شاهنامه در اختیار نداشته‌اند تا بر اساس آن معنی کنند، تنها با مراجعه به لغت‌نامه دهخدا می‌توانستند دست‌کم ۵ یا ۶ معنی دیگر به این فهرست بیفزایند، مانند معناهای عرق، بول، منی، شرم و حیا و... که در واژه‌نامه شاهنامه نیامده است. عجیب اینکه معنی بول و پیشاب را ذکر نکرده‌اند، اما دقیقاً یک صفحه بعد ترکیب «آب

افکند» را معنی کرده‌اند: «پیشاب ریزد» و در دو سطر پایین‌تر نیز «آب پاک» را «نطفه پاک» معنی کرده‌اند گرچه معنی نطفه در معانی آب ذکر نشده است. یا با مراجعه به همان لغت‌نامه دهخدا درمی‌یافتند که واژه «آبگیر» در شاهنامه دست‌کم به ۶ معنی به کار رفته است، حال آنکه ایشان تنها یک معنی برای آن ذکر کرده‌اند و این مسأله در مورد تقریباً همه واژه‌های کتاب که دارای چند معنی هستند دیده می‌شود.

۳- آوردن صیغه‌های افعال به ترتیب الفبایی خود تاکنون همه فرهنگ‌های فارسی - اعم از فرهنگ‌های عمومی و فرهنگی‌های اختصاصی - معنی افعال را در زیر مصادر آنها می‌آورده‌اند. زیرا صیغه افعال زیاد است و آوردن همه آنها باعث می‌شود به حجم فرهنگ بسیار افزوده شود. هر فعل فارسی اگر در همه زمان‌ها و صیغه‌های متفاوت آن صرف شود، شامل ده‌ها صیغه می‌شود که معنای همه آنها را می‌توان زیر معنی مصدرشان آورد. به این ترتیب هم در حجم کتاب و نیز زمان مراجعه‌کننده صرفه‌جویی می‌شود و هم اینکه همه معانی یک جا آمده است، چون چه‌بسا یک صیغه خاص فعل دارای همه معانی نباشد. برای مثال فعل‌های آمدن، بیا، می‌آیی، همی آمد، خواهیم آمد و... که هرکدام را باید در جایی از فرهنگ یافت می‌توان در زیر مدخل «آمدن» دید. این شیوه تنها خاص فرهنگ‌های فارسی نیست بلکه فرهنگ‌های سایر زبان‌ها (مانند عربی و انگلیسی) نیز به همین شیوه عمل کرده‌اند.

ولی مؤلف محترم واژه‌نامه شاهنامه این شیوه «غلط» همه فرهنگ‌نویس‌ها را رها کرده‌اند و هر فعلی را به ترتیب الفبایی در جای خود آورده‌اند، البته طبق شیوه مرسوم کتاب در این مورد نیز روش یکسانی وجود ندارد. برای مثال در ص ۴۲ چند فعل آمده که در مورد هر کدام به گونه‌ای عمل شده است:

بر ساختند: آماده شدند
بر شکفت: شکفته شد

اما در مورد دو فعل دیگر مصدر آنها نیز داده شده است.

برگاشت: برگاشتن: برگرداند، روی برگرداند
برگرای: برگرایم، برگراییدن: بسنج، بسنجم، امتحان کنم

و در همین صفحه یک مدخل به صورت مصدر است:

برشدن: بالا رفتن

طبق شیوه مختار این کتاب خواننده باید معنای «بیشتن» را در زیر مدخل «خاک بیخت» و معنی «چیدن» را در زیر «چندن» بیابد گرچه در آنجا نیز چیدن یا چندن معنی نشده و نان چدی معنی شده است. البته خواننده این کتاب باید آن قدر با روش مؤلف آشنا باشد که اگر در شاهنامه به این مصراع برخورد: «بتابید روی و بخوابید چشم» و بخواهد معنی ترکیب دوم مصراع را دریابد باید بداند که به حرف «خ» در زیر مدخل «خوابید چشم» رجوع کند و در همانجا این بیت را نیز معنی کرده‌اند.

بیندند دستش به خم کمند

بخوابند بر خاک چون گوسفند
و باز هم متأسفانه در این مورد نیز روش یکسانی اعمال نشده است از جمله «آمد به تنگ» و «آمد به تنگی فراز» مدخل شده اما بقیه صیغه‌های مصدر آمدن در فرهنگ دیده نمی‌شود و طبقاً نباید انتظار داشت که مدخل «آمدن» هم وجود داشته باشد.

این روش تنها منحصر به مصادر و افعال نیست بلکه در مورد واژه‌ها نیز گاه خواننده تنها باید با رمل و اسطرلاب دریابد که معنای واژه کجا آمده است برای مثال در این بیت:

چنین گفت کاینک سر آن بناز

که تاج نیاکان بدو گشت باز
اگر خواننده معنی کلمه آخر مصراع اول را نداند باید به جای اینکه به مدخل «بناز» یا حداقل «تاز» رجوع کند، مستقیماً به حرف الف و ذیل «آن» مراجعه کند تا در

واژه‌نامه شاهنامه

پرویز اتابکی

واژه‌نامه شاهنامه

پرویز اتابکی

نشر و پژوهش فرزانه روز، چاپ اول، ۱۳۷۹

آنجا معنی کلمه موردنظر خود را در «آن بنماز» ببینند. هرچند که این واژه در شاهنامه چاپ مسکو به درست «نیاز» است.

معنی «آزار» را در مصراع «دوان آمد از بهر آزارتان» در زیر مدخل از بهر آزارتان آورده‌اند. معنی برخاستن را در مصراع «بگشتی چو با دیو برخاستی» در زیر با دیو برخاستن. برای آشنا شدن با شیوه مؤلف تنها چند مدخل آن را در اینجا می‌آوریم:

اندازه خویش را ببیند: توان و قدرت خود را بسنجد.
اندرنورد، درنورد، درنوردیدن: درهم پیچ، طومارش را ببند! پایان دادن به کاری.

بهر دخت جای، بهرداختی... جای، بهرداز جای، جای پرداختن: تهی کرد، از میان برد، جای تهی می‌کرد، می‌گریخت، جای تهی کرد، آن را بزدای و از میان ببر. پذیره، پذیره رفتن، پذیره شدن، استقبال. به استقبال رفتن، به پیشواز رفتن، روبرو شدن، پوی، بیپوی، پویم، بیپویم، بیپوید، بیپویدن: رفتن، دوییدن، رفتی نه بشتاب و نه نرم.

رستخیز پیدا کند: تجدید شود، نو شود.

۴) غلط‌های معنایی

این کتاب غلط‌های معنایی فراوانی نیز دارد که تنها به چند نمونه آن اشاره می‌شود:

آفرین: فاعل خیر. نیکوکار
این معنی عجیب و غریب را از بیت زیر استنباط کرده‌اند:

بر آن آفرین کافرین آفرید

مکان و زمان و زمین آفرید
حال آنکه آفرین به همان معنای معمول سپاس و شکرگزاری است و شاعر خدا را سپاس می‌گوید که به او توان شکرگزاری داده است.

اندر: تالی، بدل، ناتنی، معنی غیریت می‌دهد. پدر و مادر اندر (در تداول خراسان) یعنی پدر و مادر ناتنی.
این معانی را نیز از این بیت دریافته‌اند:

به مشکوی من دخت فغفور چین
مرا خواند اندر جهان آفرین
و در ادامه چنین معنی کرده‌اند (یعنی سایه و بدل از خدا)

حال آنکه اندر تنها به صورت پسوند در واژه‌های مادندر (مادرندر) پذیر (پدر ندر) پسندر و دختندر آمده است و به صورت مستقل هیچ کاربردی ندارد و معنی اندر نیز در این بیت همان معنی عادی «در» است یعنی او در جهان تنها ثناگوی من بود و جز به من به کسی توجهی نمی‌کرد، نه به این معنی عجیب.

برد: ۲- کیش به شاه در بازی شطرنج. پرت. مهره شاه را از راه کنار بکشد.

این معنی نیز از این بیت دریافت شده است:
چو دیدی کسی شاه را در نبرد

به آواز گفتی که ای شاه برد
برد در اینجا همان معنی اول است: یعنی دور شو، دور باش، یا به عبارت بهتر برگرد.

به راه: همراه. اما چون شاهی برای این معنی ارائه نکرده‌اند معلوم نیست این معنی عجیب را از کجا و از کدام بیت استنباط کرده‌اند، به هر حال این کلمه به این معنی در هیچ فرهنگی ثبت نشده است.

جفته: ۲- همراه، هماهنگ، خاطرخواه
گرچه معلوم نیست همراه چه طور به معنی خاطرخواه است اما این معانی از این بیت بیرون آمده است:

دلت جفته بینم همی سوی گو
برانی که او را کنی پیشرو
کلمه دوم مصراع اول «جفته» است که به معنای مایل از مصدر چفتن به معنی خمیدن و میل کردن، نه جفته به این معنی شگفت.

برخی واژه‌ها نیز هستند که در فرهنگ‌های معتبر ضبط نشده است و به ظاهر نیز غلط می‌آید اما از آنجا که مؤلف برای آنها شاهی ارائه نکرده است نمی‌توان آنها را یافت و معنی درست آنها را فهمید. از جمله:

بیخ رست: ریشه درخت. پاجوش درخت که از ریشه برچوشد و برآید.

گرچه همان‌طور که گفته شد شاهد کلمه ارائه نشده اما ظاهراً کلمه را از این بیت دریافته‌اند:

سپاسم به یزدان کز این بیخ رست
برآمد یکی شاخ فرخ درست

که طبعاً دو واژه آخر مصراع اول بیخ رست به صورت صفت و موصوف است و رست نیز یعنی محکم و استوار و خدا را شکر می‌کند که از ریشه محکم خاندان اصیل، شاخه تازه و فرزندی دیگر سر برزده است.

این کلمه نیز بی هیچ شاهی آمده است:
خاک رنج: خاک رنگ، خاکی، گرد و غبار، خاکسار

که نتوانستم آن را جایی بیایم.
۵) ضبط‌های غلط

پاره‌ای واژه‌ها در این کتاب آمده است که معلوم نیست از کجا آمده یا چگونه ساخته شده‌اند برای مثال: بهرای (به‌روای)، برای، از برای، از جهت، سزاوار کار این کلمه در این بیت آمده است:



جهان را ز بهر خورش ساختند

ز بهرای بیشی نیزداختند
البته این بیت در چاپ‌های معتبر شاهنامه و کشف‌الایات چاپ دکتر دبیر سیاقی نیامده است.

برآرم (اول شخص جمع مضارع) برآوریم، برآوریم، گویش خراسانی از تمام صیغه‌های سوم شخص جمع افعال ماضی و مضارع که یای ضمیر جمع را به کسره تبدیل و تلفظ کنند.

(البته لازم به توضیح نیست که برآوریم اول شخص جمع است نه سوم شخص جمع افعال) این ضبط به عقیده مؤلف محترم در این بیت است:

از ایران و ایرج برآرم دمار
حال چرا به همان شیوه همه خوانندگان آن را برآرم
یعنی برآورم نخوانیم، پرسشی است که مؤلف محترم باید به آن پاسخ بدهد.

(۶) آمیختن مدخل‌ها

در همه فرهنگ‌ها واژه‌های مشابه را بر اساس هویت دستوری، اشتقاق و ریشه کلمه جدا می‌آورند، اما در این فرهنگ این امر رعایت نشده است و واژه‌هایی را که صرفاً از نظر شکل یکسان است یکجا آورده‌اند. برای مثال کلمه آفرین به معنای تحسین و زه و معنی صفت فاعلی یعنی مخفف آفریننده زیر یک مدخل آمده است.

«باز» به معنی پرنده شکاری و به معنی سوی و جانب و به معنی پیشوند یکجا آمده است. همین طور کلمه باره به معنای بارو اسب و بارو تنها یک مدخل دارد. نیز مدخل‌های آورد، بر، بیهی و...

اما در این قسمت نیز روش یکسانی رعایت نشده است و بعضی واژه‌ها به اشتباه (یا به درست) دارای مدخل‌های جداگانه است مثلاً «بپای» براساس هویت دستوری جدا شده است، و هم‌چنین «برز» و...

بخش دوم و بخش سوم کتاب یعنی شرح نام‌ها و شرح جای‌ها هیچ کمکی به خواننده نمی‌کند زیرا توضیحی درباره معانی نام‌ها، اشتقاق آنها، پیشینه آنها

و... ندارد و تنها همان اطلاعاتی را به خواننده می‌دهد که خود از خواندن بیت درمی‌یابد.

برای مثال درباره آرش تنها چنین گفته شده است: آرش: پسر کقیباد. برادر کاووس
در مورد باربد نیز گفته شده:

باربد: نوازنده و سراینده مشهور خسروپروریز
اما آنچه در این بخش جالب است این است که مؤلف صفات پهلوانان را نیز در بخش نام‌ها آورده است بنابراین بدنام و بدگمان چنین معنی شده است:

بدنام: افراسیاب

بدگمان: افراسیاب

بنابراین خواننده هر جا در شاهنامه به کلمه بدگمان و بدنام برخورد کرد باید بداند همان افراسیاب بدنام معروف است نه بدنام دیگری.

کلمه شاه در شاهنامه را چنین معنی کرده‌اند:

۱- اسفندیار ۲- افراسیاب ۳- بهرام گور ۴- تژاو
هرموده ۶- خاقان چین ۷- کنایه از زال زر ۸- سرخه
از زبان پدرش افراسیاب در سوگ او ۹- سیاوش ۱۰-
شاه مازندران ۱۱- شاه هاماوران ۱۲- شیده ۱۳- فرود
۱۴- فربرز ۱۵- فریدون ۱۶- کافور مردمخوار
۱۷- کرکوی در جنگ وی با سام (کنایه) ۱۸- کیخسرو
۱۹- کی کاووش ۲۰- گشتاسب ۲۱- لهراسب ۲۲-
محمود غزنوی. و برای جلوگیری از اطالة کلام تنها باید دانست که سپهدار ۱۷ معنی دارد و سپهبد ۲۸ معنی.
دیگر به عهده خواننده است که بداند واژه در بیت مورد نظرش به کدام یک از اینها برمی‌گردد. و اینکه چرا مثلاً در معنی کلمه شاه نام جمشید و تهمورث و مرداس و ضحاک و منوچهر و بقیه شاهان خوب یا بد حذف شده است دلیل آن همان است که در بخش اول گفتیم.

پانویست:

۱- این کتاب در سلسله «آثار مرجع فرزانه» چاپ شده است که امیدوارم سایر آثار مرجع این انتشارات این اشکال‌ها را نداشته باشد.

نامه‌های ملک الشعرا بهار

در آستانه انتشار

این کتاب، شامل یکصد و ده نامه از ملک الشعراء بهار است که در طول نزدیک به چهل سال و در ارتباط با حوادث مختلف سیاسی - اجتماعی نگاشته شده است. نخستین نامه مربوط است به درخواست لقب «ملک الشعرائی» از آستان قدس رضوی. پس از مرگ پدرش در سال ۱۲۹۲ ش/ ۱۳۲۲ ق. و آخرین آنها، نامه‌ای است خصوصی به یکی از اقوام بهار که در ۲۷ اسفند ۱۳۲۹ نوشته شده است. این نامه‌ها به لحاظ موضوعی، تقسیم می‌شود به:

— نامه‌های خانوادگی. مانند: نامه‌های بهار به همسر (پیش از ازدواج) و فرزندان.

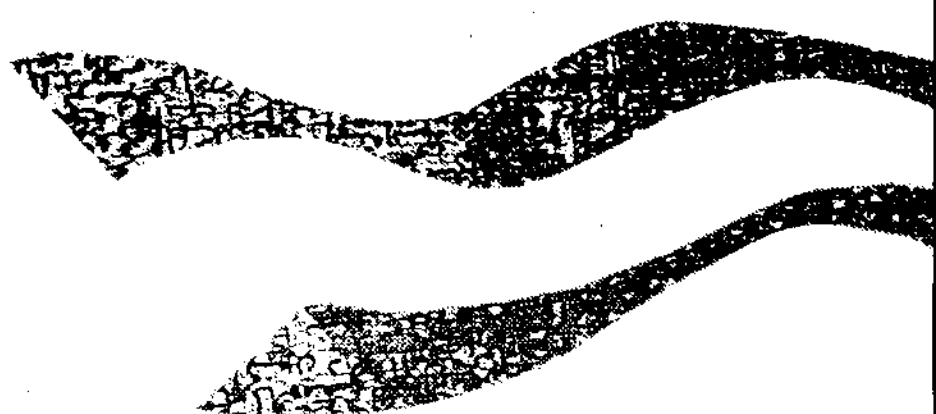
— نامه‌های سیاسی. مانند: نامه‌های بهار در ارتباط با انتخابات مجلس پنجم و یا به محمدعلی فروغی به هنگام تبعید در اصفهان.

— نامه‌های ادبی. مانند: نامه‌های بهار به رئیس دارالمعلمین، مربوط به طرح پیشنهادی تدریس تاریخ ادبیات ایران و یا نامه منظوم او به صادق سرمد.

— نامه‌های دوستانه، مانند: نامه‌های بهار به زمین‌العابدین رهنما، مجتبی مینوی و محمدعلی جمالزاده.

— نامه‌های اداری. مانند: نامه‌های بهار به رئیس دانشکده ادبیات.

بلندترین نامه، پیش‌نویس تحلیلی است مفصل از اوضاع ایران بعد از جنگ جهانی اول که مخاطب آن معلوم نیست و کوتاهترین آنها، تقاضا نامه‌ای است خطاب به شهربانی در ارتباط با اخذ پروانه مسافرت به کپلان که در مرداد ۱۳۱۸ نوشته شده است. نامه‌های بهار به همت علی میرانصاری فراهم شد است و از سوی سازمان اسناد ملی ایران منتشر خواهد شد.



سابقه تدریس در رشته زبان و ادبیات فارسی به صورت دانشگاهی آن در ایران زیاد نیست. اولین دانشگاه ایران، دانشگاه تهران به سال ۱۳۱۳ هـ. ش تأسیس شد و از اولین دانشکده‌هایی که کار خود را آغاز کرد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی بود که از ابتدا دانشجویانی در این رشته پذیرفته و مشغول تحصیل در دوره لیسانس یا کارشناسی شدند. متعاقب آن دوره دکتری زبان و ادب فارسی نیز برقرار شد و اولین فارغ‌التحصیل آن دوره مرحوم دکتر محمد معین به سال ۱۳۲۱ اولین دکتر در رشته زبان و ادبیات فارسی شناخته شد. بنابراین عمر تدریس دانشگاهی این رشته در ایران حدود هفتاد سال است که در مقام مقایسه با تدریس زبان و ادبیات ملی سایر ملل عمری طولانی نیست.

در طول این مدت در موضوع عناوین درسی همچنین تعداد آن تجدیدنظرهای مکرر شده است و بسیاری از واحدهای درسی در طول این سالها حذف یا اضافه شده‌اند، اما شیوه تدریس در دانشگاه همان شیوه اساتید بزرگواری است که برای اولین بار تدریس ادبیات را شروع کردند و در طول این سالها هیچ تغییر و تحول مهمی در نگاه ادبی اساتید دانشگاه نسبت به ادبیات دیده نشده است.

تلاش عمده اساتید در این سالها درباره موضوعاتی چون تصحیح متون و شرح آن، جستجو در مآخذ آیات و احادیث، تلاش برای فراهم آوردن مآخذ قصص و تمثیلات و... بود. پرداختن به زندگی شعرا و نویسندگان و بحث تاریخی درباره سبک و ویژگی‌های شاعران هم عصر و همچنین فراهم آمدن گزیده‌هایی از متون گوناگون جهت تدریس در کلاس عمده فعالیت محققین و اساتید را شامل می‌شد. آثاری نظیر شروع متعدد بر مثنوی مولانا و دیوان حافظ و شرح مشکلات بسیاری از آثار ادبی چون دیوان انوری، خاقانی و... نمونه‌هایی از این تلاشهاست که البته همه درخور قدردانی و سپاس است. در این مطالعات آنچه مورد بررسی قرار می‌گرفت کوشش برای شناسایی جهان پنهان در متن بود. اندیشه‌ها و تفکرات فلسفی و عرفانی حاکم بر متن، خصوصاً در متون تعلیمی و

عرفانی بود که اهمیت پیدا می‌کرد و ارزش این آثار به میزان تأثیری بود که بر خواننده خود داشت و نوعی نقد ذوقی را باعث می‌شد. درحقیقت معنی اثر ادبی والا آن بود که اثر حرفی درخور و شایسته برای بیان داشته باشد و مؤلف بتواند خواننده خود را تحت تأثیر سخن خود قرار دهد. در این میان آنچه کمتر اهمیت داشت و کمتر به آن توجه می‌شد خود متن به عنوان یک اثر هنری بود. به همین جهت است که متأسفانه امروز هم ما در تدریس قصاید فرخی و منوچهری که همه هنرشان در مدیحه و ستایش جمع آمده بود تنها تشبیب قصاید را تدریس می‌کنیم و از قسمت عمده سخن ایشان گزارشی نمی‌دهیم و یا هنگام تدریس نظامی که همه هنرش را در سرودن داستانهای عاشقانه به کار برده بود مخزن الاسرار را که متنی حکمی و تعلیمی است تدریس می‌کنیم. و یا سنایی غزنوی که بیشترین شهرتش را مرهون غزل و قصیده خویش است، در کلاس سنایی، حدیقه الحقیقه را که منظومه تعالیم صوفیه است تدریس می‌کنیم. یک جهتی بودن تدریس متون شمع هنری ما را از یادمان برده است و گاه خود ما در کلاس درس به جای معلم ادبیات بودن واعظ و شیخ و پیر و عالم و متشرع و مذكر هستیم و دچار این سردرگمی می‌شویم که لابد ادبیات همیشه در خدمت موضوعات شرعی و دینی، بیان وعظ و اندرز و یا تعلیم و تربیت بوده است، درحالی که آنچه امروز می‌بایست درصدد توجه ادیبان و مدرسین علوم ادبی قرار گیرد با توجه به نگاههای تازه به ادبیات و هنر میزان هنری بودن آثار و سنجش آثار خوب و بد با ملاکهای علمی است. دوره نقد ذوقی و تعریف و تمجید از آثار ادبی به پایان رسیده است. ما امروز باید پاسخگوی سؤالاتی دیگر باشیم. امروز باید بتوانیم قدرت و توانایی سخنوری سعدی و حافظ را در کلاس اثبات کنیم، به دیگر سخن آنکه ما باید وجوه هنری و زیبایی آثار ادبی را مورد مذاقه و نظر خود قرار دهیم.

مشکل امروز ما شبیه به همان ذهنیتی است که سالها حاکم بر دانشگاههای دیگر جهان و مدرسین آن بوده است با این تفاوت که چون ما در تحصیل علوم به مدت حدود یک قرن از قافله سایر کشورهای متمدن جهان عقب هستیم می‌بینیم که این نگاه سنتی به ادبیات حدود هشتاد سال پیش از این توسط منتقدین برجسته آن سرزمین‌ها مورد تجدیدنظر قرار گرفت و راهکارهایی برای تغییر مسیر آن پدید آمد که امروز ما

محتاج همان دوباره‌نگری در دانشگاههای خود هستیم. همان علتی که باعث آمده است که دانشگاههای ادبیات تولید شاعر و نویسنده نمی‌کند و بهترین منتقدان ادبی از مراکزی غیر از دانشگاههای ادبیات پیدا می‌شوند.

برای روشن شدن مطلب لازم می‌دانم گذری کوتاه بر تاریخ تدریس زبان و ادبیات انگلیسی در انگلستان و آمریکا داشته باشم:

«زبان و ادبیات انگلیسی به عنوان درسی دانشگاهی برای اولین بار در دانشگاه ادینبورگ در قرن هیجدهم تدریس شد. همزمان با آن در اوایل قرن نوزدهم تدریس این رشته در کالج‌های اصلی شهر لندن هم شروع شد. در آمریکا اولین استاد علم بلاغت و بیان در هاروارد در سال ۱۸۰۶ تدریس خود را آغاز کرد. سال ۱۸۹۴ شروع تدریس این رشته در دانشگاه آکسفورد و ۱۹۱۲ در دانشگاه کمبریج بود.»^۱

در این دانشگاهها گرایش‌های غالب در تدریس متون توجهات تاریخی بود و اساتید برای مؤلف و شاعر اثر ادبی بیش از خود متن ارزش قائل بودند. حتماً آن داستان معروف را درباره رویکردهای سنتی به متن در ادبیات انگلیسی شنیده‌اید. این داستان به طور طنزآمیز چگونگی تجزیه و تحلیل متون ادبی را تا دهه ۱۹۳۰ نشان می‌دهد:

«می‌گویند یکی از استادان انگلیسی یک دانشگاه بزرگ شرقی وارد کلاس شده و شعر «به دلند شرم‌آگین خویش» اثر «آندره مارول» را به عنوان مطلب مورد بحث آن ساعت نام می‌برد. او سپس در مورد رویه سیاسی دین و پیشه مارول شرح می‌دهد، شخصیت او را توصیف می‌کند، در مورد تأهل و تجرد او به گفتگو می‌پردازد و... در این هنگام زنگ پایان کلاس به صدا درمی‌آید. استاد دفتر یادداشت‌های خود را می‌پندد، سرش را بلند می‌کند و لبخند زنان می‌گوید: شعر بسیار بسیار نابی است بچه‌ها، بسیار ناب.»^۲

البته این رویه تدریس همچنان در بعضی حوزه‌ها به کار گرفته می‌شود. در این روش خود اثر ادبی در درجه دوم اهمیت قرار دارد. در چنین روشی اغلب به مطالعه ادبیات به عنوان زندگی‌نامه، تاریخ یا اندیشه‌ای فلسفی و نه هنر پرداخته می‌شود. نکات تاریخی- تذکراتی، اخلاقی- فلسفی مهم‌ترین رویکردهای ادبی به متن تلقی می‌شد. این منتقدان عقیده داشتند که عمده‌ترین فرآیند ادبیات همان تعلیم اخلاقیات و کاوش در مقولات

نقد ادبی و تدریس متون ادب فارسی

فلسفی است. «قدمت رویکرد اخلاقی- فلسفی به دوران منتقدان یونان و روم می‌رسد. برای مثال افلاطون بر «اخلاق‌گرایی و اصالت سودمندی» و هوراس بر «تذذ و تعلیم تأکید دارند.»^۲

تا قبل از دهه بیست و سی در قرن بیستم در ادبیات جهان عموماً به اثر ادبی به عنوان متنی تعلیمی و اخلاقی نگاه می‌شد و آنچه از میان چهار نوع نگرش منتقدانه به متن اعمال می‌شد، نقد به لحاظ واقعیت^۳، نقد کاربردی و اخلاقی یا نقد به لحاظ خواننده^۴ و نقد بیانگرانه یا نقد به لحاظ نویسنده^۵ بود و آنچه کمتر اهمیت داشت نقد عینی^۶ یا نقد به لحاظ خود اثر بود که اثر ادبی را جدا از نویسنده و خواننده و دنیای پیرامون آن بررسی می‌کرد و اثر ادبی را به عنوان پدیده‌ای هنری که هنری زبانی^۸ نامیده می‌شود مورد بررسی قرار می‌داد. نقد صورت‌تگرایی و توجه به متن به عنوان یک هنر زبانی از حدود ۱۹۲۰ میلادی توسط رومن یا کوپس و ویکتور شکوفسکی منتقدین بزرگ روس ارائه شد و دامنه آن به دانشگاه‌های اروپا و آمریکا کشیده شد. کتاب ادبیات چیست؟ «سارتر»، نقد تفسیری و سایر آثار «رولان بارت» منتقد بزرگ فرانسوی نگرش به آثار ادبی را به طور کلی متحول کرد.

مطالعاتی که در دهه‌های ابتدایی قرن بیستم پیرامون چیستی هنر و ادبیات صورت گرفت (که البته دنباله نظریات فلاسفه، ادبا و هنرمندان قرون گذشته بود) خصوصاً انتشار کتاب ادبیات چیست؟ سارتر که آن را مهم‌ترین جواب قرن بیستم به سؤال ادبیات چیست دانسته‌اند موجب گشایش فصل جدید نگرش به ادبیات شد.

آنچه امروز در نقد نو اهمیت دارد کالبدشناسی ادبیات به عنوان یک علم است، به همین جهت امروز در اروپا آثاری با عناوین کالبدشناسی شعر یا نثر نوشته می‌شود. بزرگترین منتقد نو انگلستان ریچاردز درباره کلاس ادبیات می‌گوید: «امروز کلاس ادبیات باید چون کلاس تشریح باشد» امروز ما باید با شناخت رگ و پی و گوشت و استخوان متن با تکیه بر علوم جدید چون

زبان‌شناسی و نقد ادبی متن را تجزیه و تحلیل کنیم و این دست نخواهد داد مگر اینکه ما بتوانیم در دروس دانشگاهی و نحوه تدریس خود تغییراتی ایجاد کنیم. پیشنهادات زیر در جهت رسیدن به این کمال مطلوب است:

۱- ایجاد درسی تازه با عنوان هنر و زیبایی‌شناسی ادبی حداقل در ۲ واحد درسی. شناخت ادبیات و تعریف آن مستلزم داشتن دیدگاهی هنری و زیبایی‌شناسی است. دانشگاه‌های ادبیات می‌باید مقدماتی را پیرامون شناخت هنر و ادبیات در صدر دروس دانشگاهی قرار دهند. فارغ‌التحصیل ادبیات باید بتواند تعریفی درست از ادبیات داشته باشد و هدف آن را بیان کند.

۲- تجدیدنظر تدریس در متون منتخب از نویسندگان و شاعران. پیش از این اشاره کردیم که بهتر است در درس سنایی جدا از حدیقه به غزل، قصیده رباعی و قطعه این شاعر هم پرداخته شود و ساحت‌های متنوع اندیشه وی مورد بررسی قرار گیرد. یا پیشنهاد می‌شود در درس نظامی بجای تدریس مخزن‌الاسرار، هفت پیکر، خسرو و شیرین یا لیلی و مجنون تدریس شود.

۳- توجه بیشتر به درس زبان‌شناسی و رابطه آن به ادبیات موجب گشایش راه‌هایی برای تعریف صحیح ادبیات به عنوان یک هنر زبانی و توجه هنرمندانه آن می‌شود. امروز بدون آموزش زبان‌شناسی قادر به توجیه و سنجش هنری بودن آثار ادبی نخواهیم بود. آشنایی با هنجارگریزی‌ها، آشنایی زبانی‌ها و برجسته‌سازی است که این توانایی را برای دانشجویان فراهم می‌کند تا بتوانند نقد عملی بر روی متن داشته باشند.

۴- نقد ادبی به عنوان محوری‌ترین واحد درسی باید در چهار واحد ارائه شود. دو واحد نقد ادبی نظری و دو واحد نقد ادبی عملی تا فرصت تمرین نظریه‌های مختلف منتقدان و مکاتب نقد ادبی بر روی متون قدیم و جدید در کلاس فراهم شود. شناخت رویکردهای نقد ادبی و استفاده از انواع گرایش‌های آن موجبات شناخت اثر ادبی والا را از غیر آن فراهم می‌سازد.

۵- تجدیدنظر در تدریس دستور زبان سنتی و تدریس دستور ساختاری فردیناند دوسوسور یا دستور گشتاری نوام چامسکی و مطابقت آن با زبان فارسی که برعهده دستوردانان خواهد بود.

۶- تغییر عنوان و تعریف درس «آشنایی با عروض و قافیه» به واحد درسی «موسیقی شعر». در این درس

علاوه بر توجه به اوزان عروضی و قافیه سنتی که معمولاً تدریس می‌شود باید به انواع موسیقی شعر (کنایی، درونی، برونی)، قدرت تأثیر محور و اوزان و نقش موسیقایی آن در موضوعات شاعرانه و همچنین موسیقی شعر معاصر پرداخت. مسلماً در مقدمه آن باید آشنایی مقدماتی با علم آواشناسی یا فونتیک برای دانشجویان فراهم شود.

۷- ازدیاد ساعات درس ادبیات معاصر از ۴ واحد به ۸ واحد درسی تا برای استاد این درس مجالی فراهم شود که جدا از بحث تاریخی، سبکی ادب معاصر به نقد و بررسی شعر معاصر (که مطالعه آن در هیچ‌یک از مراحل آموزش ادبیات از کارشناسی تا دکتری میسر نیست) بپردازد.

۸- پیشنهاد آخر که در طول مقاله به آن پرداختیم تجدیدنظر در شیوه تدریس متون ادبی است. پیشنهاد می‌شود در طول ترم تحصیلی همراه با توجه به کمیت و حجم متن به کیفیت و تشریح مطلب هم پرداخته شود. می‌توان در طول تدریس جدا از اینکه بخش‌هایی از متن جهت آشنایی با شعر و نثر شاعر یا نویسنده مورد بحث خواننده می‌شود بعضی قطعات برگزیده بصورت نمونه در بعضی جلسات مورد نقد و بررسی قرار گیرد و استاد بتواند از رویکردهای گوناگون نقد ادبی چون نقد تاریخی، اخلاقی، فلسفی، زندگی‌نامه‌ای، صورت‌تگرایی و ساختاری در توجیه متن استفاده کند.

پی‌نوشت‌ها:

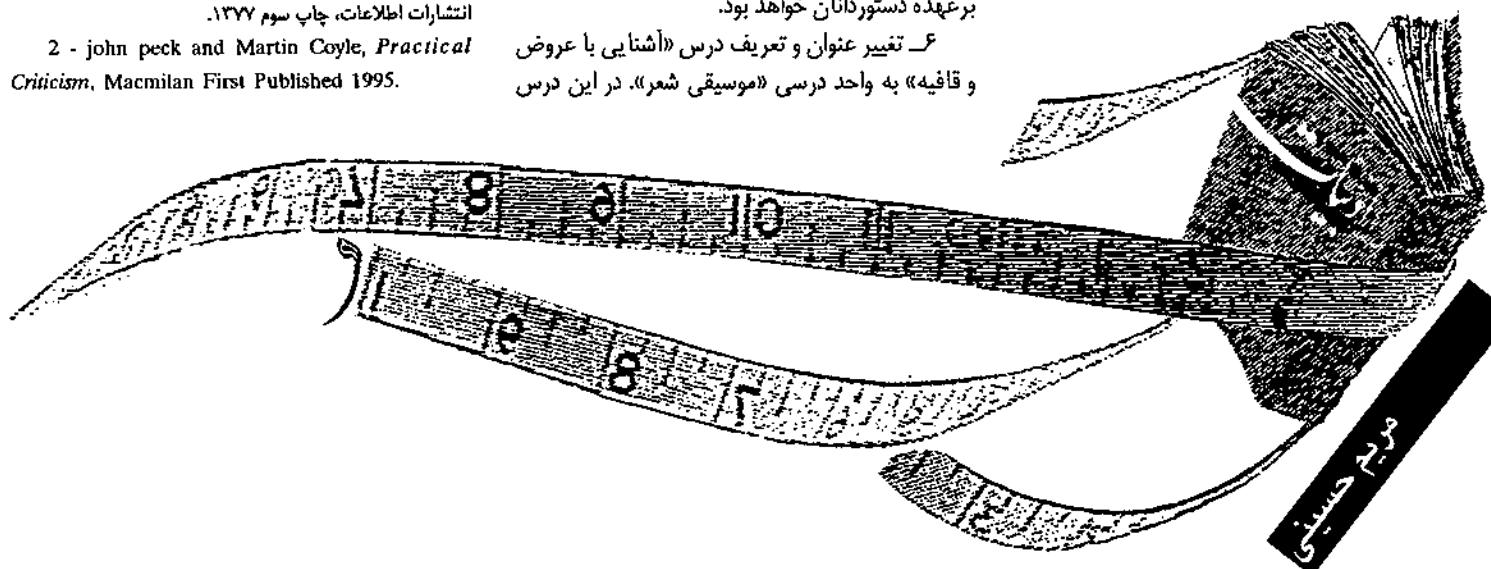
1 - john peck and Martin Coyle, *Practical Criticism*, P. 4

۲- ویلفرد ال گورین و دیگران، راهنمای رویکردهای نقد ادبی، ص ۳۷.
۳- همان، ص ۳۷.

- 4 - Mimetic Criticism
- 5 - Pragmatic Criticism
- 6 - Expressive Criticism
- 7 - Objective Criticism
- 8 - Verbal art

منابع:

- ۱- ویلفرد ال گورین، ارل جی لیبر، ویلینگهام و مورگان، راهنمای رویکردهای نقد ادبی، ترجمه زهرا میهن‌خواه، انتشارات اطلاعات، چاپ سوم ۱۳۷۷.
- 2 - john peck and Martin Coyle, *Practical Criticism*, Macmilan First Published 1995.



یکی از جذاب‌ترین فرم‌های رمان و ساختارهای قصه‌گویی، بدون شک رمان‌های نمادین و تمثیلی هستند، زیرا اتفاقات و رویدادها به همان میزان که تخیلی و رویاگونه‌اند، به همان اندازه نیز واقعی و ملموسند. و ژوزه ساراماگو، در رمان کوری با طرح مجموعه‌ای از کابوس‌های هولناک و رویدادهای تکان‌دهنده، خواننده را در فضای پر پیچ و تاب و تفکربرانگیز و خردکننده نوعی کوری مسری قرار می‌دهد که شخص پا به پای قهرمان داستان و اتفاقات رعب‌انگیز آن این کوری نمادین را تجربه می‌کند...

نوع کوری در این داستان، کوری سفید است، نه کوری سیاه... نور شدید تکنولوژی این قرن، انسان‌ها را در تلوؤ خیره‌کننده خویش به کوری کشانده و انسان‌های رمان در حال نیاز به یک پوست انداختن و تصفیه درونی تصویر می‌شوند...

این نوع کوری همچون سیل ویران نمی‌کند بلکه چون نه‌ری آرام رخنه می‌کند و از زیر می‌پوساند... و به آنهایی که از سویی در یوق و کرنای تکنولوژی و پیشرفت می‌دمند و از افتخارات و ره‌آوردهای تکنولوژی به خود می‌بالند، در نتیجه همین تکنولوژی از خود دور و بیگانه می‌گردند...

شاید بتوان مراحل تجربی آدم‌های داستان را به چهار مرحله تقسیم کرد.

مرحله اول: وقتی است که مردم در همین کوری و نادانی، خود از کوری خویش هنوز بی‌خبرند...

مرحله دوم: مرحله‌ای است که آدم‌ها در آستانه آگاهی از کوری قرار می‌گیرند و سایه‌های «ترس از آگاهی» بر جان‌شان سایه می‌افکند...

مرحله سوم: زمان تلاش انسان‌ها برای رهایی است.

و مرحله چهارم: مرحله باز یافت بینایی... و در طول قصه تلاش به شکل تنازع بقا ادامه دارد و در پایان ماجرا تنها کسانی زنده می‌مانند که برای رهایی از این کوری و بدست آوردن بصیرت و بینش، چیزهایی را از

دست می‌دهند.

اتفاقات در این رمان نه در زمان، و نه در مکان و نه در مرز و شهر خاصی روی می‌دهد... زمان و مکان در این رمان مفهومی ندارد... در این داستان روز و شب و فصل و ساعت وجود ندارد و این حدیث انسان این قرن است که در همه جا، در غرب و شرق و در همه وقت، صبح و ظهر و شب اسیر چنگال تکنولوژی شده... آدم‌ها دیده ژرف‌بین خود را از دست داده‌اند. (پیرمردی با چشم‌بند سیاه که در لحظه انتقال به زیرزمین و جمع کوران ساعتش می‌خواهد... زیرا زمان برای این انسان‌ها دیگر کارایی ندارد...)

کوران در روزهای غرق مه و سپیدی بسر می‌برد، روزهایی که هرگز شبی ندارد، شبی برای تخیل، تعمق، اندیشه و خلوت... نور و سپیدی قرن بیستم که بشر را در خدمت «کار» قرار داد، و بی‌هیچ نصیبی از ثمرات کار... چشم‌ها ظاهراً از شدت سلامتی برق می‌زنند و می‌درخشند اما عصب چشم‌ها از کار افتاده و نمی‌بینند... تمدن بشری چنان بی‌صدا و «بی‌درد» و بدون مقدمه و عارضه‌ای ظاهری بشر را به کوری کشانده که فقط در اوج آخرین لحظات کوری، بشر متوجه شده که دیگر چیزی نمی‌بیند، کوری و بی‌دردی بی‌زمانی محوری‌ترین مسایل قصه ساراماگو است. این نوع کوری که در نتیجه نوع زندگی بشر در این قرن است، از زبان کوران اینگونه توصیف می‌شود: غرق شدن در مه و شیر، کوری‌ای بسیار لطیف و نرم و سپید. انسان خود را در دریایی از شیر سپید غرق شده می‌یابد و لحظات آگاهی از کوری با آشفستگی، دست‌پاچگی و دلشوره همراه است.

توصیف ساراماگو از اولین مرد کور قصه، انسانی را به نمایش می‌گذارد، که خود عامدانه چشم‌هایش را بر روی حقیقت بسته است «او تمام عمر چشم‌هایش را بسته و باز کرد، و همه چیز بی‌هیچ تغییری منتظر او بوده... و او در حالت خواب و بیداری به خود می‌گوید: بیدار شوم؟ بیدار نشوم؟

در این داستان زندگی به شکلی رقت‌بار در حال جریان است و مرگ و زندگی پنجه در پنجه افکنده‌اند... این کوران که از اوج تمدن ناگهان به قهقرای حقارت تنزل کرده‌اند به خوک‌ها و خرچنگ‌هایی تبدیل

شده‌اند که همچون اعضای قانقاریا گرفته بدن باید قطع شوند. زیرا تنها از این راه می‌توان از شر پلیدی‌ها و فسادرها شد. این انسان‌ها در بحرانی‌ترین شرایط باز هم یکدیگر را می‌چاپند و از یکدیگر می‌دزدند و مثل همیشه حق دیگران را می‌گیرند، در آغاز اینان هریک در طبقات اجتماعی خود به زندگی ادامه می‌دهند ولی پس از کوری همه آنها به یک زیرزمین انتقال می‌یابند. وقتی ساراماگو، قهرمانان قصه‌اش را از طبقات مختلف جمع می‌کند و به یک طبقه انتقال می‌دهد، در آغاز دیگر مشکل و رنگ و نژاد و شغل و پول به کمک انسان‌ها نمی‌آید، هیچ کدام وسیله تمایز و برتری نیست، او می‌خواهد آدم‌ها را به دور از این جامعه به‌ظاهر متمدن و خالی از دیدگاه طبقاتی ارزیابی کند... اینجاست که آدم‌ها هریک به خاطر ارزش وجودی خویش مطرح می‌شوند... زیرا در وانفسای قحطی و گرسنگی و عدم دسترسی به بهداشت... انسان‌ها هریک نقاب از چهره‌هایشان می‌افتد و هریک تنها با طرز تفکرش شناخته می‌گردد...

نویسنده در این رمان حتی از اختصاص دادن نام خاص به قهرمانانش پرهیز می‌کند و تنها مشخصه‌های رفتاری معیارها شناسایی آدم‌ها می‌گردد، مثلاً زن بی‌خواب... دختر با عینک تیره... پسرک لوچ... برخی از قهرمانان به این کوری عادت می‌کنند و زوال می‌یابند و رهایی یافتگان از قرنطینه، کسانی‌اند که به حقارت و خفت عادت نمی‌کنند و برای نجات خود مبارزه می‌کنند.

مرکزیت داستان در همین زیرزمین است و بیشترین بخش کتاب بررسی اتفاقات در همین محدوده است و آدم‌ها پس از مدتی نه تنها خود را انسانهای متمدن سوار مرکب تکنولوژی نمی‌یابند، بلکه خود را حیواناتی در زندگی گله وار و جوامع ابتدایی می‌یابند، با همه درنده‌خویی و کثافات و پلیدیها...

حیواناتی که به خلاف دیگر حیوانات، به حقوق یکدیگر نیز تجاوز می‌کنند، هتک حرمت هم می‌کنند و به زندگی به همان‌گونه می‌نگرند و مرده‌ها در چشم‌شان بی‌ارزشند، زیرا زنده‌ها نیز با مرده‌ها برایشان فرقی ندارند...

کوران در همان حضيض بدبختی می‌گویند: به

سامان داشتن، غذا، و حفاظت از جان نیاز دارند و سرانجام به کسی که در پایان شبهای سپید بی‌سپیده زیرزمین خفقان‌آور برای آنان قصه بگوید... کوران ضمن آن که اصلی‌ترین کار یعنی مبارزه را از یاد برده‌اند، نیازمند شنیدن قصه‌اند. قصه‌ای که همه چیز را از آغاز خلقت جهان برای آنان بگوید... و تاریخ بشر و بشریت را و اینکه چگونه شد که انسان به این قهقرا نزول کرد؟ کوران گوسفندانی شده‌اند و زیر زمین سلاخ‌خانه آنان... دشمن کوران خود کوران هستند.

در اینجا مفاهیم قراردادهای اجتماعی در هم می‌ریزد، وابستگی‌ها و عشق‌ها تحت تأثیر بدویتی بی‌رحم از بین می‌روند، زنان به خاطر نان و سیر کردن شکم مردان از تن خویش مایه می‌گذارند. و مردان به لاشه‌هایی مفت خوار و بی‌مصرف و زورگو تبدیل شده‌اند که برای ندیدن حقیقت زیر پتوها می‌خزند...

آدم‌ها در ایسن قرنطینه به دهان‌های نشخوارکننده‌ای تبدیل شده‌اند که برای این نشخوار سنگین‌ترین بهای شرافتی را می‌پردازند.

در این کتاب شنیدن جای دیدن را می‌گیرد و آدم‌ها فقط به وسیله صدا ارزیابی می‌شوند و صدا به عنوان بلندگوی اندیشه، بیانگر اعتبار انسان‌هاست...

نقایها و ماسک‌ها بر چهره‌ها رنگ می‌بازند و سیمای عریان شخصیت آدمی به نمایش درمی‌آید...

دیگر دکتر و بیمار در دو موضع قرار ندارند، همه کورند و اگر سخن از درمان به میان می‌آید هر دو نیازمند درمانند...

برای درمان این نوع کوری، علم و مباحثه و سمینار نیز کارساز نیست... کوری به سیستم دولت نیز راه یافته و ضعف و بی‌برنامگی و تغییرات پی‌درپی استراتژی

نتیجه آن است.

ساراماگو در ریشه‌یابی و علل کوری به یکی از عوامل مهم یعنی ترس اشاره می‌کند و از زبان یکی از قهرمانان داستان می‌گوید:

ترس ما را کور کرده ما همان لحظه‌ای که کور شدیم کور بودیم، ترس ما را کور کرده و همین ترس ما را کور نگه می‌دارد... صحنه‌های قصه پر از ماجراهایی است بر پایه تبعیض و خفقان و نزاع و کشمکش. کوران به جان هم می‌افتند و بخاطر غذا به روی هم اسلحه می‌کشند. خوراک یکدیگر را غصب می‌کنند، احتکار می‌کنند و به یکدیگر می‌فروشند... رشوه می‌گیرند و با یکدیگر می‌جنگند زیرا جنگ نیز از نتایج کوری است...

ثالث پایانی کتاب، مرحله تلاش‌های نهایی برای رهایی از کوری است و هفت نفر از قهرمانان کتاب به رهبری یک زن (زن دکتر) از قرنطینه رها شده به زندگی سخت و توانفرسای درون شهر ادامه می‌دهند، این افراد پس از ورود به شهر در حالی که شهر را آراسته به پیشرفته‌ترین ادوات تکنولوژی می‌یابند آدم‌هایی را می‌بینند که توان استفاده از آنها را ندارند، در اوج تکنولوژی مردم را گرسنه می‌یابند... همه چیز در هم ریخته است و همگان کور شده‌اند فقط سگ‌های شهر هنوز کور نشده‌اند و در آن میان، و در وانسای کوری و ادبار سگی به دنبال یک جفت چشم زنده و سر حال می‌گردد...

در طول داستان تنها کسی که هرگز بینایی خود را از دست نمی‌دهد یک زن است، زن دکتر تنها کسی است که شاهد خفت‌های کوری و بیراهه‌های بشری است، او تنها کسی است که همه شهر و تمدن و فرهنگ بشری را غرق کوری (سپید) می‌بیند و تنها کسی است که در کلیسایی که کوران بدان پناه آورده‌اند، حتی «آن مرد مصلوب» را و حواریون را کور می‌بیند و چشم بسته... این زن وقتی با نویسنده‌ای در بیم کوران مواجه می‌شود، نام او را جویا می‌گردد و نویسنده می‌گوید: در دنیای کوران فرقی بین نام‌ها نیست (و هم از این روست که قهرمانان قصه ساراماگو فاقد نام خاصند) زیرا وقتی کسی نمی‌بیند، نمی‌خواند و... به این جهت فرقی وجود ندارد... شاید این زن به عنوان رهبر بینای شهر کوران یا شعار (اگر نمی‌توانم کاملاً درست زندگی کنم حداقل

آنچه در توان دارم به کار می‌گیرم تا کاملاً به زندگی حیوانی نیفتم)، خود ساراماگو باشد...

تعریف مسؤولیت از زبان همین زن بیان می‌شود: همین که من چشم دارم و بینا هستم، مسؤولم، آن هم وقتی که دیگران چشم ندارند، مسؤولیت از دیدگاه ژوزه ساراماگو متوجه کسی است که می‌بیند. حقایق را، تلخی‌ها را، کثافات و پلیدیها و تبعیض و گرسنگی و کشتار را و تنها فرد مسؤول این جماعت (زن دکتر) است، زیرا تنها کسی است که می‌بیند اما حدود مسؤولیت و تعریف نیکی در این رمان از کلیشه‌ها و چهارچوب قراردادی رها می‌شود و مفهومی کاملاً نسبی می‌یابد، زیرا همین زن بینای مسؤول و نیک سرشت در شرایطی خاص آدم هم می‌کشد... اما او می‌کشد بجای آن کسانی که شجاعت و بصیرت دفاع از حقوق انسانی را ندارند و... می‌بیند به جای همه آنها که نمی‌بینند و اشک می‌ریزد به جای همه آنها که نمی‌توانند بگیرند... به اعتقاد این زن «کسی که دستور می‌دهد و کسی که اطاعت می‌کند، هر دو کورند...»

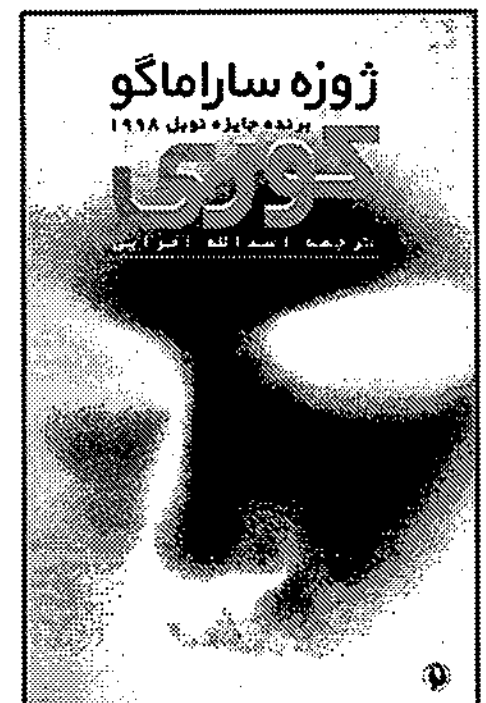
توانمندی «ساراماگو» در این اثر بیشتر در زمینه تسلط بر فضا است و هنگامی که زمان و مکان در قصه‌ای کمرنگ می‌گردد فضا نقش مؤثرتری ایفا می‌کند زیرا «بسیاری از رمان‌نویسان از حس و ادراک مکان برخوردارند، اما خیلی از حس درک فضا بهره دارند»^۱

و موارد عمده مطرح در رمان یعنی خور و خواب و عشق و مرگ، در آن زیرزمین مخوف توسط این اشرف مخلوقات به نمایش گذارده می‌شود و در نهایت آن که فقط می‌اندیشد (مثل دکتر) موفق نیست بلکه کسی که با نیرومندی اندیشه‌اش را به مرحله عمل در می‌آورد (مثل زن دکتر) موفق است...

ساراماگو شخصیت‌هایی را که در آغاز اینهمه از ما دور هستند، با ظرافت و با طرح مسائلشان چنان به ما نزدیک می‌کند و می‌آمیزد که در میانه داستان خواننده نیز به یکی از قهرمانان قصه تبدیل می‌شود...

پانویس:

۱- جنبه‌های رمان، فورستر، ص ۵۱



نرّه دادجو

فرهنگ نویسی برای زبان پارسی را به تعبیری می‌توان شاخه دیر رویده درخت گشن بیخ زبان و ادب دری دانست چون: «ایرانیان بسیار دیر به فکر تدوین فرهنگ برای فارسی دری افتادند و ظاهراً فرهنگ نویسی در قرن پنجم هـ. ق آغاز گردید.»^۱ اما با بودن چنین درنگی در آغاز، امروز «تالیف فرهنگ» از زمینه‌های پژوهشی موفق — از هر دو نظر کمی و کیفی — محسوب می‌شود که شماری از دست آوردهایش بی هیچ گمان و بزرگ نمایی در گروه شاهکارهای ماندگار فرهنگ و ادب ایران زمین است.^۲ در بخش‌بندی رایجی که از انواع فرهنگ‌ها موجود است، گروه «فرهنگ‌های تخصصی» که بر واژه‌نامه‌های ویژه یک متن یا فن یا موضوع اطلاق می‌شود، پیشینه‌ای هم‌چند خود فرهنگ نویسی پارسی دارد، به گونه‌ای که ال‌ابینه عن حقائق الادویه موفق هروی که از کهن‌ترین کتابهای نثر پارسی است واژه‌نامه موضوعی و ویژه علم طب است یا لسان التزیل که فرهنگ تخصصی واژگان قرآن عظیم می‌باشد و در قرن چهار و پنج به دست پژوهنده‌ای گمنام فراهم آمده است.^۳ همین موضوع بخوبی نشان می‌دهد که پیشینیان با فرهیختگی ستودنی به اهمیت و سودمندی چنین لغت‌نامه‌هایی پی برده بودند. براین پایه ناگفته پیداست که گسترش دامنه بشری و علمی ترشدن تحقیقات در عصر حاضر نیاز به فرهنگ‌های تخصصی را سد چندان کرده و به دنبال آن

بر تعداد این گونه آثار نیز افزوده است که ذکر نامشان خارج از گنجایی این گفتار است. اگر دریچه دید خویش را اندکی فروبندیم و بحث را بر زبان و ادب پارسی مقصور کنیم باید گفت که یکی از مهمترین دلایل درپایستگی تالیف فرهنگ‌های تخصصی برای متون نظم و نثر این است که در این آثار بویژه در نمونه‌های برجسته، واژگان، ترکیبات، اصطلاحات و اعلامی به کار رفته که بعضی از آنها یا در فرهنگ‌های عمومی پارسی وارد نشده است و یا این که معانی عام و متداول آنها ذکر شده و بارمعنایی ویژه و حوزه گسترده مفهومی یک لغت یا اصطلاح در متنی خاص مورد توجه قرار نگرفته است. بهترین نمونه مؤید این گفته، لغت‌نامه شادروان علامه دهخدا در مقام بزرگترین و معتبرترین فرهنگ زبان پارسی است که در آن بیش از سد نام خاص شاهنامه دیده نمی‌شود. یا از باب مثال مصدر (گفتن) که تنها ۱۲ معنی برای آن آمده در صورتی که در شاهنامه ۴۱ معنای باریک از آن استنباط شده است.^۴ بر همین بنیاد فرهنگ‌های تخصصی باید حاصل ژرف کاوی و بررسی بسیار دقیق لغات و ترکیبات و حتی حروف متن مورد نظر باشد نه تالیفی از توضیحات و شواهد فرهنگ‌های عمومی و تخصصی پیشین که در واقع بازگویی گفته‌هاست و کمترین سود و ارزش علمی ندارد. و سبب آن می‌شود که برای نمونه ترکیبات مهمی چون (خندیدن از) و (خندیدن بر) که در شاهنامه و منطق الطیر آمده از واژه‌نامه‌های ویژه این آثار فوت شود. پویه‌های پایا و روشمند درراه تدوین فرهنگ‌های تخصصی، جامه کردار پوشاندن به هدف روان شاد دکتر خانلری و همکارانشان در بنیاد فرهنگ ایران سابق است که در اندیشه تالیف فرهنگ تاریخی زبان پارسی

بودند و گویا دفتر نخست آن را نیز به چاپ رساندند. این مهم زمانی پراهمیت‌تر می‌گردد که بدانیم هنوز برای نامه‌های گران سنگی بسان کلیات سعدی و تاریخ بیهقی فرهنگ‌های جامع خاص نداریم و بسیار شایسته خواهد بود که استادان، پژوهشها و دانشجویان، پایان نامه‌های خویش را به چنین کارهای مانا و مفیدی ویژه کنند. در میان بنیادهای استوار کاخ ادب پارسی، سرشاری و پرمایگی واژگانی شاهنامه نامبرداری ویژه‌ای دارد و همین امر باعث شده که جز از روی کرد همگانی و همیشگی لغت‌نویسان از اسدی توسی تا دهخدا قزوینی به این گنجینه غنی، واژه پژوهانی نیز به گردآوری صرف لغات و ترکیبات آن و تنظیم فرهنگ‌های تخصصی شاهنامه دست یازند. این گونه کوششها و پژوهشها را از نظر تاریخی به دو نیمه می‌توان تقسیم نمود: ۱- فرهنگ‌های پیش از سال (۱۳۱۳ هـ. ش) یا مبداء شاهنامه پژوهی علمی نوآیین ۲- واژه‌نامه‌های پس از سال (۱۳۱۳) یا تحقیقات عصر شاهنامه‌شناسی جدید. درباره دسته نخستین گفتنی است که کهن‌ترین فرهنگی که هدف بنیادین تدوینش یاری به خوانندگان شاهنامه بوده و هم به درخواست آنان تالیف شده، فرهنگ قواس اثر فخرالدین مبارک قواس غزنوی شاعر برتر روزگار سلطنت علاالدین خلجی (۶۹۵-۷۱۹ هـ. ق) است که در دهلی هندوستان فراهم آمده.^۵ و با این که در گروه‌بندی فرهنگ‌های پارسی، جزو لغت‌نامه‌های عمومی است اما مقصود اصلی و بیشتر واژگان آن متوجه و ویژه شاهنامه است و از این نظر می‌توان نخستین فرهنگ «مربوط» به شاهنامه‌اش دانست. ولی اگر برآن باشیم تا قدیم‌ترین واژه‌نامه ویژه و تخصصی شاهنامه را معرفی کنیم

فرهنگ‌های تخصصی، گامی در راه شناخت بهتر متون

براساس آگاهیهای موجود باید از معجم شاهنامه محمد بن الرضابن محمد العلوی توسی نام برد که در اواخر قرن نه و آغازینده های سده دهم تنظیم شده است.^۶ آثار دیگری که در این دوره می‌گنجند، عبارت‌اند از: گزیده لغات شاهنامه (شیخ عبدالقادر بغدادی)، گنج‌نامه (علی بن تیغور بسطامی)،^۷ لغت شاهنامه،^۸ فرهنگ مختصر شاهنامه،^۹ لغت شاهنامه (چاپ بمبئی) و معیار قویم (میرزا محمد کشمیری؟ مجرم^{۱۰}).

طالایه دار گروه دوم، فرهنگ شاهنامه مرحوم دکتر رضازاده شفق است که هم هنگام با آغاز دوره نوین یعنی هزاره فردوسی در (۱۳۱۳ش) چاپ شد. پس از آن می‌توان این فرهنگها را نام برد: واژه‌نامه بسامدی (فریتز ولف)^{۱۱}، واژه‌نامک (عبدالحسین نوشین)، فرهنگ نامهای شاهنامه (دکتر منصور رستگار فسایی)، فرهنگ مفصل لغات و ترکیبات شاهنامه (دکتر مهدی قریب)، فرهنگ جامع شاهنامه (محمود زنجانی)، فرهنگ جامع نامهای شاهنامه (محمدرضا عادل)، فرهنگ نامهای شاهنامه (علی جهانگیری)، فرهنگ لغات و ترکیبات شاهنامه (داریوش شامبیاتی)، فرهنگ شاهنامه (نام کسان و جایها: حسین شهیدی مازندرانی)، فرهنگ لغات و ترکیبات چاپ مسکو (دکتر عزیزالله جویی)^{۱۲}، و سرانجام واژه‌نامه شاهنامه از آقای پرویز اتابکی که در سال ۱۳۷۹ از سوی نشر و پژوهش فرزانه روز روانه جهان شاهنامه‌شناسی گردیده است. این فرهنگ که برخلاف بیشتر همانندان مقدم خود، واژه‌ها و نامهای نامه نامور ریکجا دارد براساس شاهنامه‌ای است که بتازگی توسط آقای اتابکی

تصحیح و چاپ شده است.^{۱۳} بدین مناسبت اشاره به این نکته ضروری است که مهمترین اصل روش شناختی در تالیف فرهنگهای تخصصی، بهره‌گیری از چاپ علمی - انتقادی متنی است که واژه‌نامه آن فراهم می‌آید و این درباره شاهنامه که به سبب پاره‌ای دلایل خودویژه‌اش، همواره عرصه افزودگیها و دگرگونی‌های واژگان و بیتها بوده، شایان روی‌کردی بیشتر است: «تالیف فرهنگ کامل و دقیق واژه‌های شاهنامه وقتی امکان پذیر خواهد بود که خود متن بطور مطلوب تصحیح شده باشد».^{۱۴} لذا کار تدوین فرهنگ لغات و اعلام شاهنامه پس از چند سده فرهنگ‌نویسی تخصصی برای این اثر، هنوز پایان یافته نیست و جای فرهنگی که شایستگی خوانده شدن با صفت (جامع) را داشته و برپایه دفترهای شاهنامه تصحیح دکتر خالقی مطلق تالیف شده باشد، خالی است. سد البته این سخن به معنی کاستن از ارزشهای پژوهش آقای اتابکی نیست و واژه‌نامه ایشان را که در مواردی ضبطها و معانی کهن و ناحیه‌ای قابل توجهی را در بردارد، باید مصداق «مختصر و مفید» دانست که ابزار اولیه هر شاهنامه خوانی تواند بود. در این یادداشت به بررسی بعضی توضیحات و مطالب این واژه‌نامه می‌پردازیم شاید که مورد عنایت مولف محترم و بهره‌یابان اثر ایشان قرار بگیرد. اما پیش از آن حتماً باید اذعان کرد که دست یازی به تالیف فرهنگهای تخصصی برای متون در عین سودمندی، کار پژوهشی توان سوز و زمان بری است که این بیت عطار راست توصیف آن است:

شیرمردی باید این ره را شگرف

زان که ره دور است و دریا ژرف ژرف

۱- در (ص ۶) برای واژه (آبان: ماه دوم پاییز)

مصراع‌ی شاهد آمده که در آن مفهوم امشاسپند زرتشتی واژه مورد نظر است: از آبان هر کار فرخنده باد. ۲- تلفظ (اژدها) را با کسر نخست (ezdahā) آورده‌اند (ص ۱۷) در صورتی که جزء آغازین واژه از (azhi) اوستایی و (ahi) سانسکریت و براین اساس خوانش آن با فتح اول است.

۳- بهره دوم (اسپهید) را به گونه (بد) ضبط کرده‌اند (ص ۱۹) تلفظ درست این واژه چنان که بارها در شاهنامه در محل قافیه آمده، (esphābad) است چرا که پسوند (بد) چنین سیر تحولی داشته است:

> (پاتسکریت) pati > (هند و اروپایی) poti

> (پارسی میانه) bad > (پارسی باستان) ^{۱۵} paity

(پارسی دری) ^{۱۶} bad

به توس آن زمان داد اسپهیدی

بدو گفت از ایران بگردان بدی

(۹۰۸/۱۲۶/۳) ^{۱۷}

۴- به مشکوی من دخت فغفور چین

مراخواند اندر جهان آفرین

در این بیت (اندر) را به معنای پساوند (غیریت) و ترکیب (اندر جهان آفرین) را (سایه و بدل از خدا) گزارش کرده‌اند. باتوجه به این که (اندر) پسوند است و پس از واژه‌ای می‌آید که به آن مفهوم دیگری و نفی می‌دهد مانند: پدر اندر، مادر اندر و... بهتر است (اندر) را به همان مفهوم شناخته حرف اضافه بگیریم: در جهان مرا می‌ستاید و آفرین می‌گوید.

۵- (اندیشه سخته) به (اندیشه محدود) معنی شده

(ص ۲۳) که بی گمان سهو قلم است چون دقیقاً معنای

باژگونه آن را دارد: رای رزین.

سجاد آیدنلو

واژه‌نامه شاهنامه

پرویز اتابکی

نشر و پژوهش فرزانه روز، چاپ اول، ۱۳۷۹



۶- در (ص ۳۶) (بدان) را چنین تجزیه کرده‌اند: (به + d + آن) توضیح این که (بد: bed) در این ترکیب بازمانده گونه پهلوی (pad) در دری است که جز از (بدان) پیش از (این، او و ایشان) و در شاهنامه و دیگر متنیهای سده چهارم پیش از واژگان آغاز شونده با مصوت (نظیر: آهن، آیین، آب، آتش و...) دیده می‌شود، لذا حرف (د) را در (بدان) نمی‌توان واژگ ویژه‌ای دانست.

۷- ترکیب (برشده گوهر) را در مصراع: «نگارنده برشده گوهر است» در جایی (ص ۴۲) (گوهر والا) و در بخش دیگر (ص ۱۸۴) (سرشت والا) معنی کرده‌اند، برای دریافت معنی درست ترکیب باید از گرشاسپ نامه اسدی توسی بهره گرفت که آشکارا (جان) را (برترین گوهر) می‌شناساند:

چنین دان که جان برترین گوهر است

نه زین گیتی از گیتی دیگر است^{۱۸}
البته خود استاد از زبان یکی از شخصیتها، (آتش) را برترین گوهر آورده است^{۱۹}. اما با توجه به درونمایه تحمیدیه شاهنامه که مصراع از آن جاست، مفهوم مذکور در گرشاسپ نامه برای ترکیب در این مصراع، مناسب تر است.

۸- در (صص ۶۲ و ۱۸۰) ترکیب (گزپرست) در بیت زیر (گزکننده و اندازه گیر) معنی شده است:

ابر چشم او راست کن هر دو دست

چنان چون بود مردم گزپرست
با عنایت به ژرف ساخت اساطیری- آیینی داستان رستم و اسفندیار و نقش مهم (درخت گز) در آن و هم چنین اشارت عجایب المخلوقات به پرستش کنندگان گز در افغانستان^{۲۰} و روایی نیایش درخت در ایران پیش از زرتشت، درست تر آن است که (گزپرست) را (عبادتگر گز) معنی کنیم و مراد سیمرغ را از این همانندی، حالات دست گزپرستان به هنگام ستایش بدانیم.

۹- در مصراع: «شما را زمین پز کرس مرا» به ترتیب در صفحات (۶۳ و ۱۶۸) (پز کرس) را همان (پرمعروف سیمرغ) دانسته‌اند که زال به هنگام دشواریها بر آتش می‌نهد. بدون در نظر گرفتن جایگاه داستانی مصراع در شاهنامه، این پرسش را از سرگفتی بیان

می‌کنیم که مولف گرامی بر بنیاد کدام منبع و دلیل معتبر، (کرس) را برابر (سیمرغ) گرفته‌اند؟ در صورتی که در متن پهلوی بندهش (کرس) و (سیمرغ) دو پرنده جداگانه‌اند^{۲۱}. سپس بدین نکته توجه می‌دهیم که مصراع از داستان رستم و سهراب و خطاب خشم‌آلود رستم به پهلوانان ایران است و منظور تهمت از (پز کرس) با روی کرد به مصراع نخست بیت: «به ایران نبینید از این پس مرا» و آغاز مصراع دوم، مکان دور و دسترس ناپذیر است و (کرس) به تناسب قافیه (پس) و نیز تیزپروازی پرنده و استفاده از پر آن درین تیرها برای دورپرتابی پیکان، به نماد جایگاه دشواریاب و دور به کار رفته است و حتی با تأویل هم نمی‌توان (سیمرغ) را در مصراع و ترکیب گنجانند.

۱۰- درباره (پهلوان) نوشته‌اند: «منسوب به پهلوی» = قوم پارت یا پرتو یا الف و نون نسبت / ص ۶۶ به گمان بسیار (پهلوان) بازمانده (Parthava-panā) به معنی (نگهبان مرز) است^{۲۲} و جزء دوم همان (بان) است که به صورت کهن تر (وان) در واژه برجای مانده و پسوند نگاهبانی است و (ان) جزو اصل آن می‌باشد و پسوند نسبت نیست.

۱۱- (پهلوی) در مصراع: «نیشته من این نامه پهلوی» (زبان پهلوی) معنی شده است (ص ۶۷) اما چون سخن در وصف شاهنامه منثور ابومنصوری است که به زبان پارسی دری فراهم آمده بود باید واژه را (پهلوانی و مربوط به دلاوران) معنی کرد و مراد از (نامه پهلوی) را (کتاب درباره یلان) دانست.

۱۲- در بیت:

«بدید آن نشست سیاوش، پلنگ

رکاب دراز و جناح خدنگ»
هیچ یک از معانی آمده برای (جناح) بویژه (راست دستی در اسپی) سازگار نیست و بهتر است آن را بر پایه ضبط درست و با پشتوانه چاپ مسکو به (جناغ) دگرگون کنند.

۱۳- در (ص ۸۶) ذیل ماده (چه گونه) این بیت را شاهد آورده‌اند:

جهاندار سی سال از این بیشتر

چه گونه پدید آوردی هنر

و پاره دوم را چنین گزارده‌اند: «چه گونه گون هنرهایی که پدید آورد». پیشنهاد می‌شود که مصراع را به گونه پرسشی بخوانیم و بدین سان معنی کنیم: (تہمورت) چگونه می‌توانست بیش از آن چه گفته آمد، هنر پدید آورد؟ به دیگر سخن همان هنرها برای آن زمان سی سال بسنده است.

۱۴- (خداوند) را در این بیت، (ایزد بی انباز) معنی کرده‌اند: «چه گفت آن خداوند تنزیل و وحی - خداوند امر و خداوند نهی / صص ۸۹ و ۹۰» اما بیت درباره پیامبر اسلام (ص) است و باید (خداوند) را (صاحب و دارنده) گزارش کرد (خداوند تنزیل: صاحب قرآن).

۱۵- در مصراع: «شدی تنگدل چون نیامد خرام» (خرام) خبرخوش معنی شده است (ص ۹۰). مصراع از زبان اسفندیار به رستمی است که به سبب پیمان شکنی رویین تن خشمناک می‌باشد و (خرام) در آن به معنی اصطلاحی (به مهمانی بردن شخص پس از نوید و مامور همراهی میهمان تا ایوان میزبان) است.

۱۶- در (ص ۹۳) تلفظ واژه (خوش) رابه صورت (xash) به ضرورت قافیه دانسته‌اند. در توضیح باید گفت که از نظر زبان شناسی تاریخی تلفظ (خوش) در روزگار فردوسی و مدتها پس از وی به همان گونه (خش) بوده و در شاهنامه با کلماتی چون سرکش و کش و ایکش هم قافیه شده است. (xosh) نتیجه تطور زبان پارسی است: «در نیمه کلماتی که بعد از ترکیب xw مصوت a وجود داشته است، شبه مصوت w از تلفظ ساقط شده و مصوت a به o تغییر یافته است»^{۲۳}

۱۷- در (صص ۹۷ و ۲۱۸) ترکیب (خون وش) را براساس این مصراع، (خون مانند) معنی کرده‌اند: «چکان خون وش شد از او آب رود» در این مصراع و ضبط دیگرش در نسخه فلورانس: «چکان خون و وش شد» (خون) و (وشی) دو واژه جدا از همد و (وشی) به معنی (سرخ رنگ) است و باید با درنگی کوتاه (ا) پس از (خون) خوانده شود: خون می چکید و آب رود از آن وش (سرخ) شد. اسدی می‌گوید:

ز سم گوزنان زمین جزع رنگ

وشی گشته ریگ و شیخ از خون رنگ^{۲۴}



۱۸- (دستوار) را در بیت:

«زن و کودک و مرد با دستوار

نمی یافت از تیغ او زینهار»

(بیل و داس) معنی کرده اند (ص ۱۰۵). چنین به نظر می رسد که (دستوار) به معنی (عصا و چوبدست) و مراد از (مرد با دستوار) مرد کهن سال و پیر باشد.

۱۹- در مصراع: «در و دشت برسان دیبا شدی» (دیبا شدی) به معنی (نرم و هموار شد) آمده است (ص ۱۱۰) معنای دقیقتر (دیبا شدن)، (زیبایی و آراستگی) است و (دیبا) چنان که بارها در شاهنامه می بینیم، مشابه به زیبایی است: جهان گفتی از داد دیبا شده است

همان شاه برگاه زیبا شده است

(۴۵۰/۱۵۶/۲)

۲۰- برای واژه (عروس) در مصراع: «عروسم نیاید که رعنا شوم» معنای (داماد) را آورده و بدین سان معنی کرده اند: «داماد نیاید ضعیف و خوار شوم» (صص ۱۱۷ و ۱۵۲). (عروس) به معنای (داماد) ویژه زبان تازی است و در پارسی آن هم در شاهنامه نامناسب و بسیار مهجور است. در مصراع مذکور زال از زبان سپهدار تازی می گوید: «من نیاید عروس (همسر) داشته باشم چه دلیل نادانی و رسوایی من می شود.»

۲۱- در بیت:

«به جای درم زر و گوهر دهیم

سپاسی به گنجور بر سر نهیم»

(سپاسی) را (شکرانه، حال یا چیزی که به عنوان سپاسگزاری تقدیم کنند) گرفته اند (ص ۱۳۱). پیشنهاد می شود (سپاس) را به همان معنی (منت، و (سپاس بر سر نهادن) را برابر ترکیب امروزی (منت بر کسی گذاشتن) بگیریم و بیت را معنی کنیم: با دادن زر و در به جای سکه سیم، گنجور را منت دار و سپاسمند خود کنیم.

۲۲- در (ص ۱۳۴) زیر واژه (سخن) نوشته اند: «گاه به رعایت قافیه سخن (soxan) آمده» و سپس این بیت را شاهد آورده اند:

«براین گونه گردد سراسر سخن

شود سست نیرو چو گردد کهن»

باید توجه داشت که (سخن) در مواردی به مناسبت قافیه در شاهنامه به تلفظ امروز آمده است - که به گفته مرحوم استاد مینوی در اصالت آنها تردید است - اما در بیتی که نمونه آورده اند، چنین نیست، چرا که واژه قافیه مصراع دوم به صورت پهلوی آن (kahon) خوانده می شود و (سخن) نیز تلفظ اصلی خود را دارد (saxon).

۲۳- ترکیب (فرنصر) را (فر پیروزی، شکوه پیروزی) معنی کرده اند (ص ۱۵۷) این ترکیب در بیت زیر به کار رفته است:

به گیتی پرستنده فرنصر

زید شاد در سایه شاه عصر

و منظور از (نصر) نه معنای لغوی آن که اسم خاص و (نصر بن ناصرالدین سبکتکین) برادر کبوتر سلطان محمود است چنان که بنداری نیز در گزارش عربی خویش آورده است.

۲۴- (کرگ پیکر) را برای درفش کنایه از بزرگی و ستبری پیکر یا ساخته شده از پوست کرگدن دانسته اند (ص ۱۶۸). (پیکر) در ترکیب یاد شده و همانند آن (اژدها پیکر، خورشید پیکر و...) به معنی نگاره و تصویر است و درفش (کرگ پیکر) علمی است که نقش کرگدن بر آن نگاریده شده باشد و همچون دیگر درفشهای جانور پیکر یلان شاهنامه، مفهومی نمادین و توتیمیک دارد.

۲۵- در (ص ۱۷۹) برای (گرزم) به معنی گمان آمیز (بتر؟) مصراعی از دقیقی شاهد آمده است: «شکسته سلیح و گسسته گرزم» این مصراع با همین ضبط از نسخه قاهره (۷۴۱ هـ. ق) است که در چاپ مسکو به گونه: «گرفته جهان را و کشته گرزم» به متن رفته است و از آن جایی که با توجه به روند روایت و مصراع نخستش به کشته شدن (گرزم)، پهلوان ایرانی، در نبرد با تورانیان اشاره دارد، واریانت برتر و درست تر است، هر چند با تأویل (گسستن) به (کشته شدن) همین معنا را می توان از صورت ضبط شده در واژه نامه نیز به دست آورد. اما نکته این جاست که در هر دو حال، (گرزم) اسم خاص است و مفهوم واژگانی مشکوک آن مورد نظر نیست.

۲۶- (گوانجی) را مرکب از (گو) و (انجی) ذکر

کرده اند (ص ۱۸۴) در صورتی که در زبان پارسی پسوندی به گونه (انجی) وجود ندارد و آن چه در جزء دوم این ترکیب دیده می شود، پسوند نسبت (جی) از (ig) پهلوی است که به پایان (گوان: یلان) افزوده شده و در دو ترکیب (میانجی) و (کرانجی) نیز بازمانده است.

۲۷- در مصراع: «یکی نامور نامه افکند بن»

ترکیب (نامور نامه) را نخستین شاهنامه منثور زبان دری دانسته اند (ص ۲۰۲). باید توجه داشت که مصراع درباره شاهنامه ابومنصوری است که در سال (۳۴۶ هـ. ق) فراهم آمد و البته نخستین شاهنامه نثر دری نیز نبود چرا که پیش از آن، شاهنامه منثور ابوالمؤید بلخی این عنوان را ویژه خود کرده بود. هم چنین (نامه خسروان) را در: «تو (شو) این نامه خسروان بازگوی» شاهنامه منثور پهلوی و اساس شاهنامه ابومنصوری معنی کرده اند (ص ۲۰۲). حال آن که باز سخن بر سر منبع بنیادین شاهنامه یا همان نامور نامه دری ابومنصوری است.

۲۸- واژه (نخ) را در (ص ۲۰۴) با آوردن این بیت، (دام شکار) ذکر کرده اند.

سر پرده و خیمه ها گشت یخ

کشید از بر کوه بر، برف نخ پیشنهاد می شود که به دلیل غرابت (نخ: تور) آن را به معنی متداول در شاهنامه (رده و صف) بگیریم و (نخ) کشیدن برف بر کوه) را (پراز برف شدن کوهسار) معنی کنیم. البته کاربرد فعل (کشید) هم که با (صف) بیشتر متناسب است تا (دام) قرینه ای است برای معنای گفته آمده.

۲۹- در (ص ۲۲۶) برای (هیکل) به معنی (پرستشگاه) این دو شاهد را از دقیقی آورده اند: «فرود آمد آن جا و هیکل بیست» و «همه سوی شاه زمین آمدند»

بیستند هیکل به دین آمدند» در هر دو نمونه چنان که از فعل (یست) برمی آید (هیکل) به معنی (کمر بند ویژه زرتشتیان یا کستی) است و در این بیت از لیبی است که مفهوم (پرستشگاه) برای واژه مذکور درست است:

تو گفتی هیکل زردشت گشته است

ز بس لاله همه صحرا سراسر



۳۰- «یاقوت زرد» را در: «پیر از مشک جامی ز یاقوت زرد» استعاره از (می) آورده‌اند (ص ۲۲۸). چنان می‌نماید که با روی کرد به (پیر از مشک بودن جام)، (از) دوم برای بیان جنس آن آمده باشد و (یاقوت زرد) در معنای حقیقی خود، جنس جام مشک آکنده را نشان می‌دهد.

۳۱- (پشن) را در مصراع: «کنون تا بیامد ز جنگ پشن» کوتاه شده (پشنگ) نام پدر افراسیاب گرفته‌اند (ص ۲۵۲). این واژه نام جایگاه نبرد پیران ویسه و توس نوذر است که تورانیان پیروز و بیشتر فرزندان گودرز در آن کشته شدند و در شاهنامه بارها با نام (جنگ پشن) آمده است:

کز آن پس که جنگ پشن دیده‌ای

سر از رزم ترکان بیچیده‌ای
(۵۴۴/۳۶/۴) ۲۵

۳۲- به استناد مصراع: «چو پیروز قارن یل شیرگیر» (پیروز) را نام ویژه و فرزند قارن آورده‌اند (ص ۲۵۷). بررسی قضای داستانی که مصراع از آن جاست و هم چنین بیت‌های پیش و پس، نشان آن است که (پیروز) صفت مقدم برای (قارن) است و نباید با کسره و به صورت اضافه بنوّت خوانده شود.

۳۳- در بیت:

چنین داد پاسخ که تهمینه‌ام

تو گویی دل از غم به دو نیمه‌ام
(تهمینه) را به ضرورت قافیه (تهمینه) ضبط کرده‌اند (صص ۲۵۹ و ۲۶۰). در صورتی که همان صورت اصیل (تهمینه) درست است و قافیه دارای عیب (سناد= عدم رعایت حرف قید) است که در بیت دیگری از شاهنامه:

چه گفت آن خداوند تنزیل و وحی

خداوند امر و خداوند نهی

و این بیت از سعدی نیز دیده می‌شود:

چه ترک و چه روم و چه بز و چه بحر

همه روستایند و شیراز شهر

۳۴- در توضیح (جهن) نوشته‌اند: «سرداری ایرانی پسر برزین که در دماوند می‌زیست و تخت طاقدیس را برای خسرو پرویز ساخت / ص ۲۶۳».

نخست این که (جهن) سردار نبوده و پس از ساختن تخت به پاداش آن، مهتر چند بخش می‌شود. دو دیگر و مهمتر این که وی تخت را برای فریدون می‌سازد و پیوندی با خسرو پرویز ندارد:

کجا جهن برزین بدی نام اوی

رسیده به هر کشوری کام اوی

یکی نامور شاه را تخت ساخت

گهر گرد بر گرد او در نشاخت

که شاه آفریدون بدو شاد بود

که آن تخت پرما به آزاد بود

(۳۵۲۳-۳۵۲۳/۲۲۰/۹)

۳۵- در (ص ۲۸۵) سخنگوی دهقان یاد شده در سرآغاز برخی داستانهای شاهنامه را ابومنصور محمد بن عبدالرزاق دانسته‌اند در صورتی که ابومنصور، بانی گردآوری شاهنامه منثور است و (دهقان سخنگوی) و (موبد) و... راویانی که داستانهای آن نامه را روایت کرده‌اند و یا سخن آنها آمده است.

۳۶- لقب (گیومرت) را (گل شاه) آورده‌اند (ص ۳۱۶). اما: «گل شاه در اصل گرشاه به معنی شاه کوهستان است که در اثر همسان بودن املای گل و گر در پهلوی گمان رفته است او شاه گل است و آن گاه واژه با هزوارش گل نوشته شده است».

۳۷- توضیح (شیرخوان) را بدون بررسی دقیق شاهنامه از لغت نامه بازآورده‌اند که خود از فرهنگ ولف و نقیسی برگرفته است: «جایی که فریدون در آن جا بر ضحاک چیره شد / ص ۳۵۴». ولی بر بنیاد متن شاهنامه، ضحاک پیشتر در ایوان خویش گرفتار فریدون می‌شود و فریدون وی را به دستور سروش، دست بسته به سوی (شیرخوان) می‌برد:

بر آن گونه ضحاک را بسته سخت

سوی شیرخوان برد بیدار بخت

(۴۷۵/۸۴/۱) ۲۷

پی نوشتها:

۱- معین، محمد: فرهنگ فارسی، انتشارات امیرکبیر، چاپ هشتم ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۲۹ مقدمه

۲- تازه‌ترین و فرجامین نمونه چاپ شده این آثار جاویدان فرهنگ عامیانه زبان فارسی از استاد ابوالحسن نجفی است.

۳- مهیار، محمد: فرهنگ دستوری، نشر میترا، چاپ اول ۱۳۷۶، صص ۵ و ۶

۴- رکن رستگار قسایی، منصور: تحلیل معنایی واژه (گفتن) در شاهنامه، ز دفتر نیسته که یاستان، به کوشش گروه رجال و مفاخر فرهنگی، مرکز خراسان‌شناسی، چاپ اول ۱۳۷۹، صص ۱۰۷-۱۲۴

۵- رکن: شهریارنقوی، سیدحیدر: نفوذ و تاثیر شاهنامه در هند و پاکستان، سخنرانیهای سومین دوره جلسات سخنرانی و بحث درباره شاهنامه، به کوشش ایرج زندیور، اداره کل نگارش وزارت فرهنگ و هنر، ۱۳۵۳، ص ۲۰۴

۶- معجم شاهنامه، به کوشش حسین خدیوچ، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۳، ص ۱۵ مقدمه

۷- به صورت نسخه خطی در کتابخانه اصفیه حیدرآباد دکن

۸- نسخه خطی در دارالکتب قاهره

۹- نسخه خطی در کتابخانه مرحوم آیت الله مرعشی نجفی

۱۰- نسخه خطی در کتابخانه دانشگاه پنجاب، برای معرفی این دست نوشت ارزشمند، رکن: احمد ظهورالدین: فرهنگ شاهنامه، نمیرم از این پس که من زنده‌ام، به کوشش دکتر غلامرضا ستوده، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول ۱۳۷۴، صص ۴۰۷-۴۱۱

۱۱- این شاهکار سترگ در سال (۱۹۳۴م) هم زمان با برپایی هزاره فردوسی در کشور آلمان به چاپ رسید.

۱۲- چاپ نشده است، رکن: شاهنامه فلورانس، به کوشش دکتر عزیزالله جویی، انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۱۱ پیش گفتار

۱۳- برای معرفی و بررسی این چاپ، رکن: خطیبی، ابوالفضل: متن انتقادی یا متن دلخواهی؟ نشر دانش، سال هفدهم، شماره اول، بهار ۷۹، صص ۶۴-۶۶

۱۴- ریاحی، محمدامین: فردوسی، طرح نو، چاپ اول ۱۳۷۵، ص ۳۶۱

۱۵- باقری، مهتری: بررسی تحولات مصوت در زبان فارسی، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز، شماره ۱۲۸ و ۱۲۹، تابستان و پاییز ۱۳۶۲، ص ۵۰

۱۶- ابوالقاسمی، محسن: دستور تاریخی زبان فارسی، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی (سمت) ۱۳۷۵، ص ۲۳۹

۱۷- شاهنامه چاپ مسکو

۱۸- گرشاسب نامه، به اهتمام حبیب یغمایی، کتابفروشی بروخیم ۱۳۷۷، ص ۱۱، بیت ۱

۱۹-

همان قیله‌شان برترین گوهر است

که از آب و خاک و هوا برتر است
(۹۱-۱۳۸۶)

۲۰- رکن: شعیبا، سیروس: طرح اصلی داستان رستم و اسفندیار، نشر میترا ۱۳۷۶، ص ۳۶

۲۱- بهار، مهرداد: بندهش (فرنیغ دادگی)، انتشارات توس ۱۳۶۹، ص ۷۹

۲۲- رکن: سرکاراتی، بهمن: درباره فرهنگ ریشه‌شناختی زبان فارسی و ضرورت تدوین آن، نامه فرهنگستان، شماره ۱۳، بهار ۷۷، ص ۲۷

۲۳- نیساری، سلیم: استفاده از شاهنامه در پژوهشهای زبان‌شناسی تاریخی، نمیرم از این پس که من زنده‌ام، همان، ص ۲۶۸

۲۴- گرشاسب نامه، همان، ص ۲۷۰، بیت ۲۹

۲۵- شاهنامه به کوشش دکتر جلال خالقی مطلق، بنیاد میراث ایران، کالیفرنیا ۱۳۷۳

۲۶- بهار، مهرداد: پژوهشی در اساطیر ایران، انتشارات آگه ۱۳۷۵، ص ۱۸۹

۲۷- شاهنامه به کوشش دکتر جلال خالقی مطلق، انتشارات روزبهان ۱۳۶۸

گیتی دوبار حمله غم شد
اسباب درد و رنج فراهم شد
(کمال)

«اما شاعر باید که سلیم الفطره، عظیم الفکره، صحیح الطبع، جیدالرویه، دقیق النظر باشد»؛ این گفته نظامی عروضی - در قرن ششم هجری - در بیان حال و «چگونگی شاعر و شعر او»، و این که بخش اعظم «کمال» شاعر در اطلاع و آگاهی از شعر و کلام گذشتگان و یادگیری و تتبع در آنهاست، و اگر شعرش به درجه «کمال» رسد، در «صحیفه روزگار مسطور» می‌شود و «بر السنه احرار مقروء» می‌گردد، و آن را «برسقاثن» می‌نویسند و «درمداثن» می‌خوانند، و بالاترین و برترین بهره و حظ از شعر نیز «بقاء اسم» شاعراست و اگر بدین درجه نرسد و دیگرانش نخوانند، «پیش از خداوند خود بمیزد»؛ مصداقی است کامل و خوب برای یادکرد از شاعری «کمال» یافته و «بقای نام» کسب کرده از دیار خراسان: یعنی مرحوم احمد کمال پور، متخلص به «کمال».

در ابتدای پاییز ۷۲ بود که دوستان و آشنایان و دیگر سخن سنجان این مرز و بوم - خصوصاً همشهری‌های مشهدی کمال - در مجلسی در تالار دانشکده ادبیات مشهد گرد هم آمدند و به پاس داشت مقام و منزلت او

پرداختند؛ و برآستی آن روز کسی چه می‌دانست که چند سال بعد - یعنی در پایان تابستان و آغازین روزهای پاییز ۷۹ (شهریور) - باید به سوگش نشست و بر رفتن غریبانه‌اش گریست. به واقع، گزیه بر فوت «کمال» گریستن بر یتیمی شعر امروز خراسان است که بازوی قوی و پهلوان خویش را از دست داد و جوانمردی‌اش را در باخت؛ اگر تا به امروز شاعران خراسان به «کمالات» و جوانمردی‌ها و مردانگی‌های خود می‌بالیدند، دیگر باید بر آنها گریه سردهند؛ چرا که تنها از شمار دو چشم است که یک تن کم شده، ولی از شمار خرد، هزاران هزار.

گر چه اهل ذوق و هنر و سخن سنجان ژرف نگر، با سیمای «کمال» و شعر او، کمابیش آشنایی دارند، ولی از آنجا که مرحوم «کمال» - به گفته دوست شاعرش محمد قهرمان - فردی خجالتی بوده و به دنبال کسب نام و آوازه هم نبوده است و به همین دلیل نیز شاید کمتر شناخته شده باشد، مناسبت دارد که در ابتدای کلام نظری داشته باشیم بر زندگی او و این که «کمال» که بود؟ او خود، در وصف حالش و این که چه زمان و کجا به دنیا آمده و زیسته است و نیز چگونه پرورش یافته، می‌گوید: «اسم احمد است. در سال ۱۲۷۹ در مشهد به دنیا آمدم. پدرم هم کارگر بود. ابتدا در محله «سرشور» به مکتب «اشیخ موسی» نامی رفتم و به رسم آن روزها گلستان و بوستان و حافظ را خواندم. بعد به مدرسه «نظمیه» مشهد رفتم و امتحان دادم. در کلاس سوم قبول شدم و تا ششم خواندم. پدرم فوت کرد و سرپرستی من به عهده دایی‌ام افتاد و به دنبال شغل رفتم و از

سنین ۱۴-۱۵ سالگی به کفاشی مشغول شدم و تا سن ۴۰ سالگی هم کفاشی کردم... تا سال ۱۳۳۲... از آن وقت دیدم کارهایی که دیگران در بازار می‌کنند من نمی‌توانم انجام بدهم - که شرحش مفصل است - و کفاشی را رها کردم... سال ۱۳۳۳ با دختر دایی‌ام ازدواج کردم و از او شش تا بچه دارم... سال ۱۳۴۲ وارد شرکت «قند ثابت» شدم... بجز همان شش کلاس ابتدایی قدیم، من درس دیگری نخوانده‌ام و هر چه بوده کتاب‌هایی بوده که دوستانم می‌گفته‌اند، مثل آثار مسعود سعد و ناصر خسرو و انوری و گاهی شاهنامه و دیوان سایر شعرا. وگرنه سواد آن طوری نداشته‌ام و حالا هم ندارم... مثل این که شاهنامه در من تاثیر عمیقی داشته، به طوری که شاید این اساس شعر من روی پایه‌های شاهنامه باشد.^۲

شادروان علی اکبر گلشن آزادی در کتاب صدسال شعر خراسان - که به کوشش خود مرحوم کمال چاپ شده است - می‌گوید: «کمال از اعضای خوب انجمن ادب خراسان و از دوستان مهذب و شریف و مهربان است. وی تا این اواخر در جرگه سرایندگان نبود، ولی در این ده سال اخیر بنا به اصرار دوستان شاعر به شاعری پرداخت و ناگهان طوری ترقی کرد که اکنون در غزل و قصیده و فهم بد و خوب اشعار و تمیز سبک‌های مختلف از شعرای درجه اول خراسان است و مطالعات کافی در شعر دارد.^۳»

این که «کمال» از چه زمانی آغاز به شعر گفتن کرده است و پای در وادی شاعری نهاده، حکایتی دیگر است. خودش می‌گوید: «در سال ۱۳۲۵ بود که آغاز به شعر

جواد میزبان

کمال، حامی مشاطه شعر زمان



گفتن کردم؛ دوست کفاشی داشتم به نام آقای شریفی که دوستان هم او را می‌شناسند. خدا سلامتش بدارد. شب‌های جمعه با او و سایر کفاش‌ها جلسه‌ای داشتیم، جلسه روضه خوانی. من با ایشان خیلی رفیق بودم. او یک بار به من گفت: نمی‌آیی برویم انجمن ادبی؟ تو با شعر سر و کار داری. گفتم: چند سال است که لای کتابی را هم باز نکرده‌ام، با شعر چه سابقه‌ای دارم؟ گفت: حالا بیا برویم منزل آقای نگارنده، رفتیم و بین راه قدسی را هم برداشت؛ رفتن به منزل نگارنده همان و شعر گفتن همان و بعد از یک ماه غزلی گفتم و کم‌کم شدیم شاعر! ^۴

«کمال» گرچه مدت زیادی از عمرش را در کسوت شخصی، بازاری و در حرفه کفاشی گذراند، ولی هرگز خود را به عنوان یک بازاری - البته از نوع خدانشناس آن - به شمار نمی‌آورد و خود را تبری از این «دونان بازاری» می‌دانست و بازار را چون چاهی برای «یوسف تنش» به حساب می‌آورد و به کارگر بودنش فخر می‌ورزید. خوی و خصلت جوانمردی‌اش اجازه نمی‌داد تا برای دیگران - اگرچه که کفاش بود «پاپوش» بدوزد و یا پای در کفش دیگران کند. طبع بلندش سبب شده بود که هرگز سرنیاز بر استان کسان فرود نیآورد و دل به دنیای «دونان» نبندد و بنده حق باشد و از هر دو جهان آزاد:

هر چند که خود ز اهل بازارم

بالله که ازین محیط بیزارم...

گوشی نشنید ناله‌ام هرگز

در سینه شکست ناله زارم...

در سنگدلان نمی‌کند تاثیر

آه من و ناله شرور بارم...

من یوسف و چاه من بُود بازار

زین خَلق نشد کسی خریدارم...

من کارگرم، مرا بس است این فخر

کز رنج تن است کم و بسیارم

پاپوش برای کس نمی‌دوزم

گر کفشگری است حرفه و کارم

من کارگرم، از آن نمی‌آید

از حرفه و کار خویشتن عارم...

(گلشن کمال، صص ۶۹-۷۰)

بعد از این مقدمه و آشنایی اندک با زندگی «کمال»

بعاست کمی هم از شعر و اندیشه‌اش سخن بگوییم.

«کمال» از جمله شاعران سنت‌گرای معاصر است که شعر و کلامش در میان اهل ذوق و ادب، به سبک و بیان خراسانی معروف شده و به عنوان شاعری قصیده‌سرا و آن هم در سبک خراسانی، شهره عام و خاص گشته است. او - به تعبیری - «کوتوال کهنسال دژ باستانی سبک خراسانی» است که «استوارترین ترکیبات و فخیمترین واژه‌های شاعران این سبک را چون تخته سنگ‌های تراش خورده گزین می‌کند و پلکان قصاید بلندش را با آن می‌سازد» ^۵

«کمال» جدای از قصیده سرایی - به گواهی

مجموعه اشعارش (گلشن کمال) ^۶ - در سرودن غزل و قطعه و رباعی و مثنوی و اخوانیات و مرثی نیز دستی داشته و آثاری - بعضاً - ماندگار بر جای گذاشته است که البته کفه قصیده‌ها بر دیگر قالب‌ها می‌چرید. در شعر او، از تقنن‌ها و آرایه‌های لفظی و معنوی - آن گونه که تنها آراینده لفظ باشد - خبر چندانی نیست و حتی گاهی - مولوی وار - از قید و بندهایی که قواعد عروضی برای او ایجاد می‌کنند، شکوه سر می‌دهد:

مفعول و فاعلات و مقاعیلن

از من گرفت درک معانی را

(گلشن کمال، ص ۴۱)

و یا:

شد طبع، ملول از فحولن فع

دل چند به رسم و بر سنن بدم

نوآمد و کهنه، کهنه شد، تا چند

اوقات به واژه کهن بدم

(گلشن کمال، ص ۸۵)

اگر چه که گاهی به ضرورت و مقتضای کلام، از ترکیبات و تشبیهات و کنایات و استعاراتی نیز سود می‌جوید و تصویرگری‌هایی انجام می‌دهد، ولی اغلب آنها کهنه و قدیمی و کلیشه‌ای است که این هم مربوط می‌شود به همان تاثیر و تآثر شاعر از شعر قدما و سنت‌گرا بودن او.

«کمال» گرچه به تبعیت از شاعران بزرگ سبک

خراسانی شعر می‌سرود، ولی خیلی گداز و استفاده از ترکیب‌ها و واژه‌های غریب و دور از ذهن نمی‌گشت و می‌بینیم که کارکرد باستان‌نگرایانه زبان در شعر او چندان نمود ظاهری ندارد، هر چند که این کارکرد به گونه‌ای خیلی ظریف و زیبا سایه خود را بر آن افکنده و بوی و هوای کهنگی و سبک خراسانی از آن به مشام می‌رسد.

برخی شگرد تازه کمال را در تلفیق بدیع قالب قصیده با مضمون قطعه می‌دانند و برآنند که «کمال با استفاده از تجربیات قصیده‌گویان به قلمرو اندیشه قطعه‌سرایان نیز دست یازیده و آنچه را که خود در زندگی پر رنج و آزادوار خویش آزموده برآن مزید کرده است. به دیگر سخن، در شعر کمال از لحاظ فرم و موسیقی، آهنگ شعر فرخی و مسعود سعد از یکسو و صدای پرتین و دردانگیز خاقانی از سوی دیگر به گوش می‌رسد و از نظر درونمایه و محتوا، آنچه درباری امر به ذهن می‌آید تجربیات اندرزی این یمین است و بعد هم یافته‌های ذهن کمال جوی کمال که در پرتو طبع عیار صفت و پهلوان خوی او با «بافته‌های رنج» درآمیخته و اغلب «حله‌ای تنیده زدل بافته زجان» را تشکیل داده است که هیچ‌گاه بازار آن کاسد و بی رونق نخواهد شد. ^۷

«کمال» هر چند که ادبیات را به عنوان یک رشته تحصیلی دانشگاهی به صورت آکادمیک نخوانده بود، ولی به اقرار خود و دوستانش، جز و معدود شاعران

معاصر است که پیوسته دواوین استادان همی خوانده است و یاد همی گرفته و چگونگی «آمد و بیرون شد» تنگناها و مضایق را دریافته و نیز دقایق و ظرایف سخن را فهمیده و به کار بسته است و در «فهم بد و خوب اشعار» و نقد و بررسی آنها، استاد و ماهر بوده است.

زبان و بیان استوار و خراسانی‌اش و نیز یادکردها و اقرارهایی که در جای جای اشعارش آمده و بیانگر تاثیر زیاد اوست از شاعران متأخر و بزرگی چون ناصر خسرو، انوری، خاقانی و مسعود سعد:

این بیت «کمال» باشد از «مسعود»

جز او نبود به چامه کس یارم

(گلشن کمال، ص ۷۰)

و یا:

در خراسان پیرو «استاد شروانم» که گفت

این گلاب و گل همه زین گلستان آورده‌ام

(گلشن کمال، ص ۷۴)

یا:

من در وطن غریبم و «ناصر» به شکوه گفت

«آزرده کرد کژدم غربت جگر مرا»

(گلشن کمال، ص ۳۹)

«کمال» گرچه در سرودن شعر به تمامی سنت‌گرا بود، ولی - همچون برخی تندروهای شاعر و شاعران تندرو - خیلی به پر و پای شاعران جوان و نوپرداز نمی‌پیچید و خود اقرار می‌کرد که: «نمی‌دانم چرا اغلب شعرهای نو را نمی‌فهمم، تظاهر نمی‌کنم، خدا را شاهد می‌گیرم که راست می‌گویم... البته شعر بعضی رفقای مشهدی را [از جمله اخوان ثالث] که لفظشان خوب است می‌فهمم، اما بعضی شعرها را که مجلات چاپ می‌کنند، نمی‌فهمم آقایان چه می‌خواهند بگویند» ^۸

طبع بلند او باعث شده بود که وقتی درمی‌یابد «شعرزمان» دیگر متولیان خوبی ندارد و شاعران معاصر شاگردان چندان شایسته‌ای برای گذشتگان نیستند و ناخلفی می‌کنند، تاب برنمی‌آورد و سرپیکان سخن را به سوی هر دو جناح - سنت‌گرا و نوپرداز - نشانه می‌رود و در قصیده‌های زیبا و فخیم با مطلع:

من نه تنها برخود از بار گران بگریستم

بر گرانباران بی‌توش و توان بگریستم ^۹

(گلشن کمال، ص ۷۸)

همه آنها - و حتی خودش را - به باد انتقاد می‌گیرد و بر بود و نبود جهان می‌گریزد و از آن ناله سر می‌دهد که سخن (شعر) بندی افراد بیهوده گوی و گزافه گویی چون او شده است:

سخن شد بندی چنان منی بیهوده گوی

بر سخن، این مانده در بند گران، بگریستم

(گلشن کمال، ص ۸۰)

و این که یاره گویی و ژاژخایی هر بی‌خرد و نادانی، مایه تشویق و تحسین خَلق شعر شناس گشته و سخن - این اول اندیشه و پسین شمار - بازیچه افکارمشتی سخن شناس بی‌هنر و پریشان گوی شده است و دیگر

نشانی و نامی و یادی از بزرگانی چون مولوی و فردوسی و حافظ و دیگران نیست:

یاوه هر ژاوخایی مایه تحسین خلق

شرمساری را براین بند داوران بگریستم
شد سخن بازیچه افکار مشتبی بی هنر

بر پریشان گویی این شاعران بگریستم
دسته‌ای مسحور غرب و عده‌ای مقهور شرق

من به کج اندیشی این گمراهان بگریستم...
نی دگر یادی ز فردوسی، نه مولانا، نه شیخ

ناسپاسی را براین نامردمان بگریستم
(گلشن کمال، صص ۸۰-۸۱)

این گونه است که تاب بر نمی‌آورد و هم بر شعر
خودش و هم بر شعر دیگران می‌گریزد، و برمی‌خروشد که

ایهاالناس! چرا خفته‌اید، برخیزید و دریابید این
«مشاطه شعر زمان» را، که مشتبی نا اهل و نامرد این

عروس زیبا را با وقاحت هر چه تمامتر به حجله‌گاهی
عفن و نازیبا - و در یک کلام به «غربت» - می‌برند.

شد عروس لفظ تا در حجله معنی غریب
فاش بر مشاطه شعر زمان بگریستم

(گلشن کمال، ص ۸۰)

و این گونه حمایت خویش را از زبان فارسی بیان
می‌دارد و برایش دل می‌سوزاند.

مخلص کلام این که در این زمانه عسرت و سالی با
وحشتناکترین پیغام‌ها، که هر روز خبر مرگ عزیزی را از
ملک ادب می‌شنویم، یاد و نام آن هنری مرد و «کمال»
شعر خراسان را به که خامی و پشتیبان «مشاطه شعر
زمان» بود - گرامی می‌داریم و بر روان آزاده و
جوانمردش درود می‌فرستیم؛ روانش شاد و نامش برقرار.

آزاد و آزادگی

آزاده‌ام اگر چه تهیدست و بی برم

از خلق بی نیاز و به همت توانگر
گر نیست برگ و بار مرا، جای شکوه نیست

سروم، بس است نعمت آزادگی برم
غم نیست گر که هیچ نداندم از جهان

این داده بس که همت والاست زیورم
هرگز نخورده‌ام غم بود و نبود را

بر آنچه داده است خداوند، شاکرم

منت پذیر چرخ بلندم که از نخست
کرده است بی نیاز ز دیهیم و افسرم

بر سرهمای بختم اگر سایه‌ای نداشت
طبع بلند، سایه خود داشت بر سرم

ریزند پیش پایم اگر هر دو کون را
نامردمم اگر که به این هر دو بنگرم

تا خوی بی نیازی و آزادگی مراست
حاجت چرا به پیش فرومایگان برم

پیمانه نوش بزم رضایم، غریب نیست
گر بشکند زمانه ز بیداد، ساغرم

هرگز نکرده‌ام به روی خلق، دیده باز
چشم من است و خالق و رزق مقدرم...

(گلشن کمال، ص ۹۱)

خورشید خون آلود

از درون سینه می‌ناید برون آوای من
شد گره فریاد من، از خشم من، در نای من

روزگار تیره اندوهبار من می‌رس
رنگ بی‌رنگی نمودار است از سیمای من

می‌توانی دید در رخسار من آثار رنج
گرچه ناپیداست آندوه دل دروای من

خون به جای اشک می‌باید فشاندن، ای دریغ
خشک شد کانون اشک از آه آتش زای من

دیده بر هر جا گشایم تیرگی در تیرگی است
ننگرد ای کاش هرگز دیده بینای من

پای هر جا می‌گذارم، بی سبب آید به سنگ
سنگ از هر سو که آید، بشکند مینای من

دل به هر چیزی که بستم، روزگار از من گرفت
رو به هر سویی که کردم، سوده شد اعضای من...

(گلشن کمال، ص ۱۱۹)

یادداشت‌ها

۱- رک: نظامی عروضی سمرقندی، چهار مقاله، تصحیح علامه
محمد قزوینی، شرح لغات دکتر محمد معین، نشر جامی، چاپ
مکرر، تهران ۱۳۷۵، ص ۴۷.

۲- رک: کتاب پاز، «در محفل کمال»، شماره ۹، تابستان ۱۳۷۲
(ویژه کمال)، صص ۱۴-۱۵.

۳- رک: علی اکبر گلشن آزادی، صد سال شعر خراسان، به
کوشش احمد کمال پور (کمال)، مرکز آفرینشهای هنری آستان
قدس رضوی، چاپ اول، مشهد ۱۳۷۳، صص ۴۶۹-۴۷۰.

۴- کتاب پاز، همان جا، ص ۱۷.

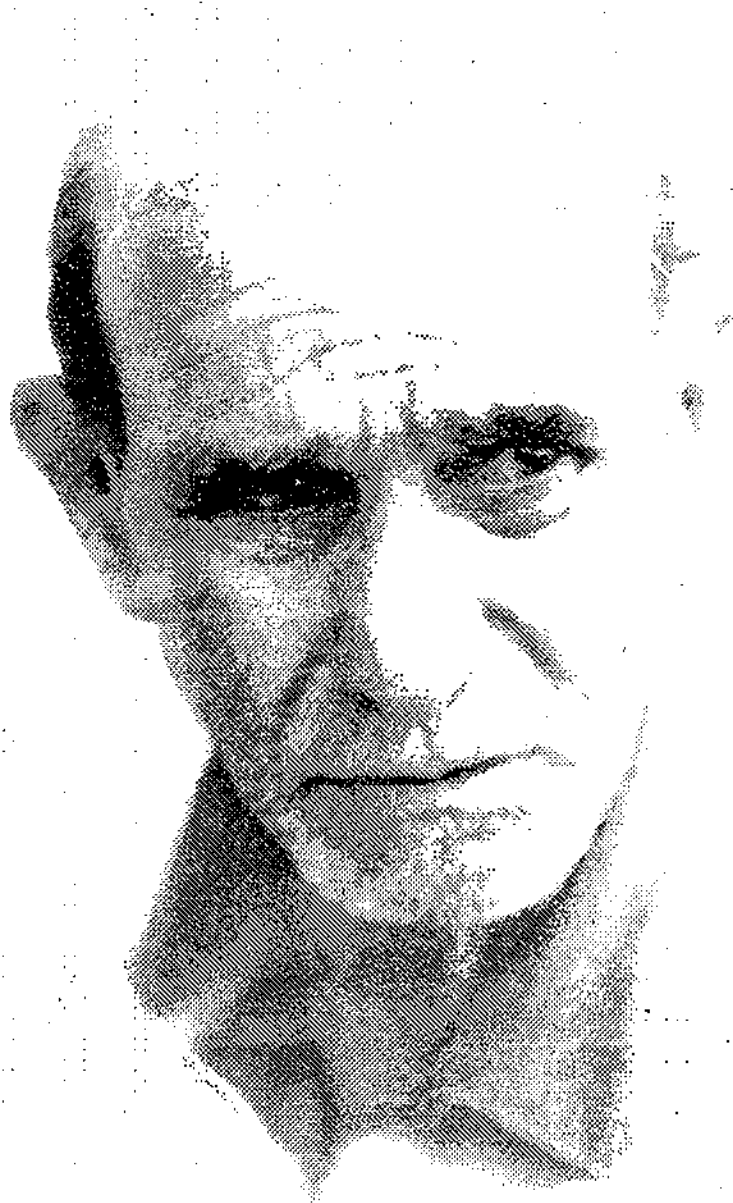
۵- رضا افضلی، «دربان کهنسال سبک خراسانی»، کتاب پاز،
همان جا، ص ۵۳.

۶- مجموعه اشعار کمال با عنوان گلشن کمال و با مقدمه دکتر
محمد جعفر یاحقی در تابستان ۱۳۷۲ در مشهد به چاپ رسیده
است.

۷- رک: گلشن کمال، همان جا، مقدمه، صص ۲۳-۲۴.

۸- رک: کتاب پاز، همان جا، صص ۱۸-۱۹.

۹- یادآور قصیده زیبایی خاقانی است با مطلع:
گر به قدر سوزش دل چشم من بگریستی
بر دل من، مرغ و ماهی، تن به تن بگریستی



به کرات به مفاهیم و مضامین مذهبی اشاره می‌کنند. آنها خود را «حق عاشیقی» و «آلله عاشیقی» می‌نامند. در یک پژوهش تحت عنوان «بررسی تاثیر معارف دینی در ادبیات عاشیقی» که توسط آقای حمید سفیدگر شهانقی انجام شده، عاشیق‌های آذربایجان مورد بررسی قرار گرفتند. از آنجائیکه عاشیق‌ها به دو دسته «عاشیق‌های شاعر یا خلاق» و «عاشیق‌های غیرشاعر یا غیرخلاق» تقسیم می‌شوند و با توجه به فزونی «عاشیق‌های شاعر» بر «عاشیق‌های غیرشاعر» این دسته از عاشیق‌ها در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته‌اند که بالغ بر ۳۰ عاشیق را شامل می‌شود. مطالبی که در سطرهای بعدی مطالعه می‌فرمایید برگرفته‌ای از همین پژوهش است.

امروزه ثابت شده است که استعمار قبل از هرگونه هجوم فرهنگی، سعی می‌کند جامعه موردنظرش را به تخلیه فرهنگی بکشانند. برای جلوگیری از تخلیه فرهنگی، حفظ و تداوم فرهنگ اصیل مذهبی، ملی و قومی‌مان که عمیقاً با فرهنگ اسلامی عجین شده، ضروری است. فولکلور یکی از اساسی‌ترین شاخص‌های اصالت فرهنگی محسوب می‌شود و هنر عاشیقی مهم‌ترین و غنی‌ترین شاخه فولکلور آذربایجان است. معارف اسلامی مستتر در اشعار و داستانهای عاشیقی هیچوقت به صورت مشخص و واضح مورد بررسی قرار نگرفته است. برخلاف نظریاتی

هنر عاشیقی مهم‌ترین و غنی‌ترین شاخه ادبیات شفاهی مردم آذربایجان است. به تعبیری دیگر، اگر عاشیق‌ها نبودند، از فولکلور غنی آذربایجان به جز چیزهای پراکنده و کم‌محتوا، هیچ نمی‌ماند. عاشیق‌ها مردمی‌ترین هنرمندانی هستند که با ساز و آواز، اشعار و داستانهای خود، در غم و شادی مردم شریک می‌شوند. آمال و آرزوها، عادات و باورها، آداب و رسوم مذهبی و ملی مردم در طول سالیان دراز در هنر ارزشمند آنها انعکاس پیدا کرده است. عاشیق‌ها ماهیت اخلاقی و فلسفی معارف دینی را عمیقاً یاد گرفته و در اشعار و داستانهای خود به طرز استادانه‌ای بکار برده‌اند. مفاهیم دینی در رابطه با معجزات پیامبران، مضامین متنوع، احادیث و آیات قرآنی، شرح زندگی پیامبران و امامان و مواردی از این قبیل در اشعار آنها در فرمهای مختلف آمده است. عاشیق‌های استاد چون «عاشیق علحسگر»، «عاشیق قشم»، «خسته قاسیم» و دیگران در اشعار خود

که «عاشیق» را با تعبیر نارسا «نوازنده دوره‌گرد»، «خواننده دوره‌گرد»، «مضطرب» و غیره می‌دانند، «عاشیق» هنرمندی است که در شاعری، آهنگسازی، نوازندگی، خوانندگی و داستان‌سرایی استادی دارد. اصولاً هنر عاشیقی الهام گرفته از مفاهیم عمیق دینی و مذهبی است. عاشیق در هر بند از شعر خود مضمونی دینی، عرفانی و اخلاقی را به شنوندگان خود یادآور می‌شود. او عمیقاً به مسائل دینی و موضوعات عرفانی و انسانی آشنا بوده و آیات قرآنی و احادیث پیامبر اسلام و ائمه اطهار به ویژه حضرت علی (ع) را با زبانی ساده و عامه‌فهم در قالب اشعاری دلنشین بیان می‌دارد.

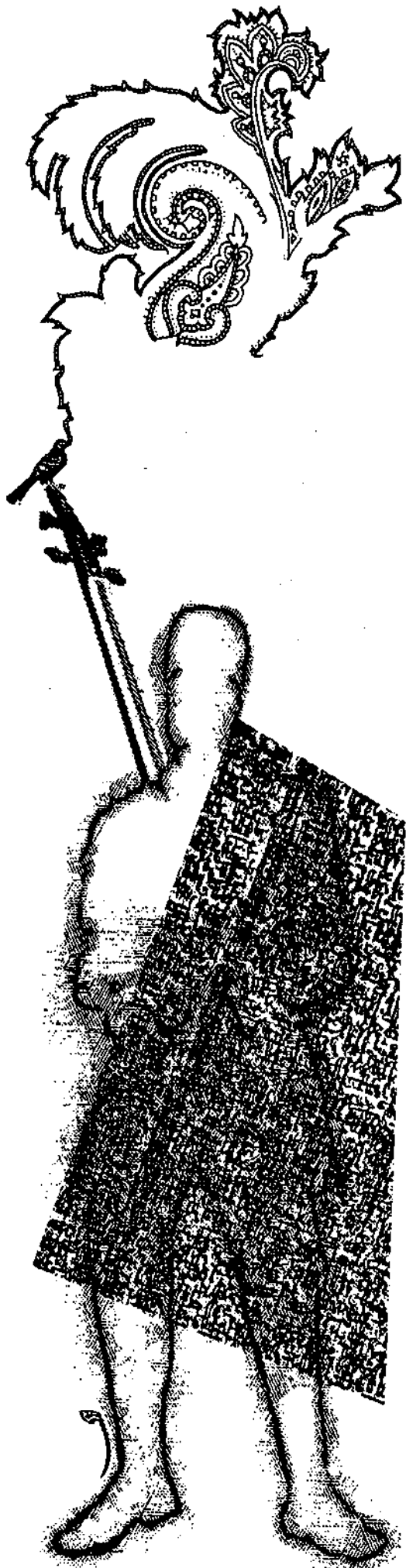
ادبیات عاشیقی

۱- عاشیق کیست؟

بسیاری «عاشیق» را شکل آذربایجانی کلمه «عاشق» عربی می‌دانند که در لهجه آذربایجانی به شکل «عاشیق» گفته می‌شود. اما «محمدحسن تهماسب» عقیده دارد: «ریشه "عاشیق" (آشیق) واژه "آش" است که دیگر در ترکی امروز به کار نمی‌رود. مصدر آشیلاماق (Asilamag) به معنی تلقین کردن، تزریق کردن، از همین ریشه هنوز هم مورد استفاده قرار می‌گیرد».

این پژوهشگر فولکلور آذربایجان معتقد است:

ادبیات عاشیقی را دریابیم



حسین حسینی نثار

«کلمه «آشوله» در زبان ترکی از یکی به مفهوم ترانه و آهنگ است و «آشوله چی» به معنای خواننده یا واژه «عاشیق» (آشیق) از یک ریشه هستند.»

عاشیق‌ها در طول تاریخ به اسامی مختلفی چون «وارساق»، «ایشیق»، «اوزان» و «نشاق» شناخته می‌شده‌اند. بعضی از محققین فولکلور ملل ترک به این نتیجه رسیده‌اند که «عاشیق» برگرفته از کلمه ترکی «ایشیق» به مفهوم نور و روشنائی است.

عاشیق‌ها در میان اقوام مختلف ترک زبان به عناوین و اسامی مختلفی نامیده می‌شوند. در ترکمن صحرا و جمهوری ترکمنستان «باغشی» و در ازبکستان «باخشی»، «بخشی» و «جیرچی» در ترکیه، آذربایجان و ایران «عاشیق» نامیده می‌شود.

در هر صورت عاشیق هنرمندی است که شعر می‌گوید، آهنگ می‌سازد، می‌نوازد و می‌خواند. عاشیق‌ها در میان اجداد آذربایجانی‌های امروزی یعنی «اوغوز»‌ها ارج و منزلتی بسزا داشته‌اند.

«اوغوزها به «قوپوز» (Qopuz) - سلف «ساز» (Saz) امروزی آذربایجانی - حرمت می‌نهادند، آنچنانکه اگر از کسی در حالی که «قوپوز» در دست داشته، خطایی درخور مرگ سر می‌زد، به احترام «قوپوز» از او درمی‌گذشتند. در داستان دهم از کتاب «دده قورقورد»، «آغراق» برادرش را خفته می‌یابد و «قوپوز» او را از بالینش برمی‌دارد. «سغرق» بیدار می‌شود و می‌خواهد برادر را با

شمشیر از پای درآورد (دو برادر پیشتر همدیگر را ندیده‌اند) ولی چون «قوپوز» را در دست او می‌بیند، می‌گوید: «من ترا نمی‌کشم، چرا که این بی‌احترامی به «قوپوز» «دده قورقورد» است. اگر «قوپوز» در دست نبود، با شمشیر دو نیمه‌ات می‌کردم.» وقتی «ساز» را آن حریم و حرمت باشد، پیداست که «عاشیق» نیز منزلتی خاص در بین مردم خواهد داشت. عاشیق‌ها به گواهی آثار و گفته‌هایشان از آگاهترین و عالم‌ترین مردمان روزگار خود بوده و هستند. برخی از آنها به زبانهای عربی و فارسی نیز تسلط کافی داشته و از این زبانها در اشعار خود به کرات استفاده کرده‌اند.

«عاشیق عزیز شهنازی» از عاشیقهای متاخر تبریز در وصف «عاشیق» چنین می‌سراید:

عاشیق گره‌ک عارف اول، سوزقانا
بیلیکده بنزه‌یه بحر عمانا
طریقت‌له، شریعت‌له، ارکانا
وارد اولسان، آختاریول، اوندان دانیش
عاشیق باید، عارف باشد و راز آشنا
در علم و دانش دریای عمان باشد
اول به ارکان دین و شریعت و طریقت
آشنا شده و بعداً حرف بزند
همین شاعر در جای دیگر می‌گوید:
فیکری بودرو، اول شادلیق همیشه
سوزگز دیریب وور ماز ارانی عاشیق

فکر عاشیق همه این است که همیشه شادی باشد او هیچوقت سخن چینی نکرده «دوبهم زنی» نمی‌کند

بدین ترتیب درمی‌یابیم «عاشیق» هنرمندی است آگاه و عالم به مسایل دینی و احکام شرعی، انسانی پاکدامن و مورد احترام و حرمت همه مردم، که در غمها و شادی‌های آنها شریک است. او همیشه خواهان شادی و جشن و سرور است و جشنها و عروسی‌ها بی‌وجود او رونقی ندارد.

۲- موسیقی عاشیقی:

موسیقی بخش محوری هنر عاشیقی است. «ساز» در اغلب مناطق آذربایجان تنها آلت موسیقی عاشیقی به‌شمار می‌رود اما در منطقه «تبریز - قره‌داغ» دو نوازنده دیگر با «بالابان» و «قوال» عاشیق را در ارائه هنر خود یاری می‌کنند.

بر اساس گفته‌های عاشیق‌های استاد، موسیقی عاشیقی ۷۲-۷۳ آهنگ دارد. اما این تعداد با گذشت زمان از طرف عاشیق‌های دیگر زیاد شده و امروزه به ۱۳۰-۱۴۰ آهنگ رسیده است. بعضی از این آهنگ‌ها در یک منطقه خاص مشهور بوده و در آنجا بیشتر ایفاء می‌شوند. به عنوان مثال آهنگ «مُخمس» عاشیق‌های تبریز، در آذربایجان غربی با نام «دستان» مشهور است. هر عاشیقی ساز خود را هماهنگ با تن صدای خود کوک می‌کند. بدین صورت که اگر صدایش «زیل» باشد آن را «زیل» و اگر صدایش «بیم» باشد آن را «بیم» کوک می‌کند. لازم به ذکر است که «بیم» نواختن و «زیل» خواندن و یا برعکس «زیل» نواختن و «بیم» خواندن در میان عاشیق‌ها مردود شمرده می‌شود.

آهنگ‌های موسیقی عاشیقی به سه گروه تقسیم می‌شود که هر گروه ویژگی‌های خاص خود را دارد:

۱- یوخاری‌هاوالار (آهنگ‌های بالا) - این آهنگ‌ها از پرده چهارم به بالا نواخته می‌شوند. اینها نوازنده را خسته نمی‌کنند.

۲- اورتا‌هاوالار (آهنگ‌های میانه) - این آهنگ‌ها مابین شاه‌پرده بالا (پرده چهارم) و شاه‌پرده میانی (پرده نهم) نواخته می‌شوند.

۳- آشاغی‌هاوالار (آهنگ‌های پایین) - این آهنگ‌ها در پرده‌های پایین‌تر از شاه‌پرده میانی نواخته

می‌شوند. اینها به علت زیل بودن باعث خستگی نوازنده می‌شوند.

۳- داستانهای عاشیقی:

داستانهای عاشیقی بر اساس موضوع خود به دو دسته «داستانهای قهرمانی و حماسی» و «داستانهای محبت» تقسیم می‌شوند. از داستانهای قهرمانی می‌توان به داستانهای «کور اوغلو»، «قاجاق نبی»، «قاجاق کرم»، «شاه اسماعیل و عرب‌زنگی» و غیره اشاره کرد. از داستانهای محبت نیز می‌توان از داستانهای «اصلی و کرم»، «عباس و گولگز»، «ظاهر و زهره»، «عاشیق غریب و شاه‌صنم»، «غلام حیدر» و غیره نام برد.

داستانهای عاشیقی به دو شکل نظم و نثر بیان می‌شوند. عاشیق‌ها بخشهای نثر داستان را روایت کرده و قسمتهای نظم آن را در آهنگ‌های مختلف با ساز و آواز می‌خوانند. هر دو بخش داستانها با هم مرتبط هستند و عموماً گفتگوهای مابین شخصیت‌های داستان به صورت نظم است. در این شعرها شخصیتها، اتفاقاتی را که برایشان افتاده، وضعیت روحی، احساسات و هیجانات خود را بازگو می‌کنند.

داستانها معمولاً در عروسی‌ها، جشن‌ها، قهوه‌خانه‌ها و مجالس گفته می‌شوند. گاه دو عاشیق به کمک هم به نقل داستان می‌پردازند و هر کدام به جای یکی از شخصیتها، قسمتهای نظم را با ساز و آواز می‌خوانند.

در داستانهای عاشیقی به یک باور دینی به نام «بوت‌اوثرمک» (Buta vermek) - برمی‌خوریم و «بوت‌اوثرمک» بدین معنی است که «حضرت علی (ع) یا «حضرت خضر (ع)» (در داستانهای قبل از اسلام حضرت خضر (ع) و در داستانهای بعد از اسلام حضرت علی (ع) در لباس درویشی و با سیمایی نورانی به خواب قهرمان داستان آمده و دختری را نشان داده، می‌فرمایند: «فرزندم، او را به تو و ترا به او نامزد کردم، مشقات زیادی خواهید کشید ولی در پایان به همدیگر خواهید رسید.»

کسی که چنین خوابی می‌بیند بعد از بیدار شدن به کلی تغییر می‌کند. در قلب او نوری می‌درخشد، او عاشق و شیفته شده و بطور ناگهانی «عاشیق» می‌شود. «ساز» را به زیبایی تمام می‌نوازد، آواز می‌خواند، بداهتاً

شعر می‌سراید و خلاصه به همه رموز هنر عاشیقی واقف می‌گردد. به علاوه از ضمیر انسانها آگاه می‌شود، به رازهای مگو آشنا می‌گردد، از حوادث تاریخی، جریانات و سرگذشت حاکمان، پیامبران و مسایل دینی باخبر می‌گردد. از این دسته عاشیق‌ها می‌توان از «عاشیق قوریانی»، «عاشیق عباس توفارقانلی»، «عاشیق غریب» و غیره نام برد.

در خلال جریانات داستانها، مسایل دینی و اخلاقی زیادی بیان می‌شود و عاشیق‌ها با توجه به قدرت بیان و خوانندگی و نوازندگی خود سعی در القای خصوصیات متعالی قهرمانان داستان به شنوندگان را دارند.

۴- ویژگی‌های کلی شعر عاشیقی:

شعر عاشیقی علیرغم فرم و شکل ساده‌اش مفاهیم عمیق فلسفی، دینی، انسانی، احساسی، اجتماعی و گاه بنا بر نیاز زمان و محیط، مفاهیم سیاسی را در خود پرورانده است. برای نمونه می‌توان به نوعی شعر از شعر عاشیقی اشاره کرد که بر اساس «حروف» نهاده شده است. این نوع شعر برگرفته از فلسفه نهضت «حروفی‌گری» است که توسط شاعر مبارز و عارف بزرگ «نعمی» و به دنبال او «عمادالدین نسیمی» بنیاد شده است.

«دکتر جواد هیئت» پژوهشگر فرهنگ و فولکلور آذربایجان، ویژگیهای عاشیق‌ها و شعر عاشیقی را به شکل زیر بیان می‌کند:

۱- عاشیق‌ها، نوازنده «ساز» و شاعرانی هستند که شعرهایشان را با آواز می‌خوانند.

۲- شاعر ساز (عاشیق)، عموماً شعرهای خود را با اوزان هجائی سروده‌اند.

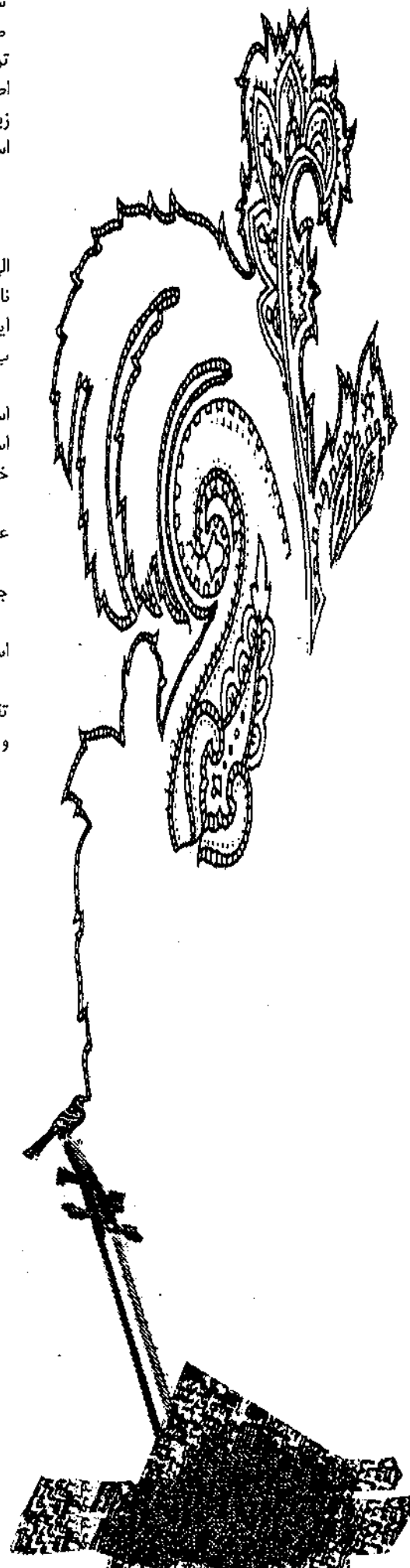
۳- زبان شعری آنها سلیس و نسبتاً ترکی خالص است.

۴- عاشیق‌ها شعر و موسیقی را یک اثر واحد می‌دانند و هنگام سرودن شعر، آهنگ آنرا نیز می‌سازند.

۵- عاشیق‌ها اشعار خود و دیگر عاشیق‌ها را در بین مردم انتشار می‌دهند.

۶- در شعر عاشیقی، آرزوها، امیدها، زندگی و معیشت، جهان‌بینی، مبارزه و گاه مسایل دینی به شکل بدیعی منعکس می‌شود.

درخشانترین دوره تاریخی شعر عاشیقی، دوره



سلطنت شاه اسماعیل صفوی است. توجه شاه اسماعیل صفوی (متخلص به ختائی) به گسترش شعر و ادب ترکی باعث شد شعر عاشیقی که از نظر موسیقی و زبان اصالت بیشتری داشت، متداول شود. این اصالت پیامد زبانی ساده، روشن و در عین حال زیبا و وزنی هجائی است.

انواع شعر عاشیقی:

۱-۴ قوشما (Qosma)

قوشما رایج ترین شعر عاشیقی است. هر قوشما ۳ الی ۶ بند و هر بند دارای چهار مصرع است. در بند آخر نام شاعر می آید. هر مصرع ۱۱ هجا است و قافیه ها اینگونه می آیند: آ-ب-و-ب، ق-ق-ب، د-د-د-ب، و...

قوشما به مثابه «غزل» در شعر و ادبیات مکتوب است. به مصرع هایی که «قافیه اصلی» در آن آمده است، «باغلاما» گفته می شود. قوشما بر اساس مضامین خود به سه دسته تقسیم می شود:

الف - گوزهل لمه (Gozallama) - که موضوع آن عشق، محبت، احساسات عاطفی و غیره است.

ب - قوچاقلاما (Qosaqlama) - که موضوع آن جنگ، شجاعت و قهرمانی است.

ج - آغی (Agi) - که مضمون آن غزا و ماتم و مرگ است.

قوشماها از لحاظ فرم و شکل نیز به انواع مختلفی تقسیم می شوند، مثل «قوشایارپاق»، «گوللو»، «ایاقلی» و غیره.

یک بند از یک نمونه قوشمای «قوشایارپاق»:

ای وطن، قوینوندا از لدهن منی

بسله دین ایستکلی آنالارکیمی

قان آغلارام سندن دوششم ایراغا

آنادان ایریلان بالالارکیمی

ای وطن از ازل مرا در آغوش خویش پروردی

چون مادران مهربان

خون می گیریم اگر از تو جدا شوم

چون کودکانی که از مادر خود دور می افتند

«عاشیق عزیز شهنازی»

۲-۴ گرایلی (Garayli)

اینگونه شعر عاشیقی بین ۳ تا ۷ بند است و هر بند

از چهار مصرع هشت هجائی تشکیل می شود. قافیه ها و ردیف ها همانند قوشما است. گرایلی از نظر موسیقی روانترین و رقصانترین وزن و آهنگ را دارد.

یک بند از یک نمونه ی این نوع شعر عاشیقی:

«قشم» گلیب زیارته

اجازه وئر، غریب آغا

قوی یئتیشسین سعادته

اجازه وئر، غریب آغا

«قشم» به زیارت آمده است

اجازه بده امام غریب

بگذار او نیز به سعادت برسد

اجازه بده امام غریب

«عاشیق قشم جعفری»

۳-۴ تجنیس (Tajnis)

در این نوع شعر قافیه ها از جناس برخوردارند. تجنیس اوج قابلیت و مهارت و استادی عاشیق به شمار می آید. در این نوع شعر مفاهیمی عمیق و در عین حال معماگونه بکار گرفته می شود. در تجنیس آنچه بیشتر مدنظر است آرایه های ادبی و صنایع لفظی در شعر است. عاشیق ها در مقابله و رویارویی با همدیگر برای به زانو درآوردن حریف بیشتر به این نوع شعر می پردازند.

استاد ادبیات عاشیقی چون «خسته قاسیم»، «عاشیق علسگر»، «عباس توفارقانلی»، «عاشیق قشم» و دیگران در این نوع شعرهایشان عمق دانسته های علمی، تاریخی، ادبی و اجتماعی خود را نشان داده اند. برای آزمودن یک عاشیق کافی است از او شعر تجنیس خواسته شود.

یک بند از یک نمونه شعر تجنیس:

بیرگوزهلین جمالینا مایلم

نه مدت دیر گوزهل مندهن یا بینیر

من قوربانام آغ اوزونده اوخالا

زنخدانین شعله گاهی یایی نور

مفتون جمال دلبری هستم

که مدتهاست از من گریزان است

فدای آن خالی شوم که بر چهره سفید اوست

و شعله گاه زنخدانش که نور می افشاند

«خسته قاسیم»

آغلایب گولم

می‌گیریم و می‌خندم

گوز یاشین سیللم

اشکهایم را پاک می‌کنم

قوربان کسیللم

قربانی تو می‌شوم

سن بیزه کلسن

اگر به خانه ما بیایی

«ملاجمعه»

۹-۴- قیامت احوالاتی (احوالات روز قیامت):

در این نوع شعر همچنانکه از نامش پیداست از حوادث و مسائل روز قیامت و محشر خبر داده می‌شود. بدکاران به کیفر و نیکوکاران به پاداش بشارت داده می‌شوند. عاشیق‌ها در این نوع شعر با کنایه و استعاره مردم را از آتش دوزخ می‌ترسانند و با زبان شیوای شعر آنان را به نیکوکاری، انجام فرائض دینی و پرهیز از اعمال زشت دعوت می‌کنند.

یک نمونه از این نوع شعر:

گناهکار بنده‌نی یان‌دیراجاق نار

مومنه دایاقدیر حی کردگار

لافتی شانینده گلدی ذوالفقار

علی‌نی‌ها میدان وچیہ گورویبدو

بنده گناهکار در آتش خواهد سوخت

خداوند پشتیبان مومن است

لافتی در شان علی (ع) گفته شده

و علی زیاتر از همه آمده است

«عاشیق قشتم»

۱۰-۴- معراج‌نامه:

در این نوع شعر، عاشیق از معراج پیامبر اسلام (ص) صحبت می‌کند و شرح معراج حضرت محمد (ص) را به زبان شعر بازگو می‌کند.

یک نمونه از این نوع شعر:

امراولودو جبرئیل و ثردی ندانی

بسم‌الله ذکرى ايله اولوندو خطاب

قرائت اولوندو رسول‌اللها

معبود گوروشونه ائيله‌دی شتاب

از جانب خداوند به جبرئیل امر شد

تا بنام خدا، به پیامبر ندا دهد

که به دیدار معبود بشتابد

«عاشیق مناف»

۱۱-۴- وجودنامه:

این نوع شعر به شرح مراحل خلقت و زندگی انسان، دوران کودکی، جوانی و پیری می‌پردازد. یک بند از یک نمونه از این نوع شعر:

اصلی بنی آدمین وصفین سویله‌دیم

آتا وجودندان گل‌دیم انا یا

آنا بندنینه قان اولدوم دوردوم

آنا جمل اولدو قالدی وداع یا

وصف بوجود آمدن یک انسان را بگویم

از وجود پدر به وجود مادر آمدم

در بدن مادر به خون تبدیل شدم

مادر مرا حمل کرد

«عاشیق واله»

علاوه بر انواع گفته شده، شعر عاشیقی گونه‌های

مختلفی نیز چون: «ترسه حروفات» (Tarsa Hnurfat)،

«عددی دیوانی» (Adadia Divani)، «کولگه سیز»

(Kolgasiz)، «قاریدان چیخما» (Qarindan Cixma) و

غیره دارد.

منابع و مآخذ:

۱. الهی قمشه‌ای، مهدی (۱۳۶۸). قرآن کریم. تهران:

سازمان تبلیغات اسلامی.

۲. اندیف، پاشا (۱۹۹۲). آذربایجان شفاهی خلق ادبیاتی.

باکو: انتشارات معارف.

۳. پاینده، ابوالقاسم (۱۳۵۶). نهج‌الفصاحه. تهران: جاوید.

۴. سفیدگر شهنقی، حمید (۱۳۷۶). «بررسی تأثیر معارف

دینی در ادبیات عاشیقی». تبریز: اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی

استان آذربایجان شرقی، کمیسیون پژوهشی.

۵. شهنازی، عزیز (۱۳۶۹). پورتوریاقلی یام. تبریز: ساحل.

۶. شهیدی، جعفر (۱۳۷۰). نهج‌البلاغه. تهران: شرکت

انتشارات علمی و فرهنگی.

۷. صدیقی، امین. «صدای ساز تو ابری شد و گریه نشست».

فصلنامه شعر، شماره ۲۱.

۸. محمدی، جلال. «شعر بومی آذربایجان در یک نما».

فصلنامه شعر، شماره ۲۱.

۹. هینت، جواد (۱۳۶۷). «آذربایجان شفاهی خلق ادبیاتی».

تهران: ضمیمه مجله و اریق.

یادمان کمال

به منظور نکوداشت یاد و خاطره شاعر فرهیخته استاد احمد کمالپور «مختلص به کمال» اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان عصر روز شنبه نهم مهرماه اقدام به برپایی مجلس یادمان آن شاعر فقید نمود. در این مراسم که جمع کثیری از شاعران، مسئولین فرهنگی، مسؤولان اجرایی، خانواده مرحوم کمال و علاقه‌مندان به شعر و ادب حضور داشتند ابتدا آیاتی از کلام‌الله مجید قرائت شد و در ادامه سرود جمهوری اسلامی ایران پخش گردید. پس از آن پیام مقام معظم رهبری توسط استاد صاحبکار قرائت گردید. متن کامل پیام حضرت آیت‌الله خامنه‌ای به این شرح است:

«درگذشت تأسفانگیز شاعر آزاده خراسان، دوست و همدل دیرین، آقای احمد کمال را به جامعه ادبی و به خصوص شاعران و هنرمندان آن دیار فرهنگ و ادب و نیز به خانواده و بازماندگان آن انسان شریف و مؤمن تسلیت عرض می‌نمایم.

مرحوم احمد کمال سخنسرایی بزرگ و ارجمند بود که هم خلعت فاخر قصیده خراسانی به شخصیت انسانی او جلال و جمال بخشیده بود، و هم خصال والای او مایه آبرو و زینت شعر فارسی گشته بود. او مردی پاک‌سیرت، پارسا و پرهیزگار، آزاده و بلندنظر بود. او گوهر شعر و هنر را به بازار سوداگری‌های مادی نبرد و قدر آن را نشکست. او زبان گویای خود را در خدمت بزرگداشت ارزش‌های معنوی و دینی و نه اهانت به آن، به کار گرفت. او دلی مؤمن، روحی بردبار و مهربان، تنی متواضع و خاکسار و اندیشه‌ای پاک و تابناک داشت. او پهلوانی فروتن و شاعری حق‌گو و هنرمندی دیندار بود. یا شرافت و پاکدامنی زندگی کرد و یا سربلندی و نیکنامی به دیدار حق شتافت. رحمت خدا پر او و گرمترین درودها بر نام و یاد او باد».

پس از آن فیلم کوتاهی که توسط اداره سمعی و بصری اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی تهیه شده بود به نمایش درآمد و در ادامه محقق نیشابوری مدیر کل فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان به ایراد سخن پرداخت.

پس از آن آقایان صاحبکار، باقرزاده و قهرمان به عنوان اعضای هیئت جلسه در جایگاه قرار گرفتند و استاد صاحبکار از سالاری دعوت نمود تا شعرش را قرائت نماید:

شکست بغض من از وحشت جدایی‌ها

چه تلخ بود سرانجام آشنایی‌ها

طریق عهد و وفا را کسی نمی‌داند

گسست رشته الفت ز بیوفایی‌ها...



آخرین کتاب وی زندگینامه او به نام زندگی من است.

□ □ □

□ آقای رایش راینیسیکی زندگی‌نامه خود نوشت شما یعنی زندگی من فروش بسیار خوبی داشته و در صدر بهترین کتاب‌های پرفروش آلمانی زبان قرار دارد. قابل پیش‌بینی بود که خاطرات شما، علایق بسیاری را جلب کند، اما آیا چنین موفقیت موثری را پیش‌بینی می‌کردید؟

■ خیر، بی شک نه. من پیش خودم آرزو می‌کردم که این کتاب در فهرست بهترین‌های نشریه اشینگل^{۱۰} در مقام اول قرار بگیرد، اما هرگز فکرش را نمی‌کردم که در مقام اول قرار بگیرد. پیش خود امیدوار بودم، یعنی مانند اغلب مردم فرض را بر آن گذاشته بودم که شاید تیراژ آن به ۵۰۰۰۰ نسخه برسد. اما رقم بیشتر از ۲۵۰۰۰۰ نسخه از این کتاب که تاکنون فروش رفته است، اصلاً در خیالم هم نمی‌گنجید.

□ شما با این زندگینامه خود نوشت، در حقیقت جناح خود را تغییر داده‌اید. نظراتان در این باره که مردم کتابتان را قضاوت کنند، چیست؟

■ سایر کتاب‌هایی هم که تا به امروز نوشته‌ام، مورد قضاوت قرار گرفته است. البته، نوع این کتاب‌ها فرق می‌کرد و کتاب‌هایی ادبی از قبیل مدافعان ادبیات یا کتبی درباره «هاینه»^{۱۱} یا «توماس مان»^{۱۲} بود. اینکه منتقدان، دشمنان یا مشابه آن که خود را دشمن من می‌دانند، درباره کتاب من به قضاوت بنشینند، برایم امر تازه‌ای نیست.

□ اینکه، منتقدی محبوبتر از نویسندگان است، اینکه درباره کتاب او بیشتر حرف و سخن و گزارش ارائه می‌شود و کتاب هم فروش بهتری دارد، می‌تواند برای شما در مقام نویسنده، خوشایند باشد، اما در مقام منتقد باید همزمان اندکی دلخور شده باشید.

■ خیر، اینطور نیست. اصلاً دلخور نشدم. مردم همیشه از من انتظار دارند که بگویم دلخور شده‌ام. کتابم موفقیت‌آمیز بوده است، خواننده بسیار دارد و حتی نسبت به کتاب‌هایی که درباره‌شان نقد می‌نویسم، خواننده

مارسل رایش راینیسیکی در دوم ژوئن سال ۱۹۲۰ در شهر ولوکلاوک^۱ لهستان به دنیا آمد. او پسر داوید رایش^۲، از یهودیان لهستان و هلنه رایش^۳ — متولد اوروباخ — از یهودیان آلمانی است. در سال ۱۹۳۹ به برلین مهاجرت کرد و در این شهر به سال ۱۹۳۸ در مقام بهترین شاگرد کلاس از میان شاگردان آلمانی زبان دیپلم گرفت. در پایان اکتبر همان سال دستگیر و به لهستان تبعید شد. پس از اشغال ورشو در سال ۱۹۳۹ به دست ارتش آلمان، به سمت مترجم در جماعت یهودیان به کار مشغول شد. والدین او در سال ۱۹۴۲ در اردوگاه مرگ آفرین تربلینکا^۴ کشته شدند. برادر وی نیز در پاییز ۱۹۴۳ در اردوگاه اجباری تراونیکي^۵ به قتل رسید. رایش راینیسیکی پس از شرکت در عملیات مقاومت در سال ۱۹۴۳ به همراه همسرش تنوفیلا^۶ در عملیاتی ماجراجویانه موفق به فرار شد. آنان بیش از یک سال نزد یک حروفچین لهستانی مخفی بودند. او پس از آزاد شدن به دست افراد ارتش سرخ، همراه با همسرش به عضویت ارتش لهستان درآمد. از ۱۹۴۶ نیز در سازمان امنیت لهستان به کار مشغول بود. در ۱۹۴۸ نایب کنسول لهستان در لندن بود، اما در ۱۹۵۰ در لهستان دستگیر، از حزب کمونیست اخراج و به طور موقت از انتشار آثارش محروم شد. پس از فعالیت‌هایش به عنوان ناشر و منتقد در سال ۱۹۵۸ به آلمان سفر کرد.

در این کشور او بی‌درنگ به گروه ۴۷ ملحق شد و در نشریاتی از قبیل دی ولت^۷ و فرانکفورتر آلتگماینه تسایتونگ^۸ کار می‌کرد. او از سال ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۳ همکار دائم هفته نامه دی تسایت^۹ بود. رایش راینیسیکی در ۱۹۷۳ مدیر تحریریه بخش ادبی در فرانکفورتر آلتگماینه تسایتونگ بود که این مقام را تا سال ۱۹۸۸ داشت. در همین سال بود که اجرای برنامه «کوارتت ادبی» را در کانال دوم تلویزیون آلمان آغاز کرد. رایش راینیسیکی بعدها در دهه هفتاد به یکی از منتقدترین منتقدان جمهوری فدرال آلمان بدل شد و بالغ بر بیست کتاب نقد ادبی به چاپ رساند.

بیشتری دارد. حقیقتش را بخواهید، اینطورها هم نیست. در اصل موفقیت کتاب‌های من آنقدرها هم زیاد نیست. اینکه حالا اوضاع اینقدر خوب پیش می‌رود به خاطر آن است که زندگینامه، نسبت به ذهن مشغولی ادبی من تاکنون آشکارا متفاوت بوده است.

□ مردم، سالیان سال منتظر خاطرات شما بودند. دوستانتان شما را به نگارش آن تشویق و ناشران با پول جلبتان می‌کردند. چرا نوشتن این کتاب را تا این حد به تعویق انداختید؟

■ برای این تاخیر، دلایل متعددی دارم: نوشتن درباره توماس مان، برشت^{۱۳} یا هاینه به مراتب ساده‌تر از نوشتن درباره خودم است. دلیل دیگر اینکه می‌ترسیدم برای این مضمون یعنی زندگی خودم از لحاظ ادبی به بلوغ کافی نرسیده باشم. و سوم: ترس از اینکه مجبور شوم گذشته‌ام را به خاطر بیاورم و به این ترتیب همه چیز را از نو تجربه کنم.

□ شما یک بار گفتید، زندگینامه‌های خود نوشت همه دروغ‌اند، زیرا این خواسته بسیار زیاده‌طلبانه است که بخواهیم یک نفر همه چیز را درباره خودش افشا کند. مرزهایی که شما در اثر خود مقرر کرده‌اید، در کجا قرار دارند؟ این را نمی‌توانم بگویم، یعنی خودم هم نمی‌دانم. فقط می‌توانم بگویم که در این کتاب مسلماً نمی‌توان همه حقایق را به طور کامل درباره من و زندگی‌ام خواند، زیرا بسیاری از آنها را در این کتاب نیاورده‌ام و مجبور به حذف‌شان شده‌ام. در غیراینصورت کتاب بالغ بر هزار صفحه می‌شد. من چیزهای بسیاری را نیاورده‌ام و برای هر کدام دلایل مختلفی دارم. البته دلیل خاصی هم وجود دارد که من اغلب به آن فکر کرده‌ام و اکثر نویسندگان آلمانی اصلاً به آن نیاندیشیده‌اند. یعنی اینکه، آیا این چیزی که در اینجا می‌نویسم — این بخش یا آن فصل — واقعاً مورد علاقه خواننده خواهد بود؟ در همین کتاب دو سه فصل هست که من تردید داشتم واقعاً ضروری و مفید باشد. یکی از دست‌اندرکاران یک موسسه نشر که با من دوست است و کتاب را خوانده، سرانجام مرا متقاعد کرد که فصل مذکور را حذف نکنم.

گفتگو با مارسل راینیسیکی

ترس از تجربه دوباره همه چیز

□ بلافاصله پس از خواندن نیمه اول خاطرات شما که در آن بیشتر، مساله تجربیات تکان‌دهنده‌تان در برلین عصر ناسیونال سوسیالیست‌ها و در محله یهودی‌نشین ورشو مطرح است، این احساس به آدم دست می‌دهد که شما ازرومند بوده‌اید از این دوره مدرکی ارائه دهید.

■ واژه «آرزو» در این مورد واژه ضعیفی است. من خود را متعهد احساس می‌کنم که آنچه را تجربه کرده‌ام، دست کم بخشی از آن را به تصویر بکشم. این نوع موضوعات - مثلاً محله یهودی‌نشین ورشو و رخدادهای آن - از طرف شاهدان عینی نیز توصیف شده است، اما آنان اغلب مردمانی بوده‌اند که علی‌الاصول قادر به نوشتن نبوده‌اند. از سوی دیگر هم افرادی که توانسته‌اند و می‌توانند درباره محله یهودی‌نشین در ورشو بنویسند، آن را تجربه نکرده‌اند. به این ترتیب کتاب‌هایی که در این باره نوشته شده است، از نظر من در اغلب موارد، اندکی ضعیف یا تردیدبرانگیزند. یک نمونه از این مورد را نام می‌برم: یکی از کتابهای پرفروش درباره اقلیت‌نشین ورشو رمان میلان ۱۸^{۱۴} اثر نویسنده آمریکایی لئون یوریس^{۱۵} است. این نویسنده، انسانی

است که می‌داند چگونه مواد خام را به طرز موثری به کاربندد. اما او شاهد همه چیز نبوده است. او همه چیز را براساس گزارش‌ها و اظهارات شاهدان و غیره توصیف کرده است. مردم به من می‌گفتند: شما همه چیز را تجربه کرده‌اید و در ضمن حرفه‌تان هم نویسندگی است. همینکه پاسخ می‌دادم، من درباره ادبیات می‌نویسم و نباید درباره اینچور مسائل بنویسم، می‌گفتند: این درست نیست. شما باید در این باره بنویسید. یکی از افرادی که این حرف را می‌زد، همسرم بود. و بسیار زود هم به این مورد اعتراض کرد.

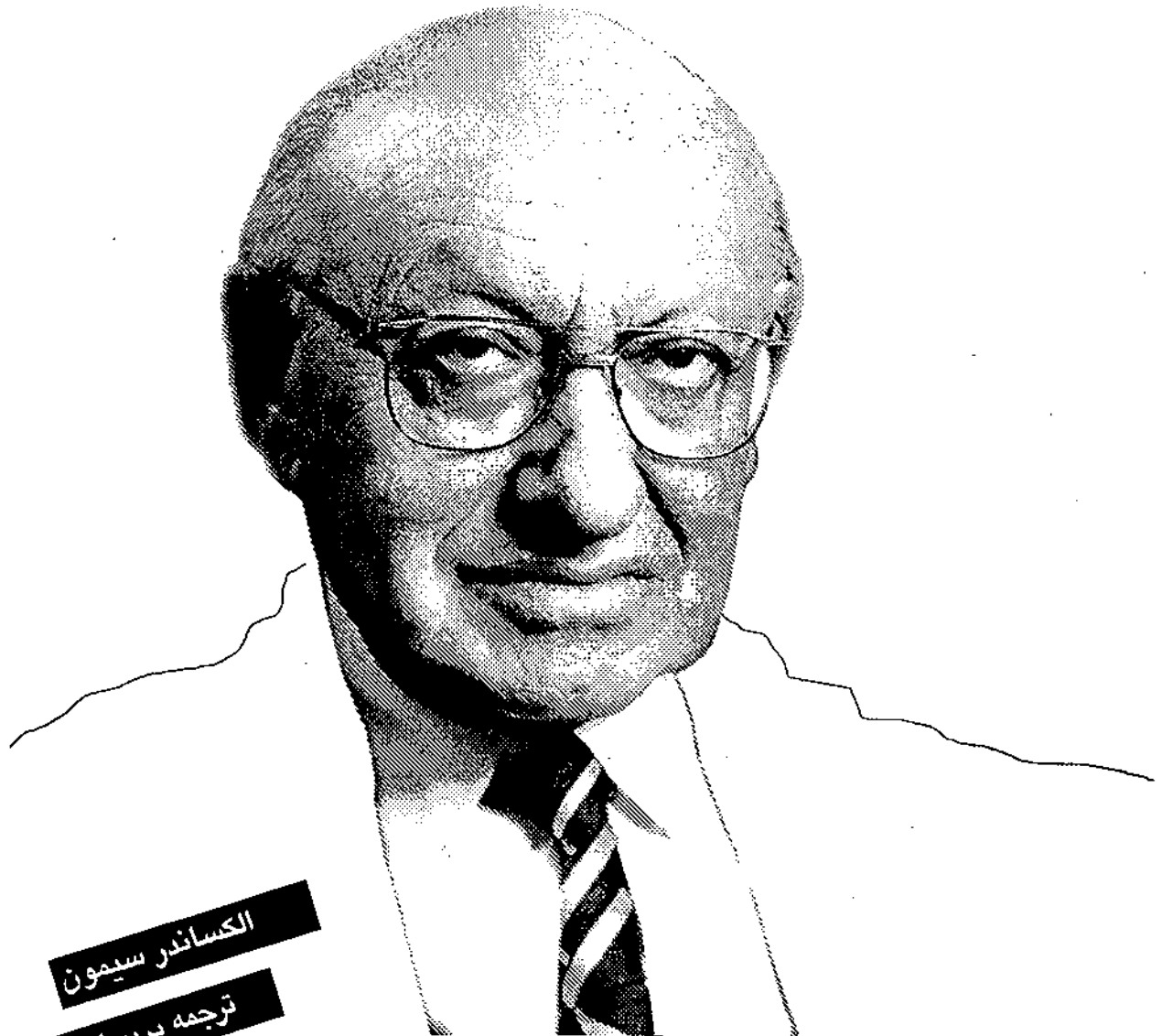
□ شما در زندگی من می‌نویسید، از همان دوران کودکی، ازوطلب بوده و اکنون هم همینطور هستید. آیا خیمه شما را این گونه ریخته‌اند؟

■ این امر بستگی به شرایط گوناگون دارد. بی شک شغل من، نقش مهمی ایفا می‌کرد. منتقدان، مردمی هستند که در میان قشری که در آن قرار دارند، یعنی در جمع نویسندگان، سایر منتقدان و ناشران، احساس بسیار خوبی دارند. اما همین جماعت، اوضاع بسیار

حساسی دارند: هر نویسنده‌ای که با منتقدی سخن می‌گوید، به ویژه اگر با این منتقد از مدت‌ها پیش دوستی هم داشته باشد، باید شش‌دانگ حواسش را جمع کند که در گفتگوهایش چیزی را افشا نکند که به ضررش تمام شود، چیزی که منتقد بتواند زمانی در کتاب بعدی یا کتاب‌های بعدی‌اش آن را دستاویز قرار دهد. این موضوع، رابطه میان منتقد و نویسنده را اغلب، خشک و غیرطبیعی می‌سازد.

□ آیا شما فطرتاً انسانی ازوطلب نیستید؟

■ بله، شاید اینطور باشد. اما چیزی بسیار مهم‌تر از فطرت و شغل من وجود دارد: زندگی‌نامه‌ام. من در کودکی در یک شهر کوچک لهستانی به مدرسه‌ای آلمانی زبان رفتم. در آنجا تعداد بسیار کمی یهودی وجود داشت. هر کس در درس تعلیمات دینی شرکت می‌کرد، از همان موقع فردی گوشه گیر بود. سپس به برلین رفتم و در آنجا هم طبیعتاً فردی ازوطلب شدم، و کسی که در ابتدا زبان آلمانی اندکی برایش مشکل آفرین بود. در هر حال به طریقی برای همکلاسی‌هایم



الکساندر سیمون

ترجمه پریسارضایی

بیگانه بودم. آنان از نظر من از برخی لحاظ برتر بودند. برای نمونه من هنوز بازی‌هایشان را بلد نبودم. همین، آدم را به فردی انزواطلب بدل می‌کند. و در سراسر زندگی من هم از این نوع موقعیت‌ها وجود داشته است.

□ پس از بازگشتن به آلمان در سال ۱۹۵۸، چندی نگذشت که شما در هفته‌نامه دی تسایت به منتقدی سفت و سخت بدل شدید، اما در خارج از هیئت تحریریه کار می‌کردید. شما نوشته‌اید که ابتدا چطور چهارده سال تمام در هامبورگ، اغلب به شکل «منزوی» در آپارتمان‌تان تقریباً محبوس بودید. اما در خلال دورانی هم که در نشریه فرانکفورت آلتگامیه تسایتونگ دبیر سرویس ادبیات بودید وضعیتان فقط ظاهراً تغییر یافت. آیا تنهایی احساس اصلی شماست؟

■ شاید واژه «احساس اصلی» بسیار مبالغه‌آمیز باشد. من در هامبورگ، تنهایی را بسیار احساس می‌کردم. در فرانکفورت این احساس کمتر بود و وضع دیگری داشتیم. در هامبورگ تمام طول روز را در خانه بودم. در خانه کار می‌کردم، کتاب می‌خواندم و درباره کتاب‌های منتشر شده می‌نوشتیم. به دنبال خواندن نوبت به نوشتن می‌رسد و بعد از نوشتن، نوبت خواندن بود، چیزی همچون گفتگویی یک نفره با خود در تنهایی. ارتباط من با دنیای خارج بیشتر با تلفن صورت می‌گرفت. در فرانکفورت، برعکس، من دبیری سرویس مقالات ادبی را برعهده داشتیم. تمام روز را در دفتر تحریریه بودم، بی وقفه با مردم تماس داشتیم. بی‌وقفه روی موضوعات مختلف کار می‌کردم. مطالبی تنظیم می‌کردم، کاری را متوقف می‌ساختم، مانع چاپ چیزی می‌شدم و خلاصه فعالیت‌ها مشغول به کار بودم.

□ شما در کتابتان تا حدود زیادی از توصیف غیبت کردن‌ها، دسیسه‌چینی‌ها و بازی‌های قدرت در حوزه ادبیات چشم پوشیده‌اید.

■ چطور؟ من هر چه را که به نظرم قابل ذکر و مهم می‌آمده، گزارش داده و حکایت کرده‌ام. البته دیگر جزئیات را گزارش نکرده‌ام.

□ آیا این نکته از نظر شما با فاصله‌ای که با اشخاص داشتید بسیار بی اهمیت بود؟

■ با این فاصله‌ای که وجود داشت، به راستی مهم نبود. می‌دانید، هر چند زندگی خصوصی نویسندگان مهم برای ما جالب است و مثلاً زندگی خصوصی توماس مان برای ما طبیعتاً جذابیت دارد، اما برای اطلاع یافتن از این موضوع به غیبت کردن‌ها تکیه نمی‌کنیم. ما منابع بسیاری داریم که از همه مهم‌ترند، یعنی دفترهای خاطرات و البته رمان‌ها و داستان‌ها. برای آنکه از نویسندگان عصر خودمان، نمونه آورده باشم باید بگویم که زندگی خصوصی اینگونه بورگ باخمان، موضوع مهمی است. اما در همین زمینه می‌توان در نئوول‌های او، برخی اطلاعات مهم را دریافت.

□ نقطه ثقل زندگی‌نامه خود نوشتن‌تان در نیمه نخست زندگی‌تان، به‌ویژه در دوران جوانی شما در لهستان و برلین و همچنین دوران سکونت در محله یهودی‌نشین در ورشو قرار دارد. اما دوره‌ای هم که از ۱۹۵۸ شروع می‌شود، از نظر روایی، مقطع حساسی به شمار می‌رود. شما دیگر نه به شکل کاملاً منسجم بلکه بیشتر به حالت اپیزودی، لطیفه‌وار و کوتاه حکایت می‌کنید. به نظر می‌رسد که گویا در اینجا رشته اندیشه اندکی از اختیارات خارج می‌شود.

■ خیر، رشته‌اندیشه از همان ابتدا، یعنی از صفحه اول تا آخر، در اختیار من بوده‌است. اصلاً رشته اندیشه همان شخص من است. درست مانند هر زندگی‌نامه خودنوشت دیگری. البته پس از سال ۱۹۵۸، موضوعاتی شخصی نیز وجود دارد که به همین سادگی‌ها هم نیست. باید ملاحظه افرادی را که هنوز در قید حیات‌اند کرد. طبیعی است که باید ملاحظه همسر خودم را هم می‌کردم.

□ آیا همسران با همه موارد درج شده در کتاب موافق بود؟

■ او همه آنچه را که در کتاب نوشته‌ام، خوانده و پذیرفته است. فقط یک جمله بود که او آرزو می‌کرد در کتاب نباشد.

□ بجز کار در فرانکفورت آلتگامیه تسایتونگ آیا شغل دیگری به شما پیشنهاد نشده؟ در مورد هفته‌نامه دی تسایت هم که سال‌های متمادی همکار آن بودید، همانطور بود شما در کتابتان می‌نویسید که به دنبال آن تردیدی که به ذهنتان رسید که مبادا پای ضدیت با یهود در میان باشد، این امر، بویژه مضامینی خاص را برای گفتگو پیش می‌کشید.

■ من در کتابم آشکارا می‌گویم که این تردید با قدرت هرچه تمام‌تر به سراغم آمد که ممکن است پای احساسات ضدیهودی در میان باشد. غیرممکن است، چرند است؟ آنان نمی‌خواستند من در هیئت تحریریه باشم، چون از من خوششان نمی‌آمد، یا از من می‌ترسیدند، همین و بس! این موضوع را تازه وقتی فهمیدم که همین چند سال پیش کتابی راجع به توصیف صریح و بی پرده تاریخچه دی تسایت خواندم که در آن درباره من مطالب بسیار دوستانه و محترمانه نیز دیده می‌شد. در این کتاب گفته شده بود که هیئت تحریریه مایل نبود چنان «مرد قدرتمند آگاه و جدل‌برانگیزی» در جمع افراد حضور داشته باشد. جدل‌برانگیز صفتی بود که سابق بر این در مطبوعات جنگ طلب ناسیونال سوسیالیست برای تحقیر یهودیان، بویژه از سوی یوزف گوبلز^{۱۶} به کار می‌رفت. در این موقع بود که فکر کردن به چیزهایی را آغاز کردم که پیش از آن قاطعانه طردشان کرده بودم.

□ دیتر! تسیمیر^{۱۷}، دبیر سرویس ادبیات دی تسایت در آن زمان نوشته است که این اتهام سراپا ناهق است.

■ من به نوشته دیتر! تسیمیر پاسخ دادم، اصلاً نمی‌خواستیم جوابی بدهیم، اما در دو مصاحبه، سوالاتی در این مورد از من پرسیده شد. وقتی در مصاحبه از من چیزی می‌پرسند، من از پاسخ طفره نمی‌روم. پس باید بگویم، آنچه تسیمیر می‌نویسد، از اساس غلط است. ذکر یک نمونه از گفته‌های او کافی است. از من برای شرکت در کنفرانس‌ها دعوت نمی‌شد، زیرا آنان، همکاران آزادشان را دعوت نمی‌کردند. اول آنکه این حرف، دروغ است و صدق نمی‌کند. همکاران آزاد در اغلب موارد در کنفرانس‌ها حضور داشتند. دوم اینکه، من که همکار آزاد نبودم. فقط آقایان با من مثل همکار آزاد رفتار می‌کردند. من در این روزنامه جایگاه مستحکمی داشتم.

□ عنوان فصل آخر کتابتان «پایان فصل ممنوعیت شکار» نام دارد. این فصل، فصلی با تمیز تلخ است. در این فصل علاوه بر سخنرانی والزر^{۱۸} به هنگام دریافت جایزه صلح، در رخداد دیگر از اواسط دهه هشتاد مطرح است: جدال تاریخ‌دانان آلمانی و اجرای نمایشنامه‌ای از فاس بیندر^{۱۹} که بخاطر تمایلات ضدیهودی‌اش فردی بدنام بود. شما از همه اینها به عنوان نشانه‌هایی از روح زمانه یاد می‌کنید. طراز نامه شخصی شما پس از بالغ بر ۴۰ سال [استقرار] جمهوری فدرال چیست؟

■ من در کتابم، طرازنامه‌ای را آورده‌ام و آن هم در جایی که نام ویلی برانت^{۲۰} و به زانو افتادنش را جلوی بنای یادبود محله یهودی‌نشین ورشو آورده‌ام. این طرازنامه چنین است: من از اینکه پس از خروج از لهستان در سال ۱۹۵۸ در جمهوری فدرال ساکن شده‌ام، پشیمان و متأسف نبوده و نیستم. آخر چنین احساسی چندان هم بدیهی نبود. آن روزها به کشور دیگری هم می‌اندیشیدم، یعنی به سوئیس. دوست داشتم مانند توماس مان پس از خروج از آمریکا به زوریخ بروم. اما حتی تلاشی هم در این راه نکردم. من اینطور تصور می‌کردم و البته تصورم درست بود که حتماً از من خواهند پرسید وضع حساب بانکی‌ام در بانک زوریخ چطور است.

□ وقتی به پورنه^{۲۱}، بنیامین^{۲۲}، کیر^{۲۳} و پولگار^{۲۴} می‌اندیشیم، برای یک لحظه آنان بی شک و واپسین نمایندگان سنتی پرسابقه هستند، یک یهودی آلمانی زبان با تأثیری عظیم بر حیات فرهنگی آلمان.

■ اینکه مرا دخیل در این سنت همراه با هاینه، بورنه، کر، یاکوبسن^{۲۵}، کارل کراوز^{۲۶} و سایرین بدانند درست است و مرا شاد می‌کند و شکی نیست که بی‌نهایت متأسفم که در ایفای این نقش تنها هستم.

□ پس کسی که روزی بتواند جانشین شما شود کجاست؟

■ لطفاً این سوال را از دیگری بپرسید، نه از من. در نشریات آلمانی، شاگردان سابق من مقام‌های مهمی

پانوشتها:

* الکساندر سیمون در شهر کاسل، روزنامه نگار آزاد است.

- 1- Wlodek
- 2- David Reich
- 3- Helene Reich
- 4- Treblinka
- 5- Trawniki
- 6- Teofila
- 7- Die Welt
- 8- Frankfurter Allgemeine Zeitung
- 9- Die Zeit
- 10- Spiegel
- 11- Heine
- 12- Thomas Mann
- 13- Brecht
- 14- Mila 18
- 15- Leon Uris
- 16- Joseph Goebbels
- 17- Dieter E. Zimmer
- 18- Walser
- 19- Fassbinder
- 20- Willy Brandt
- 21- Böme
- 22- Benjamin
- 23- Kerr
- 24- Polgar
- 25- Jacobsohn
- 26- Karl Kraus
- 27- Ulrich Greiner
- 28- Volker Hage
- 29- Uwe Wittstock
- 30- Frank Schirrmacher
- 31- Richard Wagner
- 32- Süskind
- 33- Schlink
- 34- Oskar Lafontaine

نماینده این دیدگاه بود که منتقد برای آن اختراع شده است که در عین محبوب ساختن نویسنده و پشتیبانی از وی، از او استفاده کند. بی شک این حرف یاوه‌ای بیش نیست. منتقد، نقشی کاملاً متفاوت دارد.

□ توماس مان در دوران حیاتش بسیار در فکر شهرت خود پس از مرگ بود. بعدها درباره‌اش باید چه نوشته شود؟
■ این موضوع به من مربوط نمی‌شود. مگر من باید بگویم که منتقدان درباره‌ام چه می‌نویسند؟ این تلاش را دیگران باید بکنند.

□ در حال حاضر، ادبیات آلمانی — به رغم جایزه نوبل گرفتن گونتر گراس — موفقیتی در سطح متوسط دارد. در کشورهای خارجی هم آن را چندان درک نمی‌کنند. آیا این عصر عاری از شکوه و جلال ادامه می‌یابد یا می‌توان امیدی داشت؟

■ بله، دلیلی برای امید وجود دارد. وضع ادبیات آلمان به هیچ وجه آنقدرها هم بد نیست. کتاب عطر از زوسکیند^{۳۲} یا قرائت‌کننده نوشته شلینک^{۳۳}، کتابهایی هستند که مردم در کشورهای خارجی همه‌جا آنها را درک می‌کنند. با قاطعیت می‌توانم بگویم که تاکنون حقوق کتابم برای ترجمه به انگلیسی، اسپانیایی و لهستانی فروخته شده است. ناشران فرانسوی، هلندی و اسرائیلی نیز به ترجمه آن علاقه نشان داده‌اند. فقط باید کتابهای خوبی نوشت و در اینصورت خارجیان به آنها علاقمند می‌شوند.

□ گونتر گراس به تازگی به اسکار لافونتین^{۳۴} توصیه کرد: «دهانت را ببند و شراب سرخت را بنوش!» توصیه شما به گراس چیست؟

■ پاسخ من فقط یک کلمه است: کارا!

□ آقای رایش راینسکی از شما بخاطر این گفتگو متشکرم.

دارند: اولریش گراینر^{۳۷}، فولکرهاگه^{۳۸}، اووه ویتشتوک^{۳۹}، فرانک شیرماخر^{۴۰} و غیره. اینها همه، افرادی هستند که سالها نزد من کار کرده‌اند و شاید به همین دلیل، آنان را شاگرد خود می‌دانم. آنان همگی معتقدند که هر کدام چیزی از من آموخته‌اند.

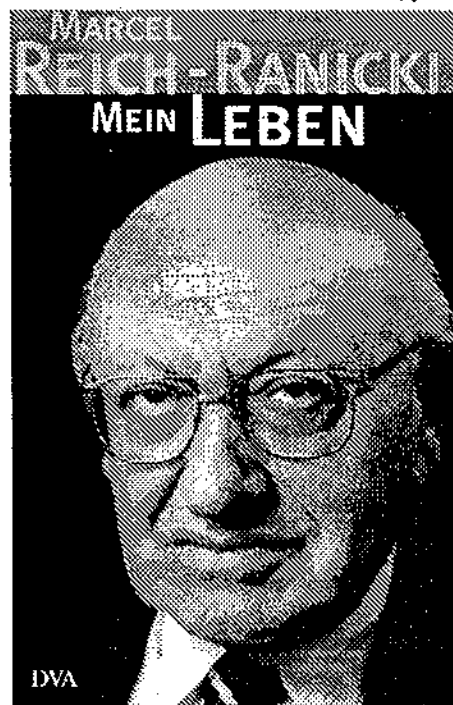
□ آیا شما در مقام منتقد، به آنچه می‌خواستید، رسیده‌اید؟

■ نه، اما زندگی همین است. آدم هرگز به آن حدی که می‌خواهد نمی‌رسد. اما اگر آن روزها هنگامی که من در سال ۱۹۷۳ داوری ادبی در فرانکفورت تر آلماینه تسایونگ را برعهده گرفتم، منتقدان بسیار اندکی وجود داشت، باید گفت که تعداد آنان، این روزها بسیار بیشتر است و من سهم بسزایی در این امر داشته‌ام. علاوه بر آن به نظر خودم به چیز بسیار مهمی رسیده‌ام: موفق شده‌ام برشکاف عمیق میان منتقدان و استادان زبان و ادبیات آلمانی غلبه کنم. من از تعداد قابل توجهی از استادان زبان و ادبیات آلمانی، منتقد ساخته‌ام و تصور می‌کنم شاید این مهمترین عملکردم باشد.

□ استادانی در حاشیه می‌گفتند، شما نتوانسته‌اید تحصیلات دانشگاهی داشته باشید، آیا این مایه افسوس است؟

■ قطعاً همینطور است. بله، بسیار دوست داشتم تحصیلات دانشگاهی داشته باشم. اما در عین حال معتقدم که در صورت اقدام به این تحصیلات از بسیاری چیزها هم محروم می‌ماندم و تصور می‌کنم سبک من به هیچ وجه به مذاق استادان زبان و ادبیات آلمانی، خوش نمی‌آمد.

□ پیشداوری علیه نقد از شاخصهای کاملاً آلمانی است.
■ پیشداوری‌ها، سابقه بسیار کهن دارند. ریشارد واگنر^{۴۱} با شخصیت یک منتقد خرده‌بین و همچنین گوته در این پیشداوری‌ها سهمی عمده داشته‌اند. گوته



بشر همواره از بی عدالتی، خشونت و ظلم موجود در جامعه ضد اخلاقی و به هم ریخته دنیای امروز رنج برده است؛ و برای تسکین خود سعی کرده تا دنیای ایده‌آلی در ذهن خود خلق کند. این دنیای تخیلی که «ناکجا آباد» یا «آرمان شهر» نامیده شده است، پناهگاه خیالی خوبی را برای بشر فراهم آورده تا او را از مشکلات زندگی بگریزند و در پرتو تسکین‌دهنده این دنیای معقول و عادل که همواره ذهن او را به عنوان دنیایی آزاد و فارغ از هرگونه هراس به خود معطوف داشته، با امنیت بیاساید. اما نظریه ضد آرمان شهر نیز مقوله جدیدی نیست و از دیرباز در دنیای ادبیات مورد بحث بوده، گرچه هرگز بدین وضوح که در برخی از رمانهای امروزی مطرح شده پیش از این وجود نداشته است. جهان در روزگار «ادیسسه» (Odyssey) و «هومر» (Homer) نیز به انحطاط کشیده شده بود. تجاوز خواستگاران پنلوپه (Penelope) همسر اودیسه به خانه‌اش و تصرف اموال او توسط آنها تصویر روشنی از پستی دنیای ضد آرمان شهر است. اینان به نوبه خود هرج و مرج طلبانی با دودمانی پست و رفتاری ناجوانمردانه هستند. افرادی که در آنها شؤونات قهرمانانه جای خود را به خودخواهی و خودکامی داده است. یکی دیگر از هم‌عصران هومر، هیسایاد نویسنده کتاب کارها و روزها (Works and Days) است. او نیز از مشاهده بی عدالتی در دنیا به ستوه آمده است و دنیا را از

دید خود به پنج عصر تقسیم می‌کند: نخست عصر خدایان، و سپس اعصار پهلوانان و فرزندان خدایان مطرح می‌شود، بعد از آن نوبت به عصر طلایی می‌رسد و به دنبال خود عصر نقره‌ای را به ارمان می‌آورد و بالاخره عصر حاضر یا عصر آهن که ما آن را ضد آرمان شهر می‌نامیم فرامی‌رسد در حالیکه عصر طلایی را نیز عصر ایده‌آل آرمان شهر می‌دانیم. از آنجا که همه ما به نوعی شاهد ضد آرمان شهرهای زمان خود بوده‌ایم، این بیشتر قابل درک و باور است و در ذهن ما پرمعناتر از دنیای مطلوب آرمان شهر است که صرفاً زاده ذهن خلاق نویسنده است و نه ذهن همه افراد.

برای ادامه بحث نیازمند به تعاریفی از آرمان شهر و ضد آن هستیم، اما پیش از همه درباره ریشه کلمه آرمان شهر توضیحاتی چند ضروری به نظر می‌رسد. این کلمه از دو کلمه یونانی گرفته شده است: یکی از آنها Eutopia به معنی «لامکان» و دیگری eutopia به معنای «آباد مکان» است. اما «سرتامس مُر» (Sir Thomas More) برای اولین بار ترکیبی دوپهلو از این دو واژه ساخت و آن را «ناکجا آباد» (Utopia) نامید. تفسیرهای دیگری نیز برای کلمه ناکجا آباد (آرمان شهر) وجود دارد. به طور مثال، اچ. جی. ولز (H. G. Wells) در کتاب «یک یوتوپای مدرن» (A Modern Utopia) (۱۹۰۵) «دنیایی مشخصاً منطقی‌تر و شایسته‌تر از آنچه را که ما در آن زندگی می‌کنیم» (ص ۲۵) معرفی کرده است. چد والش (Chad Walsh) در سال ۱۹۶۲ مفهوم آرمان شهر را با ظرافت بیشتری شرح داده، می‌گوید: «آرمان شهر جامعه

کاملی را پیشنهاد نمی‌کند بلکه به سادگی جامعه‌ای را بهتر از آنچه که ما مشاهده می‌کنیم، به تصویر می‌کشاند». (ص ۲۵) بنابراین این جامعه نباید لزوماً جامعه‌ای کامل و بدون نقص باشد، بلکه جامعه‌ای برتر از دنیای واقعی ماست. بهر حال، همه منتقدین بر روی ماهیت آرمان شهر اتفاق نظر ندارند. به طور مثال، نورثروپ فرای (Northrop Frye) (۱۹۶۶) اظهار می‌کند: «آرمان شهر کشوری است ایده‌آل و بی نقص، که نه تنها ساختارش به طرز منطقی مستحکم است بلکه تا آنجا که امکان‌پذیر است، به ساکنینش آزادی و خوشبختی می‌بخشد». (ص ۳۱) از سوی دیگر، بعضی از منتقدین اساس آرمان شهر را منطبق بر کمال معنوی انسان می‌دانند نه زندگی مادی او. به نظر جودیت شکلر (Judith Shklar) (۱۹۶۶)، «آرمان شهر همیشه یک تصویر و قیاس از اوج معنوی بشر بوده، اوجی که تنها از طریق قدرتهای ذاتی او که میل به کمال دارد بدست آمده است». (ص ۱۰۴) شکلر معتقد است که آرمان شهر نه از نظر تاریخی وجود داشته است و نه از نظر جغرافیایی. کشش زیبایی‌شناختی و هوشمندانه آن از مغایرت سودایی نشأت می‌گیرد که بین «چه باید باشد» و «چه خواهد بود» وجود دارد. او آرمان شهر را این‌گونه تفسیر می‌کند:

«[آرمان شهر] تجلی آرزوی نویسنده برای تکامل و بقا است. به همین دلیل است که آرمان شهر، که آفریده آن یک فرد اخلاق‌گراست، محتاج به یک هماهنگی ثابت و بدون تغییر است، که در آن شناختی پراکنده از حقیقت به

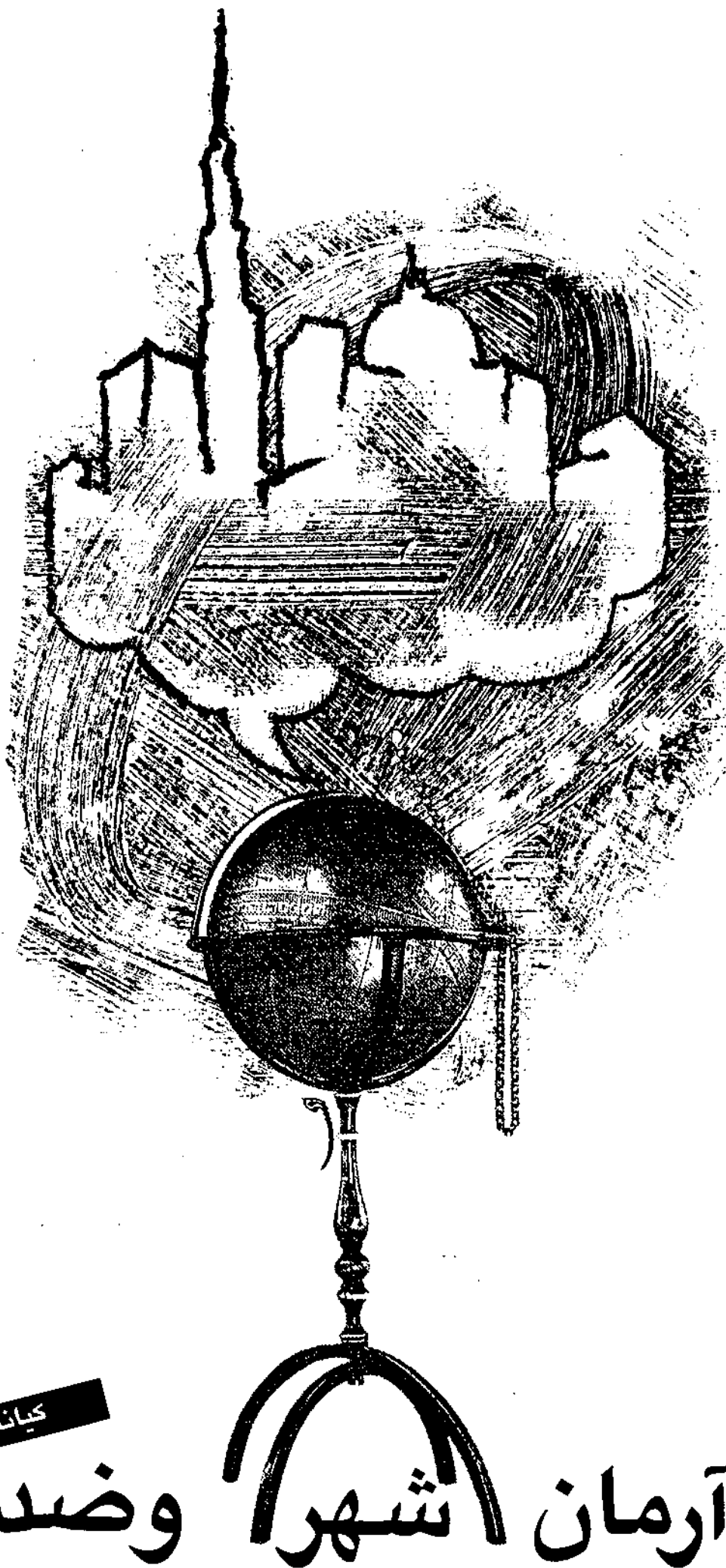
بررسی تاریخی

یکدیگر می‌پیوندند و متحد می‌شود، همانطور که
ساکنینش به هم ملحق می‌شوند. حقیقت واحد
است و تنها باطل است که چندین چهره دارد».
(ص ۱۰۵)

بنابراین از نظر شکل، اندیشه آرمانشهر تنها نتیجه
چشم‌گیر ارتقاء روح انسان و نشان دادن راه درست برای
نجات روح اوست. و این امر امکان ندارد مگر از طریق
خلق یک آرمان‌شهر متحد شده ثابت و یک‌رنگ.

بهرحال همه منتقدین عقیده دارند که اولین
نویسنده آرمان‌شهری افلاطون است که «جمهوری»
(Republic) بی‌نظیرش الگوی اولیه دیگر کارهای
آرمان‌شهری و ضد آرمان‌شهری است. عبارت «ضد
آرمان‌شهر» (dystopia) در سال ۱۸۶۸ توسط جان
استوارت میل (John Stuart Mill) ابداع شده است.
چدوالش «ضد آرمان‌شهر» را این گونه توصیف می‌کند:
«جامعه‌ای تخیلی که پست‌تر از هر نوع
جامعه متمدن موجود است... آرمان‌شهری
واژگونه، که در جای خود سعی در حمله‌ای تعمدی
بر نظریه و امکان وجود آرمان‌شهر دارد. حمله‌ای
که حتی ممکن است تمایلات مشخصی بر جوامع
موجود بشری داشته باشد». (ص ۲۶)

در چنین جوامعی تمامی حقوق شخصی افراد
توسط نخبه‌گان حکمران سرکوب می‌شود. این جامعه
می‌تواند سرمایه‌دار یا سوسیالیست باشد. بهر حال هر دو
این جوامع بدقت بر اساس جامعه «جمهور» افلاطون
طراحی شده‌اند، اما به صورتی بزرگنمایی شده و
دگرگون.



کیانامرادخانی

آرمان‌شهر و ضد آن

«جمهور» افلاطون دارای ویژگی‌هایی منحصر است که در دیگر کارهای آرمان‌شهری و ضد آرمان‌شهری منعکس شده است. به عبارت دیگر، بیشتر این گونه رمانها ساختار اولیه خود را از «جمهور» گرفته‌اند. به منظور شرح دقیق این خصایص، مروری سریع بر «جمهور» و ساختار آن ضروری است.

جامعه در دنیای آرمان‌شهری افلاطون به سه طبقه اجتماعی مختلف تقسیم می‌شود، و آنانی که متعلق به هر یک از این طبقات هستند به گونه‌ای خاص تربیت می‌شوند تا برای وظایف آینده‌شان آمادگی یابند. بعلاوه، در نتیجه تعلیمات بسیار، هر گروه دارای فضیلت اخلاقی خاصی است. اولین طبقه، طبقه حکمرانان است. بعد از تحمل تعلیماتی سخت و طولانی، آنها عقل را بعنوان فضیلت اخلاقی‌شان برمی‌گزینند، در حالیکه لقب «حکمرانان فیلسوف» (Philosopher rulers) را نیز به آنان بخشیده‌اند. سپس طبقه نگهبانان مطرح می‌شود که شامل سربازان، کارمندان دولت و از این قبیل است. گرچه اینان در ارتباطی تنگاتنگ با گروه حکمرانان به سر می‌برند، عقل، فضیلت اخلاقی‌شان محسوب نمی‌شود بلکه برای این گروه شجاعت را انتخاب کرده‌اند. دو طبقه نخست جامعه، کشور را اداره می‌کنند، اما اولی مهم‌تر و دومی کم‌اهمیت‌تر است. بالاخره آخرین و سومین طبقه، عامه مردم هستند که شامل کارگران و بردگان می‌شود. اینان تحصیلات کمی دارند و حتی گاهی اوقات اصلاً سواد ندارند. این امر به آن‌ها کمک می‌کند تا پیروانی خوب و مطیع برای طبقه حکمران باشند و این همان چیزی است که فرمانروایان می‌خواهند. بنابراین تنها فضیلت آنها پرهیزکاری به مفهوم خویشترن‌داری و اطاعت است. اما یگانه فضیلتی که بر تمام جامعه حاکم است، عدالت نام دارد. به نظر افلاطون، هنگامی که هرکس شغلش را به خوبی انجام دهد، جامعه عادل است و همه چیز در جای خود باقی می‌ماند.

نظام طبقات اجتماعی افلاطون بیشتر آثار ادبی آرمان‌شهری و ضد آرمان‌شهری را تسخیر کرده است. بهترین نمونه رمان «هزار و نهصد و هشتاد و چهار» (Nineteen Eighty Four) نوشته جورج اورول (George Orwell) در سال ۱۹۴۹ است. طبقات حاکم در این رمان بدین ترتیب‌اند: «محفل داخلی» (Inner - Party) (همچون طبقه «حکمرانان فیلسوف» افلاطون)، محفل خارجی (Outer - Party) (همچون نگهبانان) و بالاخره طبقه «کارگر» (The Proles) (همچون عامه مردم). نمونه دیگر از این قبیل کارها، «یوتوپای مدرن» نوشته ای. جی. ولز به سال ۱۹۰۵ است. در این اثر ولز طبقه حکمرانان فیلسوفی به نام ساموری (Samurai) خلق کرده است. اینان دارای خصوصیتی تقریباً شبیه به طبقه حکمران افلاطون یا افراد «محفل داخلی» اورول هستند. و بالاخره آخرین مثال بردگان و جنایت‌کاران در «یوتوپیا»ی (Utopia) اثر

است، کسانانی که همچون کارگران بی تفاوت و حیوان‌خوی «هزار و نهصد و هشتاد و چهار» اورول ظاهر شده‌اند.

افلاطون به این موضوع که منافع فردی در گرو نفع و صلاح جامعه است، اشاره دارد. به عبارت دیگر، همانطور که والش (۱۹۶۲) می‌گوید، «افلاطون نشان می‌دهد که چگونه خوشبختی فرد و جامعه کاملاً درهم آمیخته است.» (ص ۴۰) بنابراین اگر کسی تمام و کمال در خدمت جامعه‌اش باشد، پیشرفت و خوشبختی خود را تضمین کرده است. بعلاوه، هر چقدر که سیستم از کارکردش راضی باشد، خود او نیز از انجام کارش که به نحو احسن صورت گرفته احساس رضایت می‌کند. به نظر می‌رسد که قوانین خاصی برای دو طبقه اول جامعه که در حکم فرمانروایان جامعه هستند در نظر گرفته شده است.

به طور مثال، به گفته چد والش (Chad Walsh) افلاطون مخالف خانواده و ثروت است. او معتقد است که همه باید هرآنچه را که دارند با دیگران تقسیم کنند و بدین ترتیب نه فقری و نه دزدی وجود خواهد داشت و همه با شادمانی زندگی خواهند کرد. در چنین جامعه‌ای پول از چرخه اقتصاد خارج است و استفاده از آن بی‌معنی است و در نظر مردم طلا و دیگر فلزات گرانبها و جواهرات بی‌ارزش و بی‌معنا به نظر می‌رسند. آنها از این اشیاء گرانبها برای غل و زنجیر کردن مجرمان استفاده می‌کنند و کاسه توالتهای خود را از این فلزات می‌سازند. بنابراین هیچکس حرص و طمعی برای جمع‌آوری این اشیاء باارزش ندارد. بدین ترتیب، افلاطون سعی در بی‌رنگ کردن حرص و خودخواهی در نهاد آدمی دارد و این اولین باری است که به صورت غیرمستقیم «کمونیسم» خودنمایی می‌کند.

افلاطون همچنین نظریه تشکیل خانواده را نیز تا زمانی که به دستور و بنا به منفعت کشور و دولت نباشد منع کرده است و در این راستا، تنها هدف از آن، زاد و ولد در حیطه اصلاح نژادی است و نه غیر. در نتیجه روابط جنسی فقط در خدمت تولیدمثل می‌باشد. والش (۱۹۶۲) اظهار می‌کند: «بهرحال، بچه‌دار شدن و تربیت آن جزء منافع دولت محسوب می‌شود که در نهایت کنترل شدیدی بر اصلاح نژاد دارد.» (ص ۳۸) این نظریه به وضوح در آثاری چون «هزار و نهصد و هشتاد و چهار» که در آن دولت بر ازدواجها و کنترل اصلاح نژاد در قضیه تولیدمثل نظارت کامل دارد، و دنیای شجاع نو (Brave New World) که در آن دولت خود مسئولیت تربیت کودکان را در کارخانه‌های تولید انسان به عهده دارد دیده می‌شود. والش (۱۹۶۲) می‌گوید: «رفتار افلاطون نسبت به قضیه روابط جنسی و زنان تاجرمانانه است. او زنان را از آشپزخانه و اتاق خواب بیرون می‌آورد و آنچنان برابری به آنها می‌بخشد که اینان نیز می‌توانند نیزه‌ای با خود حمل کنند و یا جزء فرمانروایان فیلسوف قرار گیرند.» (ص ۴۰) بنابراین این

پیوند دوباره‌ای بین شخص و جامعه‌اش خواهد بود. هیچکس احساس بیگانگی با اجتماعی که بدان تعلق دارد نخواهد کرد. در نهایت به عنوان یک مالک [مالک جامعه] هر آنچه را که بتواند انجام می‌دهد تا معیارهای اجتماعی کشورش را بالا ببرد. ارتقاء جامعه‌اش، ارتقاء زندگی خودش است و خوشبختی دولت، خوشبختی خود اوست. بدین ترتیب افلاطون ضروریات اخلاقی و سیاسی را به یکدیگر پیوند می‌دهد.

افلاطون، برای رسیدن به اهدافش معتقد است که هر آنچه الهام‌بخش روح آدمی است و او را تحت تاثیر قرار می‌دهد باید منسوخ گردد. چرا که ممکن است منطق سیستم اجتماعی را به خطر اندازد. هر چیز و هر عقیده‌ای باید اساس منطقی داشته باشد. بعلاوه تنها رمز موفقیت سیستم، تحصیلات است و از طریق تحصیلات هرکسی ممکن است فیلسوف شود. غایت آرزوی افلاطون اداره جامعه توسط فیلسوفان (فرمانروایان فیلسوف) است. زیرا که او معتقد است درک یک فیلسوف از حقیقت، از درک آنانی که سایه‌ای از حقایق را از درون غار بر روی دیوار مقابل می‌بینند کاملاً متفاوت است (اشاره به عامه مردم همچون کارگران است).

افلاطون به عنوان یک نویسنده کلاسیک آرمان‌گرا ایده‌های خود را آنچنان ماهرانه و استادانه عنوان کرده که تا به حال هیچکس نتوانسته از آنها تخطی کند و یا معادلی بهتر برای آنها خلق نماید. بنابراین، تعدادی از خصوصیات مشخص آرمان‌شهر پس از افلاطون و «جمهوریش» به دیگر آرمان‌شهرنویسان نیز منتقل شده است. این امر دنیای آرمان‌شهر را ایستا می‌سازد. این شهر (آرمان‌شهر) همواره جدا از زمان و مکان بوده، هیچکس نمی‌داند که کجا واقع شده و در چه زمانی وجود داشته است. بیشتر اوقات جزیره‌ای محصور در آب است. ساکنین این جزیره به سه دسته تقسیم شده‌اند. اولین و برترین آنها همواره فرمانروایان فیلسوف هستند. دومین گروه رابطه‌ای تنگاتنگ با گروه نخست دارد. اولی دستور می‌دهد و دومی اجرا می‌کند. این دو به کمک یکدیگر حکومت می‌کنند. سومی همیشه گروهی ناآگاه و بی‌خیال است که کنترل و فرمانروایی آنان برای دو گروه اول آسان می‌نماید.

پوششی که آرمان‌شهری‌ها استفاده می‌کنند ساده و متداول است و غذاهایی که با آنها تغذیه می‌شوند نیز از انواع بخصوصی هستند. قوانین بسیار سخت و خشکی بر آنها حاکم است و اموال نیز به صورت مشترک مورد استفاده قرار می‌گیرند. هر نوع تخلف یا مجازاتی سخت مواجه می‌شود و همه اینها آرمان‌شهری‌ها را در بنای یک نظام هماهنگ و کمونیستی یاری می‌دهد، نظامی که بیشتر ایستاست تا متغیر.

از سوی دیگر، برخی منتقدین همچون مانهایم (Mannheim)، نظر جدید و جنجالی دارند که برحسب آن معتقد به جامعه‌آتی هستند که در آن نخبگان

هوشمند (و نه فیلسوفان) اداره سیستم را برعهده دارند. این نخبگان در جامعه‌شناسی دانش فرهیخته شده و قادرند تا تاریخ روزگار خود را منطبق بر مصلحت‌های آزادیخواهانه، دموکراتیک و منطقی‌مآبانه جامعه مهار کرده، متغیر سازند. این نظر کاملاً با عقیده مدافعان آرمان‌شهری کلاسیک که خواستار موقعیت ایستا و دیکتاتوری فیلسوفان منطقی هستند، متفاوت است. شکسپر (۱۹۶۶) اظهار می‌کند که از نظر مآنها، «آرمان‌شهر وسیله‌ای است برای ابراز وجود (Self expression) نخبگان و این آنها هستند که در نهایت به عصر خود شکل می‌بخشند، نه طبقات بی‌صدای جامعه». این ایده کاملاً الهام‌بخش و پویاست و روی هم رفته متفاوت با دید تاریخی آرمانگراهای کلاسیک، آرمان‌گرایانی که اخلاقیات منطقی و جهانی و ایده‌آل‌های عدالت را می‌ستایند. اما پیش از آنکه با این نظر در تاریخچه آرمان‌شهر روبه‌رو شویم، نویسندگان آرمان‌شهری دیگری نیز وجود دارند که شایان ذکرند. بعد از افلاطون، سرتامس مر، بعنوان اولین سوسیالیست مدرن «مقاله سیاسی متفکرانه‌ای» رابه لاتین نوشت. دربل (Drabble) (۱۹۹۵) می‌گوید:

«این اثر به سال ۱۵۱۶ در «لوین» تحت نظارت «ارسمس» به چاپ رسید. ... موضوع آن در جستجوی بهترین دولت ممکن می‌باشد. ... کمونیسم در آن جا قانون کلی است، و یک سیستم تحصیلاتی ملی برای زن و مرد به طور یکسان دایر است، و آزادترین آزادی مذهبی به رسمیت شناخته شده است.» (ص ۱۰۲۹)

ساکتین یوتوپیی مَر آشکارا کافرند. اما این کافران اهمیت بیشتری برای اخلاقیات در قیاس با مسیحیان قائل‌اند. بنابراین به نظر مَر، مذهب کلیدی برای موفقیت نیست، اما اخلاقیات می‌تواند این گونه باشد. شالوده این جامعه بیشتر بر پایه‌های «جمهوری» افلاطون بنا شده است، مقوله‌هایی چون از بین بردن خودخواهی، تشویق به سخاوت و رفتار کردن با مردم

عادی آن گونه که افلاطون با گروه سومش برخورد می‌کند.

اثر آرمان‌شهری بعدی «آتلانتیس جدید» (New Atlantis) نوشته «فرانسویس بیکن» (Francis Bacon) به سال ۱۶۲۷ م است، که «فلسفه سیاسی در قالب افسانه است». داستان مربوط به جزیره خیالی می‌شود که دارای یک «دانشکده فلسفه طبیعی» است که «به مطالعه مخلوقات خداوند و جهان هستی اختصاص داده شده»؛ و این جامعه مطابق با تحقیقات علمی جمعی (اشتراکی) طراحی شده است. در سال ۱۷۲۶ م. سوئیفت (Swift) «سفرهای گالیور» (Gulliver's Travels) را به چاپ رسانید و در این هنگام بود که آثار آرمان‌شهری مبدل به آثار طعنه‌آمیزی شده که جوامع معیوب روزگار خود را به تصویر می‌کشاند. «سفرهای گالیور» نواقص جامعه سیاسی روزگار سوئیفت را منعکس می‌کند. سپس «پلمی» (Bellamy) در سال ۱۸۸۸ کتاب خود را تحت عنوان «نگاهی به پشت سر» (Looking Backwards) به رشته تحریر درآورد. در این اثر قهرمان داستان به خواب می‌رود و سال ۲۰۰۰ را می‌بیند، هنگامی که هرج و مرج و بی‌عدالتی از بین رفته است. همه عضوی از اجتماع محسوب می‌شوند و برای همین اجتماع زحمت می‌کشند و در این سیستم نوین، همه از بهره‌های اخلاقی، اجتماعی و فرهنگی برخوردارند. اچ. جی. ولز (H. G. Wells) (۱۹۰۵) به دقت از پلمی در «یوتوپیی مدین» (A Modern Utopia) خود تقلید کرده است. این اثر نیز یک هجو سیاسی است که مردم را از خطرهای قدرتهای نوین ناشی از علم مطلع می‌سازد، درحالی‌که آینده مورد انتظار این جامعه نیز ترسیم شده است. اما قبل از چاپ این کار، اثر دیگری با عنوان «اخباری از ناکجاآباد» (News From Nowhere) در سال ۱۸۹۱ به قلم ویلیام موریس (William Morris) منتشر شد. مارگارت دربل (Margaret Drabble) (۱۹۹۵) این اثر را جوابی به «نگاهی به پشت سر» پلمی می‌داند. در این رمان،

قهرمان موریس به خواب می‌رود و هنگامی که از خواب بیدار می‌شود خود را در «بهشت کمونیستی» می‌یابد که در آن «زنان و مردان آزاد، سلامت و یکسانند و حومه شهر از هرج و مرجهای صنعتی در امان مانده و پول، زندانها، تحصیلات رسمی و حکومت مرکزی ممنوع شده است» (ص ۷۰۶). سپس نویسنده این جامعه تازه تأسیس را با جامعه قرن نوزدهم مقایسه می‌کند و ستیزها و کشتارهای آن را تحسین می‌کند، چراکه اینان عامل اصلی خلق چنین جامعه خوشبختی هستند.

سرانجام آلدوس هاکسلی (Aldous Huxley) اثر علمی و ضد آرمان‌شهری خود را می‌نویسد که هشدار می‌دهد که انسان نسبت به آینده وحشتناک جامعه در زیر سایه تکنولوژی و علم، بعد از «دنیای شجاع نو» (Brave New World) هاکسلی، جرج اورول (George Orwell) «هزار و نهصد و هشتاد و چهار» (Nineteen Eighty - Four) را در سال ۱۹۴۹ نوشته است. این رمان کابوسی است از جامعه‌ای با سیستم استبدادی (totalitarian) و دیکتاتوری حاکم بر آن و تلاش مذبوحانه انسان برای نجات از این جامعه. چراکه انسان با پذیرش هرآنچه که به او عرضه شده محکوم به تسلیم و شکست است. هیچ حقیقت یا باور شایسته‌ای وجود ندارد مگر آن‌چه که مورد تأیید و قبول محفل (the Party) است. همچنین نه خلوتی وجود دارد و نه فردگرایی.

منافع فردی در ارتباط مستقیم با منافع کشوری است. هیچ انسان واقعی وجود ندارد، مگر افرادی با مغزهای شستشو یافته که بیشتر همچون ماشینند تا انسان. اینان بدون هیچ چون و چرایی در خدمت اهداف محفلند و به همین ترتیب داستان ادامه می‌یابد.

پیش از آنکه به بررسی تأثیر فیلسوفان بر مراحل تحول آرمان‌شهری بپردازیم، ذکر چند نکته ضروری می‌نماید. بشر در تاریخ زندگی همواره متحمل پستی‌بلندیهای زیادی شده است. در طی این طریق و با وجود مشکلات آن، او سعی کرده است تا ایدئولوژی کاملتری را پیدا کند تا شاید بدین وسیله قدرت مقاومت و بقا را نیز بدست آورد. این تئوریه‌ها و ایدئولوژیها همانند همه تئوریه‌ها و ایدئولوژیهای موجود دیگر دارای نقایصی هستند که ممکن است تأثیری منفی و یا حداقل ناخوش‌آیند بر زندگی بشر داشته باشند. درعین حال این بدین معنا نیست که این اندیشه‌ها تنها تأثیری مخرب بر انسان بجای گذاشته‌اند. به طور مثال، وقتی افلاطون به عنوان اولین پیشگام آرمان‌شهری سعی دارد تا رنگ جدیدی به زندگی انسان بخشد، نمی‌خواهد دیکتاتوری را تشدید کرده یا انسان را در موقعیت سخت و غیرقابل تحملی قرار داده باشد و در نهایت نیز او را ملول و افسرده خاطر سازد. وضعیت در مورد دیگر اندیشمندان نیز که دارای افکار و نظریه‌های جدیدی بوده‌اند، کمابیش به همین ترتیب است. بعلاوه، نوآوری‌هایی که در زمینه علم، هنر و مذهب در طول



زندگی انسان رخ داده سه مرحله‌ی متفاوت از دنیای آرمان‌شهری را خلق نموده است. به نظر فرانک ای مانوئل (Frank E. Manuel) (۱۹۶۶) اولین نوع آرمان‌شهر، «آرمان‌شهرهای سعادت و آرامش» (Utopias of Calm Felicity) هستند، که بهترین نمونه آن اثر لاتین سرتامس مرس است که آن را به عنوان الگویی برای دنیای آرمان‌شهر غربی قرار داده‌اند. چنین آرمان‌شهرهایی نشانگر آنند که بشر بدنبال خوشبختی بی‌دغدغه‌ای است. در این دنیاها دستیابی به هرگونه نظام پایه‌ای مطلوب، میسر است، هنگامی که فضیلت‌های اخلاقی‌اش به مردم معرفی گردند. به طور کلی، هدف آنها رسیدن به آرامش، سعادت مطلق، صلح و شاید فضیلت اخلاقی است. اما بعد از این دوره نوبت به «ادبیات درباری رنسانس» می‌رسد که «ملکه افسانه‌ای» (Faerie Queen) نمونه بارزی است از این دوره. در این اثر با در نظر گرفتن پیام اصلی داستان که بخشیدن صورتی خیالی به دربار و ستایش تاج و تخت است، نشانه‌هایی چند از رویاهای آرمان‌شهری یافت می‌شوند. «نور تروپ فرای» (Northrop Frye) در سال ۱۹۶۶ اظهار می‌دارد: «این ادبیات مستقیماً آرمان‌شهری نیست، بلکه بنیاد و اساس خیالی آن به آرمان‌شهر پیوسته است.» (ص ۴۲) یکی دیگر از اصول اصلی این دوران که در مرحله بعدی بسیار تغییر می‌یابد، برخورد آرمان‌شهریان با مقوله روابط جنسی است. از زمان مرس تا قرن نوزدهم، نویسندگان آرمان‌شهری کمابیش به داشتن تنها یک همسر بعنوان اصل مطلق روابط جنسی معتقدند. سپس به تدریج سعی می‌کنند تا حیطه وسیع‌تری از روابط جنسی را در خیال خود بپرورند و در نهایت هیچ نویسنده‌ای دیگر سعی در سرکوب کردن رویاهای ایده‌آل جنسی ندارد. بعد از انقلاب فرانسه، اولین کورسوها مرحله دوم به چشم می‌خورد و آرمان‌شهر شکل نوین و انقلابی به خود می‌گیرد. در این شکل جنجالی که «آرمان‌شهر بی انتهای قرن نوزدهم» (The Open-Ended Utopia of the Nineteenth Century) نام دارد، نویسندگان نابرابر بودن فطرت بشر را تصدیق می‌کنند و این دلیلی است برای تولد مکتب رمانتیک فکری «هویت، خودیانی و فردگرایی». از نظر مانوئل (Manuel) (۱۹۶۶)، بشر «نسبت به اعتقادات دست نخورده اساطیری - مذهبی‌اش که استوار بر برتری عقل او نسبت به صلاحیتهای عملی فردی و عاطفی‌اش است، تردید دارد.» (ص ۷۹) به عبارت دیگر، برای رهایی از تساوی‌گرایی آرمان‌شهرهای قدیمی، در قرن نوزدهم، برخی از نویسندگان از سیستم سلسله مراتب که ریشه در تئوریهای بیولوژیکی و فیزیولوژی علمی دارد پشتیبانی کرده‌اند. نویسندگانی همچون سن سیمون (Saint-Simon) که یکی از آرمان‌نویسان فرانسوی است، بدنبال ترتیبی هستند که تأکید بر فردگرایی، اظهار وجود (Self-expression) و خودبستگی (self-fulfilment) دارد. او و دیگر نویسندگان فرانسوی

معتقدند که این نظام خشنودی فرد را تضمین می‌کند. بدین ترتیب، خلق و خوی آرمان‌شهری از حالتی ایستا به حالتی متغیر می‌رسد، که برحسب تغییرات تاریخی زمانه خود دگرگون شده است. بار دیگر در اواخر قرن نوزدهم، تحت تأثیر فرضیه‌های دو دانشمند آن عصر، این دید تازه تولد یافته فرانسوی نیز از بین رفت. فرانک ای. مانوئل (Frank E. Manuel) (۱۹۶۶) می‌گوید:

«در اواخر قرن نوزدهم دو نظریه درباره طبیعت بشر پدید آمد که دو مانع تقریباً غیرقابل عبور برای حیات طولانی مدت رؤیای آرمان‌شهری بودند؛ که منظور همان کشفیات داروین و فروید است. این دو فرضیه هر دو برای آن دسته از مردان قرن نوزدهم که رؤیاهایی صلح‌آمیز، منظم و توسعه یافته از دنیا داشتند خانمان‌برانداز بود. دنیایی که از آن دشمنی و خشونت واقعاً رخت بر بسته بود و جایگاه می‌رفت تا در آن خلاقیات بشر همیشه شکوفا باشد.» (ص ۸۶)

این آغازی بود برای مرحله بعدی که آخرین مرحله آرمان‌شهری نیز محسوب می‌شود و نامش «آرمان‌شهر روانشناسانه معاصر» (Contemporary Eupsychias) است. اگرچه داروین (Darwin) و فروید (Freud) به عنوان دانشمندان عصر خود سخت کوشیدند تا ظرفیت فکری بشر را افزایش داده و تمدن او را متعالی سازند، هنوز هم نقاط تاریک و بدبینانه از نظریات آنها بر زندگی انسان سایه انداخته است. هیچ‌کس نمی‌تواند با دیدی مثبت به موجودی که «برای بودن می‌جنگد» و این اصل در نهاد بیولوژیکی‌اش به ودیعه گذارده شده، نگاه کند. تنها تصویری که نسبت به این مخلوق باقی می‌ماند کابوسی هولناک است، دیگر از تعالی خود، یا فردگرایی خبری نیست.

پس از آن تصوراتی خونین به رویاهای آرمان‌شهری راه می‌یابد. مانوئل (۱۹۶۶) انسان را این گونه می‌نامد: «جانوری ماشین‌گونه که هیچ خاصیت احساسی ندارد و تنها بدین خاطر به وجود آمده تا قدرت را امتحان کند و در نهایت فاقد هرگونه ابتکار و نبوغی است که منشاء آن در واقعیت وجود اجتماعی بسیار واضح و آشکار است.» (ص ۸۶). از سوی دیگر، تئوریهای روانشناسانه فروید، از قبیل آرزوی مرگ (Death Wish) و عقده ادیپ (Oedipus Complex)، به تشدید دیدی منفی‌گرایانه نسبت به بشر دامن زده است. این نظریات ثابت می‌کنند که انسان به طور غریزی بی‌رحم و حیوان صفت است و تمایل شدیدی به ستیزه‌جویی و تجاوز دارد. او تشنه خون و شهوت است و کنش‌پذیری را می‌ستاید. به این ترتیب، به نظر می‌رسد که خصوصیات مثبت و قابل قبول بشر کمتر از آنند که بتوان به خاطر آورد. آنچه که باقی می‌ماند خشونت و دیوشتی است، نه منطق و مساوات، یا روحی متعالی و خلاق.

برای فرار از حیوان‌صفتی بشر، برخی از فیلسوفان از جمله مارکس، سعی کرده‌اند تا خصوصیات فطری بشر را پشت سر گذاشته و تمامی قابلیت‌های او را توسعه دهند.

اولین راه‌حل منسوخ کردن مادی‌گرایی و ثروت است تا از این طریق خودخواهی بشر از میان برود. بنابراین، بار دیگر اینان ندای کمونیستی «جمهور» را منعکس می‌کنند، اما این بار خواستار اجرای عملی آن در دنیای واقعیات هستند. سپس آنها پایه‌های اولیه آن را در اتحاد جماهیر شوروی و در انقلاب روسیه بنا نهادند. این فیلسوفان ادعا کردند که مدافع طبقه کارگرند و معتقدند که اداره درآمد حاصل از تولیدات، سرمایه‌ها، زمین و دارایی باید به دست عوام باشد و سود آن نیز باید به تساوی بین آنها تقسیم گردد. وعده نهایی آنها جامعه‌ای کاملاً مساوی و هماهنگ است. آنها ابتدا حرکت انقلابی خود را «مارکسیسم» نامیدند. اما سپس آن را به «سوسیالیسم» تغییر نام دادند و بالاخره در ۱۹۱۸ در هفتمین کنگره بلشویک آن را «کمونیست» نام نهادند. این حرکت توسط انقلابیون حرفه‌ای هدایت می‌شد. بین سالهای ۱۹۱۷ تا ۱۹۲۴ رهبر اصلی لنین (Lenin) بود و این اولین باری بود که یک ایدئولوژی سیاسی، حکومت کارگری را پیشنهاد می‌کرد. اما این انقلاب هم همچون هر انقلاب دیگری به بیراهه کشیده شد و انسان را از خواب و خیالهایش براهانید. این انقلاب به سرعت به سوی تکنولوژی و علم تغییر مسیر داد بدون توجه به این حقیقت که احساساتی که در پی استفاده از آنها بود همان احساسات ضد صنعت‌گرایی و خشونت تمدن شهری بود. در ظاهر برای دفاع از کارگران و روستائیان لب به سخن می‌گشودند اما وقتی که می‌خواستند از آنها نامی ببرند، آنها را وحشیان متمدن (فقط روستائیان) می‌نامیدند. بنابراین، این انقلابیون مردم را به چشم مردانی بدوی می‌دیدند که در نظرشان بیش از وحشی‌ها نبودند. به علت همین ضد و نقیضها، کمونیستها از هدف اصلی خود که نجات دادن این مردم رنج کشیده بود جدا شدند. به نظر آدم یولم (Adam Ullam) (۱۹۶۶)، در دنیای نوین:

«ضد صنعت‌گرایی مفهوم خود را در هرج و مرج طلبی صریح و آشکار یافته که به معنای رد قدرت و حکومت مرکزی است. منظور از این رفتار آرزوی بازگشت به گذشته نیست، بلکه صراحتاً بیان تنفر از طبقه‌گرایی عصر است... هرج و مرج طلبی آرمان‌شهر را بدون پذیرفتن واقعیت سیاست مدرن و اقتصاد روز نفی می‌کند.» (ص ۱۲۸)

در این زمان است که به نظر می‌رسد تنها علم و تکنولوژی هستند که می‌توانند تضمین‌کننده خوشبختی بشر باشند. بیش از اندازه محترم شمردن علم و تکنولوژی، به نظر می‌آورد که اینها تنها منشاء قابل توجه سعادت دنیوی تمدن نوین هستند. بعلاوه،

- Drabble M. ed. *Oxford Companion to English Literature*, Oxford: Oxford University Press, 1995.
- Encyclopedia Britanica, Vol. 2, 15th ed. 1987, PP. 344-45.
- Encyclopedia Britanica, Vol. 3, 15th ed. 1987, PP. 496-97.
- Encyclopedia Britanica, Vol. 10, 15th ed. 1987, P. 258.
- Frye, N. "Varieties of Literary Utopias" in *Utopias and Utopian Thought*, Boston: Houghton Mifflin Company, 1966.
- Manuel, F. E. "Toward a Psychological History of Utopias" in *Utopias and Utopian Thought*, Boston: Houghton Mifflin Company, 1966.
- Parrinder, P. *Science Fiction, Its Criticism and Teaching*, London: Methuen Co. Ltd, 1980.
- Shklar, J. "The Political Theory of Utopia: From Melancholy to Nostalgia" in *Utopias and Utopian Thought*, Boston: Houghton Mifflin Company, 1966.
- Ulam, A. "Socialism and Utopia" in *Utopias and Utopian Thought*, Boston: Houghton Mifflin Company, 1966.
- Walsh, C. *From Utopia to Nightmare*, London: Geoffrey Bles, 1962.
- Sullivan, E. D. S. *The Utopian Vision: Seven Essays on the Quincentennial of sir Thomas More*, Sandiego State, 1983.
- Fiedler, L. "Mythicizing the City" in *Essays on the ...And Literature*, New Brunwick Rutagers up. 1981.
- Beauchamp, G. "Technology in the Dystopian Novel" in *Modern Fiction Studies*, Vol 32, No. 1, Spring 1986.

مردم می‌نمایند، اما از این احسان رهگذران داستان، چه از روی تجارت و چه از روی رقابت، محرومند» (ص ۱۱۶)

بالاخره، رفع ابهام از تمامی رؤیاهای تکامل خواهانه بشر باعث تولد کابوس ادبی ضد آرمان شهری شد که «دیس توپیا» (dystopia) نام دارد. نمونه‌هایی از این دنیای ادبی بدین شرحند: رمانهای «ما» (We) نوشته زامیاتین (۱۹۲۰-۲۱) که اعتراضی است به اتحاد جماهیر شوروی، «دنیای شجاع نو» (Brave New World) به قلم هاکسلی (Huxley) (۱۹۳۲) که بیانگر وحشتی است از ماشینی شدن دنیای آینده که به صورت اشتراکی نیز مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد، و «هزار و نهصد و هشتاد و چهار» (Nineteen Eighty Four) نوشته اورول (Orwell) به سال ۱۹۴۹ که جامعه‌ای را تحت سلطهٔ تئوریهای هولناک و دستگاههای بسیار پیچیدهٔ جاسوسی به تصویر می‌کشد.

در نتیجه، با دنبال کردن تمامی مراحل از آرمان شهر افلاطونی تا کابوس مدرنی به نام «دیس توپیا» (dystopia)، این قضیه را بدیهی جلوه می‌دهد که بشر در تمامی اعصار، مرتباً در حال تغییر و تحول بوده است. بشر روزگاری خوش‌بین و معصوم بوده و در پی یافتن فرصتی برای اصلاح تمامی بی‌عدالتیها و اشتباهات، اما در حال حاضر، مبدل به منفی‌گرایی کارآزموده‌ای شده که آینده‌اش را جهنمی پیش‌بینی می‌کند. تمامی این تغییرات نتایج مقوله‌هایی چون تکنولوژی و صنعت‌اند که روزگاری اختراع شدند تا باعث پیشرفت بشر در زندگی شوند. اینان نیز به نوبه خود پی آمد مطالعات علمی بشرند که زمانی به آن می‌بالید. بنابراین، هر نوع چیز ساختگی که راه‌آورد علم باشد، آزادی، خوشی و آرامش خاطر بشر را تباه می‌کند، به جای آنکه باعث تضمین صلح و خوشبختی‌اش باشد. و این ایده به تلخ‌ترین وجه در دنیای تاریک «دیس توپیا» به تصویر کشیده شده است.

References:

- Abrams, M. H. general ed. *The Norton Anthology of English Literature*, London: W. Norton and Company, 5th ed. Vol. 1, 1986.
- Amis, K. *New Maps of Hell* London: Victor Gollancz Ltd, 1962.

آرمان شهر وسیله‌ای برای آرزوهای ذهنی بشر به نظر می‌رسد و علم وسیله‌ای برای تحقیق‌های عینی او در طبیعت. بنابراین تلفیقی از این دو می‌تواند به آرزوهای بشر جامعه عمل بپوشاند. این اصل به نویسندگان برای خلق دنیای «آرمان شهر علمی» (Scientific Utopia) که معروف است به «علمی تخیلی» (Science Fiction) ایده داد. «پاتریک پاراندر» (Patrick Parrinder) (۱۹۸۰) از نقطه نظر نویسندگانی چون «ساوین» (Suvin) می‌گوید:

«داستانهای علمی تخیلی نسبت به داستانهای آرمان شهری از حیطة وسیعتری برخوردارند اما به موازات آنها در حرکتند، اینان اگر دختر نگوئیم حداقل خواهرزاده آرمان شهرند، - خواهرزاده‌ای که از نسبت فامیلی به ارث برده‌اش خجل است، اما قاصر از گریختن از سرنوشت ژنتیکی‌اش. به سبب عناصر ماجراجویانه، تخیلی، محبوب و عجیبش در نهایت داستان علمی - تخیلی می‌تواند بین افقهای آرمان شهری و ضد آرمان شهری نوشته شود» (ص ۷۷)

بنابراین، از این بعد بشر می‌تواند نظرها و آرزوهایش را در حیطة دنیای ماشینی شده آرمان شهری بیان کند، دنیایی که از زمان حاضر چه از نظر تاریخی و چه از نظر جغرافیایی فاصله بسیاری دارد و به کمک علم و تکنولوژی به مرحلهٔ تکامل رسیده است. در این دنیا، مساوات، هماهنگی و صلح حاکمند، و هیچ بی‌عدالتی و یا ناسازگاری به چشم نمی‌خورد. بنابراین همه راضی و خشنودند و بشر به هدف نهایی خود که آرامش خاطر ابدیست رسیده است.

هنگامیکه انسان در رؤیاهای شیرین خود به سر می‌برد، واقعیتهای هولناک جامعهٔ مدرنیزه او را بخود آورد. این حقایق او را بسوی کابوسی دهشت‌بار سوق می‌دادند درحالیکه چیزی جز حقیقت محض نبودند. جنگ، رکود اقتصادی، مردم بی‌پناه و گرسنه، فحشا، قتل و غارت و عوامل بسیار دیگری از نتایج نامطلوب همین جامعهٔ متمدن علم‌زده بودند. در سال ۱۹۶۶ ادم یولم (Adam Ulam) اظهار می‌کند:

«عجایب و بدبختی‌های عصر صنعتی، جستجو برای یافتن پناهگاه صلح و سعادت را تقویت می‌کند، جائیکه علم و تکنولوژی حکم‌فرمایی می‌کنند و احسانشان را نیز نثار



گردهمایی سالانه مسئولان گروه واژه‌گزینی فرهنگستان

● نقدی بر درخت انجیر معابد

بیست و نهمین جلسه نقد رمان حوزه هنری، به بررسی و نقد رمان دو جلدی درخت انجیر معابد نوشته احمد محمود پرداخت.

محمدرضا سرشار (رضا رهگذر) پس از اشاره به آثار مختلف محمود او را یکی از نویسندگان بزرگ معاصر دانست که آثاری به شیوه رئالیسم اجتماعی خلق می‌کند و تنها در این کتاب و فصل آخر داستان به رئالیسم جادویی نزدیک شده است.

سرشار ضمن اشاره به تفاوت‌های غیب‌باوری با رئالیسم اجتماعی قسمت اعظم کتاب را سرگذشت یک خانواده رو به زوال معرفی کرد که شخصیت درخت پس از فرامرز که شخصیت اول داستان است، مورد توجه قرار گرفته است، که این نمادی از خرافه پرستی مردم و وسیله‌ای برای رسیدن به اقتدار به خاطر توانستن‌ها و ندانستن‌های مردم است.

به گفته منتقد این اثر ضد مذهبی نیست، بلکه ضد خرافه و در انتقاد به تصوف در شکل امروزی و التقاط عرفان هندی و تصوف با دین است و تأکید می‌کند که دامن مذهب از خرافات میراست.

وی گفت در این کار برخلاف آثار قبلی، زاویه دید نویسنده درونی شده و همین باعث بروز برخی

انتخاب شده با نیازهای جامعه، تأکید کرد.

در بخش دیگری از این گردهمایی نسرین پرویزی، معاون گروه واژه‌گزینی، گزارشی از فعالیت‌های گروه واژه‌گزینی از ابتدا تاکنون ارائه کرد و گفت: گروه واژه‌گزینی فرهنگستان زبان و ادب فارسی در سال ۷۱ تشکیل شد ولی فعالیت خود را به طور جدی از سال ۷۴ آغاز کرد. هدف از تشکیل گروه، معادل‌یابی برای واژه‌های بیگانه موجود در زبان فارسی و غنی ساختن زبان علمی فارسی بود.

وی افزود: در فاصله سال ۷۴ تاکنون جمعاً ۷۷۰۰ واژه تخصصی در گروه‌های مختلف معادل‌یابی شده است. از این تعداد ۱۰۱۱ واژه در شورای واژه‌گزینی مطرح و به تصویب مقدماتی رسیده و ۴۱۰ واژه به تصویب نهایی شورای فرهنگستان رسیده که بعضی پس از تأیید رئیس جمهور منتشر شده و تعدادی نیز برای تأیید ایشان ارسال شده و تاکنون ۲ جزوه عمومی و ۸ جزوه تخصصی منتشر شده است.

پرویزی گفت: با بررسی روند گروه‌های تخصصی تشکیل شده تا حدودی می‌توان نتیجه گرفت که گروه‌های علوم پایه بیش از دیگر رشته‌ها در کار واژه‌گزینی فعال هستند و در مرتبه بعد گروه‌های مهندسی و حمل و نقل قرار دارند. سایر رشته‌ها نیز کمابیش در صدد توسعه گروه‌های خود هستند و در این میان جای گروه‌های علوم انسانی و هنر بسیار خالی است.

وی درباره ارتباط‌های برون مرزی گروه واژه‌گزینی گفت: ارائه مقاله در گردهمایی‌های علمی خارج از کشور ضمن شناساندن فرهنگستان به جوامع علمی دنیا، آموزش گرانمایی برای پژوهشگران است. از جمله این گردهمایی‌ها نشست (سمپوزیوم) LSP (زبان برای مقاصد ویژه) است.

ارتباط با سازمان جهانی استاندارد و توافق‌نامه‌ای با کمیته اصطلاحات تاسجیکستان نیز از دیگر فعالیت‌های برون مرزی فرهنگستان در این زمینه است. گفتنی است در حال حاضر تعداد گروه‌ها به ۳۶ گروه رسیده است، که در حوزه‌های: علوم پایه، مهندسی، پزشکی، هنر، ایرانگردی، جهانگردی و علوم انسانی فعالیت می‌کنند.

در بخش دیگر این گردهمایی، جلسه پرسش و پاسخ اعضای گروه‌های مختلف با مسئولان برگزار شد و هر کدام از گروه‌ها به بیان مشکلات و راهکارهای پیشنهادی خود پرداختند.

گردهمایی سالانه اعضای گروه‌های تخصصی و مسئولان گروه واژه‌گزینی فرهنگستان زبان و ادب فارسی روز سوم آذرماه برگزار شد.

دکتر حداد عادل، رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی در ابتدای این گردهمایی گفت: سعی ما این است که واژه‌گزینی را به صورت یک علم دریاوریم و در این زمینه متخصص تربیت شود و با تربیت متخصص در کشور، فرهنگ واژه‌گزینی گسترش یابد.

وی تأکید کرد: یکی از مسایل مهم ما در واژه‌گزینی، تعیین اولویت‌هاست. مثلاً کتاب‌های مدارس قبل از دانشگاه اولویت دارند و همینطور بعضی از رشته‌ها که خاصیت همه‌گیری و فراگیری اجتماعی‌شان بیشتر از سایر رشته‌هاست. مثل حوزه رایانه که خیلی از کلمات این رشته وارد فرهنگ و زبان مردم شده است. و با توجه به این مسأله یک آیین‌نامه برای اولویت‌ها تصویب کرده‌ایم.

دکتر حداد عادل ضمن آنکه کار واژه‌گزینی را متفاوت از فرهنگ‌نویسی توصیف کرد، گفت: کار فرهنگ‌نویسی را با واژه‌گزینی نباید اشتباه گرفت، چون در جمع این کار، اولویت‌ها از دست می‌رود و علاوه بر این در فرهنگ‌های تخصصی، همیشه یک حاشیه عریض از سایر رشته‌ها هم وارد می‌شود. سپس دکتر حسین سامعی، زبان‌شناس و عضو گروه واژه‌گزینی درباره فعالیت‌های فرهنگستان در زمینه واژه‌گزینی گفت: توجه به وضع الفاظ، قواعد عمومی زبان و سنت‌های آن، همچنین توجه به وضع اصطلاحات در حوزه‌های فنی و علمی و اصول کلی واژه‌گزینی علمی و تخصصی و توجه به نیازهای جامعه زبانی و گرایش‌ها و مقاومت‌های آن در برابر وضع واژه‌های جدید از جمله وظایفی است که فرهنگستان برای خود قایل است.

وی اقدامات انجام شده براین اساس را به این شرح توضیح داد: ایجاد سازمان مناسب برای واژه‌گزینی، تشکیل شورای واژه‌گزینی از استادان زبان فارسی و زبان‌شناسان، تشکیل گروه‌های واژه‌گزینی، تربیت نیروی انسانی لازم و برگزاری دوره‌های آموزشی و گردهمایی‌های تخصصی و تدوین آیین‌نامه‌های واژه‌گزینی و مدیریت آن.

دکتر سامعی بر دقت فرهنگستان بر صحت واژه‌های انتخاب شده و از سویی انطباق واژه‌های

درخت انجیر معابد

احمد محمود

جلد اول

چاپ دوم

انتشارات معین
تیراژ: ۱۳۷۹

اشتباهات فاحش در شیوه بکارگیری از تداعی شده است. شتابزدگی در فصول آخر، تغییر لحن شخصیت‌ها از جنوبی به تهرانی به صورت مکرر، اشتباهات دستوری و لغوی و رسم‌الخط و شیوه نگارش ابداعی از دیگر

اهل قلم

اشکالاتی بود که منتقد به آن اشاره کرد.

سرشار ضمن اشاره به اینکه رمان مدار صفر درجه از نظر قوت از این کتاب برتر است، درخت انجیر معابد را رمانی جذاب و خواندنی و افتخاری دیگر برای محمود ذکر کرد.

گفتنی است سی‌امین جلسه نقد رمان حوزه هنری اولین سه‌شنبه آذرماه با حضور امیرحسین فردی به نقد و بررسی قصه‌های سبلان نوشته محمدرضا بایرامی خواهد پرداخت.

مجموعه‌هایی تازه در راه

کتاب طرح و هم نوشته پاکسیما مجوزی که شامل ۲۶ داستان کوتاه است، به زودی منتشر می‌شود. مجوزی پیش از این روی دیگر سکه هدایت را که گزیده‌ای از داستان‌های عاشقانه هدایت است، راهی بازار نشر کرده بود. نشر اکنون که چاپ این کتاب را برعهده دارد علاوه بر این، یک مجموعه شعر یا نام‌ترنم نی سروده ندا عطاردیان و مجموعه پشت پنجره یک دارکوب است از دکتر عزت‌الله قاسمی نیز در دست چاپ دارد.

اولین همایش طنز استانی

اولین همایش استانی «طنز در ادبیات فارسی» چهارشنبه ۱۱ آبان ماه در گرمسار برگزار شد. در این همایش دو روزه که جمعی از نویسندگان، اساتید و هنرمندان در آن شرکت داشتند، جایگاه طنز در ادبیات فارسی و وضعیت طنز مکتوب و طنز تصویری مورد بحث و بررسی قرار گرفت. رئیس فرهنگ و ارشاد اسلامی گرمسار در مراسم گشایش این همایش، مقوله طنز در ادبیات فارسی را برای انسان بسیار حساس و مؤثر دانست و گفت: طنز می‌تواند برای اهداف و راه و روش به کار گرفته شود. حجة الاسلام سید علی حسینی با ابراز تأسف از اینکه طنز مظلوم واقع شده است افزود: متأسفانه ۹۰ درصد مردم جایگاه واقعی طنز را نمی‌شناسند و این وظیفه هنرمندان، نویسندگان، اساتید و دانشجویان است که نسبت به معرفی جایگاه واقعی طنز همت گمارند.

وی اظهار امیدواری کرد که این همایش دارای اثرات مثبتی در این راه باشد.

در این همایش که به همت انجمن نویسندگان اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی گرمسار برگزار شد ۱۲ مقاله تخصصی و ۱۶ اثر ادبی تخصصی ارائه شد. همچنین در جلسات این دو روز استادان و هنرمندان درباره جلوه‌های طنز در ادبیات فارسی، طنز در اشعار اخوان ثالث، کاریکاتور مطبوعاتی در ایران و دیگر مقوله‌ها، مباحثی را مطرح کردند. در پایان این همایش، چهار نفر در بخش آثار ادبی و سه نفر در بخش کاریکاتور به عنوان نفرات برتر انتخاب و معرفی شدند.

حجم سبز

ترجمه ارمنی کتاب حجم سبز سروده سهراب سپهری، در فهرست مجموعه فارسی کتابخانه کنگره آمریکا قرار گرفت.



به گزارش روابط عمومی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، کتاب حجم سبز که بخشی از هشت کتاب سهراب سپهری است با همکاری یکی از سازمان‌های ارامنه در جمهوری ارمنستان و رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در ایروان ترجمه و منتشر شده است.

ادبیات عرفانی و ...

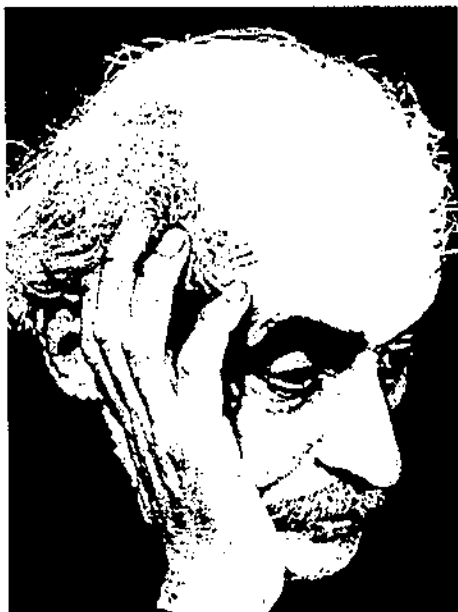
فریده مهدوی دامغانی سه ترجمه جدید، در دست چاپ دارد. کتاب تعالیم کنفوسیوس - گلچین ادبیات عرفانی (مکالمات) که سه هزار سال قدمت دارد، همچون

کمدی الهی، یکی از پرفروش‌ترین کتاب‌های جهان است، که حاصل جمع‌آوری نوشته‌های کنفوسیوس توسط شاگردان او و پس از مرگش است. خانم مهدوی ترجمه این کتاب را از سه متن مختلف (۲ متن فرانسوی و یک متن انگلیسی) انجام داده است.

طریقت عشق نوشته نایجل واتس یکی دیگر از کتاب‌های زیرچاپ است که به داستان آشنایی مولانا جلال‌الدین محمد بلخی با شمس تبریز می‌پردازد. نایجل واتس برای نوشتن این کتاب، تحقیقات بسیاری را در قونیه (ترکیه) و ایران انجام داده و حاصل این تحقیقات را بصورت رمانی جذاب و روان درآورده است. آخرین ترجمه کتاب مادر نوشته ناتالیا گینزیورگ، نویسنده معروف ایتالیایی است. این کتاب از پنج داستان کوتاه تشکیل شده و همه مربوط به دوران پس از جنگ جهانی دوم در ایتالیا است. گفتنی است این کتاب‌ها توسط نشر تیر به بازار نشر خواهند آمد.

شعرهای عاشقانه بزرگان

شعرهای عاشقانه نیما یوشیج با نام دارد هوا که بخواند یا مقدمه شهرام رفیع‌زاده منتشر می‌شود. مقدمه، درباره عشق در زندگی و آثار نیما است. در پیوست، چند نامه منتشر نشده از نیما به علاوه مقاله



«باید به آثار چاپ شده نیما شک کنیم» و پیامد آن در نشریات و جویبه سیروس طاهباز و نامه شرآگین و جواب رفیع‌زاده به آنها، آمده است.

رفیع‌زاده، مجموعه‌ای از شعرهای عاشقانه شاملورا نیز گرد آورده و در حال حاضر در حال تکمیل مقدمه آن است. این کتاب با عنوان من درختم، تو باهار منتشر خواهد شد.

خانه کتاب ایران کتاب ماه ادبیات

فهرست کتابهای منتشر شده در آبان ماه ۱۳۷۹

فلسفه و نظریه

چاپ اول

۱- بارت، فوکو، آلتوسر.
مایکل بین: مترجم: پیام یزدانجو. -
تهران: نشر مرکز. - ۲۰۸ ص. - رقی
(شمیز). - ۱۱۵۰۰ ریال. - چاپ اول /
نسخه. ۳۲۰۰
عنوان به لاتین:
An introduction to barthes;
foucault and althusser
۹۶۴-۳۰۵-۵۳۸-۸ شابک:



رولان بارت، میشل فوکو و آلتوسر سه تن از متفکران معاصر فرانسوی هستند که نگارنده کوشیده است در این کتاب بنیان اندیشه و سیر آثار این هر سه را به شیوه‌ای گزینشی و تحلیلی تشریح نماید. یادآور می‌شود بارت در حوزه نقد ادبی و نشانه‌شناسی، فوکو در حوزه فلسفه به ویژه تبارشناسی، و آلتوسر در طرح نظریات جدید مارکسیسم، صاحب شهرت هستند. پاره‌ای از سر فصل‌های کتاب بدین قرار است: بارت: از اثر به متن، فوکو: نیچه، تبارشناسی، تاریخ، فوکو: نظم چیزها، دیرینه‌شناسی علوم انسانی، آلتوسر: خوانش سرمایه، نشانه‌ها، تصاویر، و امر واقعی: آرای بارت، آلتوسر و فوکو. بخش پایانی کتاب متضمن تصاویری است که در متن از آن یاد شده است. در انتهای کتاب واژه‌نامه فارسی-انگلیسی و نمایه‌ها به طبع رسیده است.

فن نگارش و بیان، و مجموعه‌های ادبی

۲- اصول نامه‌نگاری در زبان انگلیسی.
محمد قاسم سحاب. - بندرعباس: دانشگاه هرمزگان. - ۱۶۸ ص. - وزیری (شمیز). - ۸۰۰۰ ریال. - چاپ دوم / نسخه. ۳۰۰۰

شابک:

۹۶۴-۶۴۲۶-۱۰-۷

چاپ اول

۳- البلاغه الواضحه مع دلیل البلاغه الواضحه.
علی جبارم، مصطفی امین. - تهران: الهام. - ۴۶۰ ص. - وزیری (شمیز). - ۱۷۰۰۰ ریال. - چاپ اول / نسخه. ۳۲۰۰
شابک: ۹۶۴-۶۰۷۱-۳۶-۸

چاپ اول

۴- بوطیقای ساختارگرا.
تزووتان تودوروف؛ مترجم: محمد نبوی. - تهران: آگاه. - ۱۴۴ ص. - رقی (شمیز). - ۶۰۰۰ ریال. - چاپ اول / نسخه. ۲۲۰۰
عنوان به لاتین:
Quest-ce que le structuralisme? poetique
شابک: ۹۶۴-۴۱۶-۱۳۹-۷



نگارنده در کتاب بر آن است روایتی ساختارگرایانه از نظریه ادبی به دست دهد و طی آن چارچوب، اصول، مقوله‌ها و مفاهیم اصلی و چگونگی به کارگیری آن در بررسی متون ادبی را به گونه‌ای فشرده عرصه نماید. نویسنده این اثر تزووتان تودوروف از جمله افرادی است که در کانون بررسی‌های ساختارگرایانه در فرانسه دهه ۱۹۶۰ - کار نظریه‌پردازی خود را آغاز کرد. تعریف بوطیقا، تحلیل متن ادبی، بوطیقا و تاریخ ادبی و بوطیقا و زیبایی‌شناسی از مباحث این کتاب به شمار می‌رود. پایان کتاب شامل کتابخانه، واژه‌نامه فارسی به فرانسه، واژه‌نامه فرانسه به فارسی و نمایه است.

۵- دل به رویاها سپار.

سوزان پولیس شوتر؛ مترجم: عبدالعلی براتی. - تهران: نسیم دانش. - ۶۴ ص. - رقی (شمیز). - ۵۰۰۰ ریال. - چاپ ششم / نسخه. ۵۰۰۰

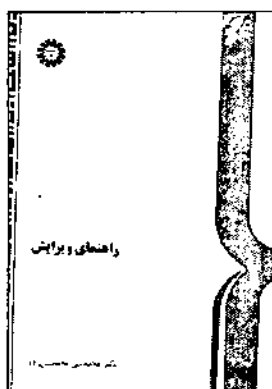
عنوان به لاتین:

Reach out for your dreams:
a collection of poems
شابک: ۹۶۴-۹۱۵۲۴-۵-۸

چاپ اول

۶- راهنمای ویرایش.
غلامحسین غلامحسین‌زاده. - تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت). - ۱۸۰ ص. - وزیری (شمیز). - ۴۵۰۰ ریال. - چاپ اول / نسخه. ۳۰۰۰
عنوان به لاتین:

Editing guide
شابک: ۹۶۴-۴۵۹-۲۴۵-۲



راهنمای ویرایش کتابی است که در آن پاره‌ای از فنون ویرایش، رسم الخط، علائم نشانه‌گذاری، و مراحل آماده‌سازی کتاب آموزش داده می‌شود. برخی از موضوعات کتاب بدین قرار است: نشانه خط فارسی، نشانه‌گذاری، نشانه‌های اختصاری و ویرایشی، تنظیم کتابخانه، پاورقی‌ها، تنظیم فهرست‌های راهنما، صفحه‌آرایی، و درست‌نویسی. انتهای کتاب شامل فرهنگ املا، فهرست راهنمای موضوعی، و فهرست منابع است.

چاپ اول

۷- سال‌ها به انتظار (مجموعه داستانهای کوتاه).
نجمه طباطبایی. - تهران: سرمدی. - ۱۲۸ ص. - رقی (شمیز). - ۶۵۰۰ ریال. - چاپ اول / نسخه. ۵۰۰۰
شابک: ۹۶۴-۵۷۰۷-۱۱-۰

کتاب متشکل است از ده داستان کوتاه از 'نجمه طباطبایی' و ترجمه دو داستان کوتاه اثر 'سامرست موم' (گرگدیند مروراید و بانوی رمانتیک). سال‌ها به انتظار، سرگذشت جوانی است که از جور

دایی خود به ستوه می‌آید و از دست او می‌گریزد. سال‌ها بعد همان جوان در مقام فرماندار شهر نزد هم محلی‌های



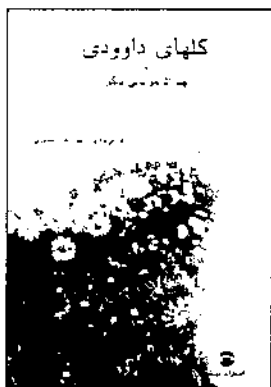
خود می‌آید، در آن جا به سراغ ارباب (دایی خود) می‌رود و...

چاپ اول

۸- گزارش کتبی و شفاهی در پرستاری.
مهری عباسی‌نویراستار؛ مهرداد رستم‌پور. - تهران: سالم. - ۱۳۰ ص. - وزیری (شمیز). - ۱۱۰۰۰ ریال. - چاپ اول / نسخه. ۲۲۰۰
شابک: ۹۶۴-۹۲۴۱۸-۸-۴

چاپ اول

۹- گلهای داوودی و چند اثر خواندنی دیگر.
گردآورنده: زهرا اسکندری‌نویراستار؛ محمدابراهیم علوی. - تهران: صنم. - ۱۴۸ ص. - رقی (شمیز). - ۷۵۰۰ ریال. - چاپ اول / نسخه. ۳۰۰۰
شابک: ۹۶۴-۷۱۷۹-۰۳-۰



در ابتدای کتاب، ترجمه داستان 'گل‌های داوودی' اثر 'جان اشتاین بک' به چاپ رسیده و در پی آن، ترجمه‌ای از چند داستان و نوشته فراهم آمده است: 'دوشیزه بریل' کاترین منس فیلد، 'گروگان (۱)' سی.اس. فورستر، 'برای غرور از دست رفته‌ها بگیرید' جیمز پلد

نکته: 'حلقه' بریان مک ماهان، 'توفان' مک نایت مالامار، 'من چگونه داستان کوتاه می‌نویسم؟' جسی استوارت، 'داستان کوتاه کوتاه زهرا اسکندری' (توضیحاتی مختصر درباره داستان کوتاه)، 'لحظه تابناک' چیسکا جین استوارت، 'آشیانه اردک وحشی' مایکل مک لاروتی، 'پسر کوچولوی آبی‌پوش' املی لونس، 'در داستان اخیر ماجرای پسرکی زیبا و کنجکاو روایت می‌شود که مادر و پرستار او حوصله پرسش‌ها و کنجکاوای‌های او را ندارند. روزی پسرک که همراه پرستار خود به کنار دریا رفته به بازی و سرگرمی مشغول می‌شود، او جستجوگرانه می‌خواهد از رمز و راز هستی حقایق را به دست آورد. اما به دور از چشم پرستار جان خود را در میان امواج دریا از دست می‌دهد.

چاپ اول

10- The norton introduction to literature: drama. - paul hunter jerome beaty تهران: رهنما، ۲۹۴ ص. - جلد سوم. - وزیر (شمیز)، ۵۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه.

چاپ اول

11- The norton introduction to literature: fiction. - paul hunter jerome beaty تهران: رهنما، ۲۸۴ ص. - جلد اول. - وزیر (شمیز)، ۶۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه.

12- Simple prose texts. گردآورنده: Abbas Ali Rezaei، Helen Oliyaeniya تهران: رهنما، ۲۸۴ ص. - جلد اول. - وزیر (شمیز)، ۶۰۰۰ ریال. - چاپ سوم / ۷۰۰۰ نسخه. عنوان به فارسی: متون نثر ساده شابک: ۹۶۴-۴۵۹-۲۶۹-۷

ادبیات ایرانیان پیش از اسلام 13- Introduction to the holy gathas. D. J. Pourde Davoud مترجم: Iranian، تهران: فروهر، ۸۰ ص. - وزیر (شمیز)، - چاپ دوم / ۳۰۰۰ نسخه. عنوان به فارسی: گناها از اشو زرتشت پیغمبر باستانی ایران شابک: ۹۶۴-۶۳۲۰۰-۷-۴

وزن، عروض، قافیه

چاپ اول

۱۴- راهنمای گام به گام طلایی عروض و قافیه پیش‌دانشگاهی. کیهان ناظری - تهران: آما، ۱۱۰ ص. - وزیر (شمیز)، ۴۵۰۰ ریال. - چاپ اول / ۱۵۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۳۴۰-۱۶۳-۴

چاپ اول

۱۵- عروض ساده و قافیه فارسی. جعفر ثامنی - تهران: برتر، ۱۲۰ ص. - وزیر (شمیز)، ۹۸۰۰ ریال. - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۶۴۶۷-۱۰-۵

عروض ساده و قافیه فارسی

در این کتاب ابتدا نکاتی در باب 'عروض' - علم شناخت اوزان - مطرح می‌شود: سپس اوزان عروضی مشهور همراه با تقطیع و تمریناتی چند تشریح می‌گردد. بخش دوم کتاب متضمن شرحی است از قافیه سنتی که با توضیحاتی درباره عیوب قافیه و چند تمرین فراهم آمده است.

معانی و بیان

۱۶- آرایه‌های ادبی. زینب فیروزی - تهران: دانش بیگی، ۳۴۸ ص. - وزیر (شمیز)، ۱۵۰۰۰ ریال. - چاپ دوم / ۳۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۹۰۱۹۱-۰۰-۳

۱۷- آرایه‌های ادبی (قالب‌های شعر، بیان و بدیع) ویژه دانش‌آموزان سال سوم دبیرستان. علی آسمند - تهران: رزمندگان اسلام، ۱۴۴ ص. - وزیر (شمیز)، ۶۵۰۰ ریال. - چاپ دوم / ۵۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۶۲۱۴-۶۶-۵

۱۸- فنون بلاغت و صناعات ادبی. جلال‌الدین همایی - تهران: هما، ۲۳۸ ص. - وزیر (شمیز)، ۲۵۰۰۰ ریال. - چاپ هفدهم / ۴۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۶۱۷۱-۰۶-۰

معانی

سیروس شمیس - تهران: میترا، ۲۰۴ ص. - وزیر (شمیز)، ۱۴۰۰۰ ریال. - چاپ ششم / ۲۰۰۰ نسخه. عنوان به لاتین: Rhetorics: based on persian literature شابک: ۹۶۴-۵۹۹۸-۰۳-۴

بررسی و تمرین

۲۰- آموزش گام به گام ادبیات فارسی (۵) سال سوم نظام جدید: رشته علوم تجربی و ریاضی. نادر بورخانی، احمد پورعلی - تهران: آزمون، ۲۴۸ ص. - وزیر (شمیز)، ۱۱۰۰۰ ریال. - چاپ دوم / ۱۰۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۴۶۱-۶۷۲-۳

۲۱- آموزش گام به گام ادبیات فارسی (۵) سال سوم نظام جدید: رشته علوم تجربی و ریاضی. نادر بورخانی، احمد پورعلی - تهران: آزمون، ۲۰۸ ص. - وزیر (شمیز)، ۱۰۰۰۰ ریال. - چاپ سوم / ۵۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۴۶۱-۶۷۲-۳

۲۲- ادبیات فارسی: راهنمای دبیران، دانش‌آموزان دبیرستانها و داوطلبان کنکور عمومی و اختصاصی... علی سلطانی‌گودفرامرز - تهران: مبتکران، ۵۲۸ ص. - وزیر (شمیز)، ۲۴۰۰۰ ریال. - چاپ بیست و هفتم / ۳۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۵۹۹۳-۲۷-X

چاپ اول

۲۳- پرسش‌های چهارگزینه‌ای استاندارد ادبیات فارسی (۵) (سال سوم نظام جدید - کلیه رشته‌ها) 'بایاسخ تشریحی'. حسن ذوالفقاری، پرویز ارسطو - تهران: استادی، ۱۶۸ ص. - رحلی (شمیز)، ۱۲۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.

نسخه. شابک: ۹۶۴-۶۷۲۲-۳۰-X

چاپ اول

۲۴- پرسش‌های چهارگزینه‌ای ادبیات فارسی. هامون سبطی، احمد سیحانی - تهران: اندیشه سازان، ۱۸۰ ص. - جلد پنجم. - وزیر (شمیز)، ۱۰۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۶۲۴۹-۸۱-۷

۲۵- خودآموز گام به گام زبان و ادبیات فارسی (۱) عمومی دوره پیش‌دانشگاهی. حسن لاچوردی - تهران: آزمون، ۲۷۴ ص. - وزیر (شمیز)، ۱۲۵۰۰ ریال. - چاپ پنجم / ۵۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۴۶۱-۵۰۰-X

چاپ اول

۲۶- راهنمای ادبیات (۱) نظام جدید. علی ابراهیم‌زاده، تهران: منتشران، ۱۴۴ ص. - وزیر (شمیز)، ۶۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۶۶۶۶-۹۲-۲

چاپ اول

۲۷- راهنمای گام به گام ادبیات (۲) نظام جدید. علی ابراهیم‌زاده، تهران: منتشران، ۱۲۸ ص. - وزیر (شمیز)، ۶۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۶۶۶۶-۹۵-۷

چاپ اول

۲۸- راهنمای گام به گام طلایی ادبیات فارسی (۱) سال اول نظام جدید. حسن کرمی، لایلا خدابخشی - تهران: کانون گسترش علوم، ۱۶۲ ص. - وزیر (شمیز)، ۶۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۱۵۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۳۴۰-۱۵۳-۷

چاپ اول

۲۹- راهنمای گام به گام طلایی ادبیات فارسی (۵) سال سوم نظام جدید. محمدعلی باطنی، تهران: کانون

گسترش علوم، ۱۷۸ ص. - وزیر (شمیز)، ۷۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۱۵۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۳۴۰-۱۷۷-۴

۳۰- زبان و ادبیات فارسی عمومی (پیش‌دانشگاهی). هامون سبطی - تهران: اندیشه سازان، ۱۴۸ ص. - وزیر (شمیز)، ۷۵۰۰ ریال. - چاپ چهارم / ۵۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۶۲۴۹-۴۷-۷

۳۱- کتاب کار فارسی اول راهنمایی. جلال خدایی، مرجان بردبار، تهران: ورای دانش، ۱۵۸ ص. - وزیر (شمیز)، ۵۲۰۰ ریال. - چاپ دوم / ۲۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۵۵۸۵-۰۲-۱

۳۲- کتاب کار فارسی دوم راهنمایی: پایه دوم راهنمایی. جلال خدایی، جعفر خرازی، تیراستار: فاطمه حیدریتاز، تهران: ورای دانش، ۱۶۸ ص. - وزیر (شمیز)، ۵۵۰۰ ریال. - چاپ دوم / ۲۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۵۵۸۵-۰۲-۳

۳۳- کتاب کار فارسی سوم راهنمایی: پایه سوم راهنمایی. جلال خدایی، جعفر خرازی، تیراستار: فاطمه حیدریتاز، تهران: ورای دانش، ۱۶۰ ص. - وزیر (شمیز)، ۵۴۰۰ ریال. - چاپ دوم / ۲۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۵۵۸۵-۰۲-۱

۳۴- گام به گام با آموزش و پرسش ادبیات فارسی (۱) سال اول نظام جدید متوسطه ... تهیه کننده: غلامرضا مهدوی‌بوسفی، تبریز: خورشید، ۲۱۶ ص. - وزیر (شمیز)، ۱۱۰۰۰ ریال. - چاپ دوم / ۳۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۵۶۳۵-۵۱-۹

۳۵- گام به گام با آموزش و پرسش ادبیات فارسی (۲) سال دوم نظام جدید متوسطه برای کلیه رشته‌ها. تهیه کننده: غلامرضا مهدوی‌بوسفی، تبریز: خورشید، ۲۲۲ ص. - وزیر (شمیز)، ۱۱۰۰۰ ریال. - چاپ دوم / ۳۰۰۰ نسخه.

شابک:

۹۶۴-۵۶۳۵-۵۹-۴

مجموعه‌ها و جنگها

۳۶- برگزیده ادب پارسی (نظم، نشر، آیین نگارش، دستور زبان، اقسام شعر، اصطلاحات و سبکهای ادبی).

گردآورنده: علی‌شیر قافیه‌هاجر. - تهران: چاپار فرزانه‌گان. - ۲۴۰ ص. - وزیری (شمیز). - ۱۴۰۰۰ ریال. - چاپ دوم / ۵۰۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۶۰۹۱-۲۹-۶

۳۷- فارسی عمومی.

محمود فتوحی، حبیب‌الله عباسی. - تهران: روزگار. - ۲۶۴ ص. - وزیری (شمیز). - ۱۵۰۰۰ ریال. - چاپ سوم / ۵۰۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۶۶۷۵-۷۸-۶

چاپ اول

۳۸- فارسی عمومی.

کامل احمدنژاد، علی‌ایمانی. - تهران: ویرایش. - ۲۲۲ ص. - وزیری (شمیز). - ۱۱۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۲۲۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۶۱۸۴-۲۰-۰

مجموعه‌هایی که موضوع خاصی در آنها مطرح شده

چاپ اول

۳۹- راه گنج: اصول و مبانی عرفان و تصوف در ادب فارسی.

محمدحسن حائری. - تهران: مذبته. - ۲۶۸ ص. - وزیری (شمیز). - ۱۳۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۶۹۱۰-۰۳-۳



کتاب متضمن شرحی از تعابیر و اصطلاحات عرفان و تصوف است که با شواهد متعددی از شعر و نثر فارسی، همچنین آیات و احادیث تدوین شده است. به دیگر سخن، کتاب حاضر، حاصل نگاهی است به اصول و مبانی عرفان و تصوف از دریچه ادب فارسی که مباحثی از این دست را شامل می‌شود: مقامات طریقت، مرید و مراد، عقل و نفس، عشق، راز، خرقه و خرقه سوزی، سماع، و طبقات صوفیه. در بخش پایانی کتاب، معانی اصطلاحات عرفانی، یادداشت‌های هر فصل از کتاب، و کتابنامه به چاپ رسیده است.

تاریخ، توصیف، نقد و بررسی

۴۰- تاریخ ادبیات ایران: خلاصه جلد اول و دوم.

ذبیح‌الله صفای. - تهران: ققنوس. - ۲۴۰ ص. - وزیری (شمیز). - ۱۳۰۰۰ ریال. - چاپ هجدهم / ۴۰۰۰ نسخه.

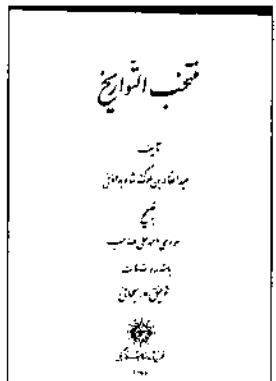
شابک: ۹۶۴-۳۱۱۰-۱۳-۳

تاریخ شاعران هندی

چاپ اول

۴۱- منتخب التواریخ. عبدالقادرین ملوک‌شاه بدایونی: مصحح: احمدعلی صاحب: مقدمه: توفیق هاشم پورسبحانی. - تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی. - ۳۲۶ ص. - وزیری (کالینگور). - ۱۵۵۰۰ ریال. - چاپ اول / ۱۵۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۶۲۷۸-۵۵-۸



منتخب التواریخ اثر ملا عبدالقادر بدایونی (تولد: ۹۴۷ ه) کتابی است که با حمد خدا، نعت رسول (ص) و منقبت خلفای راشدین آغاز شده در پی آن نگارنده مطالبی در فواید علم تاریخ و انگیزه و روش کار خود آورده است. وی تاریخ را از دوره غزنویان پی می‌گیرد و

پادشاهان هند را در نه طبقه توصیف می‌کند. قسمت اعظم کتاب برگرفته از 'طبقات اکبری'، 'تاریخ مبارکشاهی'، 'نظام‌التواریخ' و 'لب‌التواریخ' است. نگارنده در دوره تیموریان و حکومت اکبرشاه به اطلاعات و مشاهدات خود متکی بوده است. کتاب با نثری ساده و روان تحریر شده و گاه با آرایه‌های ادبی همراه گشته است.

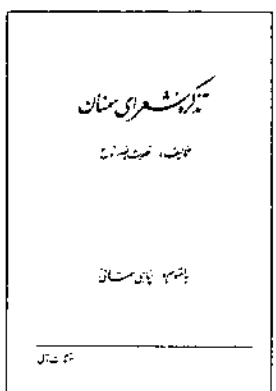
مجموعه‌ها و جنگهای شعر فارسی

چاپ اول

۴۲- تذکره شعرای سمنان.

نصرت‌الله نوح‌به‌استمام: محمد احمدیناهی. - تهران: زال. - ۴۰۰ ص. - وزیری (کالینگور). - ۲۶۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۹۲۸۱۲-۲۰-۲



کتاب 'تذکره شعرای سمنان' که چهل و دو سال پیش از این نیز به طبع رسیده اینک با معرفی شخصیت‌های جدیدتر و شرح و بسط بیشتری فراهم می‌آید. در کتاب معرفی ۱۶۱ شاعر به گونه اجمالی و اغلب با تصویری از هر یک همراه با نمونه‌ای از شعر درج گردیده است.

چاپ اول

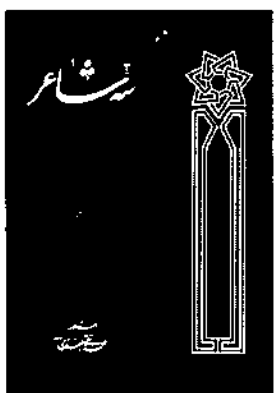
۴۳- سه شاعر.

محمدتقی جعفری‌نیریزی. - تهران: موسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری. - ۳۱۰ ص. - وزیری (شمیز). - ۹۳۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۹۰۶۴۲-۷-۳

کتاب سه شاعر که به بررسی احوال و اندیشه‌های سمدی، حافظ و نظامی اختصاص یافته اثری است از علامه محمد تقی جعفری که دو قسمت ابتدایی آن، یعنی سعدی و حافظ، برگرفته از سخنرانی‌های نامبرده است و دیگری نیز کتاب مستقلی بوده که اینک یکجا

منتشر می‌گردد. 'تلاقی حکمت و ادب در آثار سمدی'، دشواری تحقیق در طرز



تفکر حافظ و 'حکمت، عرفان و اخلاق در شعر نظامی گنجوی' از موضوعات اصلی این کتاب به شمار می‌آید.

چاپ اول

۴۴- شوریدگان: تذکره بزرگان و سخن‌سرایان نویسندگان.

صحب‌الله مرادی. - تهران: نخل دانش. - ۲۸۴ ص. - جلد دوم. - وزیری (شمیز). - ۱۲۵۰۰ ریال. - چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۶۹۴۸-۰۷-۳



جلد دوم از مجموعه 'شوریدگان' شامل معرفی شاعران، علما، فقها، و هنرمندان شهر توسرکان است که اغلب با نمونه‌ای از آثار و تصاویر هر یک به چاپ رسیده است.

چاپ اول

۴۵- علوی‌سرایان مازندران.

به‌استمام: زرین‌الصابدین درگشاهی: باهمکاری: دبیرخانه جشنواره شعر علوی. - تهران: رسانش، دبیرخانه جشنواره شعر علوی. - ۱۲۰ ص. - وزیری (شمیز). - ۶۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۷۱۸۲-۰۵-۸

در کتاب، ابتدا هر شاعر به اختصار معرفی می‌شود و در پی آن اشعاری چند

در مدح و منقبت امام علی (ع) فراهم می‌آید. گفتنی است برخی از شاعران این مجموعه که جملگی از منطقه مازندران هستند عبارتند از: اشرف مازندرانی، پیرش ساروی، اسماعیل خاوری، محمد خضری، شحنه مازندرانی، صوفی



مازندرانی، غافل مازندرانی، فانی، نشاط مازندرانی، و رضاشاهی خان هدایت طبرستانی.

اشعار مذهبی، عرفانی، اخلاقی

چاپ اول

۴۶- تذکره المصانِب: مجموعه اشعار مدایح و مراثی.

شاعر: غلامحسین رضوی. - تهران: ای‌بی‌نا. - ۴۰۰ ص. - جیبی (شمیز). - چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه.

چاپ اول

۴۷- جلوه‌گاه عشق.

حسن نیشابوری. - تهران: محمد. - ۲۵۴ ص. - رقصی (شمیز). - ۱۰۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۵۱۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۵۵۶۶-۵۷-۶



کتاب حاوی اشعاری است در قالب‌های سنی از جمله قصیده، غزل و مثنوی که اغلب با مدایح و مصایب مصومین (ع) همراه است. شعر 'آحرار' از این مجموعه این گونه آغاز می‌شود: قیام کربلا قائم

به ذات است/ که عقل ادراک آن پیوسته
مات است/ قوامش تا قیامت جاودانی
است/ پیمایش یک پیکار جهانی است/

چاپ اول

۴۸- چهل حدیث همراه با شعر.
گردآورنده: محسن همتی - تهران: نذیر.
۶۴ ص. - جیبی (شمیز). - ۱۵۰۰
ریال. - چاپ اول / ۵۱۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۷۰۴۵-۲۵-۵

چاپ اول

۴۹- نغمه‌های ولایت ماه‌های
جمادی الثانی و رجب.
محمدعلی شهاب. - تهران: نذیر. - ۹۶
ص. - جلد هفتم. - جیبی (شمیز). -
۲۲۰۰ ریال. - چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۷۰۴۵-۲۹-۸

چاپ اول

۵۰- نغمه‌های ولایت: ماه رجب.
محمدعلی شهاب. - تهران: نذیر. - ۸۴
ص. - جیبی (شمیز). - ۲۲۰۰ ریال. -
چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۷۰۴۵-۳۰-۱

چاپ اول

۵۱- عشق لایزال.
شاعر: شهره محمودی‌نژاد. - اهواز: نور
معرفت. - ۱۴۴ ص. - وزیری (شمیز). -
۹۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۱۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۵۶۸۹-۰۱-۵



کتاب متضمن اشعاری است سستی که
اغلب با مضامین مذهبی و گاه به گونه
حکایت عرضه می‌شود. چشمه جوشان
نمونه‌ای از اشعار این مجموعه است:
زلالین چشمه شد جاری ز کوهسار/ به
دل نجوای حق او داشت بسیار/ میان
صخره و سنگ و کمر او/ بیچید و به

لب رب گو و رب گو/...

۵۲- کلیات هفت جلدی خزان
الاشعار.

شاعر: عباس جوهری. - قم: مسجد
مقدس صاحب‌الزمان (جمران). - ۲۶۶
ص. - رقی (کالینگور). - ۸۰۰۰ ریال. -
۵۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۹۱۱۵۸-۰۳-۳

شعر فارسی قرن ۴

چاپ اول

۵۳- دیوان رودکی.
جعفرین محمد رودکی. - تهران: فرهنگ
کاوش. - ۲۹۲ ص. - وزیری (کالینگور).
- ۲۴۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۵۰۰۰
نسخه.
شابک: ۹۶۴-۶۵۳۰-۲۹-X

۵۴- رودکی: با معنی واژه‌ها و
شرح بیت‌های دشوار و برخی
نکته‌های دستوری و ادبی.

به‌اهتمام: خلیل خطیبرهیر. - تهران:
صفی علی‌شاه. - ۸۴ ص. - وزیری
(شمیز). - ۴۲۰۰ ریال. - چاپ نوزدهم /
۳۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۵۶۲۶-۰۷-۲

۵۵- شاهنامه فردوسی: متن
انتقادی.

ویراستار: سعید حمیدیان/مصحح: ار.
علی‌یاف، ای. برتلس، ام. عثمانوف. -
تهران: قطره. - ۴۳۸ ص. - جلد دوم. -
وزیری (کالینگور). - چاپ پنجم / ۲۵۰۰
نسخه.
شابک: ۹۶۴-۵۹۵۸-۱۴-۸

۵۶- شاهنامه فردوسی: متن
انتقادی از روی چاپ مسکو (ج ۱
- ۲ - ۳).

ابوالقاسم فردوسی/به‌اهتمام: سعید
حمیدیان. - تهران: قطره. - ۸۷۲ ص. -
وزیری (کالینگور). - (دوره) ۱۲۰۰۰۰
ریال. - چاپ پنجم / ۲۵۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۵۹۵۸-۱۳-X

چاپ اول

۵۷- شخصیت‌ها در شاهنامه.
عبدالمعلی عظیمی. - تهران: قام آوند. -
۱۴۴ ص. - رقی (شمیز). - ۸۰۰۰ ریال.
- چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۵۷۳۷-۰۴-۴



در کتاب به اختصار برخی از شخصیت‌ها
و قهرمانان شاهنامه فردوسی معرفی
شده و ماجراهای مربوط به هر یک نیز
روایت گردیده است.

شعر فارسی قرن ۵

چاپ اول

۵۸- تحقیقی در احوال
ناصر خسرو قبادیانی: مبداء و آغاز
تحول در زندگی او...

حسن تقی‌زاده/به‌اهتمام: عزیزالله علیزاده.
تهران: فردوس. - ۲۱۲ ص. - رقی
(شمیز). - ۱۳۰۰۰ ریال. - چاپ اول /
۱۵۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۳۲۰-۱۰۱-۵



کتاب تحقیقی در احوال ناصر خسرو
قبادیانی، مشتمل بر مباحثی است که
سعید حسن تقی‌زاده در سال ۱۳۰۵ هـ
ش برای دیباچه چاپ دیوان ناصر خسرو
- در برلین - فراهم آورد. در این نوشتار
اطلاعاتی در خصوص ناصر خسرو
قبادیانی به دست داده شده که عناوین
آن بدین قرار است: آسم و رسم و مولد
و حسب و نسب شاعر، عهد جوانی و
تحصیلات علمی و مسافرت‌های او،

مبدأ انقلاب و آغاز تحول در زندگی،
عودت به وطن و افراشتن علم دعوت،
تبعید از وطن و آوارگی، عقاید و اخلاق
ناصر خسرو، شمایل شخصی و خانواده،
وفات و قبر و تالیفات و منابع و مآخذ.

۵۹- دوبیتی‌های باباطاهر عریان:
با استفاده از نسخه تصحیح‌شده
مرحوم وحید دستگردی و نسخ
معتبر دیگر.

مذهب: محمد تجویدی: خطاط: فاتح
عزت‌پور/به‌اهتمام: جمشید اسماعیلیان. -
تهران: پستو. - ۲۱۶ ص. - وزیری
(کالینگور). - ۱۱۰۰۰ ریال. - چاپ پنجم
/ ۳۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۵۶۷۲-۰۱-۵

۶۰- رباعیات باباطاهر عریان
همدانی.

مصحح: محمد بهشتی. - تهران: قباد. -
۱۶۰ ص. - جیبی (شمیز). - ۲۲۰۰ ریال.
- چاپ دوم / ۱۰۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۵۵۳۹-۱۲-۹

۶۱- رباعیات حکیم عمر خیام
نیشابوری.

مصحح: محمد بهشتی. محمدفواد
صوری. - تهران: فواد. - ۱۱۲ ص. -
جیبی (شمیز). - ۲۲۰۰ ریال. - چاپ دوم
/ ۵۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۵۵۳۹-۱۳-۷

۶۲- رباعیات خیام.
شاعر: عمر بن ابراهیم خیام. - تهران:
فرهنگ کاوش. - ۱۲۸ ص. - وزیری
(کالینگور). - ۱۲۰۰۰ ریال. - چاپ دوم /
۵۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۶۵۳۰-۲۸-۱

۶۳- شرح سی قصیده حکیم
ناصر خسرو قبادیانی از روی
قدیم‌ترین و صحیح‌ترین نسخه
خطی.

مهدی محقق. - تهران: توس. - ۲۷۸
ص. - وزیری (شمیز). - ۱۴۰۰۰ ریال. -
چاپ نهم / ۳۳۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۳۱۵-۳۶۵-۷

۶۴- فرخی سیستانی: با معنی
واژه‌ها و شرح بیت‌های دشوار و
برخی نکته‌های دستوری و ادبی.
به‌اهتمام: خلیل خطیبرهیر. - تهران:
صفی علی‌شاه. - ۱۰۸ ص. - وزیری
(شمیز). - ۴۵۰۰ ریال. - چاپ بیست و
دوم / ۳۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۵۶۲۶-۰۸-۰

شعر فارسی قرن ۶

۶۵- بسوی سیمرغ: منظومه
منطق‌الطیر اثر شیخ
عطار نیشابوری به نثر پارسی ...
شارح: نعمت‌الله قاضی. - تهران: سکه. -
۴۸۴ ص. - وزیری (سلفون). - ۲۰۰۰۰

ریال. - چاپ هشتم / ۲۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۶۱۳۵-۱۷-۴

چاپ اول

۶۶- دیوان عطار نیشابوری.
محمد بن ابراهیم عطار. - تهران: فرهنگ
کاوش. - ۷۱۲ ص. - وزیری (کالینگور).
- ۳۹۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۵۰۰۰
نسخه.
شابک: ۹۶۴-۶۵۳۰-۲۳-۸

منطق‌الطیر.

محمد بن ابراهیم عطار/مصحح: صادق
گوهرین. - تهران: شرکت انتشارات
علمی و فرهنگی. - ۴۸۰ ص. - وزیری
(شمیز). - ۱۵۰۰۰ ریال. - چاپ شانزدهم
/ ۵۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۲۴۵-۰۳۰-۲

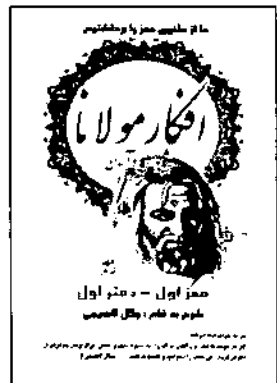
منطق‌الطیر.

محمد بن ابراهیم عطار/مصحح: صادق
گوهرین. - تهران: طلوع. - ۴۸۰ ص. -
وزیری (شمیز). - ۱۰۰۰۰ ریال. - چاپ
دوم / ۲۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۶۱۰۳-۱۲-X

شعر فارسی قرن ۷

چاپ اول

۶۹- افکار مولانا.
مجتبی جلال حسینی لاهیجی. - تهران:
مجتبی جلال حسینی لاهیجی. - ۲۴۰
ص. - وزیری (شمیز). - ۱۳۰۰۰ ریال. -
چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۳۵-۰۹۸۷-۷



در کتاب ابتدا شرحی از زندگی و احوال
مولانا به دست داده می‌شود، سپس پاره-
ای از آموزه‌های عرفانی مولوی به زبانی
ساده بازگو می‌گردد. نگارنده در این
کتاب برخی از حکایات و اشعار مولانا را

نیز ذکر کرده است.

۷۰- بوستان سعدی.

مصلح بن عبدالله سعدی: مصحح: سامیرا فردی تهرانی، محمدعلی فروغی. - تهران: مژگان، ۴۱۶ ص. - جیبی (شمیز)، ۴۵۰۰ ریال. - چاپ چهارم / ۳۰۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۵۵۶۱-۰۱-۹

چاپ اول

۷۱- بوستان سعدی فارسی -

انگلیسی.

مترجم: علاءالدین یازارگادی. - تهران: رهنما، ۴۹۲ ص. - وزیری (گالینگور)، ۳۹۰۰ ریال. - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه.

عنوان به لاتین:

The orchard boostan of sa'di english - persian

شابک: ۹۶۴-۶۹۵۱-۳۵-X



در این کتاب، بوستان سعدی با ترجمه انگلیسی فراهم آمده است. در هر صفحه از کتاب ابیاتی از متن بوستان و در کنار آن معادل انگلیسی به چاپ رسیده است. دکتر علاءالدین یازارگادی در کتاب مقدمه‌ای نیز به زبان انگلیسی آورده است.

۷۲- پله پله تا ملاقات خدا: درباره زندگی، اندیشه و سلوک مولانا

جلال الدین رومی.

عبدالحسین زرین کوب. - تهران: علمی، ۴۰۴ ص. - وزیری (گالینگور)، چاپ پانزدهم / ۵۰۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۵۵۲۴-۳۲-۶

چاپ اول

۷۳- شرح عشق و عاشقی هم عشق گفت: تحلیل عشق و علم و عرفان همراه با شرح و تفسیر

منتخب ...

محمد دامادی. - تهران: دانا، ۴۹۶ ص.

- وزیری (شمیز)، ۲۵۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.

عنوان به لاتین:

It was love alone that uttered the explanation of love ...

شابک: ۹۶۴-۶۲۴۲-۸۲-۰



نویسنده در کتاب ابتدا توصیفی از عشق و عرفان به دست می‌دهد، سپس مراتب عرفانی مولانا جلال الدین بلخی را متذکر می‌شود و سرانجام از دفاتر مثنوی مولوی برگزیده‌ای فراهم می‌آورد. ضمن آن که هر یک از ابیات برگزیده با شرح و معنی همراه شده است. نگارنده در ابتدای کتاب یادآور می‌شود: 'فراخوانی سراینده مثنوی آدمیان عالم را به عشق و شادمانی و دلمودگی و توجه به پدیده‌های جهان هستی و دعوت به استفاده از طبیعت و الهام‌پذیری از بدایع خلقت به صورتی که شاید هیچ سخن‌سرای دیگری در جهان نباشد که عشق و شادمانی در قالب کامیابی‌های معنوی را تا بدین حد رنگارنگ و گوناگون و دلپذیر به تصویر درآورده باشد و به گونه‌ای در منظومه عرفانی‌اش جاذبه‌های عشق و امید را آن چنان افروخته نگاه داشته که در فراخوانی جهان هستی، آدمی دیگر دلیل و سببی برای نگرانی و حرمان ملاحظه نمی‌کند...'

۷۴- کلیات سعدی.

مصلح بن عبدالله سعدی: مصحح: محمدعلی فروغی. - تهران: بهمان، ۱۰۰۴ ص. - وزیری (گالینگور)، ۳۵۰۰۰ ریال. - چاپ دوم / ۵۰۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۵۹۸۱-۴۱-۷

۷۵- کلیات مثنوی معنوی.

جلال الدین محمد بن محمد مولوی: مصحح: رینولدالین نیکلسون. - تهران: پگاه، ۱۱۸۴ ص. - وزیری (گالینگور)، ۳۸۰۰۰ ریال. - چاپ سوم / ۵۰۰۰ نسخه.

شابک:

X-۱۱-۶۵۰۳-۹۶۴

چاپ اول

۷۶- مثنوی معنوی.

جلال الدین محمد بن محمد مولوی: مصحح: رینولدالین نیکلسون. - تهران: نگاه، ۱۱۷۶ ص. - وزیری (گالینگور)، ۵۰۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۶۷۳۶-۷۸-۵

چاپ اول

۷۷- مثنوی معنوی مولانا جلال الدین محمد (مشهور به مولوی)

براساس نسخه تصحیح شده رینولد نیکلسون.

جلال الدین محمد بن محمد مولوی: مقدمه: محمدحسین فروزانفر. - تهران: ارمان، ۱۰۲۴ ص. - وزیری (گالینگور)، ۴۸۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۵۵۶۰-۴۹-۲

چاپ اول

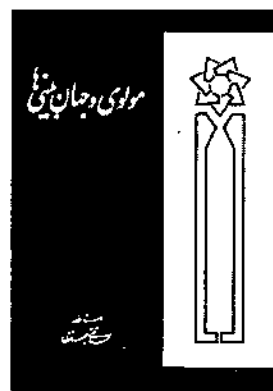
۷۸- مولوی و جهان‌بینی‌ها.

محمدتقی جعفری تبریزی. - تهران: موسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری، ۲۶۴ ص. - وزیری (شمیز)، ۷۸۰۰ ریال. - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه.

عنوان به لاتین:

Molawi and world-insights

شابک: ۹۶۴-۶۶۰۸-۰۱-۹



مولوی و جهان‌بینی‌ها که در تاریخ ۱۳۵۷/۱ با بررسی‌ها و تبیینات علامه جعفری نگاشته شده در برگزیده ابیاد مختلف اندیشه این شاعر است که طی آن مخاطبان با انقلاب روانی مولانا، معرفت، داستان‌پردازی، عقل نظری، و جاذبه‌های عرفانی او آشنا می‌شوند. در بخشی از کتاب، نوعی مقایسه و ارزیابی میان عرفان مولانا و مکاتیب مختلف،

صورت گرفته است.

شعر فارسی قرن ۸

۷۹- دیوان حافظ از نسخه محمد قزوینی و دکتر قاسم غنی.

شمس الدین محمد حافظ: مقدمه: پژمان بختیاری: خطاط: امیراحمد فلسفی. - تهران: پارسا، ۴۴۴ ص. - جیبی (گالینگور)، ۱۸۰۰۰ ریال. - چاپ سوم / ۵۰۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۵۵۳۳-۱۴-۷

چاپ اول

۸۰- دیوان حافظ: بر اساس نسخه محمد قزوینی و دکتر قاسم غنی.

خطاط: محسن خرازی. - تهران: علی، ۴۲۸ ص. - جیبی (سلفون)، ۸۵۰۰ ریال. - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۹۲۴۵۹-۲-۸

۸۱- دیوان خواجه شمس الدین محمد حافظ شیرازی.

شمس الدین محمد حافظ: مقدمه: احمد محمدی: خطاط: داود روانی. - تهران: زرین، ۴۶۸ ص. - وزیری (گالینگور)، چاپ نهم / ۳۳۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۴۰۷۰-۲۷-۵

۸۲- دیوان خواجه شمس الدین محمد حافظ شیرازی با استفاده از نسخه تصحیح شده محمد قزوینی و دکتر قاسم غنی.

شمس الدین محمد حافظ: مقدمه: عزیزالله کاسب: خطاط: محسن خرازی. - تهران: گنجینه، ۴۵۲ ص. - جیبی (سلفون)، ۴۵۰۰ ریال. - چاپ ششم / ۵۰۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۶۱۵۲-۰۱-۵

چاپ اول

۸۳- دیوان خواجه شمس الدین محمد حافظ شیرازی: از نسخه محمد قزوینی و قاسم غنی.

شمس الدین محمد حافظ: خطاط: حسین جعفری: تبار: مقدمه: محمد گلندام. - تهران: علمی، ۴۲۲ ص. - جیبی (گالینگور)، ۱۸۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.

عنوان به لاتین:

The divan of hafez

شابک: ۹۶۴-۶۳۳۹-۴۱-۷

۸۴- دیوان خواجه شمس الدین محمد حافظ شیرازی: با مقابله نسخه تصحیح شده محمد قزوینی و دکتر قاسم غنی.

مقدمه: یان رییکا: خطاط: عباس وزیرزاده. - تهران: هنرور، ۴۲۰ ص. - جیبی (سلفون)، ۵۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۹۱۰۱-۴-۸

۸۵- دیوان کامل خواجه شمس الدین محمد حافظ شیرازی: بانضمام مقدمه و شرح حال حافظ.

خطاط: سیف‌الله یزدانی: مقدمه: علی دشتی: شمس الدین محمد حافظ: مصحح: محمد قزوینی، قاسم غنی. - تهران: دنیای دانش، ۵۲۸ ص. - وزیری (گالینگور)، ۳۵۰۰۰ ریال. - چاپ سوم / ۳۰۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۶۷۱۸-۲۱-۳

۸۶- ذهن و زبان حافظ (با افزایش هشت مقاله جدید).

بهاءالدین خرمشاهی. - تهران: ناهید، ۳۲۰ ص. - رقی (شمیز)، ۱۶۰۰۰ ریال. - چاپ ششم / ۲۲۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۶۲۰۵-۱۸-۶

چاپ اول

۸۷- سلسله درس‌های حافظ شناسی: هفت بیت آسمانی: فرهنگ و ادبیات فارسی.

محمود رفیعی. - تهران: مدینه، ۱۱۲ ص. - جلد اول. - رقی (شمیز)، ۷۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه.

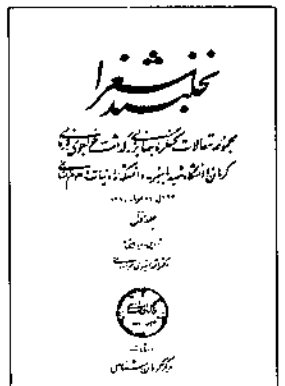
شابک: ۹۶۴-۶۹۱۰-۰۲-۵



نوشتر حاضر شرحی است مفصل بر نخستین غزل دیوان حافظ که طی آن هر یک از واژگان و عبارات غزل با تعبیری عرفانی معنی شده است.

۸۸- نخلبند شعرا: مجموعه مقالات کنگره جهانی بزرگداشت خواجهی کرمانی، کرمان، ... ۲۳ الی ۲۶ مهرماه ۱۳۷۰.
تدوین: احمد امیری خراسانی. - کرمان: مرکز کرمان شناسی. - جلد اول. - وزیری (گالینگور). - چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۶۴۸۷-۳۲-۷

چاپ اول



نخلبند شعرا شامل مجموعه مقالات کنگره جهانی بزرگداشت خواجهی کرمانی است که از ۲۳ الی ۲۶ مهرماه ۱۳۷۰ برگزار گردید. جلد نخست از این مجموعه متضمن ۴۶ مقاله از استادان دانشگاه و نویسندگان مختلف است که با عناوینی از این دست فراهم آمده است: 'خواجهی کرمانی از نظر قصیده‌سرایی' / عبدالعلی ادیب برومند، 'طرز سخن خواجه/ حسن انوری'، 'خواجهان کرمان' / محمد ابراهیم یاستانی پاریزی، 'نقدی بر مثنوی گل و نوروز کمال‌الدین خواجهی کرمانی' / بهروز نورتیان، 'عرفان خواجه/ اسماعیل حاکمی'، 'خواجه و حافظ/ بهاءالدین خرمشاهی'، 'حافظ و طرز سخن خواجه/ علیرضا ذکاوتی قراقرزلو'، 'کتاب‌شناسی خواجهی کرمانی/ ابوالقاسم رادفر'، 'همراه خواجه بر مزار بهرام‌الدین کوهنابی/ محمود روح‌الامینی'، 'تحقیق در قصاید خواجه/ سید ضیاءالدین سجادی'، 'سام نمونه‌ای از یلان سترگ/ بهمن سرکاراتی'.

چاپ اول

۸۹- نخلبند شعرا: مجموعه مقالات کنگره جهانی بزرگداشت خواجهی کرمانی، کرمان، ... ۲۳ الی ۲۶ مهرماه ۱۳۷۰.
تدوین: احمد امیری خراسانی. - کرمان: مرکز کرمان شناسی. - جلد دوم. - وزیری (گالینگور). - چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۶۴۸۷-۳۳-۵

شعر فارسی قرن ۱۰ و ۱۱

چاپ اول

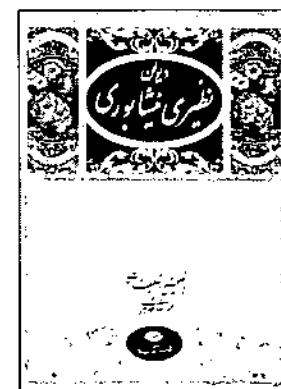
۹۰- دیوان محتشم کاشانی.
مصحح: اکبر بهداروند؛ علی‌بن احمد محتشم. - تهران: نگاه. - ۷۱۰ ص. - وزیری (گالینگور). - ۴۵۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۳۳۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۳۵۱-۰۰۵-۰



کتاب چاپ دیگری است از دیوان 'محتشم کاشانی' (وفات: ۹۹۶ م.ق) که مشتمل است بر غزلیات، قصاید، مثنویات، رباعیات و ترکیب‌بندها. در پایان کتاب دو رساله از محتشم که آمیزه‌ای از شعر و نثر است به چاپ رسیده است. این رساله‌ها عبارت‌اند از: 'رساله جلالیه' و 'رساله عشاق'.

چاپ اول

۹۱- دیوان نظیری نیشابوری.
محمدحسین نظیری؛ مصحح: محمدرضا طاهری. - تهران: نگاه. - ۶۵۲ ص. - وزیری (گالینگور). - ۴۰۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۶۷۳۶-۷۲-۶



'دیوان نظیری نیشابوری' که براساس دو نسخه خطی و دو نسخه چاپی به طبع رسیده غزل‌ها، قصاید، ترکیب‌بندها و

ترجیع‌بندها، و رباعی‌های شاعر است که با مقدمه‌ای در باب زندگی و شعر نظیری نیشابوری فراهم آمده است. در پاورقی‌های کتاب نسخه بدل‌های یاد شده درج گردیده است. انتهای کتاب شامل شرح و توضیحی در باب باره‌ای از ابیات متن است.

۹۲- گفت امیرالمومنان (ع) ... یکصد کلام منظوم از امام مظلوم علی‌بن ابی‌طالب (ع).
عمر بن بحر جاحظ، عادل بن علی. - تهران: آرایه. - ۴۰ ص. - جیبی (شمیز). - ۱۰۰۰ ریال. - شابک: ۹۶۴-۶۰۷۴-۲۵-۱

شعر فارسی قرن ۱۴

۹۳- دیوان پروین اعتصامی.

مقدمه: محمدتقی بهار؛ خطاط: مسعود مهدیخانی. - تهران: ساغر. - مهتاب. - ۲۹۶ ص. - جیبی (سلفون). - ۷۵۰۰۰ ریال. - چاپ سوم / ۵۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۹۱۱۱-۰۵-۰

۹۴- دیوان پروین اعتصامی.

مقدمه: محمدتقی بهار؛ خطاط: مسعود مهدیخانی. - تهران: ساغر. - ۳۰۰ ص. - وزیری (گالینگور). - ۱۳۵۰۰ ریال. - چاپ سوم / ۵۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۹۱۱۱-۰۴-۲

چاپ اول

۹۵- دیوان قصاید و مثنویات و تمثیلات و مقطعات پروین اعتصامی.

خطاط: داود روسانی. - تهران: علمی. - ۵۸۲ ص. - وزیری (گالینگور). - ۲۲۵۰۰ ریال. - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۰۴۰۳۲-۵

تاریخ، توصیف، نقد و بررسی

چاپ اول

۹۶- ادبیات ایران پیرامون استعمار و نهضت‌های آزادیبخش.

عبدالرحیم ذاکر حسین. - تهران: دانشگاه تهران، موسسه چاپ و انتشارات. - ۶۸۲ ص. - وزیری (شمیز). - ۳۴۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۱۵۰۰ نسخه.
عنوان به ۷ تین:

Iranian literature regarding colonialism & liberating
شابک: ۹۶۴-۰۳-۴۲۱۶-۵



مجموعه حاضر متشکل از دو کتاب است. کتاب اول تحت عنوان 'مبانی و کلیات راجع به استعمار و نهضت‌های آزادیبخش از پیدایی تا پایان جنگ جهانی دوم' و کتاب دوم با عنوان 'نهضت‌های آزادیبخش پس از جنگ جهانی دوم' به چاپ رسیده است. نگارنده در ابتدای کتاب تاریخ استعمار و تحولات سیاست‌های استعماری را بازگو کرده مباحثی در باب استعمار در ایران، همچنین زبان و ادبیات ضد استعماری مطرح می‌سازد. وی ضمن تحلیل حوادث و ماجراهای مربوط به استعمار اشعاری چند از شاعران آن عهد را فراهم می‌آورد. پاره‌ای از موضوعات کتاب بدین قرار است: ایران آغازگر نهضت‌های ضد استعماری شرق و غرب، عوامل موثر در مبارزات ضد استعماری ملل و اقوام آسیا، جهان پس از جنگ بین‌الملل اول تا جنگ بین‌الملل دوم، جهان در جریان جنگ جهانی دوم، جهان پس از جنگ بین‌الملل دوم، نهضت هند، نهضت کره، ایران (نهضت ضد تجزیه آذربایجان)، نهضت ملی شدن نفت ایران، نهضت الجزایر، نهضت کنگو، نهضت ویتنام، و نهضت انقلاب اسلامی ایران.

شعر فارسی (از سال ۱۳۲۰-)

چاپ اول

۹۷- از غلس تا گرمگاه (منظومه کوراوغلو).
شاعر: سیروس نیرو. - تهران: سیروس نیرو. - ۱۱۴ ص. - رقصی (شمیز). - ۸۰۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۱۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۳۵۰-۸۰۴-۴
'کوراوغلو' قهرمان اسطوره‌ای آذربایجان است که اینک روایتی از زندگی او در

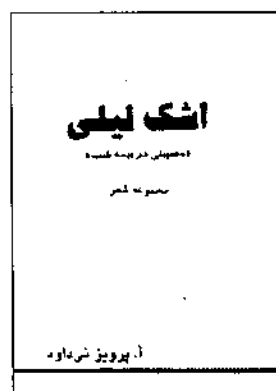
منظومه‌ای - در بحر، هزج و رمل و در قالب شعر آزاد و نیمایی - بازگو می‌شود.



در این شعر بخشی از ادب، فرهنگ و مبارزات مردم آذربایجان در راه زندگی به تصویر کشیده شده است.

چاپ اول

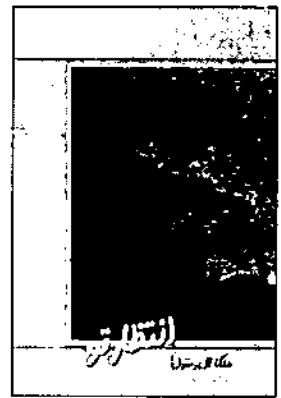
۹۸- اشک لیلی مصیبتی در نیمه شب.
شاعر: پرویز نی‌دود. - تهران: پرویز نی‌دود. - ۹۶ ص. - رقصی (مقوایی). - ۵۰۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۳۵۰-۹۶۶-۲



'اشک لیلی' مجموعه‌ای از غزل‌های شاعر است که با مضمون عشق، فراق و شکوایه‌ها به نظم کشیده شده است. 'تک درخت' نمونه‌ای از این غزل‌هاست: تک درختی در سبزه کوه لرزان می‌گریست / در فراق گریه بی‌حاصل آمد به یاد / سر نهادم زیر پایت تا کنی بر من نظر / سر نهادن‌های موج و ساحل آمد به یاد...

چاپ اول

۹۹- انتظار تو.
شاعر: هلگا آل رسول. - اصفهان: آفریات. - ۶۸ ص. - رقصی (شمیز). - ۴۵۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۱۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۷۰۲۳-۰۴-۹



تهران: شافقی. - ۲۵۸ ص. - رقصی (سافون). - ۱۴۰۰۰ ریال. - چاپ سوم / ۵۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۵۵۴۲-۶۳-۴

۱۰۲- تارهایی: منظومه‌ها و شعرها.

حمید مصفق. - تهران: زریاب. - ۵۴۸ ص. - رقصی (کالینگور). - ۲۲۵۰۰ ریال. - چاپ هفتم / ۵۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۶۲۳۹-۸۵-۹

چاپ اول

۱۰۳- تحفه‌ی درویش (گزیده‌ی اشعار و مجموعه مقالات).

عزیز دولت‌آبادی. - تبریز: ستودم. - ۵۸۶ ص. - وزیری (کالینگور). - ۳۵۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۹۱۰۱۹-۵-۰



۱۰۰- پاییز در بزرگراه (شعرهای سبز و سیاه).

محمدعلی سیالو. - تهران: قطره. - ۱۴۴ ص. - رقصی (شمیز). - ۸۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۳۴۱-۰۹۶-X



پاییز در بزرگراه دفتر است از اشعار محمدعلی سیالو که به سبک و سیاق نو فراهم آمده است. ترانه بلوار میرداماد نمونه‌ای از اشعار این مجموعه است: ای روزهای فردا / ای فکرهای زیبا / ای برگ‌های پاییز / ای پنجه‌های رویا / ای واژه‌های زرین / ... / بهر تو می‌سرایم / از خود بیرون می‌آیم / لب‌های پسته‌ام را / یک لحظه می‌کشایم / ای سرزمین / دیرین / یک شاعر پیاده / همراه جویبارت / با یک پیام ساده / خوش باد روزگار / نه این زمان غمگین ...

۱۰۱- پنج کتاب (مجموعه اشعار فروغ).
فروغ فرخزاد به اهتمام: رویا خسرونجدی.

۱۰۵- تندیس باغهای مطمئن.
شاعر: علی عنقاوی. - تهران: بهراد. - ۲۱۲ ص. - رقصی (شمیز). - چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۹۰۶۵۵-۹۰-۸

چاپ اول



بخش عمده کتاب سروده‌هایی است به شیوه نو از علی عنقاوی (سیاوش) که در بخش دوم نیز چند یادداشت و داستان کوتاه از او به طبع رسیده است. مویه نمونه‌ای از اشعار این مجموعه است: نه آرسی، نه کمائی / نه افسانه سرایی / که سراید / مویه‌های شبانه ما / نشی که می‌گذرد بی آتش و سیاوش و باد / انگیزه ماه بود / تو دمساز آتش و فتنه ...

چاپ اول

۱۰۶- تهران (یک منظومه).
شاعر: محمدرضا مدیحی. - تهران: یوشیح. - ۱۲۲ ص. - رقصی (شمیز). - ۸۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۲۲۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۹۲۵۴۸-۱-۱



منظومه حاضر که به شیوه نو سروده شده توصیفی است از واقعه تاریخی مشروطه به ویژه دستگیری آزادیخواهان و شهادت میرزا جهانگیرخان شیرازی. در بخشی از این منظومه آمده است: بایستیم / تهران / شهر ارواح / شهر سایه / هاست / نگاه کن / نگاهشان به ماست / های میرزا جهانگیرخان / چه به روز

عشق تو آمد / وان خاک که خون خوش ریختی به پاش ...

چاپ اول

۱۰۷- درد دل یا سارا.
شاعر: آرمین قبادی پاشا؛ ویراستار: امید قبادی پاشا. - تهران: آرمین قبادی پاشا. - ۶۲ ص. - رقصی (شمیز). - ۵۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۳۵۰-۶۶۷-۳



کتاب متشکل از چند قطعه شعر نوست که در آن شاعر، نوایی از تنهایی، یاس و دانشکستگی انسان سرگشته امروز را سر داده است. برای نمونه: تپش زندگی / صدای نامفهوم / حرف‌های درگوشی / اضطراب تکرار / ترس از ته / و آینده مبهم / همه از دلهره بود / دلهره حضور تو.

چاپ اول

۱۰۸- دل تنگ شیرین.
شاعر: نوشین کاظمی. - تهران: گل یخ. - ۴۰ ص. - رقصی (شمیز). - ۶۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۵۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۷۰۱۸-۱۰-X

۱۰۹- دلاویزترین گزیده اشعار.
فریدون مشیری. - تهران: نشر چشمه. - ۲۲۴ ص. - رقصی (شمیز). - ۱۱۰۰۰ ریال. - چاپ دوم / ۳۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۶۱۹۴-۳۸-۹

۱۱۰- دیوان آیت‌الله حسن حسن‌زاده آملی.
خلیفا: امیر فلسفی. - تهران: رجا. - ۴۸۰ ص. - وزیری (کالینگور). - ۱۸۰۰۰ ریال. - چاپ سوم / ۳۵۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۶۲۸۶-۴۱-۰

۱۱۱- دیوان جدی، یا، شبنم گلها.
شاعر: حبیب‌الله زیتونی؛ به اهتمام: کاذم

زیتونی. - تهران: زیتونی. - ۴۱۲ ص. - وزیری (کالینگور). - چاپ اول / ۱۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۳۳۰-۹۳۰-۴

چاپ اول



کتاب، دیوان شادروان سید حبیب‌الله زیتونی است که در قالب قصاید، غزلیات و دیگر قالب‌های سنتی به نظم کشیده شده و اغلب موضوعات عرفانی و مذهبی را شامل می‌شود.

چاپ اول

۱۱۲- دیوان خلیل‌الله خلیلی.
تهیه و تنظیم: محمدابراهیم شریعتی؛ مترجم: محمد سرور مولایی. - تهران: عرفان. - ۵۶۰ ص. - وزیری (کالینگور). - ۳۰۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۳۳۰-۶۲۳-۱



در ابتدای کتاب نوشته‌ای چند درباره خلیل‌الله خلیلی (شاعر معاصر افغانستان) درج گردیده که مقدمه مفصل دکتر محمد سرور مولایی، نوشته‌های دکتر رضا زاده شفق، استاد بدیع‌الزمان فروزانفر، استاد سمید نفیسی، و صلاح‌الدین سلجوقی در باب وی از آن جمله است. 'عشق به وطن، صلح، آستادگی در برابر استعمار، وصف طبیعت و تجلیل از مفاخر دین و دانش و ادب' زمینه‌های اصلی شعر خلیل‌الله خلیلی است. در انتهای کتاب نمونه‌ای از شعر او نیز به

چاپ رسیده است. دیوان این شاعر
مشمول است بر غزلیات، رباعیات و
مثنویات.

چاپ اول

۱۱۳- دیوان سحر

شاعر: مژگان امیرحسینی - تهران: صم.
- ۲۲۴ ص. - وزیری (شمیز) - ۹۵۰۰
ریال. - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۷۱۷۹-۰۴-۹



در این کتاب اشعاری به شیوه سنتی از
مژگان امیرحسینی به چاپ رسیده
است. نخستین شعر این مجموعه غزلی
است با مضامین عرفانی: قلب عاشق
تیشی داشت به دیدار جمال / مژده می داد
که من می تیم از شوق وصال / تا که
ممشوق از او روی بتاید شنید / صوت و
آهنگ دلت نیست مرا غیر هلال / روز
اول به تو آموخت که جان باز سحر /
کشته اوست که می باشد این وصل
حلال.

چاپ اول

۱۱۴- رد پای روشنی

نمفه مستشار نظامی - تهران: بعثت. -
۸۰ ص. - رقصی (شمیز) - ۴۰۰۰ ریال. -
چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۶۰۶۷-۵۳-۰

چاپ اول

۱۱۵- رقص عروسکها

هومن حسین زاده - تهران: تحکیم. -
۹۶ ص. - رقصی (شمیز) - ۴۵۰۰ ریال. -
چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۹۲۲۵۳-۰۵-۵



کتاب از دو بخش دفتر شعر و داستان -
های کوتاه تشکیل یافته است. رقص
عروسکها عنوان نخستین شعر این
مجموعه است که این گونه آغاز می شود:
چهرهات را دیدم آن شب / خوب یادم
نیست شاید آن شبی در مهر بود آیا / و
یا در سرز تابستان / ولیکن یاد دارم
چهرهات را / با دو چشم گریه آلود / با لبی
پر ناله از رقص عروسکها...

چاپ اول

۱۱۶- رگل نامه: سرگذشت

جوانمردی از ایل بختیاری.
شاعر: علی محمد توذری. - قم: نجیا. -
۱۰۲ ص. - رقصی (شمیز) - ۶۰۰۰ ریال.
- چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۹۲۶۹۷-۵-۴



کتاب، سرگذشت یکی از جوانان غیور
ایل بختیاری است که در قالب شعر
عرضه می شود. رگل قهرمان داستان
که در آغاز جوانی به دستور خان زیر
ضربات سهمگین تازیانه قرار گرفته
خشم و کینه او نسبت به بی عدالتی خان
افزون می شود و با خود عهد می کند که
در برابر مستم او از پای ننشیند و انتقام
خود و هم محلی ها را از او بستاند او در
این راه دست به مبارزهای بی امان می زند
و...

۱۱۷- زیبای جاودانه: منتخب ده

دفتر شعر: تشنه توفان، گناه دریا،
ایرو، کوچه بهار را باور کن، از
خاموشی ...
شاعر: فریدون مشیری. - تهران: سخن.
- ۴۲۶ ص. - رقصی (گالینگور) - ۳۵۰۰۰
ریال. - چاپ سوم / ۴۴۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۵۹۸۳-۱۶-۹

چاپ اول

۱۱۸- زیر چتر تو خواب رفته ام:

مجموعه شعر.
شاعر: حسن صفدری. - تهران: مرغ
آمین. - ۶۸ ص. - رقصی (شمیز) -
۳۵۰۰ ریال. - چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه.

شابک:

۹۶۴-۵۵۱۹-۲۹-۲

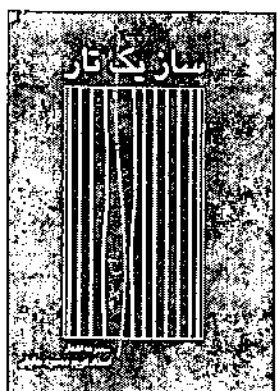


کتاب حاوی اشعاری است به شیوه نو که
اغلب با مایه های عاشقانه شکل گرفته
است. برای نمونه: گیسوانت دریا / می -
باقی اش چنان / که وقت شانه زدن / از
دورترین موج / عزیزترین اتفاق می شکند.

چاپ اول

۱۱۹- ساز یک تار (مجموعه

اشعار).
شاعر: کریم محمودحقیقی. - تهران:
فلاح. - ۱۷۶ ص. - وزیری (شمیز) -
۵۵۰۰ ریال. - چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۹۲۵۶۴-۲-۳



در این مجموعه اشعاری چند به شیوه
سنتی به نظم کشیده شده است. مثنوی
ساز یک تار نمونه ای از سروده های این
کتاب است: مطرب را گفتم: این صد
نمفه چون / ساز را بیرون جهد از اندرون /
گفت: چون سوراخ نی افزون بود / نای را
آهنگ دیگرگون بود / ساز را هر سیم
آهنگی دهد / زخمه بر هر جای او رنگی
دهد. / گفتمش من ساز یک تارم که
دوست / زخمه ای بیشم نزد بر تار و
پوست / ساز یک تارم ندارم نمفه بیش /
تیسیم جز عاشق نایی خویش.

چاپ اول

۱۲۰- شب بارانی من.

شاعر: مسعود رهنمایی. - اصفهان:
آتریات. - ۶۴ ص. - رقصی (شمیز) -

شابک:

۹۶۴-۷۰۲۳-۰۱-۴



اشعار این کتاب در دو بخش غزل و
شعر نو سروده شده و در کنار آن نیز
پنج دوبیتی به طبع رسیده است.
دلدادگان نمونه ای است از اشعار این
مجموعه: آسمان آبی / رود جاری / فصل
پاییز و هوا سرد / و من می لرزم / نور
خورشید جهان بر تنم می تابد / در کنار
رود / برگ ها ریخته اند از پی هم / دورتر /
آن سوی رود / این دو دل داده به هم می -
نگرند.

چاپ اول

۱۲۱- صورت پیوند جهان:

برگزیده اشعار جشنواره شعر
علوی.
گردآورنده: دبیرخانه جشنواره شعر علوی. -
تهران: رسانه. - ۱۹۲ ص. - وزیری
(شمیز) - ۹۶۰۰ ریال. - چاپ اول /
۲۰۰۰ نسخه.



سروده های این کتاب، برگزیده اشعار
جشنواره شعر علوی است که جملگی
در توصیف امام متقین حضرت علی (ع)
به نظم کشیده شده است.

چاپ اول

۱۲۲- طوفان خطبه ها:

خطبه های
امام حسین علیه السلام، خطبه
امام سجاد علیه السلام، خطبه
حضرت زینب علیها السلام...
شاعر: احمد دبیزرگی. - تهران: پیام

آزادی. - ۱۲۰ ص. - رقصی (شمیز) -
۴۸۰۰ ریال. - چاپ اول / ۵۵۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۲۰۲۳-۰۲-۹



احمد ده بزرگی در این مجموعه خطبه -
های امام حسین (ع)، خطبه امام سجاد
(ع)، خطبه حضرت زینب (ع) و خطبه
حضرت ام کلثوم (ع) را که در باب قیام
عاشورا ایراد شده به نظم درآورده است.
در کتاب ابتدا هر خطبه به زبان عربی،
سپس ترجمه فارسی و سرانجام مضمون
آن در قالب مثنوی عرضه شده است.

چاپ اول

۱۲۳- عاشقانه ها.

شاعر: عظیم خلیلی. - تهران: نگاه. -
۷۸ ص. - رقصی (شمیز) - ۷۰۰۰ ریال. -
چاپ اول /
شابک: ۹۶۴-۶۷۳۶-۲۵-۴



عاشقانه های عظیم خلیلی در قالب سی
و پنج نابلو عرضه شده که از آن جمله
است: زیباترین شعر / صادقانه گریستن
است / زیباترین یار / زیباترین شقایق /
تنها ترین عشق / گویاترین غزل غزل ها
است / ای عاشقانه ها / که به سبز و
صمیمیت و صحرایا گفتم / کودکانه ترین
ایام / عاشقانه ترین ریستن بود.

چاپ اول

۱۲۴- عطر یاس.

شاعر: سیدیه مصطفوی. - تهران:
ترسیم. - ۵۶ ص. - رقصی (شمیز) -

۲۴۰۰ ریال - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۶۹۵۴-۲۶-X

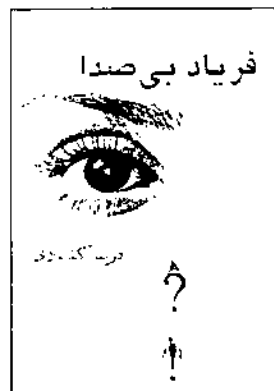


«عطر یاس» مجموعه چند شعر است که در وصف پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت او به نظم درآمده است. «روشنای دل‌ها» قصیده‌ای است در توصیف امام زمان (عج)؛ ای باغ گل خزان ندیده/ صبرم بنگر به سر رسیده / اندوه غمت به دل نشسته / از دوری تو دلم شکسته...

چاپ اول

۱۲۵- فریاد بی صدا.
شاعر: فریبا کتابادی - تهران: گستره - ۱۳۸۰ ص. - رقی (شمیز). - چاپ اول / ۲۲۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۶۵۹۵-۰۷-۳



در دفتر حاضر، اشعاری چند به سبک و سیاق نو فراهم آمده است. «دریچه فرسوده» عنوان یکی از سروده‌های این مجموعه است؛ دیر زمانی است/ دریچه اتاق من غبارآلوده است/ فرجام‌هایش همه مات و مکدر/ حتی به وقت بارش قطره‌های پاک باران هم/ رنگ شیشه-اش پس تنگ و نامفهوم است/ گویا به دنبال روح شفاف و سرگشته‌اش/ در هوای مه‌آلود و غلیظ بیرون سرگردان است/ گذر زمان جای پای خود را/ بر رجمانه بر آن حک کرده است...

چاپ اول

۱۲۶- کلیات اشعار جمشید شعله.
به‌اهتمام: جمراد جمشید - تهران:

شهرآفتاب - ۸۳۲ ص. - وزیری (گالینگور) - ۵۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۱۵۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۹۱۸۱۷-۳-۳



دیوان حاضر سروده «جمشید خان چاه آبی» متخلص به شعله (شاعر معاصر افغانستان) در قالب‌های کلاسیک یعنی غزل (۴۰۱ غزل)، قصیده، ترکیب‌بند، مثنوی، رباعی و نظایر آن به نظم کشیده شده است. بخشی از این سروده‌ها حاوی مضامین سیاسی و مبارزات شاعر در راه وطن است. اینک نمونه‌ای از شعر این سراینده درج می‌گردد: کیست که این نامه را سوی بدخشان برد/ پیامی از عالم جسم سوی جان برد/ جوی می و انگبین به حوض کوثر دهد/ بوی گل و یاسمن به جنت رضوان برد/ آه جگر خسته‌ای کشد به بزم وصال/ مزده باد بهار به هر گلستان برد/ قافله رنگ و بو به طرف گلشن کشد/ نوحه عود و گلاب بر چمنستان برد...

چاپ اول

۱۲۷- کودک هشتاد ساله.
شاعر: مالک قره‌غانی - تهران: دنیای نو - ۶۴ ص. - رقی (شمیز). - ۱۳۹۰ ریال - چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۶۵۶۴-۸۹-۵



اشعار این کتاب در دو بخش نو و سنتی تدوین شده و عنوان نخستین شعر «کودک هشتاد ساله» است که این گونه آغاز می‌شود: خدایا! در میان ظلمت اهواز

و شب‌هایی که من در آن به سر بردم،/ در این مرداب بی‌پایاب درد و رنج/ نمی‌دانم چه دشوارست بارانی شدن/ باران تبارین/ میان بغض خود مانده/ رسیدن تالاب دریا/ و ساحل/ تفهیمین...

۱۲۸- گزینۀ اشعار.

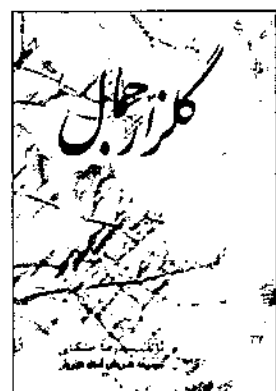
شاعر: محمدرضا شفیعی کدکنی - تهران: سروارید - ۲۴۰ ص. - جلد دوم - رقی (شمیز). - ۹۵۰۰ ریال - چاپ دوم / ۲۲۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۶۰۲۶-۵۶-۷

چاپ اول

۱۲۹- گلزار جمال.
گردآورنده: رضا خشکنایی - تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، شرکت چاپ و نشر بین‌الملل - ۲۱۶ ص. - وزیری (شمیز). - ۸۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۷۱۲۶-۰۲-۶



در ابتدای این مجموعه ذکر از «شهریار» و ویژگی اشعار مذهبی او به میان آمده و در پی آن چند پیام و نوشته از شخصیت‌های سیاسی، مذهبی و ادبی کشور درباره این شاعر - از جمله درگذشت او - درج گردیده است. در پی آن اشعار مذهبی و سیاسی او در دو بخش فراهم آمده است. اشعار مربوط به حضرت محمد (ص) و ائمه اطهار (ع) بخش اول کتاب است که به دنبال آن اشعاری در مدح و توصیف امام خمینی (ره)، حضرت آیتالله خامنه‌ای، هاشمی-رفسنجانی، و چند شعر مذهبی دیگر، گنجانده شده است.

چاپ اول

۱۳۰- مجموعه شعر اشک آبی.
شاعر: تیمور صفا - تهران: سنا - ۲۲۰ ص. - رقی (شمیز). - ۱۲۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۶۱۲۶-۲۸-۶

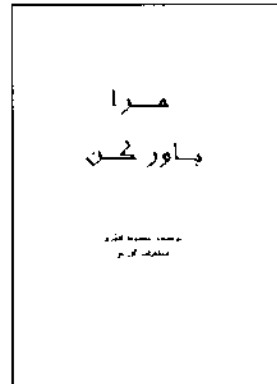


«تیمور صفا» در این کتاب مجموعه‌ای از اشعار خود را در قالب غزل، شعرهای نو و دو بیتی به طبع رسانده است که اینک نمونه‌ای از دوبیتی‌های وی درج می‌گردد: ندانم کس دل جانسوز ما را/ ندانم کس غم هر روز ما را/ بهاران بهر ما بگذشت عمری/ بجز حسرت نشد نوروز ما را.

چاپ اول

۱۳۱- مرا باور کن.
شاعر: معصومه کلهری - تهران: گل بخ - ۸۰ ص. - رقی (شمیز). - ۶۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۵۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۷۰۱۸-۰۹-۶

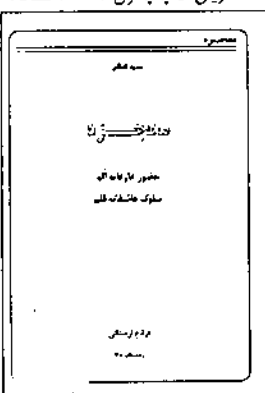


«معصومه کلهری» در این مجموعه اشعاری چند به شیوه نو فراهم آورده است. در شعر «مهرم» از این مجموعه می‌خوانیم: بر آب بریز/ و روان از جراحت من بگذر/ آنگاه بخوان با نفس‌های آب/ که مرا سبز خواهی کرد/ بر آب بریز/ و خالی از جفت چشم ریا/ از میان نگاه دو دست بی‌حس/ با صراحت، صادقانه بگذر.

چاپ اول

۱۳۲- معجزه.
شاعر: فرنام لارستانی - ساری: فرنام لارستانی - ۱۳۸ ص. - رقی (شمیز) -

۷۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه.



«معجزه» مجموعه اشعاری است به شیوه نو، سروده «فرنام لارستانی» که اینک بخش نخستین یکی از سروده‌ها با عنوان «رجحان» درج می‌گردد: میان سایه سرگ و سیاه ناامیدی/ میان چشمه مدفون و تنش آدمی/ منور سالار است/ محبت/ یا به زنجیر ادعای خشم می-ورزد/ وفا/ چاقوی نامردی کمر بسته/ سرای عشق/ متروک است...

چاپ اول

۱۳۳- منظومه ۱۳۹۹: شعر نمایشی در هفت صحنه.
محمدا علی سیانلو - تهران: هزبر - ۱۰۴ ص. - رقی (شمیز). - ۶۴۰۰ ریال - چاپ اول / ۲۵۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۹۰۴۲۲-۱-۰



«منظومه ۱۳۹۹» نمایش‌نامه‌ای است در قالب شعر نو که به گونه نمایشی بیانگر نگرانی‌های انسان نسبت به آینده خویش است. آدم‌های نمایش نمادی از مردمان ایران هستند که معاصر هم نیستند و حرف‌های یک دیگر را در نمی‌یابند. آنان در جست و جوی زندگی بهتر هستند، اما در کولای گم می‌شوند و هیچ یک قادر نیست به دیگری کمک کند و هیچ اتفاق نظری در میان آنان مشاهده نمی‌شود. فاصله اندیشه‌های آنان به حدی است که حتی حاضر نیستند با یک دیگر بچینند...

۱۳۴- می آید، مثل بهار.

جمعی از نویسندگان - تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات - ۸۰ ص. - رقی (شمیز) - ۱۰۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۹۶۴-۴۲۲-۳۶۷-۵ شابک:

چاپ اول



کتاب حاضر مشتمل بر هفت سروده و چهار داستان کوتاه است که با مضمون انتشار فرج و ظهور حضرت مهدی (عج) به چاپ رسیده است. یکی از نوشته‌های کتاب نیز دعایی است با ترجمه فارسی تحت عنوان 'دعای معرفت' داستان‌ها و اشعار کتاب عبارت‌اند از: آی ظهور ناگهانی (شعر) / رضا اسماعیلی، 'یک نامه به یک دوست' (داستان) / رضا بابایی، 'ترانه سبز' (شعر) / حجت‌الله عزیزی، 'مهربان‌تر از پدر' (داستان) / محمدتقی اختیاری، 'گلایه' (شعر) / مرتضی امیری اسفندی، 'آن روز' (داستان) / محمدتقی اختیاری، 'پار آمدنی است' (شعر) / علی توکلی بینا، 'دلواپس' (داستان) / عباس صالحی مدرسه‌ای، 'روز ناگزیر' (شعر) / قیصر امین‌پور، 'خدا کند که یایی' (شعر) / سیمیندخت وجدی، 'و جویبار مهر' (شعر) / سلمان هراتی.

چاپ اول

۱۳۵- نقطه پشت فعل خراب، یا فراتنس کافکای پشت جلد. علی قنبری - تهران: سالی - ۷۶ ص. - رقی (مقوایی) - ۵۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۱۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۷۱۹۱-۰۱-۴

کتاب مجموعه‌ای از سروده‌های علی قنبری است که به‌شیوه نو فراهم آمده است. برای نمونه: من که بد نیستم / شما چطور؟ / شما که میز و صندلی‌ها را مرتب چیده‌اید / گل‌ها را و لایب تنگ

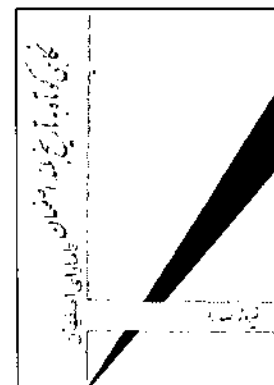
ماهی را / و خوب می‌دانید / آن قلاب قشنگ که کمی کج شده به چشم من



کج نیفتاده / نگفته بودیم / یادم ترا فراموش...

چاپ اول

۱۳۶- نگاهی کوتاه به تاریخ بلند اصفهان: تامارای اصفهان. فیروز صدرا - تهران: هوای تازه - ۱۷۲ ص. - رقی (شمیز) - ۶۵۰۰ ریال - چاپ اول / ۲۲۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۹۰۱۴۸-۱-۰



سراینده در این مجموعه با اشارت به بارهای از حوادث ایران، برخی از ماجراها و چنانیای بیگانگان در شهر اصفهان را به زبان شعر بازگو می‌کند. شاعر اغلب سروده‌های خود را خطاب به 'تامارا' یا 'لیدی تامارا' - اسطوره زایش و مرگ - آورده است. از جمله: الوداع، ای اصفهان، نصف جهان / تامارا / با نظر کردن خویش در این باغ شگرف / ریشه‌های خویش دریابید ژرف / اینک آزادخان افغانی / دلش به حال ایران می‌سوزد / دیدن یک دولت فروش در تخت شاهنشاهی ایران / برای افغانی هم قابل تحمل نیست...

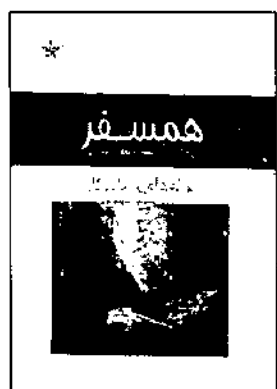
چاپ اول

۱۳۷- هشت کتاب: مرگ رنگ، زندگی خوابها، آوار آفتاب، شرق اندوه، صدای پای آب، ... سهراب سپهری - تهران: طهوری -

۴۶۴ ص. - جیبی (گالینگور) - ۱۶۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۶۴۱۴-۱۲-۵

چاپ اول

۱۳۸- همسفر: ترانه‌های ماندگار. گردآورنده: حامد حمید. تهران: حمید. ۱۷۶ ص. - رقی (شمیز) - ۹۵۰۰ ریال - چاپ اول / ۲۶۰۰ نسخه. عنوان به لاتین: Hamsafar ۹۶۴-۶۵۱۶-۳۲-۷ شابک:



کتاب متضمن یکصد و یک ترانه ماضی است که اغلب به گونه محاوره‌ای و برای اجرای موسیقی تدوین شده است.

چاپ اول

۱۳۹- یکی مثلاً اینکه ... شاعر: سیمین بهبهانی. تهران: البرز - ۱۷۴ ص. - رقی (شمیز) - ۹۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۴۴۲-۲۶۷-۸



'یکی مثلاً این که...' دفتری دیگر از سروده‌های 'سیمین بهبهانی' است که اینک بخش نخست قطعه 'چه پای سختی فشرده‌ام' برای نمونه درج می‌گردد: به زنده ماندن درین دیار چه پای سختی فشرده‌ام / چه مرگ‌ها آزموده‌ام، ولی - شگفتا! - نمرده‌ام / در آن دو مشک سفید صاف به سینه روستایی /

چه نوش یا شیر دایه بود که مایه از خضر یرده‌ام / نه خضر، بل چون کلاغ پیر به سبز و زرد و به گرم و سرد / گذشتن چار فصل را قریب سیصد شمرده‌ام.

چاپ اول

۱۴۰- یلدا در تسخیر آفتاب. یلدا صالحی - تهران: قوانین - ۱۱۲ ص. - رقی (شمیز) - ۶۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۶۳۱۰-۱۴-۱



عمده‌ترین اشعار این مجموعه در قالب غزل و با مضامین عاشقانه و مذهبی به نظم کشیده شده است. 'ردبای عشق' نمونه‌ای از غزل‌های این کتاب است: با تو و با واژه لیختد تو ای مهربان / می‌سرایم یک غزل با وسعت رنگین کمان / با تو من از آفتاب زندگی خواهم سرود / ای تو خورشید دلم تا انتها روشن بمان / خستادم در وسعت احساس گنگ بودتم / ردبای عشق را بر کوجه‌های دل نشان...

چاپ اول

۱۴۱- چهار فصل در بازخوانی شعر. محمدرحیم اخوت. اصفهان: نقش خورشید. - ۳۲۰ ص. - رقی (شمیز) - ۱۶۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۱۵۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۶۹۴۱-۱۳-۳



محمدرحیم اخوت

محمدرحیم اخوت در این مجموعه ابتدا 'بازخوانی شعر' و مختصات آن را تشریح می‌کند: آن گاه در میح آفرینش هنر پنج موضوع: تشخیص و بیان ویژه، 'ابداع و آفرینش هنری' و 'ساختارمندی و انسجام'، 'بهره‌مندی از زبان طبیعی' و 'فضای احساسی و احساس فضا' را مطرح می‌سازد. فصل دوم کتاب نوعی بازخوانی و نقد شعر 'محمد حقوقی' است که به ارزیابی دو مجموعه او - 'مرثیه ارباب' و 'خروس هزار سال' - اختصاص یافته است. در پایان این فصل چهار شعر از محمد حقوقی (مرثیه ارباب، در برن خیس، کودک، و آخرین روز) به چاپ رسیده است. در فصل سوم کتاب اشعار 'غراب‌های سفید' سروده 'ضیاء موجد' نقد و ارزیابی می‌شود و در پی آن، بررسی ویژگی زبان شعر او، همچنین چند سروده از 'ضیاء موجد' به طبع می‌رسد. در فصل چهارم نیز 'پریخوانی‌ها' و 'بخشک' سروده کیوان قدرخواه 'ارزیابی شده، سپس همین اشعار در انتها به چاپ رسیده است.

چاپ اول

۱۴۲- دوست دارم. محمدعلی بهمنی. ... (او دیگران) - تهران: داریوش. - ۴۸ ص. - پالتویی (شمیز) - ۴۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۵۵۶۳-۶۶-۶



در کتابچه حاضر در کنار تصاویری از چند هنرمند و شاعر، ترانه‌ها یا اشعاری نیز درج گردیده است. 'سر بلند' سروده قیصر امین‌پور نمونه‌ای از اشعار این مجموعه است: سراپا اگر زرد و پژمرده - ایم / ولی دل به پاییز بسپرد ایم / جو گلدان خالی، لب پنجره / پر از خاطرات ترک خورده ایم / اگر داغ دل بود، ما دیده ایم / اگر خون دل بود، ما خورده ایم / اگر دل دلیل است، آورده ایم / اگر داغ شرط است، ما برده ایم...

۱۴۳- نام‌آوران.

حسین حقایق چهارمی. - تهران: بیک. - ۱۵۲ ص. - وزیری (شمیز). - ۱۴۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۶۲۷۹-۲۷-۹

چاپ اول



در مجموعه حاضر پاره‌ای از اشعار ادبا و سخنوران شهرستان چهارم به چاپ رسیده است. اشعار این مجموعه حاوی موضوعات مختلف اجتماعی و بومی است که با «مثنوی بهاربه» سروده «خواجه نصیر چهارمی» آغاز می‌شود. بخش دوم کتاب شامل اشاری است از «حسین حقایق چهارمی» که با مایه‌های طنز اجتماعی به نظم کشیده شده است.

چاپ اول

۱۴۴- نغمه‌های سبز.

ویراستار: زهرا نجفی توانی. - تهران: کیا. - ۱۶۴ ص. - وزیری (شمیز). - ۵۲۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۶۰۳۵-۱۳-۲



کتاب متضمن اشعار متنوع سنتی است که در انتهای آن نیز چند شعر نو فراهم آمده است. مضمون اصلی این اشعار عشق، مذهب، طبیعت، موضوعات اجتماعی و نظایر آن است که سرایندگان آن مملسان شهرستان‌های استان تهران هستند. شعر «کاش» سروده «رحله

افتخاری» نمونه‌ای از اشعار این مجموعه است: کاش می‌شد عشق را تفسیر کرد / دست‌های کهنه را زنجیر کرد / کاش می‌شد با پرستو یار بود / با شب آینه‌ها غمخور بود / کاش می‌شد تا تریا پر کشید / دست‌ها را تا خدا بالا کشید...

شعر فارسی نو ۱۳۲۰ -

چاپ اول

۱۴۵- اورمیای بنفش آفسانه دختر اورمیا.

شاعر: اسماعیل یوردشاهیان. - تهران: پوشج. - ۱۳۶ ص. - رقصی (شمیز). - ۸۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۱۵۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۹۲۵۴۸-۳-۸



آفسانه اورمیای بنفش که به گونه نمایش و در قالب شعر نو تلویین شده داستان مبارزه و مرگ دلیرانه دختر مقدس شهر اورمیا (ارومیه) است که با سپاهیان «سارگون دوم» پادشاه آشور در سال ۷۱۴ ق.م به نبرد برخاست. سرانجام این دختر مقدس به دستور سارگون به قتل می‌رسد که براساس یک باور اسطوره‌ای از خاکستر او زنبق‌های بنفش رویدند.

چاپ اول

۱۴۶- شش نمایشنامه معاصر.

گردآورنده: عطامله کویال. - تهران: سعدی. - ۱۶۰ ص. - رقصی (شمیز). - ۷۵۰۰ ریال. - چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۷۲۱۶-۰۱-۷

شش نمایش‌نامه‌ای که در این مجموعه گردآمده عبارت‌اند از: «یاتوی یزلاش» / حسین مهکام، «مرد، ویلچر و چند پرسش» / علی ریاحی، «بد از محاکمه»

رضا صفوی نیک، «زنی پشت در» / گیتی بایندر، «عربان در گردباد» / هوشنگ فضلی، «کسوف» / رزیتا اصلوند، «نمایش» - نامه «زنی پشت در» روایت زندگی زنی است که پس از سال‌ها زندگی سرد و



بی‌روح یا همسرش، دست به طغیان زده است. او در تمام این سال‌ها چهره واقعی خود را پنهان می‌کرده، اما ناگهان نقاب از چهره برمی‌گیرد و با این کار سعی دارد شوهرش را تفهیم کند که هر مرد باید به تمام جنبه‌های شخصیت همسرش توجه کند: نه به آن جنبه‌ای که فقط در ذهن خود از زن ساخته است.

داستان فارسی قرن ۱۲ - ۱۳

چاپ اول

۱۴۷- خرنامه (منطق الحمار).

محمدحسن بن علی اعتمادالسلطنه به - اهتمام: علی دهباشی. - تهران: کتاب پنجره. - ۲۲۶ ص. - رقصی (شمیز). - ۱۳۵۰۰ ریال. - چاپ اول / ۳۳۰۰ نسخه. عنوان به لاتین: Khar-nameh

۹۶۴-۹۲۲۵۷-۴-۹ شابک:



«خرنامه» یا «منطق الحمار» برگرفته از کتابی است که در سال ۱۳۰۶ ه.ق به چاپ سنگی در ۱۷۲ صفحه - تحت عنوان «الحمار یحمل اسفارا» - به طبع

رسیده است. این کتاب ترجمه و اقتباس آزادی است از کتاب «خاطرات یک خر» نوشته «کنس دوسگور» فرانسوی که ترجمه و اقتباس آن را به «میرزا حسن» خان اعتمادالسلطنه نسبت داده‌اند. «خرنامه» حاوی مطالب انتقادی، اجتماعی، اخلاقی و سیاسی زمان یعنی عهد ناصرالدین شاه قاجار است که از نثری روان و محاوره‌ای برخوردار شده است. کتاب حاضر با یادداشت‌های «فریدون آدمیت» و «مجتبی مینوی» به چاپ رسیده است.

داستان فارسی (از سال ۱۳۲۰ -)

چاپ اول

۱۴۸- آشفته.

پریسا یعقوب‌پور. - تهران: نامک. - ۲۷۰ ص. - رقصی (شمیز). - ۱۲۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۲۵۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۶۸۹۵-۰۷-۷



داستان ماجرای دختر جوانی به نام «وفا» است که ایام کودکی خود را در پرورشگاه سبزی کرده زیرا پدر و مادرش در اثر زلزله جان باخته بودند و او دیگر هیچ نقطه اتکابی نداشت. «وفا» با سعی و تلاش در رشته طب به تحصیل مشغول می‌شود و دوره تخصصی را نیز با موفقیت سپری می‌کند، اما این بار نیز حادثه‌ای دیگر در زندگی او رخ می‌دهد که داستان براساس آن شکل گرفته است.

چاپ اول

۱۴۹- اعجاز خاک.

غلامرضا حیدری‌ایپری. - قم: حوزه علمیه قم، دفتر تبلیغات اسلامی، مرکز انتشارات. - ۸۸ ص. - رقصی (شمیز). - ۴۵۰۰ ریال. - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۴۲۳-۷۶۶-۳

«اعجاز خاک» داستانی است که قهرمان اصلی آن «دکتر مجتبی» در خانواده‌ای

سنتی بزرگ شده، اما نمی‌خواهد مطابق میل و انتخاب پدر و مادرش ازدواج کند. همین امر مشکلاتی برای او پدید می‌آید.



آورد و ماجراهای بندی داستان براساس آن شکل می‌گیرد.

چاپ اول

۱۵۰- افسانه عشق (مجموعه داستان).

عصمت خدایی‌اردکانی. - تهران: نیکو روش. - ۱۰۸ ص. - رقصی (شمیز). - ۵۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۹۰۱۰۱-X



کتاب مجموعه‌ای است متشکل از شانزده داستان کوتاه با مضامینی از قبیله، عشق، فقر، هوس‌های زودگذر، جنون، خیانت، بی‌وفایی، جنایت و نظایر آن.

چاپ اول

۱۵۱- باد و باران.

مریم جمشیدی. - تهران: سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، انتشارات مدرسه. - ۸۰ ص. - رقصی (شمیز). - ۳۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۴۳۶-۷۶۵-۰

۹۶۴-۴۷۱-۳۵۸-۳

شابک:

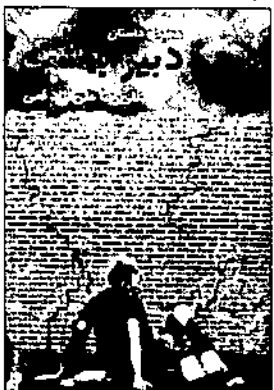
۱۶۱- دالان بهشت.

نازی صفوی - تهران: ققنوس - ۴۴۸ ص. - رقصی (شمیز) - ۲۲۰۰۰ ریال. - چاپ دوم / ۵۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۳۱۱-۲۱۲-۶

چاپ اول

۱۶۲- دبیر بهشت: مجموعه داستان‌های کوتاه.

علی‌رضا علی‌زادقمی - تهران: رسانش. - ۱۰۴ ص. - رقصی (شمیز) - ۲۵۰۰ ریال. - چاپ اول / ۲۳۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۹۲۱۵۲-۷-۶



کتاب مشکل از ده داستان کوتاه است. عنوان یکی از داستان‌ها 'دبیر بهشت' است که در آن، حال و هوای چند زندانی سیاسی در کنار مجرمان دیگر روایت می‌شود. زندانیان سیاسی جوانانی هستند که بخشی از اوقات خود را با مطالعه یا ورزش سپری می‌کنند؛ با این همه تعبیر آنان از وضعیت خود، نسل رو به فراموشی یا نسل از دست رفته است.

چاپ اول

۱۶۳- دلدادگان.

یوسف زارعی - تهران: سمر - ۲۱۲ ص. - رقصی (شمیز) - ۱۰۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۶۵۰۸-۱۹-۷



این دو می‌شود، زیرا...

۱۵۵- بوی خاک.

منیره آرمین - قم: حوزه علمیه قم، دفتر تبلیغات اسلامی، مرکز انتشارات - ۱۵۲ ص. - رقصی (شمیز) - ۶۰۰۰ ریال. - چاپ دوم / ۵۰۰۰ نسخه. عنوان به لاتین: Bu-ye xak (smell of soil) شابک: ۹۶۴-۴۲۴-۶۲۴-۱

چاپ اول

۱۵۶- پشت حصیر: مجموعه داستان‌های کوتاه.

محمدرضا گودرزی - تهران: رسانش. - ۱۱۲ ص. - رقصی (شمیز) - ۵۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۲۵۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۷۱۸۲-۰۲-۳



محمدرضا گودرزی در این مجموعه دوازده داستان کوتاه گردآورده که عنوان نخستین آن 'پشت حصیر' است. این داستان، گفت و گویی است میان دو رفیق، که طی آن خلافت‌کاری، قاچاق و هرزگی یکی از شخصیت‌ها آشکار می‌گردد.

چاپ اول

۱۵۷- ترسیدن؟! نه، پرسیدن!

یحیی یثربی - تهران: ترفند - ۸۰ ص. - رقصی (شمیز) - ۴۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۹۲۶۸۲-۳-X

چاپ اول

۱۵۸- جان عاشق (ابر و خورشید).

نسرین فخریه - تهران: یک فرهنگ. - ۱۳۶ ص. - رقصی (شمیز) - ۶۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۶۱۸۸-۵۱-۶

در کتاب، شش داستان کوتاه جمع آمده است که 'بال‌های کاغذی' عنوان یکی از آنهاست. این داستان حکایت پیرمردی است که به هنگام بازی بچه‌های محل روزگار کودکی خود را به یاد می‌آورد و خاطرات گذشته پراش زنده می‌شود. در این هنگام، توپ یکی از بچه‌ها به عصای او اصابت می‌کند و آن را می‌شکند. پیرمرد اما بی‌هیچ اعتراضی از آن جا سلاته سلاته دور می‌شود. وقتی که



می‌خواهد از خیابان عبور کند همان بچه به سراغ او می‌رود تا او را از عرض خیابان عبور دهد. پیرمرد نیز به نشانه شکر دستی بر شانه کودک می‌کشد و دستش را از شانه به جانب دست او رها می‌کند. اما ناگهان درمی‌یابد که دستی مصنوع بر کتف کودک بسته شده است...

چاپ اول

۱۵۹- بروز خیابان عشق.

محسن حسینی‌فرد - تهران: مرسا. - ۱۴۴ ص. - وزیری (سلفون) - ۱۴۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۶۹۲۷-۱۷-۳



داستان ماجرای عاشقانه‌ای است که در آن دختری به نام 'نوشین' به جوانی منتین و سر به راه دل می‌بازد. او 'سعید' نام دارد که پس از آشنایی با 'نوشین' سخت شیفته او می‌شود. اما نوشین در خانه خود مشکلی دارد که مانع ازدواج



هشت داستان کوتاه محتوای این کتاب را تشکیل می‌دهد. آخرین داستان کتاب که 'نوسه و دشنام' نام دارد تصویری است از دلاوری‌ها و ایثار رزمندگان ایرانی در جنگ تحمیلی عراق.

چاپ اول

۱۵۲- بار بد که بود؟ (مجموعه داستان).

حسین حقایق‌چهرمی - تهران: پیک. - ۲۲۰ ص. - وزیری (شمیز) - ۱۳۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۶۲۷۹-۲۴-۴



شش داستان این کتاب روایتی است از تاریخ ایران از دوران هخامنشیان تا پایان سلطه افغانیان که در میان آنها شرح زندگانی 'یارید' خیاگر دربار خسرو پرویز نیز روایت شده است. در بازه‌ای از داستان‌ها به نقش اهالی 'چهرم' در شکل‌گیری وقایع اشاره شده است. در لایه‌لای کتاب اشعاری چند به ویژه از شاهنامه فردوسی، گردآمده است.

چاپ اول

۱۵۳- بال‌های کاغذی: مجموعه داستان.

مصطفی شکیباخو - تهران: پیام توسعه. - ۹۴ ص. - رقصی (شمیز) - ۴۵۰۰ ریال. - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۹۲۸۶۷-۰۵-۵

مسعودی، «سازانانار... آتش / امیر مرزبان» و «از این قاب‌های مربع / عباس آرزومند».

چاپ اول

۱۷۳- عمه شهربانو.
ناهد طیبی. - قم: حوزه علمیه قم، دفتر تبلیغات اسلامی، مرکز انتشارات. - ۱۰۴ ص. - رقی (شمیز). - ۴۵۰۰ ریال. - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۴۲۴-۷۲۱-۳



داستان که از زبان دختر بچه‌ای روایت می‌شود شامل خاطرات خوش زندگی اوست در کنار عمه‌اش که زنی مومن، مهربان و باصفاست.

۱۷۴- غرور بالاتر از عشق.
نسرین (کافی) قدیری. - تهران: علمی. - ۴۱۶ ص. - رقی (شمیز). - ۲۱۰۰۰ ریال. - چاپ دوم / ۵۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۴۰۴-۰۶۰-۰

چاپ اول

۱۷۵- فراموشم مکن.
مریم (امینی) جعفری. - تهران: چکاوک. - ۳۲۰ ص. - رقی (سلفون). - ۱۲۵۰۰ ریال. - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۶۰۴-۷۸-X



«فراموشم مکن» داستان پسر و دختری است که یک‌چند ایام را با عشق و علاقه سپری می‌کنند، اما غرور و خودخواهی

اضطراب، تشویش و ترس خود را به



هنگام وقوع زلزله به تصویر می‌کشد. کودک خود را در معرض خطر و مرگ می‌بیند و سرانجام...

۱۷۱- ضریح چشمهای تو.
مهدی شجاعی. - تهران: محراب قلم. - ۵۶ ص. - رقی (شمیز). - ۲۵۰۰ ریال. - چاپ هشتم / ۳۲۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۶۰۵-۲۳-۸

چاپ اول

۱۷۲- طوبی: مجموعه داستان.
علی آرزومند... و دیگران [ویراستار: امین بزرگیان]. - قم: ندای دوست. - ۱۴۸ ص. - رقی (شمیز). - ۶۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۹۲۵۲۱-۰۰-X



در مجموعه حاضر پانزده داستان کوتاه گردآمده که عنوان هر یک و نویسندگان آن بدین قرار است: شب ریحان / عباس آرزومند، ققنوس‌های بی‌شمار / امیر مرزبان، چشمان منتظر / عرفان مسعودی، یحیی / قاسم ملاحمادی، «خونابه» / امیر بزرگیان، «مقننه سبز» / منیرالدین بیرونی، «بوی یاس» / محدثه گودرزیا، «طوبی» / منیره بیروفر، «دیوونه» / آذمن / مهدی اطلاعاتگر، «تکوت دشت» / انسیه عبداللهی، «استخوان‌های شیشه‌ای» / امین بزرگیان، «بوقوس» / قاسم ملاحمادی، «خاکستر گیج» / عرفان

حوری میرمقتدایی، داستان مرد عیاش و لایبالی است که در حق زن و فرزندش ستم روا می‌دارد. او مردی بیمار است که پزشکان از او قطع امید کرده‌اند. شبی از شب‌ها سست و خراب در کوچه‌ها پرسه می‌زده که به کنار دیوار مسجدی می‌رسد و سحرگاهان با صدای افان به خود می‌آید. او به کنار حوض مسجد می‌رود و وضو می‌گیرد، اما...

۱۶۸- سورنا: سردار ایرانی که کراسوس را به زانو درآورد.
کریم غلیزاده. - تهران: کلبه. - ۱۱۱۲ ص. - وزیری (گالینگور). - ۵۸۰۰۰ ریال. - ۵۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۹۰۱۷۶-۲-۳

چاپ اول

۱۶۹- سه نگاه کوتاه.
اوا ماهان. - تهران: الپگان. - ۳۶ ص. - وزیری (شمیز). - ۴۰۰۰ ریال. - چاپ اول.
شابک: ۹۶۴-۷۱۲۳-۰۱-۹



«سه نگاه کوتاه» حاوی سه داستان کوتاه است که در نخستین آن، زن و شوهری پس از سه سال جدایی و قهر هم دیگر را می‌یابند، اما حس بی‌اعتمادی مرد نسبت به زن همچنان پا برجاست و همین امر جدایی آنان را به طور کامل - و به گونه قانونی - سبب می‌شود.

چاپ اول

۱۷۰- شب چله: مجموعه داستان کوتاه.
صدیقه محمدی. - تهران: فراهنگ. - ۷۲ ص. - رقی (شمیز). - ۲۵۰۰ ریال. - چاپ اول / ۲۲۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۹۲۳۲۷-۴-۷

ده داستان کوتاه محتوای مجموعه حاضر را تشکیل می‌دهد. در داستان نخست تحت عنوان «زلزله» راوی زنی است که

«ژینا» سرگذشت دختری است رنج کشیده که گرفتار تعصبات و رسوم عشیره‌ای شده، مطابق سنت ایل و با تصمیم پدر بزرگ تن به ازدواج می‌دهد. اما در شب عروسی شوهرش را می‌کشد و...

چاپ اول

۱۶۶- سر عشق.
مریم محمودی. - تهران: گل مریم. - ۲۵۰ ص. - رقی (سلفون). - ۱۵۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۷۰۶۰-۱۳-۰



«سر عشق» ماجرای زندگی دختری است که مصایب و مشکلات بیشمار را پشت سر می‌گذارد و با آن که خانواده بی‌بضاعت او زمینه‌های بدبختی او را فراهم می‌سازد به مقصود و عشق خود نایل می‌آید.

چاپ اول

۱۶۷- سمت سود زندگی.
حوری میرمقتدایی، لیلا ش. هاله ق. - اصفهان: آتریات. - ۵۶ ص. - رقی (شمیز). - ۴۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۱۱۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۷۰۲۳-۰۴-۲



در این مجموعه پنج داستان کوتاه از «حوری میرمقتدایی» سه داستان کوتاه از «لیلا ش.» و سه داستان کوتاه از «هاله ق.» به چاپ رسیده است. «پازگشت» نوشته

«دلدادگان» ماجرای دلدادگی دختر و پسری است که با دشواری‌ها و ناملایمات بی‌شماری روبه‌رو می‌شوند. «شهره» و «شاهرخ» که دخترعمو و پسرعمو هستند از کودکی به یک دیگر وابسته و علاقه‌مندند، اما اینکه که تصمیم دارند ازدواج کنند، مشکلی بزرگ بر سر راه خود می‌بینند...

چاپ اول

۱۶۴- رقص در دل آتش (رمان).
سعید عاکف. - تهران: کوثر. - ۴۱۶ ص. - رقی (شمیز). - ۱۲۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.



«رقص در دل آتش» حکایت زندگی جوانی است به نام «هاشم» که یک‌چند با گروه‌های ضد انقلاب در کردستان جنگیده اما بعدها تعادل روحی خود را از دست داده و کارش به جنون کشیده است. او در کوچه پس کوچه‌ها پرسه می‌زند و دلش می‌خواهد به جبهه‌های جنگ تحلیلی اعزام شود، اما کسی به خواسته او وقتی نمی‌نهد. «ابراهیم» هم‌رزم سابق هاشم معتقد است که هاشم باید مدالجه شود، از این رو...

چاپ اول

۱۶۵- ژینا.
لیلا موسوی. - تهران: پژوهنده. - ۱۹۴ ص. - رقی (شمیز). - ۶۵۰۰ ریال. - چاپ اول / ۳۱۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۶۳۰۲-۹۶-۳



پسر (ارسلان) باعث جدایی این دو می-شود و این وضع سالیانی ادامه می-یابد، به نحوی که دیگر هر دو روزگار جوانی را پشت سر گذاشته‌اند؛ با این همه ...

چاپ اول

۱۷۶- فرد گندی شامل: ۹ داستان کوتاه یا یک داستان بلند!

فرزین پور محبی. - تهران: فرزین پور محبی. - ۱۰۶ ص. - رقی (شمیز). - ۶۲۰۰ ریال. - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۳۵۰-۸۸۷-۰



در این مجموعه نه داستان کوتاه یا مایه-های طنز گردآمده است. 'فرد گندی' عنوان یکی از داستان‌هاست. 'فرد' مردی است سی ساله در نهایت اعتدال و سلامت جسم. او به ظاهر عمری دراز خواهد داشت، اما 'فرد' با همه این اوصاف می-میرد و دلیل اصلی مرگ او نیز 'زندگی کردن' اعلام می-شود.

۱۷۷- کلیه‌های غم

رکسانا حسینی. - تهران: شقایق. - ۳۸۲ ص. - رقی (سلفون). - ۱۵۰۰۰ ریال. - چاپ سوم / ۵۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۵۵۴۲-۴۷-۲

چاپ اول

۱۷۸- گفتاری از سیاه‌پوش شاهنامه.

محسن میهن‌دوست. - تهران: کتابسرای تندیس. - ۱۱۲ ص. - پالتوی (شمیز). - ۴۵۰۰ ریال. - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۹۱۹۸۴-۹۰-۰

کتاب روایتی است از 'داستان سیاوش' در شاهنامه که در لایه‌لای آن ابیاتی از شاهنامه نیز آمده است. نگارنده در مقدمه کتاب خاطرنشان می-کند: 'داستان سیاوش ساختی به‌سامان دارد، و کارکرد اسطوره‌ای - حماسی آن، گشتی همه‌گیر و پندار برانگیز داشته است. و هم‌چنین،

هم‌چون گذشته‌هایش، رد کهن الگوی



خویش را، در بستری که زمان و زبان واگوی آند، دنبال می-کند.

۱۷۹- گلاب خانم

قاسمعلی فراست‌نویز استار: مهدی افشار. - تهران: قدیانی. - ۲۶۲ ص. - رقی (شمیز). - ۹۰۰۰ ریال. - چاپ پنجم / ۳۳۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۴۱۷-۰۷۲-۵

چاپ اول

۱۸۰- مجموعه داستان: در کرانه‌های زندگی.

منصور هدایتی. - قائم‌شهر: علم و عمل. - ۱۰۸ ص. - رقی (شمیز). - ۴۵۰۰ ریال. - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۹۲۷۰۳-۱-۰



کتاب متشکل از دو داستان کوتاه و دو داستان نسبتاً بلند است. داستان کوتاه 'کفش به دستان' از این مجموعه روایتی است از زندگی روستاییانی که در عین فقر، نماد قناعت، امید، پایداری، رضا، اراده و توکل هستند.

چاپ اول

۱۸۱- محبوبه‌های شب. زیلا احمدی. - تهران: گویش نو. - ۱۳۶ ص. - رقی (شمیز). - ۶۵۰۰ ریال. - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.

شابک:

۹۶۴-۹۲۴۳۴-۰-۲



'محبوبه‌های شب' ماجرای زندگی ملمی به نام 'خانم سهرابی' است که در دبیرستان دخترانه زحمات بی‌شماری را متحمل می‌شود و دختران را همواره به زندگی، پاکدامنی و تلاش فرا می‌خواند. در این داستان نیز دختری به همت 'خانم سهرابی' از ناملایمات زندگی عبور می‌کند، در دانشگاه تحصیل می‌کند و سرانجام همانند او در رشته ادبیات به تدریس مشغول می‌شود، در حالی که اینک 'خانم سهرابی' روی در نقاب خاک کشیده است.

چاپ اول

۱۸۲- نقش دل. بهارک ملک‌خانی. - تهران: آبرز. - ۳۷۴ ص. - رقی (شمیز). - ۱۶۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۴۴۲-۲۶۰-۰۰



داستان، روایتی از زندگی دختری است به نام 'نریا' که حوادث متعددی را پشت سر می‌گذراند و یک‌چند با جوانی به نام 'امیر' دوران نامزدی را طی می‌کند که با خودکشی او زندگی وی دستخوش تغییرات گوناگون می‌شود و سرانجام با خاطر خواه خود 'خشايار' ازدواج می‌کند.

۱۸۳- نیمه‌ی غایب

حسین سنابور. - تهران: نشر چشمه. - ۳۲۴ ص. - رقی (شمیز). - ۱۶۰۰۰ ریال. - چاپ سوم / ۲۰۰۰ نسخه.

شابک:

۹۶۴-۵۵۷۱-۰۳-۰

۱۸۴- هیوا

هوشنگ فتحی. - تهران: امیر کبیر. - ۱۷۲ ص. - رقی (شمیز). - ۷۵۰۰ ریال. - چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۰۰۰-۶۵۲-۱

چاپ اول



'هیوا' قهرمان اصلی این داستان دوتنه-ای است پر تلاش که در اغلب مسابقات پر سکوی قهرمانی می‌ایستد و تحت آموزش‌های مربی‌اش 'زبوه' مرآتبی عالی در عرصه ورزش دو به دست می‌آورد. هیوا در عین حال عشقی جانسوز در سینه دارد که حضور او در آخرین مسابقه‌اش، حادثه اصلی داستانی را پدید می‌آورد.

چاپ اول

۱۸۵- یاسمین. مرتضی مودب‌پور. - تهران: شادان. - ۴۸۸ ص. - رقی (شمیز). - ۲۸۵۰۰ ریال. - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۹۲۴۰۴-۶-۲

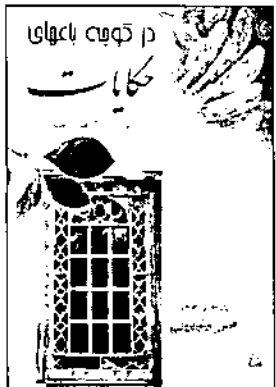


داستان با سانه‌های آغاز می‌شود که در اثر آن پیرمردی به بیمارستان انتقال می‌یابد، دختر و پسری که پیرمرد را از

مرگ نجات داده‌اند پس از مذاوا او را به منزلش می‌برند و در نهایت تمجیب درمی‌یابند که او مردی ثروتمند بوده، در یکی از محله‌های شمال تهران صاحب خانه‌ای مجلل و باغی بزرگ است، او در آن خانه تنها و بی‌کس است و فقط با آهویی زندگی می‌کند. اما او در گذشته در یتیم‌خانه‌ای بزرگ شده و سپس در اثر اتفاقات بی‌شمار صاحب ثروت و هفتک شده که ماجراهای قلبی و بدی داستان براساس آن، شکل گرفته است.

چاپ اول

۱۸۶- در کوچه باغهای حکایات: تاملی اندر حکایات برگرفته از متون کهن. ناصر عابدینی. - تهران: پیام آزادی. - ۲۱۶ ص. - رقی (شمیز). - ۷۵۰۰ ریال. - چاپ اول / ۵۵۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۳۰۲-۴۲۶-۱



مجموعه حاضر شامل حکایات‌های نسبتاً کوتاهی است که از متون کهن فارسی انتخاب گردیده و در زیرنویس، منبع حکایات ذکر شده است. 'ایستگونه برخاستم' عنوان یکی از حکایات کتاب و برگرفته از کشکول شیخ بهایی: 'اهل دلی را دیدند غمین و سر در گریبان از خواب برخاست. او را گفتند: صبح چگونه برخواستی؟ گفت: تأسف خواران، بر دیروز، نفرت داران بر امروز، و امیدواران بر فردا.'

مقاله‌های فارسی (از سال ۱۳۲۰-)

۱۸۷- از سیر تا پیاز (سفرنامه بیرجند).

محمدابراهیم باستانی‌پاریزی. - تهران: علم. - ۶۲۸ ص. - رقی (سلفون). - ۳۷۵۰۰ ریال. - چاپ سوم / ۲۷۵۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۰۰۵-۰۹۸-۳

۱۸۸- درخت جواهر.

محمدابراهیم باستانی پاریزی. - تهران: بهنام. - ۴۶۴ ص. - رقی (شمیز). - ۲۷۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۳۳۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۵۶۶۸-۰۸-۵

چاپ اول



کتاب حاضر مجموعه مقالات و نوشته‌های پراکنده‌ای است از استاد باستانی پاریزی که با موضوعات مختلف تاریخی، ادبی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی و گاه به گونه خاطرات فراهم آمده است. کودتای خزنده عنوان مقدمه مفصل کتاب است که نگارنده در آن رشد روز افزون جمعیت جهان را ارزیابی کرده و معتقد است جوامع پرجمعیت تهدید بزرگی برای جهان به شمار آمده و سرانجام کشورهایی نظیر چین و هند یا را از حرم خود فزاینده برد و با نوعی حرکت آرام - کودتای خزنده - جهان را تسخیر خواهند کرد.

۱۸۹- نقش بر آب: به همراه جستجوی چند در باب شعر حافظ گلش راز...

عبدالحسین زرین کوب. - تهران: سخن. - ۶۱۰ ص. - وزیری (گالینگور). - ۳۹۰۰۰ ریال. - چاپ چهارم / ۲۲۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۶۹۶۱-۴۵-۲

طنز و هجو و هزل (از سال ۱۳۲۰-)

۱۹۰- حکایت‌ها و لطیفه‌های شیرین و خواندنی.

به‌اهتمام: حمیدرضا نوروزی. - تهران: پیام نور. - ۱۶۸ ص. - جلد اول. - رقی (شمیز). - ۶۰۰۰ ریال. - چاپ دوم / ۲۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۵۶۱۸-۶۲-۲

۱۹۱- حکایت‌ها و لطیفه‌های شیرین و خواندنی.

به‌اهتمام: حمیدرضا نوروزی. - تهران: پیام نور. - ۱۶۸ ص. - جلد دوم. - رقی (شمیز). - ۶۰۰۰ ریال. - چاپ دوم / ۳۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۵۶۱۸-۶۴-۹

۱۹۲- حکایت‌ها و لطیفه‌های شیرین و خواندنی.

به‌اهتمام: حمیدرضا نوروزی. - تهران: پیام نور. - ۱۶۰ ص. - جلد سوم. - رقی (شمیز). - ۶۰۰۰ ریال. - چاپ دوم / ۳۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۵۶۱۸-۶۵-۷

۱۹۳- ۳۵۰ لطیفه زیبا.

گردآورنده: ماشالله عالی‌نیام. - تهران: گلستان. - ۲۰۶ ص. - جیبی (شمیز). - ۲۵۰۰ ریال. - چاپ ششم / ۵۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۹۱۵۹۵-۰۰-۹

چاپ اول

۱۹۴- طنزهای سیاه.

حسین بیات. - تهران: ناخ. - ۱۱۲ ص. - رقی (شمیز). - ۴۵۰۰ ریال. - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه. عنوان به لاتین: Black irony

شابک: ۹۶۴-۵۶۶۳-۱۶-۴



کتاب مجموعه طنزهایی از حسین بیات است که با مایه‌های سیاسی، فلسفی و اجتماعی همچنین ذکر وقایع و اتفاقات روزمره زندگی مردم همراه شده است. سادگی، گوناگونی موضوعات، و فشرده‌گی مطالب از ویژگی‌های کتاب محسوب می‌گردد. جامعه مدنی، غیرت برنزی، رقص سماع، روز خمر رنگی، خر عیسی، مفت‌آباد، عملیات سگ کشی، خسوف روانی و خط ویژه از جمله

عناوین طنزهای کتاب است.

۱۹۵- اعتراف.

ابراهیم نبوی. - تهران: نشر نی. - ۷۲ ص. - رقی (شمیز). - ۶۰۰۰ ریال. - چاپ سوم / ۵۵۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۳۱۲-۵۰۳-۳

چاپ اول

۱۹۶- قصه کوتوله‌ها و درازها.

ابراهیم نبوی. - تهران: نشر نی. - ۱۵۸ ص. - خشتی (گالینگور). - ۳۰۰۰ ریال. - چاپ اول / شابک: ۹۶۴-۳۱۲-۴۹۹-۱



کتاب متضمن طنزهای اجتماعی و سیاسی - سید ابراهیم نبوی است که با طرح‌های متعدد و تصاویر گوناگون به چاپ رسیده است. یادآور می‌شود طرح‌های کتاب از 'رضا عابدینی' است.

آثار متفرقه

چاپ اول

۱۹۷- صور اسرافیل و علی‌اکبر دهخدا: یک بررسی تاریخی و ادبی.

کامیار عابدی. - تهران: کتاب نادر. - ۲۳۸ ص. - رقی (شمیز). - ۱۴۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۲۲۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۹۲۵۵۷-۶-۱



نگارنده در این مجموعه پس از مقدمه‌ای در باب انقلاب مشروطه و بنیادهای فرهنگی آن، نکاتی درباره روزنامه صوراسرافیل بیان می‌کند و در پی آن شرحی از زندگی سیاسی، اجتماعی و فرهنگی علی‌اکبر دهخدا - همراه با تحلیلی در باب آرای سیاسی و اجتماعی، همچنین سروده‌ها، آثار و پژوهش‌های وی - به دست می‌دهد.

طنانف قرن ۱۴

چاپ اول

۱۹۸- دنیای لطیفه‌ها و داستانها.

به‌اهتمام: احمد دهقان. - قم: صبح پیروزی. - ۱۶۰ ص. - رقی (شمیز). - ۴۵۰۰ ریال. - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۹۲۳۵۱-۴-۰



کتاب مجموعه‌ای است از حکایات و لطایف که اینک نمونه‌ای از آن تحت عنوان 'شکرخدا' درج می‌گردد: شخصی الاغش را گم کرده بود و گرد شهر می‌گشت و شکر می‌کرد. گفتند: چرا شکر می‌کنی؟ گفت: برای این که اگر من روی خمر نشسته بودم، امروز چهارمین روز گم شدن من والاغم می‌بود!

چاپ اول

۱۹۹- کوتاه و خواندنی: شامل طنز، لطیفه و حکایتهای شنیدنی.

امیرمهدی مرادحاصل. - تهران: یک صیبت. - ۱۴۴ ص. - جلد اول. - رقی (شمیز). - ۳۷۰۰ ریال. - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۹۲۳۵۴-۲-۰

جلد اول از مجموعه 'کوتاه و خواندنی' شامل ۲۰۴ لطیفه و حکایت‌های آموزنده.

همچنین چندین نکته از بزرگان است. برای نمونه: گاندی می‌گوید کسی که غرق می‌شود نمی‌تواند دیگران را نجات



دهد. تا زمانی که ما بنده نفس خویش هستیم ادعای مجنونانهای است که بگویم سبی می‌کنیم دیگران را آزاد سازیم.

چاپ اول

۲۰۰- کوتاه و خواندنی: شامل طنز، لطیفه و حکایتهای شنیدنی.

امیرمهدی مرادحاصل. - تهران: یک صیبت. - ۱۴۰ ص. - جلد دوم. - رقی (شمیز). - ۳۷۰۰ ریال. - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۹۲۳۵۴-۳-۹



در جلد دوم از مجموعه 'کوتاه و خواندنی' تعدادی طنز، لطیفه و حکایت‌های آموزنده، نیز نکاتی از بزرگان جمع آمده است.

خاطرات و یادداشتها

چاپ اول

۲۰۱- به اجلاقت قسم ... (خاطرات آموزشی).

محمدبهمن بیگی. - شیراز: نوید. - ۲۷۲ ص. - وزیری (شمیز). - ۱۱۵۰۰ ریال. - چاپ اول / ۴۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۶۸۱۱-۵۸-۶



نگارنده در این کتاب معلمی است که خاطرات خود را در میان عشایر و باسواد کردن فرزندان آنان باز می‌گوید و طی آن تصویری از رنج و محرومیت عشایر و سخت‌کوشی‌های خود به هنگام خدمت به دست می‌دهد.

چاپ اول

۲۰۲- خاطرات شیرین اردو، محمد حاجی یوسف، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۱۲ ص. - جلد اول. - وزیری (شمیز)، چاپ اول / ۷۰۰۰ نسخه، شابک: ۹۶۴-۳۳۰-۹۰۷-۳



در این کتاب مجموعه‌ای از خاطرات و ماجراهای گوناگون دانش‌آموزانی بازگو می‌شود که یک چند اوقات خود را در اردوهای فرهنگی، آموزشی، ورزشی و نظایر آن سیری کرده‌اند. در مجموعه حاضر نوزده خاطره با عناوین مشخص و در قالب داستان روایت شده است.

نوشته‌های گوناگون فارسی (از سال ۱۳۲۰-)

چاپ اول

۲۰۳- قصه‌هایم برای مریم، غصه‌هایش برای من، شاعر: مرتضی یهزاد، تهران: ثالث، ۴۸۶ ص. - رقصی (شمیز)، ۲۵۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۵۵۰۰ نسخه، شابک: ۹۶۴-۶۴۰۴-۱۴-۶



رمان حاضر براساس خاطراتی تنظیم شده که طی آن راوی ماجراهای گوناگون زندگی خود را شرح می‌دهد و از معشوق خیالی خود «مریم» سخن می‌گوید. راوی که «مرتضی» نام دارد در بخشی از خاطرات خود خاطر نشان می‌کند: «ای ماه که آسمان شب به تو افتخار می‌کند و شبها شیفتگان به تو نگاه می‌کنند و یا تو راز و نیاز می‌کنند. ای ماه که هر قدر از تو تعریف کنم کم گفتم! هیچ فکر کرده‌ای، هیچ فکر کرده‌ای که تو ثورت را از کجا به دست می‌آوری... اگر خورشید به تو نمی‌تابید چه رنگی بودی؟ هیچ فکر کرده‌ای اگر خورشید نباشد چه می‌شود؟... مریم، مهربان من، این لطف و صفای ظاهر من به برکت نور پاک دل تو نسبت به من است وگرنه بدون تو مرتضی سیاه کدر است...»

نثر ادبی

۲۰۴- سبک‌شناسی نثر، سیروس شمس، تهران: میترا، ۳۲۸ ص. - وزیری (شمیز)، ۱۹۰۰۰ ریال. - چاپ چهارم / ۲۵۰۰ نسخه، شابک: ۹۶۴-۵۹۹۸-۱۱-۵

چاپ اول

۲۰۵- طلوع باران، معصومه نیک‌چهره، تهران: عابد، ۱۲۰ ص. - رقصی (شمیز)، ۶۵۰۰ ریال. - چاپ اول / ۱۰۰۰ نسخه، شابک: ۹۶۴-۷۰۷۷-۸۳-۱



«طلوع باران» مجموعه‌ای از یکصد قطعه ادبی است که با مضامین عاشقانه، مذهبی و نظایر آن به رشته تحریر درآمده است.

نثر ادبی قرن ۷

۲۰۶- گلستان سعدی، مصاحبه: عبدالله سعدی، مقدمه: محمد دبیرسیاقی، خطاط: مصطفی اشرفی - تبریزی، مصحح: سامیرا فردی-تهرانی، محمدعلی فروغی، تهران: مژگان، ۲۵۴ ص. - جیبی (شمیز)، ۴۵۰۰ ریال. - چاپ چهارم / ۳۰۰۰ نسخه، شابک: ۹۶۴-۵۵۶۱-۰۲-۷

۲۰۷- گلستان: با معنی واژه‌ها و شرح جمله‌ها و بیت‌های دشوار و ... مصاحبه: عبدالله سعدی، به اهتمام: خلیل خطیب‌رهبر، تهران: صفی‌علی‌شاه، ۶۹۶ ص. - وزیری (گالینگور)، ۲۵۰۰۰ ریال. - چاپ دوازدهم / ۳۵۰۰ نسخه، شابک: ۹۶۴-۵۵۶۴-۲۳-۱

شعر آمریکایی

۲۰۸- روزگار بهتری از راه می‌رسد، شاعر: سوزان بولیس شوتز، مترجم: عبدالعلی براتی، تهران: نسیم دانش، ۶۴ ص. - رقصی (شمیز)، ۶۵۰۰ ریال. - چاپ دوم / ۵۰۰۰ نسخه، عنوان به لاتین: Life can be hard sometimes, شابک: ۹۶۴-۹۱۵۲۴-۲-۳

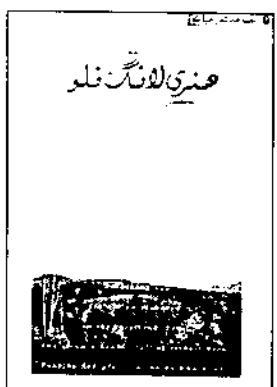
۲۰۹- رویاهایت را رها مکن، گردآورنده: سوزان بولیس شوتز، مترجم: عبدالعلی براتی، تهران: نسیم دانش، ۶۴ ص. - رقصی (شمیز)، ۶۰۰۰ ریال. - چاپ دوم / ۵۰۰۰ نسخه، شابک: ۹۶۴-۹۱۵۲۴-۳-۱

چاپ اول

۲۱۰- قدرت عشق = Power of love، سلین دیون، مترجم: مازیار میرهادی زاده، تهران: کلک سبز، ۱۸۲ ص. - رقصی (شمیز)، ۱۲۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه، شابک: ۹۶۴-۹۲۵۶۳-۱-۸

۲۱۱- گزیده اشعار هنری لانگ فلو (دو زبانه)، هنری وادزورث لانگ فلو، مترجم: محمدعلی اسلامی ندوشن، تهران: مروارید، ۲۱۰ ص. - رقصی (شمیز)، ۱۲۵۰۰ ریال. - چاپ اول / ۲۲۰۰ نسخه، عنوان به لاتین: Selected poems of henry longfellow، شابک: ۹۶۴-۶۰۲۶-۸۱-۸

چاپ اول



دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن در این کتاب برگزیده‌ای از اشعار «هنری لانگ فلو» شاعر آمریکایی (۱۸۰۷ - ۱۸۸۲) را فراهم آورده است. در صفحه‌ای از کتاب برگردان فارسی و در صفحه‌ای دیگر متن اصلی شعر به زبان انگلیسی درج گردیده است. مترجم درباره اشعار لانگ فلو یادآور می‌شود: شعرهای لانگ فلو بر دو نوع است: نخست منظومه‌های تمثیلی بلند که طی آنها سرگذشتی گفته می‌آید و صحنه‌ای توصیف می‌گردد و سپس نتیجه‌ای اخلاقی برگرفته می‌شود. دوم قطعه‌ای کوتاه که شامل وصف‌الحال‌ها و یا نظاره‌ها و تامل‌های اوست در حال مردمان و طبیعت. «مدیج شب» اولین قطعه از این مجموعه است که این گونه به فارسی ترجمه شده است: صدای جامه‌های دامن کتان شب را شنیدم / که بر شیبستان‌های مرمرینش کشیده می‌شد / و دامن‌های تیره‌فام او را دیدم / که از پرتو دیوارهای مینوی حاشیه‌دار بود / حضورش را به جادوی قدرتی / که در آن بود، فراز سرم دریافتم / حضور آرام و با شکوه شب را / چون حضور دلدار خود... /

داستان آمریکایی

چاپ اول

۲۱۲- آخر هفته، آن بیثی، مترجم: حسن ملکی، تهران:

تجربه، ۳۲ ص. - پالتویی (شمیز)، ۱۵۰۰ ریال. - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه، عنوان به لاتین: Weekend، شابک: ۹۶۴-۷۲۰۴-۰۱-۹

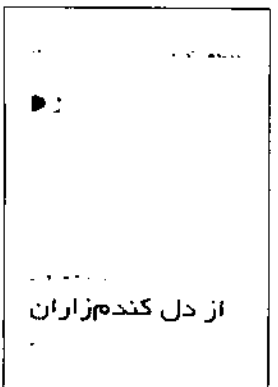
«جرج» و «لور» در این داستان کوتاه زن و شوهری هستند که تعطیلات آخر هفته را معمولاً با میهمانان خود می‌گذرانند. از



هنگامی که این رسم میهمان‌داری در منزل آنان باب شده «لور» حس می‌کند که دیگر نزد شوهرش جذاب نیست، زیرا جرج اوقات خود را کنار میهمانان با خوشگذرانی سپری می‌کند و حتی یک بار نزد یکی از میهمانان زن، همسرش را ساده‌لوح معرفی کرده است. همین امر زمینه دل‌سردی «لور» را فراهم آورده تا جایی که ...

چاپ اول

۲۱۳- از دل گندم‌زاران، ویلیام سارویان، مترجم: حسن ملکی، تهران: تجربه، ۲۴ ص. - پالتویی (شمیز)، ۱۵۰۰ ریال. - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه، عنوان به لاتین: Coming through the rye، شابک: ۹۶۴-۶۴۸۱-۹۶-۵



از دل گندم‌زاران نمایش‌نامه‌ای است کوتاه و خیالی. صحنه نمایش فضایی



نامادری
Stepmom
داستان جدال دو زن است که حوادث و وقایع داستان براساس آن شکل می‌گیرد. ژاکلین زنی است که از شوهرش فرانکلین طلاق گرفته اما به طور غیر مستقیم مراقبت فرزندانش 'لوک' و 'انابیل' را نیز برعهده دارد. از طرفی راشل همان زنی است که می‌خواهد با فرانکلین ازدواج کند و همین امر اضطراب ژاکلین مبنی بر تصاحب بچه‌ها را دو چندان می‌کند. در حالی که راشل زنی بسیار مهربان و متین است و می‌تواند از عهده نامادری به خوبی برآید. سرانجام ژاکلین که به بیماری سرطان دچار شده می‌میرد، اما در وصیت‌نامه خود از 'راشل' به مثابه زنی با ارزش و بزرگوار یاد می‌کند که می‌تواند خوشبختی بچه‌هایش را تضمین نماید.

چاپ اول

۲۲۵- هزار رمز و راز عشق.
پیرل باک: مترجم: پروین ادیب. - تهران: جامه. - ۲۴۰ ص. - رقی (شمیز). - ۵۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.
عنوان به لاتین:
Secrets of the heart: stories
۹۶۴-۵۶۴۱-۰۷-۱
شابک:



پنج داستان: 'زن شگفت‌انگیز'، 'هر کجا و هر زمان'، 'صبح در پارک'، 'زنی در امواج' و 'هزار رمز و راز عشق' اثر خانم 'پیرل باک' در این مجموعه به فارسی ترجمه شده است. داستان‌های یاد شده به نوعی درباره زن، روحیات و عشق اوست. برای نمونه، قهرمان داستان

۱۶۵۰ نسخه.
عنوان به لاتین:
Short stories, selections
cathedral: stories
۹۶۴-۳۴۸-۰۶۴-۳
شابک:

چاپ اول

۲۲۳- مزرعه.
دانیل استیل: مترجم: مامک بهادرزاده نویراستار. - قهیمه مجبی‌زنگنه. - تهران: پیکان. - ۴۹۶ ص. - رقی (شمیز). - ۲۲۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه.
عنوان به لاتین:

The ranch
۹۶۴-۳۲۸-۰۶۱-۶
شابک:



این کتاب داستان سه دوست قدیمی است که در دانشکده به تحصیل مشغول بوده‌اند و اینک سال‌هاست که از هم جدا افتاده‌اند، اما یک بار به طور اتفاقی هم دیگر را می‌یابند و با هم قرار می‌گذارند تا در مزرعه‌ای یکجند لوقات خود را با آرامش سپری کنند و خاطرات گذشته را تکرار نمایند. خانم 'مری استوارت' یکی از این سه نفر است که ۲۱ سال پیش با وکیلی ازدواج کرده اما او به خاطر مرگ پسرش دچار عذاب وجدان شده است. 'تایا توماس' نیز خواننده‌ای مشهور است که می‌خواهد به دور از هیاهو و مشکلات شهرت دمی را با دوستان سابق سپری کند. اما دکتر 'زو فیلیس' نفر سومی است که بر روی بیماران ایدزی تحقیق می‌کند و خود نیز به این بیماری هولناک دچار شده است. بدین ترتیب این سه نفر سفر ماجراجویی خود را به جانب مزرعه مورد نظر آغاز می‌کنند و...

چاپ اول

۲۲۴- نامادری = Stepmom.
رونالد باس: مترجم: کامران دبیری فراهانی. - تهران: رامین. - ۱۶۰ ص. - رقی (شمیز). - ۷۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۹۶۴-۶۵۲۳-۳۳-۹
شابک:

ترکیب مسیحیت و بت‌پرستی. در سرزمین نروژ سبب جنگ انتقامجویی و خونریزی شده بود.

۲۲۰- شیطان در بهشت (و چند اثر دیگر).

هنری میلر: مترجم: بهاءالدین خرمشاهی. نازی عظیمی. - تهران: ناهید. - ۲۵۶ ص. - رقی (شمیز). - ۱۴۰۰۰ ریال. - چاپ دوم / ۲۲۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۶۲۰۵-۱۵-۱
۲۲۱- عصر غولها.
وینا دلمار: مترجم: احمد قاضی نویراستار. ناصر موقیان. - تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی. - ۴۱۸ ص. - وزیری (شمیز). - ۱۶۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه.
عنوان به لاتین:

A time for titans
۹۶۴-۴۲۵-۱۷۱-۶
شابک:

چاپ اول



نویسنده در این رمان تاریخی از 'غول' هایی سخن می‌گوید که بخشی از بنای تاریخ معاصر به دست آنان شکل گرفت. وقایع این رمان حول سه شخصیت تاریخی یعنی 'نابلیون بناپارت'، 'تامس جفرسون' و 'توسن لاورتور' رخ می‌دهد و عصری که از آن یاد می‌شود عصری است که انگلستان مستعمرات آمریکایی را از دست داده و آمریکا در حال رشد و ناماست. این اتفاقات همچنین مربوط به عصری است که فرانسه دست به انقلاب زده و چهره‌هایی چون 'کانتون' و 'روسییر' پدیدار گشتند. به اعتقاد نویسنده در این عصر اگر اندیشه‌های 'لاورتور' منتشر نمی‌گشت تاریخ آمریکا و فرانسه با انقلاب و تحول عظیم روبه‌رو نمی‌شد و غول‌هایی را در عرصه جهانی ظاهر نمی‌ساخت.

چاپ اول

۲۲۲- کلیسای جامع.
ریموند کاروز: مترجم: فرزانه طاهری. - تهران: نیلوفر. - ۳۲۸ ص. - رقی (شمیز). - ۱۶۰۰۰ ریال. - چاپ دوم / ۹۶۴-۶۵۲۳-۳۳-۹
شابک:

خود به ایالات دیگری پیرد و برای همیشه آنها را از مادرشان جدا سازد. همین امر زمینه‌ساز وقایعی می‌شود که به دنبال آن، مادر سراسر ایالت‌های آمریکا را در جست و جوی فرزندان، همراه با تحمل مشقات طی کند و...

۲۱۷- پایگاه روایت‌های شورشی: رمان علمی - تخیلی.

فرد سایبرهاگن، ... (و دیگران) مترجم: محمد قضاغ: نویراستار: پیمان اسماعیلیان خامنه. - تهران: افق. - ۳۲۸ ص. - رقی (شمیز). - ۸۸۰۰۰ ریال. - چاپ سوم / ۳۰۰۰ نسخه.
عنوان به لاتین:

Berserker bade
۹۶۴-۶۰۰۳-۵۰-۸
شابک:

۲۱۸- رویاهایت را به من بگو.

سیدنی شلدون: مترجم: محمد شرفی. - تهران: شادان. - ۴۷۲ ص. - رقی (شمیز). - ۱۸۵۰۰ ریال. - چاپ دوم / ۳۰۰۰ نسخه.
عنوان به لاتین:

Tell me your dreams
۹۶۴-۹۲۴-۴-۷-۰
شابک:

چاپ اول

۲۱۹- زن رام نشدنی.

سیگری آندست: مترجم: مریم حسن‌زاده. - تهران: مرجان کلک. - ۱۹۶ ص. - رقی (شمیز). - ۹۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۹۲۵۳۷-۰۰-X



'زن رام نشدنی' رمانی است عشقی نوشته 'سیگری آندست' (رمان‌نویس نروژی. ۱۸۸۲ - ۱۹۵۴). قهرمان اصلی این رمان زنی است سختکوش به نام 'فیگدیس' که با فراز و نشیب بسیاری در زندگی روبه‌رو می‌شود. نویسنده در این رمان تصویری از نروژ در عهده قرون وسطی ارائه می‌کند: یعنی زمانی که

است پر از انواع کرات و اجرام آسمانی یا حرکت‌ها و نورهای مختلف. در این فضا شخصیت‌های نمایش منتظرند تا با به عرصه حیات بگذراند و متولد شوند، اما برخی از شخصیت‌ها از این که دنیا موافق کام آنها نخواهد بود انگیزه‌ای برای تولد ندارند...

۲۱۴- اسکارلت: ادامه بر باد رفته.

الگزاندرا ریپلی: مترجم: مریم بیات. - تهران: پیکان. - ۴۵۶ ص. - جلد اول. - رقی (شمیز). - (دوره) ۳۸۰۰۰ ریال. - چاپ نهم / ۲۰۰۰ نسخه.
عنوان به لاتین:

Scarlett: the sequel to
margaret ...
۹۶۴-۶۲۲۹-۱۶-۶
شابک:

۲۱۵- اسکارلت: ادامه بر باد رفته.

الگزاندرا ریپلی: مترجم: مریم بیات. - تهران: پیکان. - ۴۳۴ ص. - جلد دوم. - رقی (شمیز). - (دوره) ۳۸۰۰۰ ریال. - چاپ نهم / ۲۰۰۰ نسخه.
عنوان به لاتین:

Scarlett: the sequel to
margaret ...
۹۶۴-۶۲۲۹-۱۷-۴
شابک:

چاپ اول

۲۱۶- بوسه خداحافظی با مادر.
جوی فیلدینگ: مترجم: شهناز مجیدی نویراستار: شادان مهرا. مقدم. - تهران: شادان. - ۳۱۲ ص. - رقی (شمیز). - ۲۰۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۹۲۴-۴-۳-۸



این رمان حاوی ماجراجویی است که در آن زن و شوهری از هم طلاق می‌گیرند و نگاه‌داری فد. بان خردسال از طرف دادگاه به مادر واگذار می‌شود. مبنی بر آن که پدر نیز هفته‌ای یک روز با بچه‌ها ملاقات کنند. اما او پس از چندین ملاقات، تصمیم می‌گیرد بچه‌ها را با

نخست، زن جوانی است به نام "آلیور" که در سایه مادر شوهر متوفایش زندگی می‌کند تا آن که سرانجام پلانیان می‌کند و شیخ مادر شوهر را در هم می‌شکند.

داستان انگلیسی

چاپ اول

۲۲۶- الهه سیاه

جک گریفیث، هیزل لوکر: مترجم: رضا فرهادی. - مشهد: کتابهای طلایی. - ۴۶ ص. - رقی (شمیز). - چاپ اول / ۱۰۰۰ نسخه.

عنوان به لاتین:

Welsh tales of terror

شابک: ۹۶۴-۹۲۳۰۱-۰-۶

اله سیاه



حوادث این دو داستان "اله سیاه" و "معدن متروکه (طلا)" پیرامون دو معدن زغال سنگ و طلا رخ می‌دهد. الهه سیاه تصویری است از مشقات معدن کارانی که به استخراج زغال سنگ مشغول بوده سرانجام در این کار طاقت فرسا و در اثر ریزش معدن جان می‌سپارند.

چاپ اول

۲۲۷- انتقام (دختر مونترزوما)

رایسبر هاگارد هنری: مترجم: کیخسرو کیانی. - تهران: قلم فرزندان. - ۳۱۲ ص. - رقی (شمیز). - ۱۲۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۹۱۷۲۱-۹-X



نام اصلی این داستان "دختر مونترزوما" (Montezuma's Daughter) است که حوادث آن بر محور انتقام استوار گردیده است. در این داستان نوجوانی از طبقه اشراف اسپانیا بنابه سنت خانوادگی می‌بایست با دختر عموی خود ازدواج کند، اما این دختر هیچ علاقه‌ای به او ندارد. از همین رو با جوان دیگری به انگلیس فرار می‌کند و با او پیمان زناشویی می‌بندد. آن جوان اشراف‌زاده سال‌ها بعد به طور وحشیانه به دختر عموی خود - که حاضر نشده بود با او ازدواج کند - حمله می‌برد و او را می‌کشد. پس از این فاجعه، پسرش "توماس" با خود عهد می‌کند که انتقام خون مادر را از آن مرد قاتل بگیرد. او در پی قاتل مادر خود حوادث بی‌شماری را پشت سر می‌گذارد...

چاپ اول

۲۲۸- گریه بچه‌ها

جان کریستوفر، گلین جونز: مترجم: رضا فرهادی. - مشهد: کتابهای طلایی. - ۵۰ ص. - رقی (شمیز). - چاپ اول / ۱۰۰۰ نسخه.

عنوان به لاتین:

A cry of children

شابک: ۹۶۴-۹۲۳۰۱-۰-۳

گریه بچه‌ها



"گریه بچه‌ها" و "جوردن" نام دو داستان کوتاهی است که در این کتاب ترجمه فارسی آن به چاپ می‌رسد. داستان نخست روایت کوتاهی است از زندگی نویسنده‌ای که ظاهراً بچه‌دار نمی‌شود و در کوهستانی دور افتاده با همسرش زندگی می‌کند. اما دکتري جوان که برای استراحت چند روزه به آن کوهستان رفته بود با مرگ نویسنده مواجه می‌شود و پس از سالیانی که خاطراتی از آن کوهستان داشت به رمز و راز زندگی نویسنده و همسرش پی می‌برد.

۲۲۹- هرم درخشان

آرتور مکن، ریچارد بریجمن: مترجم: رضا فرهادی. - مشهد: کتابهای طلایی. - ۶۲ ص. - رقی (شمیز). - چاپ اول / ۱۰۰۰ نسخه.

عنوان به لاتین:

The shining pyramid

شابک: ۹۶۴-۹۲۳۰۱-۰-۲

چاپ اول

"هرم درخشان" و "سندیکای مردگان" عنوان دو داستان کوتاه انگلیسی است که ترجمه فارسی آن به دست داده می‌شود. داستان اول روایتی است از جنایت کوتوله‌ها که سالیانی را با "هرم درخشان" پشت سر می‌گذارد...



در جنگل به شکار انسان‌ها مشغول بوده‌اند.

نمایشنامه آلمانی

چاپ اول

۲۳۰- عادل‌ها: نمایشنامه در ۵ پرده

آلبر کامو: مترجم: محمدعلی سپانلو. - تهران: هزیر. - ۱۱۲ ص. - رقی (شمیز). - ۶۵۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۲۵۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۹۰۴۲۲-۶-۱



حوادث این نمایش‌نامه مربوط به عملیات حزب سوسیالیست انقلابی روسیه در سال ۱۹۰۵ است که افراد آن قصد دارند با بمب کالسکهای را منفجر کنند که متعلق به عمومی تزار روسیه است. اما در این کالسکه به غیر از "جان گراندوک" - عمومی تزار - دو کودک نیز سوار شده‌اند که همین امر موجب اختلاف میان مجریان ترور می‌شود. "استیان" جوانی است که معتقد است دو کودک را نیز باید نابود کرد، اما "کالیاف" که روحیه انسانی دارد با این عمل به شدت مخالف است. در این نمایش‌نامه شخصیت "استیان" نماد بلشویک‌هاست.

۲۳۱- فاوست = Faust

یوهان ولفگانگ فون گوته: مترجم: محمود اعتمادزاده. - تهران: نیلوفر. - ۲۲۴ ص. - رقی (شمیز). - ۲۱۰۰۰ ریال. - چاپ دوم / ۲۲۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۴۴۸-۰-۲۴-۲

داستان آلمانی

چاپ اول

۲۳۲- بازگشت زرتشت و اگر جنگ ادامه یابد: سختی درباره جنگ و سیاست

هرمان هسه: مترجم: عبدالحسین شریفیان. - تهران: اساطیر. - ۲۵۶ ص. - رقی (شمیز). - ۱۲۸۰۰ ریال. - چاپ اول / ۲۲۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۳۳۱-۰-۲۷-۲



در مجموعه حاضر دو اثر از "هرمان هسه" یعنی "بازگشت زرتشت" و "اگر جنگ ادامه یابد" به فارسی ترجمه شده است. دو اثر یاد شده به گونه "مقامه" فراهم آمده است. در "بازگشت زرتشت" (ظهور زرتشت) عده‌ای از جوانان آلمان که شکست خورده و مایوس از جنگ برگشته‌اند با "زرتشت"

به گفت و گو می‌نشینند. زرتشت با لبخندی که نشان از استهزاء دارد خطاب به آنان می‌گوید: "شما باید پیاموید خودتان باشید، همان گونه که من آموخته‌ام زرتشت باشم... دوستان من، هرگاه زرتشت با شما سخن می‌گوید، منتظر نیافید خردمندی از او بشنویید، یا هنری، یا فورمولس یا حقه و فنی سحرآمیز در علم سخن‌پردازی از او ببینید. در پی دیدن خود انسان باشید. شما می‌توانید سختی را از سنگ پیاموید، خواندن و نوا سردادن را از پرده و از من می‌توانید پیاموید که انسان و سرنوشت یا تقدیر چیست. بدین ترتیب، "هرمان هسه" در این گفتار رمز گونه با زبان زرتشت، انسان را به خلوت و تنهایی، قناعت و پیروی از سرنوشت، همچنین به شناخت حقیقی از وجود انسان، فرا می‌خواند. بخش دوم کتاب نیز متضمن چند مقامه است در باب خطرات جنگ و سرگذشت بشر در قرن بیستم که با فاجعه خونریزی، حرص و نظایر آن توأم بوده است.

چاپ اول

۲۳۳- قرن من

گوتتر گراس: مترجم: روشنگ داریوش. - تهران: دیگس. - ۳۸۸ ص. - رقی (شمیز). - ۲۰۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۷۱۸۸-۰-۲-۱



"قرن من" اثر "گوتتر گراس" نویسنده آلمانی، مجموعه‌ای از نوشته‌های کوتاه است که وی در هر قطعه (موزاییک) از آن به واقعه‌ای مهم در یک سال از قرن بیستم نظر دارد. این قطعات از زبان شخصیت‌های گوناگون بیان می‌شود. ماجرای جنگ جهانی اول، جنگ قدرت، جنگ در ویتنام و حوادث بی‌شمار دیگر از جمله موضوعاتی است که در این کتاب بازگو شده، اما یکی از نقطه‌های اوج کتاب ماجرای دو آلمان - دو نیمه ناهمگون - است که در رفتار شخصیت

جاسوسی از آلمان شرقی تجلی پیدا می-کند. او در حین تماشای مسابقه فوتبال میان دو آلمان شرقی و غربی، به یک اندازه از گل زدن یک آلمان به دیگری و در عین حال از گل خوردن آن یکی، هم خوشحال و هم ناراحت می‌شود.

۲۳۴- کمبوجیه و دختر فرعون.

گشورگ ایپرس: مترجم: جواد سیداشرف. - تهران: زرین. - ۶۱۲ ص. - رقی (گالینگور). - ۲۰۰۰ ریال. - چاپ دوم / ۲۲۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۴۰۷-۱۹۰-۵

ادبیات سایر زبانهای ژرمنی

چاپ اول

۲۳۵- دشمن مردم: تحقیق در سیر اندیشه ایسن.

هنریک ایسن: مترجم: امیر حسین آریابور. - تهران: گستره. - ۲۴۴ ص. - رقی (شمیز). - ۱۳۰۰ ریال. - چاپ اول / ۳۳۰۰ نسخه.

عنوان به لاتین: An enemy of the people

شابک: ۹۶۴-۶۵۹۵-۰۶-۵

داستان فرانسوی

۲۳۶- دلدار و دل‌باخته.

ژرژ سانده: مترجم: احمد سمیعی. - تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی. - ۲۵۸ ص. - رقی (شمیز). - ۹۰۰۰ ریال. - چاپ سوم / ۲۰۰۰ نسخه.

عنوان به لاتین: Elle et lui

شابک: ۹۶۴-۳۴۵-۱۴۲-۲



'دلدار و دل‌باخته' اثر خانم آورور دوبن است که با نام مستعار 'ژرژساند' شناخته شده است. این اثر در واقع شرح مناسبات عاشقانه ژرژساند با آلفرد دوموسه است.

که به 'عشاق ونیز' نیز شهرت یافته است. در این کتاب تحلیل‌های روان-شناسی بازیگ‌بینانه و نظریاتی بدیع درباره هنر و تجلیات نبوغ و نقاشی‌هایی استادانه از طبیعت به چشم می‌خورد. بخش مهمی از این رمان را نامه‌های 'تروز و لوران' تشکیل می‌دهد. در این داستان، زندگی عاشقانه 'ژرژساند' در قالب شخصیتی به نام 'تروز' یا 'لوران' (دوموسه) به تصویر کشیده شده است. 'لوران' در این داستان عاشقی گناه‌کار و پشیمان است که سرانجام به ناشایستگی خود برای خوشبخت ساختن محبوبه‌اش اقرار می‌کند و نهایتاً با ایمان به عشق و دوستی و با روح ایتار و تسلیم، معشوقه-اش را به رقیب می‌سپارد و خود به کنار می‌رود.

۲۳۷- فلسفه‌ی حیات.

آندره‌پل گیوم زید: مترجم: غلامرضا سمیعی. - تهران: شایوین. - ۱۶۰ ص. - پالتویی (شمیز). - چاپ سوم / ۱۰۰۰ نسخه.

عنوان به لاتین: Romans, recits et soties oeuvres...

شابک: ۹۶۴-۵۵۱۱-۳۱-۳



کتاب مجموعه‌ای است از چند داستان و نوشته کوتاه اثر آندره زید (۱۸۶۹ - ۱۹۵۱) که موضوع اصلی آنها چپشی زندگی، رمز و راز فلسفه حیات و انتقاد اجتماعی است. در بخش نخست کتاب داستان‌های کوتاه 'سفر اورین'، 'دریای نباتات آبی خرمایی رنگ'، 'سفر به دریایی یخ بسته' همچنین قطعه کوتاه 'حقیقت' به چاپ رسیده است. بخش دوم کتاب متضمن بازآفرینی افسانه‌هایی است که تحت عنوان 'پرومته سست زنجیر' درج گردیده است. آندره زید در این نوشته انشعابی را تبیین می‌کند که به قصد گذران یک زندگی کاملاً اخلاقی وجدان خویش را در معرض ندامت دایم قرار می‌دهند و با این رضایت شوم تسلیم لذتی دردآلود می-گردند.

کردند.

داستان ایتالیایی

چاپ اول

۲۳۸- پس از طلاق.

گراتسیا دارا: مترجم: بهمن فرزانه. - تهران: بدیهه. - ۳۲۰ ص. - رقی (شمیز). - ۱۸۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۲۵۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۶۷۰-۱۰۲۴-۸



'پس از طلاق' ماجرای سیاه‌بختی خانواده‌ای است که در اثر حادثه شیرازه زندگی افراد خانواده از هم می‌پاشد. 'کستانتینو' که به همسرش 'جووانا' سخت علاقه‌مند است گرفتار زندان می‌شود. اما زن نیز با گرفتاری‌هایی روبه‌رو می‌گردد و ناگزیر برای اداره زندگی تصمیم می‌گیرد در غیاب همسر طلاق بگیرد. او پس از این کار با مردی ازدواج می‌کند و صاحب بچه‌ای می‌شود. اما ماجرای اصلی از آن جا آغاز می‌شود که 'کستانتینو' بی‌خبر از همه‌جا، به سراغ همسرش می‌رود و با واقعیتی تلخ روبه‌رو می‌گردد. واقعه جدایی همسر آن چنان در روحیه او تأثیر می‌گذارد که سرانجام، کار او به دیوانگی می‌کشد و در پی آن مادر همسرش را به قتل می‌رساند. 'جووانا' نیز که اینک زندگی منزلی دارد، همسر دومش دچار اعتیاد می‌شود و بدبختی، بیش از پیش به سراغ او می‌آید تا جایی که زندگی او نیز به در یوزگی می‌انجامد.

۲۳۹- دفترچه ممنوع.

آلیا دسپه‌دس: مترجم: بهمن فرزانه. - تهران: بدیهه. - ۳۵۲ ص. - رقی (شمیز). - ۱۹۵۰۰ ریال. - چاپ دوم / ۳۰۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۶۷۰-۱۰۱۸-۳

چاپ اول

۲۴۰- دکامرون.

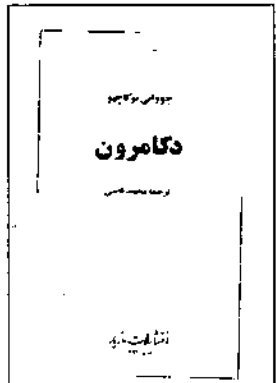
جووانی بوکاجیو: مترجم: محمد قاضی. -

تهران: مازیار. - ۸۹۲ ص. - رقی (گالینگور). - ۴۵۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۵۲۰۰ نسخه.

عنوان به لاتین: The decameron

شابک: ۹۶۴-۵۶۷۶-۱۰۰۰-X

'دکامرون' اثر سترگ شاعر و نویسنده ایتالیایی 'جووانی بوکاجیو' (۱۳۱۳ - ۱۳۷۵ م) اینک با چاپ دیگری از ترجمه 'محمد قاضی' فراهم آمده است. نویسنده در داستان 'دکامرون' - با عنوان فرعی 'شاهزاده گالوتو' - روایتی از طاعون هولناکی که شهر فلورانس را فراگرفته بود، به دست می‌دهد. در روزگار آن پر التهاب طاعون، هفت زن و سه مرد جوان در گوشه‌ای برکنار از



بیماری مهلک، یک دیگر را می‌یابند و مصمم می‌شوند که برای وقت گذرانی به نقل داستان بپردازند. کتاب شامل صد داستان از این ده راوی است که در مدت ده روز نقل می‌شود. بنابراین، کتاب به ده روز تقسیم می‌شود و اولین روز آن به وصف طاعونی اختصاص می‌یابد که در سال ۱۳۴۸ شهر فلورانس را منهدم ساخت. تنوع موضوعات و قهرمانان از خصایص بارز این اثر به شمار می‌آید.

چاپ اول

۲۴۱- شصت داستان.

دینو بوتزاتی: مترجم: محسن ابراهیم. - تهران: نشر مرکز. - ۶۷۲ ص. - رقی (گالینگور). - ۳۹۵۰۰ ریال. - چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۳۰۵-۴۵۰۰۰



دینو بوتزاتی

کتاب ترجمه‌ای است از شصت داستان کوتاه نوشته 'دینو بوتزاتی'، نویسنده ایتالیایی (۱۹۰۶ - ۱۹۷۲) که پارامی از آنها به شیوه سوررئالیستی به نگارش درآمده‌اند. مترجم کتاب درباره داستان-های او خاطر نشان می‌کند: 'نوشته‌های دینو بوتزاتی سرشار از پرسش‌های گاه و بی‌گاه خلوتگاه اندیشه انسان و برگرفتن برده از وقایعی است که آن سویی جز حقایق تلخ و دلهره‌آور نیست. او در آثارش بی‌رحمانه بر دل خوشی‌های ناچیز خط بطلان می‌کشد و خواننده را به وقایع آکنده از اضطراب می‌کشاند و نگاه بوتزاتی بر حوادث پیرامون، همان نگاه همه آدم‌هاست. اما نه آدم‌هایی که از ناآواری آنها می‌گریزند. او به مصاف تک تک این حادثه‌های به ظاهر ناچیز می‌رود و در عمق هر یک از آنها، تلخی-ها و شیرینی‌های پنهانی را می‌یابد. زمان در آثار بوتزاتی به سرعت درهم می‌شکند و در ازای عصر، در چشم برهم زدن می‌گذرد. اندام‌ها، راستی خود را از کف می‌دهند و بی‌درنگ، سایه مهیب مرگ بر روشنای زندگی چیره می‌شود.'

ادبیات پرتغالی

چاپ اول

۲۴۲- اعترافات یک سالک.

پائولو کوئیلو: مترجم: دل‌آرا قهرمان. - تهران: بهجت. - ۲۸۰ ص. - رقی (شمیز). - ۱۳۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۶۶۷۱-۳۳-۹



'اعترافات یک سالک' حاصل گفت و گوی 'خوان آریاس' نویسنده و روزنامه-نگار اسپانیایی با 'پائولو کوئیلو' نویسنده شهیر برزیلی است. 'خوان آریاس' در این گفت و شنود سعی دارد نقش شاهد بی-طرف را ایفا کند و به نوعی پرسش‌های خوانندگان آثار کوئیلو را برای وی مطرح سازد و طی آن از نشانه‌ها، آیمان مذهبی و 'عشق' که در نوشته‌های او فراوان به چشم می‌خورد نویسنده را به

یاسخی فراگیر فرامی خواند. مباحث این کتاب اغلب درباره مسائل مهم قرن بیستم است که حول موضوعاتی از این دست شکل می گیرد: جوانان، اعتیاد، بیماری های روانی، اعتراضات سیاسی و اجتماعی، جادو و خرافات و نهایتاً بازگشت به ایمان. پاتولو کوئیلو در بخشی از سخنان خود یادآور می شود: ... برای من زندگی یک مسابقه گاوبازی است، در هر لحظه باید با گاو نر مسئولیت خویش رو در رو شوم و هنوز نمی دانم که پیروز خواهم شد یا نه. همه این ها موجب شادی من می شود، اما نه موجب خوشبختی.

چاپ اول

۲۴۳- ورونیکا تصمیم می گیرد
بمیرد.
پاتولو کوئیلو؛ مترجم: شیرین (افراشی)
لازودی؛ ویراستار: ارمنیان جزایری. -
تهران: پیکان، - ۲۴۰ ص. - رقی
(شمیز). - ۱۲۰۰۰ ریال. - چاپ اول /
۲۰۰۰ نسخه.
عنوان به لاتین:
Veronika decide morrer
شابک: ۹۶۴-۳۲۸-۱۰۴-۳



این رمان ماجرای دختر جوانی است به نام 'ورونیکا' که با وجود زندگی ای به ظاهر رضایت بخش، اقدام به خودکشی می کند، زیرا او به دلیل خلای عمیق در وجود خود، زندگی را مطابق میل خود نمی یابد. اما اطرافیان، او را که با چند قرص دست به خودکشی زده بود به بیمارستان روانه می کنند. ورونیکا که اینک از مرگ نجات پیدا کرده خود را در بیمارستان روانی می بیند، در حالی که قلب او در اثر قرص ها به شدت آسیب دیده و هر آینه او را به مرگ نزدیک می سازد. ورونیکا به تدریج با مشاهده بیماران به اکتشاف اموری نایل می گردد که پیش از آن هرگز خود را مجاز به شناسایی آنها ندانسته بود. اموری همچون نفرت، ترس، کنجکاوی و عشق.

ادبیات زبانهای هند و اروپای شرقی و سلتی

چاپ اول

۲۴۴- زمین بکر: ادبیات قرقیزستان.
ایرینا رخشا؛ مترجم: سیفاله گلکار. -
تهران: پژوهنده، - ۲۱۶ ص. - رقی
(شمیز). - ۸۰۰۰ ریال. - چاپ اول /
۲۱۰۰ نسخه.
عنوان به لاتین:
La terre entiere
شابک: ۹۶۴-۶۳۰۲-۸۲-۳



قهرمان اصلی این رمان پیرمردی است به نام 'سرگونیا' که در ناحیه آلتای قرقیزستان زندگی می کرده است. او در روستایی اقامت داشت که پیران و جوانان به وجود او عادت کرده بودند. 'سرگونیا' در واقع یک صحنه زنده از تاریخ منطقه است که یک چند با ارتش سفید کولنچاک جنگیده است. در این رمان زندگی گذشته سرگونیا روایت می شود، یعنی آن هنگام که نوجوانی بیش نبود و زیر و زرنک به هر سوی تایگا می رفت و از این گروهان به آن گروهان بسته هایی را می برد و می رساند یا برای شناسایی مأمور می شد و به راه می افتاد. او بعد از جنگ ایام را در شکار سپری کرد و به تدریج روزگار میان سالی و پیری را تجربه نمود و همچنان هر از گاهی به شکار می رفت. او در همین ایام پیری که یک بار به شکار رفته بود، دیگر نتوانست با طبیعت خشن (سرما، برف و یخ) نبرد کند.

چاپ اول

۲۴۵- سالهای شکنجه من.
گرداویزمن کلاین؛ مترجم: سیما رقی. -
تهران: تهران صدا، - ۲۴۰ ص. - رقی
(شمیز). - ۱۵۰۰۰ ریال. - چاپ اول /
۲۲۰۰ نسخه.

عنوان به لاتین:

My tortured years
شابک: ۹۶۴-۶۳۱۱-۳۷-۱
کتاب، سرگذشت تکان دهنده دختر جوانی از کشور لهستان است که در جنگ جهانی دوم، به اسارت نازی های آلمان درآمده و به اردوگاه های کار اجباری روانه شد. در این اردوگاه ها سایه مخوف مرگ همیشه در کمن او بود. این دختر که 'گردا' نام داشت در کارگاه رستدگی مشغول به کار شد و در آن جا علاوه بر فشار و سختی های کار هر لحظه با بیماری سل، قاحه و مرگ



روبرو بود. به هر صورت 'گردا' از آن اردوگاه به بیرون می رود و به اتفاق ۴۰۰۰ دختر اسیر، مسیر هزار کیلومتری را در آلمان شرقی - در میان برف و سرما - طی می کند. او از جمله دویست نفری است که در این مهلکه جان سالم به در می برد.

چاپ اول

۲۴۶- مرگ ایوان ایلیچ.
لیفینیکایا یویچ تولستوی؛ مترجم: رضی هیرسندی. - تهران: هوای تازه، - ۲۱۶ ص. - پالتویی (شمیز). - ۶۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۲۲۰۰ نسخه.
عنوان به لاتین:
The death of ivan ilych
شابک: ۹۶۴-۶۹۶۵-۳۵-۰

ادبیات زبانهای آفریقایی - آسیایی (خامی و سامی)

چاپ اول

۲۴۷- عبره الحزین فی مصاب العتره المیامین.
امزهره ابدی. - تهران: شریف الرضی، - ۱۰۴ ص. - وزیری (شمیز). - ۶۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۱۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۶۰۴۶-۶۹-X

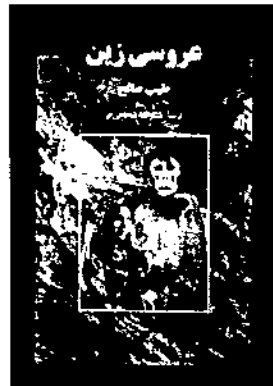


کتاب متضمن اشعاری است در وصف قیام کربلا که به زبان عربی به نظم کشیده شده و با شرح و توضیح همراه گشته است.

چاپ اول

۲۴۸- عروسی زین.
طیب صالح؛ مترجم: شکرالله شجاعی فر. - تهران: آگاه، - ۱۲۰ ص. - رقی (شمیز). - ۵۸۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۲۲۰۰ نسخه.
عنوان به لاتین:

The wedding of zein
شابک: ۹۶۴-۴۱۶-۱۳۲-۷



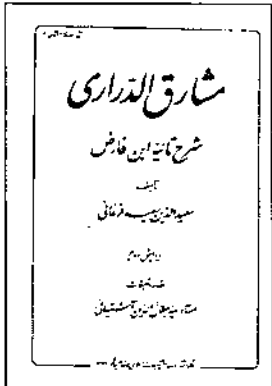
'درخت خرمای ودحامد'، یک مشت خرما و 'عروسی زین' سه داستان کوتاه از 'طیب صالح' نویسنده سودانی است که اینک ترجمه ای از آن به دست داده می شود. داستان 'عروسی زین' از این مجموعه شرح زندگی دختری است به نام 'زین' که موافق بسیاری را پشت سر می گذارد، پدرش را از دست می دهد، اما سرانجام به خانه بخت می رود و زندگی جدید خود را پی می گیرد. نویسنده در لابه لای داستان به پاره ای از سنن، آداب و شیوه زندگی مردمان عرب زبان سودان اشارت نموده است.

چاپ اول

۲۴۹- مشارق الدراری: شرح تائیه ابن فارض.
شارح: سعید بن محمدا. فرغانی؛ مقدمه:

جلال الدین آشتیانی. - قم: حوزه علمیه قم، دفتر تبلیغات اسلامی، مرکز انتشارات. - ۹۴۸ ص. - وزیری (کالیگور). - ۵۸۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۴۲۴-۷۶۳-۰
'مشارق الدراری' شرح فارسی بر 'قصیده تائیه' سروده 'ابن فارض' است که با مقدمه مفصل استاد 'سید جلال الدین آشتیانی' فراهم آمده است. این قصیده را



که 'سعیدالدین سعید فرغانی' شرح کرده متضمن دقایق و نکات عرفانی است.

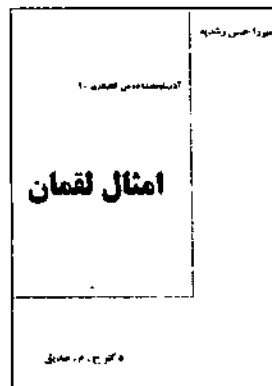
۲۵۰- المصنح فی تاریخ الادب العربی (تاریخ ادبیات عرب).
عبدالحسین قزازاد. - تهران: سخن، - ۲۰۴ ص. - وزیری (شمیز). - ۱۳۰۰۰ ریال. - چاپ سوم / ۲۲۰۰ نسخه.
عنوان به لاتین:

History of arabian literature
شابک: ۹۶۴-۵۹۸۳-۹۶-X

ادبیات زبانهای اورال - آلتایی، سیمیریایی قدیم و ...

چاپ اول

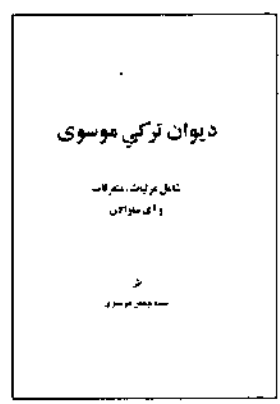
۲۵۱- امثال لقمان.
حسن رشدیه؛ مقدمه: حسین صدیق. - تهران: زوفا، - ۷۲ ص. - رقی (مقوایی). - ۵۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۹۱۹۱۶-۵-۸



در ابتدای کتاب نخست درباره مثل‌ها و حکایاتی که به حوزه فرهنگ اسلامی - ایرانی راه یافته به زبان ترکی سخن رفته، سپس سی مثل و حکایت مربوط به 'لقمان' همراه با معانی و تحلیل مختصر به چاپ رسیده است.

۲۵۲- دیوان ترکی موسوی:
شامل غزلیات، مستفرقات و آی ساوالان.
شاعر: جعفر موسوی - تهران: پروا - ۳۰۰ ص. - رقمی (کالینگور) - ۱۶۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۱۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۹۰۴۲۰-۹-۱

چاپ اول



در این دیوان اشعاری در قالب‌های سنتی - گاه برگرفته از فرهنگ و فولکلور آذربایجان - به زبان ترکی جمع آمده است.

چاپ اول

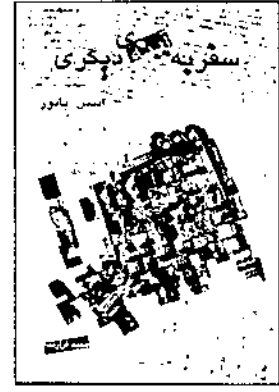
۲۵۳- دیوان موسوی: شامل
مثنویات، غزلیات، قصاید و مستفرقات.
جعفر صفوی زاده موسوی - تهران: پروا - ۲۴۲ ص. - رقمی (کالینگور) - ۱۲۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۱۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۹۲۳۶۶-۰-۶



در این دیوان، مثنویات، غزلیات، قصاید، مستفرقات و قطعاتی از 'سید جعفر موسوی' به طبع رسیده است.

چاپ اول

۲۵۴- سفر به آینه دیگری:
انیس باتور؛ مترجم: حمید فرازنده - تهران: نقش خورشید - ۲۱۲ ص. - رقمی (شمیز) - ۱۰۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۲۲۰۰ نسخه.
عنوان به لاتین: Travelling through the other's mirror
شابک: ۹۶۴-۶۹۴۱-۱۵-X

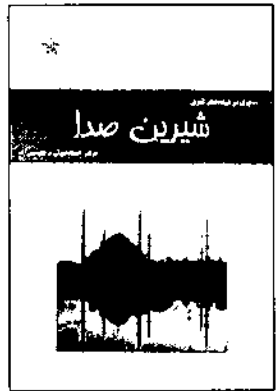


در بخش نخست کتاب اشعاری و قطعاتی از 'انیس باتور' - شاعر معاصر ترک - به چاپ رسیده و در پی آن سه نوشته از او در قالب خاطره و داستان فراهم آمده است. مقاله بعدی کتاب نوشته‌ای است از 'کیوان باجفلی' که در آن به شعر 'انیس باتور' نگاهی نقادانه افکنده است. 'آفتاب معنا' مقاله‌ای است از 'حمید فرازنده' که در آن نوعی بازخوانی در شعر 'انیس باتور' - کتاب شعر 'آرامگاه زنان گریان' - صورت گرفته است. بخش پایانی کتاب شامل گفت و گویی است از حمید فرازنده با 'انیس باتور' درباره شعر و اندیشه شاعر.

چاپ اول

۲۵۵- سیری در ترانه‌های شرق شیرین صدا: ترکی استانبولی و فارسی.
گردآورنده: مجید حمید؛ مترجم: نیره عطاردیان؛ ویراستار: هومن کبیری - تهران: حمید - ۴۸۴ ص. - رقمی (شمیز) - ۲۲۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۵۵۰ نسخه.
عنوان به لاتین: A review in eastern song titles turkish & persian
شابک: ۹۶۴-۶۵۱۶-۲۷-۰
'شیرین صدا' مجموعه‌ای است از ترانه - های 'آبراهیم' خواننده ترکیه که همراه با

ترجمه فارسی و شرح مختصر عرضه شده است.



شده است.

ادبیات زبانهای بومی آمریکای شمالی

چاپ اول

۲۵۶- ما بخشی از زمین هستیم: سخنرانی رییس بزرگ قبیله سرخ‌پوستان سیاتل، خطاب به رییس جمهوری ایالات متحده ... سیاتل؛ مترجم: حسین قدیرزاده؛ تهیه کننده: مجید شفتی - تهران: آفتاب - ۶۴ ص. - جیبی (شمیز) - ۲۵۰۰ ریال - چاپ اول / ۲۹۰۰ نسخه.
عنوان به لاتین: Wir sind ein teil der erde
شابک: ۹۶۴-۹۰۴۱۴-۱-۹

نمایه عنوان

Introduction to the holy gathas 13
The norton introduction to literature: drama 10
The norton introduction to literature: fiction 11
Simple prose texts 12
آخر هفته ۲۱۲
آرایه‌های ادبی ۱۶
آرایه‌های ادبی (قالب‌های شعر، بیان و بدیع) ویژه دانش‌آموزان سال سوم دبیرستان ۱۷
آشفته ۱۴۸
آموزش گام به گام ادبیات فارسی (۵) سال سوم نظام جدید: رشته علوم تجربی و ریاضی ۲۱-۲۰
ادبیات ایران پیرامون استعمار و نهضت - های آزادیبخش ۹۶
ادبیات فارسی: راهنمای دبیران، دانش - آموزان دبیرستانها و داوطلبان کنکور عمومی و اختصاصی ... ۲۲
از دل گندمزاران ۲۱۳
از سیر تا بیاز (سفرنامه بیرجند) ۱۸۷

از غلس تا گرمگاه (منظومه کوراوغلو) ۹۷
اسکارت: ادامه بر باد رفته ۲۱۴-۲۱۵
اشک لیلی 'مصیبتی در نیمه شب' ۹۸
اصول نامه‌نگاری در زبان انگلیسی ۲
اعتراف ۱۹۵
اعترافات یک سالک ۲۴۲
اعجاز خاک ۱۴۹
افسانه عشق (مجموعه داستان) ۱۵۰
افکار مولانا ۶۹
البلاغه الواضحه مع دلیل البلاغه الواضحه ۳
الیه سیاه ۲۲۶
امثال لقمان ۲۵۱
انتظار تو ۹۹
انتقام (دختر منتزوما) ۲۳۷
اورمیای بنفش افسانه دختر اورمیا ۱۴۵
باد و باران ۱۵۱
یار بد که بود؟ (مجموعه داستان) ۱۵۲
بارت، فوکو، آنتوسر ۱
بازگشت زرتشت و اگر جنگ ادامه یابد: سخنی درباره جنگ و سیاست ۲۳۲
بالهای کاغذی: مجموعه داستان ۱۵۳
برزخیان عشق ۱۵۴
برگزیده ادب پارسی (نظم، نثر، آیین نگارش، دستور زبان، اقسام شعر، اصطلاحات و سبکهای ادبی) ۳۶
بسوی سیمرغ: منظومه منقذالطیر اثر شیخ عطاردیشابوری به نثر پارسی ... ۶۵
بوستان سعدی ۲۰
بوستان سعدی فارسی - انگلیسی ۲۱
بوسه خداقافلی با مادر ۲۱۶
بوطیقای ساختارگرا ۴
بوی خاک ۱۵۵
به اجاق قسم ... (خاطرات آموزشی) ۲۰۱
پایگاه روایتهای شورش: رمان علمی - تخیلی ۲۱۷
پاییز در بزرگراه (شعرهای سبز و سیاه) ۱۰۰
پرستش‌های چهارگزینه‌ای استاندارد ادبیات فارسی (۵) (سال سوم نظام جدید - کلیه رشته‌ها) 'پایانخ تشریحی' ۲۳
پرستشهای چهارگزینه‌ای ادبیات فارسی ۲۴
بس از طلاق ۲۳۸
پشت حصیر: مجموعه داستان‌های کوتاه ۱۵۶
پله‌پله تا ملاقات خدا: درباره زندگی، اندیشه و سلوک مولانا جلال‌الدین رومی ۷۲
پنج کتاب (مجموعه اشعار فروغ) ۱۰۱
تا رهایی: منظومه‌ها و شعرها ۱۰۲
تاریخ ادبیات ایران: خلاصه جلد اول و دوم ۴۰
تحفه‌ی درویش (گزیده‌ی اشعار و مجموعه مقالات) ۱۰۳
تحقیق در احوال ناصر خسرو قبادیانی: میداد و آغاز تحول در زندگی او... ۵۸
تذکره شعری سمنان ۴۲
تذکره‌المصائب: مجموعه اشعار مدایح و مرانی ۲۶
توسیدن؟ نه، پرسیدن! ۱۵۷
تقصیر من نبود (مجموعه شعر) ۱۰۴
تندیس باغهای مطلقن ۱۰۵
تهران (یک منظومه) ۱۰۶
جان عاشق (ابر و خورشید) ۱۵۸
جلوه‌گاه عشق ۴۷
چهار فصل در بازخوانی شعر ۱۴۱
چهل حدیث همراه با شعر ۲۸
چهل سالگی ۱۵۹
حکایت‌ها و لطیفه‌های شیرین: شامل طنزهای آموزنده، شیرین و خواندنی ۱۹۰-۱۹۱-۱۹۲
خاطرات شیرین اردو ۲۰۲
خرنم (منطق الحمار) ۱۴۷
خودآموز گام به گام زبان و ادبیات فارسی (۱) 'عمومی' دوره پیش‌دانشگاهی ۲۵
داستانهای ایرانی ۱۶۰
دالان بهشت ۱۶۱
دبیر بهشت: مجموعه داستان‌های کوتاه ۱۶۲
در کوچه باغهای حکایات: تاملی اندر حکایات برگرفته از متون کهن ۱۸۶
درخت جواهر ۱۸۸
درد دل با سارا ۱۰۷
دشمن مردم: تحقیق در سیر اندیشه ابیسن ۲۳۵
دفترچه منوع ۲۳۹
دکامرون ۲۴۰
دل به رویاها سیار ۵
دل تنگ شیرین ۱۰۸
دلاویزترین 'گزیده اشعار' ۱۰۹
دلدادگان ۱۶۳
دلدار و دل‌باخته ۲۳۶
دنیای لطیفه‌ها و داستانها ۱۹۸
دوبیتی‌های باباطاهر عریان: با استفاده از نسخه تصحیح‌شده مرحوم وحید دستگردی و نسخ معتبر دیگر ۵۹
دوست دارم ۱۴۲
دیوان آیت‌الله حسن حسن‌زاده املی ۱۱۰
دیوان پروین اعتصامی ۹۴-۹۳
دیوان ترکی موسوی: شامل غزلیات، مستفرقات و آی ساوالان ۲۵۲
دیوان جدی، یا، شنیم گلها ۱۱۱
دیوان حافظ از نسخه محمد قزوینی و دکتر قاسم غنی ۷۹
دیوان حافظ: بر اساس نسخه محمد قزوینی و دکتر قاسم غنی ۸۰
دیوان خلیل‌الله خلیلی ۱۱۲
دیوان خواجه شمس‌الدین محمد حافظ شیرازی ۸۱
دیوان خواجه شمس‌الدین محمد حافظ شیرازی با استفاده از نسخه تصحیح شده محمد قزوینی و دکتر قاسم غنی ۸۲
دیوان خواجه شمس‌الدین محمد حافظ شیرازی: از نسخه محمد قزوینی و قاسم

غنی ۸۲
دیوان خواجه شمس‌الدین محمد حافظ شیرازی: با مقابله نسخه تصحیح شده محمد قزوینی و دکتر قاسم غنی ۸۴
دیوان رودکی ۵۳
دیوان سحر ۱۱۳
دیوان عطار نیشابوری ۶۶
دیوان قصاید و مثنویات و تمثیلات و مقطعات پروین اعتصامی ۹۵
دیوان کامل خواجه شمس‌الدین محمد حافظ شیرازی: بانضمام مقدمه و شرح حال حافظ ۸۵
دیوان محتشم کاشانی ۹۰
دیوان موسوی: شامل مثنویات، غزلیات، قصاید و مفرقات ۲۵۳
دیوان نظیری نیشابوری ۹۱
ذهن و زبان حافظ (با افزایش هشت مقاله جدید) ۸۶
راه گنج: اصول و مبانی عرفان و تصوف در ادب فارسی ۳۹
راهنمای ادبیات (۱) نظام جدید ۲۶
راهنمای گام به گام ادبیات (۲) نظام جدید ۲۷
راهنمای گام به گام طلایی ادبیات فارسی (۱) سال اول نظام جدید ۲۸
راهنمای گام به گام طلایی ادبیات فارسی (۵) سال سوم نظام جدید ۲۹
راهنمای گام به گام طلایی عروض و قافیه پیش‌دانشگاهی ۱۴
راهنمای ویرایش ۶
رباعیات باباطاهر عریان همدانی ۶۰
رباعیات حکیم عمر خیام نیشابوری ۶۱
رباعیات خیام ۶۲
ردیای روشنی ۱۱۴
رقص در دل آتش (زمان ۱) ۱۶۴
رقص عروسکها ۱۱۵
رکل نامه: سرگذشت جوانمردی از ایل بختیاری ۱۱۶
رودکی: با معنی واژه‌ها و شرح بیت‌های دشوار و برخی نکته‌های دستوری و ادبی ۵۴
روزگار بهتری از راه می‌رسد ۲۰۸
روباهایت را به من بگو ۲۱۸
روباهایت را رها مکن ۲۰۹
زبان و ادبیات فارسی عمومی (پیش-دانشگاهی) ۳۰
زمین بکر: ادبیات قرقیزستان ۲۴۴
زن رام نشدنی ۲۱۹
زیبایی جاودانه: منتخب ده دفتر شعر: تشنه توفان، گناه‌درا، ابرو، کوچه بهار را باور کن، از خاموشی ... ۱۱۷
زیر چتر تو خواب رفته‌ام: مجموعه شعر ۱۱۸
ژینا ۱۶۵
ساز یک تار (مجموعه اشعار) ۱۱۹
سال‌ها به انتظار (مجموعه داستانهای کوتاه) ۷
سالمای شکنجه من ۲۴۵
سبک‌شناسی نثر ۲۰۴
سر عشق ۱۶۶

سفر به آینه‌ی دیگری ۲۵۳
سلسله درس‌های حافظ‌شناسی: هفت بیت آلمانی: فرهنگ و ادبیات فارسی ۸۷
سمت سرد زندگی ۱۶۷
سونتا: سردار ایرانی که کراسوس را به زانو درآورد ۱۶۸
سه شاعر ۴۳
سه نگاه کوتاه ۱۶۹
سیری در ترانه‌های شرق شیرین صدا: ترکی استانبولی و فارسی ۲۵۵
۲۵۰ لطیفه زیبا ۱۹۳
شاهنامه فردوسی: متن انتقادی ۵۵
شاهنامه فردوسی: متن انتقادی از روی چاپ مسکو (ج ۱-۲-۳) ۵۶
شب بارانی من ۱۲۰
شب چله: مجموعه داستان کوتاه ۱۷۰
شخصیت‌ها در شاهنامه ۵۷
شرح سی قصیده حکیم ناصر خسرو قبادیانی از روی قدیم‌ترین و صحیح‌ترین نسخه خطی ۶۳
شرح عشق و عاشقی هم عشق گفت: تحلیل عشق و علم و عرفان همراه با شرح و تفسیر منتخب ... ۷۳
شش نمایشنامه معاصر ۱۴۶
شصت داستان ۲۴۱
شوریدگان: تذکره بزرگان و سخن‌سرایان نویسندگان ۴۴
شیطان در بهشت (و چند اثر دیگر) ۲۲۰
صور اسرافیل و علی‌اکبر دهخدا: یک بررسی تاریخی و ادبی ۱۹۷
صورت پیوند جهان: برگزیده اشعار جشنواره شعر علوی ۱۲۱
ضرب چشم‌های تو ۱۷۱
طلوع باران ۲۰۵
طنزهای سیاه ۱۹۴
طوبی: مجموعه داستان ۱۷۲
طوفان خطبه‌ها: خطبه‌های امام حسین علیه‌السلام، خطبه امام سجاد علیه‌السلام، خطبه حضرت زینب علیها‌السلام ... ۱۲۲
عادل‌ها: نمایشنامه در ۵ پرده ۲۳۰
عاشقانه‌ها ۱۲۳
عبره الحزین فی مصاب العترة المیامین ۲۴۷
عروسی زین ۲۴۸
عروض ساده و قافیه فارسی ۱۵
عشق لایزالی ۵۱
عصر غولها ۲۲۱
عطر یاس ۱۲۴
علوی‌سرایان مازندران ۴۵
عمه شهربانو ۱۷۳
غرور بالاتر از عشق ۱۷۴
فارسی عمومی ۳۸-۳۷
فاوست = Faust ۲۳۱
فراموشم مکن ۱۷۵
فرخی سیستانی: با معنی واژه‌ها و شرح بیت‌های دشوار و برخی نکته‌های دستوری و ادبی ۶۴

فرد کندی شامل: ۹ داستان کوتاه یا یک داستان بلند! ۱۷۶
فریاد بی صدا ۱۲۵
فلسفه‌ی حیات ۲۳۷
فنون بلاغت و صناعات ادبی ۱۸
قدرت عشق = Power of love ۲۱۰
قرن من ۲۳۳
قصه کوتوله‌ها و درازها ۱۹۶
قصه‌هایم برای مریم، غصه‌هایم برای من ۲۰۳
کتاب کار فارسی اول راهنمایی ۳۱
کتاب کار فارسی دوم راهنمایی: پایه دوم راهنمایی ۳۲
کتاب کار فارسی سوم راهنمایی: پایه سوم راهنمایی ۳۳
کلیه‌های غم ۱۷۷
کلیات اشعار جمشید شعله ۱۲۶
کلیات سعدی ۷۴
کلیات مثنوی معنوی ۷۵
کلیات هفت جلدی خزائن الاشعار ۵۲
کلیسای جامع ۲۲۲
کمبوجیه و دختر فرعون ۲۳۴
کوتاه و خواندنی: شامل، طنز، لطیفه و حکایت‌های شیرینی ۱۹۹-۲۰۰
کودک هشتاد ساله ۱۲۷
گام به گام با آموزش و پرورش ادبیات فارسی (۱) سال اول نظام جدید متوسطه ... ۳۴
گام به گام با آموزش و پرورش ادبیات فارسی (۲) سال دوم نظام جدید متوسطه برای کلیه رشته‌ها ۲۵
گریه بچه‌ها ۲۲۸
گزارش کتبی و شفاهی در پرستاری ۸
گزیده اشعار هنری لانگ‌فلو (دو زبان) ۲۱۱
گزینه اشعار ۱۲۸
گفت‌امیرالمومنان (ع) ... یکصد کلام منظوم از امام مظلوم علی بن ابی‌طالب (ع) ۹۲
گفتاری از سیاوش شاهنامه ۱۷۸
گلاب خانم ۱۷۹
گلزار جمال ۱۲۹
گلستان سعدی ۲۰۶
گلستان: با معنی واژه‌ها و شرح جمله‌ها و بیت‌های دشوار ... ۲۰۷
گل‌های داوودی و چند اثر خواندنی دیگر ۹
ما بخشی از زمین هستیم: سخنرانی رییس بزرگ قبیله سرخ‌پوستان سیاتل، خطاب به رییس جمهوری ایالات متحده ... ۲۵۶
مثنوی معنوی ۷۶
مثنوی معنوی مولانا جلال‌الدین محمد (مشهور به مولوی) براساس نسخه تصحیح شده رینولد نیکلسون ۷۷
مجموعه داستان: در کرانه‌های زندگی ۱۸۰
مجموعه شعر اشک آبی ۱۲۰
محبوبه‌های شب ۱۸۱

مرا باور کن ۱۳۱
مرگ ایوان ایلیچ ۲۴۶
مزرعه ۲۲۳
مشارق الدراری: شرح تائیه ابن فارض ۲۴۹
معانی ۱۹
معجزه ۱۳۲
منتخب‌التواریخ ۴۱
منطق‌الطیر ۶۸-۶۷
منظومه ۱۳۹۹: شعر نمایشی در هفت صحنه ۱۳۳
المنهج فی تاریخ الادب العربی (تاریخ ادبیات عرب) ۲۵۰
مولوی و جهان‌بینی‌ها ۷۸
می‌آید، مثل بهار ۱۳۴
نام‌آوران ۱۴۳
نامادری = Stepmom ۲۲۴
نخلیند شعرا: مجموعه مقالات کنگره جهانی بزرگداشت خواجهی کرمانی، کرمان، ... ۲۲ الی ۲۶ مهرماه ۱۳۷۰ ۸۸
نقشه‌های سبز ۸۹
نقشه‌های ولایت ماهیهای جمادی الثانی و رجب ۲۹
نقشه‌های ولایت: ماه رجب ۵۰
نقش بر آب: به همراه جستجوی چند در باب شعر حافظا گلش راز... ۱۸۹
نقش دل ۱۸۲
نقطه پشت قمل خراب، یا، فرانتس کافکا: یشت جلد ۱۳۵
نگاهی کوتاه به تاریخ بلند اصفهان: تامارای اصفهان ۱۲۶
نیمه‌ی غایب ۱۸۳
ورونیکا تصمیم می‌گیرد بمیرد ۲۴۳
هرم درخشان ۲۲۹
هزار رمز و راز عشق ۲۲۵
هشت کتاب: مرگ رنگ، زندگی خوابها، آوارفتاب، شرق‌اندوه، صدای پای آب، ... ۱۳۷
همسفر: ترانه‌های ماندگار ۱۳۸
هیوا ۱۸۴
یاسمین ۱۸۵
یکی مثلا اینکه ... ۱۳۹
یلدا در تسخیر آفتاب ۱۴۰
نمایه پدیدآور
Davoud, Pour 13
Irani, D. J. 13
Oliyaieniya, Helen 12
Rezai, Abbas Ali 12
beaty, jerome 10-11
hunter, paul 10-11
آرزومند، علی ۱۷۲
آرمین، منیژه ۱۵۵
آریانپور، امیرحسین ۲۳۵
آسمند، علی ۱۷
آشتیانی، جلال‌الدین ۲۴۹

آل رسول، هلاک ۹۹
آندست، سیگری ۲۱۹
ابراهیم‌زاده، علی ۲۷-۲۶
ابراهیم، محسن ۲۴۱
احمدپناهی، محمد ۴۲
احمدزاد، کامل ۳۷
احمدی، ژیل ۱۸۱
اخوت، محمدرحیم ۱۴۱
ادیب، پروین ۲۲۵
ارسطو، پرویز ۳۳
استیل، دانیل ۲۲۳
اسکندری، زهرا ۹
اسلامی ندوشن، محمدعلی ۲۱۱
اسماعیلیان، جمشید ۵۹
اسماعیلیان‌خانه، پیمان ۲۱۷
اشرفی‌تبریزی، مصطفی ۲۰۶
اعتمادالسلطنه، محمدحسن بن علی ۱۴۷
اعتمادزاده، محمود ۲۳۱
افشار، مهدی ۱۷۹
امیرحسینی، مرگاز ۱۱۳
امیری خراسانی، احمد ۸۹
امیری خراسانی، احمد ۸۸
امین، مصطفی ۲
ایبیس، گنورگ ۲۳۴
ایبیس، هنریک ۲۳۵
ایمانی، علی ۳۷
پاتور، انیس ۲۵۴
باس، رونالد ۲۳۴
باستانی‌باریزی، محمدابراهیم ۱۸۷-۱۸۸
باطنی، محمدعلی ۲۹
باک، پرل ۲۲۵
بختیاری، پژمان ۷۹
بدلونی، عبدالقادر بن ملوک‌کشاه ۴۱
بدری، امزهرا ۲۲۷
برانی، عبدالعلی ۲۰۹-۲۰۸-۵
برتلس، ای. ۵۵
بردبار، مرجان ۳۱
بریچمن، ریچارد ۲۲۹
بزرگیان، امین ۱۷۳
بن‌علی، عادل ۹۲
بوتراتی، دینو ۲۴۱
بوکاچو، جوانی ۲۴۰
بهادرزاده، مامک ۲۴۳
بهار، محمدتقی ۹۴-۹۳
بهمنی، سیمین ۱۳۹
به‌داروند، اکبر ۹۰
به‌زاد، مرتضی ۲۰۳
بهشتی، محمد ۶۱-۶۰
بهمنی، محمدعلی ۱۴۲
بیات، حسین ۱۹۴
بیات، مریم ۲۱۵-۲۱۴
بیٹی، آن ۲۱۲
بیگی، محمدبهمن ۲۰۱
پازارگادی، علاءالدین ۷۱
پورخانی، نادر ۲۱-۲۰
پورعلی، احمد ۳۱-۲۰
پورمحسنی، فرزین ۱۷۶
بین، مایکل ۱

تجویدی، محمد	۵۹	دهباشی، علی	۱۴۷	صفا، ذبیح‌الله	۴۰	قهرمان، دل‌آرا	۲۴۲	میهن‌دوست، محسن	۱۷۸
تقی‌زاده، حسن	۵۸	دهقان، احمد	۱۹۸	صفدری، حسن	۱۱۸	کارور، ریموند	۲۲۲	ناظری، کیهان	۱۴
نصیرجاری، احمد	۱۶۰	دیون، سلین	۲۱۰	صفوی‌زاده‌موسوی، جعفر	۲۵۳	کاسب، عزیزالله	۸۲	نبوی، ابراهیم	۱۹۶-۱۹۵
تودوروف، تزوتان	۴	ذاکر حسین، عبدالرحیم	۹۶	صفوی، نازی	۱۶۱	کاظمی، نوشین	۱۰۸	نبوی، محمد	۳
تولستوی، لی‌یف‌نیکالایوویچ	۲۴۶	ذوالفقاری، حسن	۲۳	طاهری، فرزانه	۲۲۲	کامو، الیر	۲۳۰	نجفی، توانی، زهرا	۱۴۴
تیمور، صفا	۱۳۰	رخشا، ایرینا	۲۴۴	طاهری، محمدرضا	۹۱	کیبیری، هومن	۲۵۵	نظیری، محمدحسین	۹۱
ثامنی، جعفر	۱۵	رستم‌پور، مهرداد	۸	طباطبایی، ناهید	۱۵۹	کریمی، حسن	۲۸	نفریه، نسرین	۱۵۸
جاحظ، عمر بن بحر	۹۲	رشدیه، حسن	۲۵۱	طباطبایی، نجمه	۷	کریم‌توفیر، جان	۲۲۸	نوح، نصرت‌الله	۴۲
چارم، علی	۳	رضوی، غلامحسین	۴۶	طیبی، ناهید	۱۷۳	کلاین، گرداویزمن	۲۴۵	نوذری، علی‌محمد	۱۱۶
جزایری، ارمغان	۲۴۳	رقیعی، سیما	۲۴۵	غابدی، کامیار	۱۹۷	کلهری، معصومه	۱۳۱	نوروزی، حمیدرضا	۱۹۲-۱۹۱-۱۹۰
جعفری تبریزی، محمدتقی	۳۳-۷۸	رقیعی، محمود	۸۷	غابدینی، ناصر	۱۸۶	کوبالی، عطاالله	۱۴۶	نی‌داود، پرویز	۹۸
جعفری‌تبار، حسین	۸۲	روسانی، داود	۹۵-۸۱	عاکف، سعید	۱۶۴	کونیلو، پائولو	۲۲۲-۲۴۲	نیرو، سیروس	۹۷
جعفری، مریم (امینی)	۱۷۵	رودکی، جعفر بن محمد	۵۳	علی‌بیام، ماشاالله	۱۹۳	کیانی، کیخسرو	۲۲۷	نیسایوری، حسن	۴۷
چمشید، جمراد	۱۳۶	رهنمایی، مسعود	۱۲۰	عباسی، حبیب‌الله	۳۸	گراس، گونتر	۲۳۲	نیک‌چهره، معصومه	۲۰۵
چمشیدی، مریم	۱۵۱	ریگای، یان	۸۴	عباسی، مه‌ری	۸	گرفیت، جک	۲۲۶	نیکلسون، رینولدالین	۷۶-۷۵
جمعی از نویسندگان	۱۳۳	ریلی، الکزاندر	۲۱۵-۲۱۴	عثمان‌توف، ام	۵۵	گلکار، سیف‌الله	۲۴۴	ولیزاده، عباس	۸۴
جوز، گلین	۲۲۸	زارعی، یوسف	۱۶۳	عزت‌پور، فاتح	۵۹	گلندام، محمد	۸۳	هاشم یورسیحانی، توفیق	۴۱
جوهری، عباس	۵۲	زرین‌کوب، عبدالحسین	۱۸۹-۷۲	عطاریچیان، نیره	۲۵۵	گنابادی، فریبا	۱۲۵	هاگاردنری، رایدر	۲۲۷
حاجی‌یوسف، محمد	۲۰۲	زیتونی، حبیب‌الله	۱۱۱	عطاری، محمد بن ابراهیم	۶۸-۶۷-۶۶	گوته، یوهان ولفگانگ فون	۲۳۱	هندانی، منصور	۱۸۰
حافظ، شمس‌الدین	۸۲	زیتونی، کاظم	۱۱۱	عطیما، نازی	۲۲۰	گودرزی، محمدرضا	۱۵۶	هسه، هرمان	۲۳۲
حافظ، شمس‌الدین محمد	۸۵-۸۲-۸۱-۷۹	زید، آندره‌یل‌کیوم	۲۳۷	عطیمی، عبدالعلی	۵۷	گوهرین، صادق	۶۸-۶۷	همای، جلال‌الدین	۱۸
حاتری، محمد حسن	۳۹	سارهاگن، فرد	۲۱۷	علوی، محمد ابراهیم	۹	لاجوردی، حسن	۲۵	همتی، محسن	۴۸
حسن‌زاده، مریم	۲۱۹	سارویان، ویلیام	۲۱۳	علی‌نژادقمی، علی‌رضا	۱۶۲	لارودی، شیرین (افراشی)	۲۳۲	هیرمندی، رضی	۲۴۶
حسینی‌فرد، محسن	۱۵۴	ساند، زرز	۲۳۶	علی‌یف، ار	۵۵	لانگ، فلو، هنری واندورث	۲۱۱	یثربی، یحیی	۱۵۷
حسین‌زاده، هومن	۱۱۵	سبحانی، احمد	۲۴	علیزاده، عزیزالله	۵۸	لرستانی، فرنام	۱۳۲	یزدانبجو، پیام	۱
حسینی‌لاهیجی، مجتبی جلال	۶۹	سبطی، هامون	۲۰-۲۴	علیزاده، کریم	۱۶۸	لوکر، هیزل	۲۲۶	یزدانی، سیف‌الله	۸۵
حسینی، رکسانا	۱۷۷	سپاتلو، محمدعلی	۲۳۰-۱۳۳-۱۰۰	عقایی، علی	۱۰۵	ماهان، آوا	۱۶۹	یعقوب‌پور، پریسا	۱۴۸
حقایق‌چهرمی، حسین	۱۵۲-۱۴۳	سپهری، سپهراب	۱۲۷	غلامحسین‌زاده، غلامحسین	۶	مجیدی، شهناز	۲۱۶	یوردشاهیان، اسماعیل	۱۴۵
حمید، حامد	۱۳۸	سحاب، محمد قاسم	۲	غنی، قاسم	۸۵	محبی‌زنگنه، فهیمه	۲۲۳		
حمید، مجید	۲۵۵	سرور مولایی، محمد	۱۱۲	فتحی، هوشنگ	۱۸۴	محتشم، علی بن احمد	۹۰		
حمیدیان، سعید	۵۶-۵۵	سعدی، مصطفی بن عبدالله	۲۰۶-۷۴-۷۰	فتوحی، محمود	۳۸	محقق، مهدی	۶۳		
حیدرزاده، مریم	۱۰۴	فرزاده، حمید	۲۰۷	فرزاد، فروغ	۲۵۴	محمدی، احمد	۸۱		
حیدرنیاز، فاطمه	۳۳-۳۲	فراسی، قاسمعلی	۲۲	فرزاد، فروغ	۱۷۹	محمدی، صدیقه	۱۷۰		
حیدری‌بهری، غلامرضا	۱۴۹	سمیعی، احمد	۲۳۶	فرزاد، فروغ	۱۰۱	محمدحقیقی، کریم	۱۱۹		
خدابخشی، لیل	۲۸	سمیعی، غلامرضا	۲۳۷	فردوسی، ابوالقاسم	۵۶	محمدی، مریم	۱۶۶		
خدایی‌اردکانی، عصمت	۱۵۰	سنابور، حسین	۱۸۳	فردی‌تهرانی، سامیرا	۲۰۶-۷۰	محمدی‌نژاد، شهره	۵۱		
خدایی، جلال	۳۳-۳۲-۳۱	سیانل	۲۵۶	فرزاد، عبدالحسین	۲۵۰	مدیحی، محمدرضا	۱۰۶		
خراری، جعفر	۳۳-۳۲	سیداشرف، جواد	۲۲۴	فرزانه، بهمن	۲۳۹-۲۳۸	مرادحاصل، امیرمهدی	۲۰۰-۱۹۹		
خرازی، محسن	۸۲-۸۰	ش، لیل	۱۶۷	فرغانی، سعید بن محمد	۲۴۹	مرادی، صحبت‌الله	۴۴		
خرمشاهی، بهاء‌الدین	۲۲۰-۸۶	شجاعی‌فر، شکرالله	۲۴۸	فروزانفر، محمدحسین	۷۷	مشتار نظامی، نغمه	۱۱۴		
خسرونجی، رویا	۱۰۱	شجاعی، مهدی	۱۷۱	فروغی، محمدعلی	۲۰۶-۷۴-۷۰	مشیری، فریدون	۱۱۷-۱۰۹		
خشکنایی، رضا	۱۲۹	شرقی، محمد	۲۱۸	فرهادی، رضا	۲۲۹-۲۲۸-۲۲۶	مصنق، حمید	۱۰۲		
خطیب‌رهبر، خلیل	۲۰۷-۶۴-۵۴	شریعی، محمد ابراهیم	۱۱۲	فلسفی، امیر	۱۱۰	مصطفوی، سعیده	۱۲۴		
خلیلی، عظیم	۱۳۳	شریفیان، عبدالحسین	۲۳۲	فلسفی، امیراحمد	۷۹	مکن، آرئور	۲۲۹		
خیام، عمر بن ابراهیم	۶۲	شفیعی‌کدکنی، محمدرضا	۲۵۶	فیروززی، زینب	۱۶	ملک‌خانی، بهارک	۱۸۲		
دارا، گراتسیا	۲۳۸	شکیباخو، مصطفی	۱۲۸	فیلدینگ، جوی	۲۱۶	ملکی، حسن	۲۱۳-۲۱۲		
داریوش، روشنگر	۲۳۳	شلدون، سیدنی	۲۱۸	ق، هاله	۱۶۷	مودب‌پور، مرتضی	۱۸۵		
دامادی، محمد	۷۳	شمیسا، سیروس	۲۰۴-۱۹	قاضی، احمد	۲۲۱	موسوی، جعفر	۲۵۲		
دبیرخانه‌جشنواره‌شمرعلوی	۱۲۱-۴۵	شوتر، سوزان پولیس	۲۰۹-۲۰۸-۲۰۸-۵	قاضی، محمد	۶۵	موسوی، لیل	۱۶۵		
دبیرساقی، محمد	۲۰۶	شهاب، محمدعلی	۵۰-۴۹	قاضی، نعمت‌الله	۱۰۷	موقیان، ناصر	۲۲۱		
دبیری‌فراهانی، کامران	۲۲۴	شیخ‌باقرمهاجر، علی	۴۶	قبادی‌پاشا، آرمین	۱۰۷	مولوی، جلال‌الدین محمد بن محمد	۷۵		
درگاهی، زین‌الدین	۴۵	صاحب، احمدعلی	۴۱	قبادی‌پاشا، امید	۲۵۶	مهدوی‌بوسفی، غلامرضا	۳۵-۳۴		
دس‌پدس، آلیا	۲۳۹	صالح، طیب	۲۴۸	قدیرنژاد، حسین	۱۷۴	مهدیخانی، مسعود	۹۴-۹۳		
دشتی، علی	۸۵	صالحی، یلدا	۱۴۰	قدیری، نسرتین (کافی)	۱۲۷	مهران مقدم، شادان	۲۱۶		
دلمار، وینا	۲۲۱	صوری، محمدرضا	۶۱	قره‌غانی، مالک	۸۵	میرمقتدایی، حوری	۱۶۷		
دولت‌آبادی، عزیز	۱۰۳	صدرا، فیروز	۱۳۶	قزوینی، محمد	۲۱۷	میرهادی‌زاده، مازیار	۲۱۰		
ده‌بزرگی، احد	۱۲۲	صدیق، حسین	۲۵۱	قنبری، علی	۱۳۵	میلر، هنری	۲۲۰		

نمایه ناشر

آریات: اصفهان	۱۶۷-۱۲۰-۹۹
آرایه: تهران	۹۲
آرمین قبادی‌پاشا: تهران	۱۰۷
آزمون: تهران	۲۵-۲۱-۲۰
آگاه: تهران	۳۴۸-۴
آلما: تهران	۱۴
ارمغان: تهران	۷۷
اساطیر: تهران	۲۳۲
استادی: تهران	۲۳
افق: تهران	۲۱۷
البرز: تهران	۱۸۲-۱۳۹
القباء: تهران	۲۵۶
الهام: تهران	۳
الهکان: تهران	۱۶۹
امیر کبیر: تهران	۱۸۳
انجمن آثار و مفاخر فرهنگی: تهران	۴۱
اندیشه سازان: تهران	۲۰-۲۴
بذیه: تهران	۲۳۹-۲۳۸
برتر: تهران	۱۵
بشت: تهران	۱۱۳
بیهجت: تهران	۲۳۲
بهراد: تهران	۱۰۵
بهنام: تهران	۱۸۸
پارسا: تهران	۷۹
پرتو: تهران	۵۹
پروا: تهران	۲۵۲-۲۵۳
پرویز نی‌داود: تهران	۹۸

۵۲	قم	۱۶۱-۴۰	ققنوس: تهران	۱۶۲	سمر: تهران	دیرخانه جشنواره شعر علوی: تهران	۲۳۴-۱۶۵	پژوهنده: تهران
۱۰۴	معین: تهران	۲۲۷	قلم فرزنانگان: تهران	۱۳۰	سنا: تهران	دفتر نشر فرهنگ اسلامی: تهران	۷۵	یگانه: تهران
۲۷-۲۶	منتشران: تهران	۱۴۰	قوانین: تهران	۹۷	سپروس نیرو: تهران	دنیای دانش: تهران	۱۸۶-۱۲۲	پیام آزادی: تهران
	موسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری:	۲۹-۲۸	کانون گسترش علوم: تهران	۲۱۸-۲۱۶-۱۸۵	شادان: تهران	دنیای نو: تهران	۱۵۳	پیام توسعه: تهران
۷۸-۴۲	تهران	۱۴۷	کتاب پنجره: تهران	۲۳۷	شیابویز: تهران	دیگر: تهران	۱۹۲-۱۹۱-۱۹۰	پیام نور: تهران
۹۳	مهاجرت: تهران	۱۹۷	کتاب نادر: تهران		شرکت انتشارات علمی و فرهنگی:	رامین: تهران	۱۵۲-۱۴۳	پیک: تهران
۲۰۴-۱۹	میترا: تهران	۱۷۸	کتابسرای تندیس: تهران	۲۳۶-۲۲۱-۶۸	تهران	رجاء: تهران	۱۵۸	پیک فرهنگ: تهران
۱۲۸	نامک: تهران	۲۳۹-۲۲۸-۲۲۶	کتابهای طلایی: مشهد	۲۴۷	شریف الرضی: تهران	رزندگان اسلام: تهران	۲۰۰-۱۹۹	پیک مبحث: تهران
۲۲-۸۶	ناهید: تهران	۱۶۸	کلبه: تهران	۱۷۷-۱۰۱	شقایق: تهران	رسانش: تهران	۲۳۲-۲۲۳-۲۱۵-۲۱۴	پیکان: تهران
۱۱۶	نجیبا: قم	۲۱۰	کلک سبز: تهران	۱۲۶	شهرآفتاب: تهران	روزگار: تهران	۷۲	پیمان: تهران
۴۴	نخل دانش: تهران	۱۶۴	کونتر: تهران	۱۹۸	صبح پیروزی: قم	رهتما: تهران	۱۹۴	ناخ: تهران
۱۷۲	ندای نوبست: قم	۱۴۴	کیا: تهران	۲۰۷-۶۴-۵۴	صفی علیشاه: تهران	زال: تهران	۲۱۳-۲۱۲	تجربه: تهران
۵۰-۳۹-۲۸	نذیر: تهران	۲۳۵-۱۲۵	گستره: تهران	۱۱۳-۹	صنم: تهران	زریاب: تهران	۱۱۵	تحکیم: تهران
۲۰۹-۲۰۸-۵	نسیم دانش: تهران	۱۶۶	گل مریم: تهران	۶۷	طلوع: تهران	زرین: تهران	۱۲۳	ترسیم: تهران
۱۸۳-۱۵۹-۱۰۹	نشر چشمه: تهران	۱۴۱-۱۰۸	گل یخ: تهران	۱۳۷	طهوری: تهران	زولفا: تهران	۱۵۷	ترفند: تهران
۲۳۱-۱	نشر مرکز: تهران	۱۹۳	گلزار: تهران	۲۰۵	عابد: تهران	زیتونی: تهران	۶۳	توس: تهران
۱۹۶-۱۹۵	نشر نی: تهران	۸۲	گنجینه: تهران	۱۱۲	عرفان: تهران	سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی:	۲۴۵	تهران صدا: تهران
۲۵۲-۱۴۱	نقش خورشید: اصفهان	۱۸۱	گویش نو: تهران	۱۸۷	علم: تهران	انتشارات مدرسه: تهران	۲۰۳	فالت: تهران
۱۲۳-۹۱-۹۰-۷۶	نگاه: تهران	۲۴۰	مازیار: تهران	۱۸۰	علم و عمل: قائم شهر	سازمان تبلیغات اسلامی، حوزه هنری:	۳۶	چاپار فرزنانگان: تهران
۵۱	نور معرفت: اهواز	۳۲	مبتکران: تهران	۱۷۲-۹۵-۸۲-۷۲	علمی: تهران	تهران	۲۲۵	چامه: تهران
۲۰۱	نوید شیراز	۶۹	مجتبی جلال حسینی لاهیجی: تهران	۸۰	علی: تهران	سازمان تبلیغات اسلامی، شرکت چاپ و	۱۷۵	چکاوک: تهران
۱۵۰	نیکو روش: تهران	۱۷۱	محراب قلم: تهران	۵۷	فام آوند: تهران	نشر بین الملل: تهران	۲۵۵-۱۳۸	حمیدا: تهران
۲۳۱-۲۲۲	نیلوفر: تهران	۴۷	محمد: تهران	۱۷۰	فراهنک: تهران	سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم		حوزه علمیه قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
۳۳-۳۲-۳۱	ورای دانش: تهران	۸۷-۳۹	مدینه: تهران	۵۸	فردوس: تهران	انسانی دانشگاهها (سمت): تهران	۱۷۲-۱۵۵-۱۴۹	مرکز انتشارات: قم
	وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان	۲۱۹	مرجان کلک: تهران	۱۷۶	فرزین پورمحبی: تهران	ساعر: تهران	۲۴۹	
۱۳۳	چاپ و انتشارات: تهران	۱۵۴	مرسا: تهران	۱۳۲	فرنام لرستانی: ساری	سالم: تهران	۲۵-۲۴	خورش: تبریز
۳۷	ویرایش: تهران	۱۱۸	مرغ امین: تهران	۱۳	فروهر: تهران	سالی: تهران	۱۴۲	دارینوش: تهران
۲۳۰-۱۳۳	مژبر: تهران	۸۹-۸۸	مرکز کرمان شناسی: کرمان	۶۶-۶۲-۵۳	فرهنگ کاوش: تهران	سوده: تبریز	۷۳	دانا: تهران
۱۸	هما: تهران	۲۱۱-۱۲۸	مروارید: تهران	۱۱۹	فلاح: تهران	سخن: تهران	۱۶	دانش بیگی: تهران
۸۴	هنرور: تهران	۲۰۶	مژگان: تهران	۶۱-۶۰	فواد: تهران	سرمدی: تهران		دانشگاه تهران، موسسه چاپ و انتشارات:
۲۴۶-۱۳۶	هواي تازه: تهران	۷۰	مژگان: تهران	۱۷۹	قدیانی: تهران	سعدی: تهران	۹۶	تهران
۱۴۵-۱۰۶	یوشیج: تهران		مسجد مقدس صاحب الزمان (جمکران):	۱۰۰-۵۶-۵۵	قطره: تهران	سکه: تهران	۲	دانشگاه هرمزگان: بندرعباس

در یک نگاه کتابهای ادبیات و فلسفه آبان ماه ۱۳۷۹

ردیف	موضوعات	نام کتاب	نام نویسنده	نام مترجم	نام انتشارات	تعداد صفحه	شمارگان	بها به ریال	عنوان	نوبت چاپ
۱	تعداد کتابهای منتشر شده ادبیات و فلسفه در ماه آبان								۵۷۵	
۲	تعداد کتابهای چاپ اول								۳۰۳	
۳	ارزان ترین کتاب	گفت امیرالمؤمنان (ع)... یکصدکلام منظوم	عمر بن بحر جاحظ		آرایه	۴۰	—	۱۰۰۰	—	
۴	گران ترین کتاب	فرهنگ دانشگاهی: انگلیسی — فارسی	عباس آریابور کاشانی	امیرکبیر	۲۶۴۲	۴۰۰۰	۹۰۰۰۰	دو جلدی	بیست و سوم	
۵	پیشترین نوبت چاپ	عربی به زبان ساده	ایاد فیلی	مبتکران	۵۵۲	۴۰۰۰	۲۴۰۰۰	سرو نهم		
۶	پیشترین شمارگان*	English for students of Engineering	Bidhari Parviz	سمت	۲۵۲	۲۰۰۰۰	۶۰۰۰	پانزدهم		
۷	کمترین شمارگان	مرا باور کن		گل یخ	۸۰	۵۰۰	۶۰۰۰	اول		
۸	پرکارترین ناشر				قلمستان هنر			۱۹		
۹	پرکارترین مترجم			۱- حسن علیکی ۲- رضا فرهادی ۳- فریده مهدی ذوقانی				۲		
۱۰	پرکارترین پدیدآورنده		حسین اعتمادی					۴		
۱۱	پیشترین صفحه	فرهنگ دانشگاهی: انگلیسی — فارسی	عباس آریابور کاشانی	امیرکبیر	۲۶۴۲	۴۰۰۰	۹۰۰۰۰	دو جلدی	بیست و سوم	
۱۲	کمترین صفحه**	The last Photo	smith Bernard	قلمستان هنر	۱۶	۸۰۰۰	۳۰۰۰	اول		

زبان‌شناسی

۴۱۰

۱- نگاهی به زبان (یک بررسی زبان‌شناختی).

چورچ یول: مترجم: نسیم حیدری؛ ویراستار: محمد عزیزیان. - تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت). - ۳۳۶ ص. - وزیری (شمیز). - ۸۵۰۰ ریال. - چاپ چهارم / ۳۰۰۰ نسخه.

عنوان به لاتین: The study of language: an introduction

شابک: ۹۶۴-۴۵۹-۱۳۶-۴

2- Fundamental concepts in linguistics.

Mahmud Farrokhphey. - تهران: سخن. - ۳۳۶ ص. - وزیری (شمیز). - ۱۸۰۰۰ ریال. - چاپ دوم / ۲۲۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۵۹۸۳-۰۷-X

نظامهای نوشتاری

۴۱۱

چاپ اول

۳- تاریخچه خط ایران و جهان (کنکور هنر).

امیراحمد حیدریور. - تهران: چغا. - ۱۲۴ ص. - رحلی (شمیز). - ۱۲۵۰۰ ریال. - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۹۲۷۴۱-۱-۱

زبان‌شناسی کاربردی، کاربرد

استاندارد

۴۱۸

چاپ اول

4- Meaning - based translation: a guide to cross language

Mildred. L. larson. - تهران: گلستان کتاب. - ۵۵۲ ص. - وزیری (شمیز). - ۱۵۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.

زبانهای ایرانی

۴۱۹

۵- آموزش گام به گام زبان فارسی (۵) سال سوم نظام جدید کلیه رشته‌ها بااستثنای رشته علوم انسانی.

حسن لاجوردی. - تهران: آزمون. - ۲۵۶

ص. - وزیری (شمیز). - ۹۵۰۰ ریال. - چاپ دوم / ۱۰۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۴۶۱-۶۶۴-۲

ریشه‌شناسی زبان فارسی

۴۱۴

۶- ریشه‌شناسی (ایتمولوژی).

محسن ابوالقاسمی. - تهران: ققنوس. - ۹۶ ص. - وزیری (شمیز). - ۵۰۰۰ ریال. - چاپ دوم / ۱۱۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۳۱۱-۰۴۵-۱

زبان فارسی - واژه‌نامه‌ها

۴۱۵

۷- فرهنگ زبان فارسی.

علی رضوی بهابادی، حسین حسن پورلاشتی. - یزد: بهاباد، تهران: بهزاد. - ۱۰۹۰ ص. - وزیری (گالینگور). - ۳۵۰۰۰ ریال. - چاپ سوم / ۴۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۹۰۰۱۸-۴-۰

۸- فرهنگ فارسی به فارسی.

بهمن حاجی‌خانی. - تهران: ابوعطا. - ۴۴۸ ص. - جیبی (شمیز). - ۴۰۰۰ ریال. - چاپ سوم / ۱۰۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۹۰۱۹۲-۱-۹

دستور زبان فارسی

۵۴۴

۹- دستور زبان فارسی.

یرویز خانلری. - تهران: توس. - ۳۶۸ ص. - وزیری (شمیز). - ۱۵۰۰۰ ریال. - چاپ هفدهم / ۳۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۳۱۵-۱۹۷-۲

چاپ اول

۱۰- راهنمای زبان فارسی (۱) نظام جدید شامل: تدریس دستور زبان فارسی ...

علی ابراهیم‌زاده. - تهران: منتشران. - ۱۲۸ ص. - وزیری (شمیز). - ۶۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۶۶۶۶-۹۳-۰

۱۱- راهنمای زبان فارسی (۲) سال دوم دبیرستان شامل: آموزش کامل کتاب، شرح مفاهیم ...

حسین قاسم‌پورمقدم. - تهران: منشور دانش. - ۱۴۸ ص. - وزیری (شمیز). - ۹۶۴-۹۲۸۰۷-۰-۷

۶۰۰۰ ریال. - چاپ دوم / ۵۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۶۹۳۶-۶۴-۴

آموزش زبان فارسی، کاربرد طرز استعمال

۸۴۴

چاپ اول

۱۲- فارسی بیاموزیم.

فرشید اقبال. - تهران: ایران‌یاران. - ۱۷۶ ص. - رقمی (شمیز). - ۱۵۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۱۰۰۰ نسخه.

عنوان به لاتین: Let's learn farsi

شابک: ۹۶۴-۹۲۸۰۷-۱-۵



کتاب متضمن پارای از جملات کاربردی زبان فارسی است که با آوانگاری لاتین به چاپ رسیده است. در بخشی از کتاب شیوه نوشتن زبان فارسی همراه با تمرینات متعدد آموزش داده می‌شود.

چاپ اول

۱۳- فارسی حرف بزیم: فارسی آسان ۱: روش گفتگونی آموزش فارسی پایه ... = ... Parlons persian: le farsi

اله‌وردی آذری نجف‌آبادی. - مشهد: آئینه اندیشه. - ۴۲۲ ص. - وزیری (شمیز). - ۳۵۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۱۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۶۸۶۱-۸۱-۴

چاپ اول

۱۴- مکالمات روزمره فارسی.

فرشید اقبال باهمکاری: ساندرا مونی. - تهران: ایرانیان. - ۱۷۶ ص. - رقمی (شمیز). - ۱۵۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۱۰۰۰ نسخه. عنوان به لاتین: Fars phrase book

شابک: ۹۶۴-۹۲۸۰۷-۰-۷



در این کتاب مقداری از واژگان، اصطلاحات و جملات کاربردی زبان فارسی برای مسافران به کشور ایران با ترجمه انگلیسی فراهم آمده است. نوشته‌های کتاب اغلب شامل مکالمات روزمره و رایج در زبان فارسی است.

نظامهای نوشتاری و واج‌شناسی زبان انگلیسی

۴۲۱

چاپ اول

۱۵- آموزش الفبای زبان انگلیسی و بیش از ۵۰۰ کلمه یک بیلابی در کمتر از فقط ۱۰ ساعت.

محسن نیاکان. - تهران: ندا. - ۶۴ ص. - وزیری (شمیز). - ۲۵۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۵۵۶۵-۹۳-۶

زبان انگلیسی - واژه‌نامه‌ها

۴۲۳

۱۶- اصطلاحات رایج در مکالمات روزمره انگلیسی.

محمود سمیعی نصر. - تهران: یادواره کتاب. - ۱۸۸ ص. - رقمی (شمیز). - ۱۲۰۰۰ ریال. - چاپ سوم / ۳۰۰۰ نسخه. عنوان به لاتین: Common expressions in daily english conversation

شابک: ۹۶۴-۵۵۴۳-۱۰-X

۱۷- فرهنگ انگلیسی به فارسی و فارسی به انگلیسی.

بهمن حاجی‌خانی، نیلوفر الله‌وردی. - تهران: ابو عطا. - ۴۴۸ ص. - جیبی (شمیز). - ۴۰۰۰۰ ریال. - چاپ پنجم / ۱۰۰۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۹۰۱۹۲-۲-۷

۱۸- فرهنگ جامع دانش آموز (انگلیسی به فارسی). پرویز صلاحی. - تهران: آوای نور. - ۱۹۲ ص. - رقی (شمیز). - ۵۵۰۰ ریال. - چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه.

چاپ اول

عنوان به لاتین:
A comprehensive pupil dictionary english - persian
شابک: ۹۶۴-۶۰۶۳-۸۲-۹

۱۹- فرهنگ دانشگاهی انگلیسی - فارسی.

عباس آریانپور کاشانی: با همکاری: منوچهر آریانپور کاشانی. - تهران: امیر کبیر. - ۱۳۳۲ ص. - جلد اول. - وزیری (گالینگور). - (دوره) ۹۰۰۰۰ ریال. - چاپ بیست و پنجم / ۴۰۰۰ نسخه.

عنوان به لاتین:
The english persian collegiate dictionary
شابک: ۹۶۴-۰۰۰-۳۳۴-۴

۲۰- فرهنگ دانشگاهی انگلیسی - فارسی.

عباس آریانپور کاشانی: با همکاری: منوچهر آریانپور کاشانی. - تهران: امیر کبیر. - ۱۳۹۸ ص. - جلد دوم. - وزیری (گالینگور). - (دوره) ۹۰۰۰۰ ریال. - چاپ بیست و پنجم / ۴۰۰۰ نسخه.

عنوان به لاتین:
The english persian collegiate dictionary
شابک: ۹۶۴-۰۰۰-۳۳۵-۲

چاپ اول

۲۱- فرهنگ دانشگاهی یادواره فارسی به انگلیسی.

محمد ساعتچی. - تهران: فرهنگستان یادواره. - متادی. - ۹۹۲ ص. - جلد اول. - وزیری (گالینگور). - (دوره) ۱۸۵۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.

عنوان به لاتین:
The yadvareh persian english collegiate dictionary
شابک: ۹۶۴-۶۲۹۱-۱۰-۴

چاپ اول

۲۲- فرهنگ دانشگاهی یادواره فارسی به انگلیسی.

محمد ساعتچی. - تهران: فرهنگستان یادواره. - متادی. - ۹۱۶ ص. - جلد دوم. - وزیری (گالینگور). - (دوره) ۱۸۵۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.

عنوان به لاتین:
The yadvareh persian english collegiate dictionary
شابک: ۹۶۴-۶۲۹۱-۱۱-۲

چاپ اول

۲۳- فرهنگ دانشگاهی یادواره فارسی به انگلیسی.

محمد ساعتچی. - تهران: فرهنگستان یادواره. - متادی. - ۱۰۷۰ ص. - جلد سوم. - وزیری (گالینگور). - (دوره) ۱۸۵۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.

عنوان به لاتین:
The yadvareh persian english collegiate dictionary
شابک: ۹۶۴-۶۲۹۱-۱۲-۰

۲۴- فرهنگ دانشگاهی: انگلیسی - فارسی: فرهنگ جدید شامل ۲۰۰۰۰ واژه و توضیحات و مفاهیم مختلف.

عباس آریانپور کاشانی، منوچهر آریانپور کاشانی. - تهران: امیر کبیر. - ۱۳۴۲ ص. - جلد اول. - وزیری (گالینگور). - (دوره) ۹۰۰۰۰ ریال. - چاپ بیست و سوم / ۴۰۰۰ نسخه.

عنوان به لاتین:
The english persian: collegiate dictionary
شابک: ۹۶۴-۰۰۰-۳۳۴-۴

۲۵- فرهنگ دانشگاهی: انگلیسی - فارسی: فرهنگ جدید شامل ۲۰۰۰۰ واژه و توضیحات و مفاهیم مختلف.

عباس آریانپور کاشانی، منوچهر آریانپور کاشانی. - تهران: امیر کبیر. - ۱۳۰۰ ص. - جلد دوم. - وزیری (گالینگور). - (دوره) ۹۰۰۰۰ ریال. - چاپ بیست و سوم / ۴۰۰۰ نسخه.

عنوان به لاتین:
The english persian: collegiate dictionary
شابک: ۹۶۴-۰۰۰-۳۳۵-۲

۲۶- فرهنگ فشرده انگلیسی - انگلیسی، انگلیسی - فارسی.

محمد رضا جعفری. - تهران: تنویر. - ۱۵۴۸ ص. - وزیری (گالینگور). - ۶۵۰۰۰ ریال. - چاپ هفتم / ۵۰۰۰ نسخه.

عنوان به لاتین:
Concise english - english - english - persian dictionary
شابک: ۹۶۴-۹۰۱۳۱-۲-۸

۲۷- فرهنگ کوچک انگلیسی - فارسی.

محمد رضا جعفری. - تهران: فرهنگ معاصر. - ۷۷۲ ص. - جیبی (گالینگور). - ۱۸۵۰۰ ریال. - چاپ بیست و ششم.

عنوان به لاتین:
Little english - persian dictionary
شابک: ۹۶۴-۵۵۴۵-۰۴-۸

۲۸- فرهنگ کوچک انگلیسی - فارسی.

تهران: فرهنگ معاصر. - ۷۷۲ ص. - جیبی (گالینگور). - ۱۸۵۰۰ ریال. - چاپ بیست و هشتم.

عنوان به لاتین:
Little english - persian dictionary
شابک: ۹۶۴-۵۵۴۵-۰۴-۸

۲۹- فرهنگ کوچولو کلمه: انگلیسی - فارسی.

ویراستار: سیاوش صلح جو. - تهران: کلمه. - ۵۶۰ ص. - جیبی (شمیز). - ۹۰۰۰ ریال. - چاپ دوم / ۱۰۰۰۰ نسخه.

عنوان به لاتین:
Kaleme Mini Dictionary: English - Persian
شابک: ۹۶۴-۶۴۶۴-۰۵-X

۳۰- فرهنگ معاصر انگلیسی - فارسی.

محمد رضا باطنی. ... (و دیگران). - تهران: فرهنگ معاصر. - ۱۰۲۶ ص. - وزیری (گالینگور). - ۴۲۰۰۰ ریال. - چاپ پنجم.

عنوان به لاتین:
Farhang moaser english - persian dictionary
شابک: ۹۶۴-۵۵۴۵-۲۶-۹

۳۱- فرهنگ معاصر انگلیسی - فارسی جیبی.

تدوین: واحد پژوهش فرهنگ معاصر. - تهران: فرهنگ معاصر. - ۱۹۲ ص. - جیبی (شمیز). - ۳۰۰۰ ریال. - چاپ چهارم. - ۹۶۴-۵۵۴۵-۱۳-۷

۳۲- فرهنگ معاصر انگلیسی - فارسی یک جلدی.

سلیمان حیم. - تهران: فرهنگ معاصر. - ۱۱۰۲ ص. - رقی (گالینگور). - ۳۸۵۰۰ ریال. - چاپ نهم. - ۹۶۴-۵۵۴۵-۲۷-۷

۳۳- فرهنگ معاصر فارسی - انگلیسی کوچک، حاوی ۳۰۰۰۰ واژه و اصطلاح رایج فارسی و برابرهایی انگلیسی هر کدام.

سلیمان حیم. - تهران: فرهنگ معاصر. - ۷۲۸ ص. - جیبی (گالینگور). - ۱۹۰۰۰ ریال. - چاپ ششم.

عنوان به لاتین:
Farhang moaser's shorter persian - english dictionary
شابک: ۹۶۴-۵۵۴۵-۱۸-۸

۳۴- فرهنگ معاصر فارسی - انگلیسی کوچک، حاوی ۳۰۰۰۰ واژه و اصطلاح رایج فارسی و برابرهایی انگلیسی هر کدام.

سلیمان حیم. - تهران: فرهنگ معاصر. - ۷۲۸ ص. - پالتویی (گالینگور). - ۱۹۰۰۰ ریال. - چاپ هفتم.

عنوان به لاتین:
Farhang moaser's shorter persian - english dictionary
شابک: ۹۶۴-۵۵۴۵-۱۸-۸

۳۵- فرهنگ یک جلدی پیشرو آریانپور: انگلیسی - فارسی.

منوچهر آریانپور کاشانی، با همکاری: بهرام دلکشایی. - تهران: جهان رایانه. - ۱۷۱۶ ص. - وزیری (سلفون). - ۶۹۰۰۰ ریال. - چاپ دوم / ۵۰۰۰ نسخه.

عنوان به لاتین:
The arianpur progressive english - persian dictionary
شابک: ۹۶۴-۶۷۱۵-۵۱-۶

چاپ اول

36- Longman new junior english dictionary.

تهران: رهنما. - ۲۸۰ ص. - رقی (شمیز). - ۱۴۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.

37- Oxford Elementary Learner's Dictionary.

ویراستار: Angela Crawley. - تهران: پیکان. - ۴۷۲ ص. - رقی (شمیز). - ۱۴۰۰۰ ریال. - چاپ سوم / ۵۰۰۰ نسخه. - ۹۶۴-۳۲۸-۰۴-۲

چاپ اول

38- Oxford advanced learner's dictionary of current english.
Jonathan S. Hornby: ویراستار.

Crowther. - تهران: شهرپور. - ۱۴۳۲ ص. - وزیری (گالینگور). - ۴۶۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۶۸۹۳-۲۱-X

چاپ اول

39- Oxford advanced learner's dictionary of current english.

Albert Sydney Hornby: ویراستار. Jonathan Crowther. - تهران: سب سرخ. - ۱۴۴۴ ص. - وزیری (سلفون). - ۴۶۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.

چاپ اول

40- Oxford advanced learner's dictionary of current english.

Albert Sydney Hornby: ویراستار. Jonathan Crowther. - تهران: جهان دانش. - ۱۵۵۶ ص. - وزیری (سلفون). - ۴۹۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.

چاپ اول

41- Oxford elementary learner's dictionary.

ویراستار: Angela Crawley. Michael Ashby. - تهران: سرایش. - ۴۲۸ ص. - رقی (شمیز). - ۱۱۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.

42- Oxford elementary learner's dictionary.

ویراستار: Angela Crawley. - تهران: استاندارد. - ۴۲۸ ص. - رقی (شمیز). - چاپ ششم / ۵۰۰۰ نسخه. - ۹۶۴-۵۹۵۹-۰۸-X

چاپ اول

43- Oxford elementary learner's dictionary.

ویراستار: Angela Crawley. - تهران: صدای معاصر. - ۴۲۸ ص. - رقی (شمیز). - ۱۲۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.

چاپ اول

44- Oxford elementary learner's dictionary.

ویراستار: Angela Crawley. - تهران: مهتاب. - ۴۲۸ ص. - رقی (سلفون). - ۱۵۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.

ص. - وزیر (شمیز) - ۹۵۰۰ ریال -
چاپ اول / ۱۰۰۰۰ نسخه
شابک: ۹۶۴-۶۴۷۲-۲۲-X

۷۷- راهنمای انگلیسی (زبان ۲):
قابل استفاده برای دانش آموزان
سال دوم دبیرستان، داوطلبان ...
فریبا تاجیک، الهه موسی فر - تهران:
تاجیک - ۱۲۶ ص. - رحلی (شمیز) -
۹۵۰۰ ریال - ۵۰۰۰ نسخه
شابک: ۹۶۴-۶۶۰۵-۲۵-۱

۷۸- راهنمای انگلیسی سوم
راهنمایی: قابل استفاده برای
استفاده دانش آموزان ...
فریبا تاجیک، الهه موسی فر - تهران:
تاجیک - ۱۲۸ ص. - رحلی (شمیز) -
۹۵۰۰ ریال - ۵۰۰۰ نسخه
شابک: ۹۶۴-۶۶۰۵-۴۱-۹

چاپ اول

۷۹- راهنمای گام به گام طلایی
زبان (۳) سال سوم نظام جدید
عبدالله قنبری - تهران: الما - ۱۹۲ ص.
- وزیر (شمیز) - ۸۰۰۰ ریال - چاپ
اول / ۲۰۰۰ نسخه
شابک: ۹۶۴-۳۴-۱۴۶-۴

۸۰- زبان انگلیسی (۱ و ۲)
(عمومی) ویژه دانش آموزان دوره
پیش دانشگاهی و داوطلبان ورود
به دانشگاه.
پرویز بیرجندی - تهران: زمزمندگان
اسلام - ۲۹۶ ص. - وزیر (شمیز) -
۱۶۰۰۰ ریال - چاپ سوم / ۵۰۰۰
نسخه
شابک: ۹۶۴-۶۲۱۲-۳۹-۸

۸۱- زبان انگلیسی (۱) پیش-
دانشگاهی مربوط به تمامی
رشته ها.
علی حیاتی - تهران: منشور دانش -
۱۹۶ ص. - رحلی (شمیز) - ۱۵۰۰۰
ریال - چاپ هفتم / ۵۰۰۰ نسخه
شابک: ۹۶۴-۶۴۲۰-۵۵-۴

۸۲- زبان انگلیسی (۱) سال اول
دبیرستان آموزش کامل کتاب
شامل: تدریس گرامر، ترجمه،
تلفظ، تمرین و ...
علی حیاتی - تهران: منشور دانش -
۲۲۴ ص. - وزیر (شمیز) - ۸۰۰۰
ریال - چاپ دوم / ۵۰۰۰ نسخه
شابک: ۹۶۴-۶۹۲۶-۲۵-۲

۸۳- زبان انگلیسی (۲) پیش-
دانشگاهی مربوط به تمامی
رشته ها.
علی حیاتی - تهران: منشور دانش -
۱۶۴ ص. - رحلی (شمیز) - ۱۳۰۰۰
ریال - چاپ هفتم / ۵۰۰۰ نسخه
شابک: ۹۶۴-۶۴۲۰-۵۶-۲

۸۴- زبان انگلیسی: گرامر - لغت
درک مطلب - تست: بسا
فهرستهای به ترتیب نکات
گرامری کتابهای ...
مسعود آریایا - تهران: مبتکران - ۴۴۲
ص. - وزیر (شمیز) - ۲۳۰۰۰ ریال -
چاپ دوم / ۳۰۰۰ نسخه
شابک: ۹۶۴-۵۹۹۳-۰۹-۱

چاپ اول

۸۵- زبان پیش دانشگاهی (۱).
کریم خلیلی - تهران: بال کبوتران -
۳۴۰ ص. - رحلی (شمیز) - ۲۵۰۰۰
ریال - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه
شابک: ۹۶۴-۵۶۲۱-۴۹-۶

چاپ اول

۸۶- گرامر - تست زبان
انگلیسی پایه سوم راهنمایی
تحصیلی.
محمدجواد حاج قاسمی - تهران: وزای
دانش - ۱۶۰ ص. - وزیر (شمیز) -
۶۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه
شابک: ۹۶۴-۵۵۸۵-۲۲-۸

۸۷- گرامر جامع زبان انگلیسی -
مینو وزرگر - تهران: یادواره کتاب -
۸۷۲ ص. - وزیر (کالینگور) - ۴۰۰۰۰
ریال - چاپ دوم / ۲۰۰۰ نسخه
عنوان به لاتین:

A Comprehensive
Grammar Of English
شابک: ۹۶۴-۵۵۴۳-۰۶-۱

۸۸- گنجینه پرسش های طلایی
زبان انگلیسی پیش دانشگاهی (۲).
پرویز غفریان - تهران: آیدگان - ۲۰۰
ص. - رحلی (شمیز) - ۱۹۰۰۰ ریال -
چاپ چهارم / ۵۰۰۰ نسخه
شابک: ۹۶۴-۶۹۱۴-۰۰-۴

۸۹- گنجینه پرسش های طلایی
زبان انگلیسی پیش دانشگاهی (۱).
کریم خلیلی - تهران: آیدگان - ۲۲۸
ص. - رحلی (شمیز) - ۲۴۰۰۰ ریال -

چاپ پنجم / ۵۰۰۰ نسخه
شابک: ۹۶۴-۶۹۱۴-۵۴-۳

چاپ اول

۹۰- مجموعه طبقه بندی شده
آموزش زبان انگلیسی پیش-
دانشگاهی ۱ و ۲ شامل: واژگان و
اصطلاحات ترجمه دروس ...
علیرضا یوسفزاده، پرویز مرادآبادی -
تهران: کانون فرهنگی آموزش - ۲۴۴
ص. - رحلی (شمیز) - ۱۹۵۰۰ ریال -
چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه
شابک: ۹۶۴-۲۲۶-۱۲-۴

۹۱- مجموعه طبقه بندی شده
زبان انگلیسی نظام جدید، پیش
دانشگاهی، نظام قدیم:
کنکورهای سراسری و آزاد ...
گردآورنده: کریم خلیلی - تهران: کانون
فرهنگی آموزش - ۳۲۸ ص. - رحلی
(شمیز) - ۲۸۵۰۰ ریال - چاپ بیست و
هفتم / ۵۰۰۰ نسخه
شابک: ۹۶۴-۳۲۶-۰۶۵-۸

۹۲- ۱۰۰۰ نکته در ??? طبقه -
بندی شده زبان انگلیسی پیش-
دانشگاهی ۱ و ۲.
پرویز غفریان - تهران: آیدگان - ۲۲۴
ص. - رحلی (شمیز) - ۲۰۰۰۰ ریال -
چاپ نهم / ۵۰۰۰ نسخه
شابک: ۹۶۴-۶۹۱۴-۳۰-۶

چاپ اول

93- English grammar in
use: a self - study refer-
ence and practice
Raymond Murphy - تهران:
پیک مشاور - ۳۶۰ ص. - وزیر
(شمیز) - ۱۱۰۰۰ ریال - چاپ اول /
۱۰۰۰۰ نسخه

چاپ اول

94- English sentence stru-
cture.
[et al] Robert Krohn - تهران:
کتاب ایرانیان - ۳۰۸ ص. -
وزیر (شمیز) - ۷۵۰۰ ریال - چاپ
اول / ۵۰۰۰ نسخه
شابک: ۹۶۴-۹۲۶۲۲-۸-۰

95- English sentence stru-
cture.
[et al] Robert Krohn - تهران:
پژوهش - ۳۰۶ ص. - وزیر

(شمیز) - ۹۵۰۰ ریال - چاپ چهاردهم
/ ۵۰۰۰ نسخه

چاپ اول

96- How english works a
grammar practice book.
Catherine Michael Swan
Walter - تهران: رهنما - ۳۵۸ ص.
- وزیر (شمیز) - ۱۴۰۰۰ ریال - چاپ
اول / ۳۰۰۰ نسخه

کاربرد زبان انگلیسی معیار

چاپ اول

۹۷- آموزش انگلیسی به زبان
ساده ویژه داوطلبان کنکور.
هاشم نیکوروش - یزد: نیکو روش -
۱۶۲ ص. - وزیر (شمیز) - ۷۰۰۰
ریال - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه
شابک: ۹۶۴-۹۰۱۰۱-۶-۵

چاپ اول

۹۸- راهنمای جامع انگلیسی
برای دانشجویان کشاورزی (۱)
English for the
students of agriculture (1
 مترجم: شریعتی شبو - یزد: دانش آر.
- ۱۷۲ ص. - وزیر (شمیز) - ۶۵۰۰
ریال - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه

چاپ اول

۹۹- راهنمای جامع انگلیسی
پیش دانشگاهی.
سلمان اسماعیل زاده رودسری: ویراستار:
یدالله بدرکوهی - تهران: سلمان
اسماعیل زاده رودسری - ۲۱۶ ص. -
وزیر (شمیز) - ۱۳۰۰۰ ریال - چاپ
اول / ۳۰۰۰ نسخه
شابک: ۹۶۴-۳۵۰-۱۵۷-۴

۱۰۰- راهنمای جامع انگلیسی
پیش دانشگاهی.
سلمان اسماعیل زاده رودسری: ویراستار:
یدالله بدرکوهی - تهران: نگار -
۲۳۲ ص. - وزیر (شمیز) - ۷۵۰۰
ریال - چاپ چهارم / ۳۰۰۰ نسخه
شابک: ۹۶۴-۶۲۳۵-۰۲-۶

چاپ اول

۱۰۱- راهنمای کامل انگلیسی
برای دانشجویان فنی و مهندسی
English for the students
of engineering
مترجم: فریبرز قنبری: ویراستار: عبدالله

قنبری - تهران: آذران - ۲۷۰ ص. -
وزیر (شمیز) - ۷۵۰۰ ریال - چاپ
اول / ۵۰۰۰ نسخه
شابک: ۹۶۴-۹۰۵۲۰-۲-X

۱۰۲- مجموعه سبوالات
کارشناسی ارشد رشته های
مدیریت (بازرگانی - صنعتی -
دولتی).

داور ونوس - تهران: نگاه دانش - ۲۲۲
ص. - وزیر (شمیز) - ۱۲۰۰۰ ریال -
چاپ دوم / ۵۰۰۰ نسخه

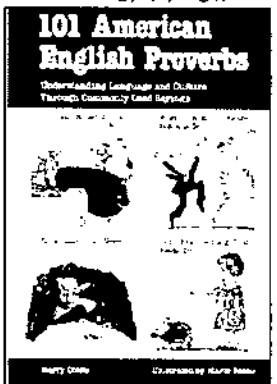
عنوان به لاتین:
Compilation of 1000
selected tests in
management compiled...
شابک: ۹۶۴-۹۱۳۲۶-۸-۱

۱۰۳- مکالمات روزمره انگلیسی
(همراه با تلفظ و واژه نامه).

لمیت اسکندری - تهران: صبا - ۲۷۲
ص. - بیاضی (شمیز) - ۵۰۰۰ ریال -
چاپ دوم / ۱۰۰۰۰ نسخه
شابک: ۹۶۴-۶۴۴۸-۰۸-۹

چاپ اول

104- 101 american engl-
ish proverbs
Harry Collins - تهران: صبح
صادق - ۱۲۸ ص. - وزیر (شمیز) -
۶۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه



کتاب حاضر متضمن ۱۰۱ ضربالمثل و
حکایت کوتاه است که با طرح هایی از
مضامین هر یک به زبان انگلیسی به
چاپ رسیده است. پایان کتاب شامل
نمایه موضوعی است.

چاپ اول

105- Advanced grammar
in use.
Martin Hewings - تهران:
رهنما - ۳۵۲ ص. - وزیر (شمیز) -
چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه

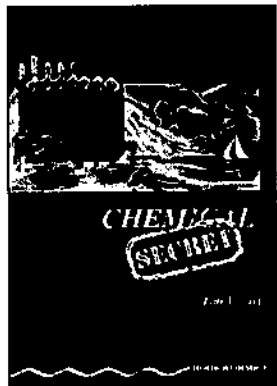
120- Cambridge IELTS 2: examination papers from the university of cambridge local examinations

چاپ اول

تهران: معلم - ۱۷۲ ص. - وزیری (شمیز) - ۹۵۰۰ ریال - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه.

چاپ اول

121- Chemical secret.
Tim Vicary - تهران: اشتیاق - ۶۴ ص. - رقی (شمیز) - ۳۵۰۰ ریال - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.
عنوان به فارسی:
ماده شیمیایی محرمانه



ماده شیمیایی محرمانه داستان کوتاهی است به زبان انگلیسی که برای زبان آموزان سطح ۳ به چاپ رسیده و در پایان تعدادی تمرین، پرسش، درک مطلب و معنی واژه‌های مهم و اصلی کتاب آمده است. کتاب با تصویری از حوادث داستان همراه است. ماجرای داستان درباره مرد زیست‌شناسی است که در تنگنای مالی قرار می‌گیرد و حاضر می‌شود به هر کاری بایستد به پول دست بزند، اما چون او پایتد به اصول اخلاقی و انسانی است و به حفظ محیط زیست برای بقای نسل‌های بعدی ایمان دارد، از استفاده نابجا و غیر انسانی از ماده شیمیایی خطرناک خودداری می‌کند.

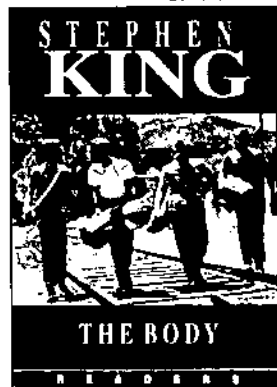
چاپ اول

122- Dead man's river.
Elizabeth Laird - تهران: قلمستان هنر - ۱۶ ص. - رقی (شمیز) - ۳۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۸۰۰۰ نسخه.
عنوان به فارسی:
رودخانه مرد مرده

Derek David Wharry ویراستار: Strange - تهران: قلمستان هنر - ۴۸ ص. - رقی (شمیز) - ۳۵۰۰ ریال - چاپ دوم / ۵۰۰۰ نسخه.

چاپ اول

116- The body.
Stephen King - تهران: قلمستان هنر - ۷۶ ص. - رقی (شمیز) - ۳۵۰۰ ریال - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.



جسد عنوان داستانی است که برای مخاطبان سطح بالاتر از متوسط در قالب ۲۳۰۰ واژه جدید انگلیسی به طبع رسیده است. این داستان ماجراجویی، متضمن تصاویری از متن و تمریناتی در انتهای کتاب است.

چاپ اول

117- Build your vocabulary.
Michael John Fower - تهران: جهان ادیب - ۹۶ ص. - جلد دوم - وزیری (شمیز) - ۳۳۰۰ ریال - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه.

چاپ اول

118- Build your vocabulary.
Michael John Flower - تهران: جهان ادیب - ۹۶ ص. - جلد اول - وزیری (شمیز) - ۳۳۰۰ ریال - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه.

چاپ اول

119- Build your vocabulary.
Michael John Flower - تهران: جهان ادیب - ۹۶ ص. - جلد سوم - وزیری (شمیز) - ۴۲۰۰ ریال - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه.

113- Billy and the queen.
Stephen Rabley - تهران: قلمستان هنر - ۱۶ ص. - رقی (شمیز) - ۳۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۸۰۰۰ نسخه.
عنوان به فارسی:
بیلی و ملکه

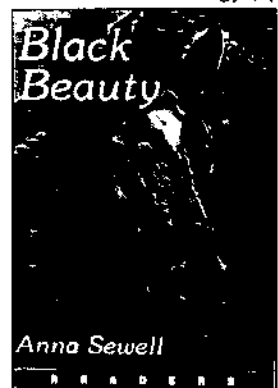
چاپ اول



بیلی و ملکه داستان است مصور و رنگی به زبان ساده انگلیسی که زبان آموزان در آن با ۲۰۰ واژه جدید آشنا می‌شوند. پایان کتاب شامل چند تمرین از متن داستان است.

چاپ اول

114- Black beauty.
John Anna Sewell - تهران: قلمستان هنر - ۴۸ ص. - رقی (شمیز) - ۳۵۰۰ ریال - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.



در داستان زیبای سیاه داستانی کلاسیک به زبان انگلیسی، حاوی ۱۲۰۰ واژه و اصطلاح جدید، به چاپ رسیده است. مخاطبان این داستان زبان آموزان سطح متوسط هستند. کتاب حاوی تصاویری چند از ماجراها و تمریناتی از متن داستان است.

115- The black cat and other stories: level 3.
Edgar Allapoe - تهران: باز نویسی

۵۰۰۰ نسخه.

چاپ اول

109- A basic course in reading english: for university students.

F. A. Jafarpur ویراستار: Mohammad Sadighi - تهران: کتاب ایرانیان - ۲۰۰ ص. - وزیری (شمیز) - ۵۵۰۰ ریال - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۹۲۳۱۱-۲-۲

110- A basic course in reading english: for university students.
Faranak Sadiqi A. Jafarpur Mohammad Hassan - تهران: پژوهش - ۲۰۰ ص. - وزیری (شمیز) - ۶۵۰۰ ریال - چاپ سیزدهم / ۵۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۵۶۲۴-۱۲-۶

چاپ اول

111- Basic survival.
Peter Viney - تهران: رهنما - ۱۰۴ ص. - وزیری (شمیز) - ۱۳۵۰۰ ریال - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.

چاپ اول

112- Between two worlds.
Stephen Rabley - تهران: قلمستان هنر - ۱۶ ص. - رقی (شمیز) - ۳۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۸۰۰۰ نسخه.

عنوان به فارسی:
بین دو جهان



عنوان این داستان کوتاه انگلیسی بین دو جهان است که در قالب ۲۰۰ واژه جدید برای زبان آموزان سطح آغازین فراهم آمده است. کتاب دارای تصاویری رنگی از متن داستان است و در صفحه انتهایی آن نیز چند تمرین از متن به چاپ رسیده است.

106- The adventures of huckleberry finn.
Mark Twain ویراستار: Diane Mowat - تهران: فرهنگستان زبان - ۴۸ ص. - رقی (شمیز) - ۲۵۰۰ ریال - چاپ دوم / ۳۰۰۰ نسخه.

چاپ اول

107- American short stories (in special english).
S. Khosronejad - تهران: صلح - ۳۲ ص. - رقی (شمیز) - ۳۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۹۱۱۳۱-۰۰-۳



در جلد نخست از مجموعه داستان‌های کوتاه آمریکایی سه داستان کوتاه به زبان انگلیسی به چاپ رسیده است. اولین داستان، روایتی است از زندگی خلاقانه‌ای که برای کار در یک معدن طلا جمع آمده‌اند. در میان آنان زن و شوهری نیز مشغول به کار هستند که با به دنیا آمدن کودک، همزمان مادر جان می‌سپارد و مرد نگهداری بچه را تاگزیر برعهده می‌گیرد، اما در یک روز بهاری که باران به شدت باریده بود شب هنگام رودخانه نزدیک معدن طغیان می‌کند و همگان در میان انبوه آب‌های موج غرق می‌شوند، جز آن که گهواره کودک بر سر آب آمده و مردی نیز با آن خود را از مرگ نجات داده است. این کتاب برای زبان آموزان سطح پیشرفته به طبع رسیده است.

چاپ اول

108- A basic course in reading english: for university students.
F. A. Jafarpur ویراستار: Mohammad Sadighi - تهران: حریم یاس - ۱۹۴ ص. - وزیری (شمیز) - ۶۵۰۰ ریال - چاپ اول / ۱۳۷۹



رودخانه مرد مرده داستان جذابی است که به زبان ساده انگلیسی برای زبان آموزان پایه آغازین تهیه شده و در آن ۲۰۰ واژه جدید گنجانده شده است. در پایان این کتاب مصور و رنگی تمریناتی چند از متن داستان آمده است.

چاپ اول

123- Dinos day in london.
Stephen Rabley - تهران:
قلمستان هنر - ۱۶ ص. - رقی (شمیز).
۳۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۸۰۰۰ نسخه.

عنوان به فارسی:
روز دینو در لندن



در این نوشتار، داستانی کوتاه برای زبان آموزان مبتدی به طبع رسیده است. این داستان، متضمن ۲۰۰ واژه جدید است. در پایان کتاب نیز چند پرسش و تمرین فراهم آمده است. ماجرای داستان، گردش یک روزه پسر بچه‌ای به نام 'دینو' است. مادر 'دینو' که هنرپیشه است از یک راننده تاکسی می‌خواهد تا جاهای دیدنی شهر لندن را به 'دینو' نشان دهد. راننده تاکسی تمام روز را صرف این کار می‌کند. 'دینو' در این گردش یک روزه با ماجراهایی مواجه می‌شود که داستان براساس آن شکل گرفته است.

124- East. west: student book.
David P. Kathleen Graves
Rein - تهران: زبانشرا - ۱۷۸ ص.
جلد دوم - وزیر (شمیز) - ۲۴۰۰۰ ریال - چاپ دوم / ۵۰۰۰ نسخه.

125- East. west: work-book.

David P. Rein - تهران: زبانشرا.
جلد سوم - رحلی (شمیز) - ۶۴ ص.
۶۵۰۰ ریال - چاپ دوم / ۵۰۰۰ نسخه.

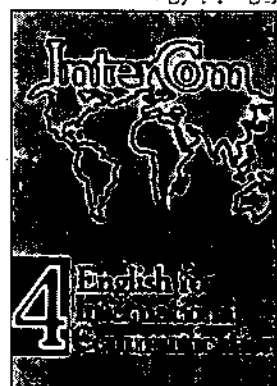
126- East. west: work-book.

David P. Rein
Kathleen Graves - تهران: زبانشرا - ۶۴ ص.
جلد دوم - رحلی (شمیز) - ۵۵۰۰ ریال - چاپ سوم / ۵۰۰۰ نسخه.

چاپ اول

127- English for international communication.

Richard C. Yorkey
[et al] - تهران: صبح صادق - ۲۰۸ ص.
جلد چهارم - وزیر (شمیز) - ۸۵۰۰ ریال - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.



شماره چهارم از مجموعه انگلیسی برای ارتباط بین‌المللی شامل متن‌های متنوعی به زبان انگلیسی است که در قالب آن واژگان رایج و پر کاربرد - همراه با تصاویر و تمرینات متعدد - آموزش داده می‌شود.

چاپ اول

128- English for international communication.

Richard C. Yorkey
[et al] - تهران: صبح صادق - ۲۰۸ ص.
جلد اول - وزیر (شمیز) - ۸۵۰۰ ریال - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.



جلد نخست از مجموعه انگلیسی برای ارتباط بین‌المللی متضمن عبارات و جملات ابتدایی و ضروری زبان انگلیسی است که همراه با تصاویر گوناگون و تمرینات مختلف - به زبان انگلیسی - به طبع رسیده است.

چاپ اول

129- English for international communication.

Richard C. Yorkey
[et al] - تهران: صبح صادق - ۲۰۸ ص.
جلد دوم - وزیر (شمیز) - ۸۵۰۰ ریال - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.



در شماره دوم از مجموعه: English for International Communication (انگلیسی برای ارتباط بین‌المللی) برخی دیگر از جملات پایه زبان انگلیسی همراه با گرامر و نحوه ساخت عبارات آموزش داده می‌شود. در این کتاب، تصاویری از موضوعات مورد نظر و تمرینات متعددی از مباحث متن، جمع آمده است.

چاپ اول

130- English for international communication.

Richard C. Yorkey
[et al] - تهران: صبح صادق - ۲۰۸ ص.
جلد سوم - وزیر (شمیز) - ۸۵۰۰ ریال - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.



در شماره سوم از مجموعه حاضر که شامل متن‌های ساده، تصاویر متعدد و

تمرینات پایه‌ای زبان انگلیسی است. مخاطبان برخی دیگر از اصطلاحات، عبارات و جملات انگلیسی را فرا می‌گیرند.

چاپ اول

131- English for students of chemistry.

Mahshid Kazem Mirjalili
Roshani - تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت) - ۲۹۰ ص. - وزیر (شمیز) - ۸۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه.

عنوان به فارسی:
انگلیسی برای دانشجویان رشته شیمی
شابک: ۹۶۴-۴۵۹-۴۴۶-۰

132- English for students of engineering.

[et al] Parviz Bidahri
- تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت) - ۲۵۲ ص. - وزیر (شمیز) - ۶۰۰۰ ریال - چاپ پانزدهم / ۲۰۰۰ نسخه.

عنوان به فارسی:
انگلیسی برای دانشجویان رشته فنی و مهندسی
شابک: ۹۶۴-۴۵۹-۰۰۵-۸

چاپ اول

133- English for students of natural resources engineering

Jamaloddin Jalalipour
- تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت) - ۲۵۶ ص. - وزیر (شمیز) - ۶۵۰۰ ریال - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه.

عنوان به فارسی:
انگلیسی برای دانشجویان رشته مهندسی منابع طبیعی ...
شابک: ۹۶۴-۴۵۹-۴۳۵-۵

134- English for students of physics.

Esmail Faghih
- تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت) - ۲۴۲ ص. - وزیر (شمیز) - ۶۰۰۰ ریال - چاپ سوم / ۲۰۰۰ نسخه.

عنوان به فارسی:
انگلیسی برای دانشجویان رشته فیزیک
شابک: ۹۶۴-۴۵۹-۳۳-۱

135- English for students of preschool and primary education.

Mansour koosha - تهران:

سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت) - ۱۰۸ ص. - وزیر (شمیز) - ۳۰۰۰ ریال - چاپ سوم / ۲۰۰۰ نسخه.

عنوان به فارسی:
انگلیسی برای دانشجویان رشته آموزش و پرورش پیش‌دستانی و ...
شابک: ۹۶۴-۴۵۹-۲۷۲-۷

136- English for the students of accounting and management.

Hassan Kazemi Shariat
Panahi - تهران: قوس - ۲۰۶ ص.
جلد دوم - وزیر (شمیز) - ۹۵۰۰ ریال - چاپ چهارم / ۲۰۰۰ نسخه.

عنوان به فارسی:
انگلیسی برای دانشجویان حسابداری و مدیریت
شابک: ۹۶۴-۵۵۱۶-۳۹-۰

137- English for the students of social sciences.

Akbar Farhad Moshfeghi
Afghari - تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت) - ۲۲۸ ص. - جلد دوم - وزیر (شمیز) - ۱۰۰۰۰ ریال - چاپ یازدهم / ۱۰۰۰۰ نسخه.

عنوان به فارسی:
انگلیسی برای دانشجویان رشته علوم اجتماعی
شابک: ۹۶۴-۴۵۹-۰۰۸-۲

چاپ اول

138- Essential words for the TOEFL.

Steven J. Matthiesen
- تهران: قلمستان هنر - ۳۰۴ ص. - وزیر (شمیز) - ۱۲۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.

چاپ اول

139- Frankenstein.

Mary Shelley - تهران: اشتیاق - ۶۲ ص. - رقی (شمیز) - ۲۵۰۰ ریال - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.

عنوان به فارسی: فرانک اشتاین
'فرانک اشتاین' داستانی است مهیج و ماجراجویی که برای زبان آموزان پایه ۳ به زبان انگلیسی تدوین شده است. کتاب با

Marcel and the Mona Lisa

Stephen Rabley

ناشر: قلمستان هنر

آموزان سطح 'آغازین' در نظر گرفته شده است.

چاپ اول

156- Marcel and the white star.

Stephen Rabley - تهران: قلمستان هنر. - ۱۶ ص. - رقی (شمیز). - ۳۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۸۰۰۰ نسخه.

عنوان به فارسی: مارسل و ستاره سفید



داستان ساده 'مارسل و ستاره سفید' که با تصاویر رنگی و در قالب ۲۰۰ واژه جدید به طبع رسیده، برای قرائت زبان آموزان پایه 'آغازین' در نظر گرفته شده است. کتاب با چند تمرین از متن داستان به پایان می‌رسد.

157- N. I. E english series.

Abbas Horri - تهران: هوای تازه. - ۷۸ ص. - جلد یازدهم. - رقی (شمیز). - ۱۵۰۰ ریال. - چاپ دوم / ۳۳۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۷۲۲۲-۰۶-۸

158- New american streamline destinations: workbook A units 1-40.

Peter Bernard Hartley - تهران: کربلا. - ۸۲ ص. - وزیر (شمیز). - (دوره) ۱۱۰۰۰ ریال.

153- Longman preparation course for the TOEFL test: practice tests.

Deborah Phillips - تهران: اشتیاق. - ۲۰۸ ص. - رحلی (شمیز). - ۱۵۰۰۰ ریال. - چاپ چهارم / ۳۰۰۰ نسخه.

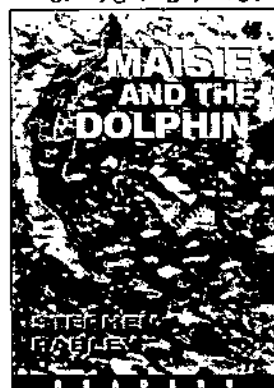
عنوان به فارسی: نافل لانگمن

چاپ اول

154- Maisie and the dolphin.

Stephen Rabley - تهران: قلمستان هنر. - ۱۶ ص. - رقی (شمیز). - ۳۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۸۰۰۰ نسخه.

عنوان به فارسی: میسی و دلفین



'میسی و دلفین' عنوان داستان کوتاهی است از 'استفان رابلی' که به زبان ساده انگلیسی و همراه با تصاویر رنگی از محتوای داستان برای زبان آموزان سطح 'آغازین' به چاپ رسیده است. این کتاب دارای ۲۰۰ واژه کاربردی است و در انتهای آن چند تمرین از متن گنجانده شده است.

چاپ اول

155- Marcel and the mona lisa.

Stephen Rabley - تهران: قلمستان هنر. - ۱۶ ص. - رقی (شمیز). - ۳۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۸۰۰۰ نسخه.

عنوان به فارسی: مارسل و مونالیزا

'مارسل و مونالیزا' عنوان داستان ساده‌ای است به زبان انگلیسی که مجموعاً دویست واژه و اصطلاح جدید را شامل می‌شود. کتاب با تصاویر رنگی از ماجراها و چند تمرین از متن همراه است. این داستان برای قرائت زبان

تمریناتی از متن همراه است. این داستان



مجموعاً ۲۰۰ واژه جدید را در بردارد.

چاپ اول

150- The leopard and the lighthouse.

Anne Collins - تهران: قلمستان هنر. - ۱۶ ص. - رقی (شمیز). - ۳۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۸۰۰۰ نسخه.

عنوان به فارسی:

پلنگ و فانوس دریایی



زبان آموزان سطح 'آغازین' در داستان 'پلنگ و فانوس دریایی' دویست واژه یا اصطلاح جدید را فرا می‌گیرند. این داستان با تصاویر رنگی از وقایع و چند تمرین در پایان، همراه است.

چاپ اول

151- Longman dictionary of common errors.

Nigel D. Turton - تهران: بوته. - ۴۴۸ ص. - رقی (شمیز). - ۱۸۵۰۰ ریال. - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه.

152- Longman preparation course for the TOEFL test.

Deborah Phillips - تهران: قلمستان هنر. - ۳۱۲ ص. - جلد چهارم. - رحلی (شمیز). - ۲۵۰۰۰ ریال. - چاپ سوم / ۳۰۰۰ نسخه. عنوان به فارسی: نافل لانگمن

(شمیز). - ۱۵۰۰۰ ریال. - چاپ چهارم / ۵۰۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۵۵۳۰-۰۱-۶

143- Headway elementary: workbook.

John Soars, Liz Soars - تهران: زبانسرا. - ۸۰ ص. - رحلی (شمیز). - ۶۰۰۰ ریال. - چاپ چهارم / ۱۰۰۰۰ نسخه.

144- Headway video: activity book pre-intermediate.

Tim Falla, John Soars, Liz Soars - تهران: یک زبان. - ۸۰ ص. - رحلی (شمیز). - ۲۵۰۰۰ ریال. - چاپ دوم / ۱۰۰۰۰ نسخه.

145- Headway: workbook elementary.

John Soars, Liz Soars - تهران: زبانسرا. - ۸۰ ص. - رحلی (شمیز). - ۶۰۰۰ ریال. - چاپ چهارم / ۱۰۰۰۰ نسخه.

146- The hen and the bull: level 1.

Saki - تهران: قلمستان هنر. - ۲۲ ص. - رقی (شمیز). - ۳۰۰۰ ریال. - چاپ دوم / ۵۰۰۰ نسخه. عنوان به فارسی: مرغ و گاو

147- International 2.

Abbas Horri - تهران: هوای تازه. - ۶۴ ص. - وزیر (شمیز). - ۱۵۰۰ ریال. - چاپ چهارم / ۵۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۹۰۱۴۸-۳-۹

148- International 3.

Abbas Horri - تهران: هوای تازه. - ۶۶ ص. - وزیر (شمیز). - ۱۵۰۰ ریال. - چاپ دوم / ۵۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۷۲۲۲-۰۷-۶

چاپ اول

149- The last photo.

Bernard Smith - تهران: قلمستان هنر. - ۱۶ ص. - رقی (شمیز). - ۳۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۸۰۰۰ نسخه.

عنوان به فارسی:

آخرین عکس

'آخرین عکس' عنوان داستان کوتاهی است به زبان ساده انگلیسی که با تصاویر رنگی از محتوای داستان، نیز



تصاویری از ماجراها، چند تمرین، و معانی پارامی از واژگان همراه است.

140- Ghost stories.

Rosemary Border - بازنویسی: تهران: فرهنگستان زبان. - ۹۴ ص. - رقی (شمیز). - ۳۲۰۰۰ ریال. - چاپ دوم / ۳۰۰۰ نسخه. عنوان به فارسی: داستان ارواح

چاپ اول

141- Hannah and the hurricane.

John Escott - تهران: قلمستان هنر. - ۱۶ ص. - رقی (شمیز). - ۳۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۸۰۰۰ نسخه. عنوان به فارسی: هانا و طوفان



کتاب، یکی دیگر از داستان‌های کوتاه انگلیسی است که برای قرائت زبان آموزان پایه 'آغازین' (Easy Starts) و به زبانی ساده تدوین شده است. داستان حاضر (هانا و طوفان) با ۳۰۰ واژه جدید و تصاویر رنگی همراه بوده در انتها تمریناتی چند از متن داستان درج گردیده است.

142- Headway elementary: student's book.

John Soars, Liz Soars - تهران: زبانسرا. - ۱۲۸ ص. - رحلی

چاپ دوم / ۱۰۰۰۰ نسخه.

159- The old man and the sea.

Ernest Hemingway - تهران: اشتیاق. - ۱۱۲ ص. - رقی (شمیز). - ۴۵۰۰ ریال. - چاپ دوم / ۸۰۰۰ نسخه.

160- Oliver twist.

Charles Dickens - تدوین: Ahmad Poori - تهران: Richard Rogers - اشتیاق. - ۱۱۲ ص. - رقی (شمیز). - ۳۲۰۰ ریال. - چاپ دوم / ۵۰۰۰ نسخه. عنوان به عربی: البور توئیست

چاپ اول

161- Patterns a short prose reader.

Mary lou conlin - تهران: رهنما. - ۴۰۰ ص. - وزیر (شمیز). - ۱۰۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.

162- The picture of dorian gray.

Oscar Wilde - تهران: اشتیاق. - ۱۱۲ ص. - رقی (شمیز). - ۳۰۰۰ ریال. - چاپ دوم / ۳۰۰۰ نسخه. عنوان به فارسی: تصویر دorian گری

چاپ اول

163- Practising idioms.

Donald Watson - تهران: رهنما. - ۸۸ ص. - وزیر (شمیز). - ۴۵۰۰ ریال. - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.

چاپ اول

164- Reading and understanding psychology.

Yasmin Mondy - تهران: ویرایش. - ۲۳۸ ص. - وزیر (شمیز). - ۲۲۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۲۲۰۰۰ نسخه.

عنوان به فارسی: متون روان شناسی به زبان انگلیسی شابک: ۹۶۴-۶۱۸۴-۱۹-۷

165- Scottforesman parade.

Christine Kay Williams - تهران: شکوه اندیشه. - ۹۶ ص. - چاپ سوم / ۱۰۰۰۰ نسخه.

166- Scottforesman parade.

Mario Herrera Salazar et al - تهران: شکوه اندیشه. - ۹۶ ص. - چاپ دوم / ۱۰۰۰۰ نسخه.

ص. - جلد دوم. - رحلی (شمیز). - چاپ دوم / ۱۰۰۰۰ نسخه.

167- Scottforesman parade: starter.

Mario Herrerd Salazar - تهران: شکوه اندیشه. - ۸۸ ص. - رحلی (شمیز). - چاپ سوم / ۱۰۰۰۰ نسخه.

168- Scottforesman parade: teacher's edition.

Mario Herrera Salazaret al - تهران: شکوه اندیشه. - ۱۱۶ ص. - جلد سوم. - رحلی (گالینگور). - چاپ سوم / ۵۰۰۰ نسخه.

169- Scottforesman parade: teacher's edition.

Mario Herrera Salazar - تهران: شکوه اندیشه. - ۱۱۴ ص. - جلد پنجم. - رحلی (گالینگور). - چاپ سوم / ۱۰۰۰۰ نسخه.

170- Scottforesman parade: teacher's edition.

Mario Herrera Salazar - تهران: شکوه اندیشه. - ۱۱۸ ص. - جلد چهارم. - رحلی (گالینگور). - چاپ سوم / ۵۰۰۰ نسخه.

171- Scottforesman parade: teacher's edition.

Mario Herrera Salazar - تهران: شکوه اندیشه. - ۱۱۴ ص. - جلد ششم. - رحلی (گالینگور). - چاپ سوم / ۵۰۰۰ نسخه.

172- Scottforesman parade: teacher's edition.

Mario Herrera Salazar et al - تهران: شکوه اندیشه. - ۱۱۲ ص. - جلد دوم. - رحلی (شمیز). - چاپ سوم / ۱۰۰۰۰ نسخه.

173- Scottforesman parade: teacher's edition.

Mario Herrera Salazar - تهران: شکوه اندیشه. - ۱۱۲ ص. - جلد اول. - رحلی (گالینگور). - چاپ سوم / ۱۰۰۰۰ نسخه.

174- Scottforesman parade: workbook.

Judy Veramendi - تهران: شکوه اندیشه. - ۸۰ ص. - جلد دوم. - رحلی (شمیز). - چاپ دوم / ۱۰۰۰۰ نسخه.

175- Scottforesman parade: workbook.

Christine Kay Williams - تهران: شکوه اندیشه. - ۸۰ ص. - جلد

اول. - رحلی (شمیز). - چاپ سوم / ۱۰۰۰۰ نسخه.

176- Short stories for oral reproduction.

Abbas Ali Rezai - تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت). - ۱۴۴ ص. - وزیر (شمیز). - ۳۵۰۰ ریال. - چاپ پنجم / ۷۰۰۰ نسخه. عنوان به فارسی: بیان شفاهی داستان کوتاه شابک: ۹۶۴-۴۵۹-۲۱۵-۸

چاپ اول

177- Simon and the spy.

Elizabeth Laird - تهران: قلمستان هنر. - ۲۲ ص. - رقی (شمیز). - ۳۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۸۰۰۰ نسخه. عنوان به فارسی: سیمون و جاسوس



سیمون و جاسوس داستان کوتاه جذابی است که در قالب ۲۰۰ واژه جدید برای قرائت زبان آموزان سطح آغازین در نظر گرفته شده است. کتاب با تصاویری رنگی از ماجراها و تمریناتی چند در انتها همراه است.

178- Sky jack!.

Tim Vicary - تهران: اشتیاق. - ۶۴ ص. - رقی (شمیز). - ۲۵۰۰ ریال. - چاپ سوم / ۵۰۰۰ نسخه. عنوان به فارسی: هواپیمابرایی

179- Spectrum 3A: a communicative course in english.

Nancy Frankfort et al - تهران: شکوه اندیشه. - ۲۳۸ ص. - رحلی (گالینگور). - چاپ سوم / ۱۰۰۰۰ نسخه.

180- Spectrum 3B: a communicative course in english.

Nancy Frankfort et al - تهران: شکوه اندیشه. - ۲۳۸ ص. - رحلی (گالینگور). - چاپ سوم / ۱۰۰۰۰ نسخه.

تهران: شکوه اندیشه. - ۲۳۴ ص. - رحلی (گالینگور). - چاپ سوم / ۱۰۰۰۰ نسخه.

181- Spectrum 4A: a communicative course in english.

Nancy Frankfort et al - تهران: شکوه اندیشه. - ۲۳۸ ص. - رحلی (گالینگور). - چاپ سوم / ۱۰۰۰۰ نسخه.

182- Spectrum 4B: a communicative course in english.

Nancy Frankfort et al - تهران: شکوه اندیشه. - ۲۳۶ ص. - رحلی (شمیز). - چاپ سوم / ۱۰۰۰۰ نسخه.

183- Spectrum teacher's edition a communicative course in english.

Donald Sandra Costinetti - Anna Veltfort R.H. Byrd - تهران: شکوه اندیشه. - ۱۵۶ ص. - جلد ششم. - رحلی (گالینگور). - چاپ سوم / ۵۰۰۰ نسخه.

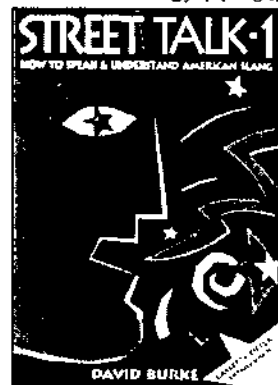
184- Spectrum teacher's edition: a communicative course in english.

Donald Sandra Costinetti - Anna Veltfort R.H. Byrd - تهران: شکوه اندیشه. - ۱۵۶ ص. - چاپ پنجم. - رحلی (گالینگور). - چاپ سوم / ۱۰۰۰۰ نسخه.

چاپ اول

185- Street talk-1: How to speak & understand american slang.

David Burke - تهران: محدث. - ۲۸۸ ص. - وزیر (شمیز). - ۱۵۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.



جلد نخست از مجموعه 'STREET TALK' راهنمای آموزش زبان انگلیسی آمریکایی است که در آن مکالمات روزمره و محاوره‌ای همراه با

تمرینات متعدد و تصاویر گوناگون، آموزش داده می‌شود.

186- Tales of mystery and imagination.

Edgar Allan Poe - تهران: اشتیاق. - ۶۴ ص. - رقی (شمیز). - ۳۰۰۰ ریال. - چاپ سوم / ۵۰۰۰ نسخه. عنوان به فارسی: داستانهای مرموز و خیالی

187- Tales of mystery and imagination.

Edgar Allan Poe - تهران: اشتیاق. - ۶۴ ص. - رقی (شمیز). - ۳۰۰۰ ریال. - چاپ دوم / ۳۰۰۰ نسخه. عنوان به فارسی: داستانهای مرموز و خیالی

چاپ اول

188- The fugitive.

J.M. Dillard - تهران: قلمستان هنر. - ۴۲ ص. - رقی (شمیز). - ۲۵۰۰ ریال. - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه. عنوان به فارسی: فراری

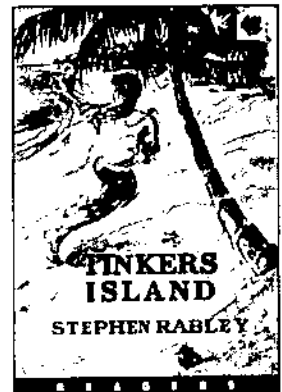


فراری عنوان داستانی است به زبان انگلیسی در قالب ۱۲۰۰ واژه و اصطلاح کاربردی که برای زبان آموزان سطح متوسط به چاپ رسیده است. کتاب با تصاویری از ماجراها و تمریناتی چند در انتها همراه شده است.

چاپ اول

189- Tinkers island.

Stephen Rabley - تهران: قلمستان هنر. - ۱۶ ص. - رقی (شمیز). - ۳۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۸۰۰۰ نسخه. عنوان به فارسی: جزیره تینکرز



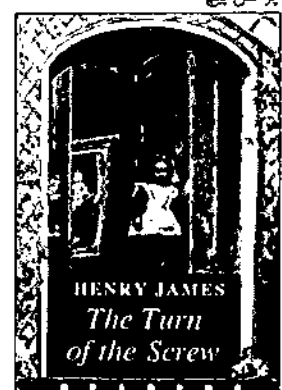
جزیره تینکوز داستان ساده‌ای است به زبان انگلیسی که برای زبان آموزان سطح آغازین - در قالب ۲۰۰ واژه جدید - فراهم آمده است. در انتهای این کتاب مصور و رنگی تمریناتی چند از متن به طبع رسیده است.

چاپ اول

190- Toefl grammar in a flash.
Fatemeh Tavakkoli
Mohammad sadeq Baqeri
تهران: قلم فرزندانگان - ۳۷۲ ص.
وزیری (شمیز) - ۲۲۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه
شابک: ۹۶۴-۷۰۵۰-۳۴-۸

چاپ اول

191- The turn of the screw.
Heney James
تهران: قلمستان هنر - ۴۲ ص. - رقی (شمیز) - ۳۵۰۰ ریال - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه
عنوان به فارسی: چرخش پیچ



داستان "چرخش پیچ" که متضمن ۱۲۰۰ واژه و اصطلاح کاربردی است، داستانی است کلاسیک به زبان انگلیسی. این داستان برای زبان‌آموزان سطح متوسط به چاپ رسیده و در ۷ به‌لای آن چند تصویر و در انتها نیز تمریناتی از متن گنجانده شده است.

زبان آلمانی - واژه‌نامه‌ها

۱۹۲- فرهنگ آلمانی - فارسی.
حسین پنبه‌چی - تهران: دنیای نو - ۶۲۰ ص. - جیبی (شمیز) - ۱۷۵۰۰ ریال - چاپ سوم / ۳۱۵۰ نسخه
شابک: ۹۶۴-۶۵۶۴-۱۹-۴

چاپ اول

۱۹۳- واژه‌نامه سه زبانه آلمانی - انگلیسی - فارسی.
پاول روش: مترجم: محسن محسنی - تهران: گوهرین - ۱۲۴ ص. - جلد دوم. - وزیری (شمیز) - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه

زبان فرانسوی - واژه‌نامه‌ها

چاپ اول

194- La larousse de poche 2001: dictionnaire de la Langue ...
تهران: رانسد - ۹۹۲ ص. - جیبی (شمیز) - ۲۹۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه

زبانهای هند و اروپای شرقی و

سلتی

چاپ اول

۱۹۵- بلغاری برای فارسی زبانها: مکالمات روزمره، دستور زبان و راهنمای سفر.
مارگاریت الکسوا، یوگنی یا پاونووا: مترجم: شعبان آزادی کناری، نویراستار: ولین پتکوف - تهران: پرچم - ۲۰۲ ص. - وزیری (شمیز) - ۱۸۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه
عنوان به لاتین: Bulgarian for persian speakers
شابک: ۹۶۴-۹۲۸۳-۱۰-۳

این کتاب ترجمه‌ای است از: English Bulgarian Conversation Second Edition
عبارت‌های مورد نیاز زبان بلغاری برای مکالمه - به همراه اصطلاحات، فهرست لغات و راهنمای سفر - تدوین شده است. در ابتدای کتاب نکاتی در باب



دستور زبان بلغاری ذکر گردیده است.

۱۹۶- مکالمات روزمره ارمنی به فارسی.
آرا قارابتدیکانه - تهران: صفار، اشرافی - ۲۱۶ ص. - رقی (شمیز) - ۱۹۰۰۰ ریال - چاپ دوم / ۲۲۰۰ نسخه
شابک: ۹۶۴-۵۹۶۶-۲۱-۳

زبان عربی

چاپ اول

۱۹۷- آموزش زبان عربی: برای داوطلبان کنکور سراسری دانشگاهها.
محمد عزیزی - تهران: قطره - ۴۱۸ ص. - وزیری (شمیز) - ۲۱۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۶۰۰ نسخه
شابک: ۹۶۴-۳۴۱۰-۹۷-۸

چاپ اول

۱۹۸- آموزش ساده قواعد عربی بصورت نشر و نظم به ضمیمه موارد تجزیه و ترکیب.
اکبر سلطانی - تهران: فرزانه‌سازان - ۶۴ ص. - رقی (شمیز) - ۳۵۰۰ ریال - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه
شابک: ۹۶۴-۹۲۳۵۹-۷-۳

چاپ اول

۱۹۹- آموزش گام به گام عربی (۱) سال اول دبیرستان.
مجید نوری - تهران: آزمون - ۱۸۴ ص. - وزیری (شمیز) - ۹۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه
شابک: ۹۶۴-۴۶۱۰-۰۱۸-۰

۲۰۰- آموزش گام به گام عربی (۱) سال اول دبیرستان.
مجید نوری - تهران: آزمون - ۱۸۴ ص. - وزیری (شمیز) - ۹۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه

ص. - وزیری (شمیز) - ۹۰۰۰ ریال. چاپ دوم / ۵۰۰۰ نسخه
شابک: ۹۶۴-۴۶۱۰-۰۱۸-۰

۲۰۱- آموزش گام به گام عربی (۳) سال سوم نظام جدید.
مجید نوری - تهران: آزمون - ۱۸۸ ص. - وزیری (شمیز) - ۸۰۰۰ ریال - چاپ بیست و یکم / ۵۰۰۰ نسخه

۲۰۲- آموزش گام به گام عربی سال سوم راهنمایی.
مجید نوری - تهران: آزمون - ۱۶۰ ص. - وزیری (شمیز) - ۷۰۰۰ ریال - چاپ پنجم / ۵۰۰۰ نسخه
شابک: ۹۶۴-۴۶۱۰-۳۶۹-۸

چاپ اول

۲۰۳- آموزش نکته به نکته عربی سوم راهنمایی.
حمید نظری - تهران: صالحین - ۱۲۰ ص. - وزیری (شمیز) - ۶۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه
شابک: ۹۶۴-۶۸۴۹۰۰۰۰-۸

چاپ اول

۲۰۴- از مدرسه تا دانشگاه عربی (۲).
اباذر عجایی - (و دیگران) - تهران: سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، انتشارات مدرسه - ۱۰۶ ص. - وزیری (شمیز) - ۱۳۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه
شابک: ۹۶۴-۳۵۳۰-۰۳۸-۸

چاپ اول

۲۰۵- پیک عربی ۳ و کنکور.
حسین اعتمادی، محمد جمعی‌محضی - تهران: آبرنگ - ۱۱۲ ص. - رحلی (شمیز) - ۹۵۰۰ ریال - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه
شابک: ۹۶۴-۶۹۷۷-۶۰-۴

چاپ اول

۲۰۶- پیک عربی دوره اول راهنمایی: شامل پرسشهای چهارگزینه‌ای با پاسخ تشریحی.
حسین اعتمادی - تهران: آبرنگ - ۲۲ ص. - رقی (کاغذی) - ۲۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه
شابک: ۹۶۴-۶۹۷۷-۵۹-۶

۲۰۷- پیک عربی دوره دوم راهنمایی: شامل پرسشهای چهارگزینه‌ای با پاسخ تشریحی.

چاپ اول

حسین اعتمادی - تهران: آبرنگ - ۳۲ ص. - رقی (کاغذی) - ۲۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه
شابک: ۹۶۴-۶۹۷۷-۶۱-۸

چاپ اول

۲۰۸- پیک عربی دوره سوم راهنمایی: شامل پرسشهای چهارگزینه‌ای با پاسخ تشریحی.
حسین اعتمادی - تهران: آبرنگ - ۴۹ ص. - رقی (کاغذی) - ۲۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه
شابک: ۹۶۴-۶۹۷۷-۶۲-۶

۲۰۹- ترجمه و شرح مفنی الادیب.
شارح: غلامعلی صفایی - قم: قدس - ۳۳۶ ص. - جلد اول. - وزیری (شمیز) - چاپ سوم / ۲۰۰۰ نسخه
شابک: ۹۶۴-۶۳۹۵-۰۱-۵

۲۱۰- تمرینات و مجموعه سوالات عربی مخصوص سال اول راهنمایی.

حبیب‌الله درویش - تهران: آزمون نوین - ۱۴۰ ص. - وزیری (شمیز) - ۵۵۰۰ ریال - چاپ هفتم / ۵۵۰۰ نسخه
شابک: ۹۶۴-۹۰۱۵۲-۳-X

۲۱۱- تمرینات و مجموعه سوالات عربی مخصوص سال اول راهنمایی.

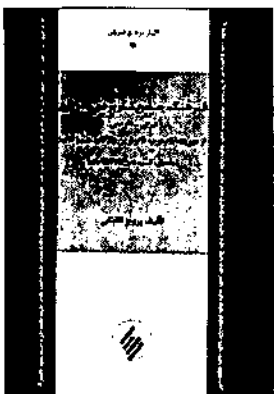
حبیب‌الله درویش - تهران: آزمون نوین - ۱۴۰ ص. - وزیری (شمیز) - ۵۵۰۰ ریال - چاپ هشتم / ۵۵۰۰ نسخه
شابک: ۹۶۴-۹۰۱۵۲-۳-X

۲۱۲- تمرینات و مجموعه سوالات عربی مخصوص سال دوم راهنمایی.

حبیب‌الله درویش - تهران: آزمون نوین - ۱۴۴ ص. - وزیری (شمیز) - ۵۵۰۰ ریال - چاپ چهاردهم / ۵۵۰۰ نسخه
شابک: ۹۶۴-۹۰۱۵۲-۲-۱

۲۱۳- تمرینات و نمونه سوالات عربی مخصوص سوم راهنمایی: شامل ساختار، شناخت و تبدیل انواع فعل، ...
حبیب‌الله درویش - تهران: آزمون نوین - ۱۴۴ ص. - وزیری (شمیز) - ۵۵۰۰ ریال - چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه

های مستقل، درج اوزان تمام اسم‌هایی



که طبق قواعد اشتقاق می‌توان آنها را به قیاس ساخت. درج جدول‌هایی از افعال سالم و صحیح و متل و اسم‌های فاعل و مفعول آنها، و گاه ذکر مآخذ کلمات.

چاپ اول

۲۳۵- فرهنگ دانشگاهی عربی به فارسی: ترجمه المنجد الابدی.

لويس معلوف، مترجم: احمد سیاح. - تهران: فرحان. - ۹۲۲ ص. - وزیری (گالینگور). - ۲۵۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۹۲۵۹۳-۳-۳

۲۳۶- فرهنگ عربی به فارسی و فارسی به عربی.

احمد رحمانپور. - تهران: ابوعطا. - ۴۴۸ ص. - جیبی (شمیز). - ۴۰۰۰ ریال. - چاپ سوم / ۱۰۰۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۹۰۱۹۳-۰۰۰

۲۳۷- گام به گام با آموزش و حل عربی (۳) سال سوم نظام جدید متوسطه (کلیه رشته‌ها).

تهیه کننده: غلامرضا مهدوی یوسفی. - تبریز: خورش. - ۱۶۸ ص. - وزیری (شمیز). - ۹۰۰۰ ریال. - چاپ نهم / ۵۰۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۵۶۳۵-۷۳-۱

۲۳۸- گام به گام با آموزش و حل عربی (۲) سال دوم نظام جدید متوسطه رشته علوم تجربی و ...

تهیه کننده: غلامرضا مهدوی یوسفی. - تبریز: خورش. - ۱۸۴ ص. - وزیری (شمیز). - ۸۵۰۰ ریال. - چاپ یازدهم / ۵۰۰۰ نسخه.

ایثاربخش. - تهران: منشور دانش. - ۲۰۰ ص. - وزیری (شمیز). - ۸۰۰۰ ریال. - چاپ پنجم / ۷۰۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۹۰۳۰۳-۹-۵

چاپ اول

۲۳۱- عربی ۳: آموزش، نمونه سوالات و آزمون. حبیب‌الله درویش. - تهران: صالحین. - ۱۴۴ ص. - وزیری (شمیز). - ۷۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۵۵۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۶۸۴۹-۰۱-۶

۲۳۲- عربی به زبان ساده شامل: ۶۰ تمرین و حدود ۱۴۰۰ سؤال چهارگزینه‌ای با پاسخهای کلیدی و تشریحی.

ایاد قلی. - تهران: مبتکران. - ۵۵۲ ص. - وزیری (شمیز). - ۲۴۰۰۰ ریال. - چاپ سی و نهم / ۴۰۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۴۸۶-۰۲۲-۵

۲۳۳- عربی در سفر: مکالمات و اصطلاحات روزمره عربی با ترجمه فارسی.

حسن اشرف‌الکتابی، به اهتمام: مینا اشرف‌الکتابی و ایراستار: مراد ریاحی. - تهران: استاندرد. - ۲۴۲ ص. - رقمی (شمیز). - ۸۰۰۰ ریال. - چاپ هشتم / ۵۰۰۰ نسخه.

عنوان به عربی: العربیه فی السفر

شابک: ۹۶۴-۶۲۵۵-۰۰۰-۰

چاپ اول

۲۳۴- فرهنگ جامع کاربردی فرزاد: عربی - فارسی: از دیرینه ایام عرب تا نوترین واژگان علم و ادب.

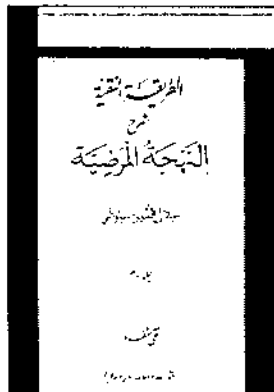
پرویز اتابکی. - تهران: فرزاد روز. - ۶۹۰ ص. - جلد اول. - وزیری (شمیز). - ۴۰۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۳۳۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۳۲۱-۰۴۲-۱

در فرهنگ حاضر که برگرفته از کتاب‌های مختصر در حوزه لغت عربی است - بیش از هفتاد و پنج هزار واژه عربی، از قدیم‌ترین ایام عرب تا جدیدترین اصطلاحات علم و ادب گردآمده است. این فرهنگ با افزودن بر مقدمه‌ای در باب علم صرف و اشتقاق و الفبایی بودن تدوین - دارای این مشخصات است: نقل تمام جمع‌های مکسر به صورت مدخل -

دفتر تبلیغات اسلامی، مرکز انتشارات. - ۲۸۰ ص. - جلد سوم. - وزیری (شمیز). - ۱۴۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۴۲۴-۸۰۰-۷



کتاب شرحی است از نهج‌المرشیه اثر 'جلال‌الدین سوطی' که اینک در جلد بیوم مباحثی در 'نحو' عربی فراهم می‌آید. 'باب رضافه'، 'باب اعمال مصدر'، 'باب اسم فاعل'، 'باب اینه مصادر'، 'باب تعجب'، 'باب تواع'، 'عطف' و 'بدل' از جمله موضوعات این کتاب هستند.

۲۳۷- عربی (۱ و ۲) ویژه دانش-آموزان دوره پیش‌دانشگاهی و سال چهارم نظام فعلی ...

ایاد عیاجی، قادر پریز. - تهران: روزندگان اسلام. - ۳۰۰ ص. - وزیری (شمیز). - ۱۱۵۰۰ ریال. - چاپ دوم / ۵۰۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۶۲۱۴-۵۶-۸

۲۳۸- عربی (۳) ویژه دانش-آموزان سال سوم دبیرستان (نظری، فنی و حرفه‌ای) و داوطلبان ورود به دانشگاه.

ایاد عیاجی، قادر پریز. - تهران: روزندگان اسلام. - ۲۲۴ ص. - وزیری (شمیز). - ۸۸۰۰ ریال. - چاپ چهارم / ۵۰۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۶۲۱۴-۴۸-۷

۲۳۹- عربی (۳) ویژه دانش-آموزان سال سوم دبیرستان (نظری، فنی و حرفه‌ای) و داوطلبان ورود به دانشگاه.

ایاد عیاجی، قادر پریز. - تهران: روزندگان اسلام. - ۲۲۴ ص. - وزیری (شمیز). - ۸۸۰۰ ریال. - چاپ پنجم / ۵۰۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۶۲۱۴-۴۸-۷

۲۳۰- عربی (۴) ویژه علوم انسانی شامل: آموزش کامل کتاب، پاسخ تشریحی به مثالها و تمرینها.

حجت‌الله گنجی، کرم‌خدا امینیان، محمد

۲۳۰- راهنمای گام به گام طلایی عربی ۱ سال اول نظام جدید.

چاپ اول

محسن عمرانی. - تهران: الما. - ۱۲۸ ص. - وزیری (شمیز). - ۵۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۳۴۰-۱۷۶-۶

چاپ اول

۲۳۱- راهنمای گام به گام طلایی عربی ۱ و ۲ پیش‌دانشگاهی.

محسن عمرانی. - تهران: الما. - ۱۶۰ ص. - وزیری (شمیز). - ۶۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۱۵۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۳۴۰-۱۶۲-۶

۲۳۲- راهنمای گام به گام عربی (۱ و ۲) دوره پیش‌دانشگاهی.

علی پروانه. - تهران: منتشران. - ۳۳۸ ص. - وزیری (شمیز). - ۹۰۰۰ ریال. - چاپ دوم / ۵۰۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۶۶۶۶-۸۲-۵

۲۳۳- راهنمای گام به گام عربی (۲) سال دوم نظام جدید: شامل ترجمه کامل دروس و واژه‌ها، پاسخ و ترجمه ...

حسین جمشیدی شفق. - تهران: منتشران. - ۱۶۰ ص. - وزیری (شمیز). - ۶۵۰۰ ریال. - چاپ سوم / ۵۰۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۶۶۶۶-۶۷-۱

۲۳۴- زبان عربی (۱) و (۲) پیش‌دانشگاهی ویژه علوم انسانی شامل: آموزش کامل کتاب، ...

حجت‌الله گنجی، کرم‌خدا امینیان، محمد ایثاربخش. - تهران: منشور دانش. - ۱۸۰ ص. - رحلی (شمیز). - ۱۴۰۰۰ ریال. - چاپ چهارم / ۵۰۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۶۴۳۰-۷۴-۰

۲۳۵- زبان عربی کنکور نظام جدید ویژه تمامی رشته‌ها.

حجت‌الله گنجی. - تهران: منشور دانش. - ۲۶۰ ص. - وزیری (شمیز). - ۱۹۰۰۰ ریال. - چاپ دهم / ۵۰۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۶۴۳۰-۶۲-۷

چاپ اول

۲۳۶- الطریقه النقیه شرح النهجه المرضیه. شارح: نقی مفرد. - قم: حوزه علمیه قم،

۱۶۶ ص. - وزیری (شمیز). - ۶۰۰۰ ریال. - چاپ هجدهم / ۵۵۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۹۰۱۵۲-۱-۳

۲۱۴- جامع المقدمات مشتمل بر ۱۶ بخش.

مصحح: محمد محمدی قاینی. - قم: دارالفکر. - ۶۵۸ ص. - وزیری (گالینگور). - ۲۰۰۰۰ ریال. - چاپ ششم / ۲۰۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۶۰۱۲۰-۲۶-۴

چاپ اول

۲۱۵- جواهر البلاغه فی المعانی و البیان و البدیع.

احمد هاشمی. - قم: حبیب. - ۴۰۲ ص. - وزیری (گالینگور). - چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۶۱۱۹-۰۲-۶

۲۱۶- دفتر تمرین عربی (۲) سال دوم راهنمایی.

قاسم کریمی. - تهران: شورا. - ۱۴۴ ص. - وزیری (شمیز). - ۶۵۰۰ ریال. - چاپ چهارم / ۵۰۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۵۵۲۵-۵۶-X

۲۱۷- دفتر تمرین عربی سال اول راهنمایی.

قاسم کریمی، حمیدرضا میرحاجی، عیسی مفتی‌زاده. - تهران: شورا. - ۱۵۲ ص. - وزیری (شمیز). - ۶۵۰۰ ریال. - چاپ چهارم / ۵۰۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۵۵۲۵-۴۹-۷

۲۱۸- دفتر تمرین عربی سال سوم راهنمایی.

قاسم کریمی. - تهران: شورا. - ۱۲۰ ص. - وزیری (شمیز). - ۵۰۰۰ ریال. - چاپ دوم / ۵۰۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۵۵۲۵-۲۶-۸

چاپ اول

۲۱۹- راهنمای گام به گام طلایی عربی (۳) نظام جدید.

محسن عمرانی. - تهران: کسانون گسترش علوم. - ۱۲۸ ص. - وزیری (شمیز). - ۵۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۳۴۰-۱۷۳-۱

۲۳۹- گام به گام با آموزش و

حاصل عربی ۱ و ۲ دوره پیش دانشگاهی رشته علوم انسانی.

تهیه کننده: اعظم میراب - تبریز: خورشید - ۲۰۸ ص. - وزیر (شمیز) - ۹۰۰۰ ریال. - چاپ پنجم / ۲۰۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۵۶۳۵-۱۹-۵

۲۴۰- گنجینه صرف عربی: مجموعه کاملی از مباحث صرفی کتابهای نظام جدید آموزش متوسطه و پیش دانشگاهی ...

محسن وفایی. - [قم]: لقا. - ۱۷۶ ص. - وزیر (شمیز) - ۴۰۰۰ ریال. - چاپ سوم / ۲۰۰۰ نسخه.

۲۴۱- مجموعه سوالات طبقه بندی شده و استاندارد عربی (۴) نظام جدید با پاسخ تشریحی.

محمود جعفری راد - تهران: گل واژه. - ۷۲ ص. - رحلی (شمیز) - ۶۵۰۰ ریال. - چاپ سوم / ۵۰۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۴۸۲-۲۰۹-۹

۲۴۲- مجموعه سوالات طبقه بندی شده و استاندارد عربی (۲) دوره پیش دانشگاهی با پاسخ تشریحی.

محمود جعفری راد - تهران: گل واژه. - ۵۶ ص. - رحلی (شمیز) - ۵۰۰۰ ریال. - چاپ سوم / ۵۰۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۴۸۲-۲۴۲-۰

۲۴۳- مجموعه طبقه بندی شده عربی نظام جدید کنکورهای سراسری و آزاد همراه با تستهای سال ۷۹ با پاسخ تشریحی.

گردآورنده: سهیلا خاکباز نژاد - تهران: کانون فرهنگی آموزش - ۲۸۰ ص. - رحلی (شمیز) - ۲۲۵۰۰ ریال. - چاپ بیست و هشتم / ۵۰۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۳۳۶-۱۰۷-۷

۲۴۴- ۱۰۰۰ نکته در؟؟؟ طبقه بندی شده عربی (پایه تا کنکور) نظام جدید.

صدرالدین عارف - تهران: آیندگان. - ۳۰۴ ص. - رحلی (شمیز) - ۲۵۰۰۰ ریال. - چاپ هفتم / ۵۰۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۶۹۱۳-۴۸-۹

زبانهای اورال آسیایی، سیبریایی و دراویدی

۲۹۴

۲۴۵- ترکی استانبولی در سفر: Yöculukt istanbul turkcesi

مکالمات و اصطلاحات روزمره ترکی استانبولی با ... دیگران: ابراهیم: حسن اشرف الکتابی، میتا اشرف الکتابی. - تهران: استاندارد - ۲۸۰ ص. - رقی (شمیز) - ۸۵۰۰ ریال. - چاپ دوازدهم / ۵۰۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۶۲۵۵-۰۲-۷

۲۴۶- فرهنگ جیبی: فارسی به ترکی، ترکی به فارسی. محمد کافار. - تهران: ارمنان. - ۱۲۴ ص. - جیبی (شمیز) - ۴۰۰۰ ریال. - چاپ دوم / ۵۰۰۰ نسخه.

عنوان به لاتین: Farsca - turkce, turkce - farsca cep sozlugu

شابک: ۹۶۴-۵۵۶۰-۱۹-۵

نمایه عنوان

101 american english proverbs ... 104 Advanced grammar in use 105

The adventures of huckleberry finn 106 American short stories (in special english) 107 A basic course in reading english: for university students 108-109-110 Basic survival 111 Between two worlds 112 Billy and the queen 113 Black beauty 114 The black cat and other stories: level 3 115 The body 116 Build your vocabulary 117 118-119

Cambridge IELTS 2: examination papers from the university of cambridge local examinations ... 120 Chemical secret 121 Dead man's river 122 Dinos day in london 123 East. west: student book 124 East. west: workbook 125-126

English for international communication 127-128-129-130 English for students of chemistry 131

English for students of engineering 132 English for students of natural resources engineering ... 133

English for students of physics 134 English for students of preschool and primary education 135

English for the students of accounting and management 136 English for the students of social sciences 137

English grammar in use: a self - study reference and practice ... 93

English sentence structure 94-95

Essential words for the TOEFL 138

Frankenstein 139 Fundamental concepts in linguistics 2

Ghost stories 140 Hannah and the hurricane 141

Headway elementary: student's book 142 Headway elementary: workbook 143

Headway video: activity book pre-intermediate 144 Headway: workbook elementary 145

The hen and the bull: level 1 146

How english works a grammar practice book 96

International 2 147 International 3 148

La larousse de poche 2001: dictionnaire de la Langue ... 194

The last photo 149 The leopard and the lighthouse 150

Longman dictionary of common errors 151 Longman new junior english dictionary 36

Longman preparation course for the TOEFL test 153

Longman preparation course for the TOEFL test: practice tests 152

Maisie and the dolphine 154 Marcel and the mona lisa 155

Marcel and the white star 156

Meaning - based translation: a guide to cross language ... 4

N. I. E english series 157 New american streamline destinations: workbook A

units 1-40 158 The old man and the sea 159

Oliver twist 160 Oxford Elementary Learner's Dictionary 37

Oxford advanced learner's dictionary of current english 38-39-40

Oxford elementary learner's dictionary 41-42

Oxford learner's pocket dictionary 43-44

Patterns a short prose reader 161

The picture of dorian gray 162

Practising idioms 163 Reading and understanding psychology 164

Scottforesman parade 165 Scottforesman parade: starter 167

Scottforesman parade: teacher's edition 168-169

170-171-172-173 Scottforesman parade: workbook 174-175

Short stories for oral reproduction 176

Simon and the spy 177 Sky jack! 178

Spectrum 3A: a communicative course in english 179

Spectrum 3B: a communicative course in english 180

Spectrum 4A: a communicative course in english 181

Spectrum 4B: a communicative course in english 182

Spectrum teacher's edition: a communicative course in english 183

Spectrum teacher's edition: a communicative course in english 184

Street talk-1: How to speak & understand american slang 185

Tales of mystery and imagination 186-187

The fugitive 188 Tinkers island 189

Toefl grammar in a flash 190 The turn of the screw 191

آموزش الفبای زبان انگلیسی و بیش از ۵۰۰ کلمه یک سیلابی در کمتر از فقط ۱۰ ساعت

آموزش انگلیسی به زبان ساده ویژه داوطلبان کنکورهای

آموزش زبان عربی: برای داوطلبان کنکور سراسری دانشگاهها

آموزش ساده قواعد عربی بصورت نثر و

نظم به ضمیمه موارد تجزیه و ترکیب

آموزش گام به گام زبان فارسی (۵) سال سوم نظام جدید

رشته علوم انسانی

آموزش گام به گام زبان: سوم راهنمایی

آموزش گام به گام عربی (۱) سال اول دبیرستان

آموزش گام به گام عربی (۳) سال سوم راهنمایی

آموزش نکته به نکته عربی سوم راهنمایی

از مدرسه تا دانشگاه عربی (۲) اصطلاحات رایج در مکالمات روزمره

انگلیسی

انگلیسی پیش دانشگاهی (۱ و ۲)

بلفاری برای فارسی زبانها: مکالمات روزمره، دستور زبان و راهنمای سفر

پرسشهای چهارگزینه ای استاندارد زبان انگلیسی (۱) - پیش دانشگاهی،

کلیه رشته ها

پرسشهای چهارگزینه ای زبان پیش دانشگاهی (۱)

پرسشهای چهارگزینه ای زبان پیش دانشگاهی (۱)

یک عربی ۳ و کنکور

یک عربی دوره اول راهنمایی: شامل پرسشهای چهارگزینه ای با پاسخ تشریحی

یک عربی دوره دوم راهنمایی: شامل پرسشهای چهارگزینه ای با پاسخ تشریحی

یک عربی دوره سوم راهنمایی: شامل پرسشهای چهارگزینه ای با پاسخ تشریحی

تاریخچه خط ایران و جهان (کنکور هنر)

ترجمه و شرح معنی الادیب

ترکی استانبولی در سفر: Yöculukt istanbul turkcesi

اصطلاحات روزمره ترکی استانبولی با ...

تعلیم، تمرین، توفیق انگلیسی سوم راهنمایی شامل: گرامر دروس، ۱۰۰۰ سوال تشریحی، ...

تمرینات و مجموعه سوالات عربی مخصوص سال اول راهنمایی

تمرینات و مجموعه سوالات عربی مخصوص سال دوم راهنمایی

تمرینات و نمونه سوالات انگلیسی مخصوص پیش دانشگاهی (۱)

تمرینات و نمونه سوالات انگلیسی مخصوص سوم راهنمایی

تمرینات و نمونه سوالات انگلیسی ویژه دانش آموزان سال اول دبیرستان

تمرینات و نمونه سوالات انگلیسی ویژه

Bidahri, Parviz	132
Border, Rosemary	140
Burke, David	185
Byrd, Donald R.H.	183-184
Collins, Anne	150
Collins, Harry	104
Costinett, Sandra	183-184
Crawley, Angela	37-41-42-43-44
Crowther, Jonathan	38-39
Dickens, Charles	160
Dillard, J.M.	188
Escott, John	114-141
Faghih, Esmail	134
Falla, Tim	144
Farrokhphey, Mahmud	2
Flower, John	117-119
Fower, John	118
Frankfort, Nancy	179-180
Graves, Kathleen	124-125
Hartley, Bernard	158
Hemingway, Ernest	159
Herrera Salazar, Mario	168
Herrera Salazaretal, Mario	171-172-173
Herrerd Salazar, Mario	167
Hewings, Martin	105
Hornby, A. S.	38
Hornby, Albert Sydney	39
Horri, Abbas	147-148-157
Jafarpur, A.	108-109-110
Jalalipour, Jamaloddin	133
James, Heney	191
Kazemi Shariat Panah,	136
Hassan	107
Khosronejad, S.	116
King, Stephen	94-95
Krohn, Robert	122-177
Laird, Elizabeth	138
Mathieson, Steven J.	131
Mirjalili, Kazem	164
Mondi, Yasmin	137
Moshfeghi, Farhad	106
Mowat, Diane	93
Murphy, Raymond	186-187
Naudi, Margaret	162
Nevile, Jill	152-153
Phillips, Deborah	186-187
Poc, Edgar Allan	160
Poori, Ahmad	117-118-119
Powell, Mark	123-154-155-156-189
Rabley, Stephen	124-125
Rein, David P.	126
Rein, David. P.	176
Rezai, Abbas Ali	160
Rogers, Richard	131
Roshani, Mahshid	108-109
Sadighi, F.	110
Sadiqi, Faranak	146
Saki	166
Salazar, Mario Herrera	169
Sewell, Anna	114
Shelley, Mary	139
Smith, Bernard	149

سال سوم نظام جدید متوسطه (کلیه رشته‌ها)	۲۳۷
گام به گام با آموزش و حل عربی (۲)	۲۳۸
سال دوم نظام جدید متوسطه رشته علوم تجربی و ...	۲۳۸
گام به گام با آموزش و حل عربی ۱ و ۲ دوره پیش دانشگاهی رشته علوم انسانی	۲۳۹
گرامر - تست زبان انگلیسی پایه سوم راهنمایی تحصیلی	۸۶
گرامر جامع زبان انگلیسی	۸۷
گنجینه پرسش‌های طلایی زبان انگلیسی پیش‌دانشگاهی (۲)	۸۸
گنجینه پرسش‌های طلایی زبان انگلیسی پیش‌دانشگاهی (۱)	۸۹
گنجینه صرف عربی: مجموعه کاملی از مباحث صرفی کتابهای نظام جدید آموزش متوسطه و پیش‌دانشگاهی ... ۲۴۰	۲۴۰
مجموعه سوالات طبقه‌بندی شده و استاندارد عربی (۲) دوره پیش‌دانشگاهی	۲۴۲
با پاسخ تشریحی	۲۴۲
مجموعه سوالات طبقه‌بندی شده و استاندارد عربی (۴) نظام جدید با پاسخ تشریحی	۲۴۱
مجموعه سوالات کارشناسی ارشد رشته‌های مدیریت (بازرگانی - صنعتی - دولتی)	۱۰۲
مجموعه طبقه‌بندی شده آموزش زبان انگلیسی پیش‌دانشگاهی ۱ و ۲ شامل: واژگان و اصطلاحات ترجمه دروس ... ۹۰	۹۰
مجموعه طبقه‌بندی شده زبان انگلیسی نظام جدید، پیش‌دانشگاهی، نظام قدیم: کنکورهای سراسری و آزاد ... ۹۱	۹۱
مجموعه طبقه‌بندی شده عربی نظام جدید کنکورهای سراسری و آزاد همراه با تستهای سال ۷۹ با پاسخ تشریحی	۲۴۳
مکالمات روزمره ارمنی به فارسی ۱۹۶	۱۹۶
مکالمات روزمره انگلیسی (همراه با تلفظ و واژه‌نامه)	۱۰۳
مکالمات روزمره فارسی	۱۴
نگاهی به زبان (یک بررسی زبانشناختی)	۱
واژه‌نامه سه زبانه آلمانی - انگلیسی - فارسی	۱۹۳
۱۰۰۰ نکته در ??? طبقه‌بندی شده زبان انگلیسی پیش‌دانشگاهی ۱ و ۲	۹۲
۱۰۰۰ نکته در ??? طبقه‌بندی شده عربی (پایه تا کنکور) نظام جدید	۲۴۴

نمایه پدیدآور

Afghari, Akbar	137
Allapoe, Edgar	115
Ashby, Michael	41
Baqeri, Mohammad sadeq	190
Berman, Michael	117-118
	119

عربی (۲) ویژه دانش‌آموزان سال سوم دبیرستان (نظری، فنی و حرفه‌ای) و داوطلبان ورود به دانشگاه ۲۲۹-۲۳۸	۲۲۹-۲۳۸
عربی (۴) ویژه علوم انسانی شامل: آموزش کامل کتاب، پاسخ تشریحی به مثالها و تمرینها	۲۳۰
عربی ۳: آموزش، نمونه سوالات و آزمون	۲۳۱
عربی به زبان ساده شامل: ۶۰ تمرین و حدود ۱۴۰۰ سؤال چهارگزینه‌ای با پاسخهای کلیدی و تشریحی	۲۳۲
عربی در سفر: مکالمات و اصطلاحات روزمره عربی با ترجمه فارسی	۲۳۳
فارسی بیاموزیم	۱۲
فارسی حرف بزنیم: فارسی آسان ۱: روش گفتگوئی آموزش فارسی پایه ... = Parlons persian: le farsi ...	۱۹۲
فرهنگ آلمانی - فارسی	۱۹۲
فرهنگ انگلیسی به فارسی و فارسی به انگلیسی	۱۷
فرهنگ جامع دانش آموز (انگلیسی به فارسی)	۱۸
فرهنگ جامع کاربردی فرزندان: عربی - فارسی: از دیرینه ایام عرب تا نوترین واژگان علم و ادب	۲۳۴
فرهنگ جیبی: فارسی به ترکی، ترکی به فارسی	۲۳۶
فرهنگ دانشگاهی انگلیسی - فارسی ۱۹	۱۹
فرهنگ دانشگاهی عربی به فارسی: ترجمه المجدد الایجندی	۲۳۵
فرهنگ دانشگاهی یادواره فارسی به انگلیسی	۲۳-۲۲-۲۱
فرهنگ دانشگاهی: انگلیسی - فارسی: فرهنگ جدید شامل ۲۰۰۰۰ واژه و توضیحات و مفاهیم مختلف	۲۴-۲۵
فرهنگ زبان فارسی	۷
فرهنگ عربی به فارسی و فارسی به عربی	۲۳۶
فرهنگ فارسی به فارسی	۸
فرهنگ فشرده انگلیسی - انگلیسی، انگلیسی - فارسی	۲۶
فرهنگ کوچک انگلیسی - فارسی	۲۷
فرهنگ معاصر انگلیسی - فارسی	۳۰
فرهنگ معاصر انگلیسی - فارسی جیبی	۳۱
فرهنگ معاصر انگلیسی - فارسی یک-جلدی	۳۲
فرهنگ معاصر فارسی - انگلیسی کوچک، حاوی ۳۰۰۰۰ واژه و اصطلاح رایج فارسی و برابره‌های انگلیسی هر کدام	۳۳-۳۴
فرهنگ یک جلدی پیشرو آریان پور: انگلیسی - فارسی	۳۵
گام به گام با آموزش و حل عربی (۳)	۲۳۷

راهنما و خودآموز گام به گام زبان (۲) نظام جدید	۷۶
راهنمای انگلیسی (زبان ۲): قابل استفاده برای دانش‌آموزان سال دوم دبیرستان، داوطلبان ...	۷۷
راهنمای انگلیسی سوم راهنمایی: قابل استفاده برای استفاده دانش‌آموزان ... ۷۸	۷۸
راهنمای جامع انگلیسی برای دانشجویان کشاورزی (۱) = English for the students of agriculture (I)	۹۸
راهنمای جامع انگلیسی پیش‌دانشگاهی	۹۹-۱۰۰
راهنمای زبان فارسی (۱) نظام جدید شامل: تدریس دستوری زبان فارسی ... ۱۰	۱۰
راهنمای زبان فارسی (۲) سال دوم دبیرستان شامل: آموزش کامل کتاب، شرح مفاهیم ...	۱۱
راهنمای کامل انگلیسی برای دانشجویان فنی و مهندسی English for the students of engineering	۱۰۱
راهنمای گام به گام طلایی زبان (۳) سال سوم نظام جدید	۷۹
راهنمای گام به گام طلایی عربی (۳) نظام جدید	۲۱۹
راهنمای گام به گام طلایی عربی ۱ سال اول نظام جدید	۲۲۰
راهنمای گام به گام طلایی عربی ۲ و ۱ پیش‌دانشگاهی	۲۲۱
راهنمای گام به گام عربی (۲و۱) دوره پیش‌دانشگاهی	۲۲۲
راهنمای گام به گام عربی (۲) سال دوم نظام جدید: شامل ترجمه کامل دروس و واژه‌ها، پاسخ و ترجمه ...	۲۲۳
ریشه‌شناسی (ایتمولوژی)	۶
زبان انگلیسی (۱ و ۲) (عمومی) ویژه دانش‌آموزان دوره پیش‌دانشگاهی و داوطلبان ورود به دانشگاه	۸۰
زبان انگلیسی (۱) پیش‌دانشگاهی مربوط به تمامی رشته‌ها	۸۱
زبان انگلیسی (۱) سال اول دبیرستان آموزش کامل کتاب شامل: تدریس گرامر، ترجمه، تلفظ، تمرین و ...	۸۲
زبان انگلیسی (۲) پیش‌دانشگاهی مربوط به تمامی رشته‌ها	۸۳
زبان انگلیسی: گرامر - لغت درک مطلب - تست: با فهرستی به ترتیب نکات گرامری کتابهای ...	۸۴
زبان پیش‌دانشگاهی (۱)	۸۵
زبان عربی (۱) و (۲) پیش‌دانشگاهی ویژه علوم انسانی شامل: آموزش کامل کتاب، ...	۲۲۴
زبان عربی کنکور نظام جدید ویژه تمامی رشته‌ها	۲۲۵
الطریقۃ النقیه شرح التهجۃ المرضیه	۲۲۶
عربی (۱ و ۲) ویژه دانش‌آموزان دوره پیش‌دانشگاهی و سال چهارم نظام فعلی	۲۲۷

دانش‌آموزان سال دوم دبیرستان تمرینات و نمونه سوالات انگلیسی ویژه دانش‌آموزان سال سوم دبیرستان	۵۶
تمرینات و نمونه سوالات عربی مخصوص سوم راهنمایی: شامل ساختار، شناخت و تبدیل انواع فعل، ...	۲۱۳
جامع المقدمات مشتمل بر ۱۶ بخش ۲۱۴ جدیدترین آزمون و نمونه سوالات انگلیسی مخصوص دوم راهنمایی	۵۸
جدیدترین آزمون و نمونه سوالات انگلیسی ۱ دوره پیش‌دانشگاهی	۵۹
جدیدترین آزمون و نمونه سوالات انگلیسی ۲ دوره پیش‌دانشگاهی	۶۰
جدیدترین آزمون و نمونه سوالات انگلیسی زبان ۱ مخصوص سال اول دبیرستان: قابل استفاده برای ...	۶۳
جدیدترین آزمون و نمونه سوالات انگلیسی زبان ۲: مخصوص سال دوم دبیرستان (نظام جدید)	۶۱
جدیدترین آزمون و نمونه سوالات انگلیسی زبان ۳: قابل استفاده برای دانش‌آموزان سال سوم نظام جدید ...	۶۲
جدیدترین تمرینات درس به درس و نمونه سوالات استاندارد انگلیسی پایه سوم راهنمایی	۶۵
جدیدترین تمرینات درس به درس و نمونه سوالات استاندارد انگلیسی: پایه دوم راهنمایی	۶۴
جواهر البلاغه فی المعانی و البیان و البديع	۲۱۵
خودآموز گام به گام زبان انگلیسی (۱) دوره پیش‌دانشگاهی	۶۶
خودآموز گام به گام زبان انگلیسی (۱) سال اول نظام جدید	۶۷
خودآموز گام به گام زبان انگلیسی (۲) سال دوم نظام جدید	۶۸
خودآموز گام به گام زبان انگلیسی (۳) سال سوم نظام جدید	۷۰
خودآموز گام به گام زبان انگلیسی (۳) سال سوم نظام جدید متوسطه (کلیه رشته‌ها)	۶۹
خودآموز گام به گام زبان انگلیسی (۱) سال اول نظام جدید متوسطه (کلیه رشته‌ها)	۷۱
خودآموز و راهنمای زبان (۱) پیش-دانشگاهی	۷۲
خودآموز و راهنمای زبان (۱) سال اول نظام جدید	۷۳
خودآموز و راهنمای زبان (۲) پیش-دانشگاهی	۷۴
دستور زبان فارسی	۹
دفتر تمرین عربی (۲) سال دوم راهنمایی	۲۱۶
دفتر تمرین عربی سال اول راهنمایی ۲۱۷	۲۱۷
دفتر تمرین عربی سال سوم راهنمایی	۲۱۸
راهنما و خودآموز گام به گام زبان (۱) دوره پیش‌دانشگاهی	۷۵

خانه کتاب ایران
کتاب ماه
سفه و روانشناسی

فهرست کتابهای منتشر شده در آبان ماه ۱۳۷۹

آموزش و پژوهش در فلسفه ۱۰۷

چاپ اول

۱- آموزش گام به گام فلسفه اسلامی: دوره پیش دانشگاهی. لایلا صفاد. - تهران: آزمون. - ۱۲۸ ص. - وزیری (شمیز). - ۶۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۴۶۱-۷۰۸-۸

چاپ اول

۲- فلسفه و منطق: منطق سال سوم، فلسفه سال سوم، فلسفه اسلامی پیش دانشگاهی. محمد کریمی. - تهران: پیش دانشگاهیان. - ۲۰۴ ص. - وزیری (شمیز). - ۱۸۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۳۳۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۴۴۱۹-۶۲-۳

۳- مجموعه سوالات طبقه بندی شده و استاتارد فلسفه دوره پیش دانشگاهی - با پاسخ تشریحی. مزده کوهی، فاطمه رائی. - تهران: گل واژه. - ۶۸ ص. - رحلی (شمیز). - ۵۵۰۰ ریال. - چاپ سوم / ۵۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۲۸۲-۲۵۰-۱

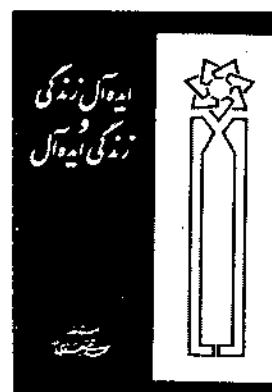
کیهان شناسی (فلسفه طبیعت) ۱۱۳

چاپ اول

۴- ایده آل زندگی و زندگی ایده آل. محمدتقی جعفری تبریزی. - تهران: موسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری. - ۱۳۴ ص. - رقعی (شمیز). - ۴۵۰۰ ریال. - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه. عنوان به لاتین: The ideal life and life - ideal. شابک: ۹۶۴-۶۶۰-۸-۱۰-۸

در این کتاب سلسله مباحثی در باب ویژگی های زندگی ایده آل از علامه محمدتقی جعفری به طبع رسیده است. به زعم وی زندگی ایده آل تکاپویی آگاهانه است و شخصیت انسانی رهبر این تکاپوست. برخی مباحث کتاب عبارتند از: زندگی انسان، تفسیر زندگی با نظر به قلمرو احتیاج ایده آل، تعالی به

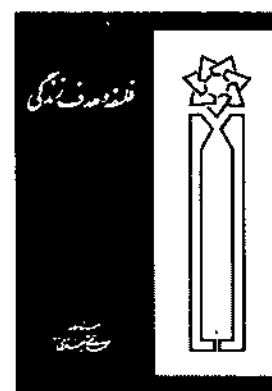
داشتن شخصیت، جریان طبیعی زندگی، جریان آگاهانه زندگی، ایده آل های فردی



و جمعی، ثروت، عشق به زیبایی، مقام و محبت.

چاپ اول

۵- فلسفه و هدف زندگی. محمدتقی جعفری تبریزی. - تهران: موسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری. - ۱۳۲ ص. - رقعی (شمیز). - ۴۵۰۰ ریال. - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه. عنوان به لاتین: Philosophy and aim of life. شابک: ۹۶۴-۶۶۰-۸-۰۹-۴



کتاب حاضر، حاوی مباحثی درباره زندگی است که با مطالبی چون: رواج پوچ گرایی، زمینه های مثبت و منفی حیات، فلسفه و هدف حیات در گذرگاه تاریخ تفکرات بشری و هدف زندگی از دیدگاه مذهب فراهم آمده است. نگارنده، اهداف و فلسفه زندگی را از دیدگاه مکاتب و اندیشمندان دینی و غیر دینی بررسی کرده و ویژگی های زندگی هدفدار را بیان کرده است. آزادسازی انسان از مطلق تراش ها، جدی گرفتن جهان هستی، شناخت ارزش حیات و برخورداری از روشنائی و سعادت از جمله ویژگی های زندگی هدفدار شمرده شده است.

معرفت شناسی (نظریه شناخت) ۱۲۱

۶- سرچشمه های دانایی و نادانی. کارل ریموند پوپر، مترجم: عباس باقری. - تهران: نشر نی. - ۸۸ ص. - رقعی (شمیز). - ۶۰۰۰ ریال. - چاپ دوم / ۲۲۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۳۱۲-۴۷۹-۷

پیرا روانشناسی و علوم غریبه ۱۳۳

چاپ اول

۷- پیشگویی کیهانی (پیشگویی عرفانی شخصی برای قرن بیست و یکم). کی استایفورت، مترجم: فریده مهدوی. - دامنشانی. - تهران: تیر. - ۱۷۶ ص. - رقعی (شمیز). - ۱۵۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۱۵۰۰ نسخه. عنوان به لاتین: Universe cards: personal predictions for the 21st century. شابک: ۹۶۴-۶۵۸۱-۴۰-۴



نگارنده در این کتاب با تائیدی از رکات سیارات و کیهانشناسی برخی پیشگویی ها و طالع بینی ها را یادآور شده همچنین با درج کارتهای مخصوص شیوهای برای این کار فراهم آورده است.

چاپ اول

۸- دیدار با نور. دیان مورسی، مترجم: آذر آفرینان. - تهران: میسرا. - ۱۶۸ ص. - رقعی (شمیز). - ۹۵۰۰ ریال. - چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۵۹۹۸-۵۵-۷



در بخش نخست کتاب مولف از تجربه نزدیک به مرگ خود (NDE) که در اثر یک برق گرفتگی رخ داده بود سخن می گوید. سپس با بیان ماجرای کسانی که در پی جودانی در آستانه مرگ قرار گرفته اند پدیده خروج روح از بدن و مراحل آن را توضیح می دهد. وی در پایان مطالبی مربوط به تجربه پرواز روح از بدن عنوان می کند.

۹- روح و دانش جدید. هانس یورگن ایزنک، [و دیگران]. - محمدرضا غفاری. - تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی. - ۳۶۸ ص. - رقعی (شمیز). - ۱۰۰۰۰ ریال. - چاپ سوم / ۱۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۴۴۰-۳۶۸-۷

۱۰- فال حافظ با معنی. شمس الدین محمد حافظ به اهتمام: کاظم لاهیجی. - تهران: سماء. - ۲۱۶ ص. - جیبی (شمیز). - ۱۴۰۰۰ ریال. - چاپ هفتم / ۵۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۶۸۵۱-۰۱-۰

۱۱- فال حافظ با معنی. شمس الدین محمد حافظ به اهتمام: کاظم لاهیجی. - تهران: سماء. - ۲۱۶ ص. - رقعی (شمیز). - ۱۰۰۰۰ ریال. - چاپ هشتم / ۵۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۶۸۵۱-۰۱-۰

روایاها و رازوارهها ۱۳۵

چاپ اول

۱۲- تعبیر خواب و رویا. کاظم قاسم نیا همدانی. - تهران: پیدایش. - ۳۲۸ ص. - وزیری (شمیز). - ۱۶۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۶۶۹۵-۰۲-۷

تعبیر خواب مشتمل بر مطالبی در باب

تفسیر و تعبیر برخی خواب‌ها و رویاهاست که براساس این تألیفات گردآوری شده است: جوامع / محمد ابن



سیرین، دستور / شیخ ابراهیم کرمانی، آرشاد / جابر مغربی، تعبیر / اسماعیل اشعث و خوابنامه / امام جعفر صادق (ع).

۱۳- تعبیر خواب: تشریح روح و تعبیر و تفسیر رویا و خواب و درمان بوسیله طولانی کردن خواب و ...

حسین نورانی کرمانی - تهران: شرکت سهامی طبع کتاب - ۲۵۶ ص. - رقی (گالینگور) - ۸۰۰۰ ریال - چاپ پانزدهم / ۵۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۶۶۲۰۰۰۲-۷

۱۴- فرهنگ تعبیر خواب: تعبیر بیش از ۱۰۰۰۰ خواب.

گوستاوس هیندمن میلر: مترجم: شیوا پرویزی - تهران: البرز - ۷۶۰ ص. - رقی (شمیز) - ۲۵۰۰۰ ریال - چاپ دوم / ۲۰۰۰ نسخه. عنوان به لاتین: 10,000 dreams interpreted: a complete guide ... شابک: ۹۶۴-۴۴۲-۰۷۶-۴

روانشناسی ۱۵۰

۱۵- احتمالات و آمار کاربردی در روانشناسی و علوم تربیتی.

علی دلاور - تهران: رشد - ۴۵۴ ص. - وزیر (شمیز) - ۲۲۰۰۰ ریال - چاپ چهارم / ۵۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۶۱۱۵-۲۳-۲

۱۶- روان‌شناسی: ویژه دانش-آموزان سال سوم دبیرستان (رشته علوم انسانی) و داوطلبان ورود به دانشگاه. محمود اوحدی، زمینه مصلحتی -

تهران: رزمندگان اسلام - ۱۴۴ ص. - وزیر (شمیز) - ۶۰۰۰ ریال - چاپ چهارم / ۵۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۶۲۱۴-۲۸-۲

۱۷- مجموعه سوالات طبقه‌بندی شده و استاندارد روانشناسی سال سوم نظام جدید با پاسخ تشریحی.

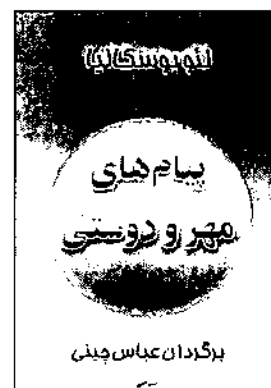
ماه‌نیا قبادیان سوادکوهی - تهران: گل‌واژه - ۵۲ ص. - رحلی (شمیز) - ۵۰۰۰ ریال - چاپ سوم / ۵۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۴۸۲-۲۱۲-۹

ادراک حسی، حرکت، هیجانات و سائقه‌ها ۱۵۲

چاپ اول

۱۸- پیام‌های مهر و دوستی. لئو بوسکالیا: مترجم: عباس چینی - تهران: البرز - ۲۱۴ ص. - رقی (شمیز) - ۱۰۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه. عنوان به لاتین: Love

شابک: ۹۶۴-۴۴۲-۲۵۸-۹



کتاب حاضر شامل مجموعه خطابه‌ها، سخنرانی‌ها و مقاله‌های لئو بوسکالیا استاد دانشگاه کالیفرنیا جنوبی است که در زمینه 'عشق' فراهم آمده است. هنر انسان کامل بودن، درس‌هایی از زندگی، 'خودسازی' و 'عشق و دوستی با دیگران' از جمله عناوین این کتاب هستند. بخشی از کتاب نیز متضمن توصیه‌ها و ویژگی‌های اخلاقی در خصوص دوستان و خویشاوندان است.

چاپ اول

۱۹- نگرش و تغییر نگرش. یوسف کریمی - تهران: ویرایش - ۱۶۶ ص. - رقی (شمیز) - ۹۰۰۰ ریال -

چاپ اول / ۲۲۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۶۱۸۳-۲۱-۹



در کتاب حاضر، مقوله 'نگرش' طی پنج فصل ویژه دانشجویان رشته‌های روان‌شناسی علوم تربیتی و جامعه‌شناسی بررسی و تشریح می‌گردد. نگارنده در فصل نخست، تعریفی از مفاهیم 'نگرش' به دست داده در فصل دوم به نحوه تکوین نگرش‌ها اشاره می‌کند. در فصل سوم، روابط و مناسبات نگرش‌ها با رفتار را به تفصیل شرح می‌دهد. در دو فصل دیگر مباحثی درباره 'یوایی، تغییر و تحول نگرش' فراهم آورده، همچنین روش‌های اندازه‌گیری و سنجش نگرش‌ها را بیان می‌کند. در پایان هر فصل، خلاصه مطالب و پرسش‌هایی به صورت خودآزمایی به چاپ رسیده است.

هوش، عقل و قوای ذهنی ۱۵۳

۲۰- انگیزش و هیجان. محمدکریم خدایانی - تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت) - ۲۶۴ ص. - وزیر (شمیز) - ۷۵۰۰ ریال - چاپ دوم / ۲۰۰۰ نسخه. عنوان به لاتین: Motivation and emotion

شابک: ۹۶۴-۴۵۹-۲۲۰-۴

چاپ اول

۲۱- انگیزه و هیجان. تهیه کننده: بهمن باغبانیشی - تهران: زکات علم - ۲۰۰ ص. - وزیر (شمیز) - ۱۵۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه.

در بخش نخست این کتاب درباره انگیزه‌های مختلف انسان نقش و کارکردهای هر یک توضیح داده شده است. از جمله این انگیزه‌ها عبارتند از: انگیزه گرسنگی، انگیزه تشنگی، انگیزه خواب، انگیزه جمع‌آوری و اکتساب و

انگیزه اجتماعی. در بخش دوم ضمن



بررسی علل و عوامل ایجاد کننده هیجان به دیدگاه‌های برخی روان‌شناسان نیز اشاره شده است.

چاپ اول

۲۲- روان‌شناسی یادگیری (نقد و توضیح نظریه‌های یادگیری). ویلفرد اف. هیل: مترجم: محمدحسین عباسپور تمیجانی - تهران: شهرآب - ۲۶۸ ص. - رقی (شمیز) - ۱۲۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه. عنوان به لاتین: Learning: a survey of psychological interpretations

شابک: ۹۶۴-۳۱۴-۱۴۶-۲



مؤلف در این کتاب با استناد به مباحث علمی به توضیح، نقد و بررسی نظریه‌های یادگیری در نیم قرن گذشته دست زده است. وی نخست چند نظریه ارتباطی را ارزیابی کرده، سپس راه و روش روان‌شناسان را در تفسیر و تشریح پدیده یادگیری نشان داده است. وی در ادامه از چند نظریه ادراکی و نقش آنها در زمینه آموزش و پرورش و روان‌شناسی اجتماعی سخن به میان می‌آورد و در پایان نیز به چند نظریه یادگیری رسمی اشاره می‌کند.

روانشناسی ناخودآگاه و دگرگونی حالت ضمیر ۱۵۴

۲۳- خود هیپنوتیزم بدون استاد. صمد ولیزاده - تهران: نشاء - ۱۶۰ ص. - وزیر (شمیز) - ۱۴۰۰۰ ریال - چاپ سوم / ۳۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۷۰۵۸-۰۴-۷

روانشناسی افتراقی و روانشناسی رشد ۱۵۵

۲۴- ۲۰ آزمون برای شناخت خود.

میشل گوکلن، فرانسواز گوکلن: مترجم: ساعد زمان - تهران: ققنوس - ۲۵۲ ص. - رقی (شمیز) - ۱۲۰۰۰ ریال - چاپ سوم / ۲۰۰۰ نسخه. عنوان به لاتین: 20 tests pour se connaitre

شابک: ۹۶۴-۳۱۱-۱۵۰-۴

۲۵- پیشگامان روان‌شناسی رشد.

ویلیام کرین: مترجم: فرید فدایی - تهران: اطلاعات - ۲۰۶ ص. - وزیر (شمیز) - ۶۰۰۰ ریال - چاپ هفتم / ۲۱۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۳۳۳-۰۹۸-۱

چاپ اول

۲۶- دنیای پسران. مترجم: کتابتون تجلی‌تیم هوش - تهران: پیدایش - ۱۷۶ ص. - رقی (شمیز) - ۸۵۰۰ ریال - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه. عنوان به لاتین: Reine jungensache

شابک: ۹۶۴-۶۶۹۵-۶۴-۷



در این کتاب به مسائل مختلف دوران بلوغ اشاره شده و پس از تجزیه و تحلیل مشکلات خاص این دوره رهنمودهایی در زمینه مسائل بهداشتی، روانی، جسمانی، دوستی، عشق، خانواده، مدرسه، نسل، اوقات فراغت و مواد مخدر به دست داده شده است.

۲۷- رابطه بین والدین و کودکان: راه‌حلهای جدید برای مسائل قدیمی.

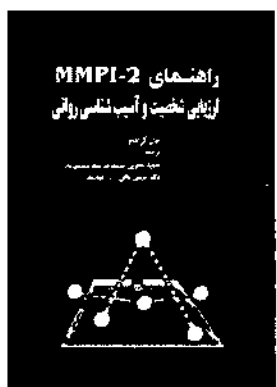
حجیم گینات: مترجم: سیاوش سرتیپی. - تهران: اطلاعات. - ۱۶۸ ص. - وزیری (شمیز). - ۵۰۰۰ ریال. - چاپ یازدهم / ۲۱۰۰ نسخه.

عنوان به لاتین: Between parents and child: new solution to old problems شابک: ۹۶۴-۴۲۳-۱۸۸-۷

چاپ اول

۲۸- راهنمای MMPI-2 [ام.ام.پی.ای - ۲]: ارزیابی شخصیت و آسیب‌شناسی روانی. جان گراهام: مترجم: حمید بقوی. موسی کافی. - تهران: ارجمند. - ۳۱۲ ص. - جلد اول. - وزیری (شمیز). - ۱۹۵۰۰ ریال. - چاپ اول / ۲۲۰۰ نسخه.

عنوان به لاتین: MMPI-2 assessing personality & psychopathology شابک: ۹۶۴-۶۰۹۵-۷۲-۹



در کتاب حاضر طی هفت فصل جنبه‌های مختلف آزمون روانی MMPI-2 یا ارزیابی شخصیت و آسیب‌شناسی روانی بحث و بررسی می‌شود. در فصل اول منطق زیربنایی MMPI-2 و شکل‌گیری آن توضیح داده شده است، در فصل دوم به مواد آزمون MMPI-2 و شیوه‌های اجرا، نمره‌گذاری MMPI-2 اشاره شده و فصل سوم به مقیاس‌های اعتباری اختصاص یافته

است. در فصل چهارم هر ده مقیاس بالینی بررسی شده و برای نمره‌های بالای هر مقیاس استنتاج‌های تفسیری ذکر گردیده است. شکل‌بندی نیم‌رخ‌ها، تفسیر محتوایی و مقیاس‌های تکمیلی عنوان دیگر فصل‌های کتاب به شمار می‌روند.

۲۹- روان‌شناسی رشد (۱ و ۲). جیمز دبلیو. وندرزندن: مترجم: حمزه گنجی. - تهران: بعثت. - ۴۶۴ ص. - وزیری (شمیز). - ۲۰۰۰۰ ریال. - چاپ چهارم / ۳۰۰۰ نسخه.

عنوان به لاتین: Human development شابک: ۹۶۴-۶۰۶۷-۱۵-۸

۳۰- روان‌شناسی رشد (۲) نوجوانی، جوانی و بزرگسالی.

حسین لطف‌آبادی. - تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت). - ۲۸۴ ص. - وزیری (شمیز). - ۷۰۰۰ ریال. - چاپ دوم / ۵۰۰۰ نسخه.

عنوان به لاتین: Developmental psychology (2): adolescence youth and ... شابک: ۹۶۴-۴۵۹-۳۴۱-۳

۳۱- روان‌شناسی شخصیت. یوسف کریمی. - تهران: ویرایش. - ۲۷۸ ص. - وزیری (شمیز). - ۱۴۰۰۰ ریال. - چاپ ششم / ۳۳۰۰ نسخه.

عنوان به لاتین: The psychology of personality شابک: ۹۶۴-۹۰۳۰۶-۴-۶

۳۲- روان‌شناسی کم‌رویی و روشهای درمان به ضمیمه آزمون کم‌رویی.

غلامعلی افروز. - تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی. - ۷۲ ص. - رقی (شمیز). - ۲۰۰۰ ریال. - چاپ چهارم / ۲۵۰۰ نسخه.

عنوان به لاتین: Psychology Of Shyness And Treatment شابک: ۹۶۴-۴۲۲-۴۲۲-۵

چاپ اول

۳۳- روان‌شناسی کودک: چگونه کودک خود را تربیت کنیم (نقش بازی در تسریع و مداخلات کودکان). لوتیس ستمن: مترجم: مهرداد سلطانی. -

تهران: راشد. - ۴۸ ص. - رقی (شمیز). - ۳۵۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه.

عنوان به لاتین: L'enfant difficile yuerit par le jeu شابک: ۹۶۴-۹۲۴۲۸-۲-۱



در جزوه حاضر نقش بازی و فعالیت‌های جسمی در تربیت و مداخلات کودکان به اختصار بیان شده است. بازی و مداخله روحی کودکان، بازی وسیله رفع خستگی و تفریح، بازی آموزشی یا تعلیمات معمولی، و آرامش داخل و خارج از خانه عناوین برخی مطالب کتاب است.

چاپ اول

۳۴- شناخت طبیعت انسان از دیدگاه روان‌شناسی.

آلفرد آدلر: مترجم: والتر بران ولف. طاهره جواهرساز: ویراستار: وجهه دل‌آبادی. - تهران: رشد. - ۲۰۰ ص. - وزیری (شمیز). - ۹۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه.

عنوان به لاتین: Menschenkenntnis = understanding human nature شابک: ۹۶۴-۶۱۱۵-۶۹-۱



هدف از تألیف این کتاب آشنا ساختن عموم مردم با اصول روان‌شناسی فردی است. نگارنده توضیح می‌دهد که چگونه رفتار نادرست هر فرد بر آهنگ زندگی

اجتماعی و گروهی انسان‌ها تأثیر می‌گذارد. وی همچنین سعی دارد به خواننده این نکته را یادآور شود که علاوه بر تشخیص اشتباهات خود تلاش کند در زندگی گروهی با انسان‌ها سازگاری پیدا کند.

چاپ اول

۳۵- عشق سوم: مجموعه مقالات تخصصی پیرامون مسائل کودکان و نوجوانان.

به‌احتمام: چستا یریری. - تهران: نامیرا. - ۲۵۲ ص. - وزیری (مقوایی). - ۱۱۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.

عنوان به لاتین: The third love: a collection of ... شابک: ۹۶۴-۷۱۴۴-۰۰۰-۸



عشق سوم مجموعه مقالاتی تخصصی درباره مسائل کودکان و نوجوانان است که عناوین و نویسندگان برخی از آنها بدین قرار است: نیمان جهانی حقوق کودک / فاطمه قاسمزاده، تصویر جدید بر افسانه‌های کهن / زهره قانیانی، برنامه سازی تلویزیونی برای کودکان و نوجوانان / میترا منصوری، آموزش زبان انگلیسی به کودکان سال‌های آغاز دبستان / شهرزاد صبحی، سینما و کودکان / چستا یریری، ضرورت روان‌شناختی طبقه‌بندی ادبیات کودکان و نوجوانان / محمدرضا رضایی پایندر، آیا مهد کودک خوب است یا بد؟ / گیتی اسماعیلی، و کم آموزان تیزهوش / بهشته نبی‌نشا.

۳۶- مدرسه نامرئی.

علی‌اصغر احمدی. - تهران: سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، انتشارات مدرسه. - ۵۶ ص. - وزیری (شمیز). - ۲۵۰۰ ریال. - چاپ دوم / ۳۰۰۰ نسخه.

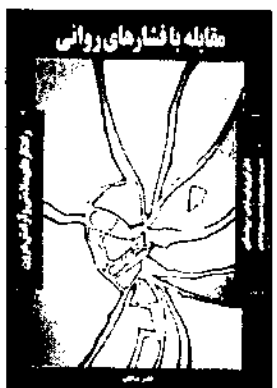
شابک: ۹۶۴-۴۳۶-۲۲۲-۵

۳۷- مقابله با فشارهای روانی: راهکارهای سلامتی و آرامش درون.

لوری لیبدن - رونیستاین، استیون سیناترا: مترجم: مجتبی جزایری: ویراستار: شهلا ارزنگ. - تهران: پیکان. - ۲۶۲ ص. - رقی (شمیز). - ۱۴۵۰۰ ریال. - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه.

عنوان به لاتین: The stress management handbook: strategies for health ... شابک: ۹۶۴-۳۳۸-۰۷۶-۲

چاپ اول



در این کتاب با ارائه مثال و تمرین‌های متعدد، چگونگی مقابله با فشارهای روانی با اشاره به راهکارهای سستی و آخرین دستاوردهای روان‌شناختی تشریح می‌شود. استرس چیست و چگونه می‌توانیم آن را کنترل کنیم؟، تحقیقات در مورد استرس چه می‌گویند؟، برخورد کردن با ذهن و جسم به عنوان یک واحد، نقش افکار، اعتقادات و احساسات و غلبه بر حمله‌های ترس و وحشت بدون دارو عناوین برخی از مباحث کتاب است.

۳۸- مقدمه‌ای بر روان‌شناسی زن (با نگرشی علمی و اسلامی).

مجتبی هاشمی‌رکانندی. - قم: شفق. - ۲۵۶ ص. - وزیری (شمیز). - چاپ سوم / ۴۰۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۴۸۵-۰۲۱-۱

۳۹- نظریه‌های شخصیت، یا، مکاتب روان‌شناسی.

علی‌اکبر سیاسی. - تهران: دانشگاه تهران، موسسه چاپ و انتشارات. - ۳۲۴ ص. - وزیری (شمیز). - ۱۲۵۰۰ ریال. - چاپ هشتم / ۳۰۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۰۳۰۴۰۵۲-۷

۴۰- ۱۱ آزمون برای شناخت دیگران.
میشل گوکلن، فرانسواز گوکلن: مترجم: ساعد زمان - تهران: ققنوس - ۲۱۶ ص. - رقمی (شمیز) - ۱۰۰۰۰ ریال - چاپ سوم / ۲۰۰۰ نسخه.
عنوان به لاتین:

11 [onze] tests pour connaître les autres
شابک: ۹۶۴-۳۱۱-۱۵۱-۲

روانشناسی عملی

۱۵۸

چاپ اول

۴۱- آرامش فوری: ۱۰۰ شیوه آسان و عملی برای آرام کردن جسم و روح.
پل ویلسون: مترجم: توراندخت تمدن (مالکی): ویراستار: ارمان جزایری. - تهران: پیکان - ۲۸۴ ص. - رقمی (شمیز) - ۱۷۵۰۰ ریال - چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه.
عنوان به لاتین:

Instant calm: over 100 successful techniques ...
شابک: ۹۶۴-۳۲۸-۰۶۷-۵



کتاب در بردارنده شیوه‌ها و روش‌های کسب آرامش و کاهش تنش‌ها و نگرانی‌های روزمره است که با استفاده از تمرین‌ها و حرکات ورزشی عرضه شده است. نگارنده ضمن بررسی جنبه‌های روانی برخی اضطراب‌ها و استرس‌ها شیوه‌های درمانی خاصی نظیر: مراقبه، فشار درمانی، ماساژ، خود هیپنوتیزمی، ورزشی، رژیم غذایی و گیاه درمان را پیشنهاد می‌نماید.

۴۲- اعتماد به نفس در ۱۰ روز.
مجنتی حورایی: ویراستار: فریبا نوری. - تهران: دکلمه گران - ۱۷۰ ص. - جلد اول. - رقمی (شمیز) - ۶۰۰۰ ریال - چاپ پانزدهم / ۲۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۹۱۴۵-۵-۲

۴۳- اندیشه‌های الهام‌بخش مدیریت بر: خود، خانواده، دوستان، کارکنان، مشتریان، رقبا، فروش و ...
پرومود بترامترجم: مهدی قراچه‌داغی. - تهران: نخستین - ۲۸۸ ص. - رقمی (شمیز) - ۱۴۵۰۰ ریال - چاپ اول / ۲۳۰۰ نسخه.
عنوان به لاتین:

Management thought
شابک: ۹۶۴-۶۷۱۶-۴۱-۵

چاپ اول



اندیشه‌های الهام‌بخش مشتمل بر ۱۱۶۸ سخن و گفتار کوتاه است که طی ده موضوع اصلی تنظیم شده است. این سخنان، عمدتاً در ارتباط با نحوه برقراری روابط با دیگران، خودشناسی و راه‌های موفقیت و سعادت است. عناوین موضوعات عبارت‌اند از: مدیریت بر خود، اداره خانواده، دوست‌یابی، مدیریت بر کارکنان، برخورد با مشتریان، رقابت، مدیریت فروش، خدمات، مدیریت بازاریابی، توجه به سلامتی و خوشبختی و مدیریت بر اندیشه.

۴۴- تکنولوژی و مهندسی فکر.
محمدعلی حقیقی: با همکاری: سحر مشوف. - تهران: فراوان - ۳۱۲ ص. - رقمی (شمیز) - ۱۲۵۰۰ ریال - چاپ دوم / ۲۰۰۰ نسخه.
عنوان به لاتین:

Technology and engineering of thought
شابک: ۹۶۴-۶۱۲۵-۳۱-۵

۴۵- تو همه اندیشه‌ای.
داک هوپر: مترجم: مهدی قراچه‌داغی: ویراستار: ارمان جزایری. - تهران: پیکان - ۱۶۸ ص. - رقمی (شمیز) - ۸۰۰۰ ریال - چاپ دوم / ۲۰۰۰ نسخه.
عنوان به لاتین:
You are what you think
شابک: ۹۶۴-۳۲۸-۰۸۱-۰

۴۶- خودشناسکوفایی و خود ویرانگری: نیروهای نهفته درونی را شکوفا کنیم.
ساموئل وارنر: مترجم: ثریا پاک‌نظر. - تهران: گام‌نوس - ۲۳۲ ص. - رقمی (شمیز) - ۱۲۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه.
عنوان به لاتین:

Self - realization and self - defat
شابک: ۹۶۴-۹۲۲۹۲-۱-۲

چاپ اول



خودشناسکوفایی و خود ویرانگری دو اصطلاح روان‌شناسی است که در این کتاب، نقش و تاثیر این دو تحلیل و ارزیابی می‌شود. عناوین فصل‌های کتاب به این شرح است: الگوهای خود تخریبی، خشم سرکوب شده، حمله‌های اضطراب، دام‌های قدرت، قدرت و خود تخریبی، تسلیم در برابر احساس گناه، تلاش برای موفقیت، مطرح بودن و روش خلاق، الگوهای تکرار شونده و شکست و روان درمانی و الگوهای خود تخریبی.

۴۷- درمان با عرفان: روان‌شناسی اعجاز و الهام و اشراق و کشف شهود و پینشن عرفانی: راهی برای نیل به تحول نفس.

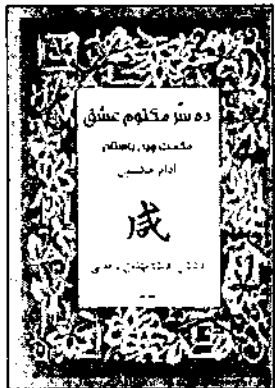
وین دایر: مترجم: جمال هاشمی. - تهران: شرکت سهامی انتشار - ۲۴۴ ص. - رقمی (شمیز) - ۱۵۰۰۰ ریال - چاپ چهارم / ۵۰۰۰ نسخه.
عنوان به لاتین:

You'll see it when you believe it
شابک: ۹۶۴-۵۷۳۵-۷۷-۷

چاپ اول

۴۸- ده سر مکثوم عشق (تعالیمی عرفانی از چین باستان برای بهبود بخشیدن به زندگی معنوی).
آدام جیکسون: مترجم: فریده مهدوی -

دامغانی. - تهران: تیر - ۱۹۲ ص. - رقمی (شمیز) - ۹۵۰۰ ریال - چاپ اول / ۱۵۰۰ نسخه.
عنوان به لاتین:
Ten secrets of abundant love
شابک: ۹۶۴-۶۵۸۱-۲۹-۳



ده سر مکثوم عشق مشتمل بر تعالیمی عرفانی از چین باستان است که برای بهبود بخشیدن به زندگی معنوی و ایجاد روابط عاطفی بین اشخاص فراهم آمده است. عناوین برخی از تعالیم ده گانه بدین قرار است: قدرت اندیشه، قدرت احترام گذاردن به دیگران، قدرت و نتایج بذل و بخشش، قدرت دوستی، قدرت برقراری ارتباط، و قدرت تمهید. این تعالیم در قالب داستان و خاطره بیان شده است. گردآورنده بر این باور است که برخلاف نظریات و اعتقادات عمومی، عشق نتیجه سرنوشت و یا خوش شانس نیست. به همان اندازه، خبری نیست که انسان بتواند ناگهان به آن دچار (یا مبتلا) شود، و دوباره به همان سهولت از آن حالت بیرون آید. بلکه بیشتر چیزی است که انسان خود به خلق کردن آن مبادرت می‌ورزد، و آن را می‌آفریند.

چاپ اول

۴۹- ده فرمان برای حرمت به خویش.
کاترین کاردینال: مترجم: گیتی خوشدل. - تهران: پیکان - ۱۹۲ ص. - رقمی (شمیز) - ۱۰۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه.
عنوان به لاتین:

The ten commandments of self-esteem
شابک: ۹۶۴-۳۲۸-۰۷۵-۶

این کتاب دارای دو بخش است. مولف در بخش اول همانند ده فرمان موسی که نخستین هدفش تصحیح خطا یا برعکس نگاه داشتن از گناه بود، شیوه‌هایی برای حرمت به خویش را عرضه می‌کند.

مولف در بخش دوم طی ۲۶۵ پرسش درباره ارزش‌ها، اصول، باورها، زندگی،



عشق، پول، رابطه زن‌اشویی، هویت، سخاوت و نظایر آن می‌کوشد تا مخاطبان را در راه شناخت خود و دیگران یاری دهد.

چاپ اول

۵۰- رازهای موفقیت.
عباس نجفی. - تهران: توفیقان - ۱۶ ص. - جیبی (کلاس) - ۴۵۰۰ ریال - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۷۳۲۱-۰۰۰-۷



در این جزوه، هفت توصیه، به منظور موفقیت در امور روزمره زندگی به اختصار عرضه شده است. عناوین برخی توصیه‌ها چنین است: چیزی به نام شکست وجود ندارد. حاصل هر تجربه‌ای فقط یک نتیجه است، مسئولیت هر اتفاقی را به گردن بگیرد زیرا خود خالق دنیای خویش هستید، و هیچ وقت موفقیت پایداری، بدون پشتکار به دست نمی‌آید.

۵۱- روان‌شناسی کار.
مرتضی مقیمی پور. - تهران: آزاده. - ۲۳۲ ص. - وزیری (شمیز) - ۱۴۰۰۰ ریال - چاپ دوم / ۳۰۰۰ نسخه.
عنوان به لاتین:
Work psychology
شابک: ۹۶۴-۶۲۰۴-۵۲-X

۵۲ روانشناسی ابراز وجود: حق مسلم شما = Your perfect right

رابرت البرتی، مایکل امونز: مترجم: مهدی قراچه‌داغی. - تهران: علمی. - ۲۴۰ ص. - رقی (شمیز). - ۱۳۰۰۰ ریال. - چاپ دوم / ۲۲۰۰ نسخه.

عنوان به لاتین: Your perfect right: a guide to assertive living
شابک: ۹۶۴-۵۵۲۴-۵۹-۸

۵۳ روانشناسی تنبلی

ادوانس پلس: مترجم: مهدی قراچه‌داغی. - تهران: دایره. - ۲۲۴ ص. - رقی (شمیز). - ۱۰۰۰۰ ریال. - چاپ پنجم / ۳۰۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۶۸۳۹-۲۲-۳

۵۴ زندگی به روایت بودا مجموعه‌ای از سخنان و تعالیم آچاریا، فیلسوف هندی

گورو آچاریا: مترجم: شهرام قاندری. - تهران: آویژه. - ۱۶۰ ص. - رقی (شمیز). - ۷۵۰۰ ریال. - چاپ سوم / ۲۲۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۶۶۵۲-۰۵-۰

چاپ اول

۵۵ سر رشته زندگی خود را در دست بگیرید

وین دایر: مترجم: محمدرضا آل‌یاسین. - تهران: هامون. - ۳۶۰ ص. - رقی (شمیز). - ۱۶۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه.

عنوان به لاتین: Pulling your own strings

شابک: ۹۶۴-۶۵۳۸-۱۳-۴



نگارنده در این کتاب از موانع و خطرات زندگی، همچنین از دام‌های متعددی سخن می‌گوید که برخی برای سوء-

استفاده افراد گسترانیده‌اند. وی در ادامه علاوه بر تشریح رهنمودهایی برای پرهیز از سوءاستفاده دیگران و قدرت‌های مختلف، طی آزمون‌هایی مخاطبان را یاری می‌کند تا ظرفیت و توانایی خود را به بوته آزمایش گذاشته و عادات، حالات و رفتار خود را تحت کنترل درآورند. برخی از مباحث کتاب به این شرح است: از موضع قدرت عمل کنید، رهایی از قید و بند گذشته، گریز از دام مقایسه، اهمیت تعادل در کار و زندگی و اخلاقه زیستن در هر زمان و در هر کجا.

چاپ اول

۵۶ سوپ جوجه برای روح: ۷۰ داستان کوتاه برای تلطیف و تقویت روحیه

جک کنفیلد، مارک ویکتور هنسن: مترجم: علی اکبر راستکار محمودزاده. - تبریز: فروغ آزادی. - ۲۴۴ ص. - جلد دوم. - رقی (شمیز). - ۹۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۹۰۷۰-۳-۴



هفتاد داستان کوتاه در باب شیوه‌های تلطیف و تقویت روحیه در این کتاب گردآمده است. این داستان‌ها که از قول دانشمندان، ادبا و نویسندگان خارجی نقل شده ذیل هشت موضوع سامان یافته است: عشق، وظایف پدر و مادری، تعلیم و تربیت، مرگ و رحلت، شیوه نگرش و برخورد، روایا، غلبه بر مشکلات و موانع و خرد.

۵۷ کلید طلایی ارتباطات

کریس کول: مترجم: محمدرضا آل‌یاسین. - تهران: هامون. - ۲۰۰ ص. - رقی (شمیز). - ۹۰۰۰ ریال. - چاپ ششم / ۳۰۰۰ نسخه.

عنوان به لاتین: Crystal clear communication

شابک: ۹۶۴-۴۸۲-۲۰۷-۲

شابک:

۹۶۴-۶۵۳۸-۰۱-۰

چاپ اول

۵۸ مدیریت عوامل روانی - اجتماعی محیط کار

زیر نظر: رایجا کالیمو، مصطفی بطوی، کری لین کوپر: مترجم: محمدتقی براهنی. - تهران: رنانش. - ۲۷۲ ص. - وزیری (شمیز). - ۱۳۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه.

عنوان به لاتین: Psychosocial factors at work and their relation to health

شابک: ۹۶۴-۷۱۸۲-۰۱-۵



مجموعه حاضر حاوی مقالاتی است درباره فشار روحی و ارتقای بهداشت روانی که عناوین برخی از آنها به این شرح است: مسائل روانی - اجتماعی سلامت کارکنان در کشورهای در حال توسعه، م.الیطوی، پاسخ‌های روان - شناختی و رفتاری به استرس شغلی، ر.کالیمو، واکنش‌های عصبی - فیزیولوژیایی به استرس / ج.ا.ف. لوهانلون، اختلال‌های روانی وابسته به فعالیت شغلی / م.دالخوا، واکنش‌های کارمندان و کارگران به استرس / کال. کوپر، حساسیت فردی و مقاومت در برابر استرس روانی / رس. لازاروس، نیوند سن و جنس با استرس محیط کار / هاجیولوا، نقش کارشناس بهداشت حرفه‌ای در محیط کار / ا.امکلین.

منطق

۱۶۰

۵۹ مجموعه سوالات طبقه‌بندی شده و استاندارد منطق سال سوم نظام جدید

مژده کوهی. - تهران: گل واژه. - ۵۶ ص. - رحلی (شمیز). - ۵۰۰۰ ریال. - چاپ سوم / ۵۰۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۴۸۲-۲۰۷-۲

فلسفه شرق

۱۸۱

۶۰ آشنایی با علوم اسلامی: منطق - فلسفه

مرتضی مطهری. - تهران: صدرا. - ۲۲۸ ص. - جلد اول. - رقی (شمیز). - ۶۰۰۰ ریال. - چاپ بیست و ششم / ۱۰۰۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۵۶۰۰-۰۲-۲

چاپ اول

۶۱ اصول حکمت اسلامی و دیدگاه‌های فلسفه بشری

محمدتقی مدرسی: مترجم: حمیدرضا آویزه. - تهران: محبان الحسین (ع). - ۳۲۸ ص. - وزیری (شمیز). - ۹۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۵۶۴۸-۶۸-۸



در بخش نخست کتاب به مقوله تفاوت‌های بنیادین میان فلسفه و دین اشاره شده و از تاریخ فلسفه و برجستگی‌های حکمت الهی سخن به میان آمده است. بخش دوم شامل مباحثی است درباره علم، عقل، حدود علم، گردنه‌هایی در راه علم و منابع فلسفه اسلامی. در بخش سوم مطالبی درباره زوایای منفی فلسفه و دستاوردهای مثبت حکمت الهی عنوان می‌شود.

۶۲ بدایه الحکمه به شیوه پرسش و پاسخ

محمدباقر سعیدی: روشن. - قم: دارالفکر. - ۱۳۰ ص. - وزیری (شمیز). - ۳۵۰۰ ریال. - چاپ دوم / ۲۰۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۶۰۱۲-۰۰۰-۰

۶۳ شعاع اندیشه و شهود در فلسفه سهروردی

غلامحسین ابراهیمی: دینانی. - تهران: حکمت. - ۷۱۲ ص. - وزیری (شمیز). -

۲۹۰۰۰ ریال. - چاپ پنجم / ۱۰۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۵۶۱۶-۵۳-۰

۶۴ نهایه الحکمه

محسن غرویانی. - قم: دارالفکر. - ۱۷۶ ص. - وزیری (شمیز). - ۵۰۰۰ ریال. - چاپ دوم / ۲۰۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۶۰۱۲-۳۳-۷

فلسفه غرب در قرون وسطی

۱۸۹

چاپ اول

۶۵ آفاق فلسفه از عقل ناب تا حکمت احکام: گفتگوهای با دکتر مهدی حائری یزدی

به‌اهتمام: مسعود رضوی. - تهران: فرزاد. - ۱۹۴ ص. - رقی (شمیز). - ۱۰۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۲۲۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۳۲۱۰-۵۹-۶



کتاب حاضر، از مجموعه کتاب‌های 'مطالعات اجتماعی' است که با عنوان 'آفاق فلسفه از عقل ناب تا حکمت احکام' به چاپ رسیده است. این کتاب، شامل هفت گفت و گو با دکتر مهدی حائری یزدی (۱۳۰۲ - ۱۳۷۸) در باب فرهنگ اسلامی و فلسفه غربی است که همراه با چهار مقاله درباره اندیشه‌های است. عناوین گفت و گوها عبارتند از: 'فلسفه، پی‌جویی حقیقت و هستی'، 'بررسی کلی فلسفه اسلامی'، 'آنتولوژی یا هستی‌شناسی برین'، 'بنیادهای معرفت‌شناسی و هستی‌شناختی سیاست'، 'حکومت مفهومی جز وکالت شهروندان نیست'، 'علم اصول و فلسفه تحلیلی' و 'حکمت احکام فقهی'. در پایان کتاب مقالات یاد شده در قالب ضمیمه عرضه

شده است. سید حسین نصر و سید رضوی نگارنده این مقالات هستند.

فلسفه معاصر غرب

۱۹۰

۶۶- کلیات فلسفه: فلسفه چیست؟ - علم اخلاق - فلسفه سیاسی - فلسفه اولی (مابعدالطبیعه) - ...

ریچارد هرنزی پاپکین، آوروام استرول مترجم: جلال الدین مجتبیوی - تهران: حکمت - ۴۶۴ ص. - وزیری (شمیز) - ۱۹۰۰۰ ریال - چاپ شانزدهم / ۲۰۰۰ نسخه.

عنوان به لاتین: Philosophy made simple شابک: ۹۶۴-۵۶۱۶-۰۱-۸

فلسفه بریتانیا

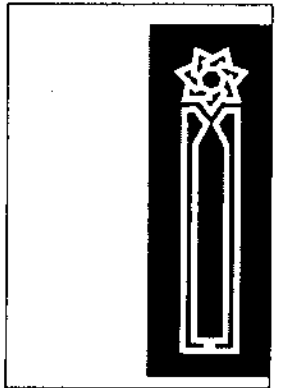
۱۹۲

چاپ اول

۶۷- بررسی و نقد نظریات دیوید هیوم در چهار مساله فلسفی.

محمدتقی جعفری تبریزی - تهران: موسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری - ۱۸۰ ص. - رفق (شمیز) - ۵۵۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۹۰۶۴۲-۵-۷



در این نوشتار، تفکرات 'دیوید هیوم' فیلسوف و نقاد اسکاتلندی در چهار مقوله فلسفی آندیشه و مفاهیم مجرد، 'خویشن (من)'، 'علیت' و 'هست‌ها و بایست‌ها' بررسی و نقد شده است. نگارنده با مروری بر اندیشه‌های هیوم و روش معرفتی وی (روش حس‌گرایی) نقاط ضعف و قوت آن را با استناد به آرا و اندیشه‌های علمای مغرب زمین تبیین می‌کند. وی در خاتمه با رجوع به آیات قرآن کریم، معرفت دینی را به مثابه یکی از راه‌های شناخت تشریح می‌نماید. نگارنده ضمن بررسی علمی روش حس‌گرایی افراطی هیوم، سعی دارد جنبه‌های

روانی آن را با توسل به آرای برتراند راسل، وایتهد و دیگران ارزیابی کند.

چاپ اول

۶۸- توضیح و بررسی برتراند راسل - وایتهد.

محمدتقی جعفری تبریزی - تهران: موسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری - ۳۲۸ ص. - رفق (شمیز) - ۸۰۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه.

عنوان به لاتین: Explanaton and researching about russell-wyatt aloge شابک: ۹۶۴-۵۶۰۸-۱۷-۵

نمایه عنوان

آرامش فوری: ۱۰۰ شیوه آسان و عملی برای آرام کردن جسم و روح ۴۱ آشنایی با علوم اسلامی: منطق - فلسفه ۶۰

افاق فلسفه از عقل ناب تا حکمت احکام: گفتگوهای با دکتر مهدی حائری یزدی ۶۵ آموزش گام به گام فلسفه اسلامی: دوره پیش‌دانشگاهی ۱ احتمالات و آمار کاربردی در روانشناسی و علوم تربیتی ۱۵ اصول حکمت اسلامی و دیدگاه‌های فلسفه بشری ۶۱

اعتماد به نفس در ۱۰ روز ۲۲ اندیشه‌های الهام‌بخش مدیریت بر: خود، خانواده، دوستان کارکنان، مشتریان، رقبا، فروش و ... ۴۳ انگیزش و هیجان ۲۰ انگیزه و هیجان ۲۱

ایده‌آل زندگی و زندگی ایده‌آلی ۴ بنایه الحکمه به شیوه پرسش و پاسخ ۶۲ بررسی و نقد نظریات دیوید هیوم در چهار مساله فلسفی ۶۷ ۲۰ آزمون برای شناخت خود ۲۴

پیام‌های مهر و دوستی ۱۸ پیشگامان روان‌شناسی رشد ۲۵ پیشگویی کیهانی (پیشگویی عرفانی شخصی برای قرن بیست و یکم) ۷ تعبیر خواب و رویا ۱۲ تعبیر خواب: تشریح روح و تعبیر و تفسیر رویا و خواب و درمان بوسیله طلسماتی کردن خواب و ... ۱۳ تکنولوژی و مهندسی فکر ۴۴ تو همه اندیشه‌ای ۴۵

توضیح و بررسی برتراند راسل - وایتهد ۶۸ خود هیپنوتیزم بدون استاد ۲۳ خودشکوفایی و خودپرانیگری: نیروهای

نهفته درونی را شکوفا کنیم ۴۶ درسان یا عرفان: روان‌شناسی اعجاز و الهام و اشراق و کشف شهود و بینش عرفانی: راهی برای نیل به تحول نفس

۴۷

دنیای پسران ۲۶ ده سر مکتوم عشق (تعالیمی عرفانی از چین باستان برای بهبود بخشیدن به زندگی معنوی) ۴۸

ده فرمان برای حرمت به خویش ۴۹ دیدار با نور ۸

رابطه بین والدین و کودکان: راه‌های جدید برای مسائل قدیمی ۲۷

رازهای موفقیت MMPI-2 (ام‌ام‌پی‌ای - ۲) ۵۰

راهنمای ارزیابی شخصیت و آسیب‌شناسی روانی ۲۸

روان‌شناسی رشد (۲۰۱) ۲۹ روان‌شناسی کار ۵۱

روان‌شناسی: ویژه دانش‌آموزان سال سوم دبیرستان (زشته علوم انسانی) و داوطلبان ورود به دانشگاه ۱۶ روان‌شناسی ابراز وجود: حق مسلم شما = Your perfect right ۵۲

روانشناسی تنبلی ۵۳ روان‌شناسی رشد (۲) نوجوانی، جوانی و بزرگسالی ۳۰

روانشناسی شخصیت ۴۱ روان‌شناسی کمروری و روش‌های درمان به ضمیمه آزمون کمروری ۳۲

روانشناسی کودک: چگونه کودک خود را تربیت کنیم (نقش بازی در تربیت و مناوای کودکان) ۳۳

روان‌شناسی یادگیری (نقد و توضیح نظریه‌های یادگیری) ۲۲

روح و دانش جدید ۹ زندگی به روایت بودا 'مجموعه‌ای از سخنان و تعالیم آچاریا، فیلسوف هندی'

۵۴ سر رشته زندگی خود را در دست گیرید ۵۵

سرچشمه‌های دلبانی و نادانی ۶ سوپ جوجه برای روح: ۷۰ داستان کوتاه برای تلطیف و تقویت روحیه ۵۶

شعاع آندیشه و شهود در فلسفه سهروردی ۶۳

شناخت طبیعت انسان از دیدگاه روان - شناسی ۲۴

عشق سوم: مجموعه مقالات تخصصی پیرامون مسائل کودکان و نوجوانان ۳۵

قال حافظا با معنی ۱۱-۱۰ فرهنگ تعبیر خواب: تعبیر بیش از ۱۴۰۰۰ خواب ۱۴

فلسفه و منطق: منطق سال سوم، فلسفه سال سوم، فلسفه اسلامی پیش-دانشگاهی ۲

فلسفه و هدف زندگی ۵ کلیات فلسفه: فلسفه چیست؟ - علم

اخلاق - فلسفه سیاسی - فلسفه اولی (مابعدالطبیعه) - ... ۶۶

کلید طلایی ارتباطات ۵۷

مجموعه سوالات طبقه‌بندی شده و استاندارد روانشناسی سال سوم نظام جدید 'با پاسخ تشریحی' ۱۷

مجموعه سوالات طبقه‌بندی شده و استاندارد فلسفه دوره پیش‌دانشگاهی 'با پاسخ تشریحی' ۲

مجموعه سوالات طبقه‌بندی شده و استاندارد منطق سال سوم نظام جدید ۵۹

مدرسه نامرئی ۲۶ مدیریت عوامل روانی - اجتماعی محیط کار ۵۸

مقایله با فشارهای روانی: راهکارهای سلامتی و آرامش درون ۳۷

مقدمه‌ای بر روانشناسی زن (با نگرشی علمی و اسلامی) ۲۸

نظریه‌های شخصیت، یا، مکاتب روانشناسی ۳۹

نگرش و تغییر نگرش ۱۹

نهایه الحکمه ۶۴ ۱۱ آزمون برای شناخت دیگران ۴۰

نمایه پدیدآور

آچاریا، گورو ۵۴ اذکر، انفراد ۳۴

آزربان، آذر ۸ اژیر، حمیدرضا ۶۱

آل یاسین، محمدرضا ۵۷-۵۵ آل‌ننگ، هانس یورگن ۹

ابراهیمی‌دینانی، غلامحسین ۶۳ احمدی، علی اصغر ۳۶

ارزنگ، شهلا ۳۷ استایفورت، کی ۷

استرول، آوروام ۶۶ اف‌هیل، ویفرد ۲۲

افروز، غلامعلی ۳۲ الپرتی، رابرت ۵۲

امونز، مایکل ۵۲ اوحدی، محمود ۱۶

باغبانیشی، بهناز ۲۱ باقری، عباس ۶

بقری، عباس ۶۳ بترا، پرومود ۴۳

براهنی، محمدتقی ۵۸ بطولی، مصطفی ۵۸

بلس، ادوانس ۵۳ بوسکالیا، لئو ۱۸

پاپکین، ریچارد هنری ۶۶ پاک‌نظر، ثریا ۳۶

پرویزی، شیوا ۱۴ پوپر، کارل ریموند ۶

تجلی، کتابون ۲۶ تمدن (مالکی)، توراندخت ۴۱

جزایری، ارمان ۴۵-۴۱ جزایری، مجتبی ۳۷

جعفری تبریزی، محمدتقی ۶۷-۶۷-۶۸ جکسون، آدام ۴۸

جواهرساز، طاهره ۳۴ چینی، عباس ۱۸

حافظا، شمس‌الدین محمد ۱۱-۱۰ حقیقی، محمدعلی ۴۴

حورایی، مجتبی ۴۲ خداپناهی، محمدکریم ۲۰

خوشدل، گیتی ۴۹ داودآبادی، وجیهه ۳۴

دایر، وین ۵۵-۴۷ دلاور، علی ۱۵

رانی، فاطمه ۲ راستکار، محمودزاده، علی اکبر ۵۶

رضوی، مسعود ۶۵ زمان، ساعد ۴۰-۲۴

سستم، لوتیس ۳۳ سرتیبی، سیاوش ۲۷

سیدی‌روشن، محمدباقر ۶۲ سلطانی، مهرنار ۳۳

سیاسی، علی اکبر ۳۹ سیناترا، استیون ۳۷

صفادل، لیلا ۱ عباسپور تمیجانی، محمدحسین ۲۲

غرویانی، محسن ۶۴ غفاری، محمدرضا ۹

قدایی، فرید ۲۵ قاسم‌نیا مهدانی، کاظم ۱۲

قائدی، شهرام ۵۴ قبادیان‌سوادکوهی، ماهیا ۱۷

قراچه‌داغی، مهدی ۵۳-۵۲-۴۵-۴۳ کاردینال، کاترین ۳۹

کافی، موسی ۲۸ کالیمو، رایجا ۵۸

کریمی، محمد ۲ کریمی، یوسف ۳۱-۱۹

کرین، ویلیام ۲۵ کفیلک، جک ۵۶

کوبز، کری لین ۵۸ کول، کریس ۵۷

کوهی، مزده ۵۹-۳ امونز، مایکل ۵۲

گراهام، جان ۲۸ گنجی، حمزه ۲۹

گوکلان، فرانسواز ۴۰-۲۴ گوکلان، میشل ۴۰-۲۴

گیتا، حبیب ۲۷ لاهیجی، کاظم ۱۱-۱۰

لطفا آبادی، حسین ۳۰ لین - رابنستاین، لوری ۳۷

مجتبیوی، جلال‌الدین ۶۶ مدرسی، محمدتقی ۶۱

مشعوف، سحر ۴۴ مصلحی، زبینه ۱۶

مطهری، مرتضی ۶۰ مقدمی، پور، مرتضی ۵۱

موریسی، دیان ۸ مهدوی‌دامغانی، فریده ۴۸-۷

میار، گوستاوس هیندمن ۱۴